فرهنگِ دودوییِ جامعِ وزن‌هایِ شعرِ پارسی



تقدیم به پینگالا (Pingala)

ریاضی دان و عروض‌دان هند باستان

کاشف اعداد دودویی

کاشف ارتباط وزن کمی و اعداد دودویی

فرهنگِ دودوییِ جامعِ وزن‌هایِ شعرِ پارسی

مقدمه ای بر نشر الکترونیک این اثر

هدف این کتاب ، گردآوری و طبقه بندی کلیه اوزان عروضی بر مبنای کد وزنی است تا پژوهشگران عروض بتوانند به راحتی یک لغت نامه وزن مورد نظر خود را در آن بیابند.

نسخه قبلی این کار کتاب «عروض دودویی» (ابوالحسنی،۱۳۹۷) بود که بر مبنای کد وزنی اعداد دهدهی اقدام به طبقه‌بندی وزن‌ها کرده بود. این کد وزنی اگر چه به شکل اعداد مرسوم است و به همین دلیل درک آن ساده است اما از نظر فنی بهتر است کدهای وزنی، با اعداد غیر مرسوم مبنای شانزده بیان شوند. علاوه بر این موضوع ، بعد از انتشار کتاب عروض دودویی، کتاب‌های ارزشمند بیشتری در حوزه عروض نوشته شد و وزن‌های بیشتری در عروض فارسی معرفی شد و به این دو دلیل تصمیم به بازنویسی آن اثر در شکل فعلی شد.

لازم به ذکر است این کتاب تنها مدعی بسترسازی برای طبقه بندی وزن است و داده گذاری علمی در این جدول احتیاج به همکاری عروضیان و ادیبان دارد و شکل فعلی و محتویات پرونده هر وزن می‌تواند با نظر صاحب‌نظران تغییر یابد و نگارنده دست یاری به سوی تمامی عزیزان دراز می‌کند تا نسبت به ویرایش و تکمیل این فرهنگ اقدامات لازم صورت پذیرد.

لازم به ذکر است که این این کتاب به شکل وب‌سایت به آدرس https://sites.google.com/view/noarooz (فیلتر شده) در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد و این کتاب نسخه اولیه وب‌سایت خواهد بود و بروزرسانی‌ها تنها در وب‌سایت انجام خواهد شد.

-
- انتشار الکترونیک این کتاب رایگان است.
- خواهشمند است انتقادات و پیشنهادات خود را نسبت به این فرهنگ به ایمیل زیر ارسال نمایید : naghi.abolhasani@googlemail.com

سیدنقی ابوالحسنی

۱۴۰۴/۱۰/۰۵

فرهنگِ دودوییِ جامعِ وزن‌هایِ شعرِ پارسی

فهرست

فرهنگِ دودوییِ جامعِ وزن‌هایِ شعرِ پارسی

درآمد

از وزن نپرسید که بیرون ز شمارست مفعول مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیل

(خواجو)

گردآوری کلیه وزن‌های موجود شعر فارسی در یک «فرهنگ جامع وزن‌های شعر فارسی» رویای بسیاری از عروضیان بوده است ، یک فرهنگ عروضی که کلیه وزنها به شیوه ای علمی در آن طبقه بندی شده باشند و هر وزن در آن به راحتی (مانند یافتن یک لغت در لغت‌نامه) قابل یافتن باشد و در صورت یافتن یک وزن جدید بتوان آن را در جای مشخص در فرهنگ جای داد.

به طور مثال وقتی در شهریور ۱۳۳۳ هوشنگ ابتهاج، شعر «ترانه» را بر وزن «فاعِلاتُ فاعِلاتُ فاعِلاتْ» سرود :

تا تو با منی زمانه با من است بخت و کام جاودانه با من است ...

این وزن برای جامعه ادبی بسیار تازه به نظر می‌رسید. این وزن «ظاهرا تا آن زمان در شعر فارسی سابقه نداشته است، زیرا نه در دواوین شعرای متقدم و نه ظاهرا در کتب عروض شعری یافت نمی‌شد که مبتنی بر تکرار پایه «فاعِلاتُ» باشد ... «ترانه» به سرعت در زبانها افتاد و هوشنگ ابتهاج را نه تنها مبدع وزنی تازه بلکه خالق پایه جدید «فاعِلاتُ» (به صورت مکرر) در شعر فارسی دانستند. » (نجفی ۱۳۸۱ :۱۷۰) پس از جستجوی فراوان ادیبان، هیچ کس سابقه ای از این وزن در تاریخ ادب فارسی پیدا نمی‌کند و همگان می‌پندارند که ابتهاج یک وزن جدید یافته است تا این که ابولحسن نجفی در کتاب معیارالاشعار خواجه نصیرالدین طوسی بیت زیر را بر همان وزن می‌یابد:

آنچه از بتم به روی من رسید هیچ آفریده در جهان ندید

اگر فرهنگ وزن‌ها وجود داشت، پژوهندگان به سرعت می توانستند سابقه این وزن را بیابند و کلیه اطلاعات در مورد این وزن از جمله نخستین سرایش به این وزن را در آن بیابند. پیش نیاز ایجاد این فرهنگ نام‌گذاری علمی از کلیه وزن‌های ممکن است و چون عروضیان قادر به ایجاد یک نام‌گذاری علمی نشده بودند ، ایجاد این فرهنگ غیرممکن بود.

ابوالحسنی ابتدا در کتاب «عروض دودویی» (ابوالحسنی،۱۳۹۷) نشان داد که وزن کمی متناظر یک عدد دودویی است و سپس از عدد دهدهی متناظر به عنوان کد وزنی برای نام‌گذاری و طبقه‌بندی وزن‌ها استفاده کرد. او سپس در مقاله « عروض دودویی- نام‌گذاری و طبقه‌بندی ریاضی کلیهٔ وزن‌های کمی ممکن» (ابوالحسنی ، ۱۴۰۳) از عدد مبنای شانزده متناظر عدد دودویی رشته وزنی به عنوان کد یکتا استفاده کرد.

در این کتاب می‌خواهیم بر مبنای این کد یکتا فرهنگ وزن‌ها را تشکیل دهیم. حالا که می‌دانیم کد یکتای هر وزن یک عدد است ، همان گونه که می‌توان اعداد را از کوچک به بزرگ مرتب کرد ، می‌توان وزن‌ها را نیز به ترتیب از کد وزنی کوچک به بزرگ مرتب کرد .

این کتاب کلیه وزن‌های گردآوری شده در کتاب‌های معروف عروض را کدگذاری کرده و برای هر یک پرونده‌ای تشکیل داده است . بدیهی است که این کتاب تنها مدعی کدگذاری وزن‌های موجود و ایجاد یک نگارش اولیه از پرونده هر وزن است.

فرهنگِ دودوییِ جامعِ وزن‌هایِ شعرِ پارسی

این‌جانب امیدوارم با یاری عروضیان و ادیبان، پرونده هر وزن به شکل علمی تشکیل و تکمیل شود و این فرهنگ عروضی به بستری برای پژوهشگران عروض و علاقمندان ادبیات تبدیل شود تا به راحتی اطلاعات لازم برای هر وزن شعر پارسی را به راحتی در آن بیابند.
لازم به ذکر است پیش‌نیاز استفاده از این کتاب تسلط کامل خواننده به مفاهیم عروض به خصوص تقطیع می‌باشد.

فرهنگِ دودوییِ جامعِ وزن‌هایِ شعرِ پارسی

فصل ۱: معرفی عروض دودویی

دیگر صدای تیشه ی فرهاد برنخاست　　　این‌کوهسار داشت همان یک شرار و هیچ

(بیدل دهلوی)

عروض دودویی به شکل کامل در مقاله « عروض دودویی- نام‌گذاری و طبقه‌بندی ریاضی کلیهٔ وزن‌های کمی ممکن» (ابوالحسنی ، ۱۴۰۳) معرفی شده است و در اینجا به معرفی سریع آن می‌پردازیم.
می‌دانیم وزن کمی رشته‌ای متوالی از هجاهای متوالی کوتاه و بلند است که معمولا ، هجای کوتاه را با نماد "U" و هجای بلند را با نماد "-" معین می‌کنند . مثلا وزن شعر «به نام خداوند جان و خرد» با نوای «فعولن فعولن فعولن فعل» به شکل (U - - U - - U - - U -) است . حالا در این عبارت اگر مقدار "U" را با "0" و مقدار "-" را با "1" تغییر دهیم به عبارت (10110110110) می‌رسیم . به این عبارت «رشته وزنی دودویی» می‌گوییم و در ریاضیات دودویی هر «رشته وزنی دودویی» یک عدد متناظر و یکتای مبنای شانزده دارد که در این متن به آن «کد وزنی» می‌گوییم. مثلا کد وزنی عبارت (10110110110) عبارت 0x5B6 می‌باشد که عبارت (5B6) عدد مبنای شانزده معادل رشته وزنی دودویی است و عبارت 0x همواره قبل از عدد مبنای شانزده می‌آید تا یادآور شود که این یک عدد مبنای شانزده است.
نکته : گاهی به جای نماد 0x از نماد # جهت معرفی اعداد مبنای شانزده استفاده می‌شود یعنی عبارت 0x5B6 همان عبارت 5B6# است.

۱٫۱: روش به دست آوردن کد وزنی

رشته دودویی به دست آمده را چهارتا چهارتا از سمت راست با نویسه "/" جداسازی می‌کنیم تا به (101/1011/0110) تبدیل شود و سپس متناظر هر زیر رشته جداشده را از جدول زیر می‌یابیم.

کدهای متناظر رشته دودویی

عدد دهدهی	رشته دودویی	کد	عدد دهدهی	رشته دودویی	کد
0	0000	0	8	1000	8
1	0001	1	9	1001	9
2	0010	2	10	1010	A
3	0011	3	11	1011	B
4	0100	4	12	1100	C
5	0101	5	13	1101	D
6	0110	6	14	1110	E
7	0111	7	15	1111	F

طبق جدول فوق،کد (6) متناظر رشته (0110) است وکد (B) متناظر رشته (1011) و کد (5) متناظر رشته (101) است .

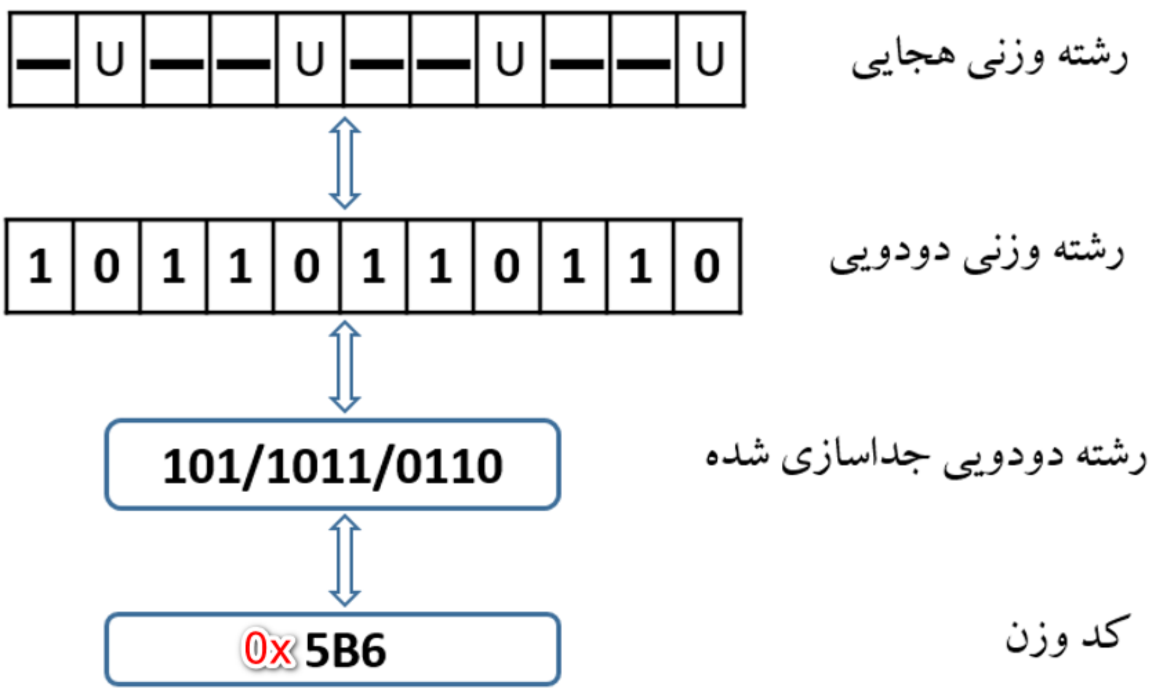
- در جدول ۵ رشته دودویی (101) نداریم ولی این رشته متناظر (0101) است. به عبارت دیگر اگر رشته‌ای چهارتایی نبود، می‌توان در سمت چپ آن به مقدار لازم "0" گذاشت تا چهارتایی شود و در جدول یافت شود مثلا (1) همان (0001) و (10) همان (0010) می‌باشد.

حالا این سه کد را به ترتیب در کنار هم می‌گذاریم و به عبارت "5B6" می‌رسیم. این عبارت کد یکتای رشته دودویی است و آن را «کد وزن» می‌نامیم.

- این عبارت را از این پس به شکل 0x5B6 نمایش می‌دهیم تا مثلا کد وزنی 0x19 با عدد دهدهی ۱۹ یکسان پنداشته نشود.
- کدوزنی 0x5B6 به شکل «پنج بی شش» خوانده می‌شود. (مثل عدد دهدهی از چپ به راست)

کل مراحل تبدیل رشته وزنی هجایی به کد وزنی را می‌توانید در شکل زیر ببینید:

الگوریتم تبدیل رشته وزنی هجایی به کد وزنی



- در ریاضیات اعدادی که هر رقم آنها شانزده مقدار مختلف داشته باشد، اعداد مبنای شانزده نامیده می‌شوند. این شانزده مقدار عبارت است از : {0,1,2,3,4,5,6,7,8,9,A,B,C,D,E,F} که در این مجموعه A معادل ۱۰، B معادل ۱۱، C معادل ۱۲، D معادل ۱۳، E معادل ۱۴ و به F معادل ۱۵ دهدهی می‌باشد. کد وزنی عروض دودویی، در اصل یک عدد مبنای شانزده می‌باشد .
- هر عدد دودویی و دهدهی و مبنای شانزده به یکدیگر قابل تبدیل هستند، مثلا عدد دودویی (10110110110) معادل عدد مبنای شانزده 0x5B6 و عدد دهدهی ۱۴۶۲ است .
- در حقیقت تبدیل رشته دودویی به کد وزنی همان عمل تبدیل یک عدد مبنای دو به مبنای شانزده در ریاضیات است.
- کد وزنی یک کد یکتا است و رابطه یک به یک با رشته وزنی دارد، یعنی هر کد وزنی مربوط به یک رشته وزنی است و هر رشته وزنی تنها یک کد وزنی دارد.
- این روش قادر به نام‌گذاری هر وزن ممکنی است مثلا بیت زیررا با وزن خاص (1000/0100/0010/0001/0000) و نوای وزنی « مُتَفَعِلُن» ۴ بار را در نظر بگیرید:

شکرک از آن دو لبک تو بچنم اگر تو یله کنی

به سرک تو که بزنمت به پدر اگر تو گله کنی(عنصری) (المعجم: ۱۱۳)

این وزن دارای کد وزنی 0x84210 است .

۲,۱: نام‌گذاری وزن‌های خاص

وزن دوری

وزن دوری از نظر برخی عروضیان در حقیقت دو مصرع متوالی است که شاعران با آن مثل یک مصرع برخورد کرده‌اند. به عنوان نمونه وزن دوری (1011001//1011001) با نوای «مفتعلن فاعلن»۲ بار و شاهد زیر را در نظر بگیرید:

سلسله کوی دوست//حلقه دام بلاست

هر که در این حلقه نیست// فارغ از این ماجراست (سعدی)

با چسباندن وزن دو پاره به هم به وزن (10/1100/1101/1001) با کد وزنی 0x2CD9 می‌رسیم. از روی این کد وزنی دوری بودن وزن نامعلوم است بنابراین می‌توان آن را به شکل 0x2CD9-7//7 نوشت که نشانگر آن است که این کد وزنی به دو پاره ۷ هجایی دوری تقسیم می‌شود.

وزن قالب مستزاد

وزن قالب مستزاد نیز مشابه وزن دوری، قابل نام‌گذاری است، مثلا بیت زیر از ملک‌الشعرا بهار که در قالب مستزاد سروده شده است را در نظر بگیرید :

این دود سیه‌فام که از بامِ وطن خاست//از ماست که بر ماست

وین شعله سوزان که برآمد ز چپ و راست//از ماست که بر ماست

وزن مصرع بلند مستزاد (11/0011/0011/0011) با کد وزنی 0x3333 و نوای «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فَعِلن» است و وزن مصرع کوتاه آن (11/0011) با کد وزنی 0x33 و نوای «مستفعلُ فَعِلن» است. حال اگر وزن این دو مصرع را به هم بچسبانیم به رشته (1100/1111/0011/0011/0011) با کد وزنی 0xCF333 می رسیم. از روی این کد وزنی ، مستزاد بودن وزن نامعلوم است بنابراین می‌توان آن را به شکل 0xCF333-6//14 نوشت که نشانگر آن است که این کد وزنی به دو پاره ۱۴ هجایی از راست و شش هجایی از چپ تقسیم می‌شود .

شعر نیمایی

برای نام‌گذاری وزن شعر نیمایی نیز می‌توان هر مصرع را مانند مصرع شکل کلاسیک تقطیع و وزن آن را به دست آورد. مثلا در شعر زیر از سهراب سپهری :

«کفش‌هایم کو

چه کسی بود صدا زد سهراب»

وزن مصـــرع اول (1/1101) با کد وزنی 0x1D و نوای «فاعلاتن فع» اســـت و وزن مصـــرع دوم (11/1100/1100) با کد وزنی 0x3CC و نوای «فعلاتن فعلاتن فَعِلن» است.

۱

۳,۱: بحر دودویی

طبقه‌بندی وزن بر اساس بحر یکی از مهم‌ترین طبقه‌بندی های وزن شعر فارسی است و در قسمت چهارم مقاله « عروض دودویی- نام‌گذاری و طبقه‌بندی ریاضی کلیهٔ وزن‌های کمی ممکن» (ابوالحسنی ، ۱۴۰۳) با استفاده از مبانی نام‌گذاری اعداد دودویی به طبقه‌بندی بحرها پرداخته شده است که در این قسمت به شکل سریع به مرور آن پرداخته می‌شود.

شعر سیزده هجایی زیر با رشته وزنی (1/1011/1011/1011) و نوای « مستفعلن مستفعلن مستفعلن مس» در نظر بگیرید :

عمری تبه کردم به عشق و آرزویی

چون سرمه در چشمان کشیدم خاک کویی (اخوان ثالث)

این شعر از ۳ بار تکرار رکن کامل «مستفعلن» و یک رکن ناقص آن یعنی «مس» تشکیل شده است. روش نامگذاری یک وزن بر اساس بحر در عروض دودویی به شکل 0xP/Q/R است (به این کد در عروض دودویی کد پیرو گفته می‌شود) که در آن P کد مبنای شانزده رکن کامل و Q تعداد هجای رکن کامل و R تعداد هجای کل وزن است . مثلا کد پیرو وزن فوق عبارت است از 0xB/4/13 که در آن B همان عدد مبنای شانزده رشته وزنی «مستفعلن» یا (1011) است و 4 نشان می‌دهد این رکن ۴ هجا دارد و ۱۳ نمایانگر تعداد کل هجاهای وزن است.

فصل ۲: معرفی اصطلاحات خاص

«وزن» می اندیشم و دلدار من   گویدم ننديش جز دیدار من
(اخوان ثالث،۱۳۶۹ :۱۱۰) (با تغییر در شعر مولانا)

در این فصل به معرفی اصطلاحات خاص عروض پرداخته می‌شود.

رشته وزنی دودویی

هر گاه وزن یک شعر را به هجاهای کوتاه و بلند تقطیع کنیم و در آن به جای هجای کوتاه ، رشته (0) و به جای هجای بلند رشته (1) بگذاریم ، حاصل یک «رشته وزنی دودویی» است . مثلا وزن شعر «به نام خداوند جان و خرد» با نوای «فعولن فعولن فعولن فعل» به شکل (U - - U - - U - - U -) است . حالا در این عبارت اگر مقدار "U" را با "0" و مقدار "-" را با "1" تغییر دهیم به عبارت (10110110110) می‌رسیم که به این عبارت «رشته وزنی دودویی» یا به اختصار «رشته وزنی» می‌گوییم.

- رشته وزنی همواره بین دو پرانتز گذاشته می شود تا با عدد اشتباه گرفته نشود.
- همواره از علامت "/" برای تبدیل رشته وزنی دودویی به معادل مبنای شانزده استفاده می‌کنیم، یعنی چهارتا چهارتا از راست یک عبارت را جداسازی می‌کنیم.
- برای رکن بندی یک رشته وزنی از علامت "-" استفاده می‌کنیم. دقت شود رکن‌بندی بر اساس موسیقی وزن است نه بر اساس مبنای ریاضی
- اگر رشته وزنی تکرار شده باشد ، آن را با علامت "*" مشخص می‌کنیم مثلا رشته (110*4) همان رشته (110-110-110-110) است.
- برای وزن‌های دوری از علامت "//" استفاده می‌کنیم. مثلا وزن (2//10011010) با نوای

«مفاعلن مفتعلن //۲» همان وزن (10011010//10011010) است.

- از علامت "+" برای اضافه کردن دو رشته وزنی استفاده می‌شود مثلا رشته وزنی (1100)*4+(100) یعنی ۴ بار رشته (1100) یعنی فعلاتن تکرار شده است و بعد یک (100) یعنی فعلن داریم یعنی این وزن معادل « فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن » است.

کد وزنی

در ریاضیات دودویی هر «رشته وزنی دودویی» یک عدد متناظر و یکتای مبنای شانزده دارد که در این متن به آن «کد وزنی» می‌گوییم. مثلا کد وزنی عبارت (10110110110) عبارت 0x5B6 می‌باشد که عبارت

(5B6) عدد مبنای شانزده معادل رشته وزنی دودویی است و عبارت 0x همواره قبل از عدد مبنای شانزده می‌آید تا یادآور شود که این یک عدد مبنای شانزده است.

- **نکته :** گاهی به جای نماد 0x از نماد # جهت معرفی اعداد مبنای شانزده استفاده می‌شود یعنی عبارت 0x5B6 همان عبارت #5B6 است.

نوا

عبارت افاعیلی است که با خواندن آن موسیقی وزن احساس می‌شود.

- اگر نوایی تکرار شده باشد ، آن را با علامت ⁕ مشخص می‌کنیم مثلا (فعولن⁕۲) یعنی (فعولن فعولن
- برای وزن‌های دوری از علامت "//" استفاده می‌کنیم مثل «(مفاعلن مفتعلن) //۲»

رکن-نما

عبارتی است فارسی که مشابه تقطیع افاعیل است ولی برخلاف افاعیل که به هر رکن یک عبارت اختصاص داده می‌شود در اینجا آزادی عمل داریم تا با یک عبارت فارسی رکن‌ها را نشان دهیم مثلا (پریرویی پریرویی پریرو) و نشان دهنده‌ی تقطیع (1110-1110-110) است و نشان می‌دهد که رکنهای مفاعیلن و فعولن را نشان می‌دهد و شکسته بودن فعولن از مفاعیلن را هم نشان می‌دهد. رکن-نما تقریبا باید دارای معنی در فارسی باشد و هدف اصلی آن لمس وزن و رکن‌ها است.

اگر شاعری شعری داشت که یک رکن‌نما بود آن را با علامت ♫ در این متن مشخص می‌کنیم مثلا

ای فسانه فسانه فسانه ♫

ای خدنگ تو را من نشانه (نیما یوشیج)

هم آوا

هر گاه دو عبارت دارای تقطیع یکسانی نباشند و رشته های وزنی متفاوتی داشته باشند ، اما از نظر گوش فارسی زبان دارای موسیقی یکسانی باشند ، به آن دو تقطیع هم آوا می گوییم . (شرح کامل هم آوایی در فصل ۳ کتاب عروض دودویی (ابوالحسنی ، ۱۳۹۷))

تعریف : وزنهایی که هم آوا نیستند را ناهم آوا می خوانیم.

نکته : استاد نجفی به جای وزن هم آوا عبارت «وزن مشابه» ، و به جای وزن ناهم آوا عبارت «وزن متفاوت» به کار می برد . (نجفی،۱۳۹۴،الف:۱۱)

وزن مادر : وزن مادر وزنی است که نتوان با قواعد ابدال و تسکین از وزنی دیگر تولید (زاده) شود و خود قابلیت تولید وزنی جدید با قوانین ابدال یا تسکین را دارد (به زبان عروض دودویی دارای فرزند است) .

وزن فرزند : به وزنی که با قوانین ابدال و تسکین ، از وزن مادر تولید می شود ، فرزندان آن وزن مادر می گوییم.

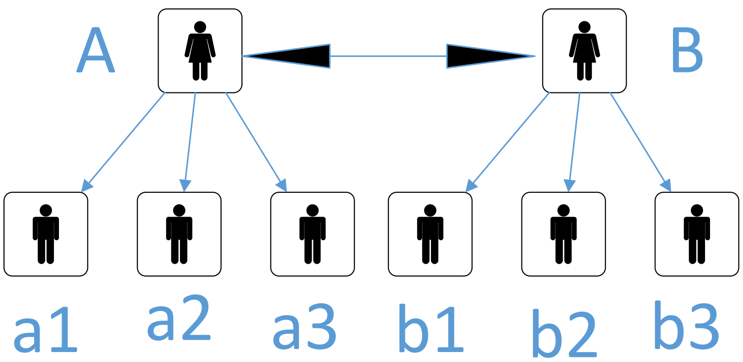
وزن‌های خواهر : هر گاه دو وزن طبق قاعده ی قلب با یکدیگر هم آوا باشند آنها را خواهر هم می گوییم.

وزن‌های ابرخواهر(ابرمادر): در یک گروه خواهری ، به خواهری که دارای رشته های (۱۰۰۱) بیشتری نسبت به باقی خواهران است ، ابرخواهر می گوییم.

نکته: ابرخواهر کمترین کد وزنی را (کد وزنی را در فصل اعداد دودویی بخوانید) در بین خواهران دارد .

نکته: ابرخواهر یک خاندان را ابرمادر آن خاندان می‌نامیم.

تعریف خاندان هم آوا : به کلیه ی خواهران و فرزندانشان که با همدیگر هم آوا هستند خاندان هم آوا می گوییم . خاندان هم آوا را با نام خاندان ابرخواهر آن وزن می شناسیم .



مثال : وزن معروف رباعی را در نظر می گیریم. این وزن دارای دو خواهر است که هر کدام فرزندانی دارند . وزن (۱۰۰۱/۱۰۰۱/۱۰۰۱/۱) با کد وزنی 0x1333 و وزن (۱۰۰۱/۱۰۱۰/۱۰۰۱/۱) و کد وزنی 0x1353. وزن 0x1333 را ابرخواهر می نامیم زیرا دارای کد وزنی کوچکتری از وزن 0x1353 است یا رشته ی (۱۰۰۱) بیشتری دارد.

وزن 0x1333 دارای هفت فرزند و وزن 0x1353 دارای سه فرزند است و کل این خانواده را خانواده ابرمادر 0x1333 می‌نامیم که کلا ۱۲ عضو دارد.

خانواده وزن (1-1001-1001-1001) – (لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن)		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x1333	1001100110011 اسرار ازل را نه تو دانی و نه من (خیام)
2	0xF33	111100110011 ای نرگس پر خواب ، ربودی خوابم (مولانا)
3	0x9F3	100111110011 یا دل برِ من باشد یا دلبر من (مولانا)
4	0x7F3	11111110011

		نی نی که غلط گفتم ، ای عشق آموز (مولانا)
5	0x99F	100110011111 گفتم مستی گفت که آری به خدا (مولانا)
6	0x79F	11110011111 با یارم دیروز همی گفتم راز (المعجم)
7	0x4FF	10011111111 با یارم می گفتم در خشم مرو (المعجم)
8	0x3FF	1111111111 می گردم باشد کی پیشم افتی (مولانا)

خانواده وزن (1-1001-1010-1001) – (لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن)		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x1353	1001-1010-1001-1 هنگام سپیده دم خروس سحری (خیام)
2	0xF53	111-1010-1001-1 شمشیر من از حیات خوشتر باشد (مولانا)
3	0x9AF	1001-1010-111-1 کافر باشد که از تو شیدا نشود (مولانا)
4	0x7AF	111-1010-111-1 لعلی گردی چو گرد این کان گردی (مولانا)

وزن خنثی : به وزنی که دارای هیچ فامیلی نیست (نه خواهر، نه مادر ، نه برادر ، نه فرزند) خنثا می گوییم. این وزن در ابتدایش دارای رشته ی (۱۱۰۰) یا (۱۱۰۱) نیست و دارای زیررشته های (۰۰) و (۱۱۱) هم نمی باشد و رابطه ی خواهری هم با هیچ وزنی ندارد .

نکته: هر وزن یا مادر است یا فرزند یا خنثا یا خواهر بدون فرزند .

وزنهای بالغ و نابالغ

وزن بالغ : هر گاه به یک وزن یک شعر حداقل ۷ بیتی یا یک غزل سروده شده باشد ، آن را وزن بالغ می نامیم .

وزن نابالغ : هر گاه یک وزن دارای یک شعر حداقل هفت بیتی یا یک غزل در تاریخ زبان فارسی نباشد ، به آن وزن نا بالغ می گوییم. وزن نابالغ شامل وزن هایی است که یا سروده ی عروضیان است یا تنها به عنوان هم آوا در یک شعر هم آوای بالغ به کار برده شده است .

وزنهای نامتعارف

هر گاه در یک وزن بیش از دوهجای کوتاه متوالی داشته باشیم ، به آن وزن نامتعارف می‌گوییم زیرا در موسیقی گویش فارسی زبانان بیش از دو هجای کوتاه متوالی نداریم و غالبا یکی از این هجاها کشیده تلفظ می‌شود.
این وزن‌ها بیشتر حاصل ذوق شاعران یا عروضیان است و موارد آن بسیار نادر است مثل بیت زیر با رشته وزنی (4//10000) و نوای (فَعِلَتَتُن *۴) :
شکرک از آن// دو لبک تو //بچنم اگر// تو یله کنی
به سرک تو //که بزنمت// به پدر اگر// تو گله کنی (عنصری) (المعجم ، شمیسا: ۱۱۳)
که در باره این شعر نجفی می‌گوید: «این یگانه نمونه بر این وزن است و به قول فرزاد:«نمونه تصنع مفرط در عروض فارسی است» (ص۶۴۶). به قول المعجم :«متکلفی خاطر را رنجانیده است و قریحت را تراشیده» و این بیت را گفته است .(المعجم،ص۲)» (نجفی* : ۲۶۶)

فصل ۳: مبانی فرهنگ عروض دودویی

ما خرابیم ، چو صفر اندر حسابیم
چو صید اندر طنابیم...
کعبه یک ، خدا یک کتاب یک
این همه دوئیت کجا رواست

(عارف قزوینی ، از تصنیف «ترک چشمش ار فتنه کرد راست»)

۱,۳: پرونده هر وزن

در این کتاب برای هر کد وزنی یک پرونده مطابق الگوی زیر تشکیل شده است :

کدوزن

نوا

رشته وزنی　　　　　　　　　　رکن نما

- -

و پس از این جدول شاهدهای شعری و شرح هر وزن آورده می‌شود. مثلا برای وزن « فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» پرونده ای مانند شکل زیر تشکیل شده است :

0x5DD

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

(10111011101)　　　　　　　　　　(دلبرم شد دلبرم شد دلبرم)

- -

و پس از این جدول شاهدهای شعری این وزن آورده شده است و شرحی از این وزن نیز در پایان آورده شده است.

- دقت کنید که اگر یک کد وزنی هم حالت غیردوری و هم حالت (های) دوری داشت ، برای هر کدام از این‌ها پرونده مجزا درست شود ، مثلا رشته وزنی (101010101010) با کد وزنی 0xAAA دارای دو حالت دوری و غیر دوری باشد . حالت غیر دوری این وزن با نوای «مفاعلاتُ فاعلاتُ فاعلن » و کد وزنی 0xAAA-0//12 است و برای حالت دوری آن با نوای «مفاعلن فعل» ۲ بار و کد وزنی 0xAAA=6//6 است و هر کدام یک پرونده مجزا دارند.

- در این کتاب هدف ما یافتن وزن تقطیعی است برای همین اگر یک مصرع را بتوان چند نوع خواند ، ما اجازه داریم همه‌ی خوانش های آن مصرع را در جدول بیاوریم .

۲,۳: شاهدهای شعری

- شاهدها به شکل کلی عبارت است از : شعر سنتی ، شعر نیمایی ، تصنیف‌ها ، نثر ، ضرب المثل و شعر کودک ، شواهد کتاب های عروضیان
- قدیمی ترین شاهد شعری یافته شده آورده شود. (قدیمی‌ترین شاهد باید با کمک اساتید ادبیات و عروض تعیین شود و این فرهنگ مدعی نیست که قدیمی‌ترین شاهد برای هر وزن را یافته است)
- در صورت امکان از شعر شاعران بزرگ فارسی حتما شاهدی آورده شود .
- شاهد های معروف و مشهور شعر فارسی در آن وزن آورده شود.
- شاهد ها بر اساس تاریخ سرودن شعر مرتب شود.
- اگر به جز نمونه عروضیان شعری نبود می‌توان در صورت دوری داشتن یک شعر پاره‌های دوری را به عنوان مثال آورد.
- با آن که مصرع واحد وزن شعر سنتی فارسی است اما همیشه بیت را به عنوان شاهد می آوریم، حتی اگر یک مصرع از شعر بر آن وزن باشد. در این صورت مصرعی که دقیقا وزن آن برابر وزن پرونده است را با علامت ◀ معین می‌کنیم.
- از هر شاعر تنها یک بیت به عنوان شاهد آورده شود مگر در وزنی که شاهد کم باشد .
- در شاهد هایی که وزن دوری آن را داشتیم اما وزن خود آن پاره را نداشتیم ، سعی کردیم قسمتی از شعر شاعران بزرگ را بیاوریم تا شاهدی واقعی از آن داده شود .
- در وزن‌های جدید معاصر ، تاریخ سرایش شعر در صورت وجود ذکر شود.
- اولویت با شعر کلاسیک است اما در صورت نبود شاهد ، می‌توان از شعر نیمایی ، ضرب‌المثل و تصنیف نیز به عنوان شاهد استفاده کرد.
- اگر مصرع شعر نیمایی به تنهایی فاقد معنا است قسمتی از شعر بریده شود که دارای معنی باشد و شاهد ، درون آن متن باشد. مثلا شعر زیر به عنوان شاهد برای وزن (فع) آورده شده است و تنها از ذکر کلمه‌ی «ما» اجتناب شده است:

  «ما

  فاتحان قلعه های فخر تاریخیم » (مصرع یک)
- با توجه به مرجع بودن کتابهای «المعجم» و «معیارالاشعار» ، کلیه شاهدهای این دو کتاب در این فرهنگ آمده است و از شاهدهای سایر کتب عروض صرف نظر شده است مگر در صورتی که این دو کتاب فاقد شاهد برای آن وزن باشند یا تعداد شاهدها بسیار کم باشد.

- شاهدهای کتاب «وزن ارزشی» به علت کودکانه بودن و وضوح تا حد امکان آورده شود.
- استفاده از نثر به عنوان شاهد قابل قبول نیست، زیرا هدف استفاده آگاهانه از موسیقی است ولی ضرب‌المثل به عنوان شاهد قابل قبول است. اگر در وزنی شاهد نداشتیم و یک عروضی ، نثری را دارای وزن دانسته بود ، استفاده از آن نثر بلامانع است.
- کلیه اشعاری که مرتبط با عروض باشند ، علاوه بر شاهدهای شعری و شاهدهای عروضیان آورده شود.
- در بعضی شعرها ، رکن‌ها بسیار آشکارند مثلا «دلاچونی دلاچونی دلاچون» از باباطاهر . این شعرها نیز نوعی «رکن‌نما» هستند . در صورت وجود این اشعار نیز به عنوان شاهد آورده شود.
- به جز قدیمی‌ترین شاهد ، سعی شود که در شاهد هجای کوتاه ، به ضرورت وزن کشیده نشود و به عبارتی دیگر شاهدی انتخاب شود که بیش از یک تقطیع نداشته باشد.
- در صورت کمبود شاهد از شعر کلاسیک، در صورت وجود از شعر نیمایی شاهد آورده شود.

۳,۳: شرح وزن

- متنی راجع به این وزن ، تاریخچه ی آن و کاربردهای آن ، قالب های شعری این وزن و استفاده از آن در اشعار عروضی سایر زبانها آورده شود.
- منظومه ها و شعرهای مهمی که به این وزن سروده شده بیان شود.
- نام اولین سراینده و تاریخ سرایش ذکر شود.
- بالغ بودن یا نبودن وزن معین شود .
- بحر وزن معین شود.
- اگر وزن یک (ابر) مادر است لیست تمام فرزندان و خواهران و فرزندانشان بیاید .
- اگر وزن فرزند است نام مادر آن ذکر شود.

۴,۳: منابع شاهد های شعری

بیشترین نمونه ها و شواهد شعری این کتاب از کتاب های زیر گردآوری شده است:

- المعجم فی معاییر اشعار العجم نوشته شمس الدین محمد بن قیس رازی به تصحیح علامه قزوینی و تصحیح مجدد دکتر رضوی و تصحیح مجدد دکتر شمیسا ، نشر علم ، ۱۳۸۸

در این کتاب کلیه اشعاری که از این کتاب با این تصحیح آمده است به صورت (المعجم ، شمیسا: شماره صفحه) و در صورت ذکر از سایر منابع با نام آن آورده ایم. کلیه‌ی شاهد های المعجم در این فرهنگ آورده شده است .

- معیار الاشعار نوشته خواجه نصیر الدین طوسی

در متن کلیه اشعاری که از این کتاب با تصحیح محمد فشارکی و جمشید مظاهری بود را به اختصار به صورت (معیارالاشعار ، فشارکی: شماره صفحه) و در صورت ذکر از سایر منابع با نام آن آورده ایم.
کلیه‌ی شاهد های معیارالاشعار در این فرهنگ آورده شده است.

- وزن شعر معاصر نوشته شراره دادگر: مجموعه ارزش مندی از وزن های نو در شعر معاصر ایران است که از آن شاهدها در این متن استفاده شد .
- فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی نوشته دکتر حسین مدرسی
از این کتاب در تکمیل کتاب حاضر استفاده زیادی شد . در ضمن کلیه ارجاعاتی که در این متن به کتابهای شجره العروض، عروض همایون ، قوائم العروض، ریاض الشعرا است از این کتاب گرفته شده است .
- تحفه الهند نوشته میرزا خان ابن فخر الدین محمد
- فرهنگ اوزان شعر فارسی نوشته دکتر تقی وحیدیان کامکار
- پناهی، نوشته غلامرضا پناهی : این مجموعه بسیار ارزشمند است و جلد یک و دو آن توسط نگارنده در(ابولحسنی ، ۱۳۹۷) استفاده شده بود اما در این کتاب از سایر جلدها توسط کتاب (طبیب زاده*) استفاده شده است
- وزن شعر فارسی نوشته دکتر خانلری
- ترانه ها و آهنگ های جاودانه گرد آوری حبیب الله نصیری فر: شاهدهایی از ترانه ها و تصنیف ها از این کتاب آورده شده است.
- وزن ارزشی در شعر کودک نوشته یحیی علوی فرد: این کتاب در وزن های کم هجا که در شعرهای کودک بسیار به کار می رود مرجع بسیار خوبی است . کلیه شاهدهای این کتاب آورده شده است . این کتاب کلیه وزنهای یک تا هشت هجایی را آورده است اما برای همه آنها شاهد ذکر نکرده است . نکته این است که کلیه شاهدها حتی شاهدهایی با وزنهای بیش از دو هجای کوتاه متوالی نیز عینا در این کتاب ذکر شده است
- نجفی، ابوالحسن: *طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی به همت امید طبیب زاده*: این کتاب بعد از کتاب عروض دودویی (ابولحسنی ، ۱۳۹۷) چاپ شد و در آن کتاب نتوانستم از آن به عنوان مرجع استفاده کنم . با این حال این کتاب استاد نجفی به عنوان مرجعی برای شاهدها در این کتاب استفاده شده است و حتی بسیاری از شاهدها که در (ابولحسنی ، ۱۳۹۷) بود را در این کتاب به کتاب استاد نجفی ارجاع دادیم .
- طبیب‌زاده، امید : وزن شعر عروضی فارسی، تحلیل و طبقه‌بندی بر اساس تقطیع اتانینی و نظریه واج‌شناسی بنیادی، نشر کتاب بهار، چاپ اول، تهران ۱۴۰۱ (طبیب‌زاده*) : از فهرست وزن‌های این کتاب استفاده زیادی شد.

۳٫۵: توسعه فرهنگ دودویی جامع وزن‌های شعر پارسی

- مشابه کاری که طبیب‌زاده در کتاب «وزن شعر عروضی فارسی، تحلیل و طبقه‌بندی بر اساس تقطیع اتانینی و نظریه واج‌شناسی بنیادی» (طبیب‌زاده*) کرده‌اند، تقطیع‌ها برای کلیه وزنها مطابق روش‌های سنتی، نجفی، اتانینی آورده شود.
- توسط اساتید عروض، برای وزن‌های معروف یک شرح علمی نوشته شود.
- بحر دودویی هر وزن ذکر شود.
- لیست هم‌آواهای هر وزن در ابرمادر آن وزن ذکر شود.
- یک غزل یا ده بیت شعر به عنوان نمونه برای وزن ابرمادر آورده شود مشابه کتاب‌های «آشنایی با اوزان عروضی» پناهی
- اگر یک وزن در سایر زبان‌ها دارای مشابه بود توسط عروضیان در پرونده وزن ذکر شود. دقت کنید کد وزن یک کد جهانی است و مربوط به زبان فارسی نمی‌باشد بنابراین در مطالعات تطبیقی عروض‌های کمی بین زبان‌ها این کد به راحتی قابل استفاده است.

۶٫۳: چه وزن‌هایی در این فرهنگ لیست شده است

وسوسه هر فرهنگ عروضی بیشتر کردن تعداد وزن ها است تا از دیگر کتاب های عروض وزن های بیشتری را ارائه دهد . این امر می تواند باعث شود اشعاری که مصرع های آنها دارای تقطیع یکسان هستند اما دارای موسیقی مطبوع از نظر بسیاری از فارسی زبانان نیستند (دقت شود این امر بسیار نسبی است) در کتاب های عروض بیاید.در این باره دکتر شفیعی می گوید: «در بعضی اوزان (که آنها را وزنهای کدر می خوانم) برای احساس نسبت ریاضی آواها نیاز به دقت و تامل بیشتری { برای درک موسیقی وزن } داریم به همین دلیل ابن سینا می گوید «کل مطبوع موزون و لیس کل موزون مطبوعا»... این گونه اوزان را باید «اوزان عروضی پسند » نامید ، برای مولفان کتاب عروض مناسب اند تا جدول آنها را کاملتر کنند . وای به حال شاعری که گول عروضیان را بخورد . » (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۹ : ۳۹۶) ایراد دکتر شفیعی ایراد بسیار درستی است اما هدف اصلی این فرهنگ لیست کردن کلیه وزن‌های شعر فارسی است . این فرهنگ کلیه‌ی رشته‌های وزنی را که شاعران و عروضیان موزون دانسته‌اند فهرست می‌کند و انتخاب مطبوع یا نامطبوع بودن آن را به ذوق عامه می سپارد و خود را در مقام داوری برای حذف وزنی قرار نمی دهد ،چه آن وزن توسط شاعران استفاده شده باشد چه توسط عروضیان .

وزن های این مجموعه شامل وزن های زیر است:

- وزن تمام شعرهایی که شاعران در آن شعری سروده اند .
- وزن تمام نمونه های کتاب های عروض یا وزن‌هایی که عروضیان آن‌ها را موزون دانسته‌اند
- رشته‌های وزنی که ابوالحسنی آنها را موزون دانسته باشد.

۳,۷: طول رشته‌های وزنی

از نظر طول رشته‌های وزنی این فرهنگ هیچ محدودیتی برای فهرست کردن ندارد و کلیه وزن‌های موجود را فهرست کرده است .

واحد وزنی شعر فارسی مصرع است و معمولا هر مصرع در شعر فارسی کمتر از یک جمله نیست ، بنابراین هر مصرع نیاز به چند هجا دارد تا بتواند یک جمله را تشکیل دهد و تعداد اشعاری با وزن‌های با هجاهای کم بین شاعران بسیار اندک است . با این حال این فرهنگ تمام نمونه‌های کم هجا را فهرست کرده است، حتی کوتاه‌ترین وزن شعر فارسی، که وزن یک هجایی با نوای «فع» می‌باشد را با کد وزنی 0x1 .

از نظر بلندی رشته وزنی، بیشتر وزن‌های استفاده شده توسط شاعران بیشتر از بیست هجا ندارند، «شعر بیست هجایی بلند ترین مصراع شعر سنتی فارسی است . » (مدرسی*:۴۱) و اکثر وزن‌های بیشتر از بیست هجایی بدون کوچکترین خلاقیت وزنی تنها با تکرار رکن‌های کامل و ناقص بحرهای معروف به دست آمده‌اند . با این حال در این فرهنگ این وزن‌ها نیز فهرست شده‌اند.

۸.۳. وزن‌های جدید

با استفاده از کد وزنی یکتا به راحتی می‌توان وزن‌های هر دیوان شعر یا کتاب عروض را در فهرستی مرتب کرد و ممکن است با این کار به وزنی جدید رسید، مثلا اگر کتاب «تحفه الهند» را با این روش مورد پژوهش قرار دهیم به راحتی وزن‌هایی را می‌یابیم که به نظر در شعر فارسی تا به حال نمونه نداشته اند، مثل بیت زیر :

با رخ، از همه زیبایی   با قد، از همه بالایی (تحفه الهند : ۱۷۹)

که دارای رشته وزنی (1110/0111) با نوای«مفعولن فعلن فع لن» و کد وزنی 0xE7 می‌باشد. هنگامی که دیدیم این وزن در فرهنگ وزن‌ها فاقد نمونه است یک مدخل جدید ایجاد و وزن جدید و نمونه را در آن جاگذاری می‌کنیم. علاوه بر این روش عروضیان و شاعران می‌توانند کدهای خالی وزن را امتحان کنند و هر یک را موزون یافتند در این فرهنگ وارد کنند . مثلا با نگاه به برشی از فهرست وزنهای پیوست مطابق جدول زیر نگاهی کنیم، می‌بینیم که کد وزنی 0x1CE در این فرهنگ معادل ندارد.

برشی از فهرست وزن‌های دودویی

کد وزنی	رشته دودویی
0x1CB	1 / 1100 / 1011
0x1CC	1 / 1100 / 1100
0x1CD	1 / 1100 / 1101
0x1CF	1 / 1100 / 1111

حال اگر معادل دودویی، کد وزنی 0x1CE را به دست آوریم به رشته وزنی (1/1100/1110) می رسیم که می‌توان نوای وزنی آن را «مفاعیلن فعلن فعِلن» نامید که فاقد نمونه کشف شده است. حال اگر این وزن دارای موسیقی باشد (به نظر عروضیان و شاعران) ، این وزن می‌تواند وارد فرهنگ وزن‌ها شود.

در پایان پیشنهاد می‌شود شاعران و عروضیان با دقت در تصنیف ها ، نوحه ها و آوازها وزن‌های جدید را بیابند و در این فرهنگ جای دهند.

۹٫۳ : روش یافتن یک وزن در فرهنگ دودویی

از آنجا که هر کد وزنی، یک عدد (در مبنای شانزده) است و از طرفی می‌توان اعداد را از کوچک به بزرگ مرتب کرد، در این فرهنگ کدهای وزنی از کوچک به بزرگ مرتب شده اند و با دانستن کد یک وزن به راحتی کد وزنی آن را در فهرست یافت.

دقت کنید اعداد معمول ما اعداد در مبنای ده هستند یعنی هر رقم شامل یکی از اعداد صفر تا نه می‌باشد ، اما در اعداد مبنای شانزده، هر رقم شامل شانزده مقدار می‌شود. این شانزده مقدار عبارت است از :

{0,1,2,3,4,5,6,7,8,9,A,B,C,D,E,F} که در این مجموعه A معادل ۱۰، B معادل ۱۱، C معادل ۱۲، D معادل ۱۳، E معادل ۱۴ و F معادل ۱۵ دهدهی می‌باشد.

- مطابق این تعریف عدد 0xA از عدد 0x9 بزرگتر است زیرا هر دو دارای تعداد رقم یکسان هستند و رقم A (معادل ۱۰) بزرگتر از رقم 9 است.
- مطابق این تعریف عدد 0x20 از عدد 0x1E بزرگتر است زیرا هر دو دارای تعداد رقم یکسان هستند و اولین رقم از سمت چپ (2) اولین عدد بزرگتر از اولین رقم از سمت چپ (1) دومین عدد رقم است.
- عدد 0x1AB بزرگتر از عدد 0xFF است زیرا عدد اول سه رقمی است و هر عدد سه رقمی از هر عدد دورقمی بزگتر است.

به شکل کلی مانند آنچه در اعداد معمول حساب می‌کنیم :

- اگر عددی تعداد رقم بیشتری از عدد دیگر داشته باشد ، آن عدد بزرگتر است. (0x1A2>0xED)
- اگر دو عدد تعداد رقم مساوی داشته باشند از چپ به راست ارقام را مقایسه می‌کنیم و هر کدام رقم بزرگتری داشت عدد متناظر آن بزرگتر است . (0xC2>0xBF) اگر رقم چپ مساوی بود ، رقم بعدی را در نظر می‌گیریم. (0xA5>0xA0) (0xCE9>0xCE7)

نکته: با توجه به آن که هر چه تعداد هجاها بیشتر شود کدهای وزنی بزرگتر می شوند ، برای راحتی مراجعه ، وزن ها بر اساس تعداد هجاها نیز تقسیم بندی انجام شده است.

نکته : کلیه وزن‌ها در پیوست آورده شده‌اند و از این جدول نیز می‌توان وجود یا عدم وجود یک وزن را بررسی کرد

۴.فهرست وزن‌ها

رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان غزل   مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا
(مولانا)

در این فصل به فهرست کلیه وزن‌های یافته شده پرداخته می‌شود و آنها بر اساس کد وزنی از کوچک به بزرگ مرتب می‌شوند.

- مصرع‌های رکن‌نما با علامت ♫ مشخص شده‌اند.
- در ابیاتی که وزن‌های تقطیعی متفاوتی دارند، مصرعی که وزن تقطیعی آن با وزن پرونده یکی است با علامت ► معین می‌شود..

یک هجایی

شرح: شعر بالغ یک هجایی نداریم .

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x1	0x1	۱

0x1

(1) فع - (جان)

عصر ▶

چند عدد سار

دور شدند از مدار حافظه ی کاج (سپهری) (سپهری : ۴۰۲) (نیمایی)

گل || خود

وا || شد (علوی‌فرد : ۳۵)

مه / بُد

شه / شد (ابوالحسنی)

بود || ماه

گشت || شاه (ابوالحسنی)

دو هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x2	0x3	۲

0x2

(10) فعل – (بیا)

و عشق ▶

سفر به روشنی اهتزاز خلوت اشیاست

(سهراب سپهری ، منظومه‌ی مسافر) (نیمایی) (سپهری:۳۰۸)

بیا || پدر

مرا || ببر (علوی‌فرد : ۳۴)

ز عشق شوید

به یار رسید (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی «فَ» 0x0/1

0x3

(11) فعلن – (جانا)

روزی ▶

خواهم آمد، و پیامی خواهم آورد (سپهری) (سپهری : ۳۳۸) (نیمایی)

مادر || بابا

چون گل || ما را (علوی‌فرد : ۳۴)

جانان || جانان

در تو || حیران

خوبان || حوران
ای جان || ای جان
بی تو || بی جان
باتو || با جان
بی تو || نالان
با تو || خندان
بی تو || زندان
با تو || پرّان
بی تو || نقصان
با تو || سامان
ای جان || ای جان
ما را || سکان
ما را || درمان
جانان || جانان
هستم || مهمان
قلبم || بریان
قدری || باران
قدری || احسان
لطفی || پنهان
جانان || جانان
تا تو || رقصان
تا تو || رقصان
در تو || پایان
پایان || پایان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

چون دل// جانا// بنشین // بنشین
چون جان // بی جا// بنشین// بنشین (مولانا) (طبیب‌زاده❊ :۱۱۶)

سه هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x4	0x7	۴

0x4

(100) فعلن- (شکرا)

ننه جان|| پسرت
زده گل || به سرت (علوی‌فرد : ۳۸)

- عضو بحر دودویی «فَ» 0x0/1
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

دلِ من// دل من// دل من// برِ تو
رخ تو //رخ تو// رخ با// فرِ تو (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۹۸)
صنما //به خدا || نکنی// تو جفا
بنشین //دمکی || بشنو //غمکی (تحفه الهند : ۱۹۶)

0x5

(101) فاعلن- (دلبرا)

پادشاه
شد پدر
مادرم
تاج سر (علوی‌فرد : ۳۶)
عمه جان || در زدند
شب به ما || سر زدند (علوی‌فرد : ۳۶)

- وزن هر قسمت از مصرع زیر :

من نه خود /می روم// او مرا/ می کشد   (ابتهاج) (نجفی❋ :۴۸)

0x6

(110)   فعولن – (بزن دف)

درت برا|| نهم سر

بود غم || شود کم (تحفه الهند : ۱۹۲)

چه شادم || که عیدی

عروسک || خریدی (علوی‌فرد : ۳۷)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

زهی عشق//زهی عشق//که ماراست //خدایا (مولانا ، غزل ۹۴)

0x7

(111)   مفعولن- (جانانا)

ابری نیست

بادی نیست (سهراب سپهری)   (نیمایی) (سپهری:۳۳۵)

ای همزاد || ای هم‌رنگ (مهدی سهیلی) (نیمایی) (وحیدیان‌کامیار❋:۶۰۳)

قربانت || داداشم

تا هستم || تا باشم (علوی‌فرد : ۳۶)

تا خواهر

مادر شد

مامانم

دختر شد (علوی‌فرد : ۳۶)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1

چهار هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x8	0xF	۸

0x8

(1000) فَعِلَتُن – (شکرِ جان) (نگذرم)

پدر من || به سر تو
جغله شد || پسر تو (علوی‌فرد : ۳۷)

- عضو بحر دودویی «فَ» 0x0/1
- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

صنم من //از بر من// بنروی
دلک من// بنپری// بنشوی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۱۸)

0x9

(1001) مفتعلن – (شد مهِ جان)

داد زدم
به چه هوایی (سهراب سپهری ، ای شور ای قدیم) (سپهری:۴۱۲) (نیمایی)

روی تو خوش || موی تو کش
بوی تو گل || خوی تو مُل (تحفه الهند : ۱۸۰)
مادر من ||خواهر من
چون پدرم || سرور من (علوی‌فرد : ۳۶)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

مرده بدم زنده شدم// گریه بدم خنده شدم (مولانا) (نجفی* : ۱۷۸)

0xA

(1010) مفاعلن- (بیا بیا)

پری رخان || بلای جان

مران بتا || چنین جفا (تحفه الهند : ۲۰۳)

یلی شده || برادرم

شبیه او || دلاورم (علوی‌فرد : ۳۶)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2
- شکل دوری :

ز عشق// شوید

به یار// رسید (ابوالحسنی)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

از آن زمان //که شد روان || ز چشم من //نگار من (بی نام) (شمیسا* : ۱۴۹)

0xB

(1011) مستفعلن – (مه‌رو بتی)

اول طعام || آنگه کلام (طایراف) (نجفی* :۱۱۳)

دنیای گول || دنیای گیج (ضیاالدین ترابی) (وحیدیان‌کامیار*:۶۰۳)

شو بر گذر || وندر نگر

یا درسفر || یا در حضر

دیدی پسر || زو خوب تر (بدیع بلخی) (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۶)

بد خو بتی || پر کیمیا (معیار الاشعار)

داداش من || بابای من
مامان من || گل های من (علوی‌فرد : ۳۵)

- «خواجه نصیر این وزن را در معیارالاشعار ذکر کرده افزوده است که شعرای فارسی زبان از روی تشبه به شعر عرب چنین شعری را سروده اند: بد خو بتی پر کیمیا » (مدرسی*:۵۴)

0xC

(1100) فعلاتن- (مهِ جانی)

سفر از پیش تو ؟ هرگز نتوانم
نتوانم ▶ (فریدون مشیری، دفتر ابر و کوچه ، شعر کوچه)
رَهِ شادیم || بِبَستی (معیار الاشعار ، فشارکی: ۴۱) (مدرسی*)
تو و بابا || من و مادر
نوه های || ننه هاجر (علوی‌فرد : ۳۷)

- «خواجه نصیر متذکر این وزن شده است» (مدرسی*: ۱۰۴)

0xD

(1101) فاعلاتن – (دلبرم شد)

آشنایی||روشنایی (طایراف) (نجفی* : ۵۲)
باز باران || با ترانه (گلچین گیلانی ، شعر باران)
مه برآمد ||خرم و خوش
شب بخندید || نرم و دلکش (خانلری) (نجفی* :۵۲)
ماه غمناک ▶
راه نمناک ▶
ماهی قرمز افتاده بر خاک (کسرایی) (نیمایی) (نجفی* :۵۲)

غمزه چون تیر ||زلف چون قیر
چشم پر خواب || زلف پر تاب (المعجم ، شمیسا: ۱۹۲)
آفتابی ||مشک بویی (معیار الاشعار ، فشارکی: ۴۰) (مدرسی*: ۱۰۴)
یار مایی || بی وفایی

ماه رویی || تند خویی (تحفه الهند : ۱۹۱)
خانه مان شد ||باغ گل ها
پیش مادر || پیش بابا (علوی‌فرد : ۳۶)
مادرم را
از جوانی
می‌شناسد
مهربانی (علوی‌فرد : ۳۶)

- «خواجه نصیر در معیار الاشعار متعرض این وزن شده است» (مدرسی*: ۱۰۴)

0xE

(1110) مفاعیلن – (نگارینا)

مرا گرم کن (سهراب سپهری، به باغ همسفران) (سپهری:۳۹۶) (نیمایی)

چه خوش حالم || پدر دارم
که در بازی || پسر دارم (علوی‌فرد : ۳۷)
چه خوشحالم
تو را دارم
برایت یک
هوادارم (علوی‌فرد : ۳۷)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

چه عشق است این// که در دل شد
کزو پایم //در این گل شد (اوحدی مراغه ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۶)

0xF دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xF -0//4 حالت غیر دوری

(1111) مفعولاتن – (بی‌سامانم)

رنگین رویا || شیرین گویا

بی باکی تو || چالاکی تو (تحفه الهند : ۱۸۵)

بابا //آمد

بابا //نان داد

هی رفت آمد ►

آخر //جان داد (علوی‌فرد : ۳۵)

0xF -2//2 حالت دوری

(2//11) (فعلن فعلن)- (جانی)//۲

تق تق //تق تق ♫

بابا //آمد

او یک// گل بود

زیبا// آمد (علوی‌فرد : ۳۵)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

چون دل// جانا// بنشین // بنشین

چون جان // بی جا// بنشین// بنشین (مولانا) (طبیب‌زاده❋ :۱۱۶)

پنج هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x10	0x1F	۱۶

0x10

(10000) فَعِلَتَتُن -مُتَفَعِلُن- (شکرِ منی) (بنگذرم)

شده دلِ ما
خودِ خودِ شب
شبِ پرِ غم
شده پرِ تب (علوی‌فرد:۴۸)

- عضو بحر دودویی «فَ» 0x0/1
- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

شکرک از آن //دو لبک تو
بچنم اگر // تو یله کنی
به سرک تو // که بزنمت
به پدر اگر // تو گله کنی (عنصری) (المعجم ، شمیسا: ۱۱۳)

0x11

فاعِلَتُ فا
(من نگذرم)

(10001)

او گلک من
من عسل او
دست یخ من
در بغل او (علوی‌فرد:۴۳)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x12

(10010) مفاعلتن – (بیا صنما)

لبت همه نوش || خوشت بر و دوش (تحفه الهند : ۲۰۶)
دلم ز تو خون || خوشم به جنون
دهم به تو دین || زیم به از این (تحفه الهند : ۲۳۷)
به یاد تو ام
پدر همه جا
سپردمتان
به دست خدا (علوی‌فرد:۴۶)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/5
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

سحر اثری// ز طلعت او// شبم نفسی// ز عنبر او
مرا غم او //چو زنده کند// چگونه شوم //ز منظر او (مولانا) (نجفی❊ :۲۴۸)

0x13

(10011) مستفعلتن – (شد او مهِ جان)

ای برف ببار
با فکر بهار
برجنگل و دشت
بر شهر و دیار (محمد علی سپانلو در پناهی ، ج۳ :۱۵۴) (طبیب‌زاده❊ :۲۵۰)
چون زاده شدی
آماده شدی
در خدمت حق
مردانه شدی (ابولقاسم آقا ربیع در پناهی ، ج۳ :۱۵۳) (طبیب‌زاده❊ :۲۵۰)

هستی همه جا
ای مرد کچل

در کوچه‌ی ما

هر جای محل (علوی‌فرد : ۴۱)

- عضو بحر دودویی «مستفعلتن» 0x13/5

0x14

(10100) متفاعلن - (صنما بیا)

دلم از تو شاد || همه وقت باد

(تحفه الهند : ۲۰۶)

صنما بیا

به وفا بیا

به ادا بیا

به خدا بیا (تحفه الهند : ۲۳۳)

تو که شاعری

همه جا رها

نرسیده ای

به ستاره ها (علوی‌فرد : ۴۷)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

هله ای کیا //نفسی بیا

در عیش را //سره برگشا (مولوی) (پناهی، ج۲: ۳۵)

0x15

(10101) مستفعلن – (نو بتی بتی) – (جانِ جانِ جان)

تیره شد فضا || ابر پر بلا || پرده برکشید || روزی آفتاب

(ابولقاسم لاهوتی در پناهی ج ۳: ۱۷۲) (طبیب‌زاده* : ۲۶۷)

از جنوب شهر || تا خود شمال
پوست می شوند || موز و پرتقال (علوی‌فرد : ۴۲)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2

0x16
(10110) مَفاعیلَتُن- (بیارا بیا)

الا ساقیا || الا ساقیا || ز راه وفا || به شیدای خود || به شیدای خود || جفا کم نما
(علی اکبر شیدا ، تصنیف الا ساقیا) (نصیری‌فر:۸۴)

صدا کن مرا ▶
صدای تو خوب است (سهراب سپهری) (سپهری:۳۹۴) (نیمایی)

تویی دل گداز ||منم دل سپار (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۳)
تو را دیده ام ||که باران شدی
به صحرای دل || تو مهمان شدی (علوی‌فرد : ۴۵)

- عضو بحر دودویی 0x16/5 (مفاعیلتن)

0x17
(10111) مفعولن فعل- (جانانا بیا)

آمد نوبهار || طی شد هجر یار
مطرب نی بزن || ساقی می بیار (نواب صفا) (نجفی* :۱۱۹)
خالی سینه ها || دور از کینه ها (علوی‌فرد : ۳۹)
جانا ای نگار || جامی می بیار
با یک بوسه ات || جان را کن بهار (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x7/4 («فاعیلن مَ» «مفعولاتُ»)

0x18

فَعِلَتُن فع

(11000) (قمرِ شبها) (نگذرم من)

ننه صنوبر

زده به قایق

گل گلایل

گل شقایق (علوی‌فرد:۴۷)

- عضو بحر دودویی 0x8/4 (فَعِلَتُن)
- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x19

(11001) مفتعلاتن – (آن مهِ جان کو)

ای دل غافل / نقش تو باطل / خون شوی ای دل / خون شوی ای دل

(عارف قزوینی ، تصنیف دل هوس سبزه و صحرا ندارد)

غنچه عروس است

خوشگل و لوس است

عاشق زنبور

عاشق بوس است (علوی‌فرد:۴۳)

موی تو دامی || خط تو شامی

روت بهاری || خوت شراری (تحفه الهند : ۱۸۰)

چشم تو آهو || مشک دو گیسو (تحفه الهند : ۲۰۶)

- عضو بحر دودویی 0x19/5 (مفتعلاتن)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

آینه‌ام من// آینه‌ام من //تا که بدیدم // روی چو ماهش

چشم جهانم // چشم جهانم // تا که بدیدم //چشم سیاهش (مولانا) (نجفی❋ :۲۰۳)

0x1A

(11010) مفاعلاتن – (دلا دلارا)

تو یار غاری

تو غمگساری

(عروض بابر:۶۶)

مژه ات خاری رخت بهاری ▶

(تحفه الهند : ۲۰۶)

چه کار خوبی

چه قدر شادم

کتاب خود را

به هدیه دادم (علوی‌فرد:۴۵)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ» 0x2/2
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

زهی دو چشمت //به خون مردم //گشاده تیر و //کشیده خنجر

رخ چو ماهت //صباح دولت //خط سیاهت// شب معنبر (عصمت بخارایی)

(سال وفات ۸۴۰)(وحیدیان‌کامیار*: ۷۱۵)

0x1B

(11011) مُستَفعِلاتُن – (ای دلستانم) (مه‌رو بتی مه)

بازو به بازو

در فصل پیکار

با خشم و کینه

با پرچم کار (محمد علی بهمنی) (پناهی، ج۲: ۱۵۱)

ای دست‌هایت || گهواره من

پرورده در خود || هم جان و هم تن (پروین دولت‌آبادی) (نجفی* : ۶۱)

خورشید زیبا //تابیده بر دشت
جانی دوباره//بخشیده بر دشت (علیرضا آقا بالایی) (پناهی، ج۲: ۱۵۲)

جانا ، کجایی// زینسان چرایی
با ما به کینی//چون این چنینی (تحفه الهند : ۲۰۴)
در انتظارم || دایی نیامد
هی قند خوردم || چایی نیامد (علوی‌فرد: ۴۰)

- { مصنف کتاب تحفه الهند شعر زیر را برای این وزن آورده است که با حذف کلمه‌ی «تو » آن را به عنوان شاهد آوردیم }

جانا ، کجایی تو زینسان چرایی تو
با ما به کینی تو چون این چنینی تو (تحفه الهند : ۲۰۴)
«و ارکان تقطیعش به طور عروضی عربی در هر تکی یکبار مستفعلن و یکبار در آخر فاع بود . » (تحفه الهند : ۲۰۴)

- ضرب المثل: «خرما به بصره» «حکمت به یونان» «نیکی و پرسش» «پیری و صد عیب» (پناهی، ج۲: ۱۵۲)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

چندان که گفتم// غم با طبیبان
درمان نکردند// مسکین غریبان (حافظ) (نجفی❋ :۱۱۷)

0x1C
(11100) فعلیاتن – (مهِ دل آمد)

مژه ات خاری ▶ || رخت بهاری
(تحفه الهند : ۲۰۶)
همه شب شادم || همه روزم شاد
غم دنیا را || بدهم بر باد (علوی‌فرد : ۴۶)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

به یکی عشوه// به یکی افسون
مه من مستم //کن و خوابم کن (مهرداد اوستا) (وحیدیان‌کامیار*: ۷۱۴)

0x1D

(11101) فاعلیاتن - (ساقیا جامی)

می‌شدم در راه || دل ز شوقت مست
پایم از جا شد||چنگ من بشکست (خانلری) (نجفی* : ۹۴)
روی مهتابی || پیچ نیلوفر
پشت شالیزار || بحر پهناور (محمد زهری) (نجفی* : ۹۴)
قطره‌ی باران || اشک چشمانت
گرمی و نور است || روی خندانت (مصطفی رحمان دوست) (پناهی، ج۲: ۱۷۳)
با تو باید بود|| با تو باید خواند (ضیاالدین ترابی) (وحیدیان‌کامیار*:۶۰۳)
می‌شود زیبا
خانه با مادر
باغی از گلها
یا از آن بهتر (علوی‌فرد:۴۲)

0x1E

(11110) مفاعیلاتن–(ز جانی جانی)

به این آرامی به این زیبایی
ندیدم چیزی ندیدم جایی
(علوی‌فرد : ۴۴)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

به خود می‌پیچم//ندارم سامان
به کوه و صحرا//منم سرگردان (بیژن ترقی در پناهی ، ج۴ :۱۱۰) (طبیب‌زاده* :۲۲۳)

0x1F

(11111) مفعولن فعلن - (جانانی جانی) (جانی جانانی) (بی‌سامان‌ها)

مادر موهایت || خرمن ها خوبی

(کیانوش) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۲۹)

ماه ِ تابانی || شاهِ خوبانی

جانِ جانانی || لوءلوء دندانی (تحفه الهند : ۱۸۶)

آمد با شادی || باران با شرشر

شد صحرا پر گل || از شادی شد پر (علوی‌فرد : ۳۸)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1

شش هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x20	0x3F	۳۲

0x20

فَعِلَتُ فعل

(100000) (قمر شبِ من)

شده لب و دهان
همه پُرِ عسل
لب عسلِ تو
شده خودِ عسل (علوی‌فرد:۴۸)

- عضو بحر دودویی «فَ» 0x0/1
- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x21

فاعِلَتُ فعل

(100001) (ای شکرِ شکر) (من بنگذرم)

مادر ننه گل (علوی‌فرد: ۴۳)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x22

مَفاعِلُ فعل

(100010) (ز او نگذرم)

تویی ننه صنم
بگو که چه کنم (علوی‌فرد: ۴۶)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x24 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x24-0//6 حالت غیر دوری

(100100) فعلاتُ فعل – (شکرینِ منی)

دل زائر من

شده بال و پرم

بپرم بروم

همه جای حرم (علوی‌فرد: ۴۷)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

به سرود خوشت // بنواز مرا (عروض جامی) (نجفی❊ :۶۷)

0x24-3//3 حالت دوری

(2//100) فعلن //۲ – (صنمی صنمی)

صنما //به خدا || نکنی// تو جفا

بنشین// دمکی || بشنو //غمکی (تحفه الهند : ۱۹۶)

دل من //ز تو خون || سر من// به جنون

بدهم //به تو دین || بزیم // به از این (تحفه الهند : ۲۳۷)

- عضو بحر دودویی « فَعِلن» 0x4/3

0x25

(100101) فاعلن فعلن- (دلبری شکری)

ای ز تو لب من

پر ترانه شده

وز تو قصه من

جاودانه شده (عبدالله الفت در پناهی ، ج۴: ۲۲۶) (طبیب‌زاده❊ : ۳۵۹)

خانه های محل   با صدای خروس (علوی‌فرد : ۴۲)
بوسه ای زدمش   غنچه اش بشکفت
ردّ سرخی آن   راز عشق بگفت (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُ» 0x5/5

0x26

(100110)   فعولن فعلن – (نگاری شکری)

منم شیر شلنبه   و منم ببر تله (منتسب به بهرام گور)

مرا خانه ببر   بخوابان بغلت
به لالا همه چیز   بگو با عسلت (علوی‌فرد : ۴۴)

- عضو بحر دودویی 0x6/4 (مفاعیلُ)
- « در وزن مصراع دوم   {شعر منسوب به بهرام گور} اگر « و » آن را حذف کنیم ، (در شعر فارسی به ندرت در آغاز مصراع «و» می آید) در این صورت وزن چنین است: مفاعیل فعولن   مفاعیل فعل که وزنی کمی است ولی مصراع دوم یک هجا کمتر دارد که طبق اختیارات شاعری قدیم درست است .» (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۹)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

تمنای بتی//بُوَد در دل من
کزو جز غمِ دل//نشد حاصل من (ادیب طوسی) (نجفی٭ :۱۳۹)

0x27

(100111) مفعولن فعلن – (جانانا شکری)

شهرستان عشق || گورستان نداشت (فرشته صارمی) (وحیدیان‌کامیار*:۶۰۳)

آمد مادرِ من || شد گل خانه‌ی ما
ماها چون گل او || او پروانه‌ی ما (علوی‌فرد : ۳۹)
فارغ، از همگان || از غوغای زمان
بوسم غنچه‌ی او || نوشم شهد جهان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xE7/8 (مفعولن فعلیاتن)

0x28

فَعِلَتُن فعل
(101000) قمرِ آسمان

به سر خود نهم (علوی‌فرد:۴۷)
به لبِ او قسم
نگذرم ز عشق (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x8/4 (فَعِلَتُن)
- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x29

مفتعلن علن – فاعلُ فاعلن- لن متفاعلن

(101001) (دلبرکا بیا)- تازه بتی بتی- دل شده دل شده

مادر من خرید || روز تولدم
خرس عروسکی || گنده تر از خودم
(علوی‌فرد : ۴۳)
از لب غنچه اش || بوسه مکیده ام
عطر دهان من || شاهدِ گفته ام (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فاعلُ» 0x1/3
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

ای که مرا کسی//نیست به جای تو
کافرم ار کشم//سر ز رضای تو (عماد کرمانی در پناهی ، ج۳ :۹۳) (طبیب‌زاده* :۳۱۶)

0x2A

(101010) مفاعلن مفا – (بیا بتا بیا)

نماد آسمان || نمود زندگی (سهیل محمودی) (وحیدیان‌کامیار*:۶۰۳)
ز کوفه می‌رسد|| نوای جان‌گداز
که عاشقی کند || میان خون نماز
(محمود تاری در پناهی ، ج۳ :۱۶۵) (طبیب‌زاده* : ۳۵۰)

مرا ببین پدر || شدم شبیه تان
شبیه کودکی || بزرگ و نوجوان (علوی‌فرد : ۴۴)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

به فصل فرودین//ز فیض نوبهار
شود بهشت عدْن//به گیتی آشکار (ادیب طوسی) (نجفی* :۱۶۷)

0x2B

(101011) فعلن مفاعلن - مستفعلن فعل – (جانا بیا بیا)

چشمان عاشقان // مشتاق روی توست

یک کهکشان شهید // در جستجوی توست (تقی متقی) (پناهی، ج۲: ۳۱)

شیپور انقلاب || پرجوش و پرخروش

از نقطه‌های دور || می‌آیدم به گوش (فریدون توللی، رها: ۶۵) (نجفی* : ۳۰۰)

چندین هزار زن || چندین هزار مرد

زنها لچک به سر || مردان عبا به دوش (نادرپور ، چشم‌ها و سایه ها: ۱۰۰) (نجفی* : ۳۰۱)

در خاک‌های تو || ای سرزمین من

عشق عزیز من || بی خویش و بی کران (شاهرخ مسکوب) (نجفی* : ۳۰۱)

مانند جویبار || جاری و مهربان

در پیش هر درخت || جان می دهد به آن (محمد تقی عرب) (پناهی، ج۲: ۳۱)

ای دلبر نگارین || با ما یکی بساز ► (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۷)

زل زد به این و آن || از سن کودکی

چشمش ضعیف شد || این جغد عینکی (علوی‌فرد : ۴۰)

- عضو بحر دودویی 0x2B/6 (مستفعلن فعل)
- ضرب المثل: «صد کور را عصاست» «یخ بود و آب شد» (پناهی، ج۲: ۳۲)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

موجیم و وصل ما // از خود بریدن است

ساحل بهانه ای ست // رفتن رسیدن است (قیصر امین پور) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۲)

0x2C

(101100) فعلن فاعلن- (مه من ماهِ من)

به مصافی شکست

ز خدایان عشق (امیر مجاهد در پناهی ، ج ۵: ۱۱۸) (طبیب‌زاده* : ۳۷۴)

به تن آن پیرهن

نبرازد به تن (امیر مجاهد در پناهی ، ج ۵: ۱۱۸) (طبیب‌زاده* : ۳۷۴)

گل باغ رباب
رود اینجا به خواب (امیر مجاهد در پناهی ، ج ۵: ۱۱۸) (طبیب‌زاده* : ۳۷۴)

گلِ مادر شدی || گلِ بابا شدی
تو شدی بهترین || گلِ گل ها شدی (علوی‌فرد : ۴۶)
شب من روشن است || ز شکر خند تو
بچشم عاقبت || من از آن قند تو (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x2C /6 (فعلن فاعلن)

0x2D
(2*101) فاعلن*۲ – (دلبری)*۲

می چکد روی گل || اشک پاک سحر
از غم آسمان || غنچه دارد خبر (علی آقا غفار) (پناهی، ج۲: ۱۴۳)
موج پاکش مرا
تا خدا می‌برد
تا به نزدیک آن
آشنا می‌برد (علی اصغر نصرتی) (پناهی، ج۲: ۱۴۴)

سجده کردت بتا ||آفتاب از فلک (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۴)
باخت دل با تو مهر (المعجم) (نجفی* :۵۱)

شانه دارد پدر
می‌زند هی به سر
می‌شود مثل گل
می‌شود گل پدر (علوی‌فرد:۴۱)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

- نمونه دوری

می‌چکید//بر رخم

اشک عشق//تا سحر (ابوالحسنی)

- ضرب المثل: «رشته ها پنبه شد» «کاهلی کافری ست» (پناهی، ج۲: ۱۴۴)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

من نه خود می روم// او مرا می کشد

کاه سرگشته را// کهربا می کشد (ابتهاج) (نجفی* :۴۸)

0x2E

(101110) علن مستفعلن - مفاعیلن مفا – (بیا یارا بیا)

گل مادر علی || کنم باور علی

مرا یاور علی || شدی، آخر علی (احمد آرونی در پناهی ، ج۳: ۲۲۳) (طبیب‌زاده* : ۲۲۳)

از آن روزی که تو || به عشق افکندیم

شدم همرنگ عشق || به گیسویت قسم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلن» 0xE/4

0x2F

(101111) مفعولن فاعلن – (جانانی دلبری)

مطرب راهی بزن || راوی بیتی بخوان

در این معانی به شعر || بساز ده داستان (مسعود سعد) (بیت اول) (پناهی ، ج۲: ۵۴)

ماهی در آبگیر/ دارد جزعین زره

آهو در مرغزار// دارد سیمین شکم (منوچهری) (نجفی* : ۱۹۱)

هر عصر و هر زمان || یک سبک و یک زبان (صادق سرمد) (نجفی* :۱۸۸)

چون هر جا می روی || من هستم درد سر
لطفا دیگر پدر || من را با خود نبر (علوی‌فرد : ۳۸)

- عضو بحر دودویی « مستفعیلاتُ» 0xF/5
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

گفتم نایَمْتْ نیز // هرگز پیرامنا (ابولحسن اورمزدی) (نجفی* : ۱۹۲)
او را از نیکویی// قارون کرده است باز
ما را خواهد همی// کز غم قارون کند (المعجم ، شمیسا: ۱۶۵)

0x30

فَعِلَتُ فعِلن

(قمرِ منی تو) (بنگذرم من) (110000)

شده لبِ دریا
خودِ خودِ صحرا
شده پُرِ گل‌ها
همه گلِ زیبا (علوی‌فرد:۴۷)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x31

فاعِلَتُ فعِلن

(من نگذرم من) (110001)

او نمک مادر
من عسل بابا
او بغل مادر
من بغل بابا (علوی‌فرد:۴۳)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x32

(110010) مفاعلُ فعلن – (بتا مهِ جانی)

غمینم و تنها

به خلوت شبها

چو شعله لرزان

چو آتش سوزان

(بهادر یگانه در پناهی ، ج ۴: ۱۰۴) (طبیب‌زاده❊ : ۳۶۳)

دوباره صدایی || ز شیشه شنیدم

ترانه‌ی او را || همیشه شنیدم (علوی‌فرد : ۴۵)

- عضو بحر دودویی 0x32/6 («مفاعلُ فعلن»)

0x33

(110011) مستفعلُ مستف – لاتن فعلاتن - (شد او مهِ جان) (جانی مهِ جانی)

دل برد و نهان شد

گه پیر و جوان شد (مولانا) (نجفی❊ :۱۵۴)

دیگش سر بار است

بر توپ سوار است (دهخدا)

(دیوان دهخدا ،نشر تیراژه ،۱۳۶۲، ص ۲۰۲)

ای همهمه‌ی نام

ای خلوت اوهام (فاضل نظری) (پناهی، ج۲: ۱۱۳)

این قافله دارد

یک باغ شقایق (محمود تاری) (پناهی، ج۲: ۱۱۳)

تصویرِ حیاطم
یک حوض پر از برف (مرتضی پارسا) (پناهی، ج۲: ۱۱۳)

ای یار گرامی
آخر تو کجایی (المعجم) (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۱)
من بی تو چنین زار ▶
تو از دور همی خند (المعجم ، شمیسا: ۱۳۸) (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۱)
باز است به رویم
آغوش مترسک
چون دامن مادر
روپوش مترسک (علوی‌فرد : ۴۰)

- عضو بحر دودویی 0x3/4 (مستفعلُ)
- ضرب المثل: «از ماست که بر ماست» ، «یک سنگ و دو گنجشک» (پناهی، ج۲: ۱۱۴)

0x34
(110100) فعلن فعولن – (نظری پریسا)– (تو بتی بتی نو)

به برم کشیدم
همه درد و غم را
به دلم نشاندم
غم مادرم را (علوی‌فرد:۴۶)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

دل من که باشد// که تو را نباشد
تن من چه باشد //که فنا نباشد (مولانا) (نجفی❋ : ۳۶۸)

- عضو بحر دودویی 0x34/6 (فعلن فعولن)

0x35

(110101) فاعلن فعولن - (شد پری پریرو)- (جانِ جانِ جانی)

می‌روم ز دنیا

گشته‌ام مهیا (ابولقاسم نوروزی تویسرکانی در پناهی ، ج ۳ : ۱۰۷) (طبیب‌زاده* :۳۹۳)

تا زمن نمانی

قدر من ندانی (طایراف) (نجفی* : ۳۷۶)

کوچه‌های ساحل

خانه‌های زیبا

صد دریچه باز است

رو به سوی دریا (علوی‌فرد:۴۲)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

هر شب از فراقش//تا سحر بنالم

شاید آید از یار//مژده‌ی وصالم (الهی قمشه‌ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۸)

0x36

(110110) فعولن فعولن – (بزن دف بزن دف)

سمرقند کند مند ▶ || بذینت کی افکند ▶

از شاش ته بهی || همیشه ته خهی «ابوالینبغی عباس بن طرخان» (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۴۷)

نه یاری خیرم ▶

نه نیروی شرم ▶

نه تیر و نه تیغم بود، نیست دندان تیزم (شمس کسمایی ، مجلّهٔ آزادیستان ،۲ شهریور ۱۲۹۹ش)

به چشم من اما || تو آغاز رودی

نشان حیاتی || تو شفاف و آبی (پروین جزایری) (نجفی* :۴۴)

عیان شد نهانم || ز رنگ رخانم (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۳)

بسی بی وفایی بدینسان چرایی
ز شوقیم حیران کجایی تو ای جان (تحفه الهند : ۲۰۰)

پر از داستانک
پر از شعر کودک
چه ترش است شیرین
کتاب لواشک (علوی‌فرد:۴۴)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3
- سروده‌ی «ابوالینبغی عباس بن طرخان» از قدیمی ترین نمونه های شعر فارسی است و چنان که بهار می گوید باید در رثای سمرقند بوده باشد . دکتر تقی وحیدیان‌کامیار بیت اول را بر وزن «فعولن فعولن» می داند . (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۴۷)

0x37

(110111) مفعولن فعولن- (جانانی نگاری)

بابا خانه دارد
هم پروانه دارد (علوی‌فرد : ۳۹)
نقاش تو هستم || نقشت را کشیدم
نقشت شد گلی سرخ || شهدش را چشیدم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x7/4 («فاعیلن مَ» «مفعولاتُ»)

0x38

فَعِلَتُن فعِلن

(111000) (قمرِ تابانی) (نگذرم از عشق)

کلکِ ما را کند (علوی‌فرد:۴۷)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x39

(111001) مفتعلن مفتع – (شد مهِ جان شد مه)

نوش لبانت جام ◄
موی سیاهت شام ◄
تنگ دهانت هیچ ◄
کاکل تو همه پیچ (تحفه الهند : ۱۷۹)
مادر من هر شب
درد کمر دارد
باز برای او
کار خطر دارد (علوی‌فرد : ۴۲)
رنج و عذاب از من
سنگی ساب از تو
خون جگر از من
موی خضاب از تو (بی نام در پناهی ، ج ۳ :۱۲۵) (طبیب‌زاده* : ۲۳۰)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

باز چو دلّاکان //نیشتری داری
بهر دل آزردن // شور و شری داری (شهاب ترشیزی) (نجفی* : ۱۹۴)

0x3A

(111010) مفاعلن فعِلن – (بیا بیا جانا)

رسیده مولایم || امید فردایم
که می دهد معنی || به دین و دنیایم (محمود شریفی (کمیل)) (پناهی، ج۲: ۴۹)
سکوت بود و نسیم
که پرده را می‌بُرد ◄ (فروغ فرخزاد) (نجفی، ۱۳۹۰ : ۱۲۰)
و میزبان پرسید
قشنگ یعنی چه ؟ (سهراب سپهری ، منظومه‌ی مسافر) (سپهری:۳۰۶) (نیمایی)

چرا ز بیم موج || دل تو توفانی‌ست (بیوک ملکی) (پناهی، ج۲: ۴۹)
نگاه دریا نیز ► || عمیق چون تو نبود (فریدون شمس) (پناهی، ج۲: ۱۰۰)

منم به رخ زردی || ز غم پر از دردی (تحفه الهند : ۲۰۵)

صد آدمک برفی
در این زمستان ها
سفید و یک‌رنگند
نه مثل انسان‌ها (علوی‌فرد:۴۵)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

نهاد بر در گوش //صدای یک زن بود
چه رفت بر کولی //دلش نه زآهن بود (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۲۲۰)

0x3B

(111011) مستفعلن مستف- (مه‌رو بتی مه‌رو) (جانانه جانانه)

وقتی که می آمد || شبها چه زیبا بود
آن مهربان آن خوب || هم بازی ما بود (شهرام رجب زاده) (پناهی، ج۲ :۱۸۳)
او بی‌دریغ و پاک || بر دشت می‌تابید
هر صبح چون گل‌ها || بر باغ می‌خندید (مجبوبه ذولفقاری) (پناهی، ج۲ :۱۸۳)

جانا ، کجایی تو || زینسان چرایی تو
با ما به کینی تو || چون این چنینی تو (تحفه الهند : ۲۰۴)
خوشمزه و زیباست || هر میوه با رنگی
اما هوس کردم || امروز نارنگی (علوی‌فرد : ۳۹)

- عضو بحر دودویی « مستفعلن » 0xB/4
- ضرب المثل: «کی کار شیطان است» ، «این گوی و این میدان» (پناهی، ج۲: ۱۸۴)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

ای بسته تودرتو //بر گردِ من دیوار

یک روز خواهم رست //از این پیازین وار (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۰)

0x3C

(111100) فعلاتن لاتن – (مهِ جانی جانی)

چه گوارا این آب

چه زلال این رود (سهراب سپهری ، آب) (سپهری:۳۴۶) (نیمایی)

همه شب با شادی || همه شب با لبخند

دلِ ما با شادی || بخورد صد پیوند (علوی‌فرد : ۴۶)

- عضو بحر دودویی 0x7C/7 (فعلاتن فعِلاتن)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

چو به بند افکندی//ز غم آزادم کن

به وفا یادم کن//به رُخت شادم کن (ادیب طوسی) (نجفی* :۱۳۳)

0x3D

(111101) فاعلاتن لاتن - (ماهِ جانی جانی)

لحظه ای شد آخر || لحظه ای شد آغاز

خسته پای خود را || می کشم از ره باز (سوسن وکیلی) (پناهی، ج۲: ۲۷)

آخر بیا ای دل || او را رهایش کن

بیگانه‌ای خوانش || از خود جدایش کن (پروین جزایری) (نجفی* :۱۱۲)

از ترانه از شعر || از غزل سرشارم

حرف های بسیار|| در دلِ خود دارم (ملیحه مهرپرور) (پناهی، ج۲: ۲۷)

در اتاقِ خلوت || باد خواهد آمد (م.ع.سپانلو) (وحیدیان‌کامیار*:۶۰۳)

فصل ، فصل کشت است || شور و حالی دارد
سگ من توی حیاط || استخوان می کارد (علوی‌فرد : ۴۱)

- عضو بحر دودویی «فاعلاتن» 0x D/4
- ضرب المثل: «سنبه اش پرزور است» ، «هر سَری را سِرّی ست» (پناهی، ج۲: ۲۸)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

جان جان مایی//خوشتر از حلوایی
چرخ را پر کردی//زینت و زیبایی (مولانا) (نجفی* : ۹۷)

0x3E

(111110) فعولن مفعولن- (گلستان گل بستان) (بیا جانا جانا)

بیا من تنهایم کمی هم ترسیدم
کنارم یک سایه شبیهت می دیدم (علوی‌فرد : ۴۴)
نگارم شادان است || چو بادی رقصان است
چو بلبل پر نغمه || چو گل‌ها خندان است (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی0x1E/5 (مفاعیلاتن)

0x3F دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x3F -0//6 حالت غیر دوری

(111111) (لالالالا)

جانا در دل کردم || کز مهرت برگردم (المعجم ، شمیسا: ۲۰۱)

بابا آمد در زد من در را وا کردم

بابا آمد سویم دستم را وا کردم (علوی‌فرد : ۳۸)

0x3F -2//2//2 حالت دوری

(3//11) (فعلن فعلن فعلن)- (جانی)//۳

هر دم// آیم //سویت

باشد// بینم// رویت (عروض بابر:۷۵)

جانا ، داری سرِ ما روزی آیی برِ ما

جانِ //ما را //بردی ▶ خونِ //ما را //خوردی ▶ (تحفه الهند : ۱۸۶)

0x3F -3//3 حالت دوری

(2//111) (مفعولن)//۲- (جانانی)//۲

بیمارم // مادرجان

می دانم // می بینی

می بینم // می دانی

می ترسی// می لرزی (اخوان ثالث ، بیمار) (اخوان ثالث، کتاب زمستان، ص۱۱۲)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1
- این وزن می‌تواند عضو خانواده «لاتن فعلاتن فع» 0x73 باشد مثل بیت زیر :

دیوار امیدم ریخت || زآوار ملالی سرد

خونی جوشد در رگ || صبری جوشد در دل (یدالله رویایی) (پناهی، ج۲: ۱۴۶)

- این وزن می‌تواند عضو خانواده «مفتعلن مفتعلن» 0x99 باشد مثل بیت زیر :

دلبر مست//عشوه کنان

آتش زد// در ایمان ▶ (ابوالحسنی)

هفت هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x40	0x7F	۶۴

0x43

مستفعلُ فعلن

(1000011) (هستی مهِ شبِ ما) (از او بنگذرم)

هستم گلِ عسلی

دارم غمِ کچلی (علوی‌فرد:۵۹)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x45

فاعلاتُ فعلن

(1000101) (دل ربا قمرمن) (از قدح بنگذرم)

می‌روم به همه جا

توی کوچه و محل

موی من شده سبک

مثل آدم کچل (علوی‌فرد:۶۴)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x47

مفعولن فَعِلَتُن

(1000111) (تابانی قمرِ من) (از ساغر بنگذرم)

ای مادر ، عسل من

هستی با همه‌ی ما

باز از چشمه‌ی دلت

پر شد قمقمه‌ی ما (علوی‌فرد:۵۳)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x48

فَعِلَتُن فعلن

(1001000) (قمر من مه من) (نگذرم ز قدح)

غمِ ترانه نشد

همه چو خانه نشد (علوی‌فرد:۸۳)

- عضو بحر دودویی 0x8/4 (فَعِلَتُن)
- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x49

لن فعلن فعلن- (فاعلُ فاعلُ فا)

(1001001) (دلبرِ دلبرِ دل) (کن نظری نظری)

من که اسیر توام || از تو اگر برهم

یاد کسی نکنم || دل به کسی ندهم (ادیب طوسی) (نجفی* : ۱۷۶)

دُر ز صدف بِنما || دل ز کفم برُبا (تحفه الهند : ۲۰۵)

گنبد و صحن حرم
پر شده از گل راز
صحن دلم شده پر
از گلِ راز و نیاز (علوی‌فرد:۶۷)

- عضو بحر دودویی « فاعلُ » 0x1/3
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

مژده که باد صبا//می دهدم خبری
می شکند گل هجر//غصه شود سپری (محسن حکیم معانی) (خورشیدی نیا:۱۱۰)

0x4A
مفاعلن فعلن - علن علن فعلن - (بیا بیا تو بیا)
(1001010) (بیا بیا صنما)

سکوت بود و نسیم ▶
که پرده را می‌بُرد (فروغ فرخزاد) (نجفی، ۱۳۹۰ : ۱۲۰)
تو ای امید دلم || فدای حق شده ای
کتاب هستی من || ورق ورق شده ای (محمد تاری) (پناهی، ج۲: ۹۹)
به گوش چشمه نسیم || حدیث چشم تو گفت
به باغ آینه ها || گل نگاه شکفت (فریدون شمس) (پناهی، ج۲: ۹۹)

منم ز عشق به جور (معیارالاشعار) (نجفی* :۳۳۲)
تو آگهی صنما که من چه غم خوردم (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۱)
بیا بیا گل من
کلاغ و بلبل من (علوی‌فرد:۷۶)

- عضو بحر دودویی 0xA/5 (مفاعلاتُ)
- ضرب المثل: «کلاغ پیر پرید» (پناهی، ج۲: ۱۰۰)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

صلای دعوت او//به گوش می‌رسدم
رها کنید که من //بدان صلا بروم (سیمین بهبهانی ، ۷۵/۲)

0x4B
مستفعلن فعلن – (جانی بتی صنمی) – (یارا بیا تو بیا۲ – (ای چشمه چشمه نظر)
(1001011)

در زیر سنگ سپید || نوری نهفته سیاه
زان سو بُریده امید || زین سو نکرده نگاه (شرف) (نجفی❋ : ۳۳۳)

این کوچه ، کوچه‌ی تو
این خانه ، خانه‌ی تو
این شعر هم مال خودت
باشد ترانه‌ی تو (علوی‌فرد:۵۶)

- عضو بحر دودویی 0x4B/7 (مستفعلن فعلن)

- « از جمله عباراتی که از سلمان فارسی نقل کرده اند یکی سخن اوست در روز سقیفه که از وی نظر خواستند و او گفت «کویَم اگر شَنِوید» و بعد که پرسیدند چه شد ، گفت: « گفتم اگر بکار برید» که در آن، هم نوعی وزن احساس می شود و هم نوعی قافیه دارد و احتمالا شعر یا مثلی منظوم بوده که وی بدان تمثل جسته است . » (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۹ : ۴۷۹) (اصل عربی این روایت هم در کتاب آمده است .) { با فرض مَثَل منظوم بودن عبارت و تلفظ عبارات به صورت امروزین وزن «گویَم ، اگر شَنِوید» معادل کد ۰x۴B (مستفعلن فعلن) و وزن «گفتم ، اگر بکار برید» معادل کد ۰x۱۲B (مستفعلن مفاعلُ فع) می شود }

0x4C

(1001100) فعلاتن فعلا - – (مهِ جانی مهِ جان)

چه گریزیت ز من

چه شتابیت به راه (فروغ فرخزاد) (نجفی* :۱۲۹)

دلم آکنده ز درد

دردی انبوه و سیاه (شرف) (نجفی* :۱۲۹)

که دروغی تو ، دروغ

که فریبی تو. ، فریب (اخوان ثالث ، شعر قاصدک ،کتاب آخر شاهنامه ، ص ۱۱۲) (نیمایی)

مه من بهر خدا || به سوی بنده بیا (عروض بابر:۱۳۲)

صنما روی تو مه || سر موی تو سیه

تو بسی بی خبری || ز فغان سحری (تحفه الهند : ۲۳۴)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4

0x4D

(1001101) فاعلاتن فعلن- (ماهِ جانی مهِ جان)

در هراس از همه چیز || صید بیم از همه سوی (شرف) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۰۹)

صبح در دامن کوه || ناتوان و خسته

رو به بالا رفتیم || یک به یک آهسته (قیصر امین پور) (پناهی، ج۲: ۲۳)

آب را گل نکنیم (سهراب سپهری ، آب) (شعر نیمایی) (سپهری:۳۴۶)

«خانه دوست کجاست ؟!» (سهراب سپهری ، نشانی) (سپهری:۳۵۹) (شعر نیمایی)

آسمانی شده ام || دست ها چون پرِ من

چون پرستو شده ام || فکر تو در سر من (علوی‌فرد : ۶۲)

- ضرب المثل: «گل بی عیب خداست» «هر کسی را هوسی ست» (پناهی، ج۲: ۲۴)

0x4E

(1001110) مفاعیلن فعلن – (نگارینا شکری)

خیالاتی شده ام || عزاداران نگران

گمان کردم که سحر || صدایم زد ننه جان (علوی‌فرد : ۷۲)

بیا من از غم تو || چو نی نالان شده ام

غزل‌خوان جامه دران || چکاوک‌سان شده ام (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلاتُ » 0xE/5

0x4F

(1001111) مفتعْلن مفتعلن – (ای مهدل ای مهِ دل)

گر گوید دلبر من ► کز دامم چون بجستی (المعجم ، شمیسا: ۱۱۵)

جانا ، داری سرِ ما ► روزی آیی برِ ما ►

جانِ ما را بردی خونِ ما را خوردی (تحفه الهند : ۱۸۶)

جنگل ، صحرا همه گل اینجا آن جا همه گل

خواهر داداش گلم مادر ، بابا همه گل (علوی‌فرد : ۵۰)

- عضو بحر دودویی0x4F/7 (مفعولن مفتعلن)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

بانو این هدیه به تو // او را از من بپذیر

گفت و بردش سرِ دست // افکند از پلّه به زیر (سیمین بهبهانی) (نجفی❈ :۱۸۹)

0x50

فَعِلَتُ فاعلن

(مهِ شبِ تارِ من) (بنگذرم ز او) (1010000)

پیِ غمِ دانه‌ها

غمِ همه خانه‌ها (علوی‌فرد:۸۳)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x51

فاعِلَتَتُن فعل

(ای قمرِ من بتاب) (چون نگذرم ز عشق) (1010001)

شاخ کج این درخت

شد همه‌ی خانه‌ات

جوجه‌ی تو شاد شد

شاد شده لانه‌ات (علوی‌فرد:۶۸)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x52

مفاعلتن مفا – فَعولُ فَعولُ فَ

(بیا شکرا بیا)- (شهید شهیدِ شه) (1010010)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

سهیل دمیده است //ستاره‌ی بادِ سرد

به خوابِ چنارِ سبز // نمایش وهمِ زرد (سیروس شمیسا) (نجفی❋ :۲۵۲)

- عضو بحر دودویی « فَعولُ » 0x2/3

0x53

(1010011) مستفعلتن فعل - (غزال بیا بیا) – (یارا شکرا بتا)

دارنده ما خداست || روزی ده ما به جاست (المعجم) (نجفی❋ : ۳۴۵)

قم شهر کریمه است

شهری که پر از پل است

پل‌های محبتش

در ریشه پر از گل است (علوی‌فرد:۵۷)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن مفا » 0x253/10
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

ای عارض و قد تو // از سرو و زمه نشان

سرو تو طرب فزای // ماه تو نشاط جان (سوزنی) (نجفی❋ : ۴۰۴)

- ضرب المثل: «خراج از خراب نخواهند» (پناهی، ج۲: ۵۸)

0x54

(1010100) فعلن مفاعلن –(صنما بیا بیا) –(تو بیا بیا بیا)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

چه شود که از وفا//ره کین رها کنی

به نگاه مرحمت//نظری به ما کنی (ادیب طوسی) (نجفی❋ :۳۶۸)

0x55

(1010101) فاعلاتُ فاعلاتْ- فاعلن مفاعلن – (دلبری چه دلبری) (ماهتاب ماهتاب)

هر رگ از رگان من

تندری‌ست نعره زن (اسمعیل خویی، دی ۱۳۴۸) (نجفی❋ :۱۷۴) (نیمایی)

نام را که برگزید

خاک را که نام داد (منصور اوجی، شعر نو، مهر ۱۳۵۳) (نجفی❋ :۱۷۴)

پله پله می‌روم
تا سپیده تا خدا (عرفان نظراهاری) (پناهی، ج۲: ۱۲۵)
سبز مثل یک بهار || ساده مثل یک درخت
مثل رمز و رازها || مثل یک سوال سخت (پدرام پاک آیین) (پناهی، ج۲: ۱۲۶)

«گر بخواهدی بیا» (المعجم) (نجفی*: ۱۷۴)
ای نگار حورزاد || وی بت پری نژاد
جور ، چند بی گناه || آه از آن دل تو آه (تحفه الهند : ۱۷۲)
ساقیا شرابکی || زان شراب نابکی
تا به کی تغافلی || چند از این تعللی (تحفه الهند : ۱۹۰)
کوره های آجری || دره های گم شده
ما همه در این میان || بره های گم شده (علوی‌فرد : ۶۳)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2
- ضرب المثل: «آسیا به نوبت است » ، «زخمِ دوست ، مرهم است» (پناهی، ج۲: ۱۲۶)

0x56

(1010110) فعولن مفاعلن – (دلم شد دلم دلم)

ایا ساقی المدام || مرا باده ده تمام (عبدالواسع جبلی) (نجفی*: ۲۲۴)
در این دلگشا محل || چو فردوس بی بدل
ز دوران پر حیل || چه بینم به جز خلل (جامی در پناهی ، ج۳ ، ۱۱۹) (طبیب‌زاده* : ۳۸۰)
فروخوان کتاب را || برافکن حجاب را (بهار) (نجفی*: ۲۸۴)
دلا اندرین جهان
تو را تا بود وطن
به هر در مشو روان
پی رزق خویشتن (اختر طوسی) (آهی ، ۱۳۵۷: ۱۶۴)

مرا کشت بی حدید || سیه چشم بوسعید (المعجم ، شمیسا: ۱۷۴)

نبینی که عشق یار || به من دست برگشاد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۵)

- عضو بحر دودویی 0x56/7 («فعولن مفاعلن»)

0x57

(1010111) مفعولن مفاعلن – (دلدارا بیا بیا)

اینجا کوچه های شهر || آنجا کوچه های ده
اینجا بچّه گم شده || آنجا برّه گم شده (علوی‌فرد : ۵۱)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

گوید گل که بزم بهْ ►// گوید ابر گریه بهْ ►
هیچ یکی ز یکدگر//پند نکرده باوری (مولانا ، غزل ۲۴۶۴)

0x59

مفتعلن مفتعل

(1011001) (یارِ تو ام یارِ تو) (شد مهِ جان ماهِ جان)

ملک ملک ارسلان || ساکن روض الجنان (مسعود سعد) (نجفی❋ : ۱۸۸)
چو صبح سر برکشم || من از ره خوابگاه
ز خلوت خود فتد ||سوی جهانم نگاه (نیما) (ماهیار : ۲۳۲)
لک لک شاد و سفید || می گذرد با شتاب
می نگرد لحظه ای || عکس خودش را در آب (قیصر امین پور) (پناهی، ج۲: ۵۳)
من متولد شدم || من، منِ دیگر شدم (نسرین صمصامی) (پناهی، ج۲: ۵۳)

خیز بیا ای نگار || باده‌ی انده گسار (المعجم ، شمیسا: ۱۶۶)
چون ز تو رنجم فزود || صابری از من مخواه (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۰)
تا چمدان بسته شد
یک سفر آغاز شد (علوی‌فرد:۶۶)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4
- ضرب المثل: مرده کشی می کند، هیچ دویی بی سه نیست (پناهی، ج۲: ۵۴)

0x5A

(1011010) مفاعلن فاعلن – (چه دلبری دلبری)

در این معانی به شعر || بساز ده داستان (مسعود سعد) (پناهی ، ج۲: ۵۴)

ستاره ها بشکنید || بمیر ای آفتاب

که خفت در تیرگی || ستاره‌ای دیریاب (حسن هنرمندی) (نجفی* : ۳۸۴)

دلم به تو هست شاد || ترا ز من نیست یاد (المعجم ، شمیسا: ۱۷۹)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5

0x5B

مفعولُ مفعولُ مف - مستفعلن فاعلن

(1011011) (دلدارِ دلدارِ دل)- (نو دلبری دلبری)

از ختّلان آمدیه || مست و تباه آمدیه (شعر کودکان بلخ در سال ۱۰۸ هجری) (نجفی* :۶۰)

ما را چه سود از بهار

بی روی آن گل‌عذار (؟) (آهی ، ۱۳۵۷: ۲۱۱)

هان روی آن ترک بین ||گویی که ماه سماست (المعجم ، شمیسا: ۱۶۷)

بر یاد من بی گناه || بی جرم بگرفت راه

آن حاسد عیب جوی || وآن دشمن زشتخوی (معیارالاشعار ، فشارکی : برگ ۴۴) (مدرسی*)

پرهای پروانه ها ||مانند گل ها قشنگ

با این دو گل می شود || هر جای دنیا قشنگ (علوی‌فرد : ۵۴)

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

چون خار و خس روز و شب// افتاده ام در رهت
باشد که بر حال من //افتد نظر ناگهت (جامی) (نجفی* :۶۴)

- در مورد شعر کودکان بلخ :«این هم یکی از اشعار کهن است که از لهجه دری باقی مانده است ... اسدبن عبدالله حاکم خراسان در سال ۱۰۸ برای جنگ با امیر ختلان و خاقان ترک بدان سامان رفت و شکست خورده به بلخ باز گشت . بلخیان او را هجو کردند و کودکان بلخ آن هجو را می‌خواندند:

  از ختلان آمذیه   برُو تباه آمذیه

  آواره باز آمذیه   بیدل فراز آمذیه

  ... قرابت وزنی آن با اشعار دری در قرن‌های بعد آشکار می‌شود....

  تاریخ طبری طبع قاهره ص ۱۹۰-۱۹۱ معنی چنین است:

  از ختلان آمده است   با روی تباه آمده است

  آواره باز آمده است   بیدل فراز آمده است » (صفا : ۱۴۸-۱۴۹)

0x5C

(1011100)   فعلاتن فاعلن – (مهِ جانی ماهِ جان)

پس از این زاری مکن   هوس یاری مکن (پرویز وکیلی ، پناهی ، ج۴ ، ۱۱۸) (طبیب‌زاده* : ۳۰۶)

همه جا را سر زدم || دل من پروانه شد
شده ام مهمان گل || گل زیبا خانه شد (علوی‌فرد : ۷۸)
دو لب پر بوس توست || هدفم از هر نفس
به کلید بوسه ات || برهانم از قفس (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x5C/7 (فعلاتن فاعلا)

0x5D

(1011101) فاعلاتن فاعلا – (ماهِ جانی ماهِ جان)

می رسد هر دم به گوش || بانگ پر شور و خروش
روح از آن گیرد نشاط || دل از آن آید به جوش (ابولقاسم لاهوتی) (پناهی، ج۲: ۲۰۳)
من بیابان هراس || با هزاران چاه غم
ماندگار دام شب || در امید صبحدم (سیاوش کسرایی) (نجفی❋ : ۹۴)
چشمه ها در زمزمه || رودها در شست و شو
موج ها در همهمه || جویها در جست و جو (قیصر امین پور) (پناهی، ج۲: ۲۰۴)
از برت دامن کشان || رفتم ای نامهربان
از من آزرده دل || کی دگر بینی نشان (معینی کرمانشاهی) (نصیری‌فر:۳۵۶)

باده برگیر ای صنم || رود بردار و بزن
چند خواهی خورد غم || دور کن از دل حَزَن (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۰)
یک ره ای بیدادگر || لطف کن در ما نگر (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۰)
هر که بد خواهد تو را || از مردمی هست بری (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۱)
می‌خورد بزغاله ام
شیر و شبدرهای تر
صورت بامزّه اش
می‌شود بامزّه تر (علوی‌فرد:۶۰)

- عضو بحر دودویی «فاعلاتن» 0x D/4

0x5E

(1011110) مفاعیلن فاعلن- (بیا جانانا بیا)

تو دریایی من کویر || لبم آخر تر نشد
نسیمت آمد ولی || هوایم بهتر نشد (علوی‌فرد : ۷۰)

- عضو بحر دودویی 0x5E /7 (مفاعیلن فاعلن)
- نجفی ، پاره های اول و سوم شعر زیر را به عنوان شاهد آورده است (نجفی❋ :۲۶۴) :

چو رویش کو لاله‌ای// چو قدّش سروی

چو خالش کو مهره ای//چو زلفش ماری (خواجو)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

اگر از اینجا رفته بود // اگر ، آنجا مانده بود

چو بارانی از بهار // چو خوابی در چشم من (شمیسا) (شمیسا* : ۱۵۵)

0x5F

(1011111) مفعولن مستفعلن – (جانی جانی دلبری)

جانا چون با می کشان می پیمایی جام می

باری ما را نیز ده زان جامی ایام دی (تحفه الهند : ۲۲۹)

مادر جانم خسته شد کم کم پلکش بسته شد (علوی‌فرد : ۴۹)

0x60

فَعِلَتُ فعولن

(1100000) (قمرِ شبِ تاری)

ننه شده فدایت (علوی‌فرد:۸۴)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x61

فاعِلَتُ فاعل

(1100001) (ای مهِ شبِ تاریک) (چون بنگذرم من)

شاخه‌ی گل مریم

شاخه‌ی گل سوسن

خانه‌ی ننه زهرا

خانه‌ی شده روشن (علوی‌فرد:۶۹)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x63

مستفعلُ فعولن

(1100011) (جانی قمرِ جانی) (از او بنگذرم من)

ای دخترک زیبا

ای خواهرک غمگین

از شادی تو شادم

از غصه‌ی تو غمگین (علوی‌فرد:۵۸)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x64

(1100100) فعلا فَعَلاتن – فعلن فعلن فع – (مهِ جان مهِ جان مه)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

چه کم ار تو بگردد// که به هر سر راهی

بزنی تو به لطفم //به خدنگ نگاهی (ظهیر فاریابی) (نجفی❋ : ۷۳)

به ملاحت حسنت// دل من بربودی

به ملالت هجرت //غم من بفزودی (ادیب طوسی) (نجفی❋ : ۷۳)

- عضو بحر دودویی « فَعِلن» 0x4/3
- شاهد نثر:«به چراغ چه بینی» (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۳۵)
- «این وزن خوش‌آهنگ و مطبوع است ولی تا کنون شعری بر آن سروده نشده است.» (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۳۵)

0x65

(1100101) مستفاعلُ مُسْتَفْ – فاعلن فعلاتن – (دلبرم شده دلبرم)

با امید بهاران می‌روم به گلستان

همچو عطر اقاقی لا به لای درختان (بی‌نام در پناهی ، ج۳: ۴۱) (طبیب‌زاده* :۳۶۰)

بد مکن که بد افتی

چَه مکن که خود افتی (ضرب المثل) (نجفی* :۳۴۲)

روزگار خزان است || باد سرد وزان است (المعجم ، شمیسا: ۱۹۳)

توی کوچه دویدم || کوچه ها پر ماشین

تند و تیز ترم من || هم از آن و هم از این (علوی‌فرد : ۶۴)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُ» 0x5/5
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

خواهد از منِ رسوا// یارِ آینه رویم

کانچه خواهد و گوید//طوطیانه بگویم (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۵)

0x66

فعولن فعلاتن - مفاعیلُ مفاعیلْ -

(1100110) (نگاری چه نگاری)

بدین رنگ و بدین بوی

بدین عارض دلجوی (اخوان ثالث- گل) (نجفی* :۱۳۸) (شعر نیمایی)

چرا باز نیایی || عذابم چه نمایی (المعجم ، شمیسا: ۱۳۶)

مرا کس ندهد داد || مرا کس نکند شاد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۲۴)

به دستان دل من برد || یکی ترک پریزاد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۸)

بیا ای بت بدخوی || بیار آن می گلبوی (عروض جامی) (نجفی* :۱۳۸)

چه جشنی شده برپا
چه زیبا شده خواهر
چه آقا شده بابا
چه خانم شده مادر (علوی‌فرد:۷۳)

- عضو بحر دودویی 0x6/4 (مفاعیلُ)

- «در فاصله‌ی سالهای ۶۰-۶۴ یعنی زمان خلافت یزید ابن معاویه و چهل سال قبل از تولد خلیل بن احمد این شعر سروده‌ی یزید بن مفرغ شاعر عرب در هجو عبیداله بن زیاد است....

آب است و نبیذ است   مفعول فعولن
عصارات زبیب است   مفاعیل فعولن
سمیه روسپید است   مفاعلن فعولن

بهار معتقد است که این شعر وزن هجایی دارد و حال آن که تعداد هجاهای مصرع ۱ و دوم متفاوت است ، لذا هجایی نمی تواند باشد از طرفی وزن کمی آن با گوش کاملا احساس می شود و مهمتر از همه این که با معیارها و اختیارات قدیم شعر فارسی و شعر عامیانه‌ی فارسی کاملا مطابقت دارد زیرا وزن شعر مفاعیل فعولن است که در مصرع ۱ به جای مفاعیل رکن مفعول آمده است و این طبق اختیارات شاعری قدیم فارسی است ...» (وحیدیان‌کامیار،۴۳:۱۳۷۰)

- این شعر منتسب به بهرام گور است

منم شیر شلنبه   و منم ببر تله

« در وزن مصراع دوم اگر « و » آن را حذف کنیم (در شعر فارسی به ندرت در آغاز مصراع «و» می آید) در این صورت وزن چنین است: مفاعیل فعولن   مفاعیل فعل .که وزنی کمی است ولی مصراع دوم یک هجا کمتر دارد که طبق اختیارات شاعری قدیم درست است .» (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۹)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

الا وقت صبوح است // نه گرم است و نه سرد است
نه ابر است و نه خورشید// نه باد است و نه گرد است (منوچهری) (نجفی❊ :۱۳۴)

0x67

(1100111) مفعولن فعلاتن - (مهجانی مهِ جانی)

کو آن محفل مستی

کو آن باده پرستی

کو آن سوز دل من

کو آن پرتو روشن (بیژن ترقی در پناهی ، ج۵: ۱۷۷) (طبیب‌زاده* : ۲۴۰)

با تو در همه جایم || با من در همه جایی

داری قصه برایم || دارم شعر رهایی (علوی‌فرد : ۵۲)

- عضو بحر دودویی 0x E7/8 (مفعولن فعلیاتن)

0x69

مفتعلن فعولن – مفتعلاتُ مفتع

(1101001) (ناز بیا بیا ناز)

باد خزان وزان شد چهره گل خزان شد (بهار) (نجفی* :۳۱۶)

دلبر من کجا رفت وز بر من کجا رفت (المعجم ، شمیسا: ۱۶۶)

حلقه شده است پشتم ◀ همچو دو زلفکانت (المعجم ، شمیسا: ۱۶۸)

فایده‌ای ندارند

پنجره‌ها و نرده

جیغ بلند این شهر

کرده مرا کلافه (علوی‌فرد:۶۶)

- عضو بحر دودویی 0x9/5 («مفتعلاتُ»)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

زد به درونم آتش //تنگ قبا سواری

دست به خونم آلود //ماه لقا نگاری (محتشم کاشانی) (پناهی، ج۱ : ۱۷۶)

0x6A

(1101010) مفاعلن فعولن- (بیا بیا بیاسا) – (بتی بتی بتی بت)

پری برای پرواز || در آسمان باز است

پلی برای رفتن || به شهر رمز و راز است (قیصر امین پور) (پناهی، ج۲: ۹۲)

تو بهترین کلامی || تو بهترین کتابی (اسدالله شعبانی) (پناهی ، ج۲: ۹۱)

تو ای پری کجایی || که رخ نمی نمایی

از آن بهشت پنهان || دری نمی گشایی (ابتهاج ، تصنیف تو ای پری کجایی) (نصیری‌فر:۶۶۷)

از آسمان آبی || گرفته تا زمین شعر

صدای قلب مادر || شنیدنی ترین شعر (علوی‌فرد : ۷۵)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2
- عضو بحر دودویی 0x6A/7 («مفاعلن فعولن»)
- ضرب المثل: «به یک پیاله مست است» «بزن بکش ، بگو مرد» «بگرد تا بگردیم» «نخورده دَردِ گُرده» (پناهی، ج۲: ۹۲)
- «در فاصله‌ی سالهای ۶۰-۶۴ یعنی زمان خلافت یزید ابن معاویه و چهل سال قبل از تولد خلیل بن احمد این شعر سروده‌ی یزید بن مفرغ شاعر عرب در هجو عبیداله بن زیاد است....

آب است و نبیذ است / مفعول فعولن

عصارات زبیب است / مفاعیل فعولن

سمیه روسپید است / مفاعلن فعولن

بهار معتقد است که این شعر وزن هجایی دارد و حال آن که تعداد هجاهای مصرع ۱ و دوم متفاوت است ، لذا هجایی نمی تواند باشد از طرفی وزن کمی آن با گوش کاملا احساس می شود و مهمتر از همه این که با معیارها و اختیارات قدیم شعر فارسی و شعر عامیانه‌ی فارسی کاملا مطابقت دارد زیرا وزن شعر مفاعیل فعولن است که در مصرع ۱ به جای مفاعیل رکن مفعول آمده است و این طبق اختیارات شاعری قدیم فارسی است ...» (وحیدیان‌کامیار،۴۳:۱۳۷۰)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

دلِ دلِ دلِ تو♫// دلِ مرا مرنجان

چرا چرا چه معنی// مرا کُنی پریشان (مولوی،غزل ۱۸۸۹)

0x6B

مستفعلن فعولن - مفعول فاعلاتن - (جانی نسیمِ جانی)

(1101011) (دلدار کن نگاهی)

مر چرخ را ضرر نیست || وز گردشش خبر نیست
عالم یکی درختی ست || کِش ، جز بشر ثمر نیست
حصنی قوی ست کاو را || دیوار هست و در نیست (ناصر خسرو) (پناهی، ج۲: ۹۷)
من از تو دور بودم || من بی تو کور بودم (نادرپور) (نجفی※ :۳۰۰)
شب بود و شب پرستان || سرمست باده‌ی خون (محمد رضا رحمتیان) (پناهی، ج۲: ۹۷)
تنها همین نه امروز
-در شیشه‌های رنگی-
در سطرْ سطر تاریخ
بس دیده‌ام شما را (شفیعی کدکنی ، هزاره‌ی دوم آهوی کوهی: ۱۱۷) (کل سطرهای این شعر بر این وزن)
آن دم که با تو باشم محنت ، و غم سرآید
وآنشب که بی تو باشم جانم ز تن برآید (رهی معیری ، تصنیف گل من کجایی) (نصیری‌فر:۶۳)

حلقه شده ست پشتم همچو دو زلفکانت (المعجم) (نجفی※ : ۳۰۰)
دلدار کار ما را نیکو همی نسازد (المعجم ، شمیسا: ۷۵)
دی گفت دلبرمن کز دام من بجستی (المعجم ، شمیسا: ۱۱۴)
ای دلبر نگارین ▶ با ما یکی بساز (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۷)
آمد بهار خرم وقت گل اندر آمد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۷)
وقتی که کارِ خانه
در دست‌های مرد است
دوغش همیشه گرم و
چایش همیشه سرد است (علوی‌فرد:۵۵)

- عضو بحر دودویی 0x6B/7 («مستفعلن فعولن»)
- ضرب المثل: «گل پشت و رو ندارد» ، «نانش نمک ندارد» (پناهی، ج۲: ۹۷)
- وزنی نیکو و مطبوع است. (المعجم ، شمیسا: ۷۵)

- «در تاریخ بخارا آمده که در سال ۵۶ هجری که بخارا به دست سعید بن عثمان سردار عرب فتح شد پادشاه بخارا در این زمان پادشاهی بود شیرین و باجمال . سعید بر وی عاشق شد و اهل بخارا در نکوهش او شعرها سرودند از جمله:

گو ور خمیر آمد خاتون دروغ گنده

این شعر دقیقا عروضی است بر وزن مفعول فاعلاتن...رودکی و ربنجنی هم به این وزن شعر سروده اند.

خوبان همه سپاه اند اوشان خدایگان است مر نیکبختی ام را بر روی او نشان است (رودکی) »

(وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۴۱)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

گفتم غم تو دارم //گفتا غمت سرآید

گفتم که ماه من شو//گفتا اگر برآید (حافظ ، غزل ۲۳۱ قزوینی)

0x6C

(1101100) فعلاتن فعولن – (چه نگاری نگاری)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

اگر از اشتیاقت// بتوانم صبوری

من و ترک محبت//من و از عشق دوری (ادیب طوسی) (نجفی* :۳۷۵)

- عضو بحر دودویی 0x EC/8 (فعلاتن مفاعیلن)

0x6D

(1101101) فاعلن فاعلن فا – (شد بتم شد بتم شد)

اندک آهسته تر رو|| تا که رویت ببینم (ایرج علی‌آبادی) (نجفی* : ۵۱)

وه چه زیبا پر از شور

آفریدت خداوند (طیبه شامانی) (پناهی ، ج۲: ۱۹۶)

تو سرآغاز نوری

تو سرانجام دنیا (ملیحه مهرپرور) (پناهی ، ج۲: ۱۹۶)

دست‌ها مثل بال‌اند
کوچه‌ها آسمان‌ها (علوی‌فرد:۶۱)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3
- ضرب المثل: «دل به دل راه دارد» «مرغ همسایه غاز است» (پناهی، ج۲: ۱۹۸)

0x6E

(1101110) مفاعیلن مفاعیلْ- (نگارم شد نگارم)

سپهر مهر آیین || جهان جان به تمکین (عشقی اصفهانی) (پناهی، ج۲: ۱۷)
به سوی باغ گلها || پرستو پر زد آرام (جلیل توانگر) (پناهی، ج۲: ۱۷)
من او را دیده بودم || نگاهی مهربان داشت (نادرپور) (نجفی❊ : ۸۳)
تو را من چشم در راهم (نیما یوشیج) (شعر نیمایی)

بیا جانا کجایی || چرا زی ما نیایی (المعجم ، شمیسا: ۱۳۸)
بماندَستم غریوان || من از بیداد هجران (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۷)
تو مانند دماوند || سرت بر آسمان است
دو چین دامن تو || ری و مازندران است (علوی‌فرد : ۷۰)
سرآمد روزگارم || که بازآیی نگارم (ابولحسن نجفی) (نجفی❊ : ۸۳)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلن» 0xE/4
- ضرب المثل بر این وزن: «مگر دیوان بلخ است» ، «محک داند که زر چیست» (پناهی، ج۲: ۱۸)

0x6F

(1101111) مفعولن فاعلاتن- (یاری یاری چه یاری)

پاییز آمد کمی زود || بادی آمد صدا کرد
آمد از روی شاخه || هر برگی را جدا کرد (علوی‌فرد : ۵۰)

- عضو بحر دودویی « مستفعیلاتُ» 0xF/5

0x70

فَعِلَتُ مفعولن

(1110000) (مهِ شبِ تاریکم) (بنگذرم از عشق)

غمِ همه دنیا را

غمِ گل صحرا را (علوی‌فرد:۸۳)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x71

فاعِلَتَتُن فاعل

(1110001) (ای قمرِ من بازآ) (چون نگذرم از عشق)

ای همه‌ی دنیایم

دخترک تنهایم

ای گل عروسک‌ها

ای عسل زیبایم (علوی‌فرد:۶۸)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x72

مفاعلتن فعِلن - مفاعلُ فعِلن مف

(1110010) (غزالِ بیابانی)

چو جامه دران شد یار

بزن دف و نی مطرب (ابوالحسنی)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

زمین کروی شکل است// شنیدی و می دانی

یمین و یسارش نیست//چنین که تو می خوانی (سیمین بهبهانی) (پناهی ، ج۲: ۹۵)

- عضو بحر دودویی 0x32/6 («مفاعلُ فعِلن»)

0x73

(1110011) مستفعلتن مستف - مستفعلُ مفعولن – (جانی مهِ جانی مه)

من خوانم و دل رقصد

بزم من و دل را بین

گور از پیِ غم کندیم

عزمِ من و دل را بین (ابولقاسم لاهوتی) (پناهی، ج۲: ۱۴۵)

فردا چو بهار آید

گلبانگ هزار آید

بادام به بار آید

آن لاله عذار آید (محمد زهری) (پناهی، ج۲: ۱۴۶)

دیوار امیدم ریخت || زآوار ملالی سرد (یدالله رویایی) (پناهی، ج۲: ۱۴۶)

ای شمع همه لشکر شاد است به توچاکر (المعجم)

اکنون که چنین زارم بر من نکنی رحمت (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۱)

چندین چه کنی تُنبل ما را چه فریبی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۱)

نام گل اگر نسرین نام گل اگر شاد است

خوش بوتر از این گل ها عطر تن نوزاد است (علوی‌فرد : ۵۷)

- عضو بحر دودویی 0x3/4 (مستفعلُ)

- «اسجاع یا اقاویل مشایخ هم – که به نظر ما به همان اسلوب شعر ایران پیش از اسلام آفریده شده اند – چنین است و گاه کاملا وزن عروضی دارند «جز راست نباید گفت هر راست نشاید گفت» (از مناجات خواجه عبدالله انصاری) بر وزن مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۲۱)

0x74

(1110100) متفاعلن فعِلن - فعلن فعولن فع - (تو بیا بیا یارا)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

چه دروغ می گویی//به شگفت می مانم

چه فریب می سازی//چه کنم نمی دانم (سیمین بهبهانی) (دادگر : ۱۳۳)

- عضو بحر دودویی 0x34/6 (فعلن فعولن)

0x75

(1110101) فاعلن مفاعیلن - (یارِ یارِ یارانی)

لشکر زمستان رفت || دولت بهار آمد

دسته دسته کلخوزچی || سوی کشت و کارآمد

(لاهوتی ، شاه‌حسینی: ۹۲) { البته کل شعر یک شعر هجایی است و این دو بیت به این وزن تقطیع می شود}

این پیمبر این سالار || این سپاه را سردار (اخوان ثالث) (نجفی* :۳۱۲)

بی تو خانه بی‌نور است || ای فروغ بی پایان (شرف) (نجفی* :۳۱۲)

از وفا چه برگردی || چون مرا سمر کردی (المعجم ، شمیسا: ۱۷۶)

پشم گوسفندان را || از تنش درآوردیم

این لباس زیبا را || زورکی به تن کردیم (علوی‌فرد : ۶۲)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلن» 0x15/5
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

بی تو نیست آرامم//کز جهان تو را دارم

هرچه تو نه‌ای جانا // من ز جمله بیزارم (عطار) (نجفی* :۳۷۷)

0x76

(1110110) فعولن مفاعیلن – (تو ماهی تو ماهی تو)

کشیدم جفایت را || ندیدم وفایت را (عروض حمیدی) (نجفی* :۴۳)

من از غم گدازانم || تو بی غم گرازانی

من از عشق نالانم || تو بی عشق نازانی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۴۸)

بغرّید چون شیری || در افکند نخجیری (عروض حمیدی) (نجفی* :۴۳)

کنارم بیا یک دم || کنارم بمان جانم

تو شعری که چون بلبل || برایت غزل خوانم (علوی‌فرد : ۷۲)

افق تا افق آب است || کران تا کران دریا (اخوان ثالث) (نجفی❋ : ۴۳)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3

0x77

(1110111) مفعولن مفاعیلن - (دلداری چه دلداری)

گر روزی نگارینم || درحالم نظرکردی (المعجم ، شمیسا: ۱۱۵)

من دادم به گل‌ها گوش (علوی‌فرد:۵۰)

- عضو بحر دودویی 0x7/4 («فاعیلن مَ» «مفعولاتُ»)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

از گل ها چه می ماند ؟// الا ماندنی فانی

آن گه رفتنی آنی // از گل ها چه می دانی (شمیسا) (شمیسا ❋: ۲۱۷)

0x79

(1111001) مفتعلن مفتعلن - (عاشقِ اویم اویم)

پا ز سرم زیبایی || شیوه‌ی من رسوایی

همچو دو چشم یارم || فتنه و افسون کارم (هوشنگ شهابی ، تصنیف نرگس) (نصیری فر : ۴۰۹)

سرخ‌تر از گلناری

در دو لبت می داری (؟) (آهی ، ۱۳۵۷ :۹۱)

بلبلِ باغم هستی

خواهرِ خوبم سوسن

از گل زیبایت شد

صبح و غروبم روشن (علوی‌فرد:۶۵)

- عضو بحر دودویی 0x19/5 (مفتعلاتن)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

ای صنم گلزاری// چند مرا آزاری
من چو کمین فلّاحم// تو دهیم سالاری (مولانا) (نجفی* :۱۸۹)

0x7A

(1111010) مفاعلن مفعولن- (بیا بیا جانانا)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

که بر نیارد شاخم // بَرِه نزاید میشم (خاقانی) (نجفی* :۳۲۲)
ایا بتِ جان افزا //نه وعده کردی ما را
که من بیایم فردا // زهی فریب و سودا (مولانا) (نجفی* : ۳۲۲)

- عضو بحر دودویی 0x7A /7 (مفاعلن مفعولن)
- « در تجزیت به دو کلمه باز می آید که امثال آن در محاورات عام بسیار می افتد و کسی آنها را شعر نمی شمارد چنانچه من یشتری البادنجان بر وزن مستفعلن مفعولان و در پارسی « که می خورد بادنجان» بر وزن مفاعلن مفعولان » (المعجم ، شمیسا: ۱۰۲)

0x7B

مستفعلن مفعولن – (جانی ز جانی جانی)
(1111011) (مه‌رو بتی مه‌رو بت)

ای بت عذارت گلگون||قد بلندت موزون
شاید نباشد فردا || با ما نشین تو اکنون (ابراهیم شیبانی در پناهی ، ج ۴: ۵۷) (طبیب‌زاده* : ۲۰۸)

گر یار دیگر داری || زان آیدم دشواری (معیار الاشعار) (نجفی* : ۱۱۲)
دلبر به خوابی امشب || مست شرابی امشب (طایراف) (نجفی* : ۱۱۲)
دیشب صدایی آمد (علوی‌فرد:۵۳)

- عضو بحر دودویی « مستفعلن » 0xB/4
- « در تجزیت به دو کلمه باز می آید که امثال آن در محاورات عام بسیار می افتد و کسی آنها را شعر نمی شمارد چنانچه من یشتری البادنجان بر وزن مستفعلن مفعولان و در پارسی «که می خورد بادنجان» بر وزن مفاعلن مفعولان » (المعجم ، شمیسا: ۱۰۲)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

آیا کدامین آبی// در من ز نو خواهد زاد ؟
آیا کدامین روشن //بر جان ، جلا خواهد داد ؟ (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۳۳۶) ۶۲/۱۱

0x7C

فعلاتن فع‌لاتن – (مهِ جانی مهجانی)
(1111100) - فعلن فع‌لن فع‌لن – (مهِ جان مهجان مهجان)

تو چه دوری از من دریا
و چه نزدیکی با من ▶ (شمس لنگرودی)

همه جا زیبا با گل || همه جا روشن با گل (علوی‌فرد : ۷۸)

- عضو بحر دودویی 0x7C/7 (فعلاتن فع‌لاتن)
- می‌تواند عضو خانواده «فعلاتن*۲» باشد مثل بیت زیر :

گلِ پُر عطرِ بهاری(محمد ابراهیم صفوی)
گلِ زیبا رخ بنما (ابوالحسنی)

- می‌تواند عضو خانواده «فعلن * ۳» باشد مثل بیت زیر

گذرم همه بر در توست (رساله عروض جامی)
به خدا بازآ بازآ (ابوالحسنی)

0x7D

فاعلاتن مفعولن - فاعلن فعلن فعلن

(1111101) (دلبری جانی جانی) (ماهِ جانی مهجانی)

می رسی از دنیایی || چون چراغی در شب ها

تازه هستی چون گل ها || خنده داری بر لب ها (علوی‌فرد : ۵۹)

- عضو بحر دودویی 0x1D/5 (فاعلیاتن)

0x7E

(1111110) مفاعیلن مفعولن- (چه دلداری دلداری)

عروسک جان ، شادی کن || کنارت بهتر هستم

برایم دختر باشی || برایت مادر هستم (علوی‌فرد : ۷۰)

0x7F

(1111111) مفعولن مف مفعولن - مفعولن مفعولن مف ...

جانان رندان را جامی || مهجوران را پیغامی

میخواران را جامی ده || ناکامان را کامی ده (تحفه الهند : ۱۸۵)

مادر با شادی آمد || با او لیلا هم آمد

وقتی رفتم در کوچه || دیدم بابا هم آمد (علوی‌فرد : ۴۹)

هشت هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x80	0xFF	۱۲۸

0x81

فاعِلَتَتُ فعلن

(10000001) (ای قمرِ شبِ سیه)

خسته شده ننه‌ی ما

تاج سر همه‌ی ما (علوی‌فرد:۶۹)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x83

مستفعلُ فَعِلَتَتُن

(10000011) (بازآ قمرِ شبِ ما)

هستم گلِ گلِ بلا

هستم گلِ ننه طلا (علوی‌فرد: ۵۸)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x85

فاعلاتُ فَعِلَتَتُن

(نورِ نورِ قمرِ من) (از قدح بنگذرم)

(10000101)

توی کوچه همه صدا

توی خانه همه صدا

پیرمرد و همه سکوت

کودکان و همه صدا (علوی‌فرد:۶۴)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x87

مفعولن فَعِلَتَتُن

(تابانی مهِ شبِ من) (از ساغر بنگذرم)

(10000111)

هستم دغدغه‌ی شما

تنها همهمه‌ی منی

چون شعری به همه‌ی ما

تنها زمزمه‌ی منی (علوی‌فرد:۵۲)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x89

مفتعلن فَعِلَتُن

(شد رخِ او قمرِ من) (از رخِ او بنگذرم)

(10001001)

مادر من عسل من

تاج سرم پدر من

جای شما دو گل خوب

بوده به روی سر من (علوی‌فرد:۶۷)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x8B

مستفعلن فَعِلَتُن

(هستی به شب قمرِ من) (از ساغرش بنگذرم)

(10001011)

شعر است زمزمه‌ی تو

در بینِ زمزمه‌ی ما

ای زندگی همه‌ی تو

قربانِ تو همه‌ی ما (علوی‌فرد:۵۶)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x8D

فاعلاتن فَعِلَتُن

(گشته امشب قمرِ من) (از نگارم بنگذرم)

(10001101)

خانه‌هامان همه گِلی

لحظه‌هامان همه گُلی (علوی‌فرد:۶۱)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x8E

مفاعیلن فَعِلَتُن

(شدی امشب قمرِ من) (چرا از او نگذرم)

(10001110)

به قربانت همه‌ی ما

که حرفت را نزده‌ام

اگر هم گفته شده است

ولی هرجا نزده ام (علوی‌فرد:۷۱)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x8F

فع لن فع لن فَعِلَتُن

(هستی هر شب قمرِ من) (از زیبایان نگذرم)

(10001111)

آمد یک زلزله‌ی بد

دیشب با همهمه‌ی ما (علوی‌فرد:۵۰)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x91

فاعِلَتَتُن فعلن

(ای قمرِ من به شبم) (چون نگذرم ز رهت)

(10010001)

کوه شده خانه‌ی غم

دشت شده غرق خزان

مزرعه‌ی کوچک ما

خشک شده بدتر از آن (علوی‌فرد:۶۸)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x92

فعولُ فعولُ فعول - علن فعلن فعلن –

(شهیدِ شهیدِ شهی) (گلی چه گلی چه گلی)

(10010010)

چو چهره‌ی او نبود|| به هیچ زمانه گلی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فَعولُ » 0x2/3
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❋ : ۱۸۷)

0x93

مستفعلتن علتن - (لن لن فعلن فعلن)

(مهجان مهِ جان مهِ جان) (10010011)

یا فاطمه بنت علی || ای همدل و جان علی (محمد علی بهمنی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۴)

ای مادر من گل من || دارد غم ما ، دل تو

این جا همگی گل تو || گل ها همه حاصل تو (علوی‌فرد : ۵۷)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن علتن » 0x93/8
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

چون سایهٔ زلف سیاه// بنشسته برابر من

صد حلقه نشان سؤال// بر صفحه‌ی دفتر من (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۷۲)

0x94

متفاعلن فعلن – فعلن علن فعلن

(چه بتی بتی چه بتی) (10010100)

نه نکو بود که کنی تو به هیچ روی بدی (المعجم) (شمیسا* : ۱۱۲)

رخ تو چو ماه صیام سر کاکل تو چو شام

کمر و دهان تو پیچ سر موی تو همه پیچ (تحفه الهند : ۱۹۸)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

چو بدین صفت گذری//به کرشمه از بر من

به بلا و غم سپری//دل غصه‌پرور من (ادیب طوسی در پناهی ، ج۳: ۲۲۲) (طبیب‌زاده* : ۳۱۱)

0x95

فاعلن مفاعلتن- تن مفاعلن فعلا

(شوقِ شوقِ شوقِ بتی) (گلرخی بتی مهِ جان) (10010101)

نیست چون تو سرو چمن

گلعذار و غنچه دهن (جامی) (نجفی* :۳۱۱)

نعش این شهید عزیز ◀

روی دست ما مانده ست (اخوان ثالث) (نجفی* :۳۱۲)

ابری از کرانه گذشت

آه سرد حسرت من

باغی از ستاره شکفت

واژگون بهار چمن (منوچهر آتشی در پناهی ، ج ۳: ۷۷) (طبیب‌زاده* :۳۹۴)

ترک خوبروی مرا

گو چرا نه خوش منشی (المعجم ، شمیسا: ۱۷۶) (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۸)

خانه باغ و مادر من

باغبان خوشگل من

مثل سیب توی حیاط

میوه داده در دل من (علوی‌فرد:۶۳)

- عضو بحر دودویی 0x95/8 («تن مفاعلن فعلا» «فاعلن مفاعلتن»)

0x96

مفاعیلتن فعلن – (بتم گشت آن مهِ دل) (10010110)

بدین لطف جلوه گری || دل از عالمی ببری (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۶)

همی دل ز من بِبَرد || یکی کودک سَفَری (المعجم ، شمیسا: ۱۷۶)

- عضو بحر دودویی 0x96/8 («مفاعیلتن فعلن»)

0x97

مفعولن مفاعلتن – (جانانا بیا شکرا) (10010111)

وقتی آمدی همه جا || گل هامان شبیه تو شد (علوی‌فرد : ۵۱)

0x99 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x99-0//8 حالت غیر دوری

مفتعلن ❊۲ (10011001)

شب شد و من بار دگر || بی‌کس و تنها شده‌ام (شرف) (نجفی❊ : ۱۸۷)

غالیه زلفی و به رخ || سرخ تر از گلناری (المعجم ، شمیسا: ۱۵۳)

کس ندهد داد مرا || کس نکند شاد مرا (معیارالاشعار ، فشارکی: ۲۵)

راه می‌افتم بروم ▶

مغازه‌ی لواشکی (علوی‌فرد:۶۵)

0x99-4//4 حالت دوری

مفتعلن//۲ - (شد مهِ جان)//۲ (2//1001)

ای لب تو //مرهم من || وی غم تو //ماتم من (جامی) (نجفی❊ : ۱۸۷)

دلبر مست//عشوه کنان

جامه درید//خنده زنان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4

0x9A

(10011010) مفاعلن مفتعلن ـ (بیا بتا ناز مکن)

به دلبری دلبر من || ربوده دل از بر من (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۶)

فروغ مه بر سر تو || ستاره رامشگر تو

به چشم تو ناز نگه || در آسمان زهره بوَد (؟ در پناهی، ج۴: ۱۹۰) (طبیب‌زاده* : ۳۳۴)

- عضو بحر دودویی «مفاعلن مفتعلن» 0x9A/8
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

اگر به آزردن من //خوشی و خون خوردن من

ز خون طلب کردن من //به هر دو عالم بحلی

(نظامی گنجوی) (پناهی، ج۲: ۱۸۰)

0x9B

(10011011) مستفعلن مفتعلن – (دلدارِ دلدارِ منی)

یک شب بیا منزل ما || حل کن دوصد مشکل ما (شوریده شیرازی در پناهی ، ج۵: ۷۷) (طبیب‌زاده* : ۳۳۴)

در سر ندارم هوسی || چشمی ندارم به کسی (رهی معیری در پناهی ، ج ۵ : ۷۷) (طبیب‌زاده* : ۳۳۴)

همراه همواره‌ی ما || دیوار همسایه‌ی ما

افتاده بر خانه‌ی ما || مانند او سایه‌ی ما (علوی‌فرد : ۵۴)

- عضو بحر دودویی « مستفعلن مفتعلن » 0x9B/8
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

یک متر و هفتاد صدم// افراشت قامت سخنم

یک متر و هفتاد صدم// از شعر این خانه منم (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۳۸۹)

0x9C

(10011100) فعلاتن مفتعلن- (صنمی نو نوصنمی)

نه کسی آید به برم || نه ز کس باشد خبرم

به خدا دلخواه منی || به شب من ماه منی (نواب صفا در پناهی ، ج۴ :۱۱۶) (طبیب‌زاده٭ :۳۰۶)

همه جا روید گل زرد || همه کس بوید گل زرد (علوی‌فرد : ۷۸)

ز فراقت مرده بدم || به وصالت زنده شدم

ز سکوتت گریه بدم || به کلامت خنده شدم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن» 0x1C/5

0x9D

(10011101) فاعلاتن مفتعلن - (ماهِ جانی ماهِ دلی)

گر بگردد یار ز من ▶ || تیره گردد بر من زمن (المعجم ، شمیسا: ۲۱۱)

کفتری در خانه‌ی ما || لانه دارد لانه‌ی خوب

دوست دارم لانه‌ی او || بوده باشد خانه‌ی خوب (علوی‌فرد : ۶۰)

0x9E

(10011110) مفاعیلن مفتعلن- (بیا یارا عشوه بیا)

پدر ، آمد نان و پنیر || به دستش در خانه گذاشت

به شادابی مادرِ من || براماں صبحانه گذاشت (علوی‌فرد : ۷۰)

0x9F

(10011111) مفعولن مستفعلتن - مفعولاتن مفتعلن
(جانانی جانی شکری)

جان از طرب و دل از نشاط || تا بتْوانی باز مدار ▶ (المعجم ، شمیسا: ۱۲۵)

بابا دیشب حوصله داشت || وقتی آمد جوجه خرید
رفتم پیشش اول صبح || تا خندیدم جوجه پرید (علوی‌فرد : ۴۹)

- در بیت « جان از ...» المعجم وزن مصرع اول (1010/1001/1) و وزن مصرع دوم (1010/111/1) است که «این اختلاف وزن را بر اساس قاعده قلب می توان توجیه کرد» (نجفی* : ۱۵۳)

0xA0

فَعِلَتُ فاعلن

(10100000) (قمرِ شبِ تارِ من)

نه شده فدای من (علوی‌فرد:۸۴)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0xA1

فاعِلَتَتُ فاعلن

(10100001) (ای مهِ شبِ آسمان) (چون بنگذرم ز عشق)

کیسه‌ی تو پر از غذا ▶
مردم کوفه منتظر (علوی‌فرد:۶۸)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0xA3

مستفعلُ مفاعلن

(10100011) (شبها قمر من شدی) (ساقی نگذرم ز می)

هستی همه‌ی فکر من
ای زمزمه‌ی جان من
ای قمقمه‌ی آب دل
هستی همه‌ی نان من (علوی‌فرد:۵۸)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0xA4

فعلن مفاعلتن- فعلن فعلن فعِ

(چه بتی چه بتی بتی) (مهِ جان مهِ جان مهی) (10100100)

چه شود که وفا کنی || نظری سوی ما کنی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۴)

- عضو بحر دودویی « فَعِلن» 0x4/3

0xA5

مستفاعلُ مستفا – فاعلن متفاعلن

(عاشقم همه عاشقم) (10100101)

والهام به جمال او خوش دلم به خیال او (اسدی طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۳)

آب گشته به پای تو قطره قطره چشیده ای

دانه دانه شکفته ای شاخه شاخه رسیده ای (علوی‌فرد : ۶۴)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُ» 0x5/5

0xA6

فعولن متفاعلن - علن مفتعلن مفا

(بیا ناز مکن بیا) (10100110)

چه زیباست صدای تو || تو هستی گل هر صدا

به هر جا که رسیده ام || صدایت شده آشنا (علوی‌فرد : ۷۳)

- عضو بحر دودویی 0xA6/8 («فعولن متفاعلن» « علن مفتعلن مفا »)
- شاهد نثر: «چه در روی و چه در قفا » (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۰۰)
- «این وزن کاملا خوش آهنگ و مطابق قواعد عروضی است ، ولی در کتب عروض و در دواوین شعرا شاهدی برای آن یافت نمی‌شود.» (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۰۰)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

تویی ترک پری وشم ▶ // زهجرتو در آتشم ▶
بدین سوزش دل خوشم // گر این است رضای تو ▶ (خانلری) (خانلری:۲۳۸)

0xA7
مفعولن متفاعلن – (مهجانی شکری بتی)
(جانا عشوه بیا بیا) (10100111)

از دریا و کرانه ها   از گل ها و جوانه ها
از هر جا همه آشنا   دارم شعر و ترانه ها (علوی‌فرد : ۵۲)

0xA9
مفتعلن مفاعلن ـ (عشوه بیا بیا بیا) (10101001)

دل به وفات بسته ام   از همگان گسسته ام (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار٭: ۶۳۷)
هستی ما نظام ما || مستی ما خرام ما
گردش بی مقام ما || زندگی دوام ما (اقبال لاهوری) (پناهی، ج۲: ۱۸۵)
هر چه شراب می خورم
غم نرود ز یاد من (شرف) (نجفی٭ :۴۱۵)
غنچه دهان چو وا کند
خنده‌ی دلربا کند
یاد لب تو را کند
غنچه لبا خوش آمدی (نصرالله تقوی) (پناهی، ج۲: ۱۸۶)
دفتر هندوانه شد
مشق تمیز و بی‌غلط
رنگ سیاه و قرمزش
نقطه به نقطه خط به خط (علوی‌فرد:۶۶)
برمن خسته ای صنم   چند کنی چنین ستم   (المعجم ، شمیسا: ۱۱۴)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن مفاعلن» 0xA9/8
- ضرب المثل: « سود سفر سلامتی ست » ، « ظاهر و باطنش دوتاست » (پناهی، ج ۲: ۱۸۶)

0xAA

(10101010) مفاعلن ٭ ۲- (بتا بیا)//۲

از آن زمان که شد روان || ز چشم من نگار من
چه چشمه ها شده روان || از اشک بر کنار من (بی نام) (شمیسا٭ : ۱۴۹)
تویی که سبزه‌ی بهار || به سینه ام کشانده ای
و سایه‌ی سیاه غم || زجان من تو رانده ای (پروین جزایری) (پناهی، ج۲: ۱۴۷)
کتاب خوب زندگی || دوباره باز می شود
دوباره قلب کوچکم || پر از نیاز می شود (شاهین رهنما) (پناهی، ج۲: ۱۴۸)
رخش ز گل حکایتی || لبش ز غنچه آیتی (ادیب طوسی) (نجفی٭ : ۱۶۵)

دلم به گشتِ کوی او || رود به جستجوی او (عروض بابر:۱۱۷)
بیا بتا به جان ما || شبی به میهمان ما
وفا کن و جفا مجو || به جان ما بلا مجو (تحفه الهند : ۱۷۲)

پرنده‌ام پرنده‌ای
که عاشق صدای توست
پرنده‌ای که لانه‌اش
به روی دست‌های توست (علوی‌فرد:۷۵)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2
- ضرب المثل: « کلاغ خوش خبر مباش»، « لگد به مرده می زند» (پناهی، ج۲: ۱۴۸)
- { درباره‌ی شعر «از آن زمان»} « این شعر در کتاب شعر جدید فارسی (دکتر محمد اسحاق ، ترجمه‌ی سیروس شمیسا ، فردوس ۷۹ ص ۱۲۴) آمده است ، شاعر آن را ذکر نکرده و می نویسد:یک شعر هجایی ضربی چهار رکنی tonic lambic tetrameter است.» (شمیسا٭ : ۲۱۳)

0xAB

(10101011) مستفعلن مفاعلن – (جانا بیا بتا بیا) (جانی بتی بتی مهی)

ای ترک ماه منظرم || بگشای رخ برابرم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۵)

از بس که بند کهنه را || هی باز کرده بسته ام
از دست کفش کهنه ام || همواره زار و خسته ام (علوی‌فرد : ۵۵)

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)
- عضو بحر دودویی 0xAB/8 («مستفعلن مفاعلن»)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

تندیس پر دروغ من// بر خاک ره فتاده ای
ناخفته دیده بسته ای // خامش دهان گشاده ای (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۳۰۳)

0xAC

(10101100) فعلاتن مفاعلن - (مهِ جانی بتی بتی)

به هوای تو می تپد || دل امّیدوار من...
گذری کن به کوی من || نظری کن به کار من (دهخدا ، ویژه آموزگار من)
(دیوان دهخدا ،نشر تیراژه، ۱۳۶۲، ص ۱۸۲)
سر و چشمم سرای توست ▶ || ای سرافراز محترم (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۲۷۷)

دل من می چرا بری ▶ || چون غم من نمی خوری (المعجم ، شمیسا: ۱۸۶)
چه کنی با کسی جفا || که بود از تو مبتلا (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۳)
گل زهرا بیا بیا
دل دلها بیا بیا (علوی‌فرد:۷۹)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن مفاعلن » 0xAC/8

0xAD

فاعلاتن مفاعلن – (نو بتی نوبتی بتی)

(ماهِ جانی بتی بتی) (10101101)

عشق روی چو ماه تو || برد صبر و قرار من

نیست اندر شب فراق || جز غمت غمگسار من (دهخدا ، ویژه آموزگار من)

(دیوان دهخدا ،نشر تیراژه، ۱۳۶۲، ص ۱۸۲)

خاله گردن دراز من || رنجه فرموده‌ای قدم (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۲۷۷)

اشک یخ بسته در نگاه || درد در بسته بر امید

روح پوسیده در سیاه || فکر فرسوده در سپید (شرف) (نجفی* :۲۷۷)

دل من می چرا بری چون غم من نمی خوری ◀ (المعجم ، شمیسا: ۱۸۶)

می روم من به دشت گل پیش گل ها چه راحتم

دشت گل های اطلسی بالشم ، استراحتم (علوی‌فرد : ۶۱)

- عضو بحر دودویی فاعلاتاتُ (0xD/5)
- می‌تواند مستقل باشد یا مثل شعر دهخدا عضو خانواده « فعلاتن مفاعلن » باشد.

0xAE

مفاعیلن مفاعلن- (بیا جانا بیا بیا) (10101110)

گلم هستی قشنگ من || دلم آمد به خانه ات

منم پروانه پیش تو || سرم بر روی شانه ات (علوی‌فرد : ۷۰)

0xAF

لن فعِلاتن مفاعلن – (جانا جانا بیا بیا) (10101111)

دیدی شعبان چه سان گذشت ◀

هم گذرد روزه لامحال (فرهنگ شیرازی) (پناهی، ج۲: ۱۹۴)

غم در دنیا همیشه هست || شادی تنها نمی شود

باغی بی خارِ گل نشد || گل بی آن وا نمی شود (علوی‌فرد : ۴۹)

- عضو بحر دودویی 0x2F/7 (مفعولن فاعلاتُ)
- می‌تواند مستقل باشد یا عضو خانواده « لن فعلاتن مفاعلن» باشد
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

اول سرباز هاشمی // نسل یاسین منم منم

آن کو باید فدا شود// در راه دین منم منم (جعفر رسول زاده در پناهی ، ج۵ :۱۶۵) (طبیب‌زاده❋ :۳۴۷)

0xB0

فَعِلَتُ مستفعلن

(مهِ شبِ تاریکِ من) (بنگذرم از قدح) (10110000)

پیِ گلِ صحرا روم

پیِ غمِ بابا روم (علوی‌فرد:۸۳)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0xB1

فاعِلَتَتُن فاعلن

(ای قمرِ من شاه من) (من بنگذرم از قدح) (10110001)

خانه‌ی خدا روز و شب

پر شده صدا در صدا

در همه‌ی دل‌های ما

قبله‌ی نمازی خدا (علوی‌فرد:۶۷)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0xB2

مفاعلتن فاعلن – علن فعلاتن مفا - مفاعلُ فعِلن مفا

(بتی مهِ جانی بتی) (10110010)

به یاد رُخش کن طلوع || به یاد دو زلفش غروب (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xB2/8 («مفاعلتن فاعلن» « علن فعلاتن مَفا»)
- عضو بحر دودویی 0x32/6 («مفاعلُ فعِلن»)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❊ : ۳۶۴)

0xB3

مستفعلتن فاعلن – (جانی همه جانی بیا) (10110011)

بر دیده نشاندم تو را || رفتی و نماندی چرا

افسانه هجران بگو || زین شمع سوزان بگو (بی نام در پناهی ، ج۴ :۱۸۶) (طبیب‌زاده❊ :۲۵۲)

داداش عزیزم تویی || داداش بلایت منم

قلبم همه جا پیش توست || گنجشک هوایت منم (علوی‌فرد : ۵۶)

با خنده‌ی تو غنچه گفت || یک بوسه بیرزد به جان

بوسم بده کن پرپرم || تا عطر تو گیرد جهان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x3/4 (مستفعلُ)
- «گفتا به صلاحش خجل» (گستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۲۵)
- «درویش کجا می‌روی» (گستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۱۲)
- «این وزن در کتب عروض و دواوین شعرا سابقه‌ای ندارد» (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۱۲)

0xB4

متفاعلن فاعلن- (مهِ دلبری دلبری) (10110100)

به رخِ تو شیدا منم به غمت شکیبا منم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۶۳۴)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

صنما به سودای خود // دل من چرا خون کنی
به وفا سرشتی چو من // ستم ای صنم چون کنی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۷۰۲)

- عضو بحر دودویی 0x34/6 (فعلن فعولن)
- عضو بحر دودویی 0xB8/8 («متفاعلن فاعلن»)

0xB5

(10110101) مستفاعلُن مستفا - (نوگلی گلی نوگلی)

گر شراب گلگون بود || بی لب توام خون بود (جامی) (نجفی❋ : ۲۳۰)
موسمِ بهاران بُوَد || روز عیش یاران بُوَد (ادیب طوسی) (نجفی❋ :۳۷۵)

دست باز دار ز دلم || ورنه جان ز تن بگسلم (المعجم ، شمیسا: ۱۷۶)
در خزان ما ، پرتقال || در بهار، آلوچه بود
فصل های ما فصل بود || کوچه های ما کوچه بود (علوی‌فرد : ۶۲)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلن» 0x15/5
- می‌تواند دوری شود:

یارکی مراست //دلربا دلبری مراست//جان‌فزا (ابوالحسنی)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

در کبود بی انتها //شب چو نقره کاری کند
زیر کهکشان آب ها //زیرکانه جاری کند (سیمین بهبهانی) (نجفی❋ :۳۷۶) (بهمن ۵۵)

0xB6

(10110110) (فعولن فعولن فعول) -(بزن دف بزن دف بزن)

دل از دست ما می بری || ندانم چرا می بری
بدین قهر و بیگانگی || دل از آشنا می بری (پژمان بختیاری) (پناهی، ج۲: ۳۳)
تو هستی که در آسمان || گلِ داغ خورشید هست
و توی خیابان و باغ || صمیمیت بید هست (ناصر کشاورز) (پناهی، ج۲: ۳۳)

نگارا کجایی بیای || به غربت از این پس مپای (المعجم ، شمیسا: ۱۹۹)
تو را گویم ای مشکِ سر || به خوبی شدستی سمر (المعجم ، شمیسا: ۱۹۹)
از آن خطّ مشکین یار || شد آن ماهش اندر محاق (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۳)
بیا در دلم عشق من
بیا خانه بابای من
بیا در دلم قایقی
به دریای دلم بزن (علوی‌فرد:۷۲)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3
- ضرب المثل: «قلم در کف دشمن است» ، «مگر صاحبش مرده است» (پناهی، ج۲: ۳۳)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

ز شب خستگان یاد کن // شبی آرمیدی اگر
سلامی هم از ما رسان //به صبحی رسیدی اگر (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۸) (مرداد ۵۵)

0xB7

(10110111) مفعولن مفاعیلتن- (جانانم بتم شد بتم)

فریادم به دریا رسید || آوازم به باران رسید
ابری تیره آمد به شهر || باران ، ماهِ آبان رسید (علوی‌فرد : ۵۱)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

در هر حال ای جان من دل بردار از ما و من
سر برتاب از اهرمن تا دلدار آید تو را (ادیب نیشابوری) (ادیب نیشابوری: ۱۵۵)

0xB9

مفتعلن مستفعلن – مفتعلاتن مفتعل

(10111001) (شد شکرم یارم بتم)

من شده ام زیبا گلی || مادرِ خوبم باغبان

صاحب باغم مادرم || آمده از یک آسمان (علوی‌فرد : ۶۵)

- عضو بحر دودویی 0x19/5 (مفتعلاتن)

0xBA

(10111010) مفاعلن مستفعلن – (بیا بیا جانا بیا)

تو شور عشقم داده ای || مرا تو رسوا کرده‌ای (معینی کرمانشاهی در پناهی ، ج۵ :۱۰۴) (طبیب‌زاده* :۲۱۰)

- عضو بحر دودویی 0xBA/8 (مفاعلن مستفعلن)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

کنون که خوش گردد هوا || تو خیز و زی بستان بیا

بگیر جامی از بتی || که یابی از لعلش شفا (بی نام) (خانلری:۲۴۵)

0xBB دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xBB -0//8 حالت غیر دوری

(2*1011) مستفعلن *۲ - (مه‌رو بتی)*۲

بی طاعتی میراث داد || ایزد ز ملکِ ظاهرش (ناصرخسرو) (پناهی ، ج۲: ۶۷)

شادان ز ماهی تا به ماه || از مژده‌ی میلاد شاه (کمپانی اصفهانی) (پناهی ، ج۲: ۶۷)

ای قوم بد پیمان دون! || ای کوفیان! ای کوفیان! (دهخدا) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۵)

دریای هستی دم به دم ||در چرخ و تاب و پیچ و خم (گلچین گیلانی) (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۳۴)

دیشب نفهمیدم چرا || رنجید از من یار من (سرمه) (نجفی* : ۱۱۱)

ای بهتر از هر داوری || بگشای کارم را دری (المعجم) (ص ؟؟)

ای دلبر آزاده خو || تا کی عتاب و جنگ تو (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۵)
ای دل به تیز آتش پری ▶ || یا زیر چنگال عقابی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۵)
وقتی که پیدا می‌شوی
فورا به من سر می‌زنی
هستی نسیمی مهربان
می‌آیی و در می‌زنی (علوی‌فرد:۵۳)

4//0xBB -4 حالت دوری

(2//1011) مستفعلن //۲- (مه‌رو بتی)//۲

زاغش نگر// صاحب خبر|| بلبل نگر// خنیاگرش (ناصرخسرو) (پناهی ، ج۲: ۶۷)
عاشق شدم //بر دلبری || سنگین دلی // سیمین بری (جامی) (نجفی* :۱۱۱)
دیوانه ام//دیوانه ام || از عقل و دین// بیگانه ام (میرزا حبیب خراسانی) (نجفی* :۱۱۲)
مهر تو شد //چون پیشه ام
دور از تو نیست// اندیشه ام (تصنیف ای ایران ، دکتر گل گلاب)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4
- دوری بودن در بیت زیر که تغییر یافته شعر حبیب خراسانی است آشکار تر است
  دیوانه ایم//دیوانه ایم || از عقل و شرع// بیگانه ایم
  - ضرب المثل: «رنگم ببین حالم مپرس » (پناهی ، ج۲: ۶۸)

0xBD

فاعلاتن مستفعلن- فاعلیاتن فاعلی

(10111101) (دلبرم شد شد دلبرم) (ماهِ دلهایی ماهِ دل)

روی داری ای سعتری
هست گویی چون مشتری (المعجم ، شمیسا: ۱۸۶)
گر بگردد یار ز من
تیره گردد بر من زمن ▶ (المعجم ، شمیسا: ۲۱۱)
تا کی ای دل انده خوری
تو به شادی اولی تری (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۳)

می رسم آخر پیش تو
می شوم مهمانت شبی
می کنم حالت را درست
می زنم شامت را لبی (علوی‌فرد : ۵۹)

- عضو بحر دودویی BD/8 (فاعلاتن مستفعلن)

0xBE

(10111110) مفاعیلن مستفعلن- (بیا جانا جانا بیا)

شدم غمگینت خواهرم || صدایت را نشنیده ام
به یادت غمگین بوده ام || فقط گاهی خندیده ام (علوی‌فرد : ۶۹)

0xBF

مفعولاتن مستفعلن- (مفعولن مفعولن علن)
(10111111) (جانانم جانانم بیا)

مردی آمد با نامه ای || در دستش کیکی خامه ای (علوی‌فرد : ۴۸)

0xC3

مستفعلُ فعلاتن
(11000011) (بازآ مهِ شبِ زیبا) (از او بنگذرم من)

هستم گلِ گلِ بابا
هستم گلِ گلِ مادر (علوی‌فرد: ۵۸)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0xC5

فاعلاتُ فعلاتن

(تیک تاک شبِ ساعت) (از قدح نگذرم من) (11000101)

میوه‌های سرِ شاخه

می‌شود همه رسیده

مال ما که نشد آخر

هر پرنده زده چیده (علوی‌فرد:۶۴)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0xC7

مفعولن فَعِلَتُن فع

(تابانی قمرِ جانی) (از ساغر نگذرم من) (11000111)

دیشب یاد همه آمد

پر زد در همه‌ی ذهنم

بابا مادرِ عزیزم

در هر زمزمه‌ی ذهنم (علوی‌فرد:۵۲)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0xC9

مفتعلن فعلاتن- فاعلُ فاعلُ فاعل

(شد شکرم شکرم شد) (دلبرِ دلبرِ دلبر) (11001001)

سالک راه خداییم || رهروِ کوی وفاییم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار※: ۶۳۶)

ساخته عاشق بی دل || بر سر کوی تو منزل (عروض بابر:۶۵)

دفتر کوچکِ من شد
دفترِ خاطره‌هایم
از خط او شده روشن
گوشه‌ی خانه برایم (علوی‌فرد:۶۶)

- عضو بحر دودویی « فاعلُ » 0x1/3
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

آه چگونه بگویم // آه چگونه بگویم
با تو که باده‌ی من شو // من که شکسته سبویم (سیمین بهبهانی) (نجفی❋ : ۷۶) (اردیبهشت ۶۱)

0xCA
(11001010) مفاعلن فعلاتن - (بتی بتی مهِ جانی)

چه دردناک شبی بود || سکوت بود و جنون بود
فضا براده‌ی آهن || ستاره لکّه‌ی خون بود (نصرت رحمانی) (ماهیار : ۲۳۱) (شعر کامل)
سکوت دسته‌گلی بود
میان حنجره من (یدالله رویایی) (نجفی❋ :۳۳۱)

جفا مکن که نشاید || رهی مَکُش که نباید (المعجم ، شمیسا: ۱۷۹)
اگر مرا غم عشقت || به کام دل برساند (المعجم ، شمیسا: ۱۱۶)
به حق خوبی رویت || کم از غمان برهانی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۰)
منم ز یار به حسرت || منم ز عشق به جور (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۰)

- عضو بحر دودویی « مفاعلن فعلاتن» 0xCA/8
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

در آن نفس که بمیرم //در آرزوی تو باشم
بدان امید دهم جان //که خاک کوی تو باشم (سعدی) (نجفی❋ :۳۲۱)

0xCB

(11001011) مستفعلن فعلاتن – (جانی بتی مهِ جانی)

بر خاک سجده نکردن || غیر از خدا نگزیدن (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۳۳۲)

در فصل مرگ درختان || در قرن قحطی طوفان (علی اکبر رشاد در پناهی ، ج۳ :۱۶۰) (طبیب‌زاده* :۳۵۴)

من رند بی سر و پایم || دست آزمون خدایم (ادیب طوسی) (نجفی* : ۳۳۲)

هر گوشه از تو نشانی است || ای کودک شب یلدا (اشرف) (نجفی* : ۳۳۲)

این بار هم که نیامد || این دوره گردِ همیشه

من منتظر که بیاید || آن پیرمردِ همیشه (علوی‌فرد : ۵۵)

- عضو بحر دودویی 0xCB/8 («مستفعلن فعلاتن»)
- از ابداعات وزنی بهار است . «تاریخ سرودن قصیده‌ی بهار در سال ۱۲۸۴ است ، بهار هنوز بیست ساله نشده است . » (نجفی،۱۳۸۴ : ۵۶۵)

0xCC

(11001100) فعلاتن*۲- (مهِ جانی مهِ جانی)

گلِ پُر عطرِ بهاری

رَزِ رقصانِ خزان است (محمد ابراهیم صفوی) (پناهی ، ج۲: ۱۸۹)

دل من ای نی محزون

ز چه در شور و نوایی (محمود شاهرخی) (پناهی ، ج۲: ۱۸۹)

چو مرا درد تو باشد

دگر از عیش چه باید (؟) (آهی ، ۱۳۵۷ :۱۲۰)

دلم آواره تو کردی خردم پاک تو بردی (المعجم ، شمیسا: ۱۵۸)

ندهد داد مرا کس نکند شاد مرا کس (معیارالاشعار ، فشارکی: ۲۵)

سخن من که رساند بَرِ آن ماه دلارام (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۳)

ننه هاجر گلِ زیبا

گل باغی گل صحرا (علوی‌فرد:۷۹)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4
- حالت دوری : به بر دوست //چو رسیدم || ز غم عشق //نرمیدم (ابوالحسنی)

0xCD

فاعلاتن فعلاتن – فاعلن مفتعلن مف

(11001101) (ماهِ جانی مهِ جانی)

شب که شد آینه تب کرد

آن شب اما چه شبی بود (اخوان ثالث) (نجفی❋ :۱۲۹)

شعر تو آبِ روان است

تحفه‌ای از دل و جان است (محمد ابراهیم صفوی) (پناهی ، ج۲: ۱۸۹)

جاده هایی همه شاداب || جاده هایی همه روشن

توی صحرای کویری || یا که کوهی همه گلشن (علوی‌فرد : ۶۱)

- عضو بحر دودویی 0x4D/8 (« فاعلاتن فعلاتُ» « فاعلن مفتعلن مَ »)
- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن »

0xCE

(11001110) مفاعیلن فعلاتن- (نگاری تازه نگاری)

به هر مویی زده ام گل || به مویت گل نزدم من

به هر جا شد بزنم پل || به قلبت پل نزدم من (علوی‌فرد : ۷۱)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلاتُ » 0xE/5

0xCF

(11001111) مفعولن مفتعلاتن- (جانی جانی مهِ جانی)

من گفتم: مادرِ خوبم || امروز اینجا ننه آمد
می ماند او همه پیشم || از شهرش یک تنه آمد (علوی‌فرد : ۵۰)

- عضو بحر دودویی0x4F/7 (مفعولن مفتعلن)

0xD1

فاعِلَتَتُن فعولن

(11010001) (ای قمرِ من به شب‌ها) (چون نگذرم ز عشقش)

حال دل من خراب است
شیشه‌ی دلم شکسته
سنگ غم و غصه هایم
روی دل من نشسته (علوی‌فرد:۶۸)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0xD2

(11010010) مفاعلتن فعولن - (غزالِ غزالِ صحرا) (بتی چه بتی بتی نو)

گر از همه کس جدایم || به مهر تو آشنایم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۵)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/5
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

ترا دل من نگارا // به هیچ نمی گراید
ازان جهت است یارا // که درد دلم فزاید (المعجم ، شمیسا: ۱۸۱)
بدان ملک الملوکی // که هر دو جهان به امرش
شدند ز هیچ چیزی // به گفتن کاف و نونی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۱)

0xD3

مستفعلتن فعولن - مستفعلُ فاعلاتُن

(11010011) (جانی غزلی ز جانی) (ساقی بده آن شرابم)

آن لعبت نازنینم

شد غارت عقل و دینم (ادیب طوسی) (نجفی* :۴۰۴)

دارنده‌ی ما خدای است

روزی ده ما به جای است (المعجم ، شمیسا: ۱۹۰)

دل های زمین شکستند

گل های جهان شکفتند (علوی‌فرد : ۵۷)

- عضو بحر دودویی 0x53/8 («مستفعلُ فاعلاتُ» « لن مفتعلن مفاعِ »)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

آتش زده در وجودم//افروخته تا بُنم خَد

برخاسته فتنه هر سو//افراخت تا مَهَم خَد (شارق یزدی در پناهی ، ج۴ :۱۷۱) (طبیب‌زاده* :۳۴۶)

0xD4

(11010100) تعلن مفاعلن مف - فعلاتُ فاعلاتن – (مهِ جان شبی بتم شو)

چه خوش آن که دور هستی || گذرد به عشق و مستی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۳)

چه گناه ها که کردم || به هوس چه ها که کردم

پی خواهش دل خود || دل دوست را شکستم (ابولقاسم آقاربیع) (پناهی، ج۲: ۸۳)

تو در آن زمان که نامی || ز جهان نبود بودی

در بسته‌ی جهان را || به جهانیان گشودی (علی اکبر سلطان) (پناهی، ج۲: ۸۳)

نه توگفتی ار نگویی || من از این خبرندارم (المعجم ، شمیسا: ۱۱۵)

ننه از سمانه پرسید

نکند گرفته‌ای بیست

و سمانه فکر می‌کرد

که جواب مادرش چیست (علوی‌فرد:۸۰)

- عضو بحر دودویی 0xD4/8 (« تعلن مفاعلن مف» « فعلاتُ فاعلاتن »)

0xD5

مستفاعلن فعولن-(جانِ جانِ جانِ جانی)

(شد بتم بتم بتم شد) (11010101)

بی تو بار دیگر امشب || دیو من سراغم آمد

چون تو در برم نبودی || یار غار من غم آمد (شرف) (نجفی❊ : ۱۷۲)

توی این هوای تاریک || شعر آسمان سرودم

مثل یک پرنده هستم || زیر گنبدی کبودم (علوی‌فرد : ۶۳)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2

0xD6

مفاعیلتن مفاعیلْ - مفاعیلُ فاعلاتُن- فعولن مفاعلن فع

(دلارا دلا دلارا) (بتم شو بتم بتم تو) (11010110)

رها کن پرندگان را || بشارت دهندگان را (سعید سلطان پور در پناهی ، ج۴ :۱۴۷) (طبیب‌زاده❊ :۳۸۱)

چه کردم بتا نگویی || که بر من چنین به کینی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۵)

ببین خانه خانه رفتم || تو را خانه خانه دیدم

تو را خانه خانه بردم || تو را دانه دانه چیدم (علوی‌فرد : ۷۲)

- عضو بحر دودویی 0x56/7 («فعولن مفاعلن»)
- عضو بحر دودویی 0x56/8 («علاتن مفاعلن فَ» « مفاعیلُ فاعلاتُ»)

0xD7

مفعولن مفاعلتن

(جانانی بتی نگاری) (11010111)

یک پروانه لانه دارد (علوی‌فرد:۵۰)

0xD9

(11011001) مفتعلن فاعلاتن – لن فعلاتن مفاعل

(شد مه جان ماهِ جان شد) (آن مهِ جان گشت یارم)

عق دهنم آب ، افتاد || توی دلم تاب ، افتاد (دهخدا) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۷)

مرغ سحر ناله سر کن

داغ مرا تازه تر کن (بهار) (بهار:۱۱۶۶)

غمزه چشم سیاهی || برده دلم با نگاهی (ادیب طوسی) (نجفی* : ۳۷۱)

خانه‌ی ما فرش دارد

خانه‌ی ما بام دارد دارد

خانه‌ی ما غصّه دارد

خانه‌ی ما وام دارد (علوی‌فرد:۶۵)

- عضو بحر دودویی 0x59/8 («لن فعلاتن مفاعِ» «مفتعلن فاعلاتُ»)
- «این وزن مطبوع در شعر فارسی سابقه ای نداشته و تا جایی که نگارنده جستجو کرده است از شاعران معاصر نیز کسی از آن استقبال نکرده است . » (نجفی،۱۳۸۴ : ۵۶۷)
- وزن شعر «مرغ سحر» اگر به صورت آواز خوانده شود که در آن هجای «سـَ» در «سر کن» و هجای «تـَ» در «تر کن» کشیده می‌شود با این وزن منطبق نیست.

0xDA

(11011010) مفاعلاتن مفاعل - (دلا دلارا دلارا)

ز هجرت ای نازنیم || به رنج و حرمان قرینم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۶)

- عضو بحر دودویی 0x1A/5 (مفاعلاتن)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

نمی توانم ببینم //جنازه ای بر زمین است

که بر خطوط مهیبش //گلوله ها نقطه چین است (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۲۱۸) (اسفند ۵۷)

0xDB

(مفعولُ مفعولُ مفعولْ) - مستفعلن فاعلاتن

(11011011) (دلدارِ دلدارِ دلدار) (جانی ز جانی ز جانی)

سلطان سیر و سلوکم || فرمانروای ملوکم (صفای اصفهانی) (نجفی❋ :۵۹)

چیزی که چندان نپاید||دلبستگی را نشاید

امروز این یک بمیرد||وان یک ز مادر بزاید (وقار شیرازی) (شمیسا❋ : ۱۲۴)

آه ای خروس ستمگر || با بانگ و با جنبش پر (عماد خراسانی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۳۴)

ای عشق از یاد رفته || گم گشته بر باد رفته

باز آمدی؟ داد از تو || فریاد وفریاد از تو (اخوان ثالث) (نجفی❋ :۵۹)

برگی ز شاخی چکیده ست || لرزان و پژمرده در کوی (شرف) (نجفی❋ :۵۹)

من لاک‌پشتی غریبم

مانند چادر نشینم

هر جا هوا خوب باشد

با خانه‌ام می‌نشینم (علوی‌فرد:۵۳)

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3
- ضرب المثل: «دیوار حاشا بلند است» (پناهی، ج۲: ۹۰)

0xDC

(11011100) فعلاتن فاعلاتن

چو به بستان آمدی یار

ز جمالت گشته ام مست (ابوالحسنی)

0xDD دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xDD-0//8 حالت غیر دوری

(11011101) فاعلاتن ٭۲- (دلبرم شد)٭۲

باز باران با ترانه||با گهر های فراوان || می خورد بر بام خانه (گلچین گیلانی) (نجفی٭ : ۹۳)

نرگسم ، یاسم ، نمازم || محفل راز و نیازم (غلامرضا کاج) (پناهی، ج۲: ۱۰۹)

نغمه ای آمد به گوشم ||گفت: از غیبم ، سروشم (علی مظاهری) (پناهی، ج۲: ۱۰۹)

عندلیبان زار و ناشاد || بلبلان در داد و بیداد (ضیا قاری‌زاده) (نجفی٭ : ۹۳)

خانه‌ام ابری‌ست اما || ابر بارانش گرفته (نیما یوشیج) (نجفی٭ : ۹۳)

من همیشه مستمندم || از غم عشقت نژندم (المعجم ، شمیسا: ۱۵۶)

خوب رویا دل ربایا || چون که با چاکر نسازی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۱)

دایی‌ام می‌گفت : بودم

در جوانی شیک و قلدر

بوده وضع مالی‌ام توپ

بوده جیب من پُر پر (علوی‌فرد:۵۹)

0xDD-4//4 حالت دوری

(2//1101) فاعلاتن //۲- (دلبرم شد)//۲

جلوه حق//جلوه سرکن

غیبت خود//مختصر کن (فردوس فراهانی در پناهی ، ج۵ :۱۲۱) (طبیب‌زاده٭ :۱۹۰)

از غم دین//وقف کن هین

خون رنگین//بر تو تحسین (اشرف الدین گیلانی در پناهی ، ج۵ :۱۲۱) (طبیب‌زاده٭ :۱۹۰)

زار و ناشاد//عندلیبان

داد و بیداد// از کلاغان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4
- ضرب المثل: «هر چه پیش آید خوش آید» (پناهی، ج۲: ۱۱۰)

0xDE

(11011110) مفاعیلن فاعلاتن – (زجانی جانی ز جانی)

نگارینا کار ما را || چرا نیکو می نسازی (المعجم ، شمیسا: ۷۴)

دلم برد، آن گُلْسِتانش || و زلفین دلْستانش (المعجم ، شمیسا: ۱۷۵)

برادر جان خانه دارد

میانش پروانه دارد (علوی‌فرد:۷۰)

- عضو بحر دودویی 0x DE/8 (مفاعیلن فاعلاتن)

0xDF

(11011111) مفعولن مستفعلاتن- (جانی جانی یارِ جانی)

در باغی زیبای زیبا || بابا جانم خانه دارد

در باغش هم میوه دارد || هم گل هم پروانه دارد (علوی‌فرد : ۴۹)

0xE1

فاعِلَتُنُ مفعولن

(11100001) (ای مهِ شبِ تاریکم) (چون بنگذرم از عشق)

خانه‌ی دلِ متروکم

قصه‌ی غمِ مشکوکم (علوی‌فرد:۶۸)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0xE3

مستفعلُ مفاعیلن

(11100011) (شبها قمر من هستی) (از می نگذرم ساقی)

آیا ننه‌ی بابا کو (علوی‌فرد:۵۸)

یک شب نگذری بر ما (ابوالحسنی)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0xE4

فعلن فعلن فعِلن – (مهِ جان مهِ جان مهجان) (11100100)

دل من دل من دیدی

که نگار تو ناگه رفت (ابوالحسنی)

0xE5

فاعلن فعلیاتن- فاعلن فعلاتن مَف

(بادِ بادِ زمستانی) (مهرخی مهِ جانی تو) (11100101)

نامه‌ای چو از او آمد || آب رفته به جو آمد (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* : ۳۴۲)

قصه های کتابم را || بچه های محل دیدند

طنزهای قشنگی داشت || بچه ها همه خندیدند (علوی‌فرد : ۶۳)

- عضو بحر دودویی « فاعلن فعلاتن مَ » 0x65/8

0xE6

فعولن فعلیاتن – مَفاعیلُ مَفاعیلُ

(نگاری تو نگاری تو) (11100110)

بیا شانه به گیسو زن

سیه طره به یک سو زن (ادیب طوسی در پناهی ، ج۴ :۱۷۹) (طبیب‌زاده* :۲۴۶)

برایم شده رویایی

که باشم همه جا پیشت

تو پنجام بشوی اما

رفیقت بشوم شیش‌ات (علوی‌فرد:۷۳)

- عضو بحر دودویی 0x6/4 (مفاعیلُ)
- شاهد نثر: «نخوردم که به کار آید/ نکردی که به کار آید» (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۰۵)

- «هیچ کتاب عروضی متعرض این وزن نشده و طبعا نام و هویت آن را نیز تعیین نکرده است . با این که مطبوع می‌نماید ، شاعران تا کنون به آن اقبال نکرده اند . فقط سیمین بهبهانی در غزلی آن را به صورت «دوری» به کار برده است : شکیب از که ...» (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۰۵)

0xE7

(11100111) مفعولن فعلیاتن- (جانانی همه جانانی)

مستم از نگهی دلجو

ساغر را فکنم یک سو (؟ در پناهی ، ج۵ :۱۵۱) (طبیب‌زاده* :۲۴۱)

با رخ ، از همه زیبایی ▶ با قد ، از همه بالایی ▶

مویت همه کس را دامی رویت همه کس را کامی (تحفه الهند : ۱۷۹)

- عضو بحر دودویی 0x E7/8 (مفعولن فعلیاتن)

0xE9

(11101001) مفتعلن مفاعیلن – (دلبرکا نگارینا) - (یار مرا مرا یارا)

غمزه‌ی غم زدا داری نکهتِ جان فزا داری

لیک قصد جفا داری راهی اَرْ با خدا داری (دهخدا ، شاه‌حسینی: ۱۱۶)

خانه‌ی ما یهو گم شد

حادثه‌ای برایم شد

جیغ زد پدر جانم

کوچه پر از صدایم شد (علوی‌فرد:۶۶)

جامه دران نگارینم || آمده مست از باده

رقص کنان غزل‌خوانان || شعله زده در این خانه (ابوالحسنی)

0xEA

مفاعلن مفاعیلن- مفاعلن فعولن مف

(11101010) (غزال شد به صحراها)

کسی به فکر گل‌ها نیست (فروغ فرخزاد) (شعر نو) (نجفی❊ :۳۷۱)

قسم به اسم آزادی

به لحظه‌ای که جان دادی (جهان بخش پازوکی در پناهی ، ج۳:۱۷۹) (طبیب‌زاده❊ :۲۲۴)

سری چو قرص مه بینم || به دیر خود عیان امشب (خاتمی نوری در پناهی ، ج۳ :۱۷۹) (طبیب‌زاده❊ :۲۲۴)

چرا همی نگارینم همیشه نزد من ناید (المعجم ، شمیسا: ۱۴۷)

نگار من اگر با من بسازدی نکو بودی (المعجم ، شمیسا: ۱۱۴)

- عضو بحر دودویی 0x6A/7 («مفاعلن فعولن»)
- عضو بحر دودویی 0x6A/8 («مفاعلن مفاعیلُ » « علن مفاعلن مفتَ»)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

غبار خشک خون بر نخل//نثارِ خونِ تر بر خاک

جز این چه طُرفه دیگر ؟ نخل // جز این چه تازه دیگر خاک (سیمین بهبهانی) (نجفی❊ :۳۷۲)

0xEB

مستفعلن مفاعیلن - مستفعلن فعولن مس

(11101011) (جانا بیا بیا جانا) (کن در شبی نگاهی کن)

سارا دو دست بالا برد

بر آسمان نگاهی کرد

آهسته زیر لب نالید

اشکی فشاند و آهی کرد (سیمین بهبهانی) (نجفی❊ :۲۹۹)

کبکم خروس می‌خواند

آواز را بیا بشنو (سیمین بهبهانی) (نجفی❊ :۲۹۹)

قومی که دل به دریا زد || در خطّ آب و نان افتاد
شاید عزیز مصری باز || دور از برادران افتاد (غلامرضا خواجه علی) (پناهی، ج۲: ۴۱)

گل های شاد را دیدن || تن پوش تازه پوشیدن
پروانه لذتی دارد || در وقت شهد نوشیدن (علوی‌فرد : ۵۵)

- عضو بحر دودویی ۰x6B/۷ («مستفعلن فعولن»)
- عضو بحر دودویی 0x6B/8 («مستفعلن مفاعیلُ»)

- ضرب المثل: «آزادگان تهی دستند» ، «دنیا به ظلم آباد است» ، «بالانشین و کم خرج است» ، «در مشورت خیانت نیست» (پناهی، ج۲: ۴۲)

0xEC

(11101100) فعلاتن مفاعیلن- (مهِ جانی مها جانی)

تو مگر نقش رویایی || که چنین شوخ و زیبایی || چمن آرا چو گلهایی
ثمر ناز و افسونی || شرر عشق مجنونی || اثر حسن لیلایی
(نیر سینا ، تصنیف ساغر بلورین) (نصیری‌فر:۷۰۳)

- عضو بحر دودویی 0x EC/8 (فعلاتن مفاعیلن)

0xED

فاعلاتن مفاعیلن- فاعلن فاعلن فاعل

(11101101) (نو بهاری بهاری نو) (دلبری دلبری دلبر)

غمزه غم زدا داری || نکهت جان فزا داری
لیک قصد جفا داری || راهی ار با خدا داری (دهخدا) (نجفی* : ۵۱)

گلعذارم کجا رفتی || یار غارم کجا رفتی (عروض بابر:۱۸۶)
خانه هامان پر از گل ها || کوچه هامان پر از بلبل (علوی‌فرد : ۶۰)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0xEE

(11101110) مفاعیلن مفاعیلن- (نگاری دلبری جانی)

چه عشق است این که در دل شد || کزو پایم در این گل شد (اوحدی مراغه ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۶)

به قد سرو خرامانی || خوشا وقتی که بخرامی (جامی) (نجفی* : ۸۲)

برون رفته ز کف ثروت || شده بازارها خلوت (اشرف الدین گیلانی) (پناهی، ج۱ : ۲۰۴)

کجایی ؟ چاره از جایی || که مرگت سخت جوینده است (شهریار) (پناهی، ج۱ : ۲۰۴)

کیم ؟ خاطر پریشانی

به کار خویش حیرانی

نه سر دارم نه سامانی (واله داغستانی ، شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۹ : ۵۵۳)

بیا ساقی که من مُردم || کفن در برگِ تاکم کن

به آب می بده غسلم || درِ میخانه خاکم کن (از تصنیف‌های دوره فتحعلی‌شاه) (نجفی* :۸۲)

دگر کردی روا باشد || دلم غمگین چرا باشد (المعجم ، شمیسا: ۱۳۱)

بیار آن می که پنداری || روان یاقوت نابستی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۷)

تو را هر روز می‌بینم

تو را که مثل ما هستی

سلامت می‌کنم گاهی

ولی تو بی صدا هست (علوی‌فرد:۷۰)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

0xEF

(11101111) فعلن فعلن مفاعیلن- (تابانی ماهِ تابانی) (جانی جانی بتی جانی)

بابا امشب غمی دارد

در قلبش ماتمی دارد (علوی‌فرد : ۴۹)

- عضو بحر دودویی « مستفعیلاتُ» 0xF/5

0xF1

فاعِلَتَتُن مفعولن

(11110001) (ای قمرِ من تابانی) (من نگذرم از ساغر)

شسته شده دیشب اینجا

خانه شده زیبا امروز

بوی گل و باران دارد

کوچه شده صحرا امروز (علوی‌فرد:۶۷)

چون نگذرم از کویش

چون نسپرم راهت عشق (ابوالحسنی)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0xF3

(11110011) مستفعلتن مفعولن-(جانی همه جانی جانی)

ای زمزمه خاموشان || ای ساقی آتش نوشان (آلاء ناصری در پناهی ، ج۳ :۴۹) (طبیب‌زاده* :۲۷۷)

دلدار جهان آرایی || ای مظهر هر زیبایی(رضا صفایی موید در پناهی ، ج۳ :۴۹) (طبیب‌زاده* :۲۷۷)

دل سوخته از زلفت مشک || خجلت زده از رویت مه (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۱)

مویت همه کس را دامی || رویت همه کس را کامی (تحفه الهند : ۱۷۹)

دریا غم خود را کم کرد || دریا دلِ تنگش وا شد

دریا دلِ خود را وا کرد || دریا پرِ ماهی ها شد (علوی‌فرد : ۵۶)

- عضو بحر دودویی «مستفعلتن» 0x13/5
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

در لجّه ی سرگردانی //چون گوی شناور بودم

با آن همه نافرمانی //محکوم مقدر بودم (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۲۱۰)

0xF5

(11110101) مستفاعلن مفعولن- (ماهِ ماهِ جانی جانی)

گریه های ما با لبخند || خنده های ما شیرین بود

شعرهای ما آهنگین || قصه های ما رنگین بود (علوی‌فرد : ۶۲)

0xF6

(11110110) مفاعیلتن مفعولن- (ز جانی ز جانی جانی)

ندیدم عزیزم را من || به خوابم نیامد دیشب

به گوشم صدایش جا ماند || شبم را نشستم در تب (علوی‌فرد : ۷۲)

- عضو بحر دودویی 0x76/7 (فعولن مفاعیلن)

0xF7

(11110111) مفعولن مفاعیلاتن- (تابانی مها تابانی)

جنگل های پر بارانم (علوی‌فرد : ۴۹)

در مازندران جنگل هاست || جنگل ها پر از شادی هاست (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x7/4 («فاعیلن مَ» «مفعولاتُ»)

0xF9

(11111001) مفتعلن مفتعِلن مف – (کو مهِ دل کو مهدل کو)

هیچ بطی جوید کشتی ▶

جان شده‌ای ترک مکان کن(مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۲۱۴)

ای گل رویت سنبل خیز زلف سیاهت آتش بیز (جامی ، شجره العروض: ۵۲)

زین می نوشین سرمستم

مست و خرابم تا هستم (؟ در پناهی ، ج۴:۲۰۳) (طبیب‌زاده٭ :۲۸۹)

ای رخ تو روشن چون ماه || وی سر زلفت چون شب سیاه
موی میانت هیچی نه || کاکل تو جز پیچی نه (تحفه الهند : ۱۸۳)
من شده ام زیبا گلی
مادر خوبم باغبان
صاحب باغم مادرم
آمده از یک آسمان (علوی‌فرد:۶۵)

- عضو خانواده « مفتعلن مفتعلن مف»

0xFA

مفاعلاتن مفعولن – (بیا بیا جانا جانا)
(بیا نگارم جانانم)

(11111010)

ز شورت امشب رقصانم || غنوده ای تو در جانم
چنان لبت را نوشانم || که تا ابد از مستانم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 8/ 0xFA (مفاعلاتن مفعولن)
- این وزن بسیار آهنگین می نماید .
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:
- اگر شبم بی پایان است // کویر وحشت سوزان است
- زدن به دریا آسان است //کجاست آبی آتش زاد (مهدی ملکی) (پناهی، ج۱: ۱۸۶)

0xFB

مستفعلاتن مفعولن- (آمد بتم آمد آمد)

(11111011)

باغی پر از گل ها هستی بابای من زیبا هستی
من قطره‌ی آبم بابا اما تو یک دریا هستی (علوی‌فرد : ۵۳)

0xFC

(11111100) فعلاتن فع‌لاتن فع ←(مهِ جانی مهجانی مه)

چو زمستان رفت از گلشن

غزلی برخوان مستانه (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x7C/7 (فعلاتن فع‌لاتن)
- فرزند «فعلاتن فعلاتن فع»

0xFD

فاعلاتن لاتن لاتن ←(ماهِ جانی جانی جانی)

فاعلاتن فع‌لاتن فع ←(ماهِ جانی مهجانی مه)

(11111101) فاعلیاتن مفعولن

از بهاران خبرم نیست

آنچه میبینم دیوار است ▶ (ابتهاج ، ارغوان) (ابتهاج، ۱۳۷۵ :۲۰۹)

می شوم من یک خواننده || توی جمعی یا در بازی

ساز تنبک ، طبلک ، سرنا || می نوازم هر شب سازی (علوی‌فرد : ۵۹)

- عضو بحر دودویی 0x3D/6 (فاعلاتن فاعل)
- می‌تواند مستقل باشد یا فرزند «فعلاتن فعلاتن فع» باشد.

0xFE

(11111110) مفاعیلن مفعولاتن- (بیا جانا جانا جانا)

کنارت خوشحالم بابا || کنارت خوشحالم مادر

تو را دل می نامم بابا || تو را گل می نامم مادر (علوی‌فرد : ۶۹)

0xFF دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xFF -0//8 حالت غیر دوری

(11111111)

زین ذکر جدید فرح افزای

غمهای جهان ز دلم بزدای

می گو با ذوق و دل ، آگاه ▶

الله الله الله الله ▶ (شیخ بهایی ، مثنوی شیر و شکر) (کشکول شیخ بهایی، نشر زرین ، ۱۳۷۷، ص۱۷۸)

ای عشق مرا مجنون کردی

بر لاله رخان مفتون کردی

هر قطره‌ی اشک رنگین را

سیحون کردی جیحون کردی ▶

(سعادت یارخان دهلوی) (پناهی، ج۱: ۲۰۹)

چاره و درمان ز ولایش جوی

هر جا در کاری درمانی ▶ (داوری شیرازی) (پناهی، ج۲: ۹۴)

0xFF -2//2//2//2 حالت دوری

(4//11) (فعلن فعلن فعلن فعلن)- (جانی)//۴

چون دل// جانا// بنشین //بنشین

چون جان //بی جا// بنشین// بنشین (مولانا) (طبیب‌زاده* :۱۱۶)

ساقی// برخیز// کان مه// آمد

بشتاب //که سخت// بی گه// آمد (مولانا ، غزل ۷۲۳)

حالا //از یک//تا صد// بشمار

از یک //تا صد//بر هم// بگذار (محمود کیانوش) (طبیب‌زاده* :۱۱۷)

تا کی //ما را //در غم// داری

تا کی //بر ما// آری //خواری (المعجم ، شمیسا: ۶۷)

یاری //کز من// دوری// جوید

عشقش //زی من// کمتر //پوید (معیارالاشعار ، فشارکی: ۱۶)
بابا دارد کاری مشکل (علوی‌فرد:۴۸)

0xFF -4//4 حالت دوری
(2//1111) مفعولاتن// مفعولاتن – (بی‌پایانی)//۲

ای جان ای جان //فی ستر الله
اشتر می ران//فی ستر الله (مولوی) (فرزاد،۱۳۴۹: ۱۹۲)
چون دل جانا //بنشین بنشین
چون جان بی‌جا// بنشین بنشین(مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹: ۱۹۱)
من می‌ریزم//اشکِ حسرت
از چشمانم//روی دامن (رستار نژاد) (طبیب‌زاده* :۱۱۷)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1
- شماری از ماخد عروضی از روایتی یاد می کنند که جابر ابن عبدالله انصاری با امام علی ، در راه شام می رفتند که صدای ناقوسی را شنیدند: «چون آن جناب صدای ناقوس را شنید ، فرمود که ناقوس چنین

می گوید و چند بیت در این بحر مشتمل بر بی اعتباری و فنای دنیا خواند . اول آن ابیات چنین بود:
حقّاً حقّاً حقّاً صدقاً صدقاً صدقاً صدقاً
به همین مناسبت این بحر ، به نام «صوت الناقوس » معروف گشته است . » (مدرسی*: ۱۷۱)
- دوری ۲ بخشی را می‌توان ۴ بخشی هم خواند .
- این وزن می تواند عضو خانواده وزنی 0x399 ، (مفتعلن مفتعلن مفتع) باشد مثل شاهد از داوری شیرازی
- این وزن می‌تواند عضو خانواده وزنی 0x4CC ، (فعلاتن فعلاتن فعلن) باشد :

گل خندان که نخندد چه کند؟ (مولانا)
ای بلبل کن صبری در عشق (ابوالحسنی)

- این وزن می‌تواند عضو خانواده « فعلن فعلن فعلن فعلن» 0x393 باشد مثل شاهد شیخ‌بهایی

نه هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x100	0x1FF	۲۵۶

0x124

(100100100) فعلن فعلن فعلن – (مهِ جان مهِ جان مهِ جان)

نظرم همه بر سخن است || سخنم همه در سخن است (جلال طیب شیرازی) (نجفی❋ :۱۸۵)

دل من به دغا ببری|| چه دغا و دغل پسری (المعجم ، شمیسا: ۲۰۱)

گذرم همه بر در توست || چه کنم دل من برِ توست (رساله عروض جامی) (نجفی❋ :۷۱)

- عضو بحر دودویی « فَعِلن» 0x4/3

0x125

(100100101) فاعلن فعلن فعلن

هیچ مه نبود چو رخت

سرو هم نبود چو قدت (ابوالحسنی)

- شاهد نثر: «آمدی و هوا و هوس» (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۱۸)
- «شاید اصلا موزون نباشد.» (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۱۸)

0x129

مفتعلن مفاعلتن ـ مفتعلاتُ مفتعلا –

(100101001) (دلبرکی چه دلبرکی)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

شعله نگفته با تواگر// سرکشیِ نهانِ مرا

فاش نگر به مجمرِ تن //رقص جنون جان مرا

(سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۹) (خرداد ۵۶)

- عضو بحر دودویی 0x9/5 («مفتعلاتُ»)

0x12A

(100101010) مفاعلن مفاعلتن-(بتی بتی بتی چه بتی)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

تنی سیاه را زده اند //محافظان به بوم و بری

ستم فتاده است و کسان // شنیده اند از آن خبری

(سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۳: ۱۹۸) (طبیب‌زاده* : ۲۶۱)

- عضو بحر دودویی « مفاعلن مفاعلتن » 0x12A /9

0x12B

مستفعلن مفاعلتن – لاتن مفاعلن فَعَلا

(100101011) (جانی بتی بتی مهِ جان)

افتاده ایم سخت به دام

در چنگ این گروه لئام

قومی ندیده سفره‌ی باب

جمعی ندیده چهره‌ی مام (ملک الشعرا بهار) (نجفی،۱۳۸۴ : ۵۶۶) (۱۳۱۴)

می بینمت که می گذری

همرنگ وعده های فریب (پروین بامداد) (نجفی،۱۳۸۴ : ۵۶۶)

بر موج غم نشسته منم
بر قایقِ شکسته منم (تصنیف، معینی کرمانشاهی) (نجفی❋ :۲۹۹)

مانند روی خوب نگار ▶
تابد شب چهارده ماه (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۷)
{ اگر «چهار دهْ» را به شکل «چهار دَه» بخوانیم وزن هر دو مصرع یکی می شود ، یا مصرع را این‌گونه بازسرایی کنیم :«تابد چهار ده مهِ شب» }

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)
- ضرب المثل: «خودبین خدای بین نبود» (پناهی، ج۲: ۴۰)
- « از جمله عباراتی که از سلمان فارسی نقل کرده اند یکی سخن اوست در روز سقیفه که از وی نظر خواستند و او گفت «کویَم اگر شَنِوید» و بعد که پرسیدند چه شد ، گفت: « گفتم اگر بکار برید» که در آن، هم نوعی وزن احساس می شود و هم نوعی قافیه دارد و احتمالا شعر یا مثلی منظوم بوده که وی بدان تمثل جسته است . » (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۹ : ۴۷۹) (اصل عربی این روایت هم در کتاب آمده است .)

{ با فرض مَثَل منظوم بودن عبارت و تلفظ عبارات به صورت امروزین وزن «گویَم ، اگر شَنِوید» معادل کد ۰x۴B (مستفعلن فعلن) و وزن «گفتم ، اگر بکار برید» معادل کد ۰x۱۲B (مستفعلن مفاعلُ فع) می شود }

0x12C

فعلاتن مفاعلتن- فعلن فاعلن فعلن

(شکری دلبری شکری) (100101100)

ز تو تا {من } جدا شده ام
به غمت، آشنا شده ام
(ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۳۹) { با اضافه کردن «من» هر دو مصرع هم وزن هستند }

- عضو بحر دودویی فعلن فاعلن (0x2C/6)

0x12D

(100101101) فاعلاتن مفاعلتن – (دلبرا دلبرا شکری)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

با گلوگاه سرخ بخوان//ای کبوتر که شعر منی

وقت پرواز می رسدت//ای که پر بسته ی رسنی

(سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۸) ۷۶/۸

- عضو بحر دودویی « فاعلاتن مفاعلتن » 0x12D /9

0x12E

(100101110) مفاعیلن مفاعلتن – (بیا مهجان بیا مهِ جان)

درآمد یار ما به چمن   شبانگه مست و جامه‌دران (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x12E/9 (مفاعیلن مفاعلتن)

0x133

(100110011) مستفعلُ مستفعلُ مُس – (جانی مهِ جانی مهِ جان)

با تو نتَوان گفت سخن

زیرا که تویی شاه بتان (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۰)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُ » 0x3/4
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

بر صفحه ی ژرفای کبود// خطّ گذری باید و نیست

پرواز مگو آه مگو //ما را که پری باید و نیست (سیمین بهبهانی) (فروردین ۶۰) (نجفی* :۲۵۳)

0x135

(100110101) مستفاعلن مفتعلن – (ماه ماهِ تابان نظری)

تا رها کند دست بلا

این دل بلادیده‌ی ما

وای از او دل خوش‌شده‌ام

وای از او غمِ بیهده‌ام (رهی معیری در پناهی ، ج۴ :۳۶) (طبیب‌زاده* :۳۳۲)

- عضو بحر دودویی 0x35/8(فاعلاتُ مستفعلُ)

0x139

(100111001) مفتعلاتن مفتعلا – (عشوه کنان شد عشوه کنان)

تیغ به کف از ناز بیا

تا نشده عمرم سپری(میر شمس الدین فقیر) (زبده العروض) (نجفی* : ۲۰۵)

روی تو دیدم ای گل تر

نخل امیدم داد ثمر (شجره العروض،زبده العروض) (نجفی* :۲۰۵)

ماه منی ، بر بام بر آ

خنده کنان هر شام بر آ

رو بنما و تمام بر آ

چون گل بامی و جام بر آ (تحفه الهند : ۲۳۸)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

ای شب زلفت غالیه سا// وی مه رویت غالیه پوش

نرگس مستت باده پرست// لعل خموشت باده فروش (خواجوی کرمانی) (نجفی* : ۲۰۶)

- عضو بحر دودویی 0x19/5 (مفتعلاتن)

0x13A

(100111010) مفاعلاتن مفتعلن – (بیا بیا جانا شکرا)

به چشم تو بیگانه منم
چو قصه و افسانه منم
به دلبری افسانه تویی
ز عاشقی دیوانه منم (بیژن ترقی و بهادر یگانه در پناهی ، ج۵ :۱۸) (طبیب‌زاده❋ :۲۸۹)

0x13F

فع‌لاتن فع‌لاتن فعلن
(مهجانی مهجانی مهِ جان)
لن مفتع‌لن //لن مفتعلن
(100111111) (آمد مهجان//آمد مهِ جان)

قومش گویی دیوانه شده ►
نابود شود این سان بشری (ابراهیم پورداوود) (پناهی، ج۱: ۱۳۵)
بفشاند گل، گلزار رخت ►
بر اشک خوش چون کوثر من (مولانا ،غزل ۲۰۹۲)
تو چرا جمله نبات و شکری
شیرین لب کن بر ما نظری ► (مصرع اول مولانا و مصرع دوم از ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x4CC ، (فعلاتن فعلاتن فعلن) مثل شاهد ابوالحسنی
- عضو خانواده وزنی 0x273 ، (لن مفتعلن// لن مفتعلن) مانند هر دو شاهد مولانا و پورداود

0x149

مفتعلن متفاعلن - (فاعلُ فاعلُ فاعلُ)

(دلبرِ دلبرِ دلبران) (کن نظری نظری بتا) (101001001)

گر تو به جلوه گری شوی

رهزن حور و پری شوی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۲)

- عضو بحر دودویی « فاعلُ » 0x1/3

0x14A

مفاعلن متفاعلن – مفاعلاتُ مفاعلا

(گلی گلی چه گلی گلی) (101001010)

بیا که جان بسپارمت

چو جان عزیز بدارمت (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۱)

- عضو بحر دودویی 0xA/5 (مفاعلاتُ)

0x14B

مستفعلن متفاعلن- مستفعلن فعلاتُ مس

(آن ماهِ نو شده ماهِ نو) (جانی بتی مهِ دل تو جان) (101001011)

آواره شدم به سراب ها

دیدم نه گل نه گلاب ها

کافر شدم به کتاب ها

مومن شدم به شراب ها (ابوالحسنی)

بگشا سحر لب غنچه ات

تا ظلم شب سپری شود (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x4B/8 («مستفعلن فعلاتُ»)

0x14D

فاعلاتن متفاعلن – فاعلن مفتعلن مفا

(101001101) (لاله‌ها گلشنِ لاله‌ها) (دلبری ای مهِ من تو دل)

بی رخت رو به که آورم

وین دلم را به کجا برم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۹)

- عضو بحر دودویی 0x4D/8 (« فاعلاتن فعلاتُ» « فاعلن مفتعلن مَ »)

0x152

(101010010) مفاعلتن مفاعلن – (بیا شکرا بیا بیا)

ز عشق گلی فسانه‌ام که بلبل این زمانه ام (ابوالحسنی)

- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۱۸۷)

0x153

مستفعلتن مفاعلن – مستفعلُ فاعلاتُ مس- لن مفتعلن مفاعلن

(101010011) (دلدار بیا بیا بیا) (یارا بده آن شراب یار)

هر چند دلم شکسته‌ای

در صدر دلم نشسته‌ای

پیوند که باز بسته‌ای

یک‌یک همه را گسسته‌ای (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* : ۴۰۲)

جان از طرب و دل از نشاط ◀

تا بتْوانی باز مدار (المعجم ، شمیسا: ۱۴۹)

- عضو بحر دودویی 0x53/8 («مستفعلُ فاعلاتُ» « لن مفتعلن مفاعِ »)

- در بیت « جان از ...» المعجم وزن مصرع اول (1010/1001/1) و وزن مصرع دوم (1010/111/1) است که «این اختلاف وزن را بر اساس قاعده قلب می توان توجیه کرد» (نجفی❊ : ۱۵۳)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

من تار توام، تو پود من//این بافته را نظیر نه
خوش‌رنگ تر و لطیف‌تر//کس دیده از این حریر نه
(سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۳: ۲۸) (طبیب‌زاده❊ : ۳۴۷)

0x154
(101010100) متفاعلن مفاعلن ـ (تو بتا بیا بتا بیا)

ز تو ای نگار ده دله
به کسی نبرده ام گله (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۶۳۹)
نگهم ز پشت شیشه‌ها
نگران به باغ و بیشه‌ها
برسان پیام خستگان
به ره سحرْنشستگان (بیژن ترقی در پناهی ، ج۵ :۱۱۶) (طبیب‌زاده❊ :۲۷۱)

0x155
(101010101) فاعلاتُ فاعلاتُ فا – مستفاعلن مفاعلن –(ماهتاب ماهتاب ماه)

مستم از شراب زندگی
سرخوشم ز خواب زندگی (حامد کرمانی) (پناهی، ج۱ : ۲۰۰) (شعر کامل)
چون بهار عشرت و طرب
باشدش خزان غم ز پی
بر سر چمن بزن قدم
می بزن به بانگ چنگ و نی (نواب صفا ، قسمتی از ترانه «نشاط»، ۱۳۲۸) (نجفی❊ :۱۷۰)

- عضو بحر دودویی «فَعلُ» 0x1/2

0x156

مفاعیلتن مفاعلن- علاتن مفاعلن فَعل

(101010110) (بتم شو بتم بتم تو بتم) (نگارا بتا بیا بیا)

نگاری به چهره چون پری

ببرده دلم به دلبری (ادیب طوسی) (نجفی❊ : ۳۸۲)

چرا باید بی تو مانم من

ز هجرانت در فغانم من (؟۹ (آهی ، ۱۳۵۷: ۱۵۹)

دل از یار بی وفا بکش

بود یار بی وفا نه خوش (المعجم ، شمیسا: ۱۷۴)

- عضو بحر دودویی 0x56/7 («فعولن مفاعلن»)
- عضو بحر دودویی 0x56/8 («علاتن مفاعلن فَ» « مفاعیلُ فاعلاتُ»)

0x159

مفتعلن مستفاعلن- لن فعلاتن مفاعلن

(101011001) (آن مهِ جان گشت یار آن)

زاده‌ی شهزاده بزرگ

در خرد از خسروان فزون (وقار شیرازی) (پناهی ، ج۲ :۱۹۳)

ماه من از روزه شد هلال

کی بُوَد این ماه را زوال

آن رخ چون لاله شد زریر

وان قد چون سرو شد خلال (فرهنگ شیرازی) (پناهی، ج ۲: ۱۹۳)

ای به دو رخ چون گل بهار

چون تو ندیدم یکی نگار (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۹)

- عضو بحر دودویی 0x19/6 (مفتعلن فعلُ)
- ضرب المثل: «پول بده دردسر بخر» «شاهد روباه دم اوست» (پناهی، ج۲: ۱۹۴)

0x15A

مفاعلاتن مفاعلا

(سبو سبو می سبو سبو) (101011010)

بر آن سرم تا به بال جان

پرم به بالای آسمان (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۰)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5

0x15B

مفعولُ مفعولُ فاعلن - مستفعلن فاعلاتُ مس

(دلداردلدارِ ماهرو) – (جانا بیارا بیا بیا) (101011011)

ای لعبت گل عذار من

ای از تو خرم بهار من (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۰)

با این غم جاودانی‌ام

آخر کجا می‌کشانی‌ام

ای جلوه‌ی زندگی تویی

افسانه‌ی زندگانی‌ام (بی‌نام در پناهی ، ج۵ :۸۳) (طبیب‌زاده* :۲۹۵)

- عضو بحر دودویی 0x5B /8 (مستفعلن فاعلاتُ)

0x15F

لاتن فعِلاتن مفاعلن

(جانم مهجانم بیا بیا) (101011111)

از روی عزیزیست بسته باز

وز خاری باشد گشاده خاد ▶ (مسعود سعد) (پناهی، ج۱ : ۱۹۰)

ای ایران ای مرز پر گهر

ای خاکت سرچشمه‌ی هنر

دور از تو اندیشه‌ی بدان

پاینده مانی و جاودان (تصنیف ای ایران ، شعر دکتر حسین گل گلاب)

- عضو خانواده « لاتن فعلاتن مفاعلن» 0x2B3

0x165

(فاعلاتُ مفاعیلتن) – فاعلن فعلاتن مَفا

(دلبری شکری دلبری) (مهرخی مهِ جانی تو مه) (101100101)

دل به مهر تو بسته منم

وز غم تو شکسته منم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۸)

- عضو بحر دودویی 0x65/8 (« فاعلن فعلاتن مَ » «فاعلاتُ مفاعیلُ»)

0x166

مَفاعیلُ مَفاعیلُ مَف - (دلارام دلارامِ دل) (101100110)

بوَد پیچه زدن خوی گل

شود پرده نشین روی گل (بهار در پناهی ، ج۴ :۱۷۷) (طبیب‌زاده* :۲۴۷)

بهار آمد و هنگام گشت

پر از سبزه بود کوه و دشت (ادیب طوسی) (نجفی* : ۱۳۸)

- عضو بحر دودویی « مَفاعیلُ» 0x6/4

0x16A

مفاعلن مفاعیلتن – مفاعلن مفاعیلُ مف - - علن مفاعلن

مفتَعِل - مفاعلن فعولن مفا

(بیا بیا بیارا بیا) (بتا بیا بیا یار بت) (101101010)

غزال من دلم برد و رفت

کنون اسیر صحرا شدم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x6A/7 («مفاعلن فعولن»)
- عضو بحر دودویی 0x6A/8 («مفاعلن مفاعیلُ » « علن مفاعلن مفتَ»)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۲۸)

0x16B

مستفعلن مفاعیلتن - مستفعلن مفاعیلُ مس

(جانی بیا ز جانی بیا) (101101011)

گر بگذرد دل از راستی

زاید ، از آن کم و کاستی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۰)

- عضو بحر دودویی 0x6B/8 («مستفعلن مفاعیلُ»)

0x16D

فاعلن فاعلن فاعلن

(دلبری دلبری دلبری) (101101101)

آن چه در دوره‌ی ناصری ||مرد و زن کشته شد سرسری

آن به عنوان مشروطیت || وین به عنوان بابیگری (بهار) (نجفی* :۵۰)

چون به گلشن صبا بگذرد ||بویی از زلف یار آورد (بی نام) (خانلری:۲۴۱)

یک درخت از جهان می رود ||یک تبر بی پدر می شود (بهمن محمد زاده) (دادگر:۳۲۱)

در دلم تا تو رنگین کمان ||خفته‌ای همچو گنج نهان (شرف) (نجفی* : ۵۱)

سرخ گل بر دو رخ کشته ای || لاجرم فتنه ای گشته ای (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۴)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3
- ضرب المثل: «مار بد بهتر از یار بد» ، «تیشه بر ریشه‌ی خود زدن» (پناهی، ج۲: ۱۰۴)

0x173

مستفعلتن مستفعلت

(شیرین شکری شیرین شکر) (101110011)

فرمان چو دهد فرمان کنم

جان خواهد اگر قربان کنم (سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۵ :۲۲) (طبیب‌زاده* :۲۷۸)

از آدمیان همچون پری

چون بر گذری دل می بری (المعجم ، شمیسا: ۱۴۹)

- عضو بحر دودویی «مستفعلتن» 0x13/5

0x174

(101110100) متفاعلن مستفعلن – (همه دلبری هم دلبری)

گذری کنم با سوی تو

نظری کنم با روی تو (عروض بابر:۱۴۳)

صنما ، بسی سیمین تنی

تو چرا بدین سان توسنی

به وصال تو آرام ما

به خیال تو انجام ما (تحفه الهند : ۲۳۶)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن مستفعلن» 0x174/9
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

من بی نوا را ناصحا//به خدا که ترک پند کن

به گمانت ار دیوانه ام//به یقین مرا در بند کن (فرصت شیرازی) (شمیسا* : ۱۱۴)

0x176

(101110110) فعولن فعولن فاعلن – (بیا گل بیا گل گل بیا)

بمان در کنارم تا ابد

تو را دوست دارم تا ابد (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۹۹)

- عضو بحر دودویی 0x76/7 (فعولن مفاعیلن)

0x177

مفعولاتُ مفعولاتُ مف – فاعیلن مفاعیلن مفا

مفعولن فعولن فاعلن

(جانانی نگاری دلبری) (101110111)

در کارم زدی آتش شبی

بگذارم شبی بر لب لبی (؟) (آهی ، ۱۳۵۷ :۸۶)

- عضو بحر دودویی 0x7/4 («فاعیلن مَ» «مفعولاتُ»)

0x17A

مفاعلن فعِلاتن مفا

(بتی بتی مهجانی بتی) (101111010)

هزار مرتبه گفتم به او

که هر چه گم شد کمتر بجو ◀ (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی❊ : ۳۲۸)

بهار شد فصل عاشقان

نگار من چون درنا برقص (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 7/ 0x7A (مفاعلن مفعولن)
- عضو خانواده « مفاعلن فعلاتن مفا»

0x17B

مستفعلاتُن مستفعلا

(جانی ز جانی جانی ز جان) (101111011)

در باغ اگر آیی غنچه‌ها

از عطرِ گیسویت گل شوند (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x1B/5 (مستفعلاتن)

0x17F

(101111111) مفتعِلن مفتعِلن فاعلن - (مهجانی مهجانی ماهِ جان)

خانه‌ی خود باز رود هر یکی

اطلس، کِی باشد همتای بُرد ▶ (رودکی) (نجفی❊ :۱۸۴)

بسم الله الرحمن الرحیم ▶

هست کلید در گنج حکیم (نظامی) (نجفی❊ :۱۸۴)

با چشمی گریان یعنی که چه

با چشمی خندان یعنی که چه

می‌بندی بر خود تشویش را

می‌سوزی هم من هم خویش را (حسین منزوی) (فیروزیان:۹۲)

- عضو خانواده وزنی 0x599، (مفتعلن مفتعلن فاعلن)

0x192

مفاعلتن فعلاتن - فَعولُ فَعولُ فَعولُ

(110010010) (پری نظری نظری کن) (شهید شهیدِ شهیدی)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

برای خدا کمکم کن// که من رهِ چاره ندانم

نه با تو امانِ حضورم // نه بی تو حضور امانم (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۸)

- عضو بحر دودویی « فَعولُ » 0x2/3

0x193

مستفعلتن فعلاتن- مستفعلتن علتن مس

(110010011) (شد عاشقِ عاشقِ عاشق) (مهجان مه جان مهِ جان مه)

ای باد صبا خبری ده || از آن گل سرخ شکرلب (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن علتن » 0x93/8

0x194

(110010100) متفاعلن مُتَفاعِلْ - (مه جان بتا مهِ جان بت)

سمری شدم به جهان در ▶

ز فراق آن سفری نگارم (المعجم : ۱۱۳)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

چه سکوت سرد سیاهی// چه سکوت سرد سیاهی

نه فراغ ریزش اشکی// نه فروغ شعله ی آهی (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۵)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5

0x195

مستفاعلن فعلاتن – تن مفاعلن فعلاتن

(110010101) (گلرخی بتی مهِ جان گل) (شد بتم بتم مهِ جانم)

دل اسیر غم ز چه داری

خویش را دژم ز چه داری (ادیب طوسی) (نجفی* : ۳۹۵)

آفتابش از سر دیری است

پا کشیده در افقِ دور

دل تهی ز حوصله تنها

مانده در غروب غمی دور (یدالله رویایی) (نجفی* : ۳۱۱)

سر کشیده در غم خاموش

کوزه های باده‌ی پندار (یدالله رویایی در پناهی ، ج۳ :۱۹) (طبیب‌زاده*: ۳۹۵)

- عضو بحر دودویی 0x95/8 («تن مفاعلن فعلا» «فاعلن مفاعلتن»)

- ضرب المثل: «گریه کار پیرزنان است» ، « ذکر عیش نیمه‌ی عیش است» (پناهی، ج۲: ۶۴)

0x196

مفاعیلتن فعلاتن – مفاعیلتن فعلن مف

(110010110) (نگاری بتی چه نگاری) (بتم گشت آن مهِ دل بت)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

تو آن ماه زهره جبینی // و آن سرو لاله عذاری

که بر لاله غالیه سایی // و از طرّه غالیه باری (خواجوی کرمانی در پناهی ، ج۲ :۵۶)

- عضو بحر دودویی 0x96/8 («مفاعیلتن فعلن»)
- ضرب المثل: خراج از خراب نخواهند (پناهی ، ج۲: ۵۷)

0x199

مفتعلن مفتعلن مف- (کن نظری کن نظری کن)

(110011001) (شد مه جان شد مهِ جان شد)

یار منست او به چه نغزی

خواجه اگرچه همه مغزی

چون گذری بر سر کویش

پای نکو نهْ که نلغزی (مولوی) (نجفی* : ۱۸۹)

نغمه‌ی من ، نغمه‌ی درد است

قصه‌ی من ، قصه‌ی اندوه (توللی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۲)

تازه جوان بودم و جانم

زنده به دمسازی یاران (فریدون توللی در پناهی ، ج۳ :۳۳) (طبیب‌زاده* :۲۳۴)

بار به منزل نکشاندیم || دانه به حاصل نرساندیم (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* : ۱۸۷)

آنچه دلم خواست نه آن شد

آنچه خدا خواست همان شد (اشعار عامیانه) (نجفی* : ۱۸۶)

سنگ دل آن یار بی آزرم

یک شبم از خود نکند شاد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۶)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4

0x19A

مفاعلن مفتعلاتن - مفاعلن مفتعلن مف

(110011010) (بتی نگاری چه نگاری) (بتا بیا ناز مکن بت)

به دل تمنای تو دارم

به سینه سودای تو دارم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۱)

بیا بیا سوی سرایم

که من به سویت به سر آیم (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۳۸۴)

- عضو بحر دودویی «مفاعلن مفتعلن» 0x9A/8

0x19C

فعلیاتن فعلیا – (مهِ جانانا مهِ جانا) (110011100)

چه کنم با دل ز جدایی

به کجا رفتی به کجایی (؟ در پناهی ، ج۴ :۱۱۸) (طبیب‌زاده* :۳۰۶)

شده خرّم، بیت ولایت

ز گل لبخند حکیمه (عباس جوادی منتظر در پناهی ، ج۴ : ۱۳۰) (طبیب‌زاده* :۳۰۶)

نگهت آرامش صحرا

نفست موسیقی‌ی خوابم

کلمات معجزه‌ی عشق

دو لبت گیتار خدایم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن» 0x1C/5

0x19D

فاعلاتن مفتعلاتن – (ماهِ جانانا مهِ جانا) (110011101)

عمه جان کو باب کبارم

رفته از دل صبر و قرارم (حسینعلی صفایی در پناهی ، ج۵ :۴۱) (طبیب‌زاده* :۳۰۷)

0x19F

(11001-1111) مفتع‌لاتن مفتعلاتن – (ای رخْ زیبا ای رخِ زیبا)

در پی عشق تو گشتم رسوا
وز غم هجر تو مردم صنما
گفتم یک یک من غم دل را ▶
بر دل غمکش لطف بفرما (تحفه الهند : ۲۰۵)

- شاهد نثر: «بازرگانان گریه و زاری» (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۱۶)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

یار آمد یار//پیش دویدش
هم دل و هم جان//پیش کشیدش (فیض کاشانی)(نجفی* :۱۹۵)

- عضو خانواده «مفتعلاتن*۲»

0x1A5

فاعلاتُ مفاعلاتن – مستفاعلُ مستفاعلْ
(110100101) (دلبرم شده دلبرم شد)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

با دو دیده ی نیمه چرخان// ساعتم پسری جوان است
این همیشه جوان شگفتا// شاخص گذر زمان است (سیمین بهبهانی) (پناهی ، ج۲ :۶۵)

0x1A6

فعولن متفاعلن فع – علن مفتعلن مفاعل-
مفاعیلُ مفاعلاتن
(110100110) (نگاری شکری نگاری) (بتا ناز مکن بیا بت)

تو پرورده‌ی اشک و آهی
پناه دل بی پناهی(بیژن ترقی در پناهی ، ج۵ :۱۰۸) (طبیب‌زاده* :۳۴۲)

- عضو بحر دودویی 0xA6/8 («فعولن متفاعلن» « علن مفتعلن مفا »)

0x1A9

مفتعلن مفاعلن مف(=مفاعلاتن) –

(شد صنما دلم دلم شد) (110101001)

بی رخت ای نگار زیبا

کی دل من شود شکیبا (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۲)

خاطره ات فسانه ای شد

وه که چه عاشقانه ای شد (سیروس شمیسا) (نجفی* : ۴۱۴)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن مفاعلن» 0xA9/8

- « روزی استاد نجفی یکی از اوزانی را که به صورت بالقوه در گروه بندی او وجود داشت اما شاهد مثالی برای آن نیافته بود ، به دوست شاعر و عروض دان خود دکتر سیروس شمیسا داد و از او خواست شعری بر آن وزن بسراید . حاصل در کمال حیرت هر دوی آنها غزل زیبایی شد با مطلع و مقطع زیر که چون برای دیگران خوانده شد هیچ کس باور نکرد که این وزن دلکش در گذشته‌ی شعر فارسی وجود نداشته است .

  مطلع آن شعر چنین است:

  خاطره ات فسانه ای شد   وه که چه عاشقانه ای شد

  و مقطع آن چنین

  شعر به وزن تازه گفتیم   وه که چه عاشقانه ای شد »

  (امید طبیب زاده در طبیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۳)

0x1AA

مفاعلن مفاعلاتن- (بتا بیا گلا بیا بت) (110101010)

تو ای پرنده‌ی مهاجر || بیا به سوی آشیانه

به بوی باغ آشنایی || بخوان برای من ترانه (مشفق کاشانی) (پناهی، ج۲: ۲۹)

تو را که در نظر ندارم || به غیر چشم تر ندارم

به دل نشسته گرچه یادت || ز خاطرت گذر ندارم (محمد قهرمان) (پناهی، ج۲: ۲۹)

کسی که بنده هوا شد || به رنج و غصه مبتلا شد (ادیب طوسی) (نجفی* :۱۶۵)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2

0x1AB

مستفعلن مفاعلاتن - مستفعلن مفاعلن مس

(جانا بیا بیا بیارا) (جانی بتی بتی بتی جان) (110101011)

بی رویت ای نگار زیبا

کی می شود دلم شکیبا (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۰)

آمد مرا به قصد دیدن

بی آنکه دیده باشم او را (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۵۳)

با موج گریه‌ها رسیدیم

تا ایستگاه انتظارش

آهسته اشک مادرم ریخت

از چشم‌های بی‌قرارش (مریم تیکنی در پناهی ، ج۴ :۶۵) (طبیب‌زاده* :۲۶۰)

- عضو بحر دودویی 0xAB/8 («مستفعلن مفاعلن»)

0x1AC

فعلاتن مفاعلاتن- فعلاتن مفاعلن فع

(تو نگارم شدی نگارم) (مهِ جانی بتی بتی مه) (110101100)

رخِ چون آینه ز خورشید

زده بر روی نقش ، آزر (المعجم ، شمیسا: خانلری:۲۳۲)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن مفاعلن » 0xAC/8
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

مه مطرب بزن ربابی//بت ساقی بده شرابی

که ندارم به هیچ بابی//سر و سرّ هوای بستان (خواجوی کرمانی) (نجفی* : ۲۷۷)

0x1AD

(110101101) فاعلاتن مفاعلاتن – (دل‌ستانی چه دل‌ستانی)

زلف و خالت چه کرد با مهر

چشم و ابرو چه با قمر کرد (فیض) (نجفی❋ : ۲۷۶)

روی چون آینه ز خورشید

داشته پیش نقش ، آزر (المعجم ، شمیسا: ۱۹۲)

غمزه چون تیر زلف چون قیر

چشم پر خواب زلف پر تاب (المعجم ، شمیسا: ۱۹۲) (برای لمس بیشتر وزن بیت را به شکل زیر بخوانید:

غمزه چون تیر و زلف چون قیر چشم پر خواب و زلف پر تاب)

چون کند دل چو یار، آید

چشم شاید به کار، آید (شجره العروض) (نجفی❋ :۲۷۶)

- عضو بحر دودویی فاعلاتاتُ (0xD/5)

0x1AF

(110101111) مستفعلْ فاعلاتُ مستف- مفعولن فاعلاتُ مفعول

(جانی مهجان بیا بیارا)

شرمت ناید که چون کبوتر ▶

روزی خوری از دهانِ مادر (خاقانی) (نجفی❋ :۴۰۱)

پرسان پرسان رسیدم از راه

پیدا کردم نشان او را (محمد علی اسلامی ندوشن) (پناهی، ج۱ : ۴۹) (شعر کامل بر وزن تقطیعی)

- عضو خانواده وزنی 0x353، مستفعلُ فاعلاتُ مستف

0x1B2

فعولُ فعولن فعولن - علن فعلاتن مفاعل- مفاعلُ فعلن مفاعل

(غزالِ دلم شد دلم شد)(بتی مهِ جانی بتی بت) (110110010)

چو جامه دران شد نگارم

تمام چمن گشت سرمست (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xB2/8 («مفاعلتن فاعلن» « علن فعلاتن مَفا»)
- عضو بحر دودویی 0x32/6 («مفاعلُ فعلن»)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۶۴)

0x1B3

فعلن فعلاتن فعولن

(جانی مهِ جانی ز جانی) (110110011)

تا جامه دران شد نگارم

از عطر تنش گشته ام مست (ابوالحسنی)

- شاهد نثر:«دیدم که به رقص اندر آمد » (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۲۷)
- «این وزن سابقه‌ای ندارد و ظاهرا موزون هم نیست» (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۲۷)

0x1B4

متفاعلن فاعلاتن – متفاعلن فاعلن مت

(شکری نگاری نگاری) (مهِ دلبری دلبری مه) (110110100)

هوسم به جز عشق و مستی

نبود ز سودای هستی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۹)

- عضو بحر دودویی 0xB8/8 («متفاعلن فاعلن»)

0x1B5

فاعلن فعولن فعولن – مستفاعلُن مستفاعلْ

(دلربا بتی دلربا بت) – (دلربا نگاری نگاری) (110110101)

بی تو ای دلارا نگارم

جفت غم بُوَد روزگارم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۳۸)

ناگهان چه گویم که چون شد

شیون از درونش برون شد (میرزاده عشقی در پناهی ، ج۴ :۱۵۶) (طبیب‌زاده* :۲۸۵)

0x1B6

(فعولن فعولن فعولن) – (بزن دف بزن دف بزن دف) (110110110)

تو دائم به خود در ستیزی || تو هرگز نداری سکونی (فروغ فرخزاد) (نجفی* : ۴۲)

عطش رخنه کرده ست در من || فسرده ست شوق شکفتن (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۹۵)

تو را دادم از دست افسوس || مرا بردی از یاد ، فریاد

مگر می توان دادت از دست || مگر می توان بردت از یاد (فخر الدین مزارعی) (پناهی، ج۲: ۱۳)

کجا شد بگو آن همه شور || بگو تا چه شد آن ترانه

زمانه که از یاد بردی || زمانه زمانه زمانه ♫ (مهرداد اوستا) (نجفی* :۴۳)

به بوسه نگارا چو نوشی || به پاسخ چو حنظل چرایی (المعجم ، شمیسا: ۱۹۹)

نگه کن بدان سرخ دو رخ || که زو زرد گشت این رخانم (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۳)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3
- مثل معروف «نشاشیده ای شب دراز است» بر این وزن است . (پناهی، ج۲: ۱۴)

0x1BA

مفاعلن مستفعلاتن – (چه دل‌ستانی دل‌ستانی) (110111010)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

چراغ را خاموش کردم// کتاب را ناخوانده بستم

پتو چه سنگین و زبر است//چقدر امشب خسته هستم (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۱۱۴) ۷۸/۱

- عضو بحر دودویی 0xBA/8 (مفاعلن مستفعلن)

0x1BB

مستفعلن مستفعلاتن – (مستفعلن مستفعلن مس)

(110111011) (مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه)

ای برگ خشک نامرادی || از شاخه‌ی هستی جدا شو (پژمان بختیاری) (شاه‌حسینی:۷۸)

بعد از تو ای وجدان بیدار ||مردن چه آسان می نماید (بیژن ترقی) (پناهی، ج۱ : ۲۳۲)

گنجشک ها را ذوق پرواز || لندوک ها را شوق پرواز (محمد علی بهمنی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۰)

بی تو مرا زنده نبینند || من ذرّه ام تو آفتابی (رودکی) (المعجم ، شمیسا: ۱۵۴)

مشتاب چندین ای پری زاد || بر کشتن عاشق به بیداد (المعجم ، شمیسا: ۱۲۹)

ای دل به تیز آتش پری || یا زیر چنگال عقابی ▶ (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۵)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4

0x1BD

فاعلیاتن فاعلیا – (ماهِ دلهایی ماهِ دلها)

(110111101)

آه رفتم ، دلگیرم از تو

عکس خود را می گیرم از تو (رضا عبداللهی) (دادگر:۱۲۳)

- عضو بحر دودویی 0x1D/5 (فاعلیاتن)

0x1C9

مفتعلن فعلیاتن – (عاشقِ عاشقِ جانانم) (ای مه دل مهِ دل مهدل)

(111001001)

هستی ما چو دمی باشد

خوش نبود که غمی باشد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۲)

- عضو بحر دودویی 0x49/7 (مفتعلن فعلن)

0x1CA

مفاعلن فعلیاتن – مفاعلن فعلاتن مف

(111001010) (بیا بیا مهِ دل مهدل) (تو ای پری مهِ جانی تو)

چرا ز کوزه‌ی ماه امشب

نَمی، برون نتراویده‌ست (نادر نادرپور، شعر انگور، آذر ۱۳۳۶) (نجفی* :۳۲۹)

مسی به رنگ شفق بودم

زمان سیه شدنم آموخت (نادر نادر پور) (نجفی* :۳۲۹)

هلا یهودی سرگردان

عنان قافله برگردان (حسین منزوی) (نجفی* : ۳۵۵)

مرا به گریه چه میجوئی؟!

مرا به ناله چه میخوانی؟!

امید خسته فرو مرده است

درین شبانگه توفانی! (توللی ، کتاب شعله کبود، قالب چهارپاره، ۳۳/۱۱/۱) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۱)

هزار سال از آن شب رفت

شبی که روحِ من او را دید

هزار سال زمان بگذشت

هزار سال زمین گردید (نوذر پرنگ، قالب چهارپاره) (فیروزیان: ۸۰)

- عضو بحر دودویی « مفاعلن فعلاتن» 0xCA/8
- «کتاب شعله کبود اثر فریدون توللی در سال ۱۳۸۰ منتشر شده است ولی چه بسا تاریخ سرودن این شعر به زمانی قبل از تاریخ سرودن شعر نادرپور بازگردد.» (نجفی* :۳۲۹)

0x1CB

مستفعلن فعلیاتن- مستفعلن فعلاتن مس

(111001011) (جانی بتی مهِ تابانی) (جانی بتی مهِ جانی جان)

تیر از کمان به من اندازد ||عشق از کمین چو برون تازد

درکس نیوفتد این آتش ||کو را چو موم بنگدازد (اوحدی مراغه ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۰)

از هجرت ای بت نوشادی

دورم ز خرمی و شادی (ادیب طوسی) (نجفی* : ۳۳۱)

آهوی پرده نگاهم کرد
با سرمه سوده‌ی جادویی
بی‌نغمه‌ها به نواخوانی
بی‌واژه‌ها به سخن‌گویی (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۳۳۱)
خواهی نباشم و خواهم بود
دور از دیار نخواهم شد
تا گود هست میان‌دارم
اهل کنار نخواهم شد (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۳۳۱)
با آن خیال افق پیما
وآن روح سرکش غوغایی
دنیا برای تو کوچک بود
آه ای پرنده‌ی دریایی (فاطمه راکعی) (پناهی، ج۲ :۱۸۲)

- عضو بحر دودویی 0xCB/8 («مستفعلن فعلاتن»)
- ضرب المثل: «از ترس تیغ مسلمان است» (پناهی، ج۲:۱۸۲)

0x1CC

فعلاتن فعلیاتن – فعلاتن فعلاتن فَع

(111001100) (مهِ جانی مهِ جانی مه)

به جهان تا نفسی دارم
سر سودای کسی دارم (ادیب طوسی) (نجفی* : ۱۲۸)
در دل ظلمت شب دیوی‌ست
که به من بسته نگاهش را (نادرپور) (نجفی* : ۱۲۸)
شب که شد آینه با من مست
ضجّه می‌کرد و هراسان بود (اخوان ثالث) (نجفی* : ۱۲۸)
تو و آن زنجیره سبک پویی
من و این مایه گرانجانی (حسین آهی ، دره نجفی: ۲۵۱)
زن و زیبایی و زیورها
همه جز رنگ ملالی نیست (شرف) (نجفی* : ۱۲۸)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4

0x1CD

فاعلاتن فعلیاتن –فاعلاتن فعلاتن فع –

(ماه جانی مهِ جانی مه) (111001101)

درد دل پیش کسی گفتم

کز خیالش به بلا خفتم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۰)

شب که شد آینه با من، مست

ضجه می‌کرد و هراسان بود (اخوان ثالث) (نجفی* :۱۲۸)

باغ نغزی شده ام پُر بَر

رهروا دامن جان پر کن (فخرالدین مزارعی) (پناهی ، ج۲: ۱۲۱)

باد، هنگامه کنان برخاست

شمع لبخند زنان بنشست (فریدون مشیری) (پناهی ، ج۲: ۱۲۱)

آه از این شب بی فریاد

داستانی که مبادش یاد (شمیسا) (شمیسا*: ۶۵)

- می تواند وزنی مستقل باشد یا عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فع » 0x1CC باشد

0x1CF

مفتعِلْن مفتعلن مفتع – (شد مهدل شد مهِ دل شد مه)

(ای مهجان ای مهِ جان ای مه)

فعِلن فعِلن فعلن فعِلن – (مهدل مهِ دل مهدل مهدل) (111001111)

داوریا گاه نشستن نیست

زین زن بر اسب خراسانی ► (داوری شیرازی) (پناهی، ج۲: ۹۴)

یا رب یا رب که بهایی را

این بیهده گرد هوایی را (شیخ بهایی ، مثنوی شیر و شکر) (کشکول شیخ بهایی، نشر زرین ، ۱۳۷۷، ص۱۷۳)

- عضو بحر دودویی 0x4F/7 (مفعولن مفتعلن)

- می‌تواند عضو خانواده « فعِلن فعِلن فعِلن فعلن» یا «فعلن*۴» باشد مثل شعر شیخ بهایی
- می‌تواند عضو خانواده « مفتعلن مفتعلن مفتع» باشد مثل شعر داوری شیرازی

0x1D2

مفاعلتن مفاعیلن – (بیا شکرا بیا جانا)

(111010010) (غزالِ غزالِ زیبایی)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

به قله رسیده‌ام تنها//گروه رفیق راهم کو

شب است و اسیر کولاکم//چراغ پناهگاهم کو (سیمین بهبهانی) (طبیب‌زاده* : ۳۰۳)

0x1D3

(111010011) مستفعلتن مفاعیلن- (جانا شکرا نگارینا) (دلدار بیا بیا دلدار)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

یک خمره برای من کافی است// تا دختر دیوجان باشم

اما به تو راست می گویم //من نیستم این که آن باشم (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۷)

0x1D4

فعلن فعل فعل فعلن – تعلن مفاعلن مفتع- فعلاتُ فاعلاتن فع

(111010100) (مهِ دل بیا بیا مهدل) (مهِ جان شبی بتم شو مه)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

نفسی برون نمی آید// چه فضای وحشت آلودی

همه جا تنوره کش دیوی// پی هر تنوره‌ای دودی (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۳۶۷)

- عضو بحر دودویی 0xD4/8 (« تعلن مفاعلن مف» « فعلاتُ فاعلاتن »)

0x1D5

فاعلن مفاعلن فاعل – مستفاعلن مفاعیلن

(111010101) (دلبری چه دلبری دلبر)

دل به مکتب تو پروردم

جان به هدیه تو آوردم (بیژن ترقی در پناهی ، ج۵: ۸۵) (طبیب‌زاده٭ : ۳۲۴)

کوه سر بلند و مغرور است

کوه با نشاط و پر زور است (؟ در پناهی ، ج۵: ۸۵) (طبیب‌زاده٭ : ۳۲۴)

- عضو بحر دودویی 0x55/7 (فاعلن مفاعلن)

0x1D6

(111010110) مفاعیلتن مفاعیلت – (نگارا بتی نگارا بت)

نگاری دلم به یغما بُرد

دلم را به قهر خود آزُرد (ناصر شاعر) (وحیدیان‌کامیار٭:۶۴۱)

به نامردمی چرا کوشی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۵)

دل از یار سنگدل بگسل (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۵)

ازیرا چنین گرفتم یار (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۵)

- عضو بحر دودویی 0x16/5 (مفاعیلتن)
- « این وزن را عروض نباشد و ضرب محبوب آید و از این نوع شعر دراز نگفته اند، چهار چهار گفته اند از آن سه بر یک قافیه و چهارم را قافیه دیگر و مطربان بعضی آن را پارسی [باربد] خوانده اند و بعضی جادو راه .» (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۵)

0x1D7

فعلاتن مفاعلن فعِلا – (جانانی نسیمِ جانانی)

(مهجانی بیا بیا مهجان) (111010111)

هر که را این به قصد زخمی زد

حالی، آن دگر برو می‌زد ► (کمال الدین اصفهانی) (نجفی‌* :۱۳۱)

دیدم در رباعی خیام ►

می‌گذرد چه با شتاب ایام (خرمشاهی) (خرمشاهی ، ۱۳۹۷)

- عضو خانواده وزنی 0x4AC ، (فعلاتن مفاعلن فعلا)

0x1D9

مفتعلن فاعلیاتن- مفتعلاتن مفاعیلن –

(دلبرِ زیبا بتی زیبا) (111011001)

برده دلم دلستان یاری

عربده جو ترک عیاری (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۲)

- عضو بحر دودویی 0x59/7 (مفتعلن مفتعل)

0x1DB

مستفعلن فاعلیاتن – مفعولُ مفعولُ مفعولُ

(دلدارِ دلدارِ دلداران) (111011011)

ای لعبت گل عذار من

ای از تو خرم بهار من (ادیب طوسی) (نجفی* : ۵۸)

سرمست جام الستم

از باده عشق مستم (ادیب طوسی) (نجفی* : ۵۸)

باید ز چشم تو نیشی خورد

باید ز دست تو صبحی چید (رضا براهنی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۰)

او بوسه هایش چو گل، سرخ است

من خاطراتم ز او رنگین (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3
- عضو بحر دودویی 0xDB/8 (مستفعلن فاعلاتن)

0x1DD

(111011101) فاعلاتن فاعلاتن فا – (شد نگارم شد نگارم شد)

آسمان بی‌ماه بود آن شب || بغض باران در گلویش بود (نادرپور) (نجفی❋ : ۹۲)

روز اول پیش خود گفتم || دیگرش هرگز نخواهم دید (فروغ فرخزاد) (نجفی❋ : ۹۲)

آن که از من دل ربایی کرد || آمد اما بی وفایی کرد (اسماعیل وطن پرست ، دره نجفی: ۲۵۱)

خنده ها خاکستری کمرنگ || گریه ها با خنده ها در جنگ (جلال قیامی میر حسینی) (مدرسی❋: ۱۰۸)

گونه ام را اشک پیموده است || سینه ام را درد فرسوده است (عبدالجبار کاکایی) (دادگر:۱۱۸)

مانده از شب های دورادور،

بر مسیرخامش جنگل،

سنگچینی، از اجاقی خرد،

اندرو خاکسترِ سَردی (نیما یوشیج ، اجاق سرد ، ۱۳۲۰) (نیما یوشیج : ۵۶۵) (نیمایی)

من تو را ای بت خریدارم || گر تو ما را ناخریداری (المعجم ، شمیسا: ۱۵۹)

وقت رحمت نامد تو را ای نگار || چند داری ما را بدین زاری ► (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۳)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

- «اوزانی از این گونه در شمار اوزان متروک یا نادر بوده است ولی شاعران معاصر کوشیده اند آنها را احیا سازند و گاهی اشعاری خوب در این اوزان سروده شده است مانند همین وزن با همین دو شعر سعیشان مشکور باد.» (مدرسی❋: ۱۰۸) (منظور دو شعر « آن که از من ...» و «خنده ها ...» است.)

0x1DE

(111011110) مفاعیلاتن مفاعیلا – (نگارینم شد نگارینم)

نشانی گر، از هنر دیدم

ترا آنجا جلوه‌گر دیدم

به هر گلشن رنگ و بو دیدم

نشانی از نقش او دیدم (بیژن ترقی در پناهی ، ج۴ :۱۹۴) (طبیب‌زاده* :۲۹۵)

- عضو بحر دودویی0x1E/5 (مفاعیلاتن)

0x1E4

(111100100) فعلن فعلن مفعولن – (شکری شکری جانانا)

صنما به خدا دل بردی

دل من به جفا بسپردی (حمید شیرانی) (نجفی* : ۷۱)

0x1E7

(111100111) فع‌لاتن فعلاتن فع‌لن – (مهجانی مهِ جانی مهجان)

ساقی فارغم از هر جامی

با یادش همه شب سرمستم(ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x E7/8 (مفعولن فعلیاتن)
- عضو خانواده وزنی 0x4CC ، (فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x1EA

(111101010) مفاعلن مفاعیلاتن – (بیا بیا بیا جانانا)

بهار مردمی ها دی شد

زمان مهربانی ها طی شد (جواد آذر در پناهی ، ج۴ :۱۴۵) (طبیب‌زاده* :۲۲۵)

که گل به سبزه پنهان گردد

ز شرم تو پریشان گردد (رهی معیری در پناهی ، ج۴ :۱۴۵) (طبیب‌زاده* :۲۲۵)

0x1EB

لاتن مفاعلن فع‌لاتن - مستفعلن فعولن مستف

(جانی بتی بتی مهجانی) (آمد شبی بتم شد آمد) (111101011)

از نظم و نثر عاجز گشتم ▶

گویی مرا زبان و دهن نیست (مسعود سعد) (پناهی، ج۱ :۱۷۵)

شد آن عذار دلکش پژمان

گشت آن غرور و نخوت فانی (بهار) (نجفی* :۲۹۸)

- عضو بحر دودویی 0x6B/7 («مستفعلن فعولن»)
- عضو خانواده « لاتن مفاعلن فعلاتن » ، 0x32B

0x1EE

مفاعیلن مفاعیلن مف –

(تو جانانی تو جانانی تو) (111101110)

صدایم کن به آیات نور

که گم گشتم در این تاریکی

(ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلن» 0xE/4

0x1F3

لاتن فعلاتن فع‌لاتن

(111110011) (جانی مهِ جانی مهجانی)

ای عشق مرا مجنون کردی ▶

بر لاله رخان مفتون کردی ▶

هر قطره‌ی اشک رنگین را

سیحون کردی جیحون کردی (سعادت یارخان دهلوی) (پناهی، ج۱: ۲۰۹)

در ماتم و در زاری تا کی

اشک از دو بصر جاری تا کی (ابراهیم پورداوود) (پناهی، ج۱: ۱۳۵)

- عضو خانواده « لاتن فعلاتن فعلاتن » 0x333

0x1F9

(111111001) مفتعلاتن مفتع‌لاتن – (آن مهِ جان کو // آن مهجان کو)

از ره صورت //باشد چون او ▶

گونه‌ی عنبر //دارد و لادن (فرخی) (نجفی* : ۲۰۳)

ای سرِ مردان //برگو برگو

ای شهِ میدان//برگو برگو (نجفی* : ۲۰۴)

- عضو خانواده « مفتعلاتن //۲ » 0x339

0x1FC وزن فرعی

(11-111-1100) فعلاتن فعلاتن فعلا – (مهِ جانی مهجانی مهجان)

ز جهان گر پنهانم چه عجب

که نهان باشد جان ، من جانم ▶ (مولانا ، غزل ۱۶۸۰)

- عضو خانواده وزنی 0x4CC ، (فعلاتن فعلاتن فعلا)

0x1FD وزن فرعی

(11-111-1101) فاعلاتن فعلاتن فعلا -(ماهِ جانی مهجانی مهجان)

عقل با این همه داناییِ خویش

چون تو را بیند در می ماند ▶ (کمال الدین اسماعیل) (نجفی* :۱۲۷)

ناودان از سر شب تا دم صبح

شعر باران را در گوشم خواند ▶ (پروین دولت آبادی) (نجفی* :۱۲۷)

- عضو خانواده وزنی 0x4CC ، (فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x1FF دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x1FF -0//9 حالت غیر دوری

(111111111)

مشکین کلکی سروین بالایی ▶

وا دو چشم شهلا و چه شهلایی (المعجم ، شمیسا: ۱۵۰)

جانان ، چون لوء لوء دندان داری

مه آسا ، رویِ تابان داری

گیسو داری پیچان چون دامی

وان عینی داری چون بادامی (تحفه الهند : ۱۸۴)

3//3//3- 0x1FF حالت دوری

(3//111) (مفعولن)//۳- (جانانی)//۳

من عشقی //جانفرسا //می خواهم

دریایی //طوفان زا //می خواهم (نواب صفا ،مدرسی*: ۱۲۱)

با چشمم //دنیا را //می بینم

اینجا را //آن جا را// می بینم (کیانوش) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۲)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1

ده هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x200	0x3FF	۵۱۲

0x249

لن فعلن فعلن فعلن - فاعلُ فاعلُ فاعلُ فا

(1001001001) (دلبرِ دلبرِ دلبرِ دل) (جان مه جان مهِ جان)

من که اسیر بلای تو ام

زنده به عشق و وفای توام (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۲)

- عضو بحر دودویی « فاعلُ » 0x1/3

0x24B

(1001001011) مستفعلن فعلن فعلن - (جانا بیا شکرا شکرا)

گفتم دگر هوسی نکنم

آهنگ مهر کسی نکنم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۹)

0x252 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x252-0//10 حالت غیر دوری

(10010-10010) مفاعلتن *۲

درآ شبِ عشق جامه دران

که مستِ نگاهِ چشمِ توام (ابوالحسنی)

- شاهد نثر:«فلان به فسادِ من گواهی» (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۲۵)
- «بر این وزن شاهدی در کتاب‌های عروض و نزد شاعران دیده نمی‌شود.» (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۲۵)

0x252-5//5 حالت دوری

(2//10010) مفاعلتن //۲ – (بتی شکری)//۲

سحر اثری// ز طلعت او// شبم نفسی// ز عنبر او

مرا غم او// چو زنده کند// چگونه شوم //ز منظر او (مولانا) (نجفی* :۲۴۸) (وزن هر دو پاره)

بدی چه کنی // به جای کسی

که او نکند // به جای تو بد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۴)

بکن گذری // بتا سوی من

فکن نظری // بتا سوی من (عروض بابر:۱۳۹)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/5

0x253

(1001010011) مستفعلتن مفاعلتن – (او دلبرکم تو دلبرکم)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

من جرم زمین شکافته ام// زان سوی سپهر سر زده ام

مرغی شده ام عظیم و عجب //بر اوج کبود پر زده ام (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۷) ۶۲/۱۱

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن مفا » 0x253/10

0x254

متفاعلن مفاعلتن

(1001010100) (صنما بیا بیا صنما)//۲ -(چه بتی بتی بتی چه بتی)//۲

طمع از جفای او نبریم

که غم جفای او نخوریم (المعجم ، شمیسا: ۱۰۹)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

نه که تشنهٔ شراب توئیم// نه که خستهٔ خراب توئیم

چه شود به ما نظری کنی// سوی خاک ما گذری کنی (فیض کاشانی)

نه که تشنهٔ شراب توئیم// نه که خستهٔ خراب توئیم

چه شود به ما نظری کنی// سوی خاک ما گذری کنی (فیض کاشانی)

(کلیات اشعار فیض کاشانی ، ناشر: کتابخانه سنائی ، ۱۳۵۴ ، ص ۴۱۰)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن مفاعلتن» 0x254/10
- این وزن می‌تواند عضو خانواده «متفاعلن*۲» باشد

0x255

(1001010101) فاعلاتُ فاعلاتُ فعل – (ماهتابِ ماهتابِ خزان)

طمع از جفای او نبریم

تا غم جفای او نخوریم ▶ (المعجم ، شمیسا: ۱۰۹)

دلربا نگار من سحری

مست می غنود در برِ من (ابوالحسنی)

- مخصوص عرب (شمیسا* : ۹۸)

0x256

مفاعیلتن مفاعلتن – علاتن مفاعلن فَعلا

(1001010110) (بتم شو بتم بتم تو بتم) (نگارا بیا بیا مهِ جان)

دلارام من وفا نکند

وفا گرکند به ما نکند (ادیب طوسی) (نجفی* : ۲۸۳)

- عضو بحر دودویی 0x56/8 («علاتن مفاعلن فَ» « مفاعیلُ فاعلاتُ»)

0x257

(1001010111) فع‌لاتن مفاعلن فعلن - (مهجانی بیا بیا مهِ جان)

دل سراپرده محبتِ اوست(حافظ)

{مه} آیینه‌دارِ طلعت اوست ▶ (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x4AC ، (فعلاتن مفاعلن فعلن)

0x259

مفتعلن فاعلن فعلن - مفتعلن فعلُ مفتعلن -مفتعلاتن مفاعلتن

(1001011001) (جامه دران گشت جامه دران)

تا که شوم مست عطر تنت

جامه دران شو بتا نفسی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x19/6 (مفتعلن فعلُ)
- شاهد نثر: داروی قاتل بخورد و بمرد (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۱۵)

0x25C

فعلن مستفعلن فعلن – فعلاتن فاعلا فعلا

(1001011100) (شکری جانی بتی شکری)

به گلستانها گذر نفسی

که نیوشی شعر بلبل مست (ابوالحسنی)

مهِ جانم گشت مست ز می

بزن ای مطرب کنون دف و نی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x5C/7 (فعلاتن فاعلا)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❊ : ۳۷۸)

0x25D

(1001011101) فاعلیاتن مفاعلتن – (دلربا ای دلربا شکری)

ای به قربان تو خواهر تو

خواهر با جان برابر تو (محمد حسین غروی کمپانی در پناهی ، ج۴ :۱۷۷) (طبیب‌زاده❊ :۳۷۸)

دیدمش آواز خوان سحری

با صبا می‌گفت شکوه‌ی دل (ابوالحسنی)

0x266

(1001100110) (مفاعیلُ مفاعیلُ مفا) – (دلیرانِ دلیرانِ دلیر)

گرفتار کمند توام

درافتاده به بند توام (ادیب طوسی) (نجفی❊ :۱۳۸)

- عضو بحر دودویی « مَفاعیلُ» 0x6/4

0x267

(1001100111) فعِلاتن فعلاتن فعلن – (مهجانی مهِ جانی مهِ جان)

بر این بلبل سر مست خراب

ای نوگل تو نخندی چه کنی؟ (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x4CC ، (فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x26A

(1001101010) مفاعلن مفاعیلُ مفا - علن مفاعلن مفتَعلن

(مکن بتا بتا ناز مکن)

«ملالتی پدید آمده بود»

(عبارتی منثور از گلستان که ملک الشعرا بهار آن را موزون دانسته است) (نجفی* :۳۷۱)

تو آرزوی دلخواه منی

اگر چه عشق جانکاه منی

به درد بی‌کرانم برسی

نمی‌دهی دل خود به کسی (نواب صفا و بیژن ترقی در پناهی ، ج۴:۱۴۳) (طبیب‌زاده* :۲۶۲)

- عضو بحر دودویی 0x6A/8 («مفاعلن مفاعیلُ » « علن مفاعلن مفتَ»)

0x273 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x273-0//10 حالت غیر دوری

(2*10011) مستفعِلَتن *۲ – (شد او مهِ جان)*۲

مطرب دف و بربط زن همه شب

چون جامه دران آمد به برم (ابوالحسنی)

0x273-5//5 حالت دوری

(2//10011) مستفعِلَتن //۲ – (شد او مهِ جان)//۲

تلخی نکند //شیرین ذقنم

خالی نکند// از می دهنم (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۲۲۰)

با من صنما // دل یکدله کن

گر سر ننهم //آن گه گله کن (مولانا) (نجفی* :۱۵۸)

هر حلقه که در// آن زلف دوتاست

دام دگری //بهر دل ماست (بهار ، ماهیار: ۲۰۶)

وای از تو که سوخت//پروانه صفت

شمع رخ تو//بال و پر من (بهار) (نجفی* :۲۰۸)

بالله که یکی // از خود به خودآ

بگذر ز خودی// بنگر به خدا (میرزا حبیب خراسانی) (نجفی* :۱۵۸)

از قالب تن //باید بجهم

پیراهن جان// باید بدرم (محمد قهرمان) (پناهی، ج۱ : ۱۳۴)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن» 0x13/5
- «مولانا به این وزن ۱۶ غزل دارد . » (شمیسا* : ۲۰۷)
- «در امثال و حکم از این وزن استفاده کرده اند نگاه کنید به مثل معرف «آن بز که گر است از گله در است» » (پناهی، ج۱ : ۱۳۷)

0x27C

(1001111100) فعلاتن فعِلاتن فعلن – (مهِ جانی مهجانی مهِ جان)

ز جهان گر پنهانم چه عجب ▶

که نهان باشد جان ، من جانم (مولانا ، غزل ۱۶۸۰)

که بر او داری آیا گذری؟ (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۱)

- عضو بحر دودویی 0x7C/7 (فعلاتن فعِلاتن)
- عضو خانواده وزنی 0x4CC ، (فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x27D

فاعلاتن فعلاتن فعلن -

(1001111101) (ماهِ جانی مهجانی مهِ جان)

شمع آن همدمِ دیرینه‌ی من

سوختن‌ها را آیینه من ▶ (هوشنگ ابتهاج، سیاه مشق ، شمع و سایه ، ص۲۶۱)

تبری چوبین و میخ آهنین

عاشق مسکین چون بشکند این ▶ (المعجم ، شمیسا: ۱۶۰)

معجز موسی پیدا کندی ▶

گر حجاب از رخ برداردی (المعجم ، شمیسا: ۱۶۰)

- {بیت تبری...} «در شعر فارسی غلط است . خود مصرع اول هم به تنهایی غلط است مگر این که «تبری» با تشدید خوانده شود» (شمیسا❋ : ۲۰۵)
- عضو خانواده وزنی ۰x۴CC ، (فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x292

فعولُ فعولُ فعولُ فَع – {مفاعلتن متفاعلن}

(1010010010) (بتی چه بتی چه بتی بتی) – (شهیدِ شهیدِ شهیدِ شه)

جوان به غرور دلاوری (نثر گلستان سعدی) (نجفی❋ :۷۴)

شبی به خیال دلم گذشت

دگر نبُود ز دلم اثری (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فَعولُ » 0x2/3

0x294 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x294-0//10 حالت غیر دوری

(2*10100) متفاعلن ❋۲

رخ تو چو ماه چهار ده

دل تو چو سنگ سیاه وه

کمر و دهان تو هیچ نی

سر موی تو جز پیچ نه (تحفه الهند : ۱۹۸)

سمری شدم به همه دیاران

ز فراق آن سفری نگارم (؟) (آهی ، ۱۳۵۷ :۱۳۸)

0x294-5//5 حالت دوری

(2//10100) متفاعلن //۲ – (تو بیا بیا)//۲

هله ای کیا// نفسی بیا || در عیش را //سره برگشا

نهلد کسی //سر زلف او || نرهد دلی //چنین ز خطا (مولوی) (پناهی، ج۲: ۳۵)

هله قلب من // هله جان من || هله این من //هله آن من (مولوی) (نجفی❋ :۲۳۹)

علی ای علی//تو چه مظهری

که زما سوا //همه برتری (محمود شاهرخی) (پناهی، ج۲: ۳۵)

شبح سمور//غلیان باد

شده میخ شعر//خوره‌ی تنم (اندیشه فولادوند) (نجفی❋ : ۳۶۹)

نه روا بود //که جفا کنی

به کسی که با// تو وفا کند (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۶)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5

0x295

(1010010101) مستفاعلن متفاعلن – (نوبتی بتی چه بتی بتی)

آن چه لطف و هستی ما بُوَد

عشق و می پرستی ما بُوَد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۴)

- عضو بحر دودویی 0x295/10 (مستفاعلن متفاعلن)

0x296

مفاعیلتن متفاعلن – مفاعیلتن فعلن مفا

(1010010110) (شبی آسمان مهِ آسمان) (بتم گشت آن مهِ دل بتم)

خیالت نشاط دلم فزود

رخت انبساط دلم فزود (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۱)

- عضو بحر دودویی 0x96/8 («مفاعیلتن فعلن»)

0x29A

مفاعلاتن متفاعلن – مفاعلن مفتعلن مفا

(1010011010) (بیا بتا ناز مکن بیا) (بیا بیا عشوه بیا بیا)

به زلف مشکین تو ای صنم

کسی که آشفته بود منم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۹)

مگر تو باران نوازشی

که خواب در پنجره می‌کنی

کنار هر خاطره‌ای مرا

ترانه در حنجره می‌کنی (سیروس شمیسا) (نجفی* : ۳۸۳)

- عضو بحر دودویی «مفاعلن مفتعلن» 0x9A/8

0x2A6

علن مفتعلن مفاعلن - فعولن متفاعلن فعول

(1010100110) (بتا ناز مکن بیا بتا)

به عالم چون نگه کنی بجا

خدایی نکند مگر خدا (محمد اسماعیل سعیدی در پناهی ، ج۵: ۱۷۳) (طبیب‌زاده* : ۳۴۲)

- عضو بحر دودویی 0xA6/8 («فعولن متفاعلن» « علن مفتعلن مفا »)

0x2A9

(1010101001) مفتعلن مفاعلن فعل – (عشوه بیا بتا بیا بتا)

فتنه‌ی آن نگار مهوشم

از خم زلف او مشوشم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۲)

0x2AA

(1010101010) مفاعلن مفاعلن مفا – (بتا بیا بتا بیا بتا)

ز جورت ای نگار ده دله

نبرده ام به نزد کس گله (ادیب طوسی) (نجفی* : ۱۶۴)

شبی نگار گلعذار من

نشسته بود در کنار من

فلک ز روی ماه جلوه داشت

زمین ز نور روی یار من (بی نام) (شمیسا* : ۱۴۹)

تو از فرشته مهربان تری

و شاید از بهار سبز تر

در انتظار دیدن توام

بیا مرا به خانه ات ببر (شاهین رهنما) (پناهی، ج۲: ۱۵۵)

به باغ و بارِ من ، نوید تو

بهار، تو شکوهِ عید تو

طراوتی که صبح فرودین
به کوچه مان سرک کشید تو (مهدی ملکی) (پناهی، ج۲: ۱۵۵)
اگر به خانه من آید او
به عمر خضر و من فزاید او (خرمشاهی) (خرمشاهی ، ۱۳۹۷)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ» 0x2/2

- این شعر { شبی نگار گلعذار من } در کتاب شعر جدید فارسی (دکتر محمد اسحاق ، ترجمه‌ی سیروس شمیسا ، فردوس ۷۹ ص ۱۲۴) آمده است: نویسنده‌ی این کتاب «شاعر آن را ذکر نکرده و درباره‌ی آن می نویسد:بندی که بر اساس وتد لاتینی پنج رکنی (Latin Iambic Pentameter) سروده شده است.» (شمیسا❋ : ۲۱۴)

0x2AB

مستفعلن مفاعلن فعل – (جانا بیا بتا بیا بتا) (1010101011)

از جورت ای نگار ده دله
با هیچ کس نکرده ام گله (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۴۹)
حرفی نمی زنم ز عمق زخم
تا اشک راوی شکایت است (آفاق شوهانی) (دادگر:۲۵۷)
این آخرین ترانه‌ی من است
این آخرین نشانه‌ی من است
شد شانه ام ز بار غم تهی
چون دست او به شانه‌ی من است (کریم فکوری ، تصنیف آخرین ترانه) (نصیری‌فر:۸۴۶)

0x2AC

فعلاتن مفاعلن فعل – (شکرینا بیا بیا بیا)
(مهِ جانی بتی بتی مهی) (1010101100)

چو دلت از وفا بری بُوَد
همه کارت ستمگری بُوَد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۴۶)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن مفاعلن » 0xAC/8

0x2AD

فاعلن فاعلن مفاعلن- فاعلاتن فعولُ فاعلا –

(دلبری دلبری چه دلبری) (1010101101)

گل ز رویت حکایتی بُوَد

وز لبت غنچه آیتی بُوَد (ادیب طوسی) (نجفی* : ۲۷۶)

عاشقان یار گشت مستِ می

مطربان برزنید چنگ و نی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x2D/7 (فاعلاتن فعولُ)

0x2B2

مفاعلتن مستفاعلن – علن فعلاتن مفاعلن - مفاعلُ فعلن مفاعلن

(بتی مهِ جانی بتی بتی) (1010110010)

دلا شب عشاق شد بهار

به لطف سپیدیِ روی یار (ابوالحسنی)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

برآمده از آبنوس و شب//توهم بودا نشان من

گشوده دو بازو به دعوتم//ربوده مرا از جهان من (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۷)

- عضو بحر دودویی 0x32/6 («مفاعلُ فعلن»)
- عضو بحر دودویی 0xB2/8 («مفاعلتن فاعلن» « علن فعلاتن مَفا»)

0x2B3

لاتن فعلاتن مفاعلن - مستفعلتن مستفاعلن

(جانم مهِ جانم بیا بیا) (1010110011)

ای من رهی آن روی چون قمر

وان زلف شبه رنگ پر ز مار (شهید بلخی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۲)

بشک آمد بر شاخ و بر درخت
گسترده رداهای طیلسان را (ابولعباس ربنجنی در وحیدیان‌کامیار:۶۵) (طبیب‌زاده* : ۳۶۵)
کو آصف جم گو بیا ببین
بر تخت سلیمان راستین (انوری) (نجفی* : ۳۴۹)
احوال جهان باد گیر ، باد
این قصه ز من یاد گیر یاد (مسعود سعد سلمان) (نجفی* : ۱۵۲)
پیرانه سر از آتش سنین
دارم سفری سخت آتشین (امیری فیروزکوهی) (آهی ، ۱۳۵۷ :۱۹۹)

ای باد ز بهر غریب را
درودی ببر از من حبیب را (ابولحسن اورمزدی) (المعجم ، شمیسا: ۱۸۹)
با بنده بتا خیره بد شدی
کس ره ننمودت که خود شدی (المعجم) (شمیسا* : ۱۱۰)
چنان دانی کِم خواستار نیست
یا شهر مرا جز تو یار نیست ► (المعجم ، شمیسا: ۱۸۸)
با مردم ناسازگار طبع
بیچاره شود مرد سازگار (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۷)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن مستفاعلن» 0x2B3/10

0x2B4
متفاعلن مستفاعلن – متفاعلن فاعلن متف
(1010110100) (مهِ دلبری دلبری مهی)

بر هر کسی ذکر او کنم
همه جا از او جستجو کنم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۶)

- عضو بحر دودویی 0xB8/8 («متفاعلن فاعلن»)

0x2B5 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x//2B5 حالت غیر دوری

(2*10101)

گل ز روی او شرمسار شد
دل چو موی او بی‌قرار شد
ماه بر زمینش نهاده رخ
چون بر اسب خوبی سوار شد (اوحدی مراغه ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۴)
روی ما به کوی ملامت است
راه ما نه راه سلامت است (عماد فقیه کرمانی) (نجفی* : ۲۳۰)
عشق چون زند خیمه در درون
عقل را پراکنده می‌کند (حاجی بابای اصفهانی) (نجفی* : ۲۳۰)

0x2B5-15//15 حالت دوری

(2//10101) مستفاعلن //۲ – (شاد شادِ شاد)//۲

این فلان چه شد//آن فلان چه شد ▶
نبود مرا // سر ماجرا (مولوی ، غزل ۲۳۸)
{مصرع دوم بر وزن (۲//۱۰۱۰۰) است از غزلی به مطلع «هله ای کیا نفسی بیا ...» }
سنبل سیه // بر سمن مزن
لشکرحبش // بر ختن مزن (خواجوی کرمانی) (وحیدیان‌کامیار*:۲۵۶)
خط عنبرین// بر شکر مکش
طوق مشک چین// گرد خور مکش (خواجوی کرمانی) (نجفی* :۱۷۷)
یارکی مراست//رند و بذله گو
شوخ و دلربا// خوب و خوش سرشت
طره‌اش عبیر// پیکرش حریر
عارضش بهار// طلعتش بهشت (قاآنی) (نجفی* :۲۲۶)
(قاآنی) (نجفی* : ۲۲۷)
خارهای زشت // خارهای پیر
چون خطوط هیچ // رسته در کویر (سیمین بهبهانی) (فروردین ۵۲) (محمدی: ۱۳۴)

از کفم رها//شد قرار دل
نیست دست من//اختیار دل (عارف قزوینی) (نجفی* :۳۹۲)
ای نوای من// از نوای تو
نایِ من پر از // نغمه های تو (حسین منزوی) (فیروزیان:۱۰۱)

- عضو بحر دودویی « مستفاعِلُن» 0x15/5
- دکتر شمیسا این وزن را از ابداعات خواجوی کرمانی می داند . (شمیسا،۱۳۷۶: ۴)

0x2B6
مفاعیلتن مستفاعلن ـ فعولن فعولن فعو فعو (=مفاعلن)
(1010110110) (بیارا بیارا بیا بیا)

رُخت دل بدزدد نهان شود
دلم برتو زین بدگمان شود(اوحدی مراغه ای) (نجفی* :۴۱)
سرم پیر شد ور رسم به تو
ز سر بار دیگر جوان شوم (اوحدی مراغه ای) (نجفی* :۴۱)
قلم می کنم هر دو پای تو را
اگر پا گذاری به خانه ام (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۹۸)
که از تیرگی‌های آب و گل
پدید آورد صورتی چنین (؟ در پناهی ، ج۶۴:۳) (طبیب‌زاده* :۱۹۸)

قدت جانِ ما جان ما بدان
لبت آب حیوان ما ، بدان
رخت دین و آیین ما بگو
خطت رهزن دین ها بگو (تحفه الهند : ۱۹۳)

- عضو بحر دودویی 0xB6/8 (فعولن فعولن فعو)

0x2BB

(1010111011) مستفعلن مستفعلن علن – (جانا بیا جانا بیا بیا)

ساقی بیا ترکن لبم ز می

مطرب بیا یک دم بِدَم به نی (نورالله همایون در پناهی ، ج۴ :۱۶۴) (طبیب‌زاده⁕ :۲۱۲)

0x2BE

(1010111110) مفاعیلاتن مستفاعلن - (بیا جانا جانا بیا بیا)

چنان دانی کِم خواستار نیست ▶

یا شهر مرا جز تو یار نیست

چنان دانی ای ماه روی دوست ▶

نگارین که جز از تو نگار نیست (خسروی سرخسی، المعجم ، شمیسا: ۱۸۸)

جهان داور مسعود تاجدار

زمین خسرو مسعود شهریار (مسعود سعد) (نجفی⁕ :۱۳۷)

0x2C9

(1011001001) مفتعلن فعلن مفتعل –(دلبرِ دلبرِ دلها بیا)

من که اسیر بلای تو ام

زنده به عشق و وفای تو ام (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار⁕: ۶۵۲)

{ اگر «بلای» و «وفای»کشیده تلفظ نشود وزن (1001001001) (مفتعلن فعلات فعل) به دست می آید .

برای حس موسیقی می توان این بیت را این گونه خواند :

من که اسیر بلایم دلا   زنده به عشق و وفایم دلا }

- عضو بحر دودویی 0x49/7 (مفتعلن فعلن)

0x2CA

(1011001010) مفاعلن فعلاتن مفا – (بتی بتی مهِ جانی بتی)

هزار مرتبه گفتم به او ▶

که هر چه گم شد کمتر بجو (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی❋ : ۳۲۸)

بهار بود به چشمم خزان

که شاد بود به رویم نگار (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی❋ : ۳۲۸)

دلم گرفته از این روزها

نمی رسی تو به فریاد ما (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۷۶)

- عضو بحر دودویی « مفاعلن فعلاتن» 0xCA/8

0x2CC

(1011001100) فعلاتن فعلاتن فعل – (مهِ جانی مهِ جانی مهی)

به دو چشم تو که تا زنده ام

تو خداوندی و من بنده ام

سر زلف تو گواه منست

که من از بهر رخت زنده ام (انوری) (نجفی❋ : ۱۲۹)

تو بدین لطف و خوشی دلبری

دل هر پیر و جوان می‌بری (ادیب طوسی) (نجفی❋ : ۱۲۸)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4

- « در هیچ کتاب عروض به وزن بی سابقه‌ی این شعر اشاره نشده است ، مگر در کتاب مجموعه اوزان فرزاد که آن را به اشتباه به شکل مفاعیلتن دوبار تقطیع کرده است .» (نجفی،۱۳۹۴،الف :۱۵۲)

0x2CD

(1011001101) فاعلن مفتعلن فاعلن –(دلبری دلبرکی دلبری)

آدمی را چو نباشد خرد

می بکوشد همه در کار بد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۴۶)

0x2CF

(1011001111) مفتعِْلن مفتعلن فاعلن – (مهجانی مهِ جانی ماهِ جان)

خواهی تا مرگ نیابد تو را ▶

خواهی کز مرگ بیابی امان ▶

زیر زمین خیز ، نهفتی بجوی

پس به فلک بر شو بی نردبان (رودکی) (پناهی، ج۱ : ۶۵)

- عضو خانواده وزنی 0x599، (مفتعلن مفتعلن فاعلن)

0x2D4

فعلاتُ فاعلاتن فعل- تعلن مفاعلن مفتعل

(1011010100) (مهِ جان شبی بتم شو مها)

دل من ربوده ای ، ای صنم

غم من فزوده ای ، ای صنم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۵)

- عضو بحر دودویی 0xD4/8 (« تعلن مفاعلن مف» « فعلاتُ فاعلاتن »)
- این وزن می‌تواند دوری شود به وزن (101//1010100) (فعلات فاعلن//فاعلن) یا غیر دوری شود به وزن (1011010100) (فعلاتن مفاعیلتن)

0x2D6 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x2D6-0//10 حالت غیر دوری

(2*10110) مَفاعیلَتُن مَفاعیلَتُن

به رادیش راد مانَد به زُفت

به مردیش مرد مانَد به زن (شاکر بخارایی) (نجفی* : ۲۲۳)

سنایی سنای خود را سزاست

جمالش به جان کمال و بهاست (علی هروی) (وحیدیان‌کامیار*:۶۵۱)

0x2D6-5//5 حالت دوری

(2//10110) (مَفاعیلَتُن) // ۲- (سحر شد سحر)//۲

نگارین من // جفا می‌کند

بت چین من // خطا می‌کند (رساله عروض جامی) (نجفی* : ۴۷)

سفر کرده ام //به بحر و به بر

نیاسوده ام// ز رنج سفر (خانلری) (خانلری:۲۴۱)

- عضو بحر دودویی « مَفاعیلَتُن » 0x16/5
- «مسعود فرزاد می گوید: « با دو بار تکرار این رکن وزن متقارن خوش آهنگی به دست خواهد آمد، این اکتشافی است نتیجه‌ی مطالعه‌ی دقیق عروض فارسی اما تا آنجا که من می دانم تا کنون هیچ یک از شاعران برجسته شعری در آن نسروده است . » (کابلی:۹۱)

0x2D7

(1011010111) مفتعْلن مفاعلن فاعلن – (مهجانا بیا بیا دلبرا)

گویی بیدلی و با من دو دل ▶

لاجرم ای صنم به کام خودی (فرخی سیستانی)

(دیوان فرخی سیستانی ، ناشر: چاپخانه وزارت اطلاعات و جهانگردی ،۲۵۳۵ ص ۲۱۰)

0x2D9

مفتعلن فاعلن فاعلن - مفتعلن مفتعل مفتعل

(1011011001) (دلبرکا دلربا دلربا)

مهر تو ای ماه نیکو سِیَر

کرد مرا از جهان بی خبر (المعجم ، شمیسا: ۲۰۰)

- عضو بحر دودویی 0x59/7 (مفتعلن مفتعل)

0x2DA

مفاعلن فاعلن فاعلن –مفاعلاتن مفاعیلتن –

(چه دلبری دلبری دلبری) (1011011010)

مرا ببر سمت بابونه ها

به خلوت عطر گلپونه ها (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۷۴)

- عضو بحر دودویی 0xDA/8 (مفاعلن فاعلاتن)

0x2DB دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x2DB -0//10 حالت غیر دوری

مفعولُ مفعولُ مفعولُ مف- مستفعلاتن مفاعیلتن

(دلدارِ دلدارِ دلدارِ دل) (1011011011)

در فکر اینم رهایت کنم

از خاطراتم جدایت کنم (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۰۳)

آشفته از اشتیاقت منم

آزرده دل از فراقت منم (ادیب طوسی) (نجفی* :۵۷)

یار سمنبر دلم را ببرد

پس در عنا و ندامت سپرد (المعجم ، شمیسا: ۲۰۰)

بهار است و همواره هر روز نم

منکَر فراوان و معروف کم ◀ (رودکی) (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۴)

0x2DB -3//7 حالت دوری

لن فاعلن فاعلن فاعلن-(شد دلبرم دلبرم//دلبرم) (101//1011011)

آمد شبی بی نقاب//با شتاب

رندان ز عطرش خراب//بی شراب (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3

0x2DD دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x2DD-0//10 حالت غیر دوری

(1011011101) فاعلاتن فاعلاتن فعل – (مه بیارا مه بیارا مه)

گونه ام را اشک پیموده ، است

سینه ام را درد فرسوده ، است (عبدالجبار کاکایی) (دادگر:۱۱۸)

زندگانی تلخ کردی مرا

زندگانی بی تو ناید به کار (المعجم ، شمیسا: ۱۰۹)

0x2DD-3//7 حالت دوری

فاعلاتن فاعلا// فاعلا

(101//1011101) (دلبرم شد دلبرم//دلبرم)

عاقبت شد در برم //دلبرم

نیست از شادیِّ عشق//دل برم (ابوالحسنی)

- وزن مخصوص عرب (شمیسا*: ۹۲)
- عضو بحر دودویی 0x5D /7 (فاعلاتن فاعلا)

0x2EB

(1011101011) مستفعلن فعل مستفعلن – (جانا بیا بیا جانا بیا)

منت خدای را عزّ و جل

خیرالکلام ما قلّ و دل (عبدالعلی نگارنده) (شمیسا* : ۱۳۴)

- عضو بحر دودویی 0x2B/6 (مستفعلن فعل)

0x2EE

(1011101110) مفاعیلن مفاعیلن مفا- (بیا جانا بیا جانا بیا)

بگردان ساقی مه روی جام
رهایی ده مرا از ننگ و نام (مولوی) (نجفی※ :۸۱)
نشستم در کنار جویبار
نه اندر او نه اندر من قرار
گرفتم عبرتی از رفتنش
که سالک بود تا دریاکنار (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی※ : ۸۱)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4
- در مورد شعر مولوی: «البته تقطیع این بیت از لحاظ مولوی چنین نیست بلکه باید آن را به شیوه عربی تقطیع کرد یعنی «جام» را «جامو» و «نام» را «نامو» خواند، زیرا بیت‌های دیگر این غزل به زبان عربی است و تقطیع آنها چنین است :

  (U - - - / U - - -/U- -) (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل)

  اما آقای خرمشاهی به تقاضای بنده، شعری را بر این وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعل» سروده است.{شعر در بالا}» (نجفی※ :۸۱)

0x2F7

(2//10111) فعِلن فاعلن //۲ – (ساقی می بیار) //۲

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

آمد نوبهار|| طی شد هجر یار
مطرب نی بزن|| ساقی می بیار (نواب صفا) (نجفی※ : ۱۱۹)

0x2F9

(1011111001) مفتعلن مفتعْلن فاعلن – (ای مهِ جان ای مهجان ماهِ جان)

واله‌ی آن دلبرِ ترسا شده
عشق در او طاقت‌فرسا شده ▶ (هوشنگ ابتهاج، سیاه مشق ، آواز ماه ،ص ۲۶۹)

سیم به سنگ اندر پنهان بُود

یار مرا ، سنگ به سیم اندرست (المعجم ، شمیسا: ۱۸۴)

- عضو خانواده وزنی 0x599، (مفتعلن مفتعلن فاعلن)

0x2FA

(1011111010) مفاعلن مفتعْلن فاعلن – (بیا بیا ای مهجان ماهِ جان)

تو آسمان فضل را آفتاب

تو کشتی عصمت را لنگری ► (غلامرضا سازگار) (پناهی، ج۱: ۶۶)

- عضو خانواده وزنی (مفاعلن مفتعلن فاعلن)
- این وزن از نظر تئوری عضو بحر دودویی 8/ 0xFA (مفاعلاتن مفعولن) می‌تواند باشد اگر به شکل (مفاعلاتن مفعولن مفا) تقطیع شود.

0x324

(1100100100) فعلن فعلن فعلن فَ – (مهِ جان مهِ جان مهِ جان مه)

تو که عهد وفا بگسستی

دل من به جفا بشکستی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۵)

- عضو بحر دودویی « فَعِلن» 0x4/3

0x32B

مستفعلن مفاعلُ مستف - لاتن مفاعلن فعلاتن

(1100101011) (شد ماه ماهِ ماه دلارا) (جانی بتی بتی مهِ جانی)

امروز هیچ خلق چو من نیست

جز رنج از این ضعیف بدن نیست (مسعود سعد سلمان) (نجفی* :۲۹۷)

دیدی دلا که یار نیامد
گَرد آمد و سوار نیامد (اخوان ثالث) (ارغنون،ناشر مروارید ، ۱۳۷۰، ص۱۰۸)
دیگر در انتظار که باشم
زیرا مرا هوای کسی نیست (نادرپور) (نجفی* : ۲۹۷)
مردی ز باد حادثه بنشست
مردی چو برق حادثه برخاست (شاملو) (نجفی* :۲۹۸)
ابرو به هم کشید و مرا گفت
دیگر شکار تازه نداری (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۳۲)

جوانی گسست و چیره زبانی
طبعم گرفت نیز گرانی ▶ (رودکی) (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۸)
تا چند ازین مجادله کردن
ای خون من گرفته به گردن (المعجم ، شمیسا: ۱۷۱)
ترکان نغز نیکو دیدار
چابک سوار شیرین رفتار (المعجم ، شمیسا: ۱۷۴)
از کار رفته هیچ میندیش
وز نامده هنوز مکن یاد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۷)

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)
- « از شاعران معروف گذشته فقط مسعود سعد این وزن را به کار برده است ، اما بسیاری از شاعران معاصر پس از شعر بهار از این وزن استقبال کرده اند . » (نجفی،۱۳۸۴ : ۵۶۹)

0x32D
(1100101101) فاعلاتن فعل فعلاتن- فاعلیاتُ مفتعلاتن – (دلبرا دلبرا شکرینا)

زندگی با هوای تو کردم
دین و دل را فدای تو کردم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۵)

- عضو بحر دودویی « فاعلاتن مفاعلتن » 0x12D/9

0x333

لاتن فعلاتن فعلاتن

(1100110011) (جانی مه‌ِ جانی مه‌ِ جانی)

تا کی دَوَم از گرد در تو

کاندر تو نمی بینم چربو (شهید بلخی) (نجفی❋ : ۱۴۹)

از دست و زبان که بر آید

کز عهدی شکرش به در آید (سعدی) (نجفی❋ : ۲۵۳)

برخیز ز خواب ای صنم شرق

برخیز و به پا کن علم شرق (ابولقاسم لاهوتی) (پناهی، ج۱ : ۲۰۸)

در جامه‌ی شطرنجی زیباش

مستانه خرامید به سویم (فریدون تولی) (پناهی، ج۱ : ۲۰۸)

سرو است و بر او ماه منقَّش

ماه است و بر او مشک معقّد (انوری) (المعجم) (نجفی❋ : ۱۴۹)

دلدار من آن ترک پریزاد

کش نیست به خوبی به جهان یار (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۰)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُ » 0x3/4

0x339 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x339-0//10 حالت غیر دوری

(2*10100) مفتعلاتن ❋۲ – (آن مه‌ِ جان کو)❋۲

جامه‌دران دلدارِ من آمد

مطربِ دل بنْواز تو بربط (ابوالحسنی)

0x339-5//5 حالت دوری

(2//10100) مفتعلاتن //۲ – (آن مهِ جان کو)//۲

از ره صورت //باشد چون او
گونه‌ی عنبر //دارد و لادن ▶ (فرخی) (نجفی* : ۲۰۳)
می رسد ای جان // باد بهاری
تا سوی گلشن // دست برآری (مولانا) (نجفی* : ۲۰۳)
نرگس مستت //فتنه‌ی مستان
تشنه‌ی لعلت //باده پرستان (خواجوی کرمانی ، ماهیار:۱۸۲)
غمزده‌ای را //دل ننوازی
دل‌شده ای را //چاره نسازی (جامی) (نجفی* :۲۰۴)
یار من آمد// دل بدهیدش
جان بفشانید //سر بنهیدش (مظاهر مصفا) (پناهی، ج۱ : ۱۸۰)
فرصت مهتاب//پنجره ها باز
شب همه اندوه//من همه آواز (سید علی میر افضلی) (پناهی، ج۱ : ۱۸۰)

تا که جهان را //لیل و نهار است
روز بداندیش//شام سیه باد (معیارالاشعار؟) (نجفی* :۲۰۴)
خال سیاهت //نافه و عنبر
تنگ دهانت //حقّه‌ی شکّر
نوش لبانت //عیسی‌ی جانم
قد بلندت //جان و روانم (تحفه الهند : ۱۷۷)

- عضو بحر دودویی « مفتعلاتن» 0x16/5

0x33A

مفاعلاتن مفتعلاتن - (بیا بیا جانا شکرینا)

(1100111010) (بیا بیارا خرمن گلها)

باغ دلارا ، مسجد گل هاست
رواق مسجد گنبد میناست (علی اکبر رشاد) (پناهی، ج۱: ۱۷۹)

- عضو بحر دودویی 0x33A/10 («مفاعلاتن مفتعلاتن »)
- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

بیا که ما را تاب صبوری//نماند بی روی تو نگارا
ز وصل خود خوش دار زمانی//چو می‌توانی خاطر ما را
(لطف الله نیشابوری در پناهی ، ج۵ :۱۸۳) (طبیب‌زاده٭ :۲۹۰)

0x34A

مفاعلن فعلن مفاعلْ - مفاعلاتُ مفاعلاتن

(1101001010) (بیا غزال بیا غزالم)

به حال ما نظری نداری
ز درد ما خبری نداری (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار٭: ۶۴۹)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتُ» 0xA/5

0x34B

مستفعلن فعلاتُ مستف – مستفعلاتُ مفاعلاتن

(1101001011) (جانی بتی مهِ دل تو جانی)

آن دل که لطف و صفا ندارد
بی شبهه ره به خدا ندارد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار٭: ۶۴۹)

- عضو بحر دودویی 0x4B/8 («مستفعلن فعلاتُ»)

0x34D

(1101001101) فاعلن مفتعلن مفاعل – (دلبری ای مهِ من تو دلبر)

دلبرا کن نظری به حالم
بنگر این خسته دلم شد از دست (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x4D/8 (« فاعلاتن فعلاتُ» « فاعلن مفتعلن مَ »)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده٭ : ۳۴۰)

0x353

مستفعلُ فاعلاتُ مستف - لن مفتعلن مفاعلن مف

(1101010011) (ساقی بده آن شراب ساقی)

در جنب علوّ همتت چرخ

مانندهٔ وُشم پیش چَرغ است (ابوسلیک گرگانی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۲)

چون تو طمع از جهان بریدی

دانی که همه جهان کریم اند (رودکی) (نجفی* :۴۰۰)

برگردد بخت از آن سبک‌رای

کافزون ز گلیم خود کشد پای (نظامی) (نجفی* :۴۰۱)

دیر آمده‌ای مرو شتابان

ای رفتن تو چو رفتن جان (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ : ۲۰۸)

ور گوش رباب دل بپیچی

در گفت آیم که تن تنن تن (مولانا) (غزل ۱۹۳۴)

بنشینم و صبر پیشه گیرم

دنباله کار خویش گیرم (سعدی) (نجفی* :۴۰۱)

حسن تو همیشه در فزون باد

رویت همه ساله لاله گون باد (حافظ) (وحیدیان‌کامیار*:۲۹۸)

ای دیو سپید پای در بند

ای گنبد گیتی ای دماوند (بهار) (آهی ، ۱۳۵۷ :۸۳)

شمشیر ، برنده ، کف ، دهنده

خود هر چه جز این بود محال است (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۷)

پر نور جهان ، سیه و تنگ است

تا با شمن آن بتم به جنگ است (فرالاوی) (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۰)

صد بارم بیش اگر کشی زار

برخیزم تا کُشی دگربار (سیفی، رساله عروض جامی) (نجفی* :۴۰۲)

- عضو بحر دودویی 0x53/8 («مستفعلُ فاعلاتُ» « لن مفتعلن مفاعِ »)

- یکی از هشت وزن مناسب برای مثنوی است که تحفه العراقین خاقانی و لیلی و مجنون نظامی به آن سروده شده است . (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۶۲۸)
- در این وزن عطار«مجموعا ۱۰۷ غزل و سعدی ۳۶ غزل دارد شگفتا که حافظ فقط ۵ غزل سروده است» (مدرسی*: ۳۶۵)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- « بعضی از شاعران ، وزنهای ضربی و شاد را برای سرودن مرثیه به کار گرفته اند و پیداست که آن مراثی زاده‌ی عواطف شاعر نبوده و جنبه‌ی فرمایشی داشته است ، مانند مرثیه‌ی خاقانی که در رثای امیری در وزن مفعول مفاعلن فعولن سروده است که وزنی شاد است:

ای قبله‌ی جان کجات جویم　　جانی و به جان هوات جویم

... همین خاقانی آنجا که مرگ جانگداز فرزند آتش به جانش می زند مرثیه ای سوزناک با وزن طبیعی و متناسب با مضمون از درونش بر می خیزد و فریاد بر می آورد:

صبحگاهی سر خوناب جگر بگشایید　　ژاله‌ی صبحدم از نرگس تر بگشایید

می بینیم که این مرثیه از دل دردمند شاعر برخاسته است و به درستی وزن خود را یافته است (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعِلن) (اصل وزن (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعِلن) است اما شاعر با استفاده از اختیارات شاعری وزن را سنگین تر ساخته است) » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۶۲)

- جزو «اوزان تند و کوتاه برای مفاهیم شاد به ویژه مثنوی هایی که مضمون شاد دارند یا اشعار کودکانه » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۴)
- بر این وزن سروده شده است: تحفه العراقین (خاقانی) ، لیلی و مجنون (نظامی) ، لیل و مجنون (امیر خسرو) ، لیلی و مجنون (مکتبی) ، لیلی و مجنون (جامی) و ترجیع بند معروف سعدی

  بنشینم و صبر پیش گیرم

  دنباله‌ی کار خویش گیرم (درّه نجفی: ۲۴۰)
- طبق اختیار قلب (مفاعلن به جای مفتعلن) گاهی این وزن در قدیم با وزن (1100110011) یعنی کد وزنی 0x333 هم‌آوا در نظر گرفته می‌شد . مثلا در شعر زیر (نجفی* : ۱۵۰) مصرع سوم با وزن 0x333 و باقی با وزن 0x353 است

  آواز خوش تو به همه روی

  نزدیک من ای لعبت فخار

  زآواز نماز بامدادین

  در گوش غمین مردمِ بیمار (معروفی) (نجفی* : ۱۵۰)

- « {ناصر خسرو} وزن قصیده ای از آن خود را در بیت پایانی باز می‌نماید وبحر آن را مشخص می‌کند:
بر بحر هزج بگفت و تقطیع || طق طاق تنن تنن تنن طق» (عیدگاه طرقبه‌ای : ۱۰۰)

- مادر یک خانواده وزن ۲ عضوی:

خانواده وزن (11-0101-0011) - مستفعلُ فاعلاتُ مستف		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x353	(11-0101-0011)
2	0x1AF	(11-0101-111)

0x355

مستفاعلن مفاعلاتن - فاعلاتُ فاعلاتُ فاعل

(1101010101) (ماهتاب ماهتابِ ماهی)

تا رُخت مقیدِ نقاب است
دل چو پیچه ات به پیچ و تاب است
مملکت چو نرگست خراب است
چاره‌ی خرابی انقلاب است (عارف قزوینی) (پناهی، ج۲: ۱۵)
دل ز دست غم مفر ندارد
دیده غیر اشک تر ندارد (عارف قزوینی، تصنیف) (نجفی❊ : ۱۷۳)
فجر صادق از کرانه سر زد
رایتِ سحر به بام و در زد (حمید سبزواری) (پناهی، ج۲: ۱۵)

- عضو بحر دودویی «فَعلُ» 0x1/2

0x356

فعولن مفاعلن فعولن

(1101010110) (نگارا بیا بیا نگارا)

درآمد نگار من ز می مست

برقص آی مطربا بزن دف (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x56/7 («فعولن مفاعلن»)

0x359

مفتعلاتن مفاعلاتن - مفتعلن فاعلاتُ مفتع- لن فعلاتن مفاعلن فع

(1101011001) (دلبرِ جانی غزالِ جانی) (آن مهِ جان گشت یار آن مه)

زود شود باز ، بسته‌ی تو

عاشق از دام جسته‌ی تو (اوحدی مراغه ای) (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۸۳)

ای به تو برپای شهر یاری

وی به تو برجای پادشایی (مسعود سعد) (نجفی* : ۳۵۷)

ای می لعلِ تو کام دندان

جعد تو زنجیر پای بندان

کفر تو ایمان پاک دینان

درد تو درمان دردمندان (خواجوی کرمانی) (پناهی، ج۲: ۳۷)

ناله چو مرغ سحر زن ای دل

نغمه‌ی پر شور و شر زن ای دل (الهی قمشه‌ای) (وحیدیان‌کامیار*:۵۴۶)

ای شب وحشی که در شکافت

می شکفد بیشه های بیدار

هندسه‌ی کائنات ، مسخ است

در تو به دیدار و هم شنیدار (شفیعی کدکنی) (پناهی، ج۲: ۳۷)

روی مگردان ز من حبیبی

زانکه تو درد مرا طبیبی (المعجم ، شمیسا: ۱۶۸)

دور شد از من قرار و آرامم

تا شدم از پیش آن صنم دور ► (المعجم ، شمیسا: ۱۶۸)

- عضو بحر دودویی 0x59/8 («لن فعلاتن مفاعِ» «مفتعلن فاعلاتُ»)

0x35A دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x35A-0//10 حالت غیر دوری

(1101011010) مفاعلاتن ‎*‎۲ – (بیا نگارا)‎*‎۲

از آن زمانی که آورم یاد
بهار آن شهر سرد و دلگیر
کنار آن شاخه گلابی
نهاده سر بر درخت انجیر(شرف) (نجفی* : ۲۱۵)
چو چشمِ مست تو می‌پرستم
چو درج لعل تو نیست هستم (خواجوی کرمانی) (نجفی* : ۲۱۵)

0x35A -1A//1A حالت دوری

(2//11010) مفاعلاتن //۲ – (بیا نگارا)//۲

گلِ بهاری// بت تتاری
نبید داری //چرا نیاری (رودکی) (نجفی* :۲۱۴)
بیار ساقی//شراب باقی
که همچو چشمِ// تو نیم‌مستم (خواجوی کرمانی) (نجفی* : ۳۷۴)
چو تشنه بودند// ز ساغر مرگ
به کامشان ریخت//زمانه باده (ادیب الممالک) (نجفی* : ۲۱۶)
نکاهدم بار// فزایدم درد
نخواهدم یار // چه بایدم کرد (بهار) (نجفی* : ۲۱۶)
ز من نگارم // خبر ندارد
به حال زارم //نظر ندارد (بهار، تصینف «زمن نگارم») (بهار:۱۱۷۵)
اگر بدانی //که بی تو چونم
مرا در این غم// روا نداری (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۵)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5
- فرزاد این وزن را از ابتکارات رودکی می دانست . (شمیسا،۱۳۷۶: ۷)

- دکتر محجوب این وزن را یکی از وزن های غریب و نامانوس دوره‌ی سامانی می داند . (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۹۴)

0x35B

میفاعلاتن مفاعلاتن – مستفعلن فاعلاتُ مستف

(1101011011) (جانا نگارا بیا نگارا)

مجلس بساز ای بهار پدرام

وندر فکن می به یک منی جام

همرنگ رخسار خویش گردان

جام بلورینه از می خام (فرخی سیستانی) (نجفی* : ۵۸)

هر عقل و دانش که بر خطا نیست

الا نکوکار و پارسا نیست (الهی قمشه‌ای) (پناهی ، ج۲: ۱۶۷)

هم‌صحبتِ دل خیال وصلش

هم‌بزم جان ناله‌ی فراقش (الهی قمشه‌ای، ماهیار:۱۹۱)

گشتم به درد از تو من نگارا

آن به که یک ره کنی مدارا (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۲)

بیرون شد از احتراق بهرام

وآورد زی شاه ماه پیغام (المعجم ، شمیسا: ۱۶۹)

- عضو بحر دودویی 0x5B /8 (مستفعلن فاعلاتُ)
- ضرب المثل: «دیوانگی شاخ و دم ندارد» ، «پیغمبران را تکبری نیست» (پناهی، ج۲: ۱۶۸)
- «تقی وحیدیان می‌گوید :...در کتب عروض فارسی و عربی چنین وزنی وجود ندارد و حتی نامی هم نمی‌توان برایش پیدا کرد و پیداست از ابداعات خود فرخی است» (نجفی* : ۵۸)

0x35D

فاعلاتن فاعلن فعولن – فاعلاتن فعلُ فاعلاتن

(1101011101) (دل‌ستانم گشته دل‌ستانم)

جلوه‌گر شد آیه تبارک

مقدم ابن الرضا مبارک

حوریان در راه او نشسته

گل به کف بگرفته دسته دسته (محمد موحدیان (امید) در پناهی ، ج۵ :۱۶۱) (طبیب‌زاده* :۱۹۴)

- عضو بحر دودویی « فاعلاتن فعلُ » 0x1D/6

0x35F

فعِلن فعِلاتن مفاعلاتن

(1101011111) (جانی مهجانی بیا بیارا)

از طاعت برشد به قاب قوسین ▶

پیغمبر ما از زمین بطحا (ناصر خسرو)

(دیوان ناصر خسرو ، ناشر: دانشگاه تهران, دانشگاه مک گیل ، ۱۳۵۷ ، ص ۴۰۶)

باز آمد یارم به شادکامی

کی باشم شاد ار کنون نباشم (المعجم ، شمیسا: ۱۹۰)

- عضو خانواده « فعِلن فعِلاتن مفاعلاتن»

0x365

فاعلن فعلاتن فعولن – فاعلن فعلاتن مَفاعل

(1101100101) (دلبری چه نگاری نگاری) (مهرخی مهِ جانی تو مهرخ)

نازنین صنمی کز شکر خند

برده لعل لبش رونق از قند (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۴)

- عضو بحر دودویی 0x65/8 (« فاعلن فعلاتن مَ » «فاعلاتُ مفاعیلُ»)

0x36B

مستفعلن فعولن فعولن – مستفعلاتُ مستفعلاتُن

مستفعلن مفاعیلُ مستف

(جامی بیار جامی بیارم)

(جانا بیا بیارا بیارا) (1101101011)

از هجرت ای بت گل عذارم

تا کی خزان پسندی بهارم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۹)

باران رحمت بی‌حسابش (نثری ازگلستان سعدی) «نجفی* :۲۲۱»

- عضو بحر دودویی 0x6B/8 («مستفعلن مفاعیلُ»)
- عضو بحر دودویی « مستفعلاتُ» 0xB/5

0x36D

فاعلن فاعلن فاعلن فا – فاعلن فاعلن فاعلاتن

(شد بتم شد بتم شد بتم شد)

(ای فسانه فسانه فسانه) (1101101101)

خوش بود فرش تن نور دیده ||خوش بود مرغ جان بپّریده

جان نادیده خسیس شده جان دیده رسیده در دیده (مولوی) (شمیسا*: ۹۵)

چون به زندان هارون کافر

مبتلا گشت موسی‌بن جعفر

می سرود آن شه دین مکرر

ای دریغا که از ظلم هارون

اندرین محبسم شد جگر خون (اختر طوسی) (آهی ، ۱۳۵۷: ۱۴۳)

لَیسِ فی طَیْلَسانی سِوا هو

فاخته وار، چندی به «کوکو»

یاوه هر سو مپو! ای خدا جو

من خدا من خدا من خدایم ♫ (ادیب نیشابوری) (دیوان ، ناشر : بنیاد ، ۱۳۶۷ ، ص۲۲۶)

بنده را پادشاهی نیاید|| از عَدَم کبریائی نیاید

بندگی را خدائی نیاید|| از گدا جز گدائی نیاید

من گدا، من گدا ، من گدایم ♫ (حبیب خراسانی) (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰: ۳۴۹)

چند گویی چرا مانده ویران
هند و افغان و خوارزم و ایران (بهار) (۱۲۸۷ ش) (نجفی* :۴۹)
ای فسانه فسانه فسانه ♫ || ای خدنگ تو را من نشانه (نیما یوشیج) (نیما یوشیج : ۴۲)

بانگ برداشتم آه دختر
وای از این مایه بی‌بند و باری (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۳۳)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

- «سالها قبل از نیما ، اختر طوسی ابیات فراوانی در این بحر دارد. » (آهی ، ۱۳۵۷ :۱۴۳)
- یکی از هشت وزن مناسب برای مثنوی است که افسانه نیما یوشیج و مثنوی استاد فروزانفر و مثنوی اردیبهشت نامه استاد رعدی آذرخشی بر این وزن است . (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۶۳۳)
- «این وزن در آغاز توسط حبیب خراسانی و ادیب نیشابوری مورد استفاده قرار گرفته است و در شعر قدیم فارسی بی سابقه است . در یک کتاب عروض عربی ، قطعه ای به این وزن یافتم » که نام کتاب به خاطرم نیست . «ابتدا میرزای ادیب شعر خود را گفته است و مرحوم حاج میرزا حبیب در پاسخ او شعر را سروده است » (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰ :۳۴۹) (منظور اشعار «من خدا من خدا ...» و «من گدا من گدا ...» است .)
- «ظاهرا نیما جایی گفته این وزن را از کلیم نیشابوری گرفته است اما من آن را در دیوان کلیم نیافتم . » (نجفی،۱۳۸۴ : ۵۷۰)

0x376

فعولن فعولن فاعلاتن – فعولن مفاعیلن فعولن

(1101110110) (نگارم نگارم شد نگارم)

شبی در هوایت گریه کردم
نبودی برایت گریه کردم (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۹۶)

- عضو بحر دودویی 0x76/7 (فعولن مفاعیلن)

0x37B دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x37B-0//10 حالت غیر دوری

(1101111011) مستفعلن مفعولن فعولن

جان برخی آذربایجان باد ▶

این مهد زرتشت مهد امان باد (عارف قزوینی) (نجفی❋ : ۲۵۹)

می‌سوختم دوش از آرزویش|| پروانه وش گرد شمع رویش ▶

می زد تجلّای عشق نقشی ▶ || بر لوح دل از خطّ نکویش

گفتم بتا ناز و قهر تا کی ▶ || گفتا نکو نازک است خویش ▶ (الهی قمشه‌ای) (نجفی❋ : ۲۵۹)

0x37B -D//D حالت دوری

(2//11011) مستفعلاتن//۲- (جانی ز جانی)//۲

گفتم که ای جان// خود جان چه باشد

ای درد و درمان//درمان چه باشد(مولانا) (نجفی❋ :۱۱۷)

افتاده بازم // در سر هوایی

دل باز دارد//میلی به جایی (عبید زاکانی) (نجفی، ۱۳۹۰ : ۱۱۶)

چندان که گفتم// غم با طبیبان

درمان نکردند// مسکین غریبان (حافظ) (نجفی❋ :۱۱۷)

ای کوی عشقت //سر منزل ما

حل کرده وصلت //هر مشکل ما (عماد فقیه ، ماهیار: ۱۹۰)

می گفت لیلی //روزی به مجنون

از حسن من شد// عشق تو افزون (مجذوب علیشاه: ماهیار: ۱۹۰)

بر من گذشتی//سر برنکردی

از عشق گفتم//باور نکردی (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۳۳)

درد جدایی// کشته ست ما را

کس را مبادا //درد جدایی (حمید کازرونی) (المعجم ، شمیسا: ۲۰۱)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلن» 0x15/5

- «در مجمل التواریخ ص ۵۴۱ بیتی به پهلوی آمده است: « واضح است که این کلمات پهلوی شعر بوده است و باید چنین نوشته شود:

ساروی جم کرت ، بهمن کمر بست   دارای دارا ، گرد هم آورت

که اتفاقا وزن عروضی دارد: مستفعلن فع مستفعلن فع دوبار که مقفی هم هست . » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۲۱)

- «مولانا در همین وزن ده غزل (۱۴۸) بیت پرداخته (سماع وزن، ص۵۲۸) » (نجفی❋ :۶۶)

0x37D

(1101111101) فاعلاتن فاعلْ فاعلاتن – (دل‌ستانی جانی دل‌ستانی)

از غمت، ای دلبر، بحر خونم

تا نیایی روزی در جنونم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x3D/6 (فاعلاتن فاعل)

0x392

(1110010010) فعل فعلن فعلن فعِلن – (بیا مهِ دل مهِ دل مهدل (غزالِ غزالِ بیابانی)

شهید توام نگهی یارا

که از نگهت بشوم مانا (ابوالحسنی)

- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❋ : ۱۸۷)

0x393

(1110010011) فعِلن فعلن فعِلن – مستفعلتن علتن مستف (مهدل مهِ دل مهِ دل مهدل)

ای مرکز دایره ی امکان ▶

وی زبده ی عالم کون و مکان

تو شاه جواهر ناسوتی ▶

خورشید مظاهر لاهوتی ▶ (شیخ بهایی ، مثنوی شیر و شکر) (کشکول شیخ بهایی، نشر زرین ، ۱۳۷۷، ص۱۷۲)

هر جا که به سوی تو می‌بینم
یک جا همه روی تو می‌بینم (کمپانی اصفهانی در پناهی ، ج۳ :۱۳۳) (طبیب‌زاده❋ :۳۴۸)
ای ذکر تو ، درد مرا درمان
وی راح تو روح مرا ریحان (غلامرضا سازگار) (آهی ، ۱۳۵۷ :۲۱۴)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن علتن » 0x93/8

- «شیخ بهایی در مقدمه‌ی مثنوی ، به تازگی تجربه عروضی خویش در زبان فارسی توجه داشته می گوید:« این شکسته بسته یی چند است در بحر خبب که در میان عرب مشهور و در مابین شعرا عجم غیر مالوف ... » «این وزن که خلیل بن احمد آن را در عروض خویش نیاورده و اخفش آن را ثبت کرده است (کشف الظنون ۱۳۴۶/۲) در عربی بسیار خوش آهنگ و دلپذیر می نماید ولی در فارسی جز همین تجربه‌ی شیخ بهایی نمونه‌ی دیگری به یاد ندارم . اگر باشد تقلیدهای ضعیفی است که متاخرین از همین مثنوی او کرده اند . » قصیده‌ی عربی معروفی در این وزن از شاعری به نام ابولحسن حُصری که اندلسی است موجود است «این وزن در مغرب عالم اسلامی رواج یافته و آنجا محل تلاقی فرهنگ عربی و فرنگی است آیا هیچ ارتباطی میان این وزن و اوزان هجایی شعر اسپانیایی وجود دارد ؟ » (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۹ :۵۳۳)
- عضو خانواده « فعِلن فعلن فعلن فعلن» یا «فعلن❋۴»

0x394
(1110010100) متفاعلن فعلیاتن - (شکرا مها شکرا ماها)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

و نگاه کن به شتر آری//که چگونه ساخته شد باری
نه ز آب و گل که سرشتندش//از سراب و حوصله پنداری
(سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۵) ۶۴/۲

0x395

مستفاعلن فعلیاتن – تن مفاعلن فعلاتن مف

(1110010101) (شوقِ شوقِ شوقِ نگارینم) (گلرخی بتی مهِ جان گلرخ)

خیز و طعنه بر مه و پروین زن

در دل من آذر برزین زن

بند طره بر منِ بی دل نه

تیر غمزه بر من غمگین زن (بهار) (نجفی،۱۳۸۴ : ۵۶۴) (۱۲۸۳)

گر تو از وفا نکنی یادم

خون شود ز غم ، دل ناشادم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۴)

آتشم چه آتش جانسوزی

آه من زبانه‌ی من باشد (عبدالعلی نگارنده) (نجفی* :۳۱۰)

چه غروب بی نفس تنگی

مژده در غریو کلاغش نیست (یدالله رویایی) (نجفی* :۳۱۱)

شعله‌ها به هم گره می‌خوردند

شاخه‌ها به هم تنه می‌سودند (یدالله رویایی) (نجفی* :۳۱۱)

- عضو بحر دودویی 0x95/8 («تن مفاعلن فعلا» «فاعلن مفاعلتن»)
- «این وزن در شعر فارسی بی سابقه است ... این قصیده را بهار در ۱۲۸۳ قبل از بیست سالگی سروده است »

  (نجفی،۱۳۸۴ : ۵۶۴)
- سیمین بهبهانی با دو بندی کردن این وزن غزلی سروده است . (کد 0xE5795)

0x396

(1110010110) مفاعیلتن فعلیاتن ـ (نگاری مها چه نگاری مه)

دلم برده ترک دلازاری

ستم پیشه لعبت عیاری (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۱)

- عضو بحر دودویی 0x16/6 (فعولن فعولُ)

0x399

مفتعلن مفتعلن مفتع –

(1110011001) (شد مه جان شد مهِ جان شد مه)

چتر مَلِک گشت خراسانی

شه سفری گشت به آسانی (داوری شیرازی) (پناهی، ج۲ :۹۴)

گر بکشی ور نکشی ما را

نیست غم ار سر نکشی یارا (جامی) (نجفی❋ : ۱۸۶)

ارج من امروز نداند کس

ویژه به دم سردی و خاموشی

لعلم و در سنگ شکیبایی

گنجم و در غار فراموشی (توللی) (پناهی، ج۲ :۹۴)

چند خورم از تو بتا ضربت

چند زنی بر دل من حربت (المعجم ، شمیسا: ۱۸۵)

پسته‌ی تو هست شفای دلم

زانکه شد او خسته‌ی بادامت ◀ (معیارالاشعار) (نجفی❋ : ۱۸۶)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4
- ضرب المثل: «کوزه‌ی نو آب خنک دارد » «کاسه‌ی همسایه دوپا است »
  (پناهی، ج۲ : :۹۴)

0x39A

(1110011010) مفاعلن مفتعلن فعِلن – (بتی بتی نو چه بتی نو بت)

دمی که آن فتنه به پا خیزد

ز قامتش فتنه بر انگیزد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۴۹)

مگر تو باران نوازشی

که خواب در چشم پنجره می کنی (سیروس شمیسا) (نجفی ،۱۳۹۰ : ۱۲۱)

0x39C دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x39C -0//10 حالت غیر دوری

(2*11100) (فعلیاتن) ❊۲ - (مهِ دل آمد)❊۲

به دلم از جنبش فروردین// هوس آن طرفه نگار آمد

بزن ای مطرب بزن ای مطرب// که زمستان رفت و بهارآمد

(مهدی حمیدی شیرازی) (نجفی❊ :۲۰۰)(وزن هر پاره)

0x39C -5//5 حالت دوری

(2//11100) (فعلیاتن) //۲ - (مهِ دل آمد)//۲

همه شب دارم //دلکی پر خون || شبکی مست از// می نابم کن

به یکی عشوه //به یکی افسون|| مه من مستم //کن و خوابم کن (مهرداد اوستا) (وحیدیان‌کامیار❊: ۷۱۴)

نه غم وصلم نه غم هجران

چه کنم زاری چه کنم افغان (المعجم؟) (خانلری: ۲۲۹)

صنما رویت بنما با من

بکنی تا کی تو جفا با من (عروض بابر:۷۳)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن» 0x1C/5
- « مسعود فرزاد می گوید: « با دو بار تکرار این رکن وزن متقارن خوش آهنگی به دست خواهد آمد این اکتشافی است نتیجه‌ی مطالعه‌ی دقیق عروض فارسی اما تا آنجا که من می دانم تا کنون هیچ یک از شاعران برجسته شعری در آن نسروده است . » » (کابلی:۹۱)
- «گویا این شعر {نه غم وصلم..} از خود خانلری باشد ولی فرزاد آن را به حساب المعجم گذاشته است.» (نجفی❊ :۲۰۲)

0x39F

(1110011111) مفعولن فعلن مفتعلن فعلن – (ای مهدل بازآ ای مهِ دل بازآ)

چون می نکنی خدمت مخدمی

کت گردد کار از همه سو بهتر (جمال الدین اصفهانی) (پناهی، ج۱: ۲۳۹)

0x3A5

(1110100101) فاعلن فعلن مفاعیلن

دین زاهد مرده دل از تو

دین عشق بتان مرا کافی‌ست (ابوالحسنی)

- شاهد نثر: «از سماع و مجالست حظّی» (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۱۸)
- « وزن سابقه داری» نیست (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۱۸)

0x3A9

مفتعلن مفاعلن مفتع – (عشوه بیا بیا بیا یارا)

(1110101001) (ای مهِ دل بیا بیا ای مه)

عهد صفا و خرمی طی شد

رفت بهار و نوبت دی شد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۲)

شب چو به پا کند سیه خیمه

خنده زند بر آسمان پروین (ضیا موحد) (طبیب‌زاده* : ۳۱۸)

دیدم در رباعی خیام

می‌گذرد چه با شتاب ایام ▶ (خرمشاهی) (خرمشاهی ، ۱۳۹۷)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن مفاعلن» 0xA9/8

0x3AA

(1110101010) مفاعلن مفاعلن فعِلن – (بیا بتا بیا بتا امشب)

چو قصه‌های بی سرانجامم

شرابِ تلخ مانده در جامم (لعبت والا در پناهی ، ج۵ :۱۰۱) (طبیب‌زاده* :۲۶۲)

- شاهد نثر: «به خواب دید پادشاهی را» (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۱۱)

0x3AB

(1110101011) مستفعلن مفاعلن فعِلن – (جانا بیا بیا بیا جانا)

از هجرت ای نگار زیبایم

آشفته حال و ناشکیبایم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۹)

من از گذشته با تو می گفتم

از چشم آبی تو می افتم (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۵۴)

خرسندم از رخت به دیداری

خشنودم از لبت به گفتاری (عروض بابر:۸۹)

- عضو بحر دودویی 0xAB/8 («مستفعلن مفاعلن»)

0x3AC وزن فرعی

(1110101100) فعلاتن مفاعلن فعِلن – (ماهِ جانی بیا بیا مهجان)

در شب کوچه راه می رفتیم

به ملاقات ماه می رفتیم ▶ (رضا عبداللهی) (دادگر:۷۱)

ماهِ من باش و ماه را بگذار

گلِ من شو گیاه را بگذار ▶ (حسین منزوی) (فیروزیان:۹۸)

- عضو خانواده وزنی 0x4AC ، (فعلاتن مفاعلن فعلن)

0x3AD وزن فرعی

فاعلاتن مفاعلن فعِلن – فاعلیاتُ فاعلیاتُ

(ماهِ جانی بیا بیا مهجان) (شد بتم مست شد بتم مستی)

(1110101101) (ای پریرو پری پریرویی)

حالِ خونین دلان که گوید باز؟

وز فلک خونِ خُم که جوید باز؟ (حافظ ، غزل ۲۶۲ قزوینی)

- عضو بحر دودویی « فاعلیاتُ» 0xD/5
- عضو خانواده وزنی 0x4AC ، (فعلاتن مفاعلن فعلن)

0x3AF

لن مفتعِلن مفاعلن مفتع- مفعولن فاعلاتُ مفعولن

(1110101111) (هستی مهدل نگار هستی مه)

کی باشد کاین قفس چمن گردد ▶
وندر خور گام و کام من گردد (مولانا، غزل ۶۸۷)

هیچ اثر زان شب سیاه نماند ▶
اهرمن رفت و ماند یزدانا (بهار) (پناهی ، ج۲: ۴۴)

دلدارم حال من نمی‌داند
وز رویم قصه برنمی‌خواند (؟) (آهی ، ۱۳۵۷: ۶۴)

دلدارم مستِ مستِ مستان شد
مطرب بربط بزن بشو رقصان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x2F/7 (مفعولن فاعلاتُ)
- عضو خانواده وزنی 0x753، مستفعلُ فاعلاتُ مستفعل

0x3B4

(1110110100) متفاعلن فاعلیاتن – (شکری دلارا دلارامم)

ز پری رخان دلبری دارم
که به جان از او آذری دارم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۶)

0x3B5

(1110110101)　　　　مستفاعلن فاعلیاتن – (دلبرا بیا دلبرا بازآ)

تا ز دلستانم جدا گشتم

با غمش به جان آشنا گشتم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۴)

- عضو بحر دودویی 0xB5/8 (مستفاعلن مستفا)

0x3B6

(1110110110)　　　　فعولن فعولن فعولن فع – (تو ماهی تو ماهی تو ماهی تو)

رُخت دل بدزدد نهان شود

دلم بر تو زان بدگمان شود (اوحدی مراغه ای)

(کلیات اوحدی مراغه‌ای ، به کوشش سعید نفیسی، ۱۳۴۰، ص۲۹۰)

سیه دامن خویشتن برچید

در آن دود با ناله‌ها غلطید (مهدی حمیدی در پناهی ، ج۳: ۱۸۹) (طبیب‌زاده* :۱۹۸)

در این حال مستی صفا کردم

تو را ای خدا من صدا کردم (معینی کرمانشاهی در پناهی ، ج۳: ۱۸۹) (طبیب‌زاده* :۱۹۸)

شبی از نگاهم سفر کردی

به گریه دلم را خبر کردی (شراره دادگر، دادگر:۲۹۷)

دل از تو بریدم خداحافظ

به پایان رسیدم خداحافظ (رضا عبداللهی ، دادگر:۲۹۷)

مرا با نگارم سخن باشد

نهانی سخن های چون شکّر (المعجم ، شمیسا: ۲۰۰)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3

0x3BB

(1110111011) مستفعلن مستفعلن فعلن – (مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه‌رو)

عمری‌ست کز عشق تو بیمارم
شب تا سحر با ناله‌ی زارم (الهی قمشه‌ای ، ماهیار:۱۸۸)
ای رفته و با خویشتن برده
از جان من آرام و تسکین را (جواد محبت) (شمیسا* : ۱۳۵)
ای گل ! همه فصلت بهاران باد
تقویم عمرت بی زمستان باد (حسین منزوی) (دادگر:۱۸۴)
شور شباهنگان، شب مهتاب
غوغای غوکان ، برکه نزدیک (اخوان ثالث) (نجفی* : ۱۰۹)
آید نوای تو به گوش من
ای آذرِ پیمانه نوش من (مهرداد اوستا) (نجفی* : ۱۱۰)
شب بود و تاریک و بیابان بود
باران و سرمای زمستان بود
یارم در آغوشم هراسان بود
از سردی افسرده و بی جان بود (ناصر رستگار نژاد ، تصنیف شب بود) (نصیری‌فر:۴۳۲)

هر کس به کار خویشتن شاید
بگزیند آن راهی که می‌باید (عروض حمیدی) (نجفی* : ۱۱۰)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4

0x3BD دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x3BD -0//10 حالت غیر دوری

(2*11101) فاعلیاتن ٭۲ – (ماهِ دلهایی)٭۲

«زن ،امیدت کو؟» این امید من || کو طلوعِ صبحِ سفیدِ من (نیما، خانواده سرباز) (نجفی٭ :۲۶۱)

0x3BD -5//5 حالت دوری

(2//11101) فاعلیاتن //۲ – (ماهِ دلهایی)//۲

بشنو ای فرزند//تا از این دفتر

خوانمت ، از بر //راز تیموری (ادیب الممالک) (وحیدیان‌کامیار٭: ۶۴۵)

شمع می سوزد// بر دم پرده

تا کنون این زن// خواب ناکرده (نیما،خانواده سرباز) (ماهیار : ۲۳۲)

آسمان سرخ است// کهکشانش نیز

ماه و مرّیخش //روشنانش نیز (سیمین بهبهانی) (نجفی٭ : ۹۸) (اردیبهشت ۵۸)

همچو آهویی//رفتی از دستم

همچو فانوسی//باز بنشستم (خرمشاهی) (نجفی٭ :۲۶۱)

ای حبیب من ای طبیب من

عشق روی تو شد نصیب من (؟) (تکرار شونده در ترانه‌های گوناگون)

- عضو بحر دودویی « فاعلیاتن» 0x1D/5

0x3C9

(1111001001) مفتعلن فعلاتن فعلن – (دلبرِ دلبرِ گل‌ها گل‌ها)

(ای مهِ دل مهِ دلها مهدل)

در پی عشق تو گشتم رسوا

وز غم هجر تو مردم صنما

گفتم یک یک من غم دل را

بر دل غمکش لطف بفرما (تحفه الهند : ۲۰۵)

{ وزن مصرع یک (مفتعلن فعلاتن فعلن) ، وزن مصرع دو (مفتعلن فعلاتن فعلن) ، وزن مصرع سه (مفعولاتن مفتعلاتن) و وزن مصرع چهار (مفتعلاتن //۲) است . }

0x3CA

(1111001010) مفاعلن فعلاتن فعِلن – (بیا بیا شکرا جانانا)

دو صد کرشمه به کارم کردی

به عشق خویش ، دچارم کردی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۰)

0x3CB

مستفعلن فعلاتن مستف

(1111001011) (جانی بتی مهِ جانی جانی)

دردِه مغانه می‌ام ای ساقی

برخوان ترانه‌ی شادی مطرب (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xCB/8 («مستفعلن فعلاتن»)

0x3CC

(1111001100) فعلاتن فعلاتن فعِلا – (مهِ جانی مهِ جانی جانی)

وه که در عشق چنان می سوزم

که به یک شعله جهان می سوزم ▶

سوختم گر چه نمی‌یارم گفت

که من از عشق فلان می‌سوزم ▶ (سعدی، غزل ۴۰۰ چاپ فروغی)

- عضو خانواده وزنی 0x4CC ، (فعلاتن فعلاتن فعلا)

0x3CD

(1111001101) فاعلاتن فعلاتن فعِلا – (ماهِ جانی مهِ جانی جانی)

ساکنان را ز چه در رقص آری ▶

ز آدمی و ملک و دیو و پری (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۶۸)

نخل امید ز بار افتاده ست

باغم از چشم بهار افتاده ست (کلیم کاشانی ، ماهیار: ۶۵)

- عضو خانواده وزنی 0x4CC ، (فعلاتن فعلاتن فعلا)

0x3D4

(1111010100) متفاعلن مفاعیلاتن – (چه بتی بتی بتی جانانی)

چو به دام عشق او افتادم

ز خیال عالمی آزادم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۵)

0x3D5

(1111010101) مستفاعلن مفاعیلاتن – (دلبری چه دلبری جانانی)

خیز و طعنه بر مه و پروین زن

در دل من آذر برزین زن (بهار) (دادگر:۳۲۷)

اینک این تمام من یعنی تو

انتها دوام من یعنی تو (آسیه خویی) (دادگر:۳۲۷)

0x3D6

(1111010110) مفاعیلتن مفاعیلاتن – (ز جانی بیا ز جانی بازآ)

نگارا به پرسشی یادم کن

وزاین بند محنت آزادم کن (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۱)

0x3DD

(1111011101) فاعلاتن فاعلاتن فاعل ـ- (از تو دورم از تو دورم از تو)

با خیالت چون سبو در جوشم

می‌کشم تا ناز تو بر دوشم (بیژن ترقی در پناهی ، ج۵ :۲۳) (طبیب‌زاده* :۲۱۹)

تا دلم در بند هستی باشد

بر سرم سودای مستی باشد (ادیب طوسی) (نجفی* : ۹۲)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

0x3DE دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x3DE -0//10 حالت غیر دوری

(2*11110) مفاعیلاتن ❊۲ – (نگارا بازآ)❊۲

بدیدم من بزمِ درناها را

سحر با عشّاقِ خود در رقصند (ابوالحسنی)

0x3DE -5//5 حالت دوری

(2//11110) مفاعیلاتن //۲ – (نگارا بازآ)//۲

به خود می‌پیچم//ندارم سامان

به کوه و صحرا//منم سرگردان (بیژن ترقی در پناهی ، ج۴ :۱۱۰) (طبیب‌زاده❊ :۲۲۳)

چه دیدی از من //حبیبم گلنار

که دادی آخر//فریبم گلنار (کریم فکور در پناهی ، ج۴ :۱۱۰) (طبیب‌زاده❊ :۲۱۹)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلاتن» 0x1E/5

0x3EB

لاتن مفاعلن فع‌لاتن مف- مستفعلن فعولن مستفعل

(1111101011) (جانی بتی بتی مهجانی بت) – (دلدار کن نگاهی دلدارا)

ای بلبل خوش آوا ، آوا ده

ای ساقیان قدح را با ما ده (رودکی) (نجفی❊ : ۲۹۷)

کار آن‌چنان که آید بگزارم

عمر آنچنان که آید بگسارم (مسعود سعد) (نجفی❊ : ۲۹۷)

برای حفظ میهن برخیزید

ریزید خون دشمن برخیزید (؟) (آهی ، ۱۳۵۷ :۱۶۳)

- عضو بحر دودویی 0x6B/7 («مستفعلن فعولن»)
- عضو خانواده وزنی 0x72B ، (لاتن مفاعلن فعلاتن مف)

0x3F3

(1111110011) مستفعلُ مستفعلْ مستفعلْ – (جانی مهِ جانی مهجانی)

آن نور که در آینه می رقصید

در خلوت دل با ما نجوا داشت ▶ (ابتهاج ، کتاب یادگار خون سرو ، شعر آزادی)

ساقی بده آن گلگون قَرقَف را

نایافته از آتشِ گز تف را (لوکری، المعجم) (نجفی❋ :۱۴۷)

- عضو خانواده وزنی ، (مستفعلُ مستفعلُ مستفعلْ) 0x733

0x3FC

فعلاتن فعِلاتن فعِلاتن

(111-111-1101) (مهِ جانی مهجانی مهجانی)

تو دمی بر سر گورم چو بیایی

ای مسیحا بر خیزم من از خاک ▶ (ابوالحسنی)

- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن» 0xCCC

0x3FD

فاعلاتن فعِلاتن فعِلاتن

(111-111-1101) (ماهِ جانی مهجانی مهجانی)

گر دمی بر سر گورم تو بیایی

ای مسیحا بر خیزم من از خاک ▶ (ابوالحسنی)

وز پس هر مشکل سرگردانی (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۱)

- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن» 0xCCC

0x3FF

لن متفعلن متفعلن مفتعلن –

(جان شد مهجان شد مهجان شد مهجان) (1111111111)

می گردم باشد کی پیشم افتی ►

ای راهنمای راه پیچیده‌ی من (مولانا، ماهیار: ۱۵۶)

زد لعل دهل زن دهل و رویین خم

دُم دُم دُم دُم دُم دُم دُم دُم دُم دُم ► ♫ (لطف الله شیرازی) (طبیب‌زاده❊ : ۲۵۴)

با یارم می گفتم این جورت چند (المعجم ، شمیسا: ۱۴۴)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1
- عضو خانواده وزنی رباعی 0x1333، لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

یازده هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x400	0x7FF	۱۰۲۴

0x492

علن فعلن فعلن فعلن– فَعولُ فَعولُ فَعولُ فَعولْ

(بتی چه بتی چه بتی چه بتی)

(10010010010) (شهیدِ شهیدِ شهیدِ شهی)

تو را نه به سوی غریب نگاه

مرا ز فراق تو حال تباه

خیال وصال تو عیش مدام

بلای فراق تو طیش تمام (تحفه الهند : ۲۰۲)

- عضو بحر دودویی « فَعولُ » 0x2/3

0x493

(10010010011) فعِلن فعلن فعلن فعلن – (مهدل مهِ دل مهِ دل مهِ دل)

ای مرکز دایره ی امکان

وی زبده ی عالم کون و مکان ▶

تو شاه جواهر ناسوتی

خورشید مظاهر لاهوتی

تا کی ز علایق جسمانی

در چاه طبیعت تن مانی (شیخ بهایی ، مثنوی شیر و شکر) (کشکول شیخ بهایی، نشر زرین ، ۱۳۷۷، ص۱۷۲)

ناله نزنم چه زنم چه زنم

دل‌خون نشوم چه شوم چه شوم (صفایی جندقی در پناهی ، ج۳ :۱۳۵) (طبیب‌زاده* :۱۸۸)

- این وزن محبوب اعراب و متروک ایرانیان است و مثنوی شیر و شکر شیخ بهایی در این وزن است . (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۶۳۳)
- این یک وزن مستقل است اما می‌تواند فرزند «فعلن*۴» هم باشد.

0x494

متفاعلن فعلن فعلن – (مهِ دل بیا مهِ دل مهِ دل)

(10010010100) (چه بتی بتی چه بتی چه بتی)

به سحرگهان که تو غنچه تنی

چه ترانه ها که سرایم از عشق (ابوالحسنی)

0x496

(10010010110) مفاعیلتن فعلن فعلن – (بیارا بیا مهِ ما مهِ ما)

برآنم که دل ندهم به کسی

نپویم دگر ز پی هوسی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۳)

0x499

(10010011001) مفتعلن مفتعلن فعلن – (ای مهِ دل ای مهِ دل مهِ دل)

ماه رخا بر همه روی زمین

جز تو مرا یار دگر نسزد[1] ◀ (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۳)

قبله‌ی من روی چو ماه تو شد

قبله از این به نبود به جهان (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۶)

0x49A

(10010011010) مفاعلن مفتعلن فعلن   - (بیا بیا ای مهِ دل مهِ دل)

هوای مهرت چو بُود به سرم

کجا بُود از دل خود خبرم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۲)

[1] («تقابل فاعلن و فعلن غلط است . احتمالا به جای «نسزد» در اصل «نی سزد» بوده است که به فاعلن تقطیع می شود . » (شمیسا*   : ۲۰۰) در این صورت وزن هر دو مصرع مفتعلن مفتعلن فاعلن می شود .)

0x4A9

(10010101001) مفتعلن مفاعلن فعلن - (ای مهِ دل بیا بیا مهِ دل)

دور مدار، ای صنم ز لبم ▶
تا بفزاید به دل در طربم (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۲)
خرمی بهارم از رخ اوست
شادی روزگارم از رخ اوست (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۵)

0x4AB

(10010101011) مستفعلن مفاعلن فعلن – (جانا بیا بتا بیا سحری)

گفتم ز او شکایتی نکنم
وز هجر او حکایتی نکنم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۱)

0x4AC

(10010101100) فعلاتن مفاعلن فعلا – (مهِ جانی بتی بتی مهِ جان)

شاد زی با سیاه چشمان شاد
که جهان نیست جز فسانه و باد ▶ (رودکی) (نجفی* : ۲۷۴)
مهتری گر به کام شیر در است
شو خطر کن ز کام شیر بجوی (حنظله بادغیسی) (نجفی* : ۲۷۴)
چونکه بهرام کیقباد کلاه
تاج کیخسروی رساند به ماه (هفت پیکر نظامی)(آهی ، ۱۳۵۷ :۱۷۸)
روز وصلم قرار دیدن نیست
شب هجرانم آرمیدن نیست(سعدی) (جلالی:۱۸۵)
درد عشقی کشیده ام که مپرس
زهر هجری چشیده ام که مپرس (حافظ ، غزل ۲۷۰ قزوینی)
تو وفا را مجو در این زندان ▶
که در این جا وفا نکرد وفا ▶ (مولانا ، غزل ۲۴۶)
در وصالت چرا بیاموزم
در فراقت چرا بیاموزم (مولانا ، غزل ۱۷۵۸)

دوش گفتم به زلف ، کای شبگرد
اسم شب ده که رسم شهر این است
زلف خم گشت و سر به گوش نهاد
گفت:آهسته ، اسم شب ، چین است (لعلی تبریزی) (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۱۷۵)
ای به فرهنگ و علم دریاؤ
لَیْسَ ما را به جز تو همتاؤ ...
این به اون وزنه که دقیقی گت:
«لی تلی لی تنا تنا اَؤ» ♫ (قصیده سه زبانه طبری – فارسی-عربی از قاضی هجیم) (اخوان ثالث ، ۱۳۷۴ :۴۳)

ای ز رای تو ملک و دین معمور
شب این ، روز و ماتم آن ، سور (المعجم ، شمیسا: ۱۹۱)
باغ سرمایه ای دگر دارد
کان شد از بس که سیم و زر دارد (انوری) (المعجم ، شمیسا: ۱۹۱)
دوش سلطان چرخ آینه فام
آنک دستور شاه راست غلام (المعجم) (شمیسا٭: ۹۴)
رنج بی مرهمی برد دلِ من
نیست جز غم زیار حاصل ِ من (المعجم ، شمیسا: ۱۶۹)
چه کنم چون مرا نخواهد یارم
به که نالم از این حکایت و حال ▶ (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۲)
چه کنم صابری چو صبر نماند
تنم از رنج صابری بگداخت (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۲)
چه گنه کردم ای نگار بگو
که ز من روز و شب گریزانی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۲)

مهِ موزون آفتاب لقا
وزنِ بحر خفیف جست از ما
فعلاتن مفاعلن فعلن
گفتم این است بحرش ای زیبا (ابو نصر فراهی:۲۴)
مفلساتن مفالسن فلسن
هست بحر سبک بدین آهنگ (وقارالسلطنه:۱۹)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن مفاعلن » 0xAC/8

- یکی از ۸ وزن مناسب برای مثنوی است که حدیقه سنایی ، هفت پیکر نظامی ، جام جم اوحدی مراغه ای و زنجیره الذهب جامی به آن سروده شده است . (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۶۲۷)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- «چهارمین حماسه‌ی نظامی بر حسب ترتیب زمانی ، اما اولین آنها از حیث ارزش هنری ، منظومه هفت پیکر است که وزن لطیف و زیبای آن ، با جوهر سبک و زیبای شعر هماهنگی دارد . » (تاریخ ایران کمبریج ، ج ۵: ۵۴۹) به نقل از (پناهی، ج۱ : ۴۶)
- حدیقه الحقیقه (سنایی) ، هفت پیکر(نظامی) ، جام جم (اوحدی مراغه ای) ، زنجیره الذهب (جامی) ، شاه و درویش (هلالی جغتایی) و ترجیع بند هاتف اصفهانی بر این وزن سروده شده اند.
- «در دوبیتی زیر ، وزن فوق (فعلاتن مفاعلن فعلن) با وزن «فعلاتن فعلاتن فعلن» آمیخته است و این البته عجیب می‌نماید (ظاهرا مربوط به قاعده‌ای [قلب] است که در آغاز شعر فارسی رایج بوده است).

نان ناکس بتر از مرگ فجیع	ذلّ تهمت بتر از ذلّ نیاز
(- U U / - - U U/- - U -)	(- U U / - - U U/- - U -)
هر که بشتافت بازپس‌تر رفت	زود بی‌تیر ماند، تیرانداز (ابولحسن آغاجی، قرن ۴ هجری)
(- - / - - U U/- - U -)	(- - / - U - U/- - U -) » (نجفی* :۲۷۵-۲۷۶)

- مادر یک خانواده وزن ۶ عضوی:

خانواده وزن (10010101100)- فعلاتن مفاعلن فعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x4AD	100-1010-1101
2	0x4AC	100-1010-1100
3	0x3AD	11-1010-1101
4	0x3AC	11-1010-1100
5	0x257	100-1010-111
6	0x1D7	11-1010-111

0x4AD

(10010101101) فاعلاتن مفاعلن فعلن - (برف نو برف نو سلام سلام)

شاد زی با سیاه چشمان شاد ▶

که جهان نیست جز فسانه و باد (رودکی) (نجفی* : ۲۷۴)

برف نو برف نو سلام سلام ♫

بنشین خوش نشسته‌ای بر بام (شاملو) (نجفی* :۲۷۵)

- عضو خانواده وزنی 0x4AC ، (فعلاتن مفاعلن فعلن)

0x4AF

(10010101111) مفعولن فاعلاتُ مفتعلن – (جانا جانا بیا بیا شکرا)

مرد چو با خویشتن شمار کند

داند کاین چرخ می شکار کند (ناصر خسرو) (پناهی، ج۲: ۴۴)

0x4B2-۵//۶

مفاعلتن مف مفاعلتن – مفاعلُ فعِلن مفاعلُ فع

(10010110010) (پری نظری کن پری نظری)

اسیر غمت را//نمانده دگر

نه ذوق تماشا // نه شوق سفر

نهال امیدم//نداده ثمر

غم تو چنانم//گرفته به بر (بیژن ترقی در پناهی ، ج۵ :۷۹) (طبیب‌زاده* :۳۰۱)

- عضو بحر دودویی 0x32/6 («مفاعلُ فعِلن»)

0x4B4

(10010110100) متفاعلن فاعلن متفا - (مهِ دلبری دلبری مهِ دل)

چو گذر کند ، از مقابل من

به هوای او پر زند دل من (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۸)

- عضو بحر دودویی 0xB8/8 («متفاعلن فاعلن»)

0x4B6

(10010110110) فعولن فعولن مفاعلتن - (بتی نو بتی نو بتی چه بتی)

به سوی دگر جز تو رو نکنم

به جز، از غمت گفتگو نکنم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۴)

0x4BB

(10010111011) مستفعلن مستفعلن فعلن - (مهدل بیا مهدل بیا مهِ دل)

از عشق او من در جهان سمرم

می سوزد از هجران او جگرم (المعجم ، شمیسا: ۱۸۵)

0x4C9

(10011001001) مفتعلن فعلن مفتعلن – (ای مهِ دل مهِ دل ای مهِ دل)

در عجبم که بدین روی نکو

از چه بُود ستمت عادت و خو (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۶)

در پی عشق تو گشتم رسوا

وز غم هجر تو مردم صنما

گفتم یک یک من غم دل را

بر دل غمکش لطف بفرما (تحفه الهند : ۲۰۵)

- { در شاهد تحفه الهند وزن مصرع یک (مفتعلن فعلاتن فعلن) و مصرع دو وزن (مفتعلن فعلاتن فعلن) و وزن مصرع ۳ (مفعولاتن مفتعلاتن) و وزن مصرع چهار (مفتعلاتن //۲) است . }
- عضو بحر دودویی 0x49/7 (مفتعلن فعلن)

0x4CC

(10011001100) فعلاتن فعلاتن فعلا – (مهِ جانی مهِ جانی مه جان)

صرصر هجر تو ای سرو بلند

ریشه‌ی عمر من از بیخ بکند (رودکی) (نجفی* :۱۲۶)

کاشکی جز تو کسی داشتمی

یا به تو دسترسی داشتمی (خاقانی) (نجفی* :۱۲۶)

تو چرا جمله نبات و شکری ▶
تو چرا دلبر و شیرین نظری ▶ (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۶۸)
من از اینجا به ملامت نروم
که من اینجا به امیدی گروم (سعدی) (نجفی❊ :۱۲۷)
گر بدانم که جهان دگری ست
وز پس مرگ همانا خبری ست (بهار) (بهار:۸۶۶)

ای به شاهی ز همه شاهان فرد
مشتری طلعت مرّیخ نبرد (المعجم ، شمیسا: ۱۵۸)
دلم ای دوست تو داری ، دانی
جان ببر نیز ، نه می نتوانی (المعجم ، شمیسا: ۱۵۶)
دلم ای دوست تو داری ، دانی
جان ببر نیز ، نه می نتوانی (المعجم ، شمیسا: ۱۵۶)
دلم از عشق تو شد خسته و ریش
تو مکن جور بر این عاشق خویش (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۳)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4

- «یکی از هشت وزن مناسب برای مثنوی است که سبحه الاحرار و هفت اورنگ جامی در این وزن است . پیش از جامی کسی در این وزن مثنوی کامل نسروده بود و جامی در مقدمه هفت اورنگ می گوید که امیر خسرو دهلوی ابیاتی چند در این وزن سروده است . از معاصران ایرج میرزا و شهریار مثنوی های انقلاب ادبی و افسانه شب را در این وزن سروده اند . » (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۶۳۰)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- «عطار در این وزن و مسبغ آن ۱۲ غزل دارد ، حافظ هیچ ندارد و سعدی یک غزل دارد . » (مدرسی❊:۱۱۴)

- « بعضی از شاعران ، وزنهای ضربی و شاد را برای سرودن مرثیه به کار گرفته اند و پیداست که آن مراثی زاده‌ی عواطف شاعر نبوده و جنبه‌ی فرمایشی داشته است مانند مرثیه‌ی خاقانی که در رثای امیری در وزن مفعول مفاعلن فعولن سروده است که وزنی شاد است:

ای قبله‌ی جان کجات جویم   جانی و به جان هوات جویم

... همین خاقانی آنجا که مرگ جانگداز فرزند آتش به جانش می زند مرثیه ای سوزناک با وزن طبیعی و متناسب با مضمون از درونش بر می خیزد و فریاد بر می آورد:

صبحگاهی سر خوناب جگر بگشایید   ژاله‌ی صبحدم از نرگس تر بگشایید

می بینیم که این مرثیه از دل دردمند شاعر برخاسته است و به درستی وزن خود را یافته است . (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعِلن) (اصل وزن (فعلاتن فعلاتن فعلن) است اما شاعر با استفاده از اختیارات شاعری وزن را سنگین تر ساخته است) » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۶۲)

- «در دوبیتی زیر ، وزن فوق (فعلاتن مفاعلن فعلن) با وزن «فعلاتن فعلاتن فعلن» آمیخته است و این البته عجیب می‌نماید (ظاهرا مربوط به قاعده‌ای [قلب] است که در آغاز شعر فارسی رایج بوده است).

نان ناکس بتر از مرگ فجیع   ذلّ تهمت بتر از ذلّ نیاز

(- U U / - - U U/- - U -)   (- U U / - - U U/- - U -)

هر که بشتافت بازپس‌تر رفت   زود بی‌تیر ماند، تیرانداز (ابولحسن آغاجی، قرن ۴ هجری)

(- - / - - U U/- - U -)   (- - / - U - U/- - U -) » (نجفی※ :۲۷۵-۲۷۶)

- مادر یک خانواده وزن ۱۲ عضوی:

خانواده وزن (100-1100-1100) – فعلاتن فعلاتن فعلا (= فعلن)		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x4CD	100-1100-1101
2	0x4CC	100-1100-1100
3	0x3CD	111-100-1101
4	0x3CC	111-100-1100
5	0x27D	100-111-1101
6	0x27C	100-111-1100
7	0x267	100-1100-111
8	0x1FD	11-111-1101
9	0x1FC	11-111-1100
10	0x1E7	11-1100-111
11	0x13F	100-111-111
12	0xFF	11-111-111

0x4CD

(10011001101) فاعلاتن فعلاتن فعلن – (ماهِ جانی مهِ جانی مهِ جان)

کاشکی جز تو کسی داشتمی ▶

یا به تو دسترسی داشتمی ▶ (خاقانی) (نجفی٭ :۱۲۶)

عاقلان را ز چه دیوانه کنی ▶

ای همه پیشه تو فتنه گری ▶ (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۶۸)

- عضو خانواده وزنی 0x4CC ، (فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x4D4

تعلن مفاعلن مفتعلن - فعلاتُ فاعلاتن فعلا

(10011010100) (مهِ جان شبی بتم شو مهِ جان)

تو بدین لطافت و جلوه گری

دل و دین ز پارسایان ببری (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار٭: ۶۵۷)

نظری به حال من کن نظری

که هر آن چه غم ز جانم ببری (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی٭ : ۳۲۴)

- عضو بحر دودویی « فعلن مفاعلاتن» 0xD4/8

0x4D9 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x4D9-0//11 حالت غیر دوری

(10011011001) مفتعلن مفتعل مفتعلن

دور مدار، ای صنم ز لبم

تا بفزاید به دل در طربم ▶ (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۲) (وزن مصرع ۱ [10010101001])

0x4D9-9//59 حالت دوری

(1001//1011001) مفتعلن مفتعل //مفتعلن - (جلوه‌گری کن بیا// جلوه‌گری)

دل تو ربودی دلا// از برمن

نیست به غیر از تو کس// دلبر من (شجره العروض) (نجفی* :۱۹۳)

- عضو بحر دودویی 0x59/7 (مفتعلن مفتعل)
- «این وزن را هم بهتر است مستزاد حساب کنیم.» (نجفی* :۱۹۳)

0x4E4

(10011100100) فعلن فعلن مستفعلتن – (مه جان مهِ جان مهجان مه جان)

ز برای تو از جان می گذرم

ز دیار تو گریان می گذرم (بیژن ترقی ، تصنیف می گذرم) (نصیری‌فر:۳۶۲)

0x4E5

(10011100101) فاعلن فعلاتن مفتعلن – (ماهِ جان مهِ جان مهجان مهِ جان)

در دلش نبُود راه از دل من

وای ، از دل او ، آه از دل من (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۴)

0x4FF

لن مفتعْلن مفتعْلن مفتعلن

(10011111111) (جان شد مهجان شد مهجان شد مهِ جان)

کی بارم بی لعلت ، از دیده گهر (بی نام ،مدرسی*: ۳۴۲)

من دل را می گفتم کاشوب مجوی (بی نام ،مدرسی*: ۳۴۲)

با یارم می گفتم در خشم مرو (مکوش) (المعجم ، شمیسا: ۱۴۴)

- عضو خانواده وزنی رباعی 0x1333، لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

0x524

فعلن فعلن فعلن فعل

(10100100100) (مهِ جان مهِ جان مهِ جان مهی)

به جهان ز برای تو زنده ام

به امید وفای تو زنده ام (ادیب طوسی) (نجفی* : ۷۱)

- عضو بحر دودویی « فَعِلن» 0x4/3

0x525

(10100100101) فاعلن فعلن متفاعلن – (دلبری شکری شکری بیا)

دلستان که زمن خبری نداشت

ناله ام به دلش اثری نداشت (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۵)

0x529

مفتعلاتُ مفتعلاتُ مُفْ

(10100101001) (شد گل سرخ شد گل سرخ شد)

می ز دلم ببر غم این جهان

نی تو زکار من گرهی گشا (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفتعلاتُ » 0x9/5

0x534

(10100110100) فعلن فعولن فعلن فعو (شکری پری رو شکری پری)

به وفای تو جان به فدا کنم

چو جفا کنی با تو وفا کنم (بدر شیروانی در پناهی ، ج۵ :۱۰۲) (طبیب‌زاده* :۱۸۶)

- عضو بحر دودویی 0x34/6 (فعلن فعولن)

0x54A

مفاعلن فعلن مفاعلن - مفاعلاتُ مفاعلاتُ مَف

(10101001010) (بیا بیا شکرا بیا بیا) (تو ماهتاب و تو ماهتاب و تو)

نگار من که به از پری بود

پری صفت ز وفا بری بود (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۲)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتُ» 0xA/5

0x54B

(10101001011) مستفعلن فعلن مفاعلن – (جانا بیا صنما بیا بیا)

آن دلستان که به از پری بود

همچون پری ز وفا بری بود (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۰)

0x54D

فاعلاتن فعلن مفاعلن ـ فاعلن مفتعلن مفاعلن

(10101001101) (دلبری ای مهِ من تو دلبری)

از چه رو لطف به ما نمی کنی

کام ما از چه رو روا نمی کنی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۶)

لحن اورامن و بیت پهلوی

زخمه‌ی رود و سماع خسروی (المعجم) (نجفی* :۳۸۹)

- عضو بحر دودویی 0x4D/8 (« فاعلاتن فعلاتُ» « فاعلن مفتعلن مَ »)

0x554

(10101010100) فعلن مفاعلن مفاعلن – (صنما بتا بیا بتا بیا)

چو بیازموده‌ای وفای من

نکنی چرا وفا به جای من (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*:۶۵۸)

0x555

(10101010101) فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلات - فاعلن مفاعلن مفاعلن – (ماهتاب ماهتاب ماهتاب)

تا تو با منی زمانه با من است

شور و شوق عاشقانه با من است (ابتهاج) (تیر ۱۳۳۳) (نجفی* : ۱۷۲)

در منی و این همه ز من جدا

با منی و دیده ات به سوی غیر (فروغ فرخزاد) (۱۳۳۶ در مجموعه «دیوار») (نجفی* : ۱۷۲)

بغض های کال من چرا چنین

گریه های لال من چرا چنین (قیصر امین پور) (دادگر:۳۲۶)

حکمم از زمین رها شدن نبود

سرنوشتِ من خدا شدن نبود (حسین منزوی) (فیروزیان:۱۰۲)

بر کران ز مردم زمانه باش

چون زمانه باش و بی‌کرانه باش (جواد آذر) (آهی ، ۱۳۵۷ :۷۵)

آن چه از بتم به روی من رسید

هیچ آفریده در جهان ندید (معیارالاشعار ، فشارکی: ۱۷)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2
- در مقاله‌ی « معیار الاشعار ، این اثر ناشناخته » استاد نجفی می گوید: وقتی شعر ابتهاج منتشر شد ، همه فکر می کردند شاید وزن این شعر فاعلاتن فاعلاتن فاعلن است و وزن این شعر برایشان عجیب بود. ابتهاج نیز به استاد نجفی گفته بود در سرودن این شعر با وزنش احساس دشواری می کرده است. کسی وزنی را به خاطر نمی آورد که بر زنجیره‌ی تکرار «فاعلاتُ» به وجود آمده باشد و همگان ابتهاج را مبدع وزن جدیدی بر زنجیره‌ی تکرار «فاعلاتُ» می دانستند. این وزن در المعجم و هیچ کتابی نمونه نداشت

تا آنکه استاد نجفی شعری را از «معیار الاشعار» بر همین وزن پیدا می کند . برای توضیحات بیشتر به مقاله‌ی استاد نجفی به نام « معیار الاشعار ، این اثر ناشناخته » (نجفی ، ۱۳۸۱)رجوع کنید .

- «وزن این غزل سایه... که امروز یکی از اوزان بسیار معروف و دلپذیر شعر فارسی است ...بنده در یکی از نوحه های قدیمی چند سال قبل دیدم و الان اصل آن در اختیارم نیست
داغ مرگ اکبر جوان من || سینه را پر شراره می‌کند » (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰ :۹۶)
- « دو رکن اول این شعر ﴿ منظور « یارکی مراست رند و بذله گو» از قاآنی﴾ اگر طبق قاعده تقطیع شود یعنی هجای کوتاه «ست» هم به شمار آید و از تقطیع ساقط نشود، عینا هموزن است با شعر معروف ه.ا.سایه :«تا تو با منی...» » (نجفی❋ :۲۲۶)
- «شعر ... هادی حائری اگر دوری نمی‌بود عینا هم‌وزن شعر شعر ه.ا.سایه می‌شد :«تا تو با منی...» » (نجفی❋ :۲۳۳)

بازشد پدید در جهان خزان || شد تهی ز برگ شاخ گلستان

نوشکفته گل از میان باغ || پشت پرده رفت کرد رخ نهان (هادی حائری) (نجفی❋ :۲۳۲)

0x556

(10101010110) فعولن مفاعلن مفاعلن – (نگارا بتا بیا بتا بیا)

مخور هیچ ، درد یار نابکار

کند یارِ نابکار دل فکار (المعجم ، شمیسا: ۲۰۵)

نداری تو مثل خویش ماه من

مثال تو کس ندید شاه من (عروض بابر:۱۶۲)

0x559

مفتعلن فاعلاتُ مفتعلْ - لن فعلاتن مفاعلن فعل

(10101011001) (جلوه‌گری کن بیا بیا بیا) (آن مهِ جان گشت یار آن مهی)

در همه ماسه های شور کسالت

حنجره‌ی آب را رواج بده ▶ (سهراب سپهری، همیشه) (سپهری:۴۰۴) (نیمایی)

بی ادبان را دگر ادب مکن

روز خود ای هرزه پوی شب مکن (حمید) (نجفی❋ : ۳۵۷)

ای بتک ماه روی حور زاد

باده به من ده به رنگ بامداد (المعجم) (نجفی* : ۳۵۷)

- عضو بحر دودویی 0x59/8 («لن فعلاتن مفاعِ» «مفتعلن فاعلاتُ»)

0x55C

(10101011100)   فعلیاتن مفاعلن فعل   (شکری جانا بیا بتا بیا)

تبری چوبین و میخ آهنین ▶

عاشق مسکین چون بشکند این (المعجم ، شمیسا: ۱۶۰)

0x565

فاعلن فعلاتن مفاعلن

(10101100101)   (مهرخی مهِ جانی تو مهرخی)

از هوای فرح‌بخش فرودین

رشک باغ ارم شد ز نو زمین (ادیب طوسی) (نجفی* : ۳۴۱)

کار جان ز غم عشقت ای نگار

هست چون سر زلفین دلربات

بر سخاوت او نیل را بخیل

بر شجاعت او پیل را ذلیل

من اسیر خم زلف آن نگار

تیره روزم و آشفته روزگار (نجفی)

- عضو بحر دودویی 0x65/8 (« فاعلن فعلاتن مَ » «فاعلاتُ مفاعیلُ»)
- نجفی ابیات را بر اساس بیت‌هایی از المعجم، منطقی رازی و ادیب طوسی سروده است تا شاهدهای بیشتری عرضه کند. (نجفی* :۳۴۰)
- «وزن فوق منطقی و مطبوع می‌نماید و در کتب عروض هم آمده است (ساتن، ۱۰۲) اما تنها یک نمونه از آن یافت شد{نمونه ادیب طوسی}» (نجفی* :۳۴۰)

0x566

فعولن فعلاتن مفاعلن – مفاعیلُ مفاعیلُ فاعلن

(پری رویِ پری رویِ گل‌پری)

(پری‌جان نظری‌کن پری پری) (10101100110)

مِی آرد شرف مردمی پدید

و آزاده نژاد از درم خرید (رودکی) (المعجم ، شمیسا: ۱۸۸)

از آن لعل که زردی برد ز روی

از آن نوش که تلخی دهد به کام (ابولفرج رونی در پناهی ، ج۳ :۱۷۷) (طبیب‌زاده❋ :۲۴۷)

چنان دانم که‌م خواستار نیست

(و) یا شهر مرا جز تو یار نیست (خسروی سرخسی) (نجفی❋ : ۳۴۱)

نه همچون رخ خوبت گل بهار

نه چون تو به نکویی بت بهار (فرالاوی) (نجفی❋ : ۱۳۷)

مرا داد گل پیشرس خبر

که نوروز رسد هفته‌ی دگر (بهار) (نجفی❋ : ۱۳۷)

فغان زان سر زلفین تابدار

فروهشته ز یاقوت آبدار (المعجم ، شمیسا: ۱۸۷) (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۷)

غریبی به بلا مبتلا شدست

چه باشد که مرو را رها کنی (المعجم ، شمیسا: ۱۸۷)

چنان دانی کِم خواستار نیست

یا شهر مرا جز تو یار نیست

چنان دانی ای ماه روی دوست

نگارین که جز از تو نگار نیست ◀ (المعجم ، شمیسا: ۱۸۸)

- دکتر محجوب این وزن را یکی از وزن های غریب و نامانوس دوره‌ی سامانی می داند . (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۹۴)

0x56A

مفاعلن فعولن مفاعلن – (بتا بیا نگارا بتا بیا) (10101101010)

رخ مهت چو دیدیم ای نگار

دل از همه بریدیم ای نگار (عروض بابر:۱۷۹)

- عضو بحر دودویی 0x6A/7 («مفاعلن فعولن»)

0x576

فعولن فعولن مستفاعلن - (نگارا نگارینا بیا بیا)

(پریسا پریسا جانِ جانِ جان)

(10101110110)

شب آمد بیا یارا به خانه ام

بیاور شرابی تلخ و بربطی (ابوالحسنی)

0x57A

مفاعلن فعِلاتن مفاعلن - (بیا بتا جانانا بیا بتا)

(10101111010)

بزرگوارا، ای کت عنان عزم ►

تهی ز نصرت و فتح و ظفر نمانْد (داوری شیرازی) (پناهی ، ج۲: ۱۲۸)

بهار شد فصل عاشقان مست

نگار من چون درنا بیا برقص (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x7A /7 (مفاعلن مفعولن)
- عضو خانواده « مفاعلن فعلاتن مفاعلن »

0x588

فعلتن فعلتن فاعلن – (قمرِ من قمرِ من دل ببر)

(نگذرم نگذرم از شراب)

(10110001000)

بزنمت ببرمت جان من

بگزمت بمزمت هر دولب (المعجم ، شمیسا: ۱۸۵)

- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x595

مستفاعلن فعلاتن فعل – تن مفاعلن فعلاتن مفا

(ماهِ ماهِ ماهِ شبانم شدی) (گلرخی بتی مهِ جان گلرخی)

(10110010101)

آن بزرگوار ملک فضل کرد

درگذشت آنچ زمن دیده بود (المعجم ، شمیسا: ۱۴۷)

دوش یار گشت مرا خواستار

تا به وصل جان مرا شاد کرد (المعجم ، شمیسا: ۲۰۸)

- عضو بحر دودویی 0x95/8 («تن مفاعلن فعلا» «فاعلن مفاعلتن»)

0x596

مفاعیلتن فعلاتن فعل- فعولن فعولُ فعولن فعول

(10110010110) (بتی دلبری چه بتی دلبری)

تو ای {یار} شوخ و شکن نازنین

مدارم ز هجر جمالت غمین (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۴)

- عضو بحر دودویی 0x16/6 (فعولن فعولُ)

0x599

(10110011001) مفتعلن مفتعلن فاعلن – (ای مهِ جان ای مهِ جان ماهِ جان)

جز تو نزاد حوا و آدم نکشت

شیر نهادی به دل و بر منشت

(محمد بن مخلد) («شعر سروده‌ی سال ۲۵۱ است» (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۱))

روی به محراب نمودن چه سود

دل به بخارا و بتان تراز (رودکی) (نجفی* : ۱۸۴)

ای همه هستی ز تو پیدا شده

خاک ضعیف از تو توانا شده (نظامی) (نجفی* : ۱۸۴)

پرده بگردان و بزن ساز نو

هین که رسید از فلک آواز نو (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۸۷)

فاغتنم السکر و زمزم لنا

تن تنتن تن تنتن تن تنن ♫...

مفتعلن مفتعلن مفتعل

فعللن فعللن فعلن (مولانا) (غزل ۲۱۲۸)

سر نهم آن جا که سرم مست شد

گوش نهم سوی تنن تنتنن (مولانا) (غزل ۲۱۰۸)

هاتفی از گوشه‌ی میخانه دوش
گفت ببخشند گنه می بنوش (حافظ ، غزل ۲۸۴ قزوینی)
نرمک نرمک به سر انگشت خویش
دیم دَدَدَک دیم دَدَدَک می‌زند ♫ (ایرج میرزا) (مجموعه اشعار، ص۱۳)
کیستی ای دوست که با یاد تو
باده‌ی اندیشه‌ام آمیخته (سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۱۴۵)

نقش طبیعی سترد روزگار
نقش الهی نتواند سترد (انوری) (المعجم) (ص ؟؟)
چون نزنم دست به فتراک تو
جز تو کسی نیست مرا دستگیر (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۶)
ماه رخا بر همه روی زمین ▶
جز تو مرا یار دگر نسزد[۲](معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۳)
پسته‌ی تو هست شفای دلم
زان که شد او خسته‌ی بادامت
(معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۶) { مصرع ۲ بر این وزن نیست ولی اگر «بادام تو» شود وزن درست می شود}

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4
- یکی از هشت وزن مناسب برای مثنوی است که مخزن الاسرار نظامی و تحفه الابرار جامی به آن سروده شده است . ابوشکور بلخی و رودکی هم در این وزن مثنوی سروده اند اما تنها ابیاتی از آنها باقی مانده است .(اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۶۳۰)
- «عروضیان نام وزن این شعر را سریع می دانند ولی این وزن ربطی به بحر سریع عرب ندارد ، زیرا اصل بحر سریع عرب مستفعلن مستفعن مفعولات است ولی جز به صورت مستفعلن مستفعلن فاعلن به کار نمی رود ....در شعر عرب می توان به جای مستفعلن از مفاعلن ، مفتعلن و حتی فعلتن آورد پس گونه های متفاوت این وزن به طور نظری $۲۵۶ = ۴^۴$ است که از میان این ۲۵۶ گونه مختلف فقط یکی برابر با بحر سریع فارسی است. بدین ترتیب آیا می توان گفت که محمد بن مخلد که برای اولین بار به

---

[۲] («تقابل فاعلن و فعلن غلط است . احتمالا به جای «نسزد» در اصل «نی سزد» بوده است که به فاعلن تقطیع می شود . » (شمیسا* : ۲۰۰) در این صورت وزن هر دو مصرع مفتعلن فاعلن می شود .)

فارسی شعر می گفته و تمام مصرع های شعرش بدون استثنا بر وزن مفتعلن مفتعلن فاعلن است این وزن را از عروض عرب اقتباس کرده است . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۱)

- { کاربرد این شعر در قرون اولیه هجری } به جز شعر محمد بن مخلد « بسام کُردِ خارجی در همین زمان شعری در همین وزن سروده و محمد بن وصیف نیز در سالهای ۲۸۷ و ۲۹۷ دو قصیده در همین وزن سروده و محمد بن وصیف نیز در سالهای ۲۸۷ و ۲۹۷ دو قصیده در همین وزن سروده که جمعا ۲۰ بیت از این سه قصیده مانده است و وزن همه‌ی آنها دقیقا مفتعلن مفتعلن فاعلن است . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۱)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- به این وزن سروده شده است: مخزن الاسرار (نظامی) ، تحفه الابرار (جامی) ، روضه الاسرار (خواجوی کرمانی) ، مطلع الانوار (امیر خسرو دهلوی) ، گلشن ابرار (کاتبی ترشیزی) ، مرآت الصفا (غزالی مشهدی) ، شاه و جام (ایرج میرزا) ، زهره و منوچهر (ایرج میرزا) ، خلد برین (وحشی بافقی) ، مونس الابرار (عماد فقیه کرمانی) ، مجمع الابکار (عرفی شیرازی) ، درد و داغ (غالب دهلوی) ، قران السعدین (امیر خسرو دهلوی) ، دیده بیدار (حکیم شفا اصفهانی) ، زبده الافکار (نیکی اصفهانی) ، منظوه ای از اسیر شهرستانی و سنجر کاشانی و شانی تکلّو (درّه نجفی: ۲۵۳)
- نیما یوشیج می گوید که بعضی از شاعران در اشعاری رعایت سیاقت قدما را در هماهنگی اغراض شعر و اوزان نکرده اند و در نتیجه در شعرشان تضادی میان محتوا و وزن به وجود آمده است مانند «وزن رنگی و رقص آور مخزن الاسرار نظامی گنجوی که هیچ مناسبتی با مقام پند و حکمت ندارد . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۶۲)
- ناصر خسرو هم که «سرگرم افکار و معتقدات مذهبی و حکمی است در بیان این معانی – که با وزنهای سنگین مطابقت دارد – از همین وزن رقص آور استفاده کرده است:

خیره نکرده ست دلم را چنین   نه غم هجران و نه شوق وصال »

(وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۶۲)

- جزو « اوزان تند و کوتاه برای مفاهیم شاد به ویژه مثنوی هایی که مضمون شاد دارند یا اشعار کودکانه» (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۴)

- مادر یک خانواده وزن ۴ عضوی:

خانواده وزن (2//1011001) -(مفتعلن مفتعلن فاعلن)		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x599	101-1001-1001
2	0x2F9	101-111-1001
3	0x2CF	101-1001-111
4	0x17F	101-111-111

0x59A

مفاعلن مفتعلن فاعلن - (دلا دلارا نظری‌کن دلا)

(10110011010) (چه دلبری دلبرکی دلبری)

به سیزده از رجب آن بی قرین

عیان شد از غیب خفا بر زمین (صفی علیشاه) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۳)

تو با چنین عشوه و افسونگری

دل از همه پیرو جوان می بری (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۳)

کسی که نشناخت به یکتایی اش ▶

نموده نقش شرک خود از جبین (محمد حسن اصفهانی) (پناهی، ج۱: ۶۶)

- شاهد نثر: «چراغِ توفیق فرا راه داشت» (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۲۳)
- «این وزن سابقه‌ای ندارد و چه بسا موزون نباشد» (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۲۳)

0x59B

مستفعلن مفتعلن فاعلن ـ مستفعلن فاعلُ مستفعلن

(10110011011) (ماها بیا ماه بیا مه بیا)

لمّا رَأت بَینَ یَدَی بَعلِها

شَیئاً کَأرخی شَفَةِ الصّائِمِ (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۶۱)

آمد شبی جامه دران بیت خوان

سرمست می عشوه کنان دف زنان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x1B/7 (مستفعلن فاعلُ)

0x5A9

مفتعلن مفاعلن مفتعل(=فاعلن) –

(جامه دران بیا بیا جامه در) (10110101001)

تا دل من ز دست من بستدی

سر به سر، ای نگار دیگر شدی

چاره و راه خویش گم کرده ام

تا تو مرا به راه پیش آمدی (فرخی سیستانی) (نجفی* : ۴۱۲)

آن که دل از وفا نگیرد منم

وآن که غمت به جان پذیرد منم (ادیب طوسی) (نجفی* : ۴۱۲)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن مفاعلن» 0xA9/8
- «این وزن در هیچ یک از کتب عروض جز رساله ساتن (ص ۱۱۰) نیامده است و این عجیب می‌نماید ، چنانچه در مورد اشعار ذوبحرین حتی اشاره‌ای به وجود این وزن نشده است . از جمله ذوبحرین معروف ذیل را علاوه بر دو وزن متداول آن بر این وزن نیز می‌توان تقطعی کرد: «ای بده قدوه‌ی وضیع و شریف» » (نجفی* :۴۱۲)

0x5AA

مفاعلن مفاعلن فاعلن – (چه دلبری چه دلبری دلبری)

(بتا بیا بتا بیا نوبتا) (10110101010)

نه بر دلم که این نظر کو نمود

به سنگ خاره هم اثر می کند (وقار شیرازی) (آهی ، ۱۳۵۷ :۱۸۹)

کسی که نشناخت به یکتایی اش

نموده نقش شرک خود از جبین ► (محمد حسن اصفهانی) (پناهی، ج۱: ۶۶)

بشارتی رسیدم از کوی دوست

که دست دل رسد به گیسوی دوست (مهدی الهی قمشه‌ای) (نجفی* : ۱۶۴)

دو غمزه چون دو ناچخ لشکری

همی کنی به هر دوان دلبری (المعجم ، شمیسا: ۱۸۵)

من از فراق آن صنم به فغانم

همیشه با دلی حزینم ز غم ► (المعجم ، شمیسا: ۱۹۰)

چرا نه مردمی کنی با رهی

چرا همی کنی دلش را به درد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۷)

0x5AB

مستفعلن مفاعلن فاعلن – مستفعلن فعولُ مستفعلن

(گفتم بیا غزال گفتم بیا) (10110101011)

باشد شبی ز لطف شادم کنی

وز پرسشی دوباره یادم کنی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۱)

- عضو بحر دودویی 0x2B/7 (مستفعلن فعولُ)

0x5AD

فاعلیاتُ فاعلیاتُ فا - فاعلاتن مفاعلن فاعلن ـ تن مفاعیلتن مفاعیلتن

(شد بتم مست شد بتم مست شد) (دلبری دلبری بتی دلبری) (10110101101)

پیشم آمد نگار من بامداد

هر دو رخ غازه کرده چون باده ای (بی نام) (خانلری:۲۵۰)

- عضو بحر دودویی « فاعلیاتُ» 0xD/5

0x5B4

متفاعلن فاعلن فاعلن – (چه بتی نگاری نگاری بتی) (10110110100)

نکند اگر یارمن یاد من

که دهد ز بیداد او داد من (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۷)

0x5B5

مستفاعلن فاعلن فاعلن – مستفاعلن مستفا مستفا

(دلبرا بیا دلبرا دلبرا) (10110110101)

دل اسیر زلف چلیپای اوست

دیده محو رخسار زیبای اوست (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۵)

بخت آن ندارم کند یاد من

حال من که گوید به صیاد من (؟ در پناهی ، ج۴ :۷۰) (طبیب‌زاده*: ۱۹۹)

از نگاه یاران ندا می‌رسد
دوره‌ی رهایی فرا می‌رسد (فریدون همراه در پناهی ، ج۴ :۷۰) (طبیب‌زاده٭ :۱۹۹)

- عضو بحر دودویی 0xB5/8 (مستفاعلن مستفا)

0x5B6

فعولن فعولن فعولن فعول

(10110110110) (بزن دف بزن دف بزن دف بزن)

نبیدی که نشناسی از آفتاب
چو با آفتابش کنی مقترن (رونقی بخارایی) (وحیدیان‌کامیار٭: ۶۵۹)
مرا جود او تازه دارد همی
مگر جودش ابر است و من کشتزار (رودکی) (نجفی٭ : ۴۰)
توانا بود هر که دانا بود
ز دانش دل پیر برنا بود (فردوسی)
نکوهش مکن چرخ نیلوفری را
برون کن ز سر باد خیره سری را (ناصر خسرو) (دیوان ناصر خسرو ، ناشر: دانشگاه تهران, دانشگاه مک گیل ، ۱۳۵۷ ، ص ۱۴۲)
تماشا مرو نک تماشا تویی
جهان نهان و هویدا تویی(مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۹۵)
مرا راحت از زندگی دوش بود
که آن ماهرویم در آغوش بود (سعدی) (جلالی:۱۸۵)
بیا ساقی آن می که حال آورد
کرامت فزاید کمال آورد (حافظ) (وحیدیان‌کامیار٭:۲۹۷)

فریدون فرخ فرشته نبود
ز مشک و ز عنبر سرشته نبود (فردوسی) (المعجم) (شمیسا٭ : ۱۰۴)
بهار است و همواره هر روز نم ◀
منکَر فراوان و معروف کم (رودکی) (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۳)

به بحر تقارب نمودم شنای
بدیدم که طرزی نمانده به جای (میرزا نظام افشار) (اخوان ثالث ، ۱۳۷۴ :۱۹۰)
به بحر تقارب، تقرب نمای
بدین وزن، میزان طبع آزمای
فعولن فعولن فعولن فعول
چو گفتی، بگو ای مه دل ربای
اله است و الله و رحمان خدای
دلیل است و هادی تو گو رهنمای... (ابو نصر فراهی:۴)
ملوسُن ملوسُن ملوسُن ملوس
ز بحر تقرّب شده انتخاب
(وقارالسلطنه:۴)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3
- شاهد نثر: به صحرا شدم ، عشق باریده بود (بایزید)

- یکی از هشت وزن مناسب برای مثنوی است که شاهنامه‌ی فردوسی ، گرشاسب نامه اسدی ، اسکندر نامه نظامی و بوستان سعدی به آن سروده شده است . برای سرودن حماسه بسیار مناسب است و ساقی نامه ها نیز به این وزن سروده شده اند . (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۶۲۵)
- بنا به گفته‌ی خانلری این وزن ریشه‌ی ایرانی دارد و « بحر متقارب در اشعار جاهلی عرب به کار نرفته است و نخستین بار که در شعر دقیقی به آن بر می خوریم صورتی کامل و ساخته و پرداخته دارد و پیداست که نخستین بار نیست که در فارسی به کار می رود . » (خانلری:۷۵)
- «منظومه‌ی قیصرنامه‌ی ادیب پیشاوری به لحاظ استحکام هنری و استواری ابیات در کنار شاهنامه‌ی فردوسی قرار می گیرد و هیچ یک از منظومه سرایان بحر متقارب به جز نظامی گنجوی به این استواری شعر نسروده اند . » (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰ :۱۱۳)
- «وزن شاهنامه در عروض عرب وجود ندارد زیرا این وزن در عروض عرب به صورت
  فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن و
  فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعول
  است یعنی مصرع اول آن متقارب مثمن سالم است . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۲۷)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- « وزنی برای سرایش حماسه» (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۳)

- به این بحر متقارب می‌گوید که «متقارب» همان «مقارب» همراه با «ت» است :

چو اندر «مقارب» کنی «تا» فزون
بر این گونه تقطیعش آید برون
فعولن فعولن فعولن فعول
زهی دولتت را بقا رهنمون (رشید وطواط یا ادیب صابر ترمذی) (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۱۲۴)

- « ریپکا در تاریخ ادبیات (ص ۲۵۰) خود درباره‌ی مثنوی ها و حماسه های ایرانی که غالبا به وزن هزج یا متقاربند می نویسد: «دقیقی یا متقدمان وی توانستند ترانه های رزمی عامیانه و بالاخص مرثیه های عامیانه ای را که در بخارا به وسیله‌ی آوازه خوانان عامی در مرگ سیاووش همراه با موسیقی خوانده می شد ماخذ قرار دهند ، بدین ترتیب که ترانه ها را به سبک ادبی درآورده با نزدیک ترین وزن شعر عربی (متقارب یا هزج) وفق داده اند . » به نظر ما هم اشعار موجود در ایران که همواره با موسیقی همراه بوده است به تدریج با برخی از اوزان عربی مخصوصا هزج و متقارب مطابقت یافت و وجود اشعار غیر عروضی از قبیل چهاردانه های شرفشاه یا امیر پازَواری که باید ملحون خوانده شود موید این نظر است . » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۳۰)
- «تا سالهای نزدیک ، ویس و رامین کهن ترین شعر رمانتیک موجود شمرده می شد اما ناچار تقدم خود را به سود کشف بسیار خوب استاد ا.آتش (استانبول) از شعر ورقه و گلشاه عیوقی ، سخنوری که در زمان سلطان محمود غزنوی می زیست از دست داد. این مثنوی در بحر متقارب سروده شده است . این حقیقت دیگر بار این نظریه را روشن می کند که کاربرد این وزن تنها در موضوع های پهلوانی نبوده است بلکه از روزگاران کهن در شعرهای رمانتیک و حماسه های بلند دیگر به کار رفته است . » (یان ریپکا ، تاریخ ادبیات ایران ، ج ۲: ۳۳۱)
- «وزنی حماسی و رزمی است و متناسب حماسه و تفاخر ، مسائل میهنی و مضامین حماسی و رزمی همه در این وزن سروده شده اند مانند: شاهنامه فردوسی ، گرشاسبنامه اما بوستان سعدی و گلشن صبای کاشانی که بیشتر پند و اندرز است و وامق و عذرا ، ورقه و گلشاه که عاشقانه است نیز در این وزن است . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۵)
- به این وزن سروده شده اند: شاهنامه (فردوسی) ، گرشاسب نامه (اسدی)، اسکندر نامه(نظامی)و بوستان (سعدی) ، گلشن صبا (فتحعلی خان کاشانی به تقلید از بوستان) ،خداوندنامه (فتحعلی خان کاشانی) ، شهنشه نامه (فتحعلی خان کاشانی درباره‌ی جنگ عباس میرزا و روس ها) ، سالارنامه (میرزا آقاخان کرمانی) ، ساقی نامه ها ، خردنامه اسکندری (جامی) ، بزم وصال (وصال شیرازی) ، اسکندر نامه (امیر خسرو دهلوی) ، تیمورنامه (هاتفی) ، همای و همایون (خواجوی کرمانی) ، اردیبهشت نامه (سروش اصفهانی)

0x5BB

(10110111011) مستفعلن مستفعلن فاعلن - (نو دلبری نو دلبری دلبری)

پیچان درختی نام او نارون

چون سرو زرین پر عقیق یمن (فرخی سیستانی) (پناهی، ج۲: ۲۱)

من زارتر گریم همانا که او

خاموش گرید زار و من با پچن (عسجدی) (نجفی* : ۱۰۹)

گفتم نشاید کاندر این ملک زیست

پیوسته یار رنج و جفت محن (وقار شیرازی) (پناهی، ج۲: ۲۱)

دست هوس بالا زده دامنم

ماسیده ننگ روی پیراهنم (رضا عبداللهی) (دادگر:۱۸۲)

دارد قدم مانند تاری قصب

از فرقتش آن ترک دیبا صلب (المعجم ، شمیسا: ۱۶۸)

دلخواه من بر من ستمکاره شد

بی هیچ جرمی مر مرا کرد خوار (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۷)

0x5BD

(10110111101) فاعلاتن مستفعلن فاعلا – (دلبرا جانا دلبرا دلبرا)

پیشم آمد دلخواه من بامداد

هر دو رخ را آراسته چون بهشت (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۳)

وقت رحمت نامد تو را ای نگار ►

چند داری مارا بدین زاری (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۳)

- عضو بحر دودویی BD/8 (فاعلاتن مستفعلن)

0x5CC

(10111001100) فعلاتن فعلاتن فاعلن - (مهِ جانی مهِ جانی ماه جان)

پسرا گر تو بخواهی شغل ما ►

می بسازیش همیدون به زمانی (المعجم ، شمیسا: ۱۶۱)

- (وزن مصرع دوم فاعلاتن فعلاتن فعلاتن است «شعر غلط است و فاعلن و فاعلاتن در تقابل قرار نمی گیرند و انگهی وقوع فاعلن در مصرع ۱ صحیح نیست زیرا مصرع متحدالارکان نمی شود . اگر شغل به حرکت اول و دوم خوانده شود وزن صحیح است . » (شمیسا* : ۲۰۰))

0x5D3

(10111010011) مستفعلتن فعولن فاعلن (جانا صنما نگارینا بیا)

باشد که نگارمن یادم کند

روزی به تفقدی شادم کند (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۹)

0x5DB دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x5DB -0//11 حالت غیر دوری

(10111011011) مستفعلن فاعلن مستفعلن (جانا بیا دلبرا جانا بیا)

ای سعتری بیهوده تا کی مرا

داری همی از جفا اندر عنا (المعجم ، شمیسا: ۱۷۷)

از مردمان دل مخواه ای سعتری

چون دل ببُردی مکن این داوری (المعجم ، شمیسا: ۱۰۹)

بر مستمندی نکن چندین ستم

کو بر نیارد زد از عشق تو دم (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۲)

0x5DB -4//7 حالت دوری

(1011//1011011) مستفعلن فاعلن مستفعلن (جانا بیا دلبرا جانا بیا)

ای دلبر جان فزای //تندی مکن

با عاشقان ، خوش سرای // تندی مکن (المعجم ، شمیسا: ۱۶۷)

آمد کنون دلبرم// سرمست می

مطرب کجایی بیا// برگیر نی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x5B /7 (مستفعلن فاعلن)
- از بحور مخصوص عرب (شمیسا*)
- استاد فرزاد:« سستی هر دو بیت و اصرار بر کلمه‌ی «سعتری» برای من دلیل آن است که هر سه بیت برای خاطر آن که شاهد مثال برای این وزن باشد ساخته شده اند و خود وزن ، یک وزن معمول در زبان فارسی نبوده است . از زمان شمس قیس به این طرف نیز شعر باارزش بلکه بی ارزشی به این وزن ندیده ام» (شمیسا* : ۱۹۳)
- اگر در بیت «ای دلبر ...» سکوت کشیده نکنیم وزن آن کد ۲۹۰۷ ()مستفعلن فاعلن فاعلن می شود.

0x5DD

(10111011101) فاعلاتن فاعلاتن فاعلن - (دلبرم شد دلبرم شد دلبرم)

خون خود را گر بریزی بر زمین

به که آب روی ریزی در کنار (ابوسلیک گرگانی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۶)

سرو سیمین تو را در مشک تر

زلف مشکین تو سر تا پا گرفت (فیروز مشرقی) (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۴)

بوی جوی مولیان آید همی

یاد یار مهربان آید همی (رودکی) (نجفی* : ۹۱)

بشنو از نی چون حکایت می کند

از جدایی ها شکایت می کند (مثنوی مولوی) (نجفی* : ۹۱)

چند همچون فاخته‌یْ کاشانه جو

کو و کو و کو و کو و کو و کو ♫ (مثنوی مولانا، تصحیح دکتر سروش ، دفتر ششم ، ص ۱۰۴۳)

عشق در دل ماند و یار از دست رفت

دوستان دستی که کار از دست رفت (سعدی) (جلالی:۱۸۴)

روز وصلِ دوستداران یاد باد

یاد باد آن روزگاران، یاد باد (حافظ ، غزل ۱۰۳ قزوینی)

ای به گوهر تا به آدم پادشاه

در پناه اعتقادت ملک شاه (المعجم) (معیار الاشعار شمیسا*: ۶۶)

صابری تا کی کنم با درد عشق
راز پنهانی کنون پیدا کنم (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۰)

مشکلاتٌ مشکلاتٌ مشکلات
هست «بحر مثنوی» بی‌شک و ظن (وقارالسلطنه:۱۶)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

- یکی از هشت وزن مناسب برای مثنوی است که کلیله و دمنه رودکی ، منطق الطیر عطار ، مصیبت نامه عطار ، مثنوی مولانا ، سلامان و ابسال جامی به آن سروده شده است . (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۶۲۶)
- «حافظ در مجموع محذوف و مقصور این وزن تنها ۸ غزل سروده است اما سعدی ۲۷ و عطار ۱۸۰ غزل دارد . » (مدرسی❋: ۱۱۲)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- این وزن «برای سرودن مضامین پند آمیز و عارفانه به کار رفته است مانند منطق الطیر و مثنوی معنوی ولی رودکی از این وزن برای سرودن کلیله و دمنه که متضمن معانی سیاسی و کشورداری است استفاده کرده است .» (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۵)
- به این وزن سروده شده است: کلیله و دمنه (رودکی) ، منطق الطیر و مصیبت نامه (عطار) ، مثنوی معنوی (مولانا) ، سلامان و ابسال (جامی) ، نان و حلوا (شیخ بهایی) ، روضه الاسرار (سروش اصفهانی) (درّه نجفی: ۲۵۳)

0x5EB

(10111101011) مستفعلن فعولن مستفعلن – (آمد شبی بتم شد آمد شبی)

چون ابر روی صحرا بستان کند
من نیز روی دفتر بستان کنم (ناصر خسرو) (نجفی❋ :۲۹۵)
ناگه خروس روزی در باغ جست ◀
در زیر شاخ گل شد و ساکن نشست (مسعود سعد) (نجفی❋ :۲۹۵)
نازم بدان که هستم شاگرد تو
شادم بدان که هستی استاد من (مسعود سعد) (نجفی❋ :۲۹۵)
دلدار من که دل با کسی نداشت
با عاشقان عنایت بسی نداشت (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋:۶۶۱)

- عضو بحر دودویی 0x6B/7 («مستفعلن فعولن»)

0x5F3

(10111110011) مستفعلتن مفعولن فاعلن - (جانا شکرینا جانا دلبرا)

فالی بکَنَم ریش تو را یا رسول

ریشت بکند ماکان ، پاک از اصول ▶ (ابولحسین خارجی) (وحیدیان‌کامیار❋:۶۷۱)

0x649

مفتعلن فعلن فعلاتن – فاعلُ فاعلُ فاعلُ فاعل

(11001001001) (شد مه من مه من مه من شد) – (دلبرِ دلبرِ دلبرِ دلبر)

دل به امید وفای تو دارم

دیده به شوق لقای تو دارم (ادیب طوسی) (نجفی❋ : ۷۵)

ای ز غمت مه نو شده لاغر

وی ز لبت شده خون ، دل ساغر

خوی تو سرکش ، خال تو عنبر

کاکل و زلف تو سنبل و چنبر (تحفه الهند : ۱۷۸)

- عضو بحر دودویی « فاعلُ » 0x1/3

0x64B

(11001001011) مستفعلن فعلن فعلاتن – (جانا بیا نظری نظری کن)

دوشینه من به خیال تو بودم

در آرزوی وصال تو بودم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۶۰)

0x64D

(11001001101) فاعلاتن فعلن فعلاتن – (دل‌ستانا نظری نظری کن)

چون ز من سیر شدی چه کنم من

پاسخم چون نکنی بزنم تن (المعجم ، شمیسا: ۱۰۹)

- مخصوص عرب (شمیسا❋: ۹۳)

0x652

(11001010010) مفاعلتن مفاعلتن مف – (بتی شکری بتی شکری بت)

شبی به برم بیا قمرم شو

به بوسه‌ی سرخ خود شکرم شو (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۰۴)

0x655

فاعلاتُ فاعلاتُ فعولن– (دلبری تو دلبری نظری کن)

(11001010101) (ای پری پری پری نظری کن)

ای صنم رهی مکش که سزا نیست

این جفا مکن بتا که روا نیست (المعجم ، شمیسا: ۲۰۷)

مستمندم زاروارم نگارا

خسته داری جان ما را به هجران (المعجم ، شمیسا: ۲۰۷)

0x656

مفاعیلتن فعل فعلاتن – علاتن مفاعلن فَعلاتن

(11001010110) (نگاری بتی بتی چه نگاری) (بتم شو بتم بتم تو بتم شو)

جوانی گسست و چیره زبانی

و طبعم گرفت نیز گرانی (رودکی) (معیارالاشعار ، فشارکی : ۴۷)

خوشا جلوه‌ی جمال تو دیدن

خوشا میوه‌ی وصال تو چیدن (جامی ، شجره العروض: ۴۷)

بنامیزد ای نگارِ پری روی

شکر لفظِ لاله چهرِ سمن‌بوی (المعجم ، شمیسا: ۱۷۱)

خرامیدن تو باد خجسته

دل دشمنان جاه تو خسته (المعجم ، شمیسا: ۱۷۱)

بماندم ز عاشقیت چنین زار
کنون بر من ای نگار ببخشای (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۳)
چو مهتاب آسمان همه نوری
به شبهای عاشقان وفادار (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x56/8 («علاتن مفاعلن فَ» « مفاعیلُ فاعلاتُ»)
- دکتر محجوب این وزن را یکی از وزن های غریب و نامانوس دوره‌ی سامانی می داند . (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۹۴)

0x665

(11001100101) فاعلن فعلاتن فعلاتن- (ای پری نظری کن نظری کن)

ای نگار سیه چشم سیه روی
سرو قدّ نکو رویِ نکو موی (المعجم ، شمیسا: ۱۹۳)

0x666

علاتن فعلاتن فعلاتن – مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلْ –

(11001100110) (شرابی تو شرابی تو شرابی) (دلارامِ دلارامِ دلارام)

که فرغول پدید آید آن روز
که بر تخته تو را تیره شود نام (رودکی) (نجفی* : ۱۳۶)
دل از کف به نگاهی بربودی
غمم مرا ز فراقت بفزودی (ادیب طوسی) (؟؟)
گل و باده بیارید ، بیارید
به نی گوش سپارید ، سپارید (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۱۳۶)

بتا خیز و بیار آن می خوش بوی
که همرنگ بود با گل خود روی (المعجم ، شمیسا: ۱۳۶)
سیه چشم و سیه زلف غلامی
تبه کرد دلم را به سلامی (المعجم ، شمیسا: ۱۳۶)

اگر یار مرا باز نوازد
دلم با غم سوداش بسازد (المعجم ، شمیسا: ۱۱۱)
نگر تا غم هجرانْت چه کرده ست
بر این عاشق بیچاره‌ی پر درد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۸)

- عضو بحر دودویی « مَفاعیلُ» 0x6/4
- مخصوص عرب است (شمیسا* : ۱۵۳)

0x66A

مفاعلن مفاعیلُ مفاعلْ - علن مفاعلن مفتَعلن مف

(مکن بتا بتا ناز مکن بت) (11001101010)

مکن بتا به من بیهده آزار
که مردی ام کم آزار دل آزار (المعجم ، شمیسا: ۲۱۱)

- عضو بحر دودویی 0x6A/8 («مفاعلن مفاعیلُ » « علن مفاعلن مفتَ»)

0x66D

فاعلن فاعلن مفتعلاتن – (ای پری رو پری رو نظری کن) (11001101101)

یار مستم چو آمد به خرابات
جمله رندان ز چشمش شده سرمست (ابوالحسنی)

- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۳۹)

0x673

تن مفتعلاتن مفتعلاتن ـ مستفعلتن مستفعلتن مُسْ
(کن جلوه‌گری کن جلوه‌گری کن)
(شد او مهِ جان شد او مهِ جان شد) (11001110011)

شد مست نگارم جامه دران شد
در جلوه گری سلطان جهان شد (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن» 0x13/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۲۷۸)

0x694

(11010010100) متفاعلن متفاعلن مُتْ – (تو بیا بیا تو بیا بیا تو)

سمری شدم به جهان در

ز فراق آن سفری نگارم ▶ (المعجم : ۱۱۳)

به همه جهان تو یکی نبینی

چو نگار من به سپید کاری (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۵)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5
- در کتاب «بحثی پیرامون زحاف رایج در شعر فارسی، رضا عبداللهی، ص۸۴» بیت المعجم این طور تصحیح شده است: {برای هم وزن کردن دو مصراع }

سمری شدم به جهان فانی ز فراق آن سفری نگارم » (مدرسی* ۱۶۱)

0x695

(11010010101) مستفاعلن فعلن فعولن – (نو بتی بتی شکری بتی تو)

هر که از وفا خبری ندارد

شاخ هستیش ثمری ندارد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۶)

- عضو بحر دودویی 0x295/10 (مستفاعلن متفاعلن)

0x696

فعولن مفاعلتن فعولن - مفاعیلتن فعلن مفاعیل

(11010010110) (نگارا بیا صنما نگارا) (بتم گشت آن مهِ دل بتم گشت)

تو ای ترک مهوش من وفا کن

نگه سوی عاشق بی نوا کن (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۴)

- عضو بحر دودویی 0x96/8 («مفاعیلتن فعلن»)

0x699

(11010011001) مفتعلن مفتعلن فعولن - (دلبرکا دلبرکا نگارا)

ز تشنگی رنگ شفق پریده

جان سکینه بر لبش رسیده

عمه‌ی او جامه به تن دریده ▶

جان سکینه بر لبش رسیده (حسن فرح بخشیان) (پناهی، ج۱) (ص ؟؟)

0x69A

علن فعولن فعلن فعولن - مفاعلن مفتعلن مفاعل

(11010011010) (بیا نگارا تو بیا نگارا) (بیا بتا ناز مکن بیا بت)

به جز غمت ملتمسی ندارم

به جز هوایت هوسی ندارم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار※: ۶۶۳)

خدا خدا داد ز دست استاد

که بسته رخ شاهد مه لقا را

فغان و فریاد ز جور گردون

که داده فتوای فنای ما را (بهار در پناهی ، ج۵ :۱۰۶) (طبیب‌زاده※ :۳۳۶)

بگو چرا با همه‌ی تلاشم

نبایدم شیفته‌ی تو باشم (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی ، ۱۳۹۰ : ۱۲۱)

- عضو بحر دودویی «مفاعلن مفتعلن» 0x9A/8

0x69B

فعِلن فعولن فعلن فعولن

(11010011011) (مهجان پریسا مهِ جان پریسا)

کدوییست سرکه کدوییست باده

تُرْشی رها کن اگر آن کدویی ▶ (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹: ۲۰۰)

- برای به دست آمدن این وزن «تُرُشی» خوانده نشود ، هر چند که خوانش درست است.
- عضو خانواده « فعلن فعولن فعلن فعولن »

0x6A5

(11010100101) فاعلن متفاعلن فعولن – (دلبرا صنما بتا نگارا)

دلستان مرا وفا نباشد

یا اگر که بُود به ما نباشد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار※: ۶۵۵)

0x6A6

(11010100110) فعولن متفاعلن فعولن – (نگارا صنما بیا نگارا)

به دل جز غم آن قمر ندارم

خوشم زان که غم دگر ندارم (بهار) (نجفی※ : ۳۹۳)

همی دل بَرَد آن نگار دلبر

که تا داغ نهد به جان و دل بر (المعجم ، شمیسا: ۲۰۸)

- عضو بحر دودویی 0xA6/8 («فعولن متفاعلن» « علن مفتعلن مفا »)
- « این وزن را پیش و پس از بهار ظاهرا هیچ شاعر دیگری به کار نبرده است اما صاحب المعجم بیتی بر این وزن آورده که احتمالا ساخته‌ی خود اوست » (نجفی،۱۳۸۴ : ۵۶۷)

0x6A7

(11010100111) فعِلن مفتعلن مفاعلاتن ـ (جانانا شکری بیا بیارا)

بازآمد سحری به شادکامی

او نوشیده شراب ،از چه جامی (ابوالحسنی)

- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده※ : ۳۴۳)

0x6A9

(11010101001) مفتعلن مفاعلن فعولن – (دلبرکا بیا بیا نگارا)

در غم عشق یاری‌ام نکردی

گوش به آه و زاری‌ام نکردی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار※: ۶۶۵)

0x6AA

(11010101010) مفاعلن مفاعلن مفاعل(=فعولن) - (بیا بتا بیا بتا بیا بت)

بتا به عهد عاشقی وفا کن

اگر وفا نمی کنی جفا کن (الهی قمشه‌ای) (پناهی، ج۱ : ۲۱۷)

جهان سراب و زندگی سراب است

وجود ما همه خیال و خواب است

زمان سراب و در پی آَش دوانیم

زمین سراب و آسمان سراب است (فروغ فرخزاد ، درّه نجفی : ۲۴۶)

در این زمانه هیچ کس خودش نیست

کسی برای یک نفس خودش نیست (قیصر امین پور) (نجفی* : ۱۶۲)

هنوز هم تو چون ترانه ای خوشی

هنوز هم تو دلبری تو دلکشی (رحمت نذری[شاعر تاجیک] ، ۱۳۸۲) (نجفی* : ۱۶۲)

شب آمده سراغ من دوباره

مرا ببر به خانه‌ی ستاره (شراره دادگر) (دادگر:۲۷۲)

کجا شدی نگار گلعذارم

که طاقت فراق تو ندارم (عروض بابر:۱۷۵)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ» 0x2/2

0x6AB

(11010101011) مستفعلن مفاعلن فعولن – (جانا بتا بیا بتا بیا بت)

شهریور است و باز می نشیند

باران به روی برگ های انجیر (مرتضی نوربخش) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۷)

دستم به دامانت مرو برادر

اشک این چنین مریز پیش خواهر

مجروح و خسته ای و دل پرآذر

تنها و بی کسی کجاست اکبر (حبیب الله چایچیان) (پناهی، ج۲: ۱۳۵) (شعر کامل)

0x6AD

فاعلاتن مفاعلن فعولن – فاعلاتن فعولُ فاعلاتن

(دلبرا دلبرا بتا نگارا) (11010101101)

ای پسر می بیار و باز بربط

مرغ فربه بیار و باز بربط (المعجم) (شمیسا* : ۱۳۷)

دل‌ستانم خدای عاشقان است

بوسه‌هایش مسیح مردگان است (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x2D/7 (فاعلاتن فعولُ)
- «بر این وزن فهلویات گفته اند . » (شمیسا* : ۱۳۷)

0x6B2

مفاعلتن فاعلن فعولن – علن فعلاتن مفاعلن فع

(بتی چه نگاری بتی نگاری) (بتی مهِ جانی بتی بتی مه) (11010110010)

سحر گل سرخی شده‌ست پرپر

چو جامه دران شد ز عشق بلبل (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xB2/8 («مفاعلتن فاعلن» « علن فعلاتن مَفا»)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (نجفی* :۳۴۷) (طبیب‌زاده* : ۳۶۶)
- شاهد نثر : «به نخله‌ی محمود دررسیدیم» (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۱۳)

0x6B3

مستفعلتن فاعلن فعولن – لاتن فعلاتن مفاعلاتن

مستفعلتن مستفاعلن مس

(جانی مهِ جانی بیا بیارا) (11010110011)

ای من رهی از دست و خط کلکت

از پوست رهی سلم کن که شاید (فرالاوی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۷)

ای مایه خوبی و نیک‌نامی

روزم ندهد بی‌تو روشنایی (رودکی) (نجفی* : ۱۴۹)

تا مرد خر و کور و کر نباشد
از کار فلک بی‌خبر نباشد (ناصرخسرو) (نجفی* : ۱۴۹)
من پار دلی داشتم بسامان
امسال دگرگون شد و دگرسان (فرخی) (نجفی* : ۱۴۹)
ای دل فلک سفله کج‌مدار است
صد بیم خزانش به هر بهار است (پروین اعتصامی) (نجفی* :۳۴۸)

تا ملک جهان را مدار باشد
فرمان ده او شهریار باشد (انوری) (المعجم ، شمیسا: ۱۸۸)
باران که زمین پاک شسته دارد
چون کز دل من غم همی نشوید (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۷)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن مستفاعلن» 0x2B3/10
- دکتر محجوب این وزن را یکی از وزن های غریب و نامانوس دوره‌ی سامانی می داند . (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۹۴)
- جزو «اوزان برهانی و جدلی مناسب معانی پند و اخلاق و حکمت » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۳)

0x6B4
(11010110100) متفاعلن فاعلن فعولن – (صنما نگارا بیا نگارا)

ز فراقت ای یار نازنینم
همه شب پریشان و دل غمینم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۸)

0x6B5 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x//6B5 حالت غیر دوری

(11010110101) مستفاعلُن مستفاعلُن مُسْ - (مه‌رخا بیا مه‌رخا بیا مه)

گریه را به مستی بهانه کردم

شکوه ها ز دست زمانه کردم (عارف قزوینی) (نجفی❊ :۲۲۹)

تا به باغ حُسن آشیانه کردی

صید مرغ دل عاشقانه کردی (الهی قمشه‌ای) (وحیدیان‌کامیار❊: ۶۵۵)

بشکن این قفس را و پر زن ای دل

خیمه در جهان دگر زدن ای دل (الهی قمشه‌ای) (نجفی❊ :۲۲۹)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُن» 0x15/5

0x6B5-D//D حالت دوری

(11010//110101) فاعلن فعولن//علن فعولن - (ای بتا نگارا //بتا نگارا)

دل هوای یاری //دگر ندارد

جز تو غمگساری //دگر ندارد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۶۵۴)

0x6B6

(11010110110) فعولن فعولن مفاعلاتن- (نگارا نگارا بیا نگارا)

ندارد بر آن زلف مشکین بوی

ندارد بر آن روی لاله ای زیب ▶ (ابو منصور عمار مروزی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۶۶۴)

نسیم سحر بر چمن گذر کن

ز من بلبل خسته را خبر کن

بگو آشیان را ز دیده تر کن

ز بیداد گل آه و ناله سر کن (بهار) (نجفی،۱۳۸۴ : ۵۶۷)

- عضو بحر دودویی 0xB6/8 (فعولن فعولن فعو)

0x6BB

(11010111011) مستفعلن مستفعلن فعولن – (جانا بیا جانا بیا بیارا)

ای قدّ تو چون سرو جویباری
وی عارضِ تو چون گل بهاری
ای لعل تو چون خاتم بدخشی
وی زلف تو چون نافه‌ی تتاری (بهار ، دیوان:۶۵۸)
ای ثابتی از من خبر نداری
ای جان دل از تن خبر نداری
ای دوست از این بسته‌ی گرفتار
در پنجه‌ی دشمن خبر نداری (بهار ، دیوان : ۶۰۲)
ما هر دو در یک دشت می چریدیم
دشتی بزرگ و سبز و پاک و جاری
جز عکس هم در چشم هم ندیده
همچون دو آهو از جهان فراری (مفتون امینی) (پناهی، ج۲: ۱۳۳)
تا بر تنم توان و تا قرار است
در دل مرا ز کرده‌ات شرار است (خلیل دانش پژوه) (پناهی، ج۲: ۱۳۴)

ای دلربا در کوی ما گذر کن
وی مه لقا بر روی ما نظر کن (شجره العروض: ۵۲)

0x6C9

(11011001001) مفتعلن فعلاتن فعولن - (دلبرِ دلبرِ زیبای زیبا)

دل به امید وفای تو دارم
دیده به شوق لقای تو دارم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۵) (با کشیده خواندن «یِ» در «وفایِ» و «لقایِ»)

0x6CA

(11011001010) مفاعلات فعولن فعولن - مفاعلن فعلاتن مفاعل
(بتی بتی چه نگاری نگاری) (بتی بتی مهِ جانی بتی بت)

چه خوش بود به کنار تو بودن
به کام دل به برتو غنودن (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۲)

بگو بگو که مرا دوست داری

بدان بدان که تو را می پرستم (بی نام) (نجفی،۱۳۹۴،الف: ۱۷۱)

مراد رای یکی یار دارم (ترجمان البلاغه) (نجفی* :۳۲۸)

- عضو بحر دودویی « مفاعلن فعلاتن» 0xCA/8

0x6CB

(11011001011) مستفعلن فعلاتن فعولن – (جانی بتی چه نگاری نگاری)

باور مکن که مرا دوست داری

باور مکن که تو را می پرستم (شمس لنگرودی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۱)

یارا به عشوه دلم را ربودی (المعجم ، شمیسا: ۷۵)

0x6D6

علاتن مفاعلاتن علاتن

(11011010110) (نگارا بیا نگارا نگارا)

درآمد ز در نگارم//بهارم

بزن دف مدام مطرب//بزن دف (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xD6/8 (علاتن مفاعلاتن)

0x6D9

(11011011001) مفتعلن فاعلاتن فعولن -(یار نظر کن نظر کن نظر کن)

جز در او ره به جایی ندارم

غیر غمش آشنایی ندارم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۶)

0x6DB

مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعول - عولن فعولن فعولن فعولن

(دلدارِ دلدارِ دلدارِدلدار)

(11011011011) (جانی ز جانی ز جانی ز جانی)

جز مهر او آشنایی ندارم ||جز کوی او ره به جایی ندارم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۱)

ناگه غروب کدامین ستاره|| ژرفای شب را چنین بیش کرده است (اخوان ثالث) (نجفی* :۵۵)

من سایه ام را به میخانه بردم(اخوان ثالث) (شمیسا*:۱۳۳) (نیمایی)

آن زخم خونین که از خنجر باد||مانده ست در سینه ام یادگاری (مهستی بحرینی) (نجفی* :۵۵)
قصد سفر در شب آسمان داشت ||در دست خود یک سبد کهکشان داشت
(حسن ثابت محمودی) (پناهی، ج۲: ۱۵۹)

ای ذره بر خود ز مستی چه نازی ||ای قطره بر خود ز هستی چه نازی (حمید سبزواری) (پناهی، ج۲: ۱۵۹)
یارا به عشوه دلم را ربودی (المعجم ، شمیسا: ۷۵)

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3
- ضرب المثل: «مهمان ناخوانده عزّت ندارد» (پناهی، ج۲: ۱۶۰)
- این وزن گران و نامطبوع است . (المعجم ، شمیسا: ۷۵)

0x6DD دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x6DD-0//11 حالت غیر دوری

فاعلاتن فاعلا فاعلاتن –

(11011011101) (دلبرم شد دلبرم دلبرم شد)

از مدیدش وزن خوش یابی||گاه دعوی چون بدو درشتابی
فاعلاتن فاعلن فاعلاتن||گر چنین دانی همی بر صوابی (ترمذی) (نجفی* : ۹۱)

غالیه زلفی سمن عارضینی || سرو بالاییّ و زنجیر مویی (المعجم ، شمیسا: ۱۰۹)
می بسوزم در فراقت همی زار ||ای صنم تا کی روا داری آزار (المعجم ، شمیسا: ۲۰۸)
مستمندم زاروارم نگارا || خسته داری جان ما را به هجران (المعجم) (نجفی* : ۹۱)

0x6DD-4//7 حالت دوری

فاعلاتن فاعلا// فاعلاتن –

(1101//1011101) (دلبرم شد دلبرم //دلبرم شد)

مطربان بربط زنان// شد بهاران
شد بهاران عاشقان// شد بهاران (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x5D /7 (فاعلاتن فاعلا)
- مخصوص عرب است . (شمیسا* : ۹۲)

0x6EB

مستفعلن مفاعیلن فعولن- مستفعلن فعل مستفعلن فع -

(11011101011) (جانا بیا پریرویی پریرو)

امروز کرد یارم قصد لشکر

تا گشت جانم از دردش برآذر (المعجم ، شمیسا: ۲۰۵)

- عضو بحر دودویی 0x2B/6 (مستفعلن فعل)

0x6ED

فاعلاتن مفاعیلن فعولن – فاعلاتن فعولن فاعلاتن –

(11011101101) (ای نگارم نگارم ای نگارم)

لاله کاران دگر لاله مکارید ▶

باغبانان دو دست از گل بدارید ▶

اگر عهد گلان این بو که دیدم

بیخ گل بر کنید و خار بکارید ▶ (باباطاهر) (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۲۴)

باز هم می سرایم عاشقانه

از تو من کوله باری از ترانه (رضا عبداللهی) (دادگر:۳۲۳)

ای پسر مَی بیار و باز بربط

مرغ فربه بیار و باز بربط (المعجم ، شمیسا: ۱۹۲)

- عضو بحر دودویی 0x6D/7 (فاعلا فاعلاتن)
- « و بعضی فهلویات صحیح برین وزن است چنانک گفته اند:

اج ته وذ کردن و وذ بردن اج من   واج ته خوناوه دادن خوردن اج من

ور بنالم ته وا نالم مکر گوش   کج ته شمشیر خوش بی گردن اج من » (المعجم ، شمیسا: ۱۹۴)

- در فهلویات این وزن با وزن دو بیتی (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) ترکیب می شده است و شمس قیس در کتاب المعجم این ترکیب را نادرست می دانسته است . دکتر علی اشرف صادقی در مقاله‌ی (وزن فهلویات در طبیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۷-۱۴۸) می گوید «ما با دو نظام وزنی متفاوت سر و کار داریم و اینها را نباید با معیارهای یکسانی بسنجیم . » (طبیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴۵)
- «شمس قیس در مورد فهلوی هم مانند رباعی کلمه‌ی «اوزان را به کار می برد چنانکه از المعجم بر می آید فهلوی سه وزن داشته است: (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) ، (فاع لاتن مفاعیلن فعولن) ((فاعی لاتن=) مفعولاتن مفاعیلن فعولن) و این هر سه را در ترانه یی واحد با یکدیگر می آمیختند .» (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۱۰) برای مطالعه‌ی کامل در مورد این سه وزن به فصل «عروض فهلوی» در کتاب «سیر رباعی» (شمیسا،۱۳۸۷) مراجعه کنید.
- «اگر فهلویات را به سیاق فارسی تلفظ و سپس تقطیع کنیم به هر سه وزن مورد بحث برخواهیم خورد . در این صورت روش علمی این است که بگوییم در فهلوی مفاعیلن و فاع لاتن و مفعولاتن در آغاز مصاریع با هم برابرند. راه صحیح تر این است که فهلوی را مطابق اصل لهجه تلفظ نماییم ، تا همواره به وزن هزج مسدس مقصور یا محذوف دست یابیم برای ما که امروزه به تلفظ صحیح لهجه های قدیم آشنا نیستیم ، راه این است که اشعار را طوری تلفظ و تقطیع کنیم تا همواره وزن مفاعیلن مفاعیلن فعولن به دست آید. » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۱۸)
- «باید برای انطباق فاعلاتن حاصل از تقطیع با مفاعیلن متبادر به ذهن چاره ای بیندیشیم . در این جاست که می گوییم می توان هجای بلندی را کوتاه و هجای کوتاهی را بلند در نظر گرفت .» (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۲۴) { به عبارت دیگر در فاعلاتن «فا» را به شکل مصوت بلند سریع تلفظ می کنیم تا هجای کوتاه در نظر گرفته شود و «عـِ» را به صورت کشیده تلفظ می کنیم تا هجای کوتاه در نظر گرفته شود. }

لاله کاران دگر لاله مکارید   باغبانان دو دست از گل بدارید
اگر عهد گلان این بو که دیدم   بیخ گل بر کنید و خار بکارید (باباطاهر)

وزن مصرع های اول و دوم و چهارم (فاعلاتن مفاعیلن فعولن) و مصرع سوم (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) است.

برای آنکه این وزن درست شود در کلمه‌ی «لاله» ، قسمت «لا» را با مصوت «آ» بلند تلفظ می کنیم تا هجای کوتاه شنیده شود و «له» را به صورت کشیده تلفظ می کنیم تا هجای بلند شنیده شود بر همین موزنل «باغبانان» و «بیخِ» را باید خواند .

روزم از شو ، شوم از روز بتر بی   بخت آشفته ام زیر و زیر بی
شود روز از فراقت ناله‌ی مو   چو آه بی نوایان بی اثر بی

وزن مصرع اول (مفعولاتن مفاعیلن فعولن) ، مصرع دوم (فاعلاتن مفاعیلن فعولن) و مصرع سوم و چهارم (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) است .

- «بهتر است که عوض حدس و گمان در تلفظ کلمه با توجه به این که وزن مفاعیلن مفاعیلن فعولن است ، هجای کوتاه را گاهی به ضرورت بلند و هجاهای بلند را گاهی به ضرورت کوتاه تقطیع کنیم . در مصراع «لالالالا عزیز ترمه پوشم» «لا»ی اول را معادل هجای کوتاه و سه «لا»ی بعدی را معادل هجای بلند حساب می کنیم. » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۲۷)

0x6EE

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل – (پریرویی پریرویی پریرو)

(11011101110) (پری‌رو ای پری‌رو ای پری‌رو)

نگارینا به نقد جانْتْ ندْهم

گرانی در بها ارزانْتْ ندْهم (محمود وراق هروی)

«در مجمع الفصحا تاریخ وفات شاعر ۲۲۱ هجری ذکر شده است » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۲)

چنان مستغرقم در غم که مطرب

اگر در غم سراید غم فزاید (ابوسلیک گرگانی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۵)

اگر غم را چو آتش دود بودی

جهان تاریک بودی جاودانه (شهید بلخی) (نجفی* : ۸۱)

دلاچونی دلاچونی دلاچون ♫

همه خونی همه خونی همه خون ♫

ز بهر لیلی سیمین عذاری

چو مجنونی چو مجنونی چو مجنون ♫ (باباطاهر)

نخستین بار گفتش کز کجائی

بگفت از دار ملک آشنائی (نظامی، منظومه خسرو و شیرین) (خمسه نظامی تصحیح دستگردی، ص ۲۳۳)

سحر بلبل حکایت با صبا کرد

که عشقِ رویِ گل با ما چه‌ها کرد (حافظ ، غزل ۱۳۰ قزوینی)

بیا جانا که امروز آن مایی

کجایی تو کجایی تو کجایی ♫

به فر سایه‌ات چون آفتابیم

همایی تو همایی تو همایی ♫

جهان فانی نماند ز آنک او را

بقایی تو بقایی تو بقایی ♫

چه چنگ اندر تو زد عالم که او را

نوایی تو نوایی تو نوایی ♫
چو عاشق بی‌کله گردد تو او را
قبایی تو قبایی تو قبایی ♫
خمش کردم ولی بهر خدا را
خدایی کن خدایی کن خدایی ♫ (مولوی ، غزل ۲۷۱۲)

نگارینا به صحرا شو که عالم
چو روی خوب تو گشتست خرّم (المعجم ، شمیسا: ۱۱۱)
هلا زیبا رخا برخیز و پیش آر
میی با دو رخت همرنگ و همبوی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۷)
فروغ روی او چون نور خورشید
نسیم زلف او چون بوی عنبر (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۷)
بدان ای گل که رویت چون بهار است
هَزَج بحر روان آب‌دار است
مفاعیلن مفاعیلن فعولن
شهور روم این هشت و چهار است... (ابو نصر فراهی:۳۷)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

- یکی از هشت وزن مناسب برای مثنوی است که ویس و رامین فخر الدین اسعد گرگانی ، خسرو و شیرین نظامی ، اسرار نامه و الهی نامه عطار و یوسف و زلیخای جامی و فرهاد و شیرین وحشی به آن سروده شده است . (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۶۲۸)
- این وزن ، وزن اختصاصی قالب دوبیتی هست .
- «شعرا در این وزن همه گونه شعر از قطعه و غزل و قصیده سروده اند اما این وزن را به عنوان بهترین قالب برای انواع مثنویهای داستانی و عاشقانه برگزیده اند . » (مدرسی❋: ۳۷۱)
- در این وزن «حافظ ۲۴ غزل ، سعدی ۳۴ و عطار ۹۱ غزل و دو قصیده دارد.» (مدرسی❋: ۳۷۲)
- این وزن کاملا ایرانی است. (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۲)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)

- جزو « اوزان شیرین و دلنشین و آرام که مناسب مضامین آرام بخش یا عاشقانه است. لالایی ها که آرام بخش کودکان هستند ، نیز در این وزن هستند.» (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۴)
- « وزن ترانه در اشعار قدیم عرب هست مثل شعر زیر از حضرت علی:
سلی عن سیرتی سهمی و قوسی و رمحی والملمه و القضایا» (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۳۰)
- «ریپکا در تاریخ ادبیات (ص ۲۵۰) خود درباره‌ی مثنوی ها و حماسه های ایرانی که غالبا به وزن هزج یا متقاربند می نویسد: «دقیقی یا متقدمان وی توانستند ترانه های رزمی عامیانه و بالاخص مرثیه های عامیانه ای را که در بخارا به وسیله‌ی آوازه خوانان عامی در مرگ سیاووش همراه با موسیقی خوانده می شد ماخذ قرار دهند ، بدین ترتیب که ترانه ها را به سبک ادبی درآورده با نزدیک ترین وزن شعر عربی (متقارب یا هزج) وفق داده اند . » به نظر ما هم اشعار موجود در ایران که همواره با موسیقی همراه بوده است ، به تدریج با برخی از اوزان عربی مخصوصا هزج و متقارب مطابقت یافت و وجود اشعار غیر عروضی از قبیل چهاردانه های شرفشاه یا امیر پازَواری که باید ملحون خوانده شود موید این نظر است .» (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۳۰)
- «شمس قیس در مورد فهلوی هم مانند رباعی کلمه‌ی «اوزان را به کار می برد چنانکه از المعجم بر می آید فهلوی سه وزن داشته است: (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) ، (فاع لاتن مفاعیلن فعولن) ((فاعی لاتن= مفعولاتن مفاعیلن فعولن) و این هر سه را در ترانه یی واحد با یکدیگر می آمیختند» (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۱۰) برای مطالعه‌ی کامل به فصل «عروض فهلوی» در کتاب سیر رباعی مراجعه کنید.
- «ایرانیان هزج را همواره در قوالبی که محصول ابتکار خود آنان بود به کار می بردند علاوه بر رباعی و فهلوی ، تمام مثلثات (مثنوی سعدی ، غزل حافظ ، ...) در همین بحر هزج مسدس مقصور یا محذوفند مثنویات مهم فارسی دری نیز از قبیل ویس و رامین و خسرو و شیرین و غیره به همین وزنند . » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۳۱)
- به این وزن سروده شده است: ویس و رامین (فخر الدین اسعد گرگانی) ، مصیبت نامه و اسرار نامه و الهی نامه (عطار) ، یوسف و زلیخا (جامی) ، فرهاد و شیرین (وحشی) ، خسرو و شیرین (نظامی) ، خسرو و شیرین (امیر خسرو دهلوی) ، گل و نوروز (خواجوی کرمانی) ، عارف نامه (ایرج) ، گوهر نامه (خواجوی کرمانی) ، ناظر و منظور (وحشی بافقی) (درّه نجفی: ۲۴۲)

.

0x6EF

(11011101111) مفعولاتن مفاعیلن فعولن – (جانی جانی پریرویی پریرو)

روزم از شو ، شوم از روز بتر بی ◄
بخت آشفته ام زیر و زیر بی ◄
شود روز از فراقت ناله‌ی مو
چو آه بی نوایان بی اثر بی (بابا طاهر) (دیوان بابا طاهر ،ناشر: مطبعه ارمغان ، ۱۳۱۱ ، تهران ، ص ۳۷)

داد از این دل که هرگز نی به کامم ▶
داد ازین دل که آزارد مدامم ▶
داد ازین دل که چون مرغان وحشی ▶
دانه ناچیده هر روزی به دامم (بابا طاهر) (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۲۵)

- «بهتر است که عوض حدس و گمان در تلفظ کلمه با توجه به این که وزن مفاعیلن مفاعیلن فعولن است هجای کوتاه را گاهی به ضرورت بلند و هجاهای بلند را گاهی به ضرورت کوتاه تقطیع کنیم در مصراع «لالالالا عزیز ترمه پوشم» «لا»ی اول را معادل هجای کوتاه و سه «لا»ی بعدی را معادل هجای بلند حساب می کنیم » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۲۷)
- «شمس قیس در مورد فهلوی هم مانند رباعی کلمه‌ی اوزان را به کار می برد چنانکه از المعجم بر می آید فهلوی سه وزن داشته است: (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) ، (فاع لاتن مفاعیلن فعولن) ((فاعی لاتن=) مفعولاتن مفاعیلن فعولن) و این هر سه را در ترانه یی واحد با یکدیگر می آمیختند.» (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۱۰) برای مطالعه در مورد این سه وزن به فصل «عروض فهلوی» در کتاب سیر رباعی مراجعه کنید.
- «اگر فهلویات را به سیاق فارسی تلفظ و سپس تقطیع کنیم ، به هر سه وزن مورد بحث برخواهیم خورد . در این صورت روش علمی این است که بگوییم در فهلوی مفاعیلن و فاع لاتن و مفعولاتن در آغاز مصاریع با هم برابرند. راه صحیح تر این است که فهلوی را مطابق اصل لهجه تلفظ نماییم تا همواره به وزن هزج مسدس مقصور یا محذوف دست یابیم برای ما که امروزه به تلفظ صحیح لهجه های قدیم آشنا نیستیم راه این است که اشعار را طوری تلفظ و تقطیع کنیم تا همواره وزن مفاعیلن مفاعیلن فعولن به دست آید . » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۱۸)

0x6FB

مستفعلن فعِلن//مستفعلن فع – مستفعلاتن مس//مستفعلاتن

(11011//111011) (جانا پری رویی//جانا پری‌رو)

شد قاسم داماد//در حجله گور
بروی مبارک باد//این عشرت وسور (کمپانی اصفهانی در پناهی ، ج۴ :۲۲۰) (طبیب‌زاده‌* :۲۰۲)
حرّ خطاکارم//ای روح ایمان
من کوه عصیانم//تو بحر غفران (محمود تاری در پناهی ، ج۴ :۲۲۰) (طبیب‌زاده‌* :۲۰۲)

- عضو بحر دودویی 0x3B/6 (مستفعلن فعِلن)

0x724

فعلن فعلن فعِلن فعلن -فعلن فعلن فعلیاتن

(مهِ جان مهِ جان مهِ جان مهجان) (11100100100)

چو به مهر و وفای تو دل بستم

ز وفای جهان همه بگسستم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۷)

به جهان ز برای تو زنده ام

به امید وفای تو زنده ام (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۷)

- وزن مستقل یا عضو خانواده «فعلن»*۴

0x725

فاعلن فعلن فعلیاتن – (دلبرا صنما صنما جانا) (11100100101)

دل اگر ز وفای تو بردارم

رو ، ز خاک درت به کجا آرم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۵)

0x72B

مستفعلن مفاعلُ مستفعل - مفعول فاعلات مفاعیلن

لاتن مفاعلن فعلاتن مف

(جانی بتی بتی مهِ جانی بت) (11100101011)

ای آنکه غمگنی و سزاواری

واندر نهان سرشک همی باری (رودکی) (نجفی* : ۲۹۶)

ای کرده گرد ماه ز شب خرمن

گریان ز حسرت تو چو باران من (ظهیر فاریابی) (نجفی* : ۲۹۶)

کار آن‌چنان که آید بگزارم

عمر آنچنان که آید بگسارم (مسعود سعد) (نجفی* : ۲۹۷)

افسوس ای که بار سفر بستی

کی می‌توانم از تو خبر گیرم (نادرپور) (نجفی* : ۲۹۶)

ای بسته چشم‌های تو راهم را

پُر کرده قامتِ تو نگاهم را (حسین منزوی) (فیروزیان:۱۰۵)

دیشب به یاد روی تو سرکردم

آن شکوه‌ی نیافته پایان را (سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۱۰۸)

ای کرده گرد ماه ز شب خرمن
گریان ز حسرت تو چو باران من (المعجم ، شمیسا: ۱۷۱)
بل تا خوریم باده که مستانیم || وز دست نیکوان می بستانیم
دیوانگان بیهش مان خوانند || دیوانگان نه ایم که مستانیم (المعجم) (شمیسا* : ۱۴۲)
ترک از درم درآمد خندانک ||آن ماه روی چابک ، مهمانک (دختر کعب) (المعجم ، شمیسا: ۱۷۳)
باد بهار و باده‌ی شبگیری || بوی بنفشه و سمن و خیری (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۶)

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- « این وزن را بیشتر سرایندگان خراسانی به کار گرفته اند . » (مدرسی*: ۲۶۰)
- دکتر محجوب این وزن را یکی از وزن های غریب و نامانوس دوره‌ی سامانی می داند . (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۹۴)

- مادر یک خانواده وزن ۲ عضوی:

خانواده وزن (111-0010-1011)- مستفعلن مفاعلُ مفعولن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x72B	(111-0010-1011)
2	0x3EB	(111-110-1011)

0x733
مستفعلُ مستفعلُ مستفعلْ- مفعول مفاعیل مفاعیلن
(11100110011) (زیبا رخِ زیبا رخ زیبا رخ)

مانا که هزار گونه جان داری
کاین همت چندان نکشد یک جان ◀ (خسروی سرخسی) (نجفی* :۱۴۷)
عدل تو جهان را به سکون آمر
زجر تو فلک را ز ستم ناهی (انوری) (نجفی* : ۱۴۷)

لغزید شب از نیمه به نیمی باز
من ماندم و تنهایی و خاموشی (فریدون توللی در پناهی ، ج۱ :۲۳۸) (طبیب‌زاده* :۲۵۴)
شمعم نفسی ماند و سپس جان داد
من ماندم و تاریکی و تنهایی (فریدون توللی) (نجفی* :۱۴۷)

ساقی بده آن گلگون قَرقَف را
نایافته از آتشِ گز تف را (لوکری، المعجم) (نجفی* :۱۴۷)
تا کی بود ای کودک سنگین دل
جور تو بر این عاشق بی [سامان] (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۰)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُ » 0x3/4
- «محمد بن وصیف در سال ۲۸۳ شعری سروده است از این شعر دو بیت در دست است که متاسفانه مصرع های اول خوانا نیست مصرع های دوم عبارت است از «پیروزه نمای از صدف مرجان» بر وزن (مستفعل فاعلات مفعولن) و دیگری «از فعل ابی حفص شه جیشان» بر وزن (مستفعل مستفعل مفعولن) باید اصل وزن همان (مستفعل مستفعل مفعولن) باشد که در مستفعل دوم قلبی صورت گرفته و به فاعلات تغییر یافته است . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۲)
- «طبق اختیار قلب تا حدود قرن شش و هفت در شعر فارسی رواج داشته است وزن فوق {۱۱۱۰۱۰۱۰۰۱۱} {کد ۰x۷۵۳} گاه به شکل‌های دیگری چون «لن مفتعلن مفتعلن مفتع» { کد 0x733 } نیز ظاهر می‌شده است:
  زنهار مشو فتنه بر او زیرا
  حوری ست ز دور و خوب گفتاری (ناصرخسرو در نجفی: ۳۹۹) » (طبیب‌زاده* : ۳۴۹)

0x735
(11100110101) مستفاعلن مفتعلن فعلن – (دلبرا نگارا صنما جانا)

مشکین کلکی سروین بالایی
وا دو چشم شهلا و چه شهلایی ▶ (المعجم ، شمیسا: ۱۵۰)

0x739

(11100111001) مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْ – (شد مهِ زیبا شد مه زیبا شد)

جامه دران آمد سپری شد غم
شد مهِ من روشن شده ایامم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفتعلاتن» 0x16/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❋ : ۲۹۰)

0x73F

فعِلاتن فعِلاتن فعلاتن فع –
(11100111111) (مهجانی مهجانی مهِ جانی مه)

زه دانا را گویند که داند گفت ▶
هیچ نادان را داننده نگوید زه (منوچهری) (نجفی❋ :۱۳۱)

- «ندرتا نمونه هایی در دست است که در رکن اول تسکین شده است . » (شمیسا❋ : ۱۹۷)
- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع»

0x74A

مفاعلن فعلاتُ مفعولن
(11101001010) (بیا بیا مهِ دل بیا مهدل)

مخوان مرا نفسی به دین زاهد
که دین عشق بتان مرا کافی‌ست (ابوالحسنی)

- شاهد نثر: «و از سماع و مجالست حظّی» (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۱۸)
- «این وزن سابقه‌ای ندارد و شاید اصلا موزون نباشد»(نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۱۸)

0x74B

مستفعلن فعلن مفاعیلن - مستفعلن فعلاتُ مستفعل –

(جانی بتی مهِ دل تو جانی بت) (11101001011)

خواهم که دل ز غم تو خون گردد

وان خون ز دیده‌ی من برون گردد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۰)

- عضو بحر دودویی 0x4B/8 («مستفعلن فعلاتُ»)

0x753

مستفعلُ فاعلاتُ مستفعلْ

لن مفتعلن مفاعلن مفتع

(هستی مهِ دل نگار هستی مه) (11101010011)

مرغی ست خدنگ او عجب دیدی

مرغی که شکار او همه جانا (فیروز مشرقی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۲)

مانا که هزار گونه جان داری ▶

کاین همت چندان نکشد یک جان (خسروی سرخسی) (نجفی* :۱۴۷)

زنهار مشو فتنه بر او زیرا

حوری ست ز دور و خوب گفتاری (ناصرخسرو) (نجفی،۱۳۹۴،الف : ۴۵)

ما گبر قدیم نامسلمانیم

نام‌آور کفر و ننگ ایمانیم (عطار) (نجفی* :۳۹۷)

ای مطرب جان چو دف به دست آمد

این پرده بزن که یار مست آمد (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ : ۲۰۹)

دیدی که وفا به جا نیاوردی

رفتی و خلاف دوستی کردی (سعدی) (نجفی* :۳۹۷)

هیچ اثر زان شب سیاه نماند

اهرمن رفت و ماند یزدانا (بهار) (پناهی ، ج۲: ۴۴)

تا مطرب عشق خسته می خواند

ساز دل ما شکسته می خواند (حسین منزوی) (فیروزیان:۹۹)

دلدارم حال من نمی داند
وز رویم قصه بر نمی خواند (المعجم ، شمیسا: ۱۳۷)
از دل با من نماند جز رسمی
از جان با من نماند جز بوی (المعجم ، شمیسا: ۱۶۹)
دلدار ز حال من نمی پرسد
از آه سحر مگر نمی ترسد (المعجم ، شمیسا: ۱۳۸)
نرگس ز نشاط ماه فروردین
بر دست نهاده ساغر زرین (المعجم) (شمیسا* : ۱۶۴)
با دانش من نساخت دهر آری
دانش بکر است و دهر نامرد است (انوری، زبده العروض) (نجفی* :۳۹۹)

چون شعر رفورمه گشته مطلوب
تقطیع جدید را بده گوش
مفسوقُ مفاسقن مفاسیق
بحر عمل است و نام منقوش (وقارالسلطنه:۶)

- عضو بحر دودویی 0x53/8 («مستفعلُ فاعلاتُ» « لن مفتعلن مفاعِ »)
- «عطار در این وزن و مسبغ آن ۳۱ غزل دارد ، در حالی که حافظ این وزن را نپسندیده است و در آن هیچ غزلی ندارد. سعدی نیز ۳ غزل دارد . » (مدرسی*)
- «محمد بن وصیف در سال ۲۸۳ شعری سروده است . از این شعر دو بیت در دست است که متاسفانه مصرع های اول خوانا نیست . مصرع های دوم عبارت است از «پیروزه نمای از صدف مرجان» بر وزن مستفعل فاعلات مفعولن و دیگری «از فعل ابی حفص شه جیشان» بر وزن مستفعل مستفعل مفعولن باید اصل وزن همان مستفعل مستفعل مفعولن باشد که در مستفعل دوم قلبی صورت گرفته و به فاعلات تغییر یافته است » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۲)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- «خانلری در مورد این وزن گوید که «به سبب عدم تناسب ارکان(؟) به گوش گران و نامطبوع است و به این سبب از قرن هفتم به بعد تقریبا منسوخ شده است»» (نجفی* :۳۹۸)

- «فرزاد گوید:«من معتقدم این وزن به غلط نامطبوع خوانده شده است و اکثر شعرای بزرگ ما (سوای حافظ) غزل‌ها یا قصاید متعددی به این وزن ساخته‌اند. جالب است که این وزن در میان نوپردازان از محبوبیت خاصی برخوردار است.»» (نجفی* :۳۹۸)
- جزو «اوزان برهانی و جدلی مناسب معانی پند و اخلاق و حکمت » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۳)
- «در این وزن تنها قصیده معمول است» (درّه نجفی: ۲۴۵)
- شاهد طنز :

- «طبق اختیار قلب تا حدود قرن شش و هفت در شعر فارسی رواج داشته است وزن فوق {۱۱۱۰۱۰۱۰۰۱۱} {کد ۰x۷۵۳} گاه به شکل‌های دیگری چون «لن مفتعلن مفتعلن مفتع» { کد 0x733 } نیز ظاهر می‌شده است:

زنهار مشو فتنه بر او زیرا

حوری ست ز دور و خوب گفتاری (ناصرخسرو در نجفی: ۳۹۹) » (طبیب‌زاده* : ۳۴۹)

- مادر یک خانواده وزن ۲ عضوی:

خانواده وزن (11101010011) - مستفعلُ فاعلاتُ مفعولن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x753	111-0101-0011
2	0x3AF	111-0101-111

0x756

مفاعیلتن مفاعلن فعِلن – فعولن مفاعلن فعولن مف

(11101010110) (نگاری بتی بتی نگاری بت)

به اول دل از کفم چرا بردی

به آخر دلم چرا بیازردی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۴)

- عضو بحر دودویی 0x56/7 («فعولن مفاعلن»)

0x759

مفتعلن فاعلاتُ مفتعِلْن

(دلبرِ جان ماهتاب دلبرجان) (11101011001)

سفله جهان بی وفاست ای بخرد

با تو کجا بی وفا قرار کند؟ (ناصر خسرو) (پناهی، ج۲: ۴۴)

- عضو خانواده « مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن »

0x75A

مفاعلاتن مفاعلاتن مَفْ

(بتم بتم شو بتم بتم شو بت) (11101011010)

منجمان آمدند خَلُّخیان

اَبا سُطُرلاب‌ها چو بُرجاسا ◀ (ابی العباس ربنجنی) (نجفی* :۲۱۴)

فکار آن چشم مست شهلایم

اسیر آن طرّه‌ی سمن سایم (ادیب طوسی) (نجفی* : ۲۱۴)

نمانده با من به جز جانی خسته

در این قفس باشدم بالی بسته (؟) (آهی ، ۱۳۵۷ : ۲۱۱)

نبینی از من رهی به جز خدمت

ندارم از تو طمع به جز دیدار (المعجم) (نجفی* :۲۱۴)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5

0x75B

مستفعلن فاعلن مفاعیلن – مستفعلن فاعلاتُ مستفعل

(ساقی تو درده شراب ساقی تو) (11101011011)

خواهم تو را تا که یار من باشی

یارم شوی در کنار من باشی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۱)

- عضو بحر دودویی 0x5B /8 (مستفعلن فاعلاتُ)

0x75E

(11101011110) مفاعیلن فاعلن مفاعیلن - (نگارینا دلبرا نگارینا)

نبینی، از من رهی به جز خدمت

ندارم، از تو طمع به جز دیدار (المعجم ، شمیسا: ۱۶۹)

- عضو بحر دودویی 0x5E /7 (مفاعیلن فاعلن)

0x765

فاعلن فعلن مفاعیلن- (بوی بوی نگارم نگارم کو)

(11101100101) (دلبرا صنما دلبرا جانا)

تا اسیر رخ تو ای ترک زیبایم

از فراق رخت ناشکیبایم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۴)

0x76B

مستفعلن فعولن مفاعیلن – مستفعلن مفاعیلُ مستفعل

(11101101011) (جانی بتی ز جانی تو جانی بت)

تا از تو ای دلارا جدا گشتم

دور از رخت به غم ، آشنا گشتم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۰)

- عضو بحر دودویی 0x6B/8 («مستفعلن مفاعیلُ»)

0x76D

(11101101101) فاعلن فاعلن فاعلن فاعل – (دلبری دلبری دلبری دلبر)

بی رخت ای دلارام طنازم

روز و شب با غم و غصه دمسازم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۶)

موسم گل شد و وقت گل چیدن

خوش بُوَد روی گل‌چهره بوسیدن (نواب صفا در پناهی ، ج۳ :۱۵۶) (طبیب‌زاده* :۱۹۴)

می توان در خزان باغبانی کرد

باغ یاد تو را ارغوانی کرد (صابر امامی) (نجفی* :۴۹)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0x776

فعولن مفاعیلن مفاعیلن

(11101110110) (نگارم نگارم شو نگارم شو)

درآمد ز در یارم کنون سرمست

ز دیدار رویش من شدم از دست (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x76/7 (فعولن مفاعیلن)

0x77B

مستفعلن مفعولاتُ مفعولاتْ- مستفعلاتن مستفعلاتن مس

(11101111011) (دلبر نگارینم شد نگارینم)

دیشب نگارم شد شمع سرمستان

شادان غزل‌خوان بربط زنان رقصان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x1B/5 (مستفعلاتن)
- طبیب‌زاده : «نجفی اینجا از بحر «- - U - -/- - U - -/-» نیز یاد کرده و متذکر شده است که شجره‌العروض (۵۷) این بحر را «بحر سلیم» نامیده و آن را به صورت «مستفعلن مفعولاتُ مفعولاتْ» تقطیع کرده است اما نجفی هیچ شاهدی برای آن ذکر نکرده است.» (نجفی* :۲۵۸)

0x77D

فاعلاتن مفعولن مفاعیلن – فاعلن مفعولن فاعلن مفعول

(11101111101) (دلبرم یارم شد دلبرم یارم)

حر نام آور آزاده مرد دین

گشته کامش از شهد ولا شیرین (محمد علی مردانی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۵۷)

- عضو بحر دودویی 0x3D/6 (فاعلاتن فاعل)
- این وزن می‌تواند دوری شود (11101//111101)

دلبرم شادان است//دلبرم شادان

شمع سرمستان است//شمع سرمستان (ابوالحسنی)

0x799

(11110011001) مفتعلن مفتعلن مفتعِلْن – (شد مهِ دل شد مه دل شد مهدل)

نام لبت چون به زبان می آید

آب حیاتم به زبان می آید

هر نفسی پیش لب جان بخشت

خضر به دریوزه‌ی جان می آید (جامی) (پناهی ، ج۲: ۱۱۹) (غزل کامل شعر بر این وزن)

نوحه‌گر از خاک زمین می‌جوشد

سینه‌زن از بال هوا می‌آید (هجران) (از تذکره شهدای قهفرخ) (پناهی ، ج۲: ۱۱۹)

این دل من هست به درد ارزانی

تا نکند بار دگر نادانی (المعجم ، شمیسا: ۱۵۳)

در سر من جز هوس جانان نیست (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۶)

بار دگر آن بت من بازآمد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۶)

- می‌تواند مستقل باشد یا عضو خانواده « مفتعلن ٭۳» باشد

0x79A

(11110011010) مفاعلن مفتعلن مفتعِلْن - (بیا بیا ای مهِ دل ای مهدل)

به دلبری برده دلم دلداری

فسونگری عربده جو عیاری (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار٭: ۶۶۲)

0x79C

(11110011100) فعلیاتن فعلیاتن فع – (مهِ دل آمد مهِ دل آمد مه)

بزن ای مطرب که بهاران آمد

مهِ زیبایم به گلستان آمد (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن» 0x1C/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده٭ : ۳۰۷)

0x79F

لن مفتعْلن مفتعلن مفتعْلن –

(11110011111) (جان شد مهجان شد مهِ جان شد مهجان)

گفتم: جانم گفت: بمیر ار مردی ▶

گفتم مردم گفت که نیکو مردی ▶

گفتم چشمم گفت که بس بی آبی ▶

گفتم نفسم گفت مکن دم سردی (خواجوی کرمانی ، ماهیار: ۱۵۴)

با یارم دیروز همی گفتم راز (المعجم ، شمیسا: ۱۴۴)

- عضو خانواده وزنی رباعی 0x1333، لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

0x7A9

(11110101001) مفتعلن مفاعلن مفتعْلن - (ای مهِ جان بیا بیا ای مهجان)

در همه جا به یاد رویت بودم

وز همه کس به جستجویش بودم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۵)

- عضو خانواده « مفتعلن مفاعلن مفتعلن »

0x7AB

مستفعلن مفاعلن مستفعل – (جانا بیا بیا بیا جانانا)

(11110101011) (جانی بتی بتی بتی جانی بت)

آن دلستان که روی زیبا دارد

از او دلم وفا تمنا دارد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۱)

امشب دلی شکسته دارم ساقی

چشمی به خون نشسته دارم ساقی (معینی کرمانشاهی در پناهی ، ج۵: ۷۳) (طبیب‌زاده*: ۲۱۳)

- عضو بحر دودویی 0xAB/8 («مستفعلن مفاعلن»)

0x7AC

(11110101100) فعلاتن مفاعلن فعِلاتن – (مهِ جانی بتی بتی مهجانی)

من به چشم امیر سخت عزیزم
چه شود گر به چشم دشمن خوارم ◀ (المعجم ، شمیسا: ۱۹۲)
چه کنم چون مرا نخواهد یارم ◀
به که نالم از این حکایت و حال (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۲)

- عضو خانواده « فعلاتن مفاعلن فعلاتن »

0x7AD

(11110101101) فاعلاتن مفاعلن فعِلاتن – (ماهِ جانی بتی بتی مهجانی)

من اگر دل به تن بپوشم باری
رخ چون زعفران ، به چه پوشانم (قوامی رازی معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۲)
وقت گل شد هوای گلشن دارم
ذوقِ جامِ مدام روشن دارم (جامی) (نجفی،۱۳۹۴الف : ۴۸)
من به چشم امیر سخت عزیزم
چه شود گر به چشم دشمن خوارم (المعجم) (المعجم ، شمیسا: ۱۹۲)
(احتمالا مصرع اول را باید به صورت « من به چشم امیر سخ تَ زیزم » بخوانیم)
عاقل از عیش تلخ حازم گردد
باشد ایمن هر آن که عاقل گردد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۱۰۱) (تنها با تلفظ زیر)

عا	ق	لز	عی	ش	تل	خ	حا	زم	گر	دد
با	ش	دی	من	ه	ران	که	عا	قل	گر	دد
1	0	1	1	0	1	0	1	1	1	1

0x7AF

مفعولن فاعلاتُ مفعولن فا: (آن شهدل ماهتاب آن شهدل ماه)

(11110101111) لن مفتعْلن مفاعلن مفتعْلن:(جان شد مهجان دلادلا شد مهجان)

گر کس بودی که زی توام بفکندی ▶

خویشتن اندر نهادمی به فلاخن (ابوشکور بلخی در وحیدیان‌کامیار: ۵۹) (طبیب‌زاده* :۳۷۳)

سبحان‌الله جهان نبینی چون شد

دیگرگون باغ و راغ دیگرگون شد

شمشاد بتوی زلفک خاتون شد

گلنار به رنگ توزی و پرنون شد

از سبزه زمین بساط بوقَلْمون شد

وز میغ هوا به صورت پشت پلنگ (منوچهری) (یک قسمت از مسمط)

(فروغ گل (گزیده اشعار منوچهری) ، ناشر: جامی، ۱۳۷۹، تهران ، ص ۷۰)

کیوان گردی چو گرد کیوان گردی

مردی گردی چو گرد مردان گردی

لعلی گردی چو گرد این کان گردی

کانی گردی چو گرد جانان گردی (مولوی ، ماهیار: ۱۵۲)

دیدم دیدم که هر چه دیدم حق بود

دیدم دیدم که دیدِ دیدم حق بود

دیدم دیدم که می شنیدم از حق

دیدم دیدم که آن شنیدم حق بود (فیض کاشانی ، ماهیار: ۱۵۳)

با یارم درد دل همی گفتم دوش(دی) (المعجم ، شمیسا: ۱۴۴)

آن دلبر ، از بلا نمی پرهیزد

هر روزم فتنه یی همی انگیزد (المعجم ، شمیسا: ۱۷۲)

- عضو بحر دودویی 0x2F/7 (مفعولن فاعلاتُ)
- منوچهری از این وزن برای سرودن مسمط استفاده کرده است . (مدرسی*: ۲۴۹)
- این وزن می‌تواند عضو خانواده وزنی 0x1959، (مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فَع) باشد ، مثل شعر ابوشکور بلخی
- این وزن می‌تواند عضو خانواده وزنی رباعی 0x1333، لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن باشد

0x7B6

(11110110110) فعولن فعولن مفاعیلاتن – (نگارا نگارا نگارا جانا)

کسم در سخن کارفرمایی نیست

به بخشندگی همت افزایی نیست (غالب دهلوی) (نجفی* : ۴۲)

- «دکتر حسین معصومی همدانی در مورد وزن بیت فوق نکته زیر را متذکر شده است : من تصور می‌کنم اکه این شاهد درست نقل نشده. هندیان پارسی گو گاهی «کارفرمای» را «کارفرمایی» می‌نویسند. احیانا صورت اصلی شعر این است: « کسم در سخن کارفرمایی نیست||به بخشندگی همت افزایی نیست » که وزنش هم نامطبوع نیست» (نجفی* :۴۲)

0x7BB

مستفعلن مستفعلن مستفعل- (مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه‌رو بت)

(11110111011) (یارم نگارینم نگارینم شد)

عاشق نه ای چون من چرایی شیدا

شیدا نه ای چون من چرایی پژمان

(میرزا جعفر ریاض همدانی) (وفات ۱۲۶۸ قمری معاصر امیر کبیر) (پناهی، ج۲: ۱۳۱)

مشتاق دیدارم سرافرازم کن

شادان دل و آگه ز هر رازم کن (الهی قمشه‌ای) (پناهی، ج۲: ۱۳۱)

کس در زمستان این شگفتی نشنید

آن مرغک آواز بهاری می‌خواند (اخوان ثالث) (نجفی* : ۱۰۷)

اینک که از آیینه ها لبریزی

آیا مرا در خویشتن می ریزی (شراره دادگر) (دادگر:۱۸۳)

هر دم زند بر آتشم دامن‌ها

سوزد ز عشم خوشه و خرمن‌ها (مهدی حمیدی) (پناهی، ج۲: ۱۳۲)

عاشق شدم بر دلبری عیاری

شکّر لبی سیمین بری خونخواری (المعجم ، شمیسا: ۱۵۲)

دلبر بتی شکّر لبی سیمین بری

عمدا همی خواهد دلم بربودن ◀ (المعجم) (شمیسا* : ۱۳۵)

هرگز نکردم با تو جانا من بدی
پس چون که از نیکی نِیَم برخوردار ► (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۵)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4

- «تقابل مستفعلن و مفعولن در شعر عربی طبیعی و در شعر فارسی غلط است ، لذا اگر به جای «بربودن» ، «بربودنا» می گفت شعر صحیح بود . » (شمیسا* : ۱۹۸) { در مورد بیت « دلبر بتی ...» }
- بیت « دلبر بتی ...» را دکتر مدرسی با کمی اصلاح به شکل زیر آورده است تا وزن درست شود:

دلبر بتی شکّر لبی سیمین بر عمدا همی خواهد دلم بربودن

0x7BD
(11110111101) فاعلیاتن فاعلیاتن فا – (ماهِ دلهایی ماهِ دلهایی ماه)

دلربایا ، شد پاک پیدا رازم
نزد هر کس زین دیده‌ی غمّازم (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۳)

- عضو بحر دودویی « فاعلیاتن» 0x1D/5

0x7CB مستفعلن فعلاتن مستفعل
(11111001011) (جانی بتی مهِ جانی جانی بت)

دلدار جامه‌دران آمد رندان
مطرب بزن دف و ساقی دردِه جام (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xCB/8 («مستفعلن فعلاتن»)

0x7CC
(11111001100) فعلاتن فعلاتن فعِلاتن – (مهِ جانی مهِ جانی مهجانی)

اگر ایدون که همی دانش ورزی
ز همه خلق نکونامی یابی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۳)
به خیالی که خبر، از پیکاری‌ست (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۱)

- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن» 0xCCC

0x7CD

(11111001100) فاعلاتن فعلاتن فع‌لاتن – (ماهِ جانی مهِ جانی مهجانی)

می‌سراید جرسی ، آری تنها (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۰)

- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن» 0xCCC

0x7DD

(11111011101) فاعلاتن فاعلاتن مفعولن – (دل‌ستانا دل‌ستانا جانانا)

با تو هر شب از ستاره لبریزم

حوض خالی در حیاط پاییزم (شراره دادگر) (دادگر:۱۱۷)

چند باشم هم بدین سان بیچاره

گشته شادی زین دل من آواره (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۰)

0x7F3

لن مفتعلن مفتعِلن مفتعِلن

(11111110011) (جان شد مهِ جان شد مهجان شد مهجان)

آن تاب که من دانم و تو ای دلسوز

ای دوست ، شب و روز ز دل می افروز

نی نی که غلط گفتم ، ای عشق آموز ▶

عشق تو و رسوای تو ، آن گه شب و روز (مولانا) (مدرسی❋: ۳۲۸)

گفتم که سرانجامت معلومم گشت (المعجم ، شمیسا: ۱۴۴)

- عضو خانواده وزنی رباعی 0x1333، لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

0x7FD

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فع

(1-111-111-1101) (ماهِ جانی مهجانی مهجانی مه)

نعمت و شدت او از پس یکدیگر

حنظلش با شکّر ، با گل خار آید ▶ (ناصر خسرو) (پناهی، ج۱: ۱۷۳)

- عضو خانواده «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع»

0x7FF

(11111111111) مفعولن مفعولن مفعولن فعلن – (دلدارا جانانا دلدارا جانا)

0x7FF دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x7FF -0//11 حالت غیر دوری

(11111111111) لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

سبحانَکْ سبحانَکْ سبحانَکْ یا حق ▶

تا چند سراسیمه بر این گوی معلق (خلیل الله خلیلی) (نجفی❋ : ۱۴۴)

- این وزن می‌تواند عضو خانواده وزنی 0x3333 ، (لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن) باشد مثل بیت فوق از خلیلی

0x2-5//6 حالت دوری

(11111//111111) مفعولن مفعولن//مفعولن فعلن

سرو است آن یا بالا؟ // ماه است آن یا روی؟

زلف است آن یا چوگان؟ // خال است آن یا گوی؟ (رودکی) (نجفی❋ :۱۴۴)

- برای لمس دوری بودن به بیت زیر بنگرید:

سرو است آن یا بالاست // ماه است آن یا روی

زلف است آن یا مار است // خال است آن یا گوی

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1
- این وزن می‌تواند عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن) باشد :

خنک آن دم که نشینیم به ایوان من و تو (مولانا)
با مطرب با ساقی با بربط با می (ابوالحسنی)

دوازده هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x800	0xFFF	۱۰۲۴

0x888

فعلتن ٭ ۳ – (قمرِ من قمرِ من قمرِ من)

(3*1000) (نگذرم نگذرم نگذرم)

صنم من// ز بر من //بنروی

دلک من// بنبری// بنشوی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۱۸)

- عضو بحر دودویی «فَ» 0x0/1
- خواجه نصیر در معیارالاشعار بیت را «ناخوش می‌داند» (نجفی٭ :۱۹۶)
- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x924 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x924-0//10 حالت غیر دوری

(4*100)

تو صفا ده عشق و وفای منی

تو فرشته‌ی بام و سرای منی (پژمان بختیاری ، شاه‌حسینی: ۸۴)

0x924-6//6 حالت دوری

(2//100100)

چو رخت نبود// گل باغ ارم

چو قدت نبود// قد سرو چمن (سلمان ساوجی) (نجفی٭ :۶۷)

در تو در تو// در بخشش تو

گل تو گل تو// گل احمر تو (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۹۸)

0x924-3//3//3//3 حالت دوری

(2//100100)

دلِ من// دل من// دل من// برِ تو

رخ تو //رخ تو// رخ با// فرِ تو (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۹۸)

گل سرخ//گل سرخ//رخِ یار// رخِ یار

میِ لعل // میِ لعل// لبِ یار// لبِ یار (ابوالحسنی)

چگلی صنمی که دلم ببرد

پس از آن به عَنا و بلا سپرد (المعجم ، شمیسا: ۲۰۱)

چه کنم صنما چو دلم ستدی

بکشم ز تو هر چه کنی بدی (المعجم ، شمیسا: ۶۷)

ببری صنما دل و جان رهی

لبکان به رهی ندهی نرهی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۱۷)

صنما بگشا لب و خوش بسرا

به سرود خوشت بنواز مرا (عروض جامی) (نجفی❊ :۶۷)

- عضو بحر دودویی « فَعِلن» 0x4/3

- « این وزن را رَکضُ الخَیل به معنای دویدن و به تاخت رفتن اسبان نیز خوانده اند» (مدرسی❊:۱۶۸)
- «خواجه نصیر در مورد این وزن گوید: «رَکضُ الخَیل [=متدارک مثمن مخبون] راندن اسب باشد به پای که بر پهلوی او بجنبانند و این بحر را به آن سبب به آن نام خوانده اند که روانی او به تکلف است» (معیارالاشعار،۱۵۶) . خانلری گوید :« به این وزن در فارسی شعر بسیار نیست و اگر هست به تکلف ساخته‌اند» (ص۱۷۰)...مظاهر مصفا می‌گوید:«در این وزن هر چند هشت وقف هر یک بعد از یک ضرب یکسان بی هیچ تغییر و تنوعی نوعی یک‌نواختی و سنگینی فراهم می‌کند اما غلبه ۲۴ حرکت بر ۸ ساکن به نسبت سه بر یک حالتی مخالف آن وقف است ، به کیفیتی که خود نوع دیگر از آهنگ ضربی و دستک زدن بر رقص و جستن است با شتاب و وقفی پرهیجان تر از وزن « فعلن فعلن فعلن فعلن» و هم اضطراب آمیزتر و تامل برانگیزتر از وزن « فعلن فعِلن فعلن فعِلن» که حد فاصل این دو وزن است »(سماع وزن،ص۵۲۲) » (نجفی❊ :۶۸)

0x93A

مفاعلاتن مفتعلن فعلن – مفاعلیاتن فعلن فعلن

(100100111010) (بیا بیا جانا صنما صنما)

کمند گیسو را گره از چه زنی

کمان ابرو را به زه از چه کنی (صفی علی شاه) (گره را به صورت « گِ رِ » و بزه را به صورت « بِ زِ » بخوانید .)

(وحیدیان‌کامیار*: ۴۵۴)

چه شعر ها خواندم ز کتاب تنت

چه جام‌ها خوردم ز شراب تنت (ابوالحسنی)

0x94B

(100101001011) مستفعلن فعلن مفاعلتن –(جانا بیا صنما بیا صنما)

از عشق او من در جهان سمرم

می‌سوزد از هجران او جگرم (المعجم) (نجفی* : ۱۱۰)

0x953

(100101010011) مستفعلُ فاعلاتُ مفتعلن – (در جلوه گری غزالِ جلوه گری)

قلب تو پناه مهر پاک من است

وین سینه پناه مهربانی تو

ای شاخه‌ی سبز مهر خسته مباد

گل‌های سپیدِ شادمانی تو (م.آزاد) (نجفی* :۴۰۰)

- نجفی این وزن را نامطبوع می‌داند. (نجفی* :۴۰۰)

0x955

مستفاعلن مفاعلن فعلن -(گل بیا بتا بیا بتا صنما)

(100101010101) (دلبری چه دلبری بیا صنما)

آن نگار خوب چهر سیمین ذقن

روی خویش در نهان نمود به من (المعجم ، شمیسا: ۲۰۵)

0x959

مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن - لن فعلاتن مفاعلن فعلا

(100101011001) (جامه دران رفت رفت جامه دران) (آن مهِ جان گشت یار آن مهِ جان)

ای ز همه مردمی تهی و تهک

مردم نزدیک تو چرا پاید (ابوشکور بلخی) (مصرع اول) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۷)

تیز نگیرد جهان شکار مرا

نیست دگر با غمانْشْ کار مرا (ناصر خسرو) (نجفی* : ۳۵۴)

چرخ معین است و بخت یار ، مرا

کرده جهان سخت بختیار ، مرا (وقار شیرازی) (پناهی ، ج۲: ۴۳)

عشق به محنت صبور دید مرا

رفت و بر آتش بخوابنید مرا (المعجم ، شمیسا: ۱۶۵)

دل بربودی زمن کنون چه کنم ؟ ▶

سود ندارد مرا پشیمانی (المعجم) (شمیسا* : ۱۷۵)

تازه تر از تازه برگ نسرینی

دوستر از دیده و دل و دینی (المعجم ، شمیسا: ۱۶۵)

دور شد از من قرار و آرامم

تا شدم از پیش آن صنم دور (المعجم ، شمیسا: ۱۶۸)

ای صنم حورزاد نیکو رو

جنگ مجوی با رهیت کمتر گو (المعجم ، شمیسا: ۲۱۰)

دل بربودی زمن کنون چه کنم ؟

سود ندارد مرا پشیمانی ▶ (المعجم) (شمیسا* : ۱۷۵)

چون ز تو باشد عنایت ای مهتر

هیچ نترسم ز حاسد و بدخواه (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۹)

یار من آن سرو قدّ موی میان

سیم بر مشک زلفِ بدر جمال (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۹)

- عضو بحر دودویی 0x59/8 («لن فعلاتن مفاعِ» «مفتعلن فاعلاتُ»)

0x95A

مفاعلن فاعلاتُ مفتعلن

(100101011010) (چه دلبری دلبری بتی صنمی) (بیا بیارا بیا بیا صنما)

منجمان آمدند خَلُّخیان ◀

ابا سطرلاب‌ها چو برجاسا (ابی العباس ربنجنی) (نجفی* :۲۱۴)

وگر بدانستمی که دل بشود   نکردمی بر ره بلا گذرا

(شهید بلخی) (پناهی ، ج۲: ۴۴) (بیت از قصیده ای هم آوا با ۱۰۰۱/۱۰۱۰۱/۱۰۰)

چو سدّ یاجوج بایدی دل من

که باشدی غمزگانْشْ را سپرا (شهید بلخی) (المعجم) (شمیسا* : ۲۱۳)

ز بهر خوبی نه از برای وفا

تو را گزیدم بتا ز خلق جهان (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۰)

- دکتر محجوب این وزن را یکی از وزن های غریب و نامانوس دوره‌ی سامانی می داند . (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۹۴)

0x965

فاعلن فعلن//۲ – (دلبری شکری)//۲ (2//100101)

ای ز تو لب من // پر ترانه شده

وز تو قصه من // جاودانه شده (عبدالله الفت در پناهی ، ج۴: ۲۲۶) (طبیب‌زاده* : ۳۵۹)

شد چو نوبت دی // از جهان سپری

گل به طرف چمن// شد به جلوه گری (؟) (نجفی* : ۳۴۴)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُ» 0x5/5

0x976

فعولن فعولن فاعلن فعلن- مفاعیلتن مستفعلن فعلن

(100101110110) (نگارا نگارا دلبرا صنما)

ندارم قراری بی قرار توام

ببین عاشقانه در کنار توام (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۹۳)

0x999 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x999-0//10 حالت غیر دوری

(3*1001) مفتعلن*۳ - (ای مهِ جان)*۳

گرنه بهشت است همین هند چرا

از پی طاووسِ جنان گشت سرا (امیر خسرو دهلوی) (نجفی* : ۱۸۲)

نام لبت چون به زبان می‌آید

آب حیاتم به دهان می‌آید (جامی) (نجفی* :۱۸۳)

چند تو گویی که جهان می گذرد

نی که جهان مهلتمان می گذرد (ابراهیم شیبانی) (پناهی، ج۲: ۱۱۷)

مطلع فجر است بر این شب زدگان

مژده فتح است به خونین کفنان (محسن پزشکیان) (نجفی* :۱۸۳)

مرده شدم ، زنده شدم ، هُرم جنون

حال ببین تا به کجا می‌کشی‌ام (مهدی خطیبی) (پناهی، ج۲: ۱۱۸)

تا غمت اندر دل من گشت پدید ►

کسی مرا با لب پر خنده ندید (المعجم) (شمیسا* : ۱۶۰)

ای صنم از عشق تو بیمار شدم

تو نکنی هیچ به کارم نظری (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۷)

از رجز مطوی اگر باخبری

وزن خوشش برشمر ار باهنری (ترمذی) (نجفی* :۱۸۲)

0x999-4//4//4 حالت دوری

(3//1001) مفتعلن//۳ - (دلبرکا)//۳

دلبر مست//پرده درید//عشوه کنان

رقص کنان//جامه درید//خنده زنان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4
- ضرب المثل: « کوفته را نان تهی کوفته است» (پناهی، ج۲: ۱۱۸)
- امیر خسرو دهلوی در این وزن مثنوی سروده است که از نظر جامی اصلا مناسب مثنوی نیست. (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹: ۶۳۳)

0x99A

(100110011010) مفاعلن مفتعلن مفتعلن

تا غمت اندر دل من گشت پدید

کسی مرا با لب پر خنده ندید ◀ (المعجم) (شمیسا* : ۱۶۰)

ز شوق تو سوی چمن می گذرم

به یاد تو سرو و چمن می نگرم (عروض بابر:۱۱۴)

- عضو خانواده « مفتعلن*۳ »

0x99F

لن مفعولن مفتعلن مفتعلن-

(100110011111) (جان شد مهجان شد مهِ جان شد مهِ جان)

گفتم مستی گفت که آری به خدا ◀

گفتم بگذر گفت که بگذار مرا ◀

گفتم بازآ گفت کزین ها بازآ

گفتم رفتم گفت دگر باز میا ◀ (خواجوی کرمانی ، ماهیار: ۱۵۵)

با یارم دیروز همی گفت دلم (المعجم ، شمیسا: ۱۴۴)

- عضو خانواده وزنی رباعی 0x1333، لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

0x9A6

(2//100110) فعولن فعلن//۲ – (نگاری شکری)//۲

تمنای بتی//بود در دل من

کزو جز غمِ دل//نشد حاصل من (ادیب طوسی) (نجفی* :۱۳۹)

مرا خانه ببر//بخوابان بغلت

به لالا همه چیز//بگو با عسلت (علوی‌فرد : ۴۴)

- عضو بحر دودویی 0x6/4 (مفاعیلُ)
- این شعر منتسب به بهرام‌گور است: منم شیر شلنبه/و منم ببر تله

« در وزن مصراع دوم {شعر منسوب به بهرام گور} اگر « و » آن را حذف کنیم ، (در شعر فارسی به ندرت در آغاز مصراع «و» می آید) در این صورت وزن چنین است: مفاعیل فعولن مفاعیل فعل که وزنی کمی است ولی مصراع دوم یک هجا کمتر دارد که طبق اختیارات شاعری قدیم درست است . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۹)

0x9A9

(100110101001) مفتعلن مفاعلن مفتعلن -(ای مهِ دل بیا بیا ای مهِ دل)

از تو پری ستمگری خوش نبُوَد

جور و وفا از تو پری خوش نبُوَد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۹)

شاد شدم مگر تو را شاد کنم

بی که سکوت خویش فریاد کنم (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* : ۴۱۰)

تا دل من ز دست من بسته‌ای

سر به سر ای نگار دیگر شده‌ای (نجفی؟) (نجفی* :۴۱۰)

تیر غمت بتا ز جان می گذرد
ناله‌ی دل ز آسمان می گذرد (عروض بابر:۱۱۶)
آمده ام ز هجرت ای ماه به جان
لطف بکن به وصل خویشتم برسان (عروض بابر:۱۱۶)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن مفاعلن» 0xA9/8
- طبیب زاده: «به ظن قریب به یقین این بیت را استاد به قیاس بیت فرخی (تا دل من ز دست من بستدی/ سر به سر ای نگار دیگر شدی) خود سروده است.» (نجفی* :۴۱۰)
- عضو خانواده « مفتعلن*۳ »

0x9AA
(100110101010) مفاعلن مفاعلن مفتعلن – (بیا بتا بیا بتا تازه بتا)

جفا اگر کشیده ام از تو بسی
نکرده ام شکایتی پیش کسی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۵)
ببین به داغ لاله در دشت و دمن
نگر به رخت سبزه در باغ و چمن (؟ در پناهی ، ج۱۱۲:۵) (طبیب‌زاده* :۲۶۵)

- عضو خانواده « مفتعلن*۳ »

0x9AF
(100110101111) لن مفعولن مفاعلن مفتعلن – (جان شد مهجان دلادلا شد مهِ جان)

کافر باشد که از تو شیدا نشود
بی جان باشد که بی تو از جا نشود
من عقل نخوانمش اگر عقل کل است
تا از تو به کل جنون و رسوا نشود (مولوی ، ماهیار: ۱۵۳)
غلطان ، غلطان همی رود تا بن گَوْ
(بر طبق روایتی رودکی این عبارت را از کودکی در هنگام گردو بازی شنیده است و این عبارت منبع الهام برای ایجاد این وزن شده است .) (المعجم ، شمیسا: ۱۴۱)

با یارم درد دل همی گفت دلم (المعجم ، شمیسا: ۱۴۴)

- عضو خانواده وزنی رباعی 0x1333، لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

0x9BB

(100110111011) مستفعلن مستفعلن مفتعلن ـ (جانابیا جانابیا عشوه بیا)

چون شد که از دشمن تو پروا نکنی

جز جانب آتش تو پروا نکنی (بهار در پناهی ، ج۵ :۱۱۱) (طبیب‌زاده* :۲۱۴)

0x9CE

مَفاعیلاتُ مَفاعیلاتُ مَفا

(100111001110) (کجایی یار کجایی یار کجا)

صبا دیدی دل مجنون گر سحری

نگو لیلی شده عاشق بر دگری (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مَفاعیلاتُ » 0xE/5

0x9E7

(2//100111) مفعولن فعلن//۲ – (دلدارا شکری)//۲

- اگر دو مصرع را یک مصرع در نظر بگیریم این وزن پدید می‌آید:

آمد مادرِ من

شد گل خانه‌ی ما

ماها چون گل او

او پروانه‌ی ما (علوی‌فرد : ۳۹)

فارغ، از همگان

از غوغای زمان

بوسم غنچه‌ی او

نوشم شهد جهان (ابوالحسنی)

0x9F3

لن مفعتعلن مفعولن مفتعلن

(جان شد مهِ جان شد مهجان شد مهِ جان) (100111110011)

یا دل برِ من باشد یا دلبر من ▶

نی دل برِ من باشد نی دلبر من ▶

ای دل برِ من مباش بی دلبر من

یک دلبر من به که دو صد دل برِ من (مولانا ، ماهیار: ۱۵۱)

گفتم که سرانجامت معلوم نگشت (المعجم ، شمیسا: ۱۴۴)

- عضو خانواده وزنی رباعی 0x1333، لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

0x9FF

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن–

(مهجانی مهجانی مهجانی مهِ جان) (100111111111)

خوش عطری تابانی گلزاری مهِ دل

عیسایی جانانی جان بخشی شهِ دل (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0xA49

لن فعلن فعلن فعل- فاعلُ فاعلُ فاعلُ فاعل

(ای مه‌دل مهِدل مه دل بیا) (دلبرِ دلبرِ دلبرِ دلبر) (101001001001)

چشم و چراغ منی نظری نکنی

عاشق روی تو ام گذری نکنی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فاعلُ » 0x1/3
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده‌ ※ : ۱۸۹) و (نجفی※ : ۷۵) بدون شاهد

0xA52

(101001010010) مفاعلتن مفاعلتن مفا – (بتی شکری بتی شکری بتی)

تو مهر و مهی شکوه زمانه‌ای

به خلوت دل طنین ترانه ای (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۰۴)

0xA5A

(101001011010) مفاعلن فاعلاتُ مفاعلن

غزل بخوان در سکوت شبان من

شکسته آواز ماه بدون تو (محمد رضا مهدی زاده) (پناهی، ج۲: ۴۴)

- عضو بحر دودویی 8/ 0x5A (مفاعلن فاعلاتُ)

0xA66

فعولن فعلاتن متفاعلن - مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعلن

(101001100110) (بتا تازه بتا تازه بتا بتا) (بتا دلبرکا دلبرکا بتا)

دلم برد یکی ترک به ابروان

رخم کرد تیمار چو زعفران (المعجم ، شمیسا: ۲۰۵)

0xA69

(2//101001) مفتعلن فعل//۲ – (دلبرکا بیا)//۲ – (تازه بتی بتی)//۲

ای که مرا کسی//نیست به جای تو

کافرم ار کشم//سر ز رضای تو (عماد کرمانی در پناهی ، ج۳ :۹۳) (طبیب‌زاده* :۳۱۶)

با همه دلبری// ای بت آذری

وه چه ستیزه خو//وه چه ستمگری (ادیب طوسی) (نجفی* : ۲۵۴)

ای شب و شب‌ترین//بازگشا کمین

با همه‌ی غمان// تا نشوم غمین (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* : ۴۱۷)

- عضو بحر دودویی « فاعلُ» 0x1/3

0xA6A

مفاعلن مفاعیلُ مفاعلن – علن مفاعلن مفتَعلن مفا

(101001101010) (مکن بتا بتا ناز مکن بتا)

چرا همی نگارا تو جفا کنی

وفا کن ار نه باری تو جفا مکن (المعجم ، شمیسا: ۱۶۸)

- عضو بحر دودویی 0x6A/8 («مفاعلن مفاعیلُ » « علن مفاعلن مفتَ»)

0xA94

(101010010100) متفاعلن متفاعلن مُتَفْ – (مهِ جان بیا مهِ جان بیا مها)

به حریم خلوت خود شبانه‌ای

چه شود نهفته دمی بخوانیم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۱۳)
- ساخته شده بر اساس

به حریم خلوت خود شبی// چه شود نهفته بخوانیم (هاتف اصفهانی) (نجفی* :۲۳۶)

0xA99

مفتعلن مفتعلن مفاعلن – (دلبرکا دلبرکا بیا بیا)

(101010011001) (عشوه بیا عشوه بیا بیا بیا)

دلبر من با دل من جفا کند

جان مرا با غمش آشنا کند (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۸)

ماه وشم چاره‌ی کار من نکرد

مرحمتی بر دل زار من نکرد (عروض بابر: ۱۱۵)

- عضو خانواده « مفتعلن*۳ »

0xA9A

(101010011010) مفاعلن مفتعلن مفاعلن – (بیا بیا ناز مکن بیا بیا)

زمین مبعّد نبود از آسمان

چنان که بخل تو ز تو مبعّدا (المعجم ، شمیسا: ۱۵۴)

از آن دو چشمکانِ پر فریب ، او

عجب نباشد که برد شکیب ، او ▶ (المعجم ، شمیسا: ۱۱۲)

بتا به هر شام و سحر دعا کنم

شبی درآ جامه دران به خانه‌ام (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی «مفاعلن مفتعلن» 0x9A/8
- عضو خانواده « مفتعلن*۳ »

0xA9B

(101010011011) مستفعلن مفتعلن مفاعلن -(یارا بیا عشوه بیا بیا بیا)

هر چند بر من ز غمت قیامت است

عاشق شدن جز به تو بر ، غرامت است (المعجم ، شمیسا: ۱۵۴)

0xAA9

(101010101001) مفتعلن مفاعلن مفاعلن – (عشوه بیا بتا بیا بتا بیا)

گر برهد دل من از هوای تو

کو دگری که دل دهم به جای تو (جامی) (نجفی* :۲۶۴)

ای گل خوش نسیم من نسیم من

شد حرمَت نسیم من نسیم من (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۱۸۲)

با غم عشق گفته‌ام برو برو

لیک به عشق گفته‌ام بیا بیا (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۴۱۱)

بر من خسته جان مکن چنین ستم

کاین دلم از پی تو شد چنین به غم (المعجم ، شمیسا: ۱۵۳)

- عضو خانواده « مفتعلن*۳ »

0xAAA دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x AAA-0//12 حالت غیر دوری

(101010101010) مفاعلاتُ فاعلاتُ فاعلن

فغان از این غراب بین و وای او

که در نوا فکندمان نوای او (منوچهری) (نجفی* : ۱۶۲)

فغان ز جغد جنگ و مُرغُوای او

که تا ابد بریده باد نای او (ملک الشعرا بهار) (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰ :۶۰)

چه خوش بود فغان ز عشق سر کنم

شرار دل عیان ز چشم تر کنم (الهی قمشه‌ای) (ماهیار : ۱۰۵)

فکنده ناله هر شب از نوای من

ز کاروان به کاروان درای من (مهرداد اوستا ، دره نجفی ، ۲۵۰)

نگاه کن که غم درون دیده ام

چگونه قطره قطره آب می شود (فروغ) (نجفی* : ۱۶۲)

چرا عجب ندارم از نگار من
که بی گنه برون شد از کنار من (المعجم ، شمیسا: ۶۷) (معیارالاشعار ، فشارکی: ۱۷)
از آن دو چشمکانِ پر فریب ، او ▶
عجب نباشد که برد شکیب ، او (المعجم ، شمیسا: ۱۱۲)

0x AAA -6//6 حالت دوری
(2//101010)   مفاعلن فعل //۲ - (بتا بیا بتا)//۲

به فصل فرودین//ز فیض نوبهار
شود بهشت عدْن//به گیتی آشکار (ادیب طوسی) (نجفی❊ :۱۶۷)
ز کوفه می‌رسد//نوای جان‌گداز
که عاشقی کند// میان خون نماز (محمود تاری در پناهی ، ج۳ :۱۶۵) (طبیب‌زاده❊ : ۳۵۰)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2
- در این وزن امکان ایجاد وزن دوری سه پاره (هر پاره [1010]) و شش پاره (هر پاره [10]) وجوددارد.
- می‌تواند عضو خانواده « مفتعلن❊۳ » باشد.

0xAAB
(101010101011)   مستفعلن مفاعلن مفاعلن - (یارا بیا بتا بیا بتا بیا)

از هجرت ای نگار گل عذار من
ترسم که خود خزان شود بهار من (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۶۷۳)

0xAAC
(101010101100)   فعلاتن مفاعلن مفاعلن – (نگرانم بیا بتا بیا بتا)

به خدا کس ز حال ما خبر نشد
که به جز غم نصیبم از سفر نشد (نواب صفا و کریم فکور در پناهی ، ج۵ :۱۱۲) (طبیب‌زاده❊ :۲۶۵)

به چه ماند رخان آن نگار من
که همی تابد آن رُخَش چو مشتری (المعجم ، شمیسا: ۲۱۱)

0xAB2

علن فعلاتن مفاعلن فعل

(101010110010) (بتی مهِ جانی بتی بتی مهی)

شبی ز در آمد خراب و مست می

به بوسه زد آتش به نی‌ستان دل (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xB2/8 («مفاعلتن فاعلن» « علن فعلاتن مَفا»)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۶۶)

0xABB

(101010111011) مستفعلن مستفعلن مفاعلن –(جانا بیا جانا بیا بتا بیا)

ای دلستان ، از من مگر چه دیده ای

کز من چنین بی موجبی رهیده ای (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۳)

0xACA

(101011001010) مفاعلن فعلاتن مفاعلن ـ (بتی بتی مهِ جانی بتی بتی)

چنان تافته‌تر گشتم از نهیب

که گشتم از غم و اندیشه ناشکیب (عماره مروزی) (نجفی* :۳۲۷)

دلم ز دست فراقت به بر نمانْد

چنان برفت که از وی اثر نمانْد (داوری شیرازی) (پناهی ، ج۲: ۱۲۷)

زمین فصاحت برگ چنار را

به باد خسته‌ی پاییز می سپرد (رویایی) (نجفی* :۳۲۷)

دلم به شوق تو با لکه‌های ابر

سفر به خلوت آفاق راز کرد (قربان ولیئی) (پناهی ، ج۲: ۱۲۸)

بهار بود به چشمم خزان و دی

که شاد بود به رویم نگار من (المعجم ، شمیسا: ۱۷۹)

دلم ببردی، ای یار بی بها

بها بیار و لبان را به من سپار ◀ (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۰)

- عضو بحر دودویی « مفاعلن فعلاتن» 0xCA/8
- طبیب زاده در مورد بیت عماره : «نون عروض در کلمه «چنان» برخلاف قاعده، از تقطیع ساقط نیست.» (نجفی‌❊ :۳۲۷)

0xACB

(101011001011) مستفعلن فعلاتن مفاعلن (جانی بیا مهِ جانی بیا بیا)

ای همچو خون به رگم ای طپش مرا
بشنو حدیثِ چنین جوشش مرا (پروین جزایری) (نجفی‌❊ : ۳۲۷)
خاری به چشم امیدم نشسته است
سنگی سبوی دلم را شکسته است (فاطمه راکعی در پناهی ، ج۵ :۶۳) (طبیب‌زاده‌❊ :۳۵۸)

0xACC

(101011001100) فعلاتن فعلاتن مفاعلن – (شکرینا شکرینا بیا بیا)

اجل ار از گِلِ من گُل برآوَرد
گل من بار هوایت بپروَرد (سلمان ساوجی) (نجفی‌❊ : ۲۴۳)
علم عدل فرازد ممالکش
جگر ظلم گدازد تدارکش (اهلی شیرازی در پناهی ، ج۴ :۱۳۶) (طبیب‌زاده‌❊ :۲۴۳)

ملکا تیغ تو مر بد سگال را
بخورد همچو غضنفر شگال را (المعجم ، شمیسا: ۱۸۶)
صنما روی تو دیدم ز خود شدم
گلی از باغ تو چیدم ز خود شدم (شجره العروض) (نجفی‌❊ : ۱۲۶)
چو قدت گر چه صنوبر کشد سری
نبُود چون قد سروت صنوبری (سیفی،عروض حمیدی) (نجفی‌❊ :۱۲۶)

0xADA

(101011011010) مفاعلن فاعلاتن مفاعلن – (بیا نگارا نگارا بیا بیا)

(بیا بیا دل‌ستانا بیا بیا)

چه شد که رفتی دلارام //بگو بگو

چرا ندادی پیامی//چرا چرا (ابوالحسنی)

همی کنم مهربانی به جای تو

جفا مکن گر توانی به جای من (المعجم ، شمیسا: ۱۷۴)

مرا به کوی تو رفتن کجا شود

ز ناتوانی مگر از خدا شود (شجره العروض) (نجفی❋ :۳۸۳)

- عضو بحر دودویی 0xDA/8 (مفاعلن فاعلاتن)
- «وزن فوق {همی کنم ...} را ممکن است نوعی مستزاد ...دانست» (نجفی❋ :۲۱۹)
- برای غیر دوری اش می‌توان مثال زیر را زد:

چه شد که رفتی سحر گلعذار من

چرا ندادی خبر نوبهار من (ابوالحسنی)

0xADD

(101011011101) فاعلاتن فاعلاتن مفاعلن – (دل‌ستانا دل‌ستانا بیا بیا)

ای نگارین روی دلبر مکن ستم

کاین دل من بی تو آغشته شد به غم (بی نام) (خانلری:۲۵۰)

0xAEB

(2//101011) (مستفعلن فعل) //۲ – (جانا بیا بیا)//۲

ای کرده ماه را //از تیره شب نقاب

در شب فکنده چین// بر مه فکنده تاب (خواجوی کرمانی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۹۲)

اندر جهان دو چیز// از دل برد محن

یا ساده‌ی جوان //یا باده‌ی کهن (قاآنی) (نجفی❋ : ۳۰۵)

ای مه به غمزه ای //دادی فریب من
آوردی اشتیاق // بردی شکیب من (الهی قمشه‌ای) (نجفی* : ۲۴۵)
شیپور انقلاب//پرجوش و پرخروش
از نقطه‌های دور//می‌آیدم به گوش (فریدون توللی) (نجفی* : ۳۰۰)
کولی بر آن درخت// تیری نشانده دوست
یعنی که دی پسین //زین سوی رانده دوست (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۳۲)
موجیم و وصل ما // از خود بریدن است
ساحل بهانه ای ست // رفتن رسیدن است (قیصر امین پور) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۲)

- عضو بحر دودویی مستفعلاتُ (0xB/5)

0xAFA
مفاعلاتن مفعولن مفاعلا
(101011111010) (بیا بتم شو جانانم بیا بتم)

ز در درآمد جانانم ز باده مست
بیار ساقی جامی می برقص شاد (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 8/ 0xFA (مفاعلاتن مفعولن)

0xB2B
مفعول فاعلات مفاعیلُ فع - مستفعلن مفاعلُ مستفعلن
(101100101011) (جانی بتی بتی مهِ جانی بتی)

ای زینهار خوار بدین روزگار
از یار خویشتن که خورد زینهار (فرخی سیستانی) (نجفی* : ۲۹۴)
شاید که حال و کار دگرسان کنم || هرچ آن به است ، قصد سوی آن کنم
بردرگهش ز نادره بحر عروض || یکّی امین دانا ، دربان کنم
مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فع || بنیاد آن مبارک بنیان کنم (ناصر خسرو) (عیدگاه طرقبه‌ای :۱۰۰)

نازم بدان که هستم شاگرد او
شادم بدان که هستی استاد من (مسعود سعد) (نجفی* : ۲۹۵)
ای بس که دل فکارم از این روزگار
یا رب مباد کس چو من دل فکار (وقار شیرازی ، درّه نجفی: ۲۶۳)
تا کی پیاده پویه‌ی فرزین کنم
برخیزم و سمندِ سفر ، زین کنم (اخوان ثالث) (نجفی* :۲۹۵)

عاشق شدم بران بت ناسازگار
صبرم دهاد در غم او کردگار (المعجم ، شمیسا: ۱۷۲)
آن خوب روی دلبر بیدادگر
کاندر غمانش سوخته گشتم جگر (المعجم) (شمیسا* : ۱۶۲)
گلنار زرد همچو شه چینیان
دیبای سبز دارد و زرین کمر (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۶)

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)
- عوفی در لباب درباره این وزن می گوید:«نگهداشت عروض آن دشوار است. » (اخوان:۱۷۷)
- « در کار وزن گاه کوچکترین تغییر از کوتاهی و بلندی... چنان تغییری در ماهیت موزیکی و حال و هوای وزن می دهد که حیرت برانگیز است . مثلا همین وزن مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن را که به این وزن تغییر یافته با حذف دو هجای آخر از وزن غمگنانه و سنگین و موقر به وزن حماسی تبدیل شده است . »
  (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹: ۴۱۹)
- جزو «اوزان برهانی و جدلی مناسب معانی پند و اخلاق و حکمت . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۳)

0xB2C
(2//101100) فعلاتن فعل//۲ – (مهِ جانی مها)//۲ –(شکری دلبری)//۲

همه جا کربلاست// همه جا نینواست
همه جا یا حسین // همه جا «یا اخا»ست (غلامرضا سازگار در پناهی ، ج ۳: ۱۷۱) (طبیب‌زاده* : ۳۷۴)
شب و روزم گذشت // به هزار آرزو
نه رسیدم به خویش// نه رسیدم به او (علیرضا قزوه در پناهی ، ج ۳: ۱۷۱) (طبیب‌زاده* : ۳۷۵)

شب من روشن است//ز شکر خند تو
بچشم عاقبت//من از آن قند تو (ابوالحسنی)
گلِ مادر شدی//گلِ بابا شدی
تو شدی بهترین//گلِ گل ها شدی (علوی‌فرد : ۴۶)

- عضو بحر دودویی 0x2C /6 (فعلن فاعلن)

0xB33

مستفعلُ مستفعلُ مستفعلن –
(دورم ز تو دورم ز تو دورم ز تو) (101100110011)

فالی بکَنَم ریش تو را یا رسول ▶
ریشت بکند ماکان ، پاک از اصول (ابولحسین خارجی) (وحیدیان‌کامیار❋:۶۷۱)
با ناله‌ی نی باش دمی هم‌نوا
تا روح تو پرواز کند تا سما (بی‌نام در پناهی ، ج۱ :۲۳۸) (طبیب‌زاده❋ :۲۵۴)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُ » 0x3/4

0xB4B

مستفعلن فعلاتُ مستفعلن – (ای دل‌ربا مهِ دل‌ربا دل‌ربا)
(جانی بتی مهِ دل تو جانی بتی) (101101001011)

گر بشنود ز فراق خود زاریم
شاید اگر بگذارد به دلداریم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۷۲)

- عضو بحر دودویی 0x4B/8 («مستفعلن فعلاتُ»)

0xB4C

(101101001100) فعلاتن متفاعلن فاعلن - (نظری کن نظری بیارا بیا)

چه رسیدم به جهانِ آزادگی

من و مستی و عشق و دلدادگی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۱)

0xB53

مستفعلُ فاعلاتُ مستفعلن

لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن

(ساقی بده آن شراب ساقی بده)

(101101010011) (هستی مهِ دل نگار هستی مهی)

ای شاخه سبز مهر خسته مباد

گل‌های سپیدِ شادمانی تو (م.آزاد) (نجفی* : ۴۰۰)

- عضو بحر دودویی 0x53/8 («مستفعلُ فاعلاتُ» « لن مفتعلن مفاعِ »)

0xB5A

(101101011010) مفاعلاتن مفاعلاتن مَفا – (بیا نگارا بیا نگارا بیا)

اگر بمیرم به درد عشقت رواست

وگر بسوزم ز داغ هجرت سزاست (الهی قمشه‌ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۴)

منم که چون نی به بند بندم نواست

به هر نوایم هزار شرح بلاست

اگر بسوزم وگر بسازم رواست

اگر بنالم وگر بمیرم بجاست (غلامرضا سازگار) (آهی ، ۱۳۵۷ :۱۷۵)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5
- «فرزاد گوید که این {شعر الهی قمشه‌ای} یگانه شعر بر این وزن است (ص۶۳۹) با اینحال در معیارالاشعار بیتی هست که با مختصر تغییری در مصراع اول می‌توان آن را بر همین وزن دانست : ز بهر خوبی نه از برای وفا   تو را گزیدم بتا ز خلق جهان » (نجفی* :۲۱۳) {احتمالا منظور استاد نجفی تلفظ کشیده «یِ» در «برایِ» و «قِ» در «خلقِ» است.}

0xB5B

مستفعلن فاعلاتُ مستفعلن

(ساقی بیاور شراب ساقی بیار) (101101011011)

ای دلبر جان فزای تندی مکن

با عاشق خوش سرای تندی مکن (المعجم ، شمیسا: ۱۶۷)

بر من چرا کرده ای دراز این زبان

بگذار تا دارم این زبان در دهان (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۰)

شیرین دهن تلخ کرد دنیای من

ساقی بیاور شراب تلخی مرا (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x5B /8 (مستفعلن فاعلاتُ)
- «المعجم این بیت را بر وزن مستفعلن فاعلان مستفعلن تقطیع می کند . » (نجفی،۱۳۹۴،الف :۱۱۶) { برای آنکه این بیت به این وزن تقطیع شود باید بعد از «فزای» و «سرای» یک سکوت کوتاه کرد نه سکوت کشیده وگرنه وزن شبیه کد ۱۴۹۹ مستفعلن فاعلن فاعلن می شود.}

0xB5D

فاعلاتن مستفاعلن فاعلن –(دل‌ستانا یارِ دل‌ستانا بیا)

(دل ستانا دل ربا بیا دل ربا) (101101011101)

هر که چون من دل به جعد مویی دهد

کی تواند از کمند غم وا رهد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۹)

0xB66

فعولن فعلاتن مفاعیلتن –مفاعیلُ مفاعیلُ مستفعلن

(نگارا شکرینا نگارا شکر) (بیا یار بیا یار امشب بیا) (101101100110)

نگارا ز چه رو این دلم خون کنی

به هجرانِ رخت رنجم افزون کنی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۶)

0xB6B

مستفعلن مفاعیلتن فاعل – مستفعلن مفاعیلُ مستفعلن

(101101101011) (جانا بیا بیا جانِ جانا بیا) (جانا بیا نگارا نگارا بیا)

هر کس چو من اسیر تو زیبا شود

کی در غمت تواند که شکیبا شود (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۲)

وقتی ز ماه گفتم ، دل تو گرفت

در چشم گل شکفتم دل تو گرفت (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۴۹)

- عضو بحر دودویی 0x6B/8 («مستفعلن مفاعیلُ»)

0xB6D

(4*101) فاعلن*۴- (دلبری)*۴

ای تُتُق بسته از تیره شب در قمر

طوطی خطت افکنده پر بر شکر (خواجوی کرمانی) (نجفی* :۴۸)

چون رُخت ماه من بر فلک مه نتافت

بر درت شاه من جز ملک ره نیافت (اهلی شیرازی) (نجفی* :۴۸)

نظم را بعد ازین بحر مُحدَث گزین

یاد کن بعد از این بحر محدث چنین (ترمذی) (نجفی* :۴۸)

ای صبا صبح دم چون رسی سوی او

حال من عرضه ده با سگ کوی او (مشتاق) (خانلری:۲۴۱)

من نه خود می روم او مرا می کشد

کاه سرگشته را کهربا می کشد (ابتهاج) (نجفی* :۴۸)

خیز و این دفترت نزد سرهنگ بر

تا خوری از هنرهات و فرهنگ ، بر (المعجم ، شمیسا: ۲۰۱)

سخت سرگشته ام از غم هجر تو

گر خطایی کنم دلبرا عفو کن (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۴)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

- «گفته اند خواجوی کرمانی برای اولین بار از این وزن استفاده کرده است . »
(پناهی، ج۱ : ۱۶۲)
- این وزن می‌تواند به شکل دوری (2//101101) یا (4//101) هم آورده شود . مثلا با تغییراتی در بیتی از ابتهاج می‌توان نوشت: (در بیت اصلی «شدم» ، «گریزم» و «می‌روم» داریم)
سایه‌ی او شدیم// چون گریزیم ازو؟
در پی اش می رویم// تا کجا می کشد

0xB9C

(101110011100) فعلیاتن فعلیاتن فعل – (مه دلهایی مهِ دلهایی مهی)

بزن ای مطرب دف و بربط ، چنگ و نی
که زمستان رفت و بیامد خوش بهار (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن» 0x1C/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❊ : ۳۰۷)
- بیت ساخته شده بر اساس :

بزن ای مطرب بزن ای مطرب// که زمستان رفت و بهارآمد (مهدی حمیدی شیرازی) (نجفی❊ : ۲۰۰)

0xBAB

(101110101011) مستفعلن مفاعلن مستفعلن (جانا بیا بتا بیا جانا بیا)

با من اگر وفا کنی نازت کشم
تا بو که از وفا به خود بازت کشم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۶۶۲)

- عضو بحر دودویی 0xAB/8 («مستفعلن فاعلن»)

0xBAE

(2//101110) علن مستفعلن//۲ - مفاعیلن مفا//۲ – (بیا یارا بیا)//۲

جواد اهل بیت//گل باغ رضا
چو لاله خون جگر// شد از زهر جفا (محمد موحدیان در پناهی ، ج۵: ۶۷) (طبیب‌زاده❊ : ۲۲۳)

حسن جانم حسن//فدای صبر تو

دلم صد پاره شد//برای صبر تو (جعفر رسول زاده در پناهی ، ج۵: ۶۷) (طبیب‌زاده* : ۲۲۳)

از آن روزی که تو // به عشق افکندیم

شدم همرنگ عشق // به گیسویت قسم (ابوالحسنی)

از آن روزی که تو // به عشق افکندیم

شدم همرنگ عشق // به گیسویت قسم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلن» 0xE/4

0xBB6

(101110110110) فعولن فعولن فعولن فاعلن – (نگارا نگارا نگارا دلبرا)

دلم عاشقت شد که درکم کرده ای

ندانسته بودم که ترکم کرده ای (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۹۰)

0xBB9

مفتعلن مستفعلن مستفعلن

(101110111001) دلبرکا جانا بیا جانا بیا

ما مَرَّ مِن ذِکرِ الحِمی بِمَسمَعی

لَو سَمِعَت وُرقُ الحِمی صاحَت مَعی ► (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۶۱)

جامه دران آمد شبی ساغر به کف (ابوالحسنی)

0xBBA

(101110111010) مفاعلن مستفعلن مستفعلن – (بیا بیا جانا بیا جانا بیا)

- پاره‌های زیر بر این وزن هستند:

بیا بیا دلدار من دلدار من //درآ درآ در کار من در کار من

تویی تویی گلزار من گلزار من //بگو بگو اسرار من اسرار من (مولانا، غزل ۱۷۸۵)

- «هر دو مصراع از شعر فوق را مولانا در یک مصراع آورده و شکل نویی از غزل فارسی ارائه داده است . » (مدرسی*:۶۳)
- این شعر می‌تواند دوری شود به شکل (1011//10111010) مثلا

بیا بیا ای یار غار// دلدار من

درآ درآ در کار یار// دلدار من

0xBBB

(101110111011) مستفعلن *۳- (مه‌رو بتی)*۳

پیش آر ساقی ، آن می خون رنگ را

تا ما براندازیم نام و ننگ را (اوحدی مراغه ای) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۰۰)

خواهد برون آید، ولی چون آید او

زنجیر و غلها باشدش بر پا و بر سر (وقار شیرازی ، دره نجفی:۲۴۸)

ای مه مرا گر از برابر بگذری

زآه دلم ترسم مکدّر بگذری (فرصت شیرازی) (نجفی* :۱۰۶)

مرغ دلم فریاد یاهو می زند

گم کرده معشوقش که کوکو می زند (الهی قمشه‌ای، ماهیار:۱۰۳)

مانند شاعرهای عهد بادیه

با یاد او از اشک شویم جای او (حمیدی شیرازی ، دره نجفی:۲۴۸)

ای مهتری کز مهتران ، خود بهتری ▶

وز بهتری همه کس بیابد مهتری (المعجم ، شمیسا: ۱۱۳)

دل برگرفت از من بتم یکبارگی

جاوید ماندم من در این بیچارگی (المعجم ، شمیسا: ۱۵۱)

هرگز نکردم با تو جانا من بدی ▶

پس چون که از نیکی نِیَم برخوردار (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۵)

تا کی مرا گویی که از من باش دور

گر دور باشم از تو ، چون باشم صبور (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۵)

- عضو بحر دودویی « مستفعِلُن » 0xB/4
- «بیتاب در مورد این وزن می‌گوید: «مسدس آن خیلی بیمزه[است] و جز به ندرت مستعمل نیست» ض۳۰» (نجفی* :۱۰۷)
- این وزن می‌تواند به شکل (3//1011) دوری شود مثلا

  از آن نگار//جامی بیار //جامی بیار

  از لطف یار// بر ما ببار// بر ما ببار

0xBBD

(101110111101) فاعلاتن مستفعلن مستفعلن – (دل‌ستانا جانا بیا جانا بیا)

چشم مستت، ای ترک افسون کار من

از نگه زد راه دل هشیار من (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۸)

0xBDB

(101111011011) مستفعلن فاعلاتن مستفعلن - (دل‌ستانا جانا بیا دل‌ستانا)

برخیز جانا به من ده ، آن جام می

کز نور او ماه را باشد روشنی (المعجم ، شمیسا: ۲۰۹)

بگذر ز خود گر رهی جویی سوی حق

تا در خودی بی‌نصیبی از لطف حق (عروض ادیب نیشابوری ثانی) (نجفی* : ۱۰۷)

- عضو بحر دودویی 0xDB/8 (مستفعلن فاعلاتن)
- این وزن می‌تواند به شکل (1011//11011011) دوری شود مثلا

  برخیز جانا ز من گیر// این جام می

  برخیز جانا و بنیوش //زین بانگ نی

0xBCB

مستفعلن فعلاتن مستفعلن

(101111001011) (جانی بتی مهِ جانی جانی بتی)

دلدار جامه‌دران شد سرمست شد

مطرب بزن دف و ساقی دردهِ شراب (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xCB/8 («مستفعلن فعلاتن»)

0xBDD

(101111011101) فاعلاتن فاعلاتن مستفعلن -(دل‌ستانا دل‌ستانا جانا بیا)

ای نگارین روی دلبر کم کن ستم

کاین دل من بی رخ تو پر شد به غم (المعجم ، شمیسا: ۱۸۶)

برده از من دل نگارینی در چگل

گشته ام شیدا بُوَد پیدا از چه گل (عروض بابر: ۱۵۶)

هر شبم گویی که فردایت خوش کنم

چند فردا رفت شاید فردا کنی (زبده العروض) (نجفی* : ۹۰)

0xBEF

(2//101111) (مفعولن فاعلن) //۲ - (جانا جانا بیا)//۲- (ای مهجان ماهِ جان)//۲

گفتم نایَمْتْ نیز//هرگز پیرامنا ▶

بیهده گفتم من این بیهده گویا منا (ابولحسن اورمزدی) (نجفی،۱۳۹۴،الف :۱۵۷)

ماهی در آبگیر// دارد جزعین زره

آهو در مرغزار// دارد سیمین شکم (منوچهری) (نجفی* : ۱۹۱)

رویش سینه مثال//ساقش دیده نگار

گردن ساعد نهاد//گوشش انگشت سان (مسعود سعد) (نجفی* : ۱۹۱)

باید چیزی نوشت//باید اما کجا

لوحی یا دفتری//دیگر با ما کجا (سیمین بهبهانی) (۶۱/۲) (محمدی: ۱۲۲) (غزل کامل)

او را از نیکویی// قارون کرده است باز

ما را خواهد همی// کز غم قارون کند (المعجم ، شمیسا: ۱۶۵)

- عضو بحر دودویی « مستفعیلاتُ» 0xF/5
- این وزن می‌تواند مستقل باشد مثل شعر سیمین بهبهانی یا عضو خانواده وزنی 0x2CD9، (« مفتعلن فاعلن»*۲) باشد مثل شاهد ابولحسن اورمزدی

0xC99

(110010011001) مفتعلن مفتعلن فعلاتن - (نی‌شکرا نی‌شکرا شکرا نی)

در بر من دلبر من بنیامد

آن بت افسونگر من بنیامد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۸)

0xC9A

(110010011010) مفاعلن مفتعلن فعلاتن – (پری پریسا نظری نظری کن)

شبی که آواز نی تو شنیدم

چو آهوی تشنه پیِ تو دویدم

دوان دوان تا لب چشمه شنیدم

نشانه ای از نی و نغمه ندیدم (ابتهاج ، تصنیف تو ای پری کجایی) (نصیری‌فر:۶۶۷)

0xCAA

(110010101010) مفاعلن مفاعلن فعلاتن - (بیا بتا بیا بتا شکرینا)

نگار من سوار من به سفر شد

همی رود چو سرکشان به جهان در (المعجم ، شمیسا: ۲۰۵)

من از فراق آن صنم به فغانم ▶

همیشه با دلی حزینم ز غم (المعجم ، شمیسا: ۱۹۰)

0xCAB

(110010101011) مستفعلن مفاعلن فعلاتن

روزی بود که عشق تو به سرآید

یا آن دلت به مهر من بگراید (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۵)

- { بنا به نظر مصحح کلمات «به سر آیدی » و «بگرایدی» صحیح است (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۵) که وزن با این خوانش ، «مستفعلن مفاعلن متفاعلن» (۱۰۱۰۰۱۰۱۰۱۰۱۱) است . }
- به نظر نجفی این وزن با تبدیل «متفاعلن» به «مستفعلن» در رکن اول ساخته شده است. (نجفی❋ :۲۴۱)

0xCAC

(110010101100) فعلاتن مفاعلن فعلاتن – (مهِ جانی بتی بتی مهِ جانی)

مرحبا مرحبا برای هلالا

آسمان را نمای کل کمالا (سنایی) (نجفی❋ : ۲۷۳)

تُرک من ، تَرک من گرفت و خطا کرد

جامه‌ی صبر من برفت و قبا کرد (خواجوی کرمانی) (نجفی❋ : ۲۷۳)

آه راز نهان چگونه توان گفت
سرِّ عین عیان چگونه توان گفت (امین بلیانی) (پناهی ، ج۲: ۴۵)
سبزه ها نو دمید و یار نیامد
تازه شد باغ و آن نگار نیامد (امیر خسرو دهلوی) (پناهی ، ج۲: ۴۵)
ریش کردی دلم ز خنجر آهن
شیر ، از عشق سر نهاده به دامن (اهلی شیرازی ، دره نجفی:۵۵)
لب لعلت گرفته رنگ ز مرجان ▶
سر زلفت ربوده بوی ز لادن ▶ (بهار) (نجفی* : ۲۷۳)

عجمی ترک من برفت به غربت
ز غم عشق او چو زیر و زریرم (المعجم ، شمیسا: ۲۰۹)
صنما طاقت فراق ندارم
جز به وصل تو اتفاق ندارم (المعجم ، شمیسا: ۱۹۱)
تن تو دردمند بود و دلِ من
صنما رنج بر که بیشتر:آمد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۲)
من به چشم امیر سخت عزیزم
چه شود گر به چشم دشمن خوارم (المعجم ، شمیسا: ۱۹۲)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن مفاعلن » 0xAC/8
- استاد فرزاد می گوید شاید این وزن از ابداعات سنایی باشد . (شمیسا،۱۳۷۶: ۹)

0xCAD
فاعلاتن مفاعلن فعلاتن -(شد بتی نو بتی بتی چه بتی نو)
(110010101101) (ماهِ جانی بیا بیا مهِ جانی)

مرحبا مرحبا برای هلالا ▶
آسمان را نمای کل کمالا ▶ (سنایی) (نجفی* : ۲۷۳) (غزل به این وزن تقطیعی)

- عضو خانواده « فعلاتن مفاعلن فعلاتن »

0xCAF

مفتعْلن فاعلاتُ مفتعلن فا - (جانا جانا بیا بیا مهِ جانا)

(110010101111) (آن شهدل ماهتاب آن شهِ دل ماه)

شاه چو دل بر کند ز باغ و گلستان

آسان آرد به چنگ مملکت آسان ▶ (قصیده‌ای از ابوحنیفه اسکافی)

(تاریخ بیهقی به تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ دوم، شهریور ۲۵۳۶ ، ص۶۰۶)

رفتم قدری درآفتاب بگردم ▶ (سهراب سپهری ، نزدیک دورها) (سپهری:۴۱۵) (نیمایی)

- عضو خانواده وزنی 0x1959، (مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فَع)

0xCB2

مفاعلُ فعِلن //۲ – (بتا مهِ جانی)//۲

(2//110010)

شکسته دلم را // بده تو پناهی

که طفل دل من//نکرده گناهی (بیژن ترقی، تصنیف مرا نفریبی) (نجفی❋ :۳۵۰)

نگاره‌ی گلگون //به متن کبود است

شکفتن آتش //به شاخه ی دود است (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۵) (مرداد ۶۰)

کنون که نشستی//چو قطره‌ی باران

به سبزه‌ی هر گل// به لرزه‌ی هر دل (سیروس شمیسا) (نجفی❋ : ۳۵۰)

- عضو بحر دودویی 0x32/6 («مفاعلُ فعِلن»)
- «دکتر حسین معصومی همدانی در مورد این وزن آورده است : ظاهرا این وزن پیش از اشعار فوق {شعر «نگاره گلگون» سیمین و «کنون که نشستی» سیروس شمیسا} در تصنیف «مرا نفریبی» بیژن ترقی آمده است» (نجفی❋ :۳۵۰)

0xCB4

(110010110100) متفاعلن فاعلن متفاعل - (مهِ دلبری دلبری مهِ دلبر)

اگر آن دلارام من ز درآید

به وصال رویش غمم به سر آید (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۰)

- عضو بحر دودویی 0xB8/8 («متفاعلن فاعلن»)

0xCBB

(110010111011) مستفعلن مستفعلن فعلاتن – (جانا بیا جانا بیا شکرینا)

باشد که این دوران غم به سر آید

وین شام هجران را ز پی سحر آید (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۳)

0xCC9

مفتعلن فعلاتن فعلاتن - مفتعلن فعلن مفتعلن فع

(110011001001) (کن نظری نظری کن نظری کن)

من که به دل غم سودای تو دارم

دیده به ره ز تمنای تو دارم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۸)

- عضو بحر دودویی 0x49/7 (مفتعلن فعلن)

0xCCA

(110011001010) مفاعلن فعلاتن فعلاتن – (بیا بیا شکرینا شکرینا)

دلم از کف به نگاهی بربودی

غم مرا به فراقت بفزودی (ادیب طوسی) (نجفی* : ۳۲۸)

0xCCC

(3*1100) فعلاتن *۳- (مهِ جانی) *۳

شکر تنگ تو تنگ شکر آمد ◀

حقّه‌ی لعل تو دُرج گهر آمد

گر دمی بر سر بالین من آیی

همه گویند که عمرت به سر آمد ◀ (خواجوی کرمانی)(نجفی* :۱۲۵)

روزگاری‌ست که در کنج خرابی
قفسی ساخته‌ام کوچک و زیبا ◀ (شرف) (نجفی❊ :۱۲۵)
بی امید و عبث و تلخ و غم‌آلود
نفسی را به لب از سینه رساندن ◀ (فخرالدین مزارعی) (پناهی ، ج۲: ۱۴۱)
همه‌ی دشت لگد کوب سواران
همه جا عزم میان بستن یاران (پرویز بیگی حبیب آبادی) (پناهی ، ج۲: ۱۴۲)

پسرا گر تو بخواهی شغل ما
می بسازیش همیدون به زمانی[۳](المعجم ، شمیسا: ۱۶۱)
طرب انگیز می آور به صبوحی
که حریف است و بهار است و جوانی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۳)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4
- دکتر شمیسا این وزن را از ابداعات خواجوی کرمانی می داند . (شمیسا،۱۳۷۶: ۲)

0xCCD

(110011001101) فاعلاتن فعلاتن فعلاتن – (دل‌ستانا شکرینا شکرینا)

چون نظر در خم ابروی تو کردم
قامت خویشتنم در نظر آمد (خواجو) (نجفی❊ :۱۲۵)

- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن »

[۳] وزن مصرع اول فاعلاتن فعلاتن فاعلن است ، « شعر غلط است و فاعلن و فاعلاتن در تقابل قرار نمی گیرند و انگهی وقوع فاعلن در مصرع اول صحیح نیست زیرا مصرع متحدالارکان نمی شود . اگر شغل به حرکت اول و دوم خوانده شود وزن صحیح است . » (شمیسا❊ : ۲۰۰)

0xCCF

مفتعْلن مفتعلن مفتعلن مف –

(110011001111) (شد مهجان شد مهِ جان شد مهِ جان شد)

عشق تو آورد قدح پر ز بلاها

گفتم می می‌نخورم پیش تو شاها ◀ (مولانا) (نجفی❋ :۱۸۰)

- عضو خانواده « مفتعلن مفتعلن مفتعلن مف»

0xCD4

تعلن مفاعلن مفتعلن مف - فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُن

(110011010100) (نظری کن ای پری رو نظری کن)

بنَشسته چشم مستت به کمینم

که به یک نگه رباید دل و دینم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۷۰)

- عضو بحر دودویی 0xD4/8 (« تعلن مفاعلن مف» « فعلاتُ فاعلاتن »)

0xCD9

(11001//1011001) مفتعلن فاعلن //مفتعلاتن- (ای شکرینم بیا //ای شکرینم)

چرخ بود پاسبان //حاجب دولت

بخت بود مدخ خوان //حاجب دولت (همای شیرازی) (پناهی، ج۱ : ۷۳)

سخت به جوشی دلا// نرم ترک باش

باش که تا گل کند// بوته ی خشخاش (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۷) ۶۵/۴

دوست برِ دوست شد // یار برِ یار

چیست در این روزگار// خوش‌تر از این کار (؟) (نجفی❋ : ۱۹۲)

- عضو بحر دودویی 0x59/7 (مفتعلن مفتعل)
- « بهتر است وزن فوق را مستزاد حساب کنیم.» (نجفی❋ :۱۹۲)

0xCF3

(2//110011) لاتن فعلاتن//۲ - (جانی مهِ جانی)//۲

زان نفخه که شد جفت // با تربت آدم

از خاک بر آمد// بر چرخ معظم (مولانا) (نجفی❋ :۱۵۷)

خاموش نباشید //دل در خفقان است

ساکن ننشینید //روز هیجان است (اشرف الدین گیلانی) (پناهی، ج۱ : ۱۶۶)

در خانه نشستیم // با روی پری وار

همسایه ی ابلیس// دیوار به دیوار ♫ (سیمین بهبهانی) (نجفی❋ :۱۵۷) (بهمن ۵۳)

سازش مپسندید // با هیچ بهانه

کز خون شهیدان //رودی ست روانه (سیمین بهبهانی) (نجفی❋ :۱۵۷) (۲۵ دی ۵۷)

- عضو بحر دودویی «مستفعلتن» 0x13/5

0xCFF

(110011111111) فعلن فعِلاتن فعِلاتن فعلاتن-(جانی مهجانی مهجانی مهِ جانی)

چون باد بجنبد نبود خود ز پشه باک

چون آتش برخیزد تیزی نکند خار ▶ (منوچهری) (نجفی❋ :۱۴۳)

جان جامه نپوشد مگر از بافته حکمت

مر حکمت را معنی پود است و سخن تار ▶ (ناصر خسرو) (نجفی❋ :۱۴۴)

- عضو خانواده وزنی 0x3333 ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن)

0xD2A

(110100101010) مفاعلن مفاعلتن مفاعل - (بیا بتا بیا صنما نگارا)

بود لبت حیاتِ دل نگارا

بده ز غم نجات، دلم خدایا (شجره العروض: ۴۲)

- عضو بحر دودویی « مفاعلن مفاعلتن » 0x12A /9

0xD2E

مفاعیلن مفاعلتن مفاعیل - (نگارا دلبرا صنما نگارا)

(110100101110) (بیا مهجان بیا مهِ جان بیا مه)

نگارینا بکن نگرش به کارم

چو می دانی که من ز غمت فکارم (المعجم ، شمیسا: ۱۱۱)

ز دست آن صنم به صد احترازم

دل من می تپد به بَرم چه سازم (شجره العروض: ۴۲)

- عضو بحر دودویی 0x12E/9 (مفاعیلن مفاعلتن)

0xD34

(2//110100) فعلن فعولن//۲ – (نظری پریسا)//۲ – (تو بتی بتی نو)//۲

دل من که باشد// که تو را نباشد

تن من چه باشد //که فنا نباشد (مولانا) (نجفی❊ : ۳۶۸)

چه کنم دلی را //که تو را نباشد

چه کنم تنی را //که بقا نباشد (فیض کاشانی) (پناهی، ج۱ : ۱۶۸)

تو بیا که شادان//شود از تو جانم

ز غمت به گردون//نرسد فغانم (الهی قمشه‌ای) (نجفی❊ :۳۶۸)

برو از کنارم //که من از تو سیرم

به خدا سراغت// ز کسی نگیرم (رضا عبداللهی) (دادگر:۳۳۷)

- عضو بحر دودویی 0x34/6 (فعلن فعولن)

0xD4C

(110101001100) فعلات متفاعلن فعولن – (نظری کن نظری پری پری‌سا)

ای صنم نیز زمانکی وفادار

مگُذر تیز چنین بر اسب رهوار ▶ (المعجم ، شمیسا: ۱۶۰)

0xD4D

فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن – فاعلن مفتعلن مفاعلن مف

(دل‌ستانی مهِ جان تو دل‌ستانی) (110101001101)

ای صنم نیز زمانکی وفادار ▶

مگُذر تیز چنین بر اسب رهوار (المعجم ، شمیسا: ۱۶۰)

- عضو بحر دودویی 0x4D/8 (« فاعلاتن فعلاتُ» « فاعلن مفتعلن مَ »)
- عضو خانواده « فعلاتن متفاعلن فعولن»

0xD55

فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُن

(ماهتاب ماهتاب ماهتابی) (110101010101)

چون خبر شنید که اوست باز بی کار

چهره اش شد از غضب به رنگِ گل نار (ایرج کابلی) (کابلی:۱۴۲)

دل هوای بانگ عاشقانه دارد (سیاوش کسرایی) (نجفی*: ۱۷۱)

- عضو بحر دودویی «فَعلُ» 0x1/2

0xD59

مفتعلاتن مفاعلن فعولن ـ (دلبرکا دلربایِ دلربایی)

(جانِ نگارا بیا بیا نگارا) (110101011001)

کشمکش و گیر و دار اگر گذارد

کجروی روزگار اگر گذارد

پای گل از باده تر کنم دماغی

نیش جگر خوارِ خار اگر گذارد (عارف قزوینی) (پناهی، ج۱: ۷۴) (قسمتی از یک تصنیف)

0xD5B

مستفعلاتن مفاعلن فعولن – (جانا نگارا بیا بیا نگارا) (110101011011)

من ساده بودم تو عاشقم نبودی
دلداده بودم تو عاشقم نبودی
(رضا عبداللهی) (دادگر:۲۰۲)

- می‌تواند دوری شود (1101010//11011) (با تغییر شعر بالا)

ما ساده بودیم //تو عاشقم نبودی
دلداده بودیم // تو عاشقم نبودی

0xD65

فاعلن فعلاتن مفاعلاتن – فاعلن فعلاتن مَفاعلن فع
(دلبرا شکرا دلبرا نگارا) (مهرخی مهِ جانی تو مهرخی مه) (110101100101)

تا اسیر خم زلف آن نگارم
تیره روزم و آشفته روزگارم (ادیب طوسی) (نجفی* : ۳۶۲)

- عضو بحر دودویی 0x65/8 (« فاعلن فعلاتن مَ » «فاعلاتُ مفاعیلُ»)

0xD66

فعولن فعلاتن مفاعلاتن - مفاعیلُ مفاعیلُ فاعلاتن
(دلارام دلارامِ دل دلارام) (110101100110)

بدان حسن و طراوت که یار دارد
چو من عاشق شیدا هزار دارد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۶)
خداوند جهان بخش شاه عادل
شهنشاه جوان بخت راد کامل (شجره العروض) (نجفی* : ۱۳۵)

- «همه‌ی منابع بیت زیر را (خداوند ...) به طور یکسان مثال آورده اند . » (مدرسی*: ۱۵۳)

0xD75
(فاعلن فعولن) //۲ – (شد پری پریرو)//۲ –
(جانِ جانِ جانی)//۲
(2//110101)

هر شب از فراقش// تا سحر بنالم
شاید آید از یار// مژده‌ی وصالم (الهی قمشه‌ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۸)
خوش‌دلم که دارم //از جهان هستی
عشق ماه‌رویان//ذوق می‌پرستی (ادیب طوسی) (نجفی* : ۱۷۶)
این کجا سپیده است// این کجا سپیده است
رفته خون ز رگهاش// رنگ شب پریده است (سیمین بهبهانی ، آذر ۵۹) (محمدی: ۱۳۱)

ای دلت به سختی// بسته سنگ خاره
وی دلم ز شوقت //گشته پاره پاره (مختصر وحیدی) (نجفی* : ۳۱۹)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2
- عضو بحر دودویی « مستفاعلن» 0x15/5

0xD76
فعولن فعولن فاعلن فعولن – (نگارا نگارا دلبرا نگارا)
(110101110110)

مرا رنجش تو ، روز و شب به یاد است
تو باور نکردی ، صبر من زیاد است (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۹۲)

0xD7A
وزن فرعی
مفاعلن مفعولن مفاعلن مف – (بیا بیا دلدارا بیا بیا دل)
(11010-1111010)

اگر گشایی تاری ز سنبل تر
همیشه آید باد صبا معطّر (جامی) (نجفی* :۳۲۶)

سیاه چشما این دل چگونه بردی
کنون که بردی باری بدو چه کردی (المعجم ، شمیسا: ۱۸۰)

دلی پر آتش و چشمی پرآب دارم

از آنک با من بدخو شده ست جانان ► (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۰)

- عضو بحر دودویی 0x7A /7 (مفاعلن مفعولن)
- عضو خانواده «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فع»
- عضو خانواده «مفاعلن مفتعلن مفاعلن مف»

0xD95

تن مفاعلن فعلاتن مفاعل - فاعلاتُ مفتعلن فاعلاتن

(110110010101) (ماهِ ماه ماهِ شب‌های عاشق) (گلرخی بتی مهِ جان گلرخی بت)

تا زمن جدا شده ای، ای نگارم

با ملال و غم گذرد روزگارم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۶۸)

- عضو بحر دودویی 0x95/8 («تن مفاعلن فعلا» «فاعلن مفاعلتن»)

0xD99

مفتعلن مفتعلن فاعلاتن – (دلبرکا دلبرکا دل‌ستانا)

(110110011001) (دلبرکا یارِ پریسا پریسا)

دل هوس سبزه و صحرا ندارد

میل به گلگشت و تماشا ندارد

دل سر همراهیِ با ما ندارد

خون شود این دل که شکیبا ندارد (عارف قزوینی) (نجفی❋: ۱۸۴) (چند مصرع دیگر نیز در این تصنیف بر این وزن هستند)

- نجفی این وزن را نامطبوع می داند، «البته این نامطبوعی را {عارف} ظاهرا در آواز به همراه موسیقی جبران کرده است.» (نجفی❋: ۱۸۴)

0xDAA

مفاعلن مفاعلن فاعلاتن – (بتا بیا بتا بیا جانا نگارا) (110110101010)

تو دلستان ، به دلبری بی قرینی

که از همه ، بتان به خوبی گزینی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۵)

0xDAD

فاعلیاتُ فاعلیاتُ فاعِل -فاعلاتن مفاعلن فاعلاتن –

(شد بتم مست شد بتم مست شد بت)(دلبری یار دلبری یار دلبر) (110110101101)

چند گویم به من مکن بد نگارا

تا ز عشقت عیان نگردد نهانم (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۳)

- عضو بحر دودویی « فاعلیاتُ» 0xD/5

0xDB5

مستفاعلن مستفا مستفاعل -فاعلن فعولن فعولن فعولن -

(دل‌ربا نگارا نگارا نگارا) (110110110101)

بی جمالت ای لعبت نازنیم

با ملال و حرمان و غم همنشینم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۸)

- عضو بحر دودویی 0xB5/8 (مستفاعلن مستفا)

0xDB6

فعولن *۴ – (بزن دف)*۴ (110110110110)

مگر غیب و عیب است کایزد ندادت

دگر هر چه بایست دانیّ و داری (فیروز مشرقی) (نجفی* : ۳۹)

چو درپاش گردد به معنی زبانم

رسد مرحبا از زمین و زمانم (رودکی ، ماهیار: ۱۱۹)

من آنم که در پای خوکان نریزم

مر این قیمتی دُرّ لفظ دری را (ناصر خسرو) (آهی ، ۱۳۵۷ :۱۲۶)

گهی پرده‌سوزی، گهی پرده‌داری
تو سر خزانی و جان بهاری (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۹۴)
سلامی چو بوی خوش آشنایی
بدان مردم دیده‌ی روشنایی (حافظ) (وحیدیان‌کامیار*:۲۹۷)
غمش در نهانخانه‌ی دل نشیند
به نازی که لیلی به منزل نشیند (طبیب اصفهانی) (دیوان طبیب اصفهانی ، ناشر سنایی ، ص۱۰۰)

کسی که بغل کردمش توی مستی
تو هستی،تو هستی،توهستی،تو هستی ♫ (سید مهدی موسوی)

نگارا به عشوه دلم را ربودی (المعجم ، شمیسا: ۷۵)
دو عید است ما را ز روی دو معنی
هم از روی دین و هم از روی دنیی (المعجم) (شمیسا* : ۱۰۴)
به بالا نگارا چو آزاده سروی
ولکن به رخسار مانند گلنار (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۱)

عجیبٌ عجیبٌ عجیبٌ عجیبٌ
ز بحر تقرّب بخوان در محافل (وقارالسلطنه:۱۲)
فعولن فعولن فعولن فعولن
تقارب از این بحر گردید حاصل (ابو نصر فراهی:۲۱)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3
- «امیر خسرو دهلوی در این وزن مثنوی سروده است که از نظر جامی اصلا مناسب مثنوی نیست» (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۶۳۳)
- «سعدی و حافظ در این وزن تنها یک غزل و عطار هفت غزل سروده است » (مدرسی*:۱۸۷)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- شاهد طنز:
- می‌توان به شکل دوری درآورد (۱۱۰//۴) و (۱۱۰۱۱۰//۲) (با تغییراتی در شعر اصلی از تحفه الهند کد ۰x۳۶)

بسی بی‌وفایید// ز شوقیم حیران

بدین‌سان چراییـد//کجایی تو ای جان

0xDBB

(110110111011) مستفعلن مستفعلن فاعلاتن - (جانا بیا جانا بیا دل‌ستانا)

ای دلستان ما را تو آرام جانی

لیکن دلازاری و نامهربانی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۳)

ای پادشاه انس و جان ای حسینم

ای خسرو لب‌تشنگان ای حسینم (اسماعیل حیرانی در پناهی ، ج۴ :۱۸۱) (طبیب‌زاده* :۲۱۴)

- به شکل (1101//10111011) می‌تواند دوری شود

ای دل‌ستانا عاشقیم // دل‌ستانا

در شهر خوبان والهایم//ای نگارا

0xDBD

(110110111101) فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن - (دل‌ستانا جانا بیا دل‌ستانا)

دل رها گردان از هوسهای عالم

همچو عیسی رو ای برادر به طارم (ادیب نیشابوری:۱۵۵)

روی یارم مر لاله را کی پسندد

لاله چون او کی دمد در بهار[ان] (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۳)

دیده ام تا رخسار آن ماه طلعت

گشت چشمم آیینه سان محو حیرت (زبدة العروض) (نجفی* : ۹۰)

دلبر من در کار من غم ندارد

زان که چون من غمخوارگان کم ندارد (عراضه) (نجفی* : ۹۰)

- عضو بحر دودویی BD/8 (فاعلاتن مستفعلن)
- به شکل (1101//10111101) می‌تواند دوری شود (مثال با تغییر شعر از معیار الاشعار)

چند گویم از من مگیر//دل نگارا

تا ز عشقت جانا شویم//شهره جانا

0xDCB

مستفعلن فعلن//مستفعلن فع

(جانم بتم مهِ من//جانم بتم مه) (11011//1001011)

بر من چو می‌گذری//چون آفتابی

هوشم ز سر ببری//مانا شرابی

مهر از تو می‌طلبم؟//هیهات هیهات

بر هر که چشمه‌ی نوش//بر من سرابی (حمید مصدق در پناهی ، ج۳: ۱۰۰) (طبیب‌زاده* : ۳۵۳)

- عضو بحر دودویی 0x4B/7 (مستفعلن فعلن)

0xDD2

مفاعلتن مفاعیلن فعولن – مفاعلُ فاعلاتن فاعلاتن

(دلا شکرا دلاراما دلارا) (110111010010)

شقایق و نرگس اندر کوه ساده ▶

به سان سبز پوشان ایستاده (قطران تبریزی) (مرجع دقیق؟؟)

چه شد صنما ز روی دلنوازی

اگر گذری به سوی بنده سازی (عروض بابر:۱۳۸)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن مفاعیلن » 0x1D2/9
- { تبدیل شدن }«یک هجای بلند به دو هجای کوتاه که برخلاف آنچه عروضیان جدید می پندارند ، در شعر فارسی دارای سوابقی است منتهی چون خلل وزنی به بار می آورد امروزه به کار نمی رود .» (فولادی،۱۳۸۲ : ۶۷) { مثل شعر قطران تبریزی که مصرع دوم وزنش مفاعیلن مفاعیلن فعولن است .}

0xDD9

مفتعلن فاعلاتن فاعلاتن – (دلبرکا دل‌ستانا دل‌ستانا) (110111011001)

برده دلم دلبر نیکو لقایی

عشوه گری بذله گویی خوش ادایی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۸)

0xDDA

(110111011010) مفاعلن فاعلاتن فاعلاتن - (بیا بیا دل‌ستانا دل‌ستانا)

به حسرتم ، ز اشتیاقت هیچ دانی

به محنتم ، از فراقت هیچ دانی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۶)

0xDDB دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xDDB -0//12 حالت غیر دوری

مستفعلن فاعلاتن فاعلاتن - مستفعلن فاعلن مستفعلن فا

مستفعلاتن فعل مستفعلاتن

(110111011011) (جانا بیا دل‌ستانا دل‌ستانا)

ای لعبتِ سروقدِّ سیم ساعد

شاید ، اگر با رهی باشی مساعد (المعجم ، شمیسا: ۱۸۱)

0xDDB -5//7 حالت دوری

مستفعلن فاعلاتن فاعلاتن - مستفعلن فاعلن مستفعلن فا

مستفعلاتن فعل مستفعلاتن

(11011//1011011) (جانا نگارا بیا //جانا نگارا)

آمد کنون دلبرم// سرمست از می

مطرب نوایی بزن// ساقی بده می (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x5B /7 (مستفعلن فاعلن)

0xDDD

(3*1101) فاعلاتن * ۳ - (دلبرم شد)*۳

ای زمان شهریاری روزگارت

تا قیامت شهریاری باد کارت (انوری) (نجفی* : ۸۹)

هرگزت عادت نبود این بی وفایی
غیر از این نوبت که در پیوند مایی (اوحدی مراغه ای) (نجفی* : ۸۹)
آن لبِ شیرینِ همچون جانِ شیرین
وان شکنجِ زلفِ همچون نافه‌ی چین (خواجوی کرمانی) (نجفی* : ۸۹)
تا به چند اندر پیِ عشق مجازی
چند با یار مجازی عشق‌بازی (بهار)   (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۳۳)
در گوش این فریاد گستر بادها
تا کی سپارم بی‌اثر فریادها (رعدی آذرخشی) (پناهی ، ج۲: ۱۱۱)
روز رنگِ سبزه‌ی افسرده دارد
بوی پرچین‌های باران خورده دارد (حسین منزوی) (فیروزیان:۱۰۳)

ای نگارین روی دلبر ، زان مایی
رخ مکن پنهان چو اندر جان مایی (المعجم ، شمیسا: ۱۵۶)
چند گریم چند باشم جفت انده ►
نیست گویی ماه رویا مر مرا زین غم رهایی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۷)
چند باشد ، نیک خواهت جفت انده
چند باشد دوستارت با زاری (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۰)
ای نگاری کز تو نیکوتر نبینم
عاجزند از صورتت صورتگران (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۰)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

- استاد فرزاد این وزن را از ابداعات انوری می داند . (شمیسا،۱۳۷۶: ۸)

0xDEB

مستفعلن فعولن مستفعلن فع –

(آمد شبی بتم شد آمد شبی بت)   (110111101011)

امشب دلم گرفته تا بی نهایت
پیچیده در خیالم شوق صدایت (رضا عبداللهی) (دادگر:۱۸۵)
من دوست‌دار عشقم عشقی الهی
تا خانه‌ام بسوزد برق نگاهی (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۲۹۴)

- عضو بحر دودویی 0x6B/7 («مستفعلن فعولن»)

0xDEE

(110111101110) مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن- (نگارم او نگارم او نگارم)

بده نقل و مِیَم ، عقل و دل ندارم

سر بوش و غم بست و ول ندارم (ادیب نیشابوری: ۱۵۷)

سرم از عرش بالاتر بگذرانی

اگر گویی که هستی ، از بندگانم (شجره العروض) (نجفی* :۸۰)

0xDF7

(2//110111) مفعولن فعولن//۲- (جانانی نگاری)//۲

می دانی که امشب // رویت را کشیدم

رویت شد گلی سرخ //شهدش را چشیدم (ابوالحسنی)

0xE55

(111001010101) فاعلاتُ فاعلاتُ مفاعیلن- فاعلن مفاعلن فعلیاتن

(ماهتاب ماهتاب گلستانها)

سر به هیچ وهم خم نکنم هرگز

سر بر آستان عشق فرو آرم (ابوالحسنی)

- شاهد نثر: سر بر آستانِ کعبه همی‌مالید (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۹۸)
- «بر این وزن ظاهرا تا کنون شعری سروده نشده است .» (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۹۸)

0xE56

(111001010110) مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلن – علاتن مفاعلن فَعلاتن مف

(بتم شو بتم بتم تو بتم شو بت)(دلارای جانِ جانِ دلارایی)

ز بلبل شنو نوای غریبانه

که گوید ترانه ها به گلستان‌ها (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x56/8 («علاتن مفاعلن فَ» « مفاعیلُ فاعلاتُ»)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۸۲)

0xE59

مفتعلن فاعلن فعلیاتن - مفتعلن فاعلاتُ مفاعیلن

مفتعلن فعلُ مفتعلن فعلُن

(جامه دران گشت جامه دران گشته) (111001011001)

روی وشی وار کن به وشی ساغر

باغ نگه کن چگونه وشی وار است (خسروی سرخسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۸)

- عضو بحر دودویی 0x19/6 (مفتعلن فعلُ)

0xE66

مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلن- (دلارای دلارای دلارایی)

(نگارا مهِ جانی مهِ جانی مه) (111001100110)

غزل خوان توام ای گل صحرایی

که از عطر تو مستم شب شیدایی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مَفاعیلُ» 0x6/4
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۲۴۸) و (نجفی* :۱۳۵)

0xE67

فع‌لاتن فعلاتن فعلاتن فع

(مهجانی مهِ جانی مهِ جانی مه) (1/1100/1100/111)

بد کردم که به جای تو جفا کردم

نه نکو کردم دانی که خطا کردم ► (منوچهری) (نجفی* : ۲۳۱)

- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع »

0xE6F

مفتعْلن فاعلن مفتعلن فاعل –

(ای مهِ جان دلبری ای مهِ جان دلبر) (111001101111)

دهقان از باغ کند خیمه‌ی ییلاقی ▶

بر به شبستان فکند ، بسته‌ی بستانی (مفتون همدانی) (پناهی، ج۲: ۸۷)

- عضو خانواده « مفتعلن فاعلن مفتعلن فاعل »

0xE73

مستفعلتن مستفعلتن مستف –

(شد او مهِ جان شد او مهِ جان شد او) (111001110011)

آمد شب هجران، مست ز می دلدار

از دیده سرشکم گفت به او اسرار (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن» 0x13/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❊ : ۲۷۸)

0xE79

مفتعلن مفتع //۲ –(شد مهِ جان شد مه)//۲ (2//111001)

باز چو دلّاکان //نیشتری داری

بهر دل آزردن // شور و شری داری (شهاب ترشیزی) (نجفی❊ : ۱۹۴)

خط ز لبش سرزد// بوسه فراوان شد

مژده به عاشق ده // شب شد و ارزان شد (نجیب کاشانی) (از شاعران عصر صفویه) (پناهی، ج۲: ۷۷)

باز بهارآمد// شیفته ام مستم

آه که می لرزد // باز دلم دستم (سیمین بهبهانی) (پناهی، ج۲: ۷۷) (اردیبهشت ۶۱)

عاشقی و دوری//مستی و مهجوری

گر تو توانستی// من نتوانستم (سیمین بهبهانی؟) (نجفی❊ : ۱۹۴)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4

0xE7C

وزن فرعی

فعلاتن فع‌لاتن فعلاتن فع

(مه جانی مهجانی مهِ جانی مه)

(111001111100)

بد کردم که به جای تو جفا کردم

نه نکو کردم دانی که خطا کردم ◀ (منوچهری) (نجفی❊ : ۲۳۱)

- عضو بحر دودویی 0x7C/7 (فعلاتن فع‌لاتن)
- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع»

0xE7D

وزن فرعی

فاعلاتن فع‌لاتن فعلاتن فع

(دلبرا جانا جانا شکرا جانا)

(111001111101)

بید با باد به صلح آید در بستان

لاله با نرگس در بوس و کنار آید ◀ (ناصر خسرو) (پناهی، ج۱: ۱۷۳)

- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع»

0xE96

مفاعیلتن فعلن مفاعیلن- مفاعیلتن فعلن مفاعیلت

(نگارم بتم نظری نگارم بت)

(111010010110)

چو آن ترک لعبت من به پا خیزد

دو صد فتنه در ره خود برانگیزد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۶۷۷)

- عضو بحر دودویی 0x96/8 («مفاعیلتن فعلن»)

0xE99

مفتعلن مفتعلن مفاعیلن – (دلبرکا دلبرکا نگارینا) (111010011001)

باز مرا گریه سراغ می گیرد

از شب من باد چراغ می گیرد (شراره دادگر) (دادگر:۲۱۵)

0xEA6

فعولن متفاعلن فعولن مت (=مفاعیلن) - علن مفتعلن مفاعلن مفتع

(بیا ای مهِ جان بیا ای مه) (111010100110)

شبی جامه دران نگار جانم شد

خزان رفت که او بهار جانم شد (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xA6/8 («فعولن متفاعلن» « علن مفتعلن مفا »)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۴۳)

0xEB2

فعولُ فعولن فعولُ مفعولن

(نگارِ نگارِ نگارِ گل رخ ها) (111010110010)

بیا که ز هجران شدم خرابستان

بکن تو به بوسی مرا نگارستان (ابوالحسنی)

- شاهد نثر: چگونه بر او مملکت مقرر شد (گلستان سعدی) (نجفی* :۳۴۷)

0xEB3

مستفعلتن فاعلن مفاعیلن – مستفعلتن مستفاعلن مستف

(جانا لبِ جانا بیا بیا جانا) (111010110011)

احمق اگر از تخمه‌ی کیان باشد

بی قدر تر از تخم ماکیان باشد (قاآنی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۷۹)

نه ماه کند کار و نه ستاره کند

جز فضل خدا کارها که چاره کند (داوری شیرازی) (نجفی* :۳۴۷)

پیغام ببر ای نسیم شبگیری
از جانب ما مر سهیل افنان را (اخوان ثالث) (شمیسا* : ۱۱۰)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن مستفاعلن» 0x2B3/10

0xEB5

(111010110101) مستفاعلُن مستفاعلُن مُسْتَفْ ـ (دلبرا بیا دلبرا بیا دلبر)

یار دلربا شوخ و خوش ادایی تو
چهره ات جنان طره ات بلا بازآ (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُن» 0x15/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۲۸۵)

0xEB6

(111010110110) فعولن فعولن فعو فعولن فع- فعولن فعولن مفاعلن فعلن

درآمد نگارم ز در شبی سرمست
بزن چنگ مطرب بده قدح ساقی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xB6/8 (فعولن فعولن فعو)

0xEBA

(2//111010) (مفاعلن فعلن) // ۲ - (بیا بیا جانا)//۲

نهاد بر در گوش //صدای یک زن بود
چه رفت بر کولی //دلش نه زآهن بود (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۲۲۰) (کتاب دشت ارژن ۱۳۶۰- ۱۳۶۲)
دوباره باید ساخت //شما که ما رفتیم
اگر چه ننشستیم //از پای ، تا رفتیم (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۲۲۰) (اردیبهشت ۶۱)
ستاره ها حیران// پرنده ها بیدار
ترانه ها خونین //جوانه ها بیمار (بهمن صالحی) (پناهی، ج۱ : ۲۲۰)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5
- شعر های سیمین بهبهانی در یک کتابند اما شعر اول تاریخ ندارد .
- در (پناهی، ج۱ : ۲۲۰) آمده است که شعر بهمن صالحی از کتاب «باغ کاغذی، ص۱۱۱» آورده شده است و تاریخ سرایش آن را ۵۷/۱۱/۲۳ نوشته است ولی چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۸۶ است (پناهی، ج۱ : ۲۷۷)

0xEDB

مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُن

عولن فعولن فعولن فعولن فَع - عولن فعولن فعولن مفاعیلن

(111011011011) (دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلداران)

در صبح گاهان که اغیار در خوابند

سرمست گلها هزاران غزل خوانند (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۲۰۶)

0xEDD دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x EDD-0//12 حالت غیر دوری

(111011011101) فاعلاتن فاعلا فاعلاتن فا - (او نگارم او نگارم نگارم او)

گر توانم دل ز مهر تو برگیرم

بهر این آشنای دگر گیرم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۶۹)

0x EDD -1D//5D حالت دوری

فاعلاتن فاعلا //فاعلاتن فا –فاعلیاتن فعل//فاعلیاتن

(11101//1011101) (دلبرا جانا بیا//دلبرا جانا)

نم نمک نام تو را //می برم از یاد

زخم شد آواز من //در گلو فریاد (رضا عبداللهی) (دادگر:۳۱۹)

ای پدر در شام شوم//رسم احسان نیست

یا میان شامیان//یک مسلمان نیست (دراج در پناهی ، ج۴ :۲۲۴) (طبیب‌زاده❋ :۲۱۸)

- عضو بحر دودویی 0x5D/7 (فاعلاتن فاعلا)

0xEDE

(111011011110) مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن - (نگارم او و نگارم نگارم او)

به گیتی در، از مسلمان و از کافر

نبیند کس چون سلیمان بنْ ناصر (المعجم ، شمیسا: ۱۷۵)

نمی خواهم از تو یک دم جدا باشم

تو باشی همراه من هر کجا باشم (شجره العروض) (نجفی❋ : ۸۰)

نگارینا در غمت دل پر از خون شد

پس آنگاه از دیده با اشک بیرون شد (عراضه) (نجفی❋ : ۸۰)

- عضو بحر دودویی 0x DE/8 (مفاعیلن فاعلاتن)

0xEED

فاعلاتن مفاعیلن مفاعیلن – فاعلاتن فعولن فاعلاتن فع

(111011101101) (او نگارم نگارم او نگارم او)

سرکشی را دلا از خود بهل یک سو

گر همی بایدت آگه شوی از هو (ادیب نیشابوری: ۱۵۶)

- عضو بحر دودویی 0x6D/7 (فاعلا فاعلاتن)

0xEEE

(3*1110) مفاعیلن ❊۳ - (نگارینا) ❊۳

اگر با من دگر کاوی خوری ناگه

به سر بر تیغ و بر پهلوی شینگیه (فرالاوی) (نجفی❊ : ۷۹)

جهانا عهد با من جز چنین بستی

نیاری یاد از آن پیمان که کردستی (ناصر خسرو) (نجفی❊ : ۷۹)

شب دوشینه با سودای او خفتم

از آن امروز با تیمار و غم جفتم (اوحدی مراغه ای ، ماهیار: ۹۵)

چه شد گر کفر زلفت شد بلای دین

پریشانی گهی بر هم زند این (فیضی) (نجفی❊ : ۷۹)

هنوز آن روز برفی خنده‌ی خورشید

به بام خانه‌های دور پیدا بود (نادرپور) (نجفی❊ : ۷۹)

نگارینا چرا با من نمی سازی

به حسن خود چرا چندین همی نازی (المعجم ، شمیسا: ۱۳۱)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

0xEFB

(2//111011) مستفعلن مستف//۲ – (جانا بیا جانا)//۲

ای بسته تودرتو //بر گردِ من دیوار

یک روز خواهم رست// از این پیازین وار (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۰) (اسفند ۵۱)

آه این چه پیوند است// ضرب رقم در هیچ

حاصل چه خواهم داشت ؟ //یک هیچ و دیگر هیچ (سیمین بهبهانی) (نجفی❊ : ۱۱۶) (شهریور ۱۳۵۶)

ای هموطن برخیز فصل بهار آمد

گل در چمنش بشکفت گلبن به بار آمد (محمود شاهرخی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۶۶۲)

دل داده ام بر باد بر هر چه باداباد

مجنون تر از لیلی شیرین تر از فرهاد (قیصر امین پور) (فیروزیان: ۸۳)

یک بار دیگر عشق //یک بارِ دیگر تو

شورِ مجدّدْ تو//شوقِ مکرّرْ تو (حسین منزوی) (فیروزیان: ۸۲)

- عضو بحر دودویی « مستفعلن » 0xB/4
- از اکتشافات سیمین بهبهانی است . (نجفی،۱۳۹۴،الف :۱۵۱)
- « نوحه (علی بن ولی) قدیمی ترین اثری ست که در این وزن با آن برخورد نموده ایم ، دیگر نوحه سرایان از جمله ملا محمد درکایی (مذنب) نیز از این وزن استفاده کرده اند . » (پناهی، ج۱ : ۲۳۰) { نمونه این نوحه ها در کتاب آورده نشده است نمونه زیر از حاتمی نوری آورده شده است (مراثی اهل بیت: ۹۰)

در خواب خوش دیدم روی پیمبر را با من چنین فرمود کای دخترم زهرا }

0xF2B

(111100101011) فاعلاتن مفاعلتن مفعولن – (جانا بیا بیا شکرینا جانا)

ارض و سما نمود همانا برپا

تا باخبر ز پرده ناید ما را (علی اکبر نوری در پناهی ، ج۵ :۳۸) (طبیب‌زاده* :۳۸۹)

پاییز بود و برگ درختان می‌ریخت

گرد و غبار روی خیابان می‌ریخت (حسن بهرامی در پناهی ، ج۵ :۳۸) (طبیب‌زاده* :۳۹۰)

امروز کرد یارم قصد لشکر

تا گشت جانم از دردش پر آذر (المعجم) (نجفی* : ۲۹۶)

0xF33

لن مفتعلن مفتعلن مفتعْلن

(111100110011) (جان شد مهِ جان شد مهِ جان شد مهجان)

ای نرگس پر خواب ، ربودی خوابم

ای لاله‌ی سیراب ، ببردی آبم

ای سنبل پرتاب ، ز تو در تابم

ای گوهر کمیاب ، تو را کی یابم (مولانا ، ماهیار: ۱۴۸)

گفتم که ز عشق تو خجل گشتم دوش (المعجم ، شمیسا: ۱۴۴)

ترسنده از آنم که اگر دیر آید

زین جان پر از درد برآرم فریاد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۰)

- عضو خانواده وزنی رباعی 0x1333، لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

0xF39

(111100111001) مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْتَعْ – (ای مهِ زیبا ای مهِ زیبا ای مه)

ای بت سرکش جامه دران رقصان شو

خرم و خندان شاد و غزل‌گویان شو (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفتعلاتن» 0x16/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۲۹۰)

0xF3C

(2//111100) فعلاتن فعِلا//۲ – (مهِ جانی جانی)//۲

چو به بند افکندی// ز غم آزادم کن

به وفا یادم کن// به رُخت شادم کن (ادیب طوسی) (نجفی* :۱۳۳)

- عضو بحر دودویی 0x7C/7 (فعلاتن فعِلاتن)

0xF3D

فاعلاتن فعِلن فعلاتن فعِلن

(111100111101) ماهِ جانی جانی مهِ جانی جانی

چون به بند افکندی//ز غم آزادم کن

از وفا یادم کن//به رُخت شادم کن

(ابوالحسنی با تغییر کمی در بیت شاهد ادیب طوسی کد وزنی 0xF3C)

0xF3F

فعِلاتن فعِلاتن فعلاتن فعِلن –

(111100111111) (مهجانی مهجانی مهِ جانی مهجان)

تابانی خوش عطری مهِ مایی دلدار

گلزاری جانانی شهِ مایی ای یار (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0xF4B

مستفعلن متفاعلن مستفعل

(دلبر بیا مهِ دل بیا جانانی) (111101001011)

مَنْ ذا یُحَدِّثُنی وَ زُمَّ الْعیسُ ◀

ما لِلْغریبِ سِوَیَ الْغَریبِ اَنیسُ (سعدی) (جلالی:۱۸۶)

دیدم غزال گریزپا دل را برد

ای وای دل شده در به در ، اندر دشت (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x14B/9 (مستفعلن متفاعلن)

0xF53

لن مفتعلن مفاعلن مفتعْلن

(جان شد مهِ جان دلا دلا شد مهِ جان) (111101010011)

زندان من از نجات خوشتر باشد

نفرین من از نبات خوشتر باشد

شمشیر من از حیات خوشتر باشد

یاقوت من از زکات خوشتر باشد (مولانا) (ماهیار : ۱۴۶)

گفتم که تو را شوم نگارینا زود (المعجم ، شمیسا: ۱۴۴)

ای آنکه مدام نام تو در ذکر است

وز گرد رهت دامن گل پر عطر است

مفعولُ مفاعلن مفاعیلن فاع

اَخْرَب هَزَج است اگر تو را این فکر است ... (ابو نصر فراهی:۳۳)

ای قدّ تو در گلشن جان سرو روان

وز رشک قدت سرو خجل در بستان

مفعولُ مفاعلن مفاعیلن فاع

این نوع رباعی، هَزَجِ اَخْرَب دان ... (ابو نصر فراهی:۳۵)

- عضو خانواده وزنی رباعی 0x1333، لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

0xF55

مستفاعلن مفاعلن مفعولن - فاعلات فاعلات مفعولاتن

(111101010101) (یارِ غارِ یارِ غارِ جانا جانا) (نوبتا بیا بتا بیا جانانی)

گر بخواهدی بیایدی پیشش خور (المعجم ، شمیسا: ۱۴۹)

0xF59

مفتعلن فاعلاتُ مفتعْلن فا

(111101011001) (آن شهِ دل ماهتاب آن شهدل ماه)

مادر می را بکرد باید قربان ◀

بچه‌ی او را گرفت و کرد به زندان (رودکی) (نجفی* : ۳۵۲)

حیرت من بادرخت قاتی می شد (سهراب سپهری ، نزدیک دورها) (سپهری:۴۱۵) (نیمایی)

- عضو خانواده وزنی 0x1959، (مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فا)

0xF5E

(111101011110) مفاعیلن فاعلن مفاعیلن فا – (بیا جانانا بیا بیا جانانا)

به خوبی چون یار من نباشد یاری

نگاری {نگارینی} مهوشی بتی عیاری

چو رویش کو لاله ای چو قدّش سروی

چو خالش کو مهره ای چو زلفش ماری (خواجوی کرمانی) (نجفی* :۳۴۶) (یک غزل ۹ بیتی)

- عضو بحر دودویی 0x5E /7 (مفاعیلن فاعلن)

- دکتر شمیسا این وزن را از ابداعات خواجوی کرمانی می داند (شمیسا،۱۳۷۶: ۵)
- «باید به جای نگاری، نگارینی باشد» (شمیسا،۱۳۷۶: ۵)
- «دقت شود که این شعر مثل نثر خوانده می‌شود خاصه این بیت آن:

گر انکارم می‌کنند کاو بی‌دین است|| نباشد جز با بتان مرا اقراری» (نجفی❋ :۴۵۰)

0xF7C

فعلاتن فعِلن فاعلاتن فعِلن

(111101111100) (مهِ جانی جانی ماهِ جانی جانی)

گذرد آن زیبا//بر گل و سوسن‌ها

پریا ما را بین//ما از آن گلزاریم (ابوالحسنی)

- بر اساس بیت زیر ساخته شد:

می‌دود آن زیبا//بر گل و سوسن‌ها

گو بیا ما را بین//ما از آن گلزاریم (مولانا) (نجفی❋ :۳۴۴)

- عضو خانواده «(فعلاتن فعلن)//۲ »

0xF7D وزن فرعی

(2//111101) فاعلاتن فاعل//۲ - (ماهِ جانی جانی) //۲

جان جان مایی//خوشتر از حلوایی

چرخ را پر کردی//زینت و زیبایی (مولانا) (نجفی❋ : ۹۷

می‌گریزد از ما // ما قوامش داریم

زن زنانش آریم// کش‌کشانش آریم

می‌دود آن زیبا//بر گل و سوسن‌ها

گو بیا ما را بین//ما از آن گلزاریم (مولانا) (پناهی ، ج۲ :۱۳۷)

- عضو بحر دودویی «فاعلاتن» 0xD/4
- عضو خانواده «(فعلاتن فعلن)//۲ »

0xF99

مفتعلن مفتعلن مفتعْلن مف

(111110011001) (شد مه جان شد مهِ جان شد مهجان شد)

از طرفی روح امین آمد پنهان ▶

پیش دویدم که ببین کار و کیاها (مولانا، غزل ۵۳)

0xF9C

وزن فرعی

فعلیاتن فعلیاتن فعلی

(111110011100) (مهِ دل آمد مهِ دل آمد مهدل)

به سحرگاهی چو صبوحی نوشیدم

به خراباتی چو سبویی جوشیدم (خرمشاهی) (خرمشاهی ، ۱۳۹۷)

- عضو خانواده « فعلیاتن فعلیاتن فعلی»

0xF9F

(111110011111) لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن (جانی مهجانی مهِ جانی مهجانی)

گل در بر و می در کف و معشوق به کام است (حافظ)

بربط زن، مطرب که نگارم شد، سرمست ▶ (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x3333 ، (لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن)

0xFBE

(2//111110) فعولن مفعولن//۲- (ز دلبر تا دلبر)//۲

نگارم شادان است //چو بادی رقصان است

غزل‌خوان چون بلبل//چو گل‌ها خندان است (ابوالحسنی)

0xFCC

(111111001100) فعلاتن فعلاتن فع‌لاتن فع– (مهِ جانی مهِ جانی مهجانی مه)

تا به کی با غم هجرت درسازم من

دامن از گریه‌ی خونین تر سازم من (سید مظفر علی ، شجره العروض) (مدرسی*: ۹۳)

- «این وزن تنها در رساله شجره العروض آمده است» (مدرسی*: ۹۳)
- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع»

0xFCD

(111111001101) فاعلاتن فعلاتن فع‌لاتن فع – (ماهِ جانی مهِ جانی مهجانی مه)

بید با باد به صلح آید در بستان ▶

لاله با نرگس در بوس و کنار آید (ناصر خسرو) (پناهی، ج۱: ۱۷۳)

- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع»

0xFDF

(11111//1011111) مفعولاتن فاعلن مفعولاتن فا – (جانا جانا دلبرا//جانا جانا دل)

جانا چون با خرّمی می پیمایی می

رندان را زان جام می ، باری می ده کام (تحفه الهند : ۱۴۸)

- خود مصنف آن را (فعلن فعلن فاعلن فعلن فعلن فاع) تقطیع کرده است .

0xFE7

(111111100111) فع‌لاتن فعلاتن فع‌لاتن فعلن – (مهجانی مهِ جانی مهجانی مهجان)

گلزاری مهِ مایی خوش عطری ای یار

جان بخشی شهِ مایی عیسایی دلدار (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0xFF3

(111111110011) لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن – (جانی مهِ جانی مهجانی مهجانی)

هر چند گرفتارم آزادم آزاد

هر چند تهی‌دستم خرسندم خرسند (بهار) (نجفی❊ :۱۴۳)

- عضو خانواده وزنی 0x3333 ، (لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن)

0xFFC

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلا –

(11-111-111-1100) (مهِ جانی مهجانی مهجانی مهجان)

نفسی بنْوازم ای مطرب با بربط

نفسی بنْوازم ای ساقی با باده (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلا)

0xFFD

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلا –

(111111111101) (ماهِ جانی مهجانی مهجانی مهجان)

نقش فروردین گر پاک تبه گشت چه باک

نایبی آمد هر یک را زو نیکوتر ► (لامعی گرگانی) (پناهی، ج۱ : ۲۸)

زین خداوندان گر یک بیتی گوید ►

که ز نادانیش خود نیز نداند معنیش (بهار) (نجفی❊ :۱۲۳)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0xFFF دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xFFF -0//12 حالت غیر دوری

(12//1)

آیا می‌آیی امشب جانا در خوابم

آخر می‌دانم می‌میرم من امشب (ابوالحسنی)

0xFFF -3//3//3//3 حالت دوری

(4//111) (مفعولن)//۴- (جانانی)//۴

افتادم// افتادم //در آبی// افتادم

گر آبی //خوردم من //دلشادم //دلشادم (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ : ۲۰۱)

چون جامی// در خوردم// برخیزم// برگردم

از شاخِ //آن وَردَم //گر سرخم// گر زردم (مولانا ،غزل ۳۱۸۳)

چون رفتی// افکندی //برخاکم //از زاری

وقت آمد// بازآیی //از خاکم //برداری (مشتاق اصفهانی در پناهی ، ج۱: ۹۶) (طبیب‌زاده* : ۱۱۸)

ی دلبر // دل شد خوش// جان هم شد// زو خوش تر

(معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۱)

آن آمد// آن آمد// آن آمد// آن آمد

جان آمد// جان آمد// جان آمد// جان آمد (شجره العروض) (نجفی* :۱۵۷)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1
- این وزن به حالات زیادی می‌تواند دوری شود مثل (111//111//111//111)

افتادیم//افتادیم//افتادیم//از بالا

می‌رقصیم//می‌رقصیم//می‌رقصیم//جانانا

- این وزن می‌تواند عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ❊ ۴ » باشد مثل :

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی (سنایی)
جانانی تابانی یکتایی زیبایی ▶ (ابوالحسنی)

- این وزن می‌تواند عضو خانواده وزنی 0x39F3، (« مستفعلُ مستفعلْ»❊۲) باشد مثل :

کی باشد کاین ترکان// از قشلق بازآیند
چون گنج بدید آید زین گوشه ویرانه (مولانا، غزل ۲۳۲۰)
که مصرع اول بر وزن (مفعولن مفعولن//۲) ومصرع دوم بر وزن («مستفعلُ مستفعلْ»❊۲) است .

- این وزن می‌تواند عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن❊۴ باشد مثل :

مژده بده مژده بده یار پسندید مرا (ابتهاج)
بربط زن ای مطرب شادانم رقصانم▶ (ابوالحسنی)

سیزده هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x1000	0x1FFF	۴۰۹۶

0x1249

لن فعلن فعلن فعلن فعلن – فاعلُ فاعلُ فاعلُ فاعلُ فا

(تن شکرا شکرا شکرا شکرا)

(1001001001001) (دلبرِ دلبرِ دلبرِ دلبرِ دل)

نافه چو طرّه‌ی غالیه‌بار تو نیست || عنبر سوده چو خطّ غبار تو نیست

گل نشکفته به پاکی عارض تو|| سبزه به خوبیِ خطّ عذار تو نیست

(فصیحی هروی، قرن ۱۱ هجری) (نجفی* :۷۵)

جز به تو من دل خود به کسی ندهم

ای گلِ من دل خود به خسی ندهم (میرناصر شریفی ، تصنیف بی قرار) (نصیری‌فر:۱۸۵)

- عضو بحر دودویی « فاعلُ » 0x1/3

0x126A

مفاعلن علن مفتعلن مفتعلن

(1001001101010) (بتا بیا بیا یار بیا یار بیا)

شبی بیا خرامان نفسی برِ دل

ببین که عشق آورده چه بر سرِ دل (ابوالحسنی)

- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۲۸)

0x1294

متفاعلن متفاعلن مُتَفا – (صنما بیا صنما بیا صنما) (1001010010100)

مگو با کسی خر ، اگر لگد زندت

که هم قدمی با وی ، آبرو بردت (بی نام) (وحیدیان‌کامیار*:۶۹۲)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5

0x12AC

فعلاتن مفاعلن مفاعلتن

(نظری کن بیا بیا نظری) (1001010101100)

بگو بگو

که شکارت کنم بگو

که شکارت کنم ز گریه جویم و وای ► (تصنیفی از محسن نامجو، شاعر؟)

طرب انگیز ساقیا شراب بیار

چو خرابم مرا میی خراب بیار (ابوالحسنی)

0x12B2

علن فعلاتن مفاعلن فعلا

(بتی مهِ جانی بتی بتی مهِ جان) (1001010110010)

بیا بنشین در کنار خلوت من

چو شاخ گلی در کنار سرو کهن (خرمشاهی) (نجفی* : ۳۴۶)

امید بُوَد آدمی به خیر کسان

مرا به تو امّید نیست شر مرسان (نجفی) (نجفی* :۳۴۶)

- عضو بحر دودویی « علن فعلاتن مفا» 0xB2/8
- «شعر فوق تصرفی در شعر معروف سعدی است :

امیدوار بُوَد آدمی به خیر کسان مرا به خیر تو امّید نیست شر مرسان» (نجفی* : ۳۴۶)

0x12B3

فعِلن فعلاتن مفاعلن فعلن - مفعولُ مفاعیلُ فاعلاتُ فعل

(1001010110011) (ای یار بیا یارِ غارِ یار بیا) (یارا نظری کن مرا مرا نظری)

نَه ماه کند کار و نه ستاره کند

جز فضل خدا کارها چه چاره کند

چه چاره کنند این مه و ستاره به کار

او کار کند ، نه مه و ستاره کند (داوری شیرازی) (شمیسا* : ۱۱۰)

- شاهد نثر: « اوقاتِ عزیزت چگونه می‌گذرد» (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۳۰)

0x12B9

(1001010111001) (مفتعلاتن فاعلاتُ مفتعلا) – (گل بدنی دیدم شبی چه گل‌بدنی)

ای شده از جان روی تو را مه مشتری

بر رخ تو دیوانه گشته حور و پری

جام وصالی بخش به مخموران خود

پَرِهان هان ، جو ، جور مکن زین بیش به میخواران خود (تحفه الهند : ۱۸۱) (مصرع یک و سه کد 0x1739 ، مصرع دو کد ۰x۱۲B۹ و مصرع چهار کد 0x2E73C است.)

0x12CA

مفاعلن فعلاتن مفاعلتن

(1001011001010) (بیا بیا مهِ جان‌ها بیا مهِ جان)

و من زنی که بدهکار خویشتنم

گناه می چکد از زمهریر تنم (شراره دادگر) (دادگر:۷۰)

0x1333

لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

(جان شد مهِ جان شد مهِ جان شد مهِ جان)

(1001100110011) (جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جان)

خان غم تو پست شده ، ویران باد ►

خان طربت همیشه آبادان باد (صانع بلخی) (شمیسا،۱۳۸۷ : ۵۰) (شاعر اوایل قرن ۴)

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من ►

وین خطّ معما نه تو خوانی و نه من ► (خیام) (نجفی❋ :۱۴۵)

گفتم که ز عشق تو دلم گشت خجل (المعجم ، شمیسا: ۱۴۴)

با این همه در راه تو گر خاک شویم

شایسته نباشیم قدم های تو را (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۰)

یکباره چنین جاهل و خونخواره مباش (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۱)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُ » 0x3/4
- وزن اصلی رباعی است .
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- «وزن رباعی و خود رباعی ساخته و پرداخته‌ی ایرانیان است ...امثال خلیل بن احمد و قدمای عرب اصلا از وزن و شکل رباعی اطلاعی نداشته اند .... در زمان شمس قیس یعنی نیمه اول قرن هفتم رباعی در میان عرب ها شیوعی یافته بوده است . » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۲۲۷)
- «امام حسن قطان برای رباعی به ۲۴ وزن مختلف معتقد بود . البته او این ۲۴ وزن را وضع نکرد بلکه با تقطیع رباعیات مختلف بدانها دست یافت . قطان تحت تاثیر علم الانساب که در آن استاد بود این ۲۴ وزن را در دو شکل درختی (مانند شجره النسب ها) جای داد و هر کدام را یک شجره نامید . تصویر این دو شجره در المعجم آمده است متاسفانه کتاب قطان در عروض برجا نمانده است . » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۲۲۸) { بدیهی است که گذشتگان هر وزن را اگر در انتها هجای کشیده بود با یک نام دیگر معرفی می کردند و به این دلیل رباعی در تقسیم بندی قدما ۲۴ وزن داشت نه ۱۲ تا . }
- « در کتابهای ادبی متاخر ... تنها عبارت لاحول و لاقوه الا بالله را به عنوان وزن رباعی ذکر کرده اند این دیدگاه از نظر عروض علمی نادرست است ، زیرا این عبارت فقط معادل یکی از اوزان رباعی است و با آن نمی توان همه‌ی اوزان را تقطیع کرد . » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۲۴۳)

- «روکرت ... وزن رباعی را به نحوه زیر تقطیع کرده است که کاملا صحیح است .
(-- UU -/- UU -/- UU -/- -) بر طبق این تقطیع رباعی یک وزن دارد و می توان به جای دو هجای کوتاه یک هجای بلند قرار داد و ضمنا مفتعلن با اختیار قلب به مفاعلن تبدیل می شود... ژیلبر لازار هم در سال های اخیر همین طرح را وزن اصلی رباعی گرفت . » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۲۴۳) { به زبان این کتاب وزن اصلی معادل (۱۰۰۱۱/۱۰۰۱/۱۰۰۱) است و نواگذاری آن را می توان به شکل (فع مفتعلن مفتعلن مفتعلن) یا (مستفعلتن مفتعلن مفتعلن) آورد. این وزن همان وزن ابرمادر ما است . }
- « وزن اصلی رباعی مفعول مفاعیل مفاعیل فعل است . » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۲۴۹)
- « شاید بتوان این وزن را یادگاری از عروض مجهول الهویه ایران پیش از اسلام دانست » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۲۵۲)
- « نمونه هایی از قصیده و قطعه و غزل و شکل های دیگر شعری در دست است که وزن آن ها رباعی است در ص ۱۲۲ المعجم قطعه یی { ده مصرعی } از ابوطاهر خاتونی به وزن رباعی نقل شده است:
استاد مبر گمان که دل ریش نیم واز فعل تو و از تو بد اندیش نیم
... مسمط هفتم منوچهری نیز به وزن رباعی است » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۲۵۳)
- رودکی «به حکم آن که ... بانی آن وزن کودکی بود نیک موزون و دلبر و جوانی سخت تازه و تر آن را ترانه نام نهاد . » «عالم و عامی مشعوف این شعر گشته . زاهد و فاسق را در آن نصیب ، صالح و طالح را بدان رغبت» «بسا دختر خانه که بر هوس ترانه در و دیوار خانه عصمت خود در هم شکست. » المعجم رباعی را زیباترین وزن پس از اوزان خلیل می داند . (المعجم ، شمیسا: ۱۴۱)
- کتاب سیر رباعی از دکتر شمیسا منبع کاملی برای این قالب و وزن آن است . برای اطلاع کامل از وزن رباعی به فصل «عروض رباعی » از این کتاب رجوع کنید.

فرهنگِ دودوییِ جامعِ وزن‌هایِ شعرِ پارسی

- ابر مادر یک خانواده وزن ۱۲ عضوی: (دارای یک خواهر ۴ فرزنده)

خانواده وزن (1-1001-1001-1001) – (لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن)		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x1333	1001100110011 اسرار ازل را نه تو دانی و نه من (خیام)
2	0xF33	111100110011 ای نرگس پر خواب ، ربودی خوابم (مولانا)
3	0x9F3	100111110011 یا دل برِ من باشد یا دلبر من (مولانا)
4	0x7F3	11111110011 نی نی که غلط گفتم ، ای عشق آموز (مولانا)
5	0x99F	100110011111 گفتم مستی گفت که آری به خدا (مولانا)
6	0x79F	11110011111 با یارم دیروز همی گفتم راز (المعجم)
7	0x4FF	10011111111 با یارم می گفتم در خشم مرو (المعجم)
8	0x3FF	1111111111 می گردم باشد کی پیشم افتی (مولانا)

خانواده وزن (1-1001-1010-1001) – (لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن)		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x1353	1001-1010-1001-1 هنگام سپیده دم خروس سحری (خیام)
2	0xF53	111-1010-1001-1 شمشیر من از حیات خوشتر باشد (مولانا)
3	0x9AF	1001-1010-111-1 کافر باشد که از تو شیدا نشود (مولانا)
4	0x7AF	111-1010-111-1 لعلی گردی چو گرد این کان گردی (مولانا)

0x133D

فاعلاتن فعلن فعلاتن فعلن – (ماهِ جانی مهجان مهِ جانی مهِ جان)

(1001100//111101)

ای جوانان سوگند// به سر پیر شما ▶

که به ما آهوکان//دل مدارید به کین (داوری شیرازی) (پناهی ، ج۲: ۱۹۶)

0x133F

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن

(مهجانی مهجانی مهِ جانی مهِ جان)

(1001100111111)

با مطرب می‌گفتم نفسی چنگ نواز

با ساقی می‌گفتم : نفسی باده بده (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x1353

لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن - مستفعلُ فاعلاتُ مستفعلُ فا

(جان شد مهِ جان دلادلا شد مهِ جان)

(هستی مهِ دل نگار هستی مهِ دل)

(1001101010011)

خان غم تو پست شده ، ویران باد

خان طربت همیشه آبادان باد ▶ (صانع بلخی) (شمیسا،۱۳۸۷ : ۵۰) (شاعر اوایل قرن ۴)

هنگام سپیده دم خروس سحری ▶

دانی که چرا همی کند نوحه گری (خیام)

امشب به بر من است آن مایه‌ی ناز

یا رب تو کلید صبح در چاه انداز (علی اکبر شیدا ، تصنیف شب مهتاب) (نصیری‌فر:۹۴)

گفتم که تو را شوم چرایی تو به رنج (المعجم ، شمیسا: ۱۴۴)

- عضو بحر دودویی 0x53/8 («مستفعلُ فاعلاتُ» « لن مفتعلن مفاعِ »)
- عضو خانواده وزنی رباعی 0x1333، لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

0x1366

(100110//1100110) مفاعیل فعولن//مفاعیل فعل - (نگارم شکرم شد نگارم شکرم)

شبی جامه دران شد// چو مهتاب عیان

دلم برد و نهان شد//از این عشق فغان (ابوالحسنی)

- این شعر منتسب به بهرام‌گور است: منم شیر شلنبه/و منم ببر تله

« در وزن مصراع دوم {شعر منسوب به بهرام گور} اگر « و » آن را حذف کنیم ، (در شعر فارسی به ندرت در آغاز مصراع «و» می آید) در این صورت وزن چنین است: مفاعیل فعولن مفاعیل فعل که وزنی کمی است ولی مصراع دوم یک هجا کمتر دارد که طبق اختیارات شاعری قدیم درست است . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۹)

0x137D

(1001101111101) فاعلاتن فعِلن فاعلاتن فعلن - (دل‌ستانا جانا //دل‌ستانا شکرا)

یار بادت توفیق //روزبهی با تو رفیق

دولتت باد حریف// دشمنت غَیشه و غال (رودکی) (نجفی* :۳۹۰)

0x139C

(1001110011100) فعلیاتن فعلیاتن فعلی – (مهِ دلهایی مهِ دلهایی مهِ دل)

بزن ای مطرب دف و بربط ، چنگ و سه تار

که زمستان رفت و بهارآمد به دیار (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن» 0x1C/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۰۷)
- بیت بر اساس بیت زیر ساخته شد:

بزن ای مطرب بزن ای مطرب// که زمستان رفت و بهارآمد (مهدی حمیدی شیرازی) (نجفی* :۲۰۰)

0x13E7

مفعولن فعلاتن مفعولن فعلا –

(1001111100111) (مهجانی مهِ جانی مهجانی مهِ جان)

تا باشند در این رز در مهمان من‌اند

رز فردوس من است ایشان رضوان من‌اند (منوچهری) (نجفی* : ۱۳۱)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x13FC

(1001111111100) فعلاتن فعِلاتن فعِلاتن فعلن – (مهِ جانی مهجانی مهجانی مهِ جان)

و صدایش همچون نیزه ی کوتاهی . پهنای افق را پیمود

خبر ما را با خود خواهد برد به شهر ▶ (فروغ فرخزاد ، فتح باغ) (فرخزاد ، ۱۳۴۲ ، ص۱۲۰)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x13FD

(1001111111101) فاعلاتن فعِلاتن فعِلاتن فعلن - (ماهِ جانی مهجانی مهجانی مهِ جان)

گر همی زآتش گل روید ، او را نه شگفت

رُست هم زآتش سنواده گل از بهر خلیل (لامعی گرگانی) (پناهی، ج۱ : ۲۹)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x13FF

مفتعِلن مفتعِلن مفتعِلن مفتعلن

(1001111111111) (ای مهجان ای مهجان ای مهجان ای مهِ جان)

مژده بده مژده بده یار پسندید مرا (ابتهاج)

شادانم رقصانم بربط زن مطربِ دل ▶ (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x14A5

فاعلن متفاعلن متفاعلن – مستفاعلُ مستفاعلُ مستفا

(1010010100101) (دلبرم شده دلبرم شده دلبرم)

بشنو از نیِ من حکایت عشق را

بشنو از لبِ من شکایت عشق را (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُ » 0x5/5
- این وزن مادر وزن (۱۰۱/۱۱۰۱/۱۱۰۱) با نوای (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) است اما هیچ سروده ای به آن ندیده‌ام. بیت بالا بر اساس بیت آغاز مثنوی مولانا سروده شده است.

0x14AB

(1010010101011) مستفعلن مفاعلن متفاعلن – (جانا بیا بتا بیا شکرا بیا)

روزی بود که عشق تو به سرآید [ی]

یا آن دلت به مهر من بگراید[ی] (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۵)

- اصل بیت به شکل زیر است :

روزی بود که عشق تو به سرآید || یا آن دلت به مهر من بگراید (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۵)

{ بنا به نظر مصحح کلمات «به سر آیدی » و «بگرایدی» صحیح است }(معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۵)

وزن بیت اصلی (110010101011) است با نوای مستفعلن مفاعلن فعلاتن .

- به نظر نجفی وزن بیت اصلی با تبدیل «متفاعلن» به «مستفعلن» در رکن اول ساخته شده است. (نجفی* :۲۴۱) پس می‌توان تعمیم داد که این وزن از وزن (10100-1010-10100) به دست می‌آید

0x14B4

(1010010110100) متفاعلن فاعلن متفاعلن - (مهِ دلبری دلبری مه دلبری)

چو برفته دلدار من ز کنار من

غم دل ز هجران او شده یار من (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۱)

- عضو بحر دودویی 0xB8/8 («متفاعلن فاعلن»)

0x14BB

(1010010111011) مستفعلن مستفعلن متفاعلن – (جانا بیا جانا بیا شکرا بیا)

بردی بتا از یک نگه دل و دین من

برخاستی با ناز و غمزه به کین من (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۸۴)

0x14D4

تعلن مفاعلن مفتعلن مفا - فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُ فا

(1010011010100) (مهِ جان بیا بتم شو مهِ جان بیا)

بنشسته چشم مستت به کمینم

که به یک نگه رباید دل و دینم (ادیب طوسی) (نجفی❋ :۳۶۶)

- عضو بحر دودویی 0xD4/8 (« تعلن مفاعلن مف» « فعلاتُ فاعلاتن »)

0x1533

لن مفتعلن مفتعلن مفاعلن –

(1010100110011) (جان شد مهِ جان شد مهِ جان بتا بتا)

در دهر به جز رقص و طرب ندیده ام

در باغ فقط بوی تو را شنیده ام

آغوش تو را بوس تو را چشیده ام

در عشق به هر مرتبتی رسیده ام (ابوالحسنی)

- تا کنون تنها کد 0x1353 خواهرک کد 0x1333 در نظر گرفته شده است اما به نظر می رسد کدهای 0x1533 و 0x1553 هم خواهرکان 0x1333 باشند به نظر من شعر زیر هم وزن است:

{ من بوی تو را ز دورها شنیده ام	با یاد لبت خون مسیحا شده ام
1010/1010/1001/1 (کد 0x1553)	1001/1001/1001/1 (کد 0x1333)
امشب که خیال من پر از خاطره هاست	آغوش تو را بوس تو را چشیده ام }
1001/1010/1001/1 (کد 0x1353)	1010/1001/1001/1 (کد 0x1533)

0x1553

لن مفتعلن مفاعلن مفاعلن –

(1010101010011) (جان شد مهِ جان بیا بتا بیا بتا)

با عشوه و ناز و شور دلبرانه ای ▶

آمد به برم نگار من شبانه ای ▶

تا صبح چو بلبلانِ پر نغمه‌ی عشق

خواندیم ترانه های عاشقانه ای ▶ (ابوالحسنی)

- { مصرع های یک و دو و چهار بر همین وزن و مصرع سه بر وزن (۱/۱۰۰۱/۱۰۱۰/۱۰۰۱) است اگر این عبارت موسیقی داشته باشد یک خواهرک جدید برای رباعی است . }
- تا کنون تنها کد 0x1353 خواهرک کد 0x1333 در نظر گرفته شده است اما به نظر می رسد کدهای 0x1533 و 0x1553 هم خواهرکان 0x1333 باشند به نظر من شعر زیر هم وزن است:

{ من بوی تو را ز دورها شنیده ام	با یاد لبت خون مسیحا شده ام
1010/1010/1001/1 (کد 0x1553)	1001/1001/1001/1 (کد 0x1333)
امشب که خیال من پر از خاطره هاست	آغوش تو را بوس تو را چشیده ام }
1001/1010/1001/1(کد 0x1353)	1010/1001/1001/1 (کد 0x1533)

0x1555

فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فا

(1/0101/0101/0101) (ماهتاب ماهتاب ماهتاب ماه)

ای ستاره ها که بر فراز آسمان

با نگاه خود اشاره‌گر نشسته اید (فروغ فرخزاد) (نجفی* : ۱۷۱) (۱۳۳۴)

بی تو بی تو ای که در دل منی هنوز

داستان عشق من به ماجرا کشید (نادرپور، تیر ۱۳۳۴) (نجفی* : ۱۷۰)

عمر من شبی سیاه و بی ستاره بود

دیدگان تو ستاره های او شدند (نادرپور) (مجموعه اشعار،ص ۲۱۹)

عاشقانه سر بنه به روی شانه ام

گوش کن به نغمه های عاشقانه ام (حسین منزوی) (نجفی* : ۱۷۰)

سرخی ات نشانه ای ز سرخ ، روی ماست

وز سپیدی ات سپید ، ساحت جم است (شعری در ستایش پرچم که استاد نجفی در مدرسه قبل از سالهای ۱۳۲۰ شنیده بود .) (نجفی ، ۱۳۸۱: ۱۷۱)

آنکه دید روی او ز دیده خون فشاند

وانکه دید موی او ز بوی چین بماند

وانکه دید عین او ز حور عین برید

وانکه دید ، تیغ او ، به خاک و خون تپید (تحفه الهند : ۱۷۱)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2

0x155A

(1010101011010) مفاعلاتن مفاعلا// مفاعلا

ز در درآمد نگار من //چو ماهتاب

غزل بخوان مطربا بزن //سه تار و نی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x15A/9 (مفاعلاتن مفاعلا)

0x1565

(1010101100101) فاعلن فعلاتن مفاعلن فعل – (مهرخی مهِ جانی تو مهرخی مهی)

در زمانه نباشد چو یار من بتی

زین سبب دل من بی قرار او شده‌ست (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x65/8 (« فاعلن فعلاتن مَ » «فاعلاتُ مفاعیلُ»)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❋ : ۳۶۲)

0x1566

فعولن فعلاتن مفاعلن فعل - مفاعیلُ مفاعیلُ مستفاعلن

(1010101100110) (دلارایِ دلارایِ دل‌ربا بیا)

ز دلدار دلارام خود جدا شدم

به حرمان غمش سخت مبتلا شدم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۵)

0x1595

مستفاعلن فعلن مستفاعلن – لن مفاعلن فعلاتن مفاعلن

(1010110010101) (دلبرا بیا شکرا دلبرا بیا) (گلرخی بتی مهِ جان گلرخی بتی)

در بهار و موسم گل زندگی خوش است (نجفی) (نجفی* :۳۱۰)

از لبم ترانه بخوان در دلم تویی

موجم و پی هدفم ساحلم تویی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x95/8 («تن مفاعلن فعلا» «فاعلن مفاعلتن»)
- طبیب زاده :« احتمالا او {نجفی} خود آن را از روی بیت پورداوود (در بهار و موسم گل زندگی است بس دلخواه) سروده است. » (نجفی* :۳۱۰)

0x1599

مفتعلن مفتعلن مستفاعلن – (دلبرکا دلبرکا شب بیا بیا) (1010110011001)

غم مخور ای دل که جهان را قرار نیست

آنچه تو بینی همه جز مستعار نیست (بهار) (تاریخ سرایش ۱۳۰۹) (نجفی* :۱۸۱)

دل به جهان بستنت ای جان من خطاست

زان که جهان خانه‌ی اندوه و مبتلاست (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۶)

با نگهی گمشده در کهنه خاطرات

پهلوی دیوار ترک خورده ای سپید

بر لب یک پله چوبین نشسته ام

با سری آشفته ، دلی خالی از امید (اخوان ثالث، کتاب: زمستان، شعر: نظاره)

شعله فکن بر قفس ای آه آتشین ◄

دست طبیعت گل عمر مرا مچین ◄

جانب عاشق نگه تازه گل از این ◄

بیشتر کن   (بهار، تصنیف مرغ سحر) (بهار:۱۱۶۶)

- «در دیوان بهار این وزن از ابداعات او به شمار آمده است » (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۲۱۵)
- «وزن این قصیده را نخستین بار بهار به کار برده و چنان که خود می گفته از یکی از تصنیف های خویش به نام مرغ سحر اقتباس کرده است . » (دکتر صفا ، گنج سخن ، ج ۳ ، ص ۳۴۴)
(به نقل از شمیسا* : ۲۱۵)

0x159B

(1010110011011) مستفعلن مفتعلن مستفاعلن – (ای دل‌ربا دلبرکا دل‌ربا بیا)

بر جان و دل باده‌ی اسرار می‌رسد

نوری به دل از گل انوار می‌رسد (محمد عظیم عظیمی در پناهی ، ج۵ :۶۲) (طبیب‌زاده* :۳۹۱)

0x15AA

(1010110101010) مفاعلن مفاعلن مستفاعلن- (بیا بتا بیا بتا نوبتا بیا)

نه خوش بود که زنده باشی به بندگی

که مرده به ز زنده با سرافکندگی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۵)

0x15AC

فعلاتن مفاعلن مستفاعلن - فعلن مستفاعلن مستفاعلن

(1010110101100) (شکرا دلبرا بیا دلبرا بیا)

چشم مستت فزون کند ذوق مستیم

گر نگاهی صفا ببخشد به هستیم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۲)

0x15B5

(1010110110101) مستفاعلن مستفا مستفاعلن – (دلبرا بیا دلبرا دلبرا بیا)

دل ز دست من برده ای نگار من

کرده ای سیه از غمت روزگار من (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۰)

- عضو بحر دودویی 0xB5/8 (مستفاعلن مستفا)

0x15EB

مستفعلن فعولن مستفعلن فعو

(آمد شبی بتم شد آمد شبی بتم) (101011-1101011)

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب ▶

با صد هزار نزهت و آرایش عجیب (رودکی) (نجفی* :۲۹۲)

غوغای روز بینی چون شمع مرده باش

چون خلوت شب آید چون شمع برفروز (مولانا ، غزل ۱۱۹۹)

گل در چمن نباشد همرنگ روی او

بلبل به گل مباهی عاشق به بوی او (سعدی) (نجفی* :۲۹۲)

در مکتب حقایق ، پیش ادیب عشق ▶

هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی (حافظ) (شمیسا ، ۱۳۹۰ :۹۶)

ای عید دین و دولت عیدت خجسته باد ▶

ایامت از حوادث ایام رسته باد (المعجم ، شمیسا: ۱۷۱)

ای دلبر نگارین با ما یکی بساز (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۷)

مفعولُ فاعلاتن مفعولُ فاعلن

بحر مضارع آمده این بحر پرگهر (ابو نصر فراهی:۵۷)

- عضو بحر دودویی 0x6B/7 («مستفعلن فعولن»)
- عضو خانواده وزنی 0x2B2B ، (مستفعلن مفاعلُ مستفعلن فعل)
- می‌تواند یک وزن مستقل باشد اما شعر کاملی بر این وزن دیده نشد.
- می‌تواند به عنوان وزن مستقل دوری شود مثل :
  دلدار ای پریروی//گاهی به ما نگاهی (ابوالحسنی)

0x15FF

مفتعِْلن مفتعِْلن مفتعِْلن مفاعلن

(ای مهجان ای مهجان ای مهجان بیا بیا) (1010111111111)

خندان شو رقصان شو بربط زن بیا بتا (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x1656

علاتن مفاعلن فعلاتن مفا

(1011001010110) (بتم شو بتم بتم تو بتم شو بتم)

شرابی ز ساغرش نچشیدم شبی

ز نامهربانی او شده ام چون هلال (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x56/8 («علاتن مفاعلن فَ» « مفاعیلُ فاعلاتُ»)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۸۳)

0x1666

مَفاعیلُ مَفاعیلُ مَفاعیلُ مَف

(1011001100110) (دلارام دلارامِ دلارامِ دل)

بیا عشوه کنان جامه دران دلبرا

بیا رقص کنان جلوه کنان دلبرا (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مَفاعیلُ» 0x6/4
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۲۴۹)

0x166D

(1011001101101) فاعلن فاعلن مفتعلن فاعلن – (دلبری دلبری گل بدنی دلبری)

آمنه چشم تو جام شراب منه

آمنه اخم تو رنج و عذاب منه (ترانه آمنه ، شاعر آغاسی؟)

آی دل دلبرت جامه دران آمده

رقص کن دف بزن جان و جهان آمده (نگارنده)

0x166F

(1011001//101111) مفتعْلن فاعلن//مفتعلن فاعلن - (ای مهجان ماهِ جان //ای مهِ جان ماهِ جان)

ما را گفتی میای //پیش بدین معدنا

ما را دل سوخته‌ست// عشق و تو را دامنا (ابولحسن اورمزدی) (نجفی،۱۳۹۴،الف :۱۵۷)

بس کن ای شهسوار // کز حُجُبِ گفت تو

نقد عجب می برد //دزد ز خورجین من (مولانا، غزل ۲۰۶۶)

- عضو خانواده وزنی 0x2CD9، (« مفتعلن فاعلن»❋۲)

0x1696

(1011010010110) مفاعیلتن فعلن مفاعیلتن – (نگارا بیا شکرا نگارا بیا)

چو دیدی به عشق رخت وفاداریم

سزد گر به جور غمت نیاز آریم (بی نام) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۸۶)

- عضو بحر دودویی 0x96/8 («مفاعیلتن فعلن»)

0x16A6

(1011010100110) فعل مفتعلن مفاعلن فاعلن - فعولن متفاعلن فعولن متف (نگارا مهِ جان بیا نگارا مها)

درآمد مهِ آسمانِ دل مستِ مست

بزن مطربِ دل سه تار و بربط مدام (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xA6/8 («فعولن متفاعلن» « علن مفتعلن مفا »)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❋ : ۳۴۳)

0x16AD

فاعلن فاعلن مفاعلن فاعلن – (دلبرا دلبرا بیا بیا دلبرا) (1011010101101)

آمنه قلب من برای تو میزنه

آمنه بی تو دل بلای جون منه (ترانه آمنه ، شاعر آغاسی؟)

آی دل دلبرت سبوکشان آمده

رقص کن دف بزن بهار جان آمده (نگارنده)

0x16AF

مفتعِلْن فاعلن مفاعلن فاعلن

(دلدارا دلبرا بیا بیا دلبرا) (1011010//101111)

لختی از باغ زرد// ز خیری و شنبلید ▶

لخت دگر سرخ فام //ز روی گلنارها (محمود کاشانی) (پناهی، ج۱ :۶۱)

- عضو خانواده وزنی 0x2CD9، (« مفتعلن فاعلن»*۲)

0x16B5

مستفاعلن مستفاعلن مستفا

(دل‌ربا بیا دل‌ربا بیا دل‌ربا) (1011010110101)

بشکنم قفس را و پر زنم سوی دوست

بوسه‌ها زنم عاشقانه بر روی دوست (مهدی الهی قمشه‌ای در پناهی ، ج۴ :۲۹) (طبیب‌زاده* :۲۸۵)

- عضو بحر دودویی « مستفاعِلُن» 0x15/5
- می‌تواند دوری شود:

از تبار عشق// دلبری مراست //دل رباست (ابوالحسنی)

0x16B6

(1011010110110) مفاعیلتن فاعلن مفاعیلتن – (نگارینا بتا نو بتا نگارینا بتا)

بود کان دلارام من شود رام من

نکو شد به ناکامیم دهد کام من ؟ (بی نام) (وحیدیان‌کامیار*:۶۸۶)

- عضو بحر دودویی 0xB6/8 (فعولن فعولن فعو)

0x16BB

مستفعلن مستفعلن مفاعیلتن

(1011010111011) (جانا بیا جانا بیا نگارا بیا)

ای نازنین تا کی چنین به غم داریم

ور محنت هجران خود بیازاریم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۴)

0x16DB

مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ مف

عولن فعولن فعولن فعولن فعول

(1011011011011) (دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلدارِ دل)

آمد نگارم به دیدار سرمست می

آشفته گیسو غزل خوان و بربط زنان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3

0x1739

مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْتَعِلْ

(1011100111001) (شد مهِ تابان شد مهِ تابان شد مهی)

قامت تو شمشاد و دهانت غنچه وش

روی تو چون گل ، ساعد و ساقت صاف و خوش (تحفه الهند : ۱۷۷)

ای شده از جان روی تو را مه مشتری

بر رخ تو دیوانه گشته حور و پری

جام وصالی بخش به مخموران خود

پَرِهان هان ، جو ، جور مکن زین بیش به میخواران خود (تحفه الهند : ۱۸۱)

(مصرع یک و سه کد 0x1739 ، مصرع دو کد ۰x۱۲B۹ و مصرع چهار کد 0x2E73C است.)

- عضو بحر دودویی « مفتعلاتن» 0x16/5

0x174B

مستفعلن متفاعلن مستفعلن

(جانا بیا شکرا بیا جانا بیا)   (1011101001011)

ای مهتری کز مهتران ، خود بهتری

وز بهتری همه کس بیابد مهتری ◀ (المعجم ، شمیسا: ۱۱۳)

آمد کنون مهِ دل‌ربا سرمستِ می

مطرب بزن دف و نی بده ساقی شراب (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x14B/9 (مستفعلن متفاعلن)

0x1774

متفاعلن مستفعلن مستفعلن

(صنما بیا جانا بیا جانا بیا)   (1011101110100)

چو عیان شوی آسایدم روح و روان

چو نهان شوی از جان من خیزد فغان (شجره العروض: ۴۱)

0x17B6

فعولن فعولن فعولن مستفعلن

(نگارا نگارا نگارا جانا بیا)   (1011110110110)

برو از کنارم تو حالا یک زن شدی

به شبهای تاریک مردی روشن شدی (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۸۸)

0x17D9

مفتعلن فاعلن مفتعْلن فاعلن

(ای مهِ جان ماهِ جان //ای مهجان ماهِ جان)   (1011111011001)

آه که بار دگر آتش در من فتاد ◀

وین دل دیوانه باز روی به صحرا نهاد (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹: ۱۹۱)

- عضو خانواده وزنی 0x2CD9، (« مفتعلن فاعلن»❊۲)

0x17DA

مفاعلن فاعلن مفتعِلْن فاعلن

(به دلبری دلبری دل‌داری دلبری) (1011111011010)

هنوز گویندگان //هستند اندر عراق

که قوّه‌ی ناطقه//مدد از ایشان برد (جمال الدین) (نجفی* :۱۹۳)

ز روی سوری به باغ هر جا فرخارهاست ▶

ز بوی سنبل به راغ هر سو تاتارها (محمود کاشانی) (پناهی، ج۱ : ۶۱)

- عضو خانواده وزنی 0x2CD9، (« مفتعلن فاعلن»*۲)

0x17DF

مفعولاتن فاعلاتن مفعولاتتن

(شد جانانم دلبرم جانانم دلبرم) (1011111011111)

می پیمایی جام جانان ، چون با خرمی

باری می ده کام ما را با آن بی غمی

می گویی با ناز ، جان بازید، ای عاشقان

ما جان می بازیم ، جان کو ای جان جهان (تحفه الهند : ۱۵۵)

0x17E7

مفعولن فعلن //مفعولن مستفعلن

(جانانا شکرا جانانا جانا بیا) (1011111//100111)

گیسویت شب تار // رویت ماه چارده ▶

زلف کجت زنار ، طره‌ی تو کافر نشان (تحفه الهند : ۱۵۲)

- «و ارکان تقطیعش به عربی چنین بود مفعولن فعلان مفعولن مستفعلن یا چنین بود مفتعلن فعلان مفتعلن مستفعلان» (تحفه الهند : ۱۵۲)

0x1924

فعلن فعلن فعلن فعلن فَع

(نظری نظری نظری نظری کن) (1100100100100)

دل ما به دغا ببری ز بر ما

همه جور و جفا کردی به سر ما (تحفه الهند : ۲۳۵)

- عضو بحر دودویی « فَعِلن» 0x4/3

0x194B

مستفعلن متفاعلن فعلاتن

(دلبر بیا مهِ دل بیا مهِ دلبر) (1100101001011)

مَنْ ذا یُحَدِّثُنی وَ زُمَّ الْعیسُ

ما لِلْغریبِ سِوَیَ الْغَریبِ اَنیسُ ◀ (سعدی) (جلالی:۱۸۶)

دیدم غزال گریزپا که دلم برد

ای وای دل شده در به در به بیابان (ابوالحسنی)

0x1955

مستفاعلن مفاعلن فَعَلاتن – فاعلات فاعلات مفتعلاتن

(یارِ غارِ یارِ غارِ یارِ بتانم) (نوبتا بیا بتا بیا شکرینا) (1100101010101)

گفت با ادا گلی به بلبل سرمست

خوش تر ازدهان من کسی نچشیده ست

گفت بلبلش به یکی نغمه‌ی شادان

خوش تر از قصیده ام کسی نسروده ست (ابوالحسنی)

0x1959

مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فا- لن فعلاتن مفاعلن فعلاتن

(آن شهِ دل ماهتاب آن شهِ دل ماه)

(آن مهِ جان گشت یار آن مهِ جان گشت) (1100101011001)

روی مرا هجر کرد زردتر از زر

گردن من عشق کرد نرم‌تر از دوخ (شاکر بخارایی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۸۶)

شاه چو دل بر کند ز باغ و گلستان

آسان آرد به چنگ مملکت آسان (ابوحنیفه اسکافی)

(تاریخ بیهقی به تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ دوم، شهریور ۲۵۳۶ ، ص۶۰۶)

مادر می را بکرد باید قربان

بچه‌ی او را گرفت و کرد به زندان ◀ (رودکی) (نجفی❋ : ۳۵۲)

گر کس بودی که زی توام بفکندی

خویشتن اندر نهادمی به فلاخن (ابوشکور بلخی در وحیدیان‌کامیار: ۵۹) (طبیب‌زاده❋ :۳۷۳) (مصرع دوم)

بخت جوان دارد آن که با تو قرین است

پیر نباشد که در بهشت برین است (سعدی) (جلالی:۱۸۷)

روشنیِ طلعتِ تو ماه ندارد

پیشِ تو گُل، رونقِ گیاه ندارد (حافظ ، غزل ۱۲۷ قزوینی)

در دل میخانه سخت ولوله افتاد

دختر رقاص تا به رقص در آمد (سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۱۳۶)

جوزا را کر بکن به بانگ مُغنی

پروین را رنگ ده به باده‌ی روشن (المعجم ، شمیسا: ۱۶۵)

من ز فروغ رخ ِ چو ماه ِ تو هر شب

باز نمایم نشانِ شعله‌ی خورشید (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۹)

- عضو بحر دودویی 0x59/8 («لن فعلاتن مفاعِ» «مفتعلن فاعلاتُ»)
- «از اوزان پرکاربرد در شعر فارسی است ، گر چه شاعران معروف مثل حافظ در این وزن تنها دو غزل ، سعدی نه و عطار ۱۴ غزل دارد . » (مدرسی❋: ۲۹۷)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)

- مادر یک خانواده وزن ۴ عضوی:

خانواده وزن (11001-0101-1001)– (مفتعلن فاعلات مفتعلن فا)		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x1959	11001-0101-1001
2	0xF59	1111-0101-1001
3	0xCAF	11001-0101-111
4	0x7AF	1111-0101-111

0x195A

مفاعلن مستفاعلن فعلاتن – مفاعلن فاعلاتُ مفتعلاتن

(1100101011010) (بیا نگارا بیا بیا شکرینا)

مرا ز لعل و درّ ِ تو نیست نصیبی

مرا ز جَزْع سیاه توست گزندی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۰)

0x1972

مفاعلتن فعِلن مفاعلتن فع

(1100101110010) (بتی مهِ تابانی بتی مهِ تابان)

نُهاجُ اِلی صَوْتِ ألاَغانی لِطیبِها

وَ أنْتَ مُغَنِّ اِنْ سَکَتّ نَطیبُ ◀ (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۵۷)

سحر گل سرخ آمد ز هیچ به هستی (ابوالحسنی)

0x1974

متفاعلن مستفعلن متفاعلْ

(1100101110100) مهِ دل بیا مهدل بیا مهِ دلها

ما ذَا الصِّبی و الشَّیبُ غَیَّرَ لِمَّتی

وَ کَفی بِتَغییرِ الزَّمانِ نَذیراً ◀ (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۵۹)

مهِ جان من شد مست و جامه دران شد

دف و نی بزن مطرب چو باد به رقص آ (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن مستفعلن» 0x174/9

0x1995

مستفاعلن فعلاتن فعلاتن - فاعلات مفتعلن مفتعلاتن

(نو بتا بیا شکرینا شکرینا) (1100110010101)

هر شبم خیالِ خیالم چو پر از توست

هر سحر ترانه‌ی من شعله ور از توست (ابوالحسنی)

0x1999

مفتعلن مفتعلن مفتعلن مف-

(کن نظری کن نظری کن نظری کن)

(شد مه جان شد مهِ جان شد مهِ جان شد) (1100110011001)

دی سحری بر گذری گفت مرا یار

شیفته و بی‌خبری چند از این کار (مولانا) (نجفی* :۱۸۱)

عشق تو آورد قدح پر ز بلاها ▶

گفتم مِی می نخورم پیش تو شاها (مولانا) (نجفی* :۱۸۱)

روشنی طلعت تو ماه ندارد

پیش تو گل رونق گیاه ندارد (حافظ) (وحیدیان‌کامیار*:۲۹۸)

خسرو انجم به گه بام برآمد

یا مه خلخ به لب بام برآمد (خواجوی کرمانی) (نجفی* :۱۸۱)

ای رخ تو قبله‌ی خورشید پرستان

پرتو روی چو مهت شمع شبستان (خواجوی کرمانی) (نجفی* : ۱۸۱)

چشم همه بر ره توست ای مه زیبا

تا گذری سوی چمن سرخوش و رعنا (عروض بابر: ۱۱۶)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4

0x199A

مفاعلن مفتعلن مفتعلاتن - مفاعلاتن فعلاتن فعلاتن

(1100110011010) (بیا بتا دلبرکا دلبرکانه)

چو من ز مهر رخ او توشه گرفتم

ز دیگران در طلبش گوشه گرفتم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۵)

0x199F

لاتن فع‌لاتن فعلاتن فعلاتن

(1100110011111) (جانی مهجانی مهِ جانی مهِ جانی)

بسم الله ، ساقیِ ولی نعمت ، برخیز ►

تا جان بدهیمت به مکافات ، افندی (مولانا، غزل ۲۶۳۰)

خرسندی در عین غم از عقل نیاید ►

این بلعجبی ها همه افسانه‌ی عشق است (وقار شیرازی) (پناهی، ج۱ : ۱۹)

- عضو خانواده وزنی 0x3333 ، (لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن)

0x19A9

مفتعلن مفاعلن مفتعلن مف (=مفتعلاتن)

(1100110101001) (دلبرکا بیا بتا دلبرکانه) (جامه دران بتی شدی جامه دران بت)

مهر رخش به جان من خانه گرفته

خانه‌ی دل هوای جانانه گرفته (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۶)

خلوت یادِ زندگانی تو بودم

سایه و نور مرگ و هستی تو بودم (سیروس شمیسا) (نجفی* :۴۱۰)

با همه آشنا شدی با همه جز من

هیچ جفا ندیده‌ای به جانت از من (بهالدین خرمشاهی) (نجفی* :۴۱۰)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن مفاعلن» 0xA9/8

0x19AA

(1100110101010) مفاعلن مفاعلن مفتعلاتن –(بتا بیا بتا بیا دلبرکانه)

مرا به سر به جز هوایش هوسی نیست

مرا به دل به جز غمش ملتمسی نیست (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۵)

0x19C9

(1100111001001) مفتعلن فعلاتن مفتعلاتن – (دلبرکا شکرینا دلبرکانه)

خوش بود ار به نشاطی باده بخواهی

با صنمی نمکینی ساده بخواهی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۶)

0x19F3

وزن فرعی

مستفعلُ مفعولن مستفعلُ فعلن

مفعول مفاعیلن مفعول فعولن

(جانی مهِ جانی مهجانی مهِ جانی)

(1100111110011) (جانی مهِ زیبایان جانی مهِ زیبا)

در باطن من جان من از غیر تو ببرید

محسوس شنیدم من آواز بریدن ► (مولانا) (شمیسا ، ۱۳۹۰: ۹۴)

ای آنک به دو عارض چون ماه سمایی ►

بنده را نوازش کن گر بارخدایی (المعجم ، شمیسا: ۱۴۸)

- عضو خانواده وزنی 0x3333 ، (لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن)

0x19FF

مفعولن مفعولن مفعولن فعلاتن–

(1100-111-111-111) (مهجانی مهجانی مهجانی مهِ جانی)

خوش عطری تابانی گلزاری مهِ مایی

عیسایی جانانی جان بخشی شهِ مایی (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن * ۴ »

0x1A52

(1101001010010) مفاعلتن مفاعلتن مَفاعِلْ – (بیا مهِ جان بیا مهِ جان بیا مه)

ز وافر اگر همی‌طلبی نشانی

سزد که همیشه درّ سخن چکانی

مفاعلتن مفاعلتن فعولن

بزرگ زمین و نادره‌ی زمانی (ترمذی) (نجفی* : ۲۴۹)

چو بر گذری همی نگری به رویم

چرا نکنی یکی نگرش به کارم (المعجم ، شمیسا: ۱۱۰)

چو بر گذری همی نگرم به رویت

چرا نکنی بتا نظری به کارم (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۲)

جز این نبود دگر به دل آرزویم

که آن بت من دمی گذرد به سویم (عروض بابر:۱۳۸)

بیا به چمن که وقت خوشی به گیتی

چو جوی روان دونده و در گذار است (عروض حمیدی) (نجفی* : ۲۴۹)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/5

- این وزن مادر دو بیتی است، به شعر زیر دقت کنید:

بیار قدح نگار که من خرابم (ابوالحسنی)

دو زلفونت بود تار ربابم (بابا طاهر)

در فارسی نمونه‌ای دیده نشد اما در عربی بیت زیر را داریم

اَلا لایَجْأَرَنّ اَخُو الْبَلَیَّةِ

فَلِلرَّحْمنِ اَلْطافٌ خَفِیَّةٌ (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۶۰)

وزن مصرع اول « مفاعیلن مفاعلتن فعولن» است و وزن مصرع دوم «مفاعیلن مفاعیلن فعولن»

- «شمس وزن فوق را ... مخصوص عرب و در فارسی نامطبوع می داند » (نجفی* :۲۵۰)

0x1A6A

مفاعلن مفاعیلُ مفاعلن مف – علن مفاعلن مفتَعلن مفاعل

(1101001101010) مکن مکن بتا ناز مکن مکن بت

اگر شبی گلم جامه‌دران درآید

تمام بوستان جان به رهش فشانند (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x6A/8 («مفاعلن مفاعیلُ » « علن مفاعلن مفتَ»)

0x1A99

(1101010011001) مفتعلن مفتعلن مفاعلاتن – (دلبرکا دلبرکا بیا نگارا)

برده دلم دلبرکی ستیزه جویی

عشوه گری حیله گری بهانه جویی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۸۶)

0x1A9A

مفاعلن مفتعلن مفاعلن مف(=مفاعلاتن)

(بیا نگارا شکرا بیا نگارا) (بتا مکن ناز بیا بتا مکن ناز)

(1101010011010)

نگار من از دل من خبر ندارد

به حال آشفته‌ی من نظر ندارد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۸۵)

اگر به گلشن مهِ من به ناز گردد

قدِ بلندت مهِ من تو جلوه فرما (طایراف) (نجفی❋ : ۳۸۲)

امید امروز منی امید فردا

نوید هر لحظه‌ی من نوید فردا (خرمشاهی) (خرمشاهی ، ۱۳۹۷)

- عضو بحر دودویی «مفاعلن مفتعلن» 0x9A/8

0x1AA9

(1101010101001) مفتعلن مفاعلن مفاعلاتن- (دلبرکا بیا بتا بیا بتانه)

دلبر من به جان من جفا پسندد

گر چه دلم به جای او وفا پسندد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار٭: ۶۸۶)

0x1AAA

(1101010101010) مفاعلن مفاعلن مفاعلاتن – (بیا بتا بیا بتا بیا بتانه)

چه بی امان چه مهربان چه عاشقانه

پریده ام به سوی تو ز آشیانه (سیمین بهبهانی) (۶۱/۳) (پناهی ، ج۲: ۷۳)

به کام درد، از فراقِ دوستانم

چنان که کارد می‌رسد به استخوانم (محمد کاظم یوسف پور) (پناهی ، ج۲: ۷۳)

شکسته دل نشسته در امید فردا

و بسته دل شکسته بر امید فردا (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی٭ :۱۶۱)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ» 0x2/2

0x1AAB

(1101010101011) مستفعلن مفاعلن مفاعلاتن – (جانا بیا بتا بیا بیا بتانه)

دل داده ام به مهرت ای نگار زیبا

کی می شود ز دوریت دلم شکیبا (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار٭: ۶۸۳)

0x1AAC

(1101010101100) فعلاتن مفاعلن مفاعلاتن – (چه نگاری بتی بتی بتی نگاری)

ز تو ای یار نازنین جفا نشاید

ور بشاید به دیگران به ما نشاید (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار٭: ۶۸۲)

0x1ABB

(1101010111011) مستفعلن مستفعلن مفاعلاتن – (جانا بیا جانا بیا بیا بتانه)

تا کی کند دلدار من ستیزه با من

تا کی کشد از من به هر بهانه دامن (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۳)

0x1ACA

(1101011001010) مفاعلن فعلاتن مفاعلن فع - (بیا بیا مهِ دلها بیا بیا مه)

معین من به گه مدح شاه عالم

که هست بر همه شاهان دهر سرور (مسعود سعد) (پناهی، ج۲:۱۷۱)

به روزگار چنو هر که یار دارد

دگر چه شکوه ای از روزگار دارد (داوری شیرازی) (پناهی، ج۲:۱۷۱)

کس این جمال که من دیده‌ام ندیده‌ست

بدین مثال ندیده‌ست و نه شنیده‌ست (وصال) (آهی ، ۱۳۵۷ :۱۷۵)

اسیر محنت آن روی چون نگارم

بکرد فرقت او طلخ ، روزگارم (المعجم ، شمیسا: ۱۸۰)

بکاست صابری و آب دیده بفزود

دل از نشاط تهی گشت و تن بفرسود (المعجم ، شمیسا: ۱۸۰)

دلی پر آتش و چشمی پرآب دارم ►

از آنک با من بدخو شده ست جانان (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۰)

- عضو بحر دودویی « مفاعلن فعلاتن» 0xCA/8

0x1ACC

فعلاتن فعلاتن مفاعلاتن – (توپریسا توپریسا بیا پریسا)

(1101011001100) (شکرینا شکرینا بیا شکرین)

نکنم جز به محبت حکایت از وی

که ندارم به جفایش شکایت از وی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۲)

0x1AD6

مفاعیلتن مفاعیلتن مفاعیلْ – (نگارا بیا نگارا بیا نگارا) (1101011010110)

شتاب ای فلک شب تار ما سحر کن

ز دل حسرتم ز سر حیرتم به در کن

به مرغی چو من به دام ستم گرفتار

صبا یک نفس به کنج قفس گذر کن (الهی قمشه‌ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۲)

سپهر از وفا شبِ تارِ ما سحر کرد

رها مرغِ دل از این دام پر خطر کرد

بزن نغمه خوش کنون بلبل اندرین باغ

که در گلستان صبا از وفا گذر کرد (الهی قمشه‌ای) (پناهی، ج۲: ۱۷۵)

- عضو بحر دودویی « مَفاعیلَتُن » 0x16/5

0x1ADD

فاعلاتن فاعلاتن مفاعلاتن – (دل‌ربایی دل‌ربایی تودل‌ربایی) (1101011011101)

تا دلارا یار من ، از کنار من شد

تیره از غم ، بی رخش روزگار من شد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۱)

0x1AFA

مفاعلاتن مفعولن مفاعلاتن

(بیا نگارم جانانم بیا نگارم) (1101011111010)

ز در درآمد جانانم ز باده سرمست

بیار ساقی جامی می برقص شادان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xFA /8 (مفاعلاتن مفعولن)

0x1B2B

مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعل - مستفعلن مفاعلُ مستفعلن مف-
لاتن مفاعلن فَعَلاتن مفاعل
(1101100101011) (جانی بتی بتی مهِ جانی بتی بت)

تا آفتاب روی تو اندر نقاب است
جان را شب اندر آمد و دل در عذاب است (عطار؟) (نجفی* :۲۹۴)
های ای دلم شکسته به سنگ محبت
باری کجا شد آن همه مهر و مودّت (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۲۹۴)

دانی که از چه عمر گذارم به اَندُه
زیرا که تو ز انده من شادمانی (معیارالاشعار) (نجفی* :۲۹۴)

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)

0x1B53

مفعولُ مفاعلن فعولن فعولن
(1101101010011) (یارا شکرا بیا بیارا بیارا)

پاییز نگاه من همیشه غم انگیز
یک شعله به چشم من ستاره بیاویز (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۵۰)

0x1B5A

مفاعلاتن مفاعلاتن مَفاعِلْ
(1101101011010) (غزال مایی غزال مایی غزالی)

اگر شبی آمدی بیاور شرابی
که با لبت مستِ مست گردم نگارا (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۲۹۸)

0x1B5B

مستفعلن فاعلاتُ مستفعلن فا

(1101101011011) ساقی بیاور شراب ساقی بیاور

شیرین دهن تلخ کرد دنیای ما را

ساقی کجایی شراب تلخی بیاور (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x5B /8 (مستفعلن فاعلاتُ)

0x1B6D

(1101101101101) فاعلن فاعلن فاعلن فا- (شد بتم شد بتم شد بتم شد)

چشمه های خروشان تو را می شناسند

موج های پریشان تو را می شناسند (قیصر امین پور) (پناهی، ج۲: ۱۲۳)

یک دوبیتی مجال سرودن نمانده ست

یک پری فرصت با تو بودن نمانده ست (عبدالجبار کاکایی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۸۱)

شامگاهان که با دیگری تو نشستی

گریه کردم دریغا دلم را شکستی (رضا عبداللهی) (دادگر:۱۱۲)

زهر کین بر دلِ مجتبی زد شراری

کرد از سوز دل ناگهان بی قراری (حیرانی اصفهانی) (پناهی، ج۲: ۱۲۳)

شب به شب قصه خواندیم تا خوابمان برد

آب را خواب دیدیم تا آبمان برد (بهمن رافعی) (پناهی، ج۲: ۱۲۳)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0x1B76

فعولن فعولن فع فعولن فعولن - فعولن مفاعیلن فعولن مفاعیل

(1101101110110) (نگاری نگاری نو نگاری نگاری)

نگاری کجا همتا به خوبی ندانَمْش

چه گویی که را باشد به عشقش صبوری (المعجم ، شمیسا: ۱۰۹)

تو گویی مرا از چه چنین مستمندی ▶

ازیرا که بیخِ لهو ، ز جانم بکندی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۳)

درآمد ز در یارم غزل‌خوان و رقصان
ز دیدار رویش من شدم مستِ مستان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x76/7 (فعولن مفاعیلن)
- از وزنهای مخصوص عرب است (شمیسا❋ : ۸۱)
- « تقابل فعولن و مفاعلن در شعر فارسی صحیح نیست ، ظاهرا «صبوری» در اصل شعر «صبوریی» بوده است.» (شمیسا❋ : ۲۰۲)

0x1BAB

مستفعلن مفاعلن مستفعلاتن – مستفعلن مفاعلن مستفعلن مف

(1101110101011) (جانی بتی بتی جانی بتی بت)

تا چند:از این ستیزه جویی ساز کردن
با عاشقان ستمگری آغاز کردن (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۸۳)

- عضو بحر دودویی 0xAB/8 («مستفعلن مفاعلن»)

0x1BB6

(1101110110110) فعولن فعولن فعولن فاعلاتن – (نگارا نگارا نگارا نو نگارا)

کسی می نوازد پرم را ، بهتر از تو
گذارد به شانه سرم را ، بهتر از تو (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۸۹)

0x1BB9

(1101110111001) مفتعلن مستفعلن مستفعلاتن (دلبرکا جانا بیا جانا بیا جا)

ای لعبتی کز لعبتان مختار گشتی
باز زخوبی فتنه‌ی بازار گشتی ▶ (المعجم ، شمیسا: ۱۵۴)

0x1BBB

مستفعلن مستفعلن مستفعلاتن -

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مس

(1101110111011) (مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه)

ای نام عاشق سوز تو ورد زبان ها

وی یاد جان ، افروز تو آرام جان ها (صغیر اصفهانی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۲)

جانا مگر سروی گلی باغی بهاری

نی نی غلط گفتم به از این هر چهاری (داوری شیرازی) (نجفی* : ۱۰۵

چون خواب نوشین یاد دارم ماهتابی

روشن‌تر از روز سپید کامکاران (شهریار) (نجفی، ۱۳۹۰ : ۱۱۵)

باز از کنار شهر با نرمی گذر کرد

آن پیک مروارید بارِ نوبهاران (شفیعی کدکنی) (شبخوانی، ص ۲۶)

رحم ای خدای دادگر کردی نکردی

ابقا به فرزند بشر کردی نکردی (عارف) (نجفی* : ۱۰۵)

عمری تبه کردم به عشق و آرزویی

چون سرمه در چشمان کشیدم خاک کویی (اخوان ثالث ، ماهیار:۱۸۵)

دریای شور انگیز چشمانت چه زیباست

آنجا که باید دل به دریا زد همینجاست (حسین منزوی) (نجفی* :۱۰۵)

ای لعبتی کز لعبتان مختار گشتی ◀

باز زخوبی فتنه‌ی بازار گشتی (المعجم ، شمیسا: ۱۵۴)

هجران او جانم به تیر غم بخست

بر من در آرامش و شادی ببست (المعجم) (شمیسا* : ۱۳۵)

- عضو بحر دودویی « مستفعِلُن » 0xB/4
- « خانلری و فرزاد {مصرع دوم بیت ای لعبتی... المعجم را} بدین صورت نقل کرده اند:«بردی دلم وآنگه ز من بیزار گشتی» . نمی‌دانم منشا آن از کجاست . به نظر می‌آید که خانلری آن را بر طبق وزن «تصحیح» کرده و فرزاد ندانسته آن را از کتاب او، بی ذکر ماخذ نقل کرده باشد!» (نجفی* :۱۰۶)

0x1BCB

مستفعلن فعلاتن مستفعلن فع

(جانی بتی مهِ جانی جانی بت) (1101111001011)

زر خواهی و ترنج اینک از این دو رخ من

می خواهی و گل و نرگس، از آن دو رخ جوی (رودکی) (نجفی* : ۱۳۱)

دلدار جامه‌دران شد سرمستِ باده

مطرب بزن دف و بربط چنگ و چغانه (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xCB/8 («مستفعلن فعلاتن»)

0x1BDB

مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فا- مستفعلاتن فعولن مستفعلاتن

(ساقی کجایی کجایی ساقی کجایی) (1101111011011)

سرمستِ ساغر نگارم آمد به خوابم

ساقی کجایی کجایی دردِه شرابم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xDB/8 (مستفعلن فاعلاتن)

0x1BDE

مفاعیلاتن مفاعیلاتن مفاعیل – (نگارا بازآ نگارا بازآ نگارا) (1101111011110)

منم زینب غم‌گسارِ داغِ یتیمان

پرستار و یاور اطفال پریشان

به جان دارم سوز اشک و آه رقیه

ز دل از نای سکینه صد آه سوزان (علی اصغر یونسی بروجنی در پناهی ، ج۵ :۱۹۴) (طبیب‌زاده* :۲۹۸)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلاتن» 0x1E/5

0x1CAA

(1110010101010) مفاعلن مفاعلن فعلیاتن - (بیا بتا بیا بتا شکرا جانا)

نمی کنی تو از وفا و یادم

نمی دهی به لطف خود ، تو چرا دادم ◀ (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۵)

- مصرع یک بیت فوق هم وزن مصرع دو نیست . (آیا اشتباه چاپی در کتاب وحیدیان کامکار است؟؟)

0x1CAC

فعلاتن مفاعلن فعلیاتن – فعلاتن مفاعلن فعلاتن مف

(1110010101100) (مهِ جانی بتی بتی مهِ جانی بت)

هم از این عمر حاصلم چو دمی باشد

نسزد کاین دلم اسیر غمی باشد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۲)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن مفاعلن » 0xAC/8

0x1CCC

(1110011001100) فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع – (مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مه)

سخن شیرین از زفت نیاید بر ◀

بز به بج بج بر هرگز نشود فربه (رودکی) (نجفی* :۱۲۴)

زه دانا را گویند که داند گفت

هیچ نادان را داننده نگوید زه (منوچهری) (نجفی* :۱۳۱)

بید با باد به صلح آید در بستان

لاله با نرگس در بوس و کنار آید (ناصر خسرو) (پناهی، ج۱: ۱۷۳)

بکنم هرچه بدانم که درو خیر است ◀

نکنم آنچه بدانم که نمی‌دانم ◀ (ناصر خسرو)

(دیوان ناصر خسرو ، ناشر: دانشگاه تهران, دانشگاه مک گیل ، ۱۳۵۷ ، ص ۱۹۷)

چون مرا یاد ز هنگام بهار آید

سینه پژمان شود و طبع فکار آید (وقار شیرازی)(آهی ، ۱۳۵۷: ۱۲۳)

راست کن طارم و آراسته کن گلشن

تازه کن جانها جانا به می روشن (المعجم ، شمیسا: ۱۵۹)

دهنی کوچک چون تنگ دل عاشق

نه که چون حقّه‌ی آکنده به مروارید ▶ (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۳)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4

0x1CCD

(1110011001101) فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فع – (ماهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مه)

راست کن طارم و آراسته کن گلشن ▶

که غم از دل نرود جز به می روشن (مسعود سعد) (المعجم ، شمیسا: ۱۵۸)

باغ پرگل شد و صحرا همه پر سوسن

آب‌ها تیره و می‌تلخ و خوش و روشن (فرخی) (نجفی❋ : ۱۲۴)

بگذر ای باد دل‌افروز خراسانی

بر یکی مانده به یمگان دره زندانی (ناصر خسرو) (نجفی❋ : ۱۷۲)

بسته دارد لب من دشمن تردامن

تا بر دوست نگویم سخن از دشمن (شرف) (نجفی❋ :۱۲۴)

شوکران است اگر وصلِ تو خواهم خورد

خودِ مرگ است اگر عشقِ تو خواهم مرد (حسین منزوی) (فیروزیان:۱۰۳)

0x1CD4

(1110011010100) فعلاتُ فاعلاتن فعلیاتن -(صنمی پری پری‌رو صنمی دیدم)

تو که با فریب وصلت دل من بردی

دل من به رنج هجران ز چه آزردی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۸۱)

0x1CD9

مفتعلن فاعلن //مفتعلن فاعل –

(111001//1011001) (ای مهِ جان دلبری ای مهِ جان دلبر)

فصل خزان در گذشت // ما ز پریشانی

ساز نکرده هنوز //برگ زمستانی (مفتون همدانی) (پناهی، ج۲: ۸۷)

- عضو بحر دودویی 0x59/7 (مفتعلن مفتعل)
- ضرب المثل: «چاره نباشد ز عشق //خاصه جوانان را» (پناهی، ج۲: ۸۷)

0x1CF9

مفتعلن مفتعِلن مفتعلن مفتع

(1110011111001) (ای مهِ دل ای مهدل ای مهِ دل ای مه)

شب به گلستان تنها منتظرت بودم

باده ناکامی در هجر تو پیمودم (محمود صناعی در پناهی ، ج۴: ۱۴۰) (طبیب‌زاده* : ۲۳۷)

- عضو خانواده « مفتعلن مفتعلن مفتع» 0x3999

0x1CFF

مفعولن مفعولن // مستفعلُ مفعولن -

(111-0011//111-111) (زیبا رخْ، زیبا رخ// زیبا رخِ زیبا رخ)

آن اشتر بیچاره نومید شده ست از جو

می گردد در خرمن ، تا مشت کهی یابد ▶ (مولانا، غزل ۵۹۹)

رحمی کن بر جانم ای دلبر عیارم

دور از خود می سوزی این جان گرفتارم (عروض بابر:۸۲)

0x1D4C

فعلاتن متفاعلن مفاعیلن - فعلاتن فعلاتُ فاعلاتن فَع

(1110101001100) (صنما نوصنما بیا بیا جانا)

به تن راه کشد حریم آغوشم

بی من آنجا نگهت به سوی که راند ▶ (رویایی، دفتر بر جاده‌های تهی ، شعر رفته)

0x1D4D

فاعلن مفتعلن مفاعلن مفتع - فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن فَع (دل‌ستانی مهِ جان تو دل‌ستانی مه) (1110101001101)

چشم های تو دریچه های دریا را

پلک چون باز ، ز هم کنند بگشایند

سبزگون مزرع بیکرانه رویا را

صف مژگان چو به هم زنند بزدایند (رویایی) (نجفی* :۳۸۸)

- عضو بحر دودویی 0x4D/8 (« فاعلاتن فعلاتُ» « فاعلن مفتعلن مَ »)

0x1D59

مفتعلن فاعلن مفاعلن فعلن – (دلبرکی دلبری تو دلبری جانا) (1110101011001)

پند مرا گوش کن// مزن به خود رایی

زهد و لقا پیشه ساز// مباش طغیانی (مفتون همدانی) (پناهی، ج۲: ۸۷)

0x1D5A

مفاعلن فاعلن مفاعلن فعلن - (بیا بیا دلبرا بیا بیا دلبر) (111010//1011010)

به فکر طغیان مباش //چو مردم طاغی

به کار عصیان مکوش //چو مرد عصیانی (مفتون همدانی) (پناهی، ج۲: ۸۷)

اگر نگارم شوی//بهار جان افزا

به جز نگاهت بتا//دمی ننوشم می (ابوالحسنی)

0x1D65

فاعلن فعلاتن مفاعلیاتن - فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلاتن فَع (دلبرا صنما دلبرا نگارینا) (1110101100101)

گل ز روی نکویت حکایتی باشد

غنچه از لب لعل تو آیتی باشد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۱)

0x1D7A

مفاعلن فعِلاتن مفاعلن فعِلا

(1110101111010) (بتی بتی مهجانی بتی بتی مهجان)

زمانه‌ی بد هر جا که فتنه ای باشد

چو نوعروسش در چشم من بیاراید (مسعود سعد) (شمیسا ، ۱۳۹۰ :۹۶)

لبت صریح‌ترین آیه‌ی شکوفایی‌ست

و چشم‌هایت شعر سیاه گویایی‌ست ▶ (حسین منزوی) (فیروزیان: ۹۱)

درآ شبی دلدارم به خانه‌ام سرمست

که تا سحر آیاتِ خدای را خوانم (ابوالحسنی)

برِ من آمد خورشید نیکوان ، شبگیر ▶

به قد چو سرو بلند و به رخ چو بدر منیر (المعجم) (شمیسا* : ۱۲۴)

- عضو بحر دودویی 0x7A /7 (مفاعلن مفعولن)
- در مورد شعر مسعود سعد: « وزن مفاعلن فعلاتن است اما در مصرع ۱ رکن دوم مفعولن شده است « بد هر جا» و قبل از آن کسره‌ی اضافه‌ی «زمانه‌ی بد» باید اشباع شود: «زمانه ای بد» این دو عامل با هم سکته را سنگین کرده اند حال آنکه در مصراع دوم فقط تسکین (نوعروسش) اتفاق افتاده و لذا چنین ثقلی ندارد . » (شمیسا ، ۱۳۹۰ :۹۶)
- عضو خانواده وزنی ۰x۴ACA ، (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن)

0x1DB6

فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن فَ (فع)

(1110110110110) (تو ماهی تو ماهی تو ماهی تو ماهی تو)

درآمد شبی مست از می نگارینم

غزل خوان و بربط زنان برد او دینم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3

0x1DCB

مستفعلن فعلن مستفعلن فعلن

(آمد شبی مهِ جان آمد شبی مهجان) (111011-1001011)

مَن کانَ بَینَ یَدَیهِ مَا اشتَهی رُطَبٌ

یُغنیهِ ذلِکَ عَن رَجمِ العَناقیدِ ◀ (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۵۸)

آمد شبی به برم آن دلربا یارم (ابوالحسنی)

0x1DCC

فعلاتن فعلاتن فاعلاتن فع

(مهِ جانی مهِ جانی ماهِ جانی مه) (1/1101/1100/1100)

همه شادیم که جشن مهرگان آمد ◀

بانگ و آواز درای کاروان آمد (تغییر یافته بیت منوچهری) (نجفی* :۱۳۰)

- نجفی با تغییر در مصرع اول بیت منوچهری «شاد باشید که..» تبدیل به « همه شادیم» شعر را ساخت

0x1DCD

فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن فع

(ماهِ جانی مهِ جانی ماهِ جانی مه) (1/1101/1100/1101)

شاد باشید که جشن مهرگان آمد

بانگ و آواز درای کاروان آمد (منوچهری) (نجفی* :۱۳۰)

0x1DDD

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فا – (شد نگارم شد نگارم شد نگارم شد) (1110111011101)

امتحانی را که کردی ما توانستیم

ای شعار شاعران را از تو شین و عار

امتحان ما ز طبع شعر تو شعری‌ست

کو ردیف لعل دارد عذب و خوش گفتار (سوزنی سمرقندی) (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ : ۱۵۳-۱۵۴)

گرنه بر کامم جهان یکسر همی گردد

بر زبان ، اندیشه ام یکسان همی گردد (حمیدی شیرازی ، ماهیار: ۱۷۲)

ای نهاده سر به زانوی پشیمانی
وی به سر برکوفته مشت پریشانی (مظاهر مصفا) (نجفی* :۸۸)
در خیابانی که از بوی تو سرشار است
می‌روم وز یادِ تو ذهنم گرانبار است (حسین منزوی) (فیروزیان:۱۰۰)
هم‌صداتر با من آهنگ رسیدن‌ها
آشناتر با تو شوق پر کشیدن‌ها (سپیده سامانی) (آهی ، ۱۳۵۷ :۱۱۱)

زینهار ای دل برنده تُرکک من زوذ
باذه پیش آور کی غم را باذه دانم سوذ (المعجم)
(المعجم ، ناشر: مطبعه کاثولیکیه ، ۱۳۲۷ ، بیروت ، ص ۱۰۶)
کار خویش از چاکر خویش از چه داری راز
کار خویش از رازداری از سخن چین دار (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۰)
مرد دانا را نه دانا یار ناید خوب
گر تو دانایی تو را هم یار دانا به (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۰)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4
- شعر سوزنی مناظره‌ای رکیک با شاعری است که سوزنی بر این وزن شعر بسراید و سوزنی هم از او می‌خواهد شعری با وزن «لعل» بگوید. «از جواب سوزنی پیداست که این وزن در فارسی رواج نداشته است و لابد طبع آزمایی را در آن دشوار می‌دیده‌اند که از شاعری چون سوزنی می‌خواسته‌اند که با این زحاف امتحانی بدهد. از گفته‌ی خواجه نصیر و شمس قیس هم چنین برمی‌آید که این وزن را خوش نمی‌داشته‌اند.» (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۱۵۴)
- «این وزن در شعر فارسی رواج چندانی نیافته است . » (مدرسی*: ۷۶)

0x1E67

فع‌لاتن فعلاتن فعلاتن فع‌لن

(11-1100-1100-111) (مهجانی مهِ جانی مهِ جانی مهجان)

ای مطرب بنوازم نفسی با بربط
ای ساقی بنوازم نفسی با باده (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x1E73

مستفعلتن مستفعلتن مُسْتَفْعِل-

(1111001110011) (شد او مهِ جان شد او مهِ جان شد او مه)

ای هر دو جهان سر بر خط فرمان تو

وی عالم و آدم ریزه خوار خوان تو (مهجور دهاقانی در پناهی ، ج۳ :۱۷) (طبیب‌زاده* :۲۷۹)

برق ستمی در باغِ ریاحین آمد

پامال جفا سرو گل اسپرغم شد (شارق بروجنی در پناهی ، ج۳ :۱۸) (طبیب‌زاده* :۲۷۹)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن» 0x13/5

0x1E7C

فعلاتن فع‌لاتن فعلاتن فعِلن –

(1111001111100) (مهِ جانی مهجانی مهِ جانی مهجان)

دوش بر یاد حریفان به خرابات شدم

خم می دیدم خون در دل و سر در گل بود ◀ (حافظ ، خانلری ، غزل ۲۰۳)

زین خداوندان گر یک بیتی گوید

که ز نادانیش خود نیز نداند معنیش ◀ (بهار) (نجفی* :۱۲۳)

- عضو بحر دودویی 0x7C/7 (فعلاتن فع‌لاتن)
- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x1E7D

فاعلاتن فع لاتن فعلاتن فعِلن

(1111001111101) (ماهِ جانی مهجانی مهِ جانی مهجان)

مطرب از مشغله‌ی کوس بشارت چه زند

زهره بایستی امروز که بنوازد عود ◀ (سعدی) (نجفی* :۱۲۳)

ما حقیقت را در باغچه پیدا کردیم (فروغ فرخزاد ، فتح باغ ، ۱۳۳۹) (شعر نیمایی)

(فرخزاد ، ۱۳۴۲ ، ص ۱۲۰)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x1E7F

مفعولن مفعولن مفتعلن مفعولن

(1111001111111) (ای مهجان ای مهجان ای مهِ جان ای مهجان)

مژده بده مژده بده یار پسندید مرا (ابتهاج)

شادانم رقصانم مطربِ دل بربط زن ▶ (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x1EBF

مفعولن مفعولن مفاعلن مفعولن

(1111010111111) (ای مهجان ای مهجان بیا بیا ای مهجان)

بربط زن شادان شو بتا بیا رقصان شو (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x1EEE

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مف –

(1111011101110) (تو جانانی تو جانانی تو جانانی تو)

بیا ساقی شب ما را چراغان گردان

خزان خاطر ما را بهاران گردان (ساعد باقری در پناهی ، ج۵ :۱۴۹) (طبیب‌زاده* :۲۲۷)

تو ای چنگی چه دل‌تنگی بزن آهنگی

بیا بگذر از این رنج و از این دل‌تنگی (بیژن ترقی در پناهی ، ج۵ :۱۴۹) (طبیب‌زاده* :۲۲۷)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

0x1F33

لاتن فعلاتن فعلاتن فع‌لاتن

(جانی مهِ جانی مهِ جانی مهجانی)   (111/1100/1100/11)

جبارتری چون متواضع‌تر باشی ▶

باشی متواضع‌تر چون باشی جبار (منوچهری) (نجفی*: ۱۴۳)

بر بحر هزج گفتی و تقطیعش کردی ▶

مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن (ناصر خسرو) (عیدگاه طرقبه‌ای: ۱۰۰)

زان مال عزیز است کزان عزت زاید ▶

عزت را با ذلت حاصل نکنم من (بهار) (پناهی، ج۱ : ۲۰)

آن کس که به گردون رود و گیرد آهو ▶

با صبر و تأنی و به هنجار مرا یافت(مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹: ۱۶۳)

- عضو خانواده وزنی 0x3333 ، (لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن)

0x1F39

مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْتَعْلا

(آن مهِ جان کو آن مهِ جان کو آن مهجان)   (1111100111001)

بیتِ ولایت، بیتِ ولایت، گلشن شد

چشم محمد، چشمِ محمد، روشن شد (عباس جوادی در پناهی ، ج۵: ۱۳۴) (طبیب‌زاده* : ۲۹۰)

- عضو خانواده « مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْتَعِلا »0x2739

0x1F3E

فعولن مفعولن فعلاتن مفعولن –

(نگاری جانانی تو نگاری جانانی)   (1111100111110)

به جان اندر قوت است و به مغز اندر مشک است

به چشم اندر نور است و به روی اندر ورد است (منوچهری) (نجفی* : ۱۳۵)

کف صابون آورده و الوان هم شسته است ▶
که نوروز چو آید کندش رنگ، دگربار
یکی جان را قوت است و یکی دل را مونس ▶
یکی مایه‌ی عیش است و یکی دشمن تیمار (توحید شیرازی)
(گلشن وصال: ۵۷۳) (پناهی، ج۱) (ص ؟؟)

0x1F3F

مفعولن مفعولن فعلاتن مفعولن –

(111-1100-111-111) (مهجانی مهجانی مهِ جانی مهجانی)

تابانی خوش عطری مهِ مایی گلزاری
عیسایی جانانی شهِ مایی جان بخشی (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ❊ ۴ »

0x1F59

مفتعلن فاعلاتُ مفعولن فعلن –
(تن‌شکرینا بیا بیا جانا جانا)
(1111101011001) (دلبرِ جان ماهتاب دلبرجان مهتاب)

کس نبرد راه در حریم جلال او
غیر جمیلی که در حریمش محرم شد ▶ (محمد حسن میرجهانی) (پناهی، ج۲: ۸۵)

0x1F66

(1111101100110) فعولن فعلاتن فعولن فع‌لاتن -(ز جانی مهِ جانی ز جانی مهجانی)

ملالت نفزاید دلم را هوس دوست
اگر ره زندم جان ز جان گردم بیزار ▶ (مولانا، غزل ۱۰۳۴)
کجایی تو کجایی؟ //نه از حلقه‌ی مایی
وگر خود به بهشتی//چه خوش باشد بی‌جان؟ ▶ (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹: ۱۶۶)

0x1FCC

فعلاتن فعلاتن فعِلاتن فعِلا

(مهِ جانی مهِ جانی مهجانی مهجان) (11-111-1100-1100)

و صمیمیت تن هامان در طراری (فروغ فرخزاد ، فتح باغ) (شعر نیمایی)

(فرخزاد ، ۱۳۴۲ ، ص ۱۲۰)

دلت ایثار کن آن سان که حقی با حق‌دار

نه که کالاش کنی گویی طرّارش برد ► (حسین منزوی) (فیروزیان: ۹۱)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x1FCD

فاعلاتن فعلاتن فعِلاتن فعِلا

(ماهِ جانی مهِ جانی مهجانی مهجان) (11-111-1100-1101)

ریش چون بوگانا سبلت چون سوهانا

سر ببینیش چو بورانی با تنگانا ► (ابولعباس ربنجنی) (نجفی*: ۱۲۲)

هر که را خوابگهِ آخر، مشتی خاک است ►

گو چه حاجت که به افلاک کشی ایوان را (حافظ) (شمیسا ، ۱۳۹۰: ۹۲)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x1FCF

مفعولن مفتعلن مفعولن مفعولن

(ای مهجان ای مهِ جان ای مهجان ای مهجان) (1111111001111)

مژده بده مژده بده یار پسندید مرا (ابتهاج)

بربط زن مطربِ دل شادانم رقصانم ► (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x1FD7

مفعولن مفاعلن مفعولن مفعولن

(ای مهجان بیا بیا ای مهجان ای مهجان) (1111111010111)

رقصان شو بتا بیا بربط زن ساغر گیر(ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن※۴

0x1FE6

فعولن فعلاتن مفعولن مفعولن –

علاتن فعلاتن فع‌لاتن فع‌لاتن

(نگارا تونگارا جانانا جانانا) (1111111100110)

ببندم کمر آنگه به میان از پی خدمت

بدانسان که برهمن بر بت بندد زنّار ▶

گهی اوفتم از پای و گهی برجهم از جای

سماع آرم و وجد آرم حال آرم هر بار ▶ (یزدانی شیرازی ، گلشن وصال: ۵۹۴)

(به نقل از پناهی، ج۱) (ص ؟؟)

0x1FE7

فع‌لاتن فعلاتن فع‌لاتن فع‌لاتن –

(مهجانی مهِ جانی مهجانی مهجانی) (111-111-1100-111)

گلزاری مهِ مایی خوش عطری تابانی

جان بخشی شهِ مایی عیسایی جانانی (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ※ ۴ »

0x1FF3

مستفعلُ مفعولن مفعولن مفعولن

(زیبا رخِ زیبا رخ// زیبا رخْ، زیبا رخ)

(1111111110011)

یا همچو سلیمانی بشکافد ماهی را ▶

اندرشکم ماهی ، آن خاتم زر یابد (مولانا، غزل ۵۹۸)

- عضو خانواده وزنی 0x39F3، (« مستفعلُ مستفعلْ»*۲)

0x1FF9

مفتعلن مفعولن مفعولن مفعولن

(ای مهِ جان ای مهجان ای مهجان ای مهجان)

(1111111111001)

مژده بده مژده بده یار پسندید مرا (ابتهاج)

مطربِ دل بربط زن شادانم رقصانم ▶ (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x1FFA

مفاعلن مفعولن مفعولن مفعولن

(بیا بیا ای مهجان ای مهجان ای مهجان)

(1111111111010)

دمی بیا رخ بنْما بربط زن ساغر گیر (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x1FFC

فعلاتن مفعولن مفعولن مفعولن –

(مهِ جانی مهجانی مهجانی مهجانی)　　(111-111-111-1100)

مهِ بی همتایی دلبر رخشانی

شهِ زیبارویانی تابانی تابانی (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ❊ ۴ »

0x1FFD

فاعلاتن مفعولن مفعولن مفعولن –

(ماهِ جانی مهجانی مهجانی مهجانی)　　(111-111-111-1101)

ماهِ بی همتایی دلبر رخشانی

شاهِ زیبارویانی تابانی تابانی (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ❊ ۴ »

0x1FFF

مفعولن مفعولن مفعولن مفعولاتن

(جانانا جانانا جانانا جانا جانا)　　(13//1)

هرگز دنیا دیده ست آیا کژدم را بی نیش ؟

دنیا هم خود کژدم طبع ست ار نیکو بینیش (ایرج کابلی) (کابلی:۱۴۸)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1

چهارده هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x2000	0x3FFF	۸۱۹۲

0x2448

(فعلتن فعلن) //۲ – (چه صنمی صنمی)//۲

(2//1001000) (نگذرم ز شراب)//۲

چه بوفا پسری//چه بسزا صنمی ▶

که به زبان ناوری//که تو چرا به غمی (المعجم ، شمیسا: ۱۱۰)

- عضو بحر دودویی 0x8/4 (فَعِلَتُن)
- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x2458

فعلتن فاعلن فعلتن فعلن- (چه صنمی دلبری چه صنمی شکری)

(10010001011000) (نگذرم ای صبا نگذرم ز گلم)

چه بوفا پسری چه بسزا صنمی

که به زبان ناوری که تو چرا به غمی ▶ (المعجم ، شمیسا: ۱۱۰)

- از بحور مخصوص عرب (شمیسا❊)
- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x24C9

(2//1001001) (مفتعلن فعلن) //۲ – (دلبرِ دلبرِ دل)//۲- (کن نظری نظری)//۲

مژده که باد صبا//می دهدم خبری
می شکند گل هجر//غصه شود سپری
شاخ امل بدمید//یار یگانه رسید
پرده ز رخ بدرید //طلعت خوش خبری (محسن حکیم معانی) (خورشیدی نیا:۱۱۰)

- عضو بحر دودویی 0x1/3 (فاعلُ)

0x252B

(10010100101011) مستفعلن مفاعلتن// مفاعلتن – (جانا بیا بیا صنما //بیا صنما)

نیلوفری چو حلقهٔ دود //کبود کبود
آوازی از کرانه‌ی دور//صدای که بود
آوازی از نهایت خواب//که خیز ! که خیز !
فریادی از نهاد شتاب //که زود ! که زود ! (سیمین بهبهانی) (وحیدیان‌کامیار*:۵۸۳) (۶۵/۴)

- قالب این وزن مستزاد است

0x254A

(2//1001010) (مفاعلن فعلن) //۲ - (بیا بیا صنما)//۲ – (بیا بیا تو بیا)//۲

صلای دعوت او//به گوش می‌رسدم
رها کنید که من //بدان صلا بروم (سیمین بهبهانی ، ۷۵/۲) (نجفی* :۲۵۶)
نه آه نیم شبی //نه خنده‌ی سحری
نه نغمه‌ی طربی //نه عشق فتنه گری (مهرداد اوستا) (پناهی، ج۱ :۱۷۰)

چرا همی بت من// به من نمی نگرد
به یک دو بوسه همی //غم از دلم نبرد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۲)
به چهره چون قمری //به لعل ِ لب شکری
به رخ چو برگ گلی //به زلف مشک تری (شجره العروض) (نجفی* :۳۳۶)

- عضو بحر دودویی 0xA/5 (مفاعلاتُ)

0x254B

مستفعلن فعلن مفاعلن فعلن

(10010101001011) (ماها بیا شکرا مها بیا شکرا)

مَن کانَ بَینَ یَدَیهِ مَا اشتَهی رُطَبٌ ▶

یُغنیهِ ذلِکَ عَن رَجمِ العَناقیدِ (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۵۸)

آمد شبی به برم ز یاد آن شکرم (ابوالحسنی)

0x2565

فاعلن فعلاتن مفاعلن فعلا –

(10010101100101) (مهرخی مهِ جانی تو مهرخی مهِ جان)

بر سخاوت او نیل را بخیل شمار

بر شجاعت او پیل را ذلیل انگار (منطقی رازی) (کابلی:۳۰۶)

زد شراره‌ی آتش به آشیانه‌ی من

شد ز دود سیه گم نشان خانه‌ی من (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۶)

- عضو بحر دودویی « فاعلن فعلاتن مَ» 0x65/8

0x257A

مفاعلن فعِلاتن مفاعلن فعلن

(10010101111010) (بتی بتی مهجانی بتی بتی مهِ جان)

اگر به سالی حافظ دری زند بگُشای ▶

که سال هاست که مشتاق روی چون مه ماست (حافظ ، غزل ۲۳ قزوینی)

- عضو خانواده وزنی 0x4ACA ، (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن)

0x25CA

مفاعلن فعلن مستفعلن فعلن

(10010111001010) (مها بیا شکرا ماها بیا شکرا)

یا ناظراً فیه سَل باللهِ مرحمةً

علی المُصَنْفِ و استَغفِر لصاحِبِه ▶ (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۵۹)

ز یاد او شکرم آید شبی به برم (ابوالحسنی)

0x25CB

(مستفعلن فعلن)//۲ – (جانی بتی صنمی)//۲ – (یارا بیا تو بیا)//۲ –
(ای ماه ماهِ دلم)//۲ (2//1001011)

ای زلف دلبر من //پر بند و پر شکنی
گاهی چو وعده‌ی او//گاهی چو پشت منی (امیر معزی) (نجفی* :۲۴۵)
ای زلف دلبر من// دلبند و دل‌گسلی
گه در پناه مهی //گه در جوار گلی (ادیب صابر) (متوفی ۵۴۲)
ای مایه‌ی طربم //وآرام روز و شبم
من خنج تو طلبم//تو رنج من طلبی (عنصری) (نجفی* :۲۴۴)
چون زلف تاب دهد// آن ترک لشکریم
هندوی خویش کند // هر دم به دلبریم (عطار) (نجفی* :۲۴۵)
این شمع و خانه منم//این دام و دانه منم
زین دام بی خبری//چون دانه می شمری (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۷۶)
اشتر به شعر عرب//در حالت است و طرب
گر ذوق نیست تو را//کژ طبع جانوری (سعدی) (نجفی* :۳۳۸)

روزم سیاه ، چرا //گر تو سیاه خطی
اشکم عقیق چرا//گر تو عقیق لبی (المعجم ، شمیسا: ۱۰۹)
کردم ز روی صفا//منزل به کوی وفا
دیدم نگار مرا//جای شگرف و چه جا (معیارالاشعار، چاپ قهرمانی) (نجفی* :۳۳۸)

- عضو بحر دودویی 0xCB/8 («مستفعلن فعلاتن»)
- «از اوزان بسیار رایج شعر عرب است و گویا اولین بار توسط امیر معزی در شعر فارسی مورد استفاده قرار گرفته است و او در پایان می گوید:

گفتم مدیح تو من بر نوا شعر عرب تقطیـع آن به عروض الا چنین نکنی
مستفعلن فعلن مستفعلن فعلن «ابلی الهوی اسـفا یوم النوی بدنی »
که مصرع آخر از متنبی است . » (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰ :۳۵۶)

0x25DB

مستفعلن فاعلن مستفعلن فعلن

(10010111011011) (جانا بیا ماهِ دل جانا بیا مهِ دل)

اَلْحمدُ لِلّهِ ربِّ العالمینَ عَلَی

ما دَرَّ منْ نعمۀ عَزَّ اسْمُهُ وَ عَلا (سعدی) (جلالی:۱۸۶)

آمد شبی دلبرم سرمست می به برم (ابوالحسنی)

0x264C

(2//1001100) (فعلاتن فعلن) //۲ – (مه جانی مهِ جان)//۲

یار بادت توفیق//روزبهی[۴] با تو رفیق

دولتت باد حریف//دشمنت غَیشه و غال (رودکی) (نجفی❊ :۳۹۰)

شمس برگشت ز چرخ//همچو زرین طبقو

چادر لعل کنید//گرد گردون شفقو (سوزنی) (نجفی❊ :۳۹۰)

آوخ از دور سپهر//آه و افسوس و دریغ

کان مه روشن ما//گشت بنهفته به میغ (ادیب فراهانی) (پناهی ، ج۲ :۱۹۵)

از جهان دگرم // با زبان دگرم

با زبان دگرم //از جهان دگرم (ادیب نیشابوری) (پناهی ، ج۲ :۱۹۵)

یارکی هست مرا به لطافت ملکو

به حلاوت شکر و به ملاحت نمکو... ◀

فعلاتن فعلن فعلاتن فعلن

هست تقطیع سخن دک دکادک دکنو (قاآنی) (دیوان قاآنی شیرازی، ناشر: گلشائی، ۱۳۶۳، ص ۷۵۴)

سرِ خُم را بگشا//که دلم باز شود ◀

خانه بی قول و غزل //همه آواز شود (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی❊ :۱۳۲)

ز لبانت پسرا //به یکی بوسه چرا

نکنی شاد مرا //بنترسی ز خدا (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۰)

---

[۴] «بیت فوق همه جا به همین شکل ضبط شده است که در این صورت پاره دوم از مصرع نخست آن از حیث وزن اشکال خواهد داشت. برای رفع این اشکال دو راه حل می‌توان عرضه داشت : اول آنکه «روزبهی» را مبدل به «روزبه» کنیم. (رواقی،۱۳۹۹: ۵۷ و ۳۵۸) و دوم این‌که «روزبهی» را به سیاق اشعار نیمه عروضی با سرعت بیشتر قرائت کنیم.» (طبیب‌زاده* :۲۴۰)

لب او آب بقا سخنش مایه‌ی جان
قد او سرو سهی دهنش سرّ دهان (شجره العروض) (نجفی❋ :۱۳۳)
از میان و دهنش//تا توان یک سر مو
زان نشان باز مده//زین سخن هیچ مگو (عروض سیفی، شجره‌العروض) (نجفی❋ :۳۹۰)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4

- ضرب المثل: «نه به این شوری شور نه به این بی نمکی» «کچلی عیب خداست کچلی زیر کلاست» (پناهی، ج۱۹۶:۲)

0x264D

فاعلاتن فعلن فعلاتن فعلن

(1001100-1001101) (ماهِ جانی مهِ جان //مهِ جانی مهِ جان)

یارکی هست مرا به لطافت ملکو ▶
به حلاوت شکر و به ملاحت نمکو (قاآنی) (نجفی❋ :۱۳۳)

- عضو خانواده « (فعلاتن فعلن) //۲ »

0x2664

فعلا فعلاتن فعلاتن فعلا

(10011001100100) (مهِ جان مهِ جانها مهِ جانها مهِ جان)

چو صبا بدهد نکهت پیراهن یار
به خدا همه از یاد گلش مست شویم (ابوالحسنی)

- با تبدیل دوهجای کوتاه اول به بلند این وزن به وزن رباعی 0x1313 تبدیل می‌شود. آیا می‌توان این دو وزن را هم آوا در نظر گرفت؟

0x2666

مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفا

(دلیرانِ دلیرانِ دلیرانِ دلیر) (10011001100110)

منم شیر شلنبه و منم ببر تله (منتسب به بهرام گور)

چو بیدار شود صبح ز عطر گل سرخ

غزل خوان بشود بلبل عاشق دل مست (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مَفاعیلُ» 0x6/4
- اگر کل شعر منتسب به بهرام گور را یک بیت بدانیم وزن فوق به دست می آید. (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۹)

0x2667

فع‌لاتن فعلاتن فعلاتن فعلن

(مهجانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جان) (10011001100111)

رزبان تاختنی کرد به شهر از رز خویش ▶

درِ رز بست به زنجیر و به قفل از پس و پیش(منوچهری) (نجفی* : ۱۳۱)

رزبان گفت چه رای است و چه تدبیر همی

مادر، این بچگکان را ندهد شیر همی (منوچهری) (نجفی* : ۱۳۱)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x267C

فعلاتن فع‌لاتن فعلاتن فعلن -

(مهِ جانی مهجانی مهِ جانی مهِ جان) (10011001111100)

ازلی خطی ور لوح که ملکی بدهید

بی ابی یوسف یعقوب بن اللیث همام (محمد پسر وصیف سگزی) (تاریخ سیستان ، به تصحیح ملک‌الشعرا بهار ، نشر معین ، ۱۳۸۱ ، ص ۲۱۵)

- عضو خانواده وزنی ۰x۴CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x267D

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن

(ماهِ جانی مهجانی مهِ جانی مهِ جان) (10011001111101)

نقش فروردین گر پاک تبه گشت چه باک ▶

نایبی آمد هر یک را زو نیکوتر (لامعی گرگانی) (پناهی، ج۱ : ۲۸)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x267F

مفعولن مفعولن مفتعلن مفتعلن

(ای مهجان ای مهجان ای مهِ جان ای مهِ جان) (10011001111111)

ای شب خوبی و بهی //جان بجهد گر بجهی

گردد ، شش گردد، شش //گر سه عدد بر سه نهی

(مولانا، غزل ۱۲۱۸) (مصرع ۲ با تغییر جای پاره اول و دوم در شعر اصلی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x26A6

علن مفتعلن مفاعلن مفتعلن – فعولن متفاعلن فعولن متفا

(بیا دلبرکا بیا بیا دلبرکا) (نگارا صنما بیا نگارا صنما) (10011010100110)

به خوبی چون یار من نباشد یاری

نگارین مهوشی بتی عیاری

چو رویش کو لاله‌ای چو قدّش سروی

چو خالش کو مهره‌ای چو زلفش ماری (خواجوی کرمانی در پناهی ، ج۳ :۱۹۱) (طبیب‌زاده* :۳۴۳)

- عضو بحر دودویی 0xA6/8 («فعولن متفاعلن» « علن مفتعلن مفا »)

0x26BF

مفعولن مفعولن مفاعلن مفتعلن

(10011010111111) (ای مهجان ای مهجان بیا بیا ای مهِ جان)

بربط زن رقصان شو بتا بیا جامه دران (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن❋۴

0x26CC

(10011011001100) فعلاتن فعلن فاعلاتن فعلن - (مهِ جانی مهِ جانی ز جانی مهِ جان)

هله قاآنی هان نقد خود دار نهان

که شد از غیب عیان نقدها را محکو ▶ (قاآنی)

(دیوان قاآنی شیرازی، ناشر: گلشائی، ۱۳۶۳، ص ۷۵۴)

- عضو خانواده « (فعلاتن فعلن) //۲ »

0x26CD

(2//1001101) (فاعلاتن فعلن) //۲ - (ماهِ جانی مهِ جان)//۲

شمع شیراز منم // نکته‌پرداز منم ▶

همه تن ناز منم //تو چه گویی کلکو (قاآنی) (دیوان قاآنی شیرازی، ناشر: گلشائی، ۱۳۶۳، ص ۷۵۴)

- عضو خانواده « (فعلاتن فعلن) //۲ »

0x26FC

فعلاتن فعِلاتن فاعلاتن فعلا (= فعلن)

(مهِ جانی مهجانی ماهِ جانی مهِ جان) (100/1101/111/1100)

شبِ زلفش بر پیشانیش گویی که مگر ▶

لشکر زنگ همی غارت بغداد کند (تغییر یافته) (ولواجی) (نجفی❊ : ۱۳۰)

- شعر اصلی « جعد بر سیمین پیشانیش » تبدیل شد به « شبِ زلفش بر پیشانیش» برای آنکه وزن به دست آید.
- «در این بحر {فعلاتن} چنانکه می‌دانیم فعلاتن فقط در رکن اول به فاعلان تبدیل می شود . اما در قدیم – ظاهرا تا اواخر قرن ششم- این تبدیل گاهی در رکن سوم هم صورت می‌گرفته است.» (نجفی❊ : ۱۳۰)

0x26FD

فاعلاتن فعِلاتن فاعلاتن فعلا (= فعلن)

(ماهِ جانی مهجانی ماهِ جانی مهِ جان) (100/1101/111/1101)

جعد بر سیمین پیشانیش گویی که مگر ▶

لشکر زنگ همی غارت بغداد کند (ولواجی) (نجفی❊ : ۱۳۰)

- «در این بحر {فعلاتن} چنانکه می‌دانیم فعلاتن فقط در رکن اول به فاعلان تبدیل می شود . اما در قدیم – ظاهرا تا اواخر قرن ششم- این تبدیل گاهی در رکن سوم هم صورت می‌گرفته است.» (نجفی❊ : ۱۳۰)

0x2739

مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْتَعِلا

(جلوه‌گری کن جلوه‌گری کن جلوه‌گری) (10011100111001)

جامه دران آمد سحری سرمست شراب ▶

میکده شد از نرگس چشمش جمله خراب ▶ (ابوالحسنی)

بیتِ ولایت، بیتِ ولایت، گلشن شد
چشم محمد، چشمِ محمد، روشن شد (عباس جوادی در پناهی ، ج۵: ۱۳۴) (طبیب‌زاده* : ۲۹۰)

- عضو بحر دودویی « مفتعلاتن» 0x16/5

0x273C

فعلاتن فعِلن فعلاتن مفتعلن

(10011100111100) (مهِ جانانی مهْ مهِ جانانی مهِ جان)

چه نیازی دارم که به من حرفی بزنی
که سخن‌ها دارد نگهت در بی‌سخنی (حسین منزوی) (فیروزیان: ۸۳)

0x274E

(2//1001110) مفاعیلن فعلن//۲ – (نگارینا شکری)//۲

بیا من از غم تو // چو نی نالان شده ام
غزل‌خوان جامه دران // چکاوک‌سان شده ام (ابوالحسنی)

0x27CC

فعلاتن فعلاتن فعِلاتن فعلن

(10011111001100) (مهِ جانی مهِ جانی مهجانی مهِ جان)

منم آن لامعیِ شاعر کز من به مدیح ▶
هست شاد آن که به سیم و زر از او شادم شاد (لامعی) (کابلی:۱۷۵)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x27CD

فاعلاتن فعلاتن فع‌لاتن فعلن

(ماهِ جانی مهِ جانی مهجانی مهِ جان) (10011111001101)

بعد از آن ماند خموش و کرد اندیشه کمی (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۲)

ای دلآویز من ای همره ، هم‌فکر عزیز (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۲)

داد پیغام به سِر اندر عیار مرا ▶

که مکن یاد به شعر اندر بسیار مرا (المعجم) (شمیسا*:۶۳)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x27CF

(مفعولن مفتعلن) //۲ – (ای مهجان ای مهِ جان)//۲ (2//1001111)

بستم من گردن جان// بردم پیشش به نشان ▶

مجرم عشق است مکن مجرم خود را تو بحل (مولانا، غزل ۱۳۳۵)

بانو این هدیه به تو // او را از من بپذیر

گفت و بردش سرِ دست//افکند از پلّه به زیر (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۱۸۹) ۷۸/۴ (غزل مستقل به این وزن)

قربانی بر سر خاک//تابی خورد از سر درد

جویی خون... بعد سقوط//خاموشی ... بعدِ نفیر(سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۱ :۹۸) (طبیب‌زاده* :۲۳۳)

- عضو بحر دودویی0x4F/7 (مفعولن مفتعلن)
- این وزن می‌تواند مانند شعر سیمین مستقل باشد و یا مانند شعر مولانا عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴ باشد.

0x27D7

مفتعْلن مفاعلن مفتعْلن مفتعلن

(10011111010111) (ای مهجان بیا بیا   ای مهجان ای مهِ جان)

می روم از جهانتان گر تنی از مهانتان

جز غم در نهانتان بر من بگریست بگو فعلاتن (اسماعیل خویی) (پناهی، ج۱: ۹۵)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x27F9

مفتعلن مفتعْلن مفتعْلن مفتعلن

(10011111111001) (ای مهِ جان ای مهجان ای مهجان ای مهِ جان)

ساقیِ خوش سیمایم رندان را باده بده

مطربِ خوشْ آوایم بلبل شو نغمه سرا (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x27FA

مفاعلن مفتعْلن مفتعْلن مفتعلن

(10011111111010) (بیا بیا ای مهجان ای مهجان ای مهِ جان)

دمی بیا رخ بنْما بربط زن عشوه کنان (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x2924

فعِلن فعِلن فعِلن فعِلن فعل

(10100100100100) (مهِ جان مهِ جان مهِ جان مه جان مها)

صنما شکرا بگشا لب و خوش بخوان

به سرود خوشت نفسی بنواز جان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فَعِلن» 0x4/3
- ساخته شده بر اساس بیت زیر :

صنما بگشا لب و خوش بسرا
به سرود خوشت بنواز مرا (عروض جامی) (نجفی❋ :۶۷)

0x2952
(2//1010010)   (مفاعلتن مفا)❋ ۲ – (غزالِ غزالِ دل)//۲ – (بتا شکرا بتا)//۲

سهیل دمیده است //ستاره‌ی بادِ سرد
به خوابِ چنارِ سبز// نمایش وهمِ زرد (سیروس شمیسا) (غزل کامل) (نجفی❋ :۲۵۲)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/5

0x2956
فعولن مفاعلن فعولُ مفاعلن
(10100101010110)   (نگارا بیا بیا نگار بیا بیا)

اِذا جِئتَنی فی رُفْقَةٍ لِتَزُوِرَنی
وَ اِنْ جِئْتَ فی صُلْحٍ فَأنتَ مُحارِبُ ◄ (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۵۸)
چه گردد بتا اگر شبی قمرم شوی (ابوالحسنی)

0x2974
(10100101110100)   متفاعلن مستفعلن متفاعلن - (صنما بیا جانا بیا صنما بیا)

صنما اگر با من بُود نظری تو را
گذر از جفا سویم بیا ز ره وفا (عروض بابر:۱۴۲)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن مستفعلن» 0x174/9

0x2976

فعولن مفاعیلن فعولُ مفاعلن

(پریرو پریرویی غزال غزال من) (1010010-1110110)

سَرَی طَیْفُ مَنْ یَجْلُو بِطَلْعَتِهِ الدُّجی ▶

شگفت آمد از بختم که این دولت از کجا؟ ▶ (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۵۸)

شبی غنچه‌ای آمد سحر گل سرخ شد (ابوالحسنی)

- برای اینکه مصرع دوم شعر سعدی به این وزن باشد باید «دو» در «دولت» هجای کوتاه تلفظ شود

0x29A9

مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفا

(جامه دران بیا بیا جامه دران بیا) (10100110101001)

بسته دلم به موی تو//مست سبوی تو

طعنه به ماه می‌زند//روی نکوی تو (عباس جوادی در پناهی ، ج۵ :۱۵۷) (طبیب‌زاده* :۳۲۰)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن مفاعلن» 0xA9/8

0x29D3

مستفعلتن مفا //۲ – (یاری شکری بتی) //۲ – (غزال بیا بیا)//۲ (2//1010011)

ای عارض و قدّ تو//از سرو و ز مه نشان

سرو تو طرب فزای// ماه تو نشاط جان (سوزنی سمرقندی) (وحیدیان‌کامیار*:۱۸۹)

من مستم و دل خراب //جان تشنه و ساغر آب

برخیز و بده شراب // بنشین و بزن رباب (خواجوی کرمانی) (پناهی، ج۲: ۵۵)

عید آمد و می رود //بی پیک و پیام تو

صد نامه گشوده ام // بی یک گلِ نام تو (سیمین بهبهانی) (پناهی، ج۲: ۵۵) (فروردین ۶۱)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن مفا » 0x253/10

0x2A52

مفاعلتن مفاعلتن مفاعلت–

(10101001010010) (شدی مهِ جان شدی مهِ جان شدی مهی)

جز این نبود دگر به دل آرزوی من

که آن بت من دمی گذرد به سوی من (عروض بابر:۱۳۸)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/5

0x2A54

(2//1010100) متفاعلن فعل//۲ –(صنما بیا بیا)//۲ –(تو بیا بیا بیا)//۲

چه شود که از وفا//ره کین رها کنی

به نگاه مرحمت//نظری به ما کنی (ادیب طوسی) (نجفی* :۳۶۸)

به زمانه آیتی //به صفا حکایتی

به هنر یگانه ای// ز خدا نشانه ای (بیژن ترقی در پناهی ج ۵: ۱۲۳) (طبیب‌زاده* : ۳۲۲)

گل جان بهار من//شب انتظار من

به خدا نخفته ام//گل نوشکفته ام (؟ در پناهی ج ۵: ۱۲۳) (طبیب‌زاده* : ۳۲۲)

من از انتظار آب//شکنم سبوی خود

که نریزم این‌چنین//عبث آبروی خود (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۳۶۸)

همه عمر با توام//همه عمر با منی

تو ز کبریای حسن//نکنی فروتنی(بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۲۴۷)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن مفاعلتن» 0x254/10

0x2A6A

علن مفاعلن مفتعلن مفاعلن- مفاعلن مفاعیلُ مفاعلن مفا

(10101001101010) (مکن بتا بتا ناز مکن بتا بتا)

مگر ز کانِ رحمت کرمی رسد که کس

ز خفتگان این باغ ثمر نمی‌خورد (محمد اسمعیل سعیدی در پناهی ، ج۵ :۹۷) (طبیب‌زاده* :۲۶۶)

سحرگهان ز بلبل بشنو حدیث عشق

کزین حدیث برپا بشود قیامتی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x6A/8 («مفاعلن مفاعیلُ » « علن مفاعلن مفتَ»)
- «این وزن هم منطقی و هم ظاهرا مطبوع است اما نمونه‌ای از آن یافت نشده است. به عنوان مثال بیت زیر که به قیاس بیت بالا از المعجم ساخته شده است ، به این وزن است :

  همیشه شادمان باش و به کام دوستان

  تو جاودان جوان باش [و] عدوت خاکسار » (نجفی* :۳۷۰) {در شعر المعجم کلمات انتهای دو مصرع «دوستان باش» و «خاکسارا» است.}

0x2A7F

مفعولن مفعولن مفتعلن مفاعلن

(10101001111111) (ای مهجان ای مهجان ای مهِ جان بیا بیا)

خندان شو رقصان شو عشوه نما بیا بتا (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x2AAA

مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفا

(10101010101010) (بیا بتا بیا بتا بیا بتا بیا)

عزا عزای لاله ای به خون نشسته است

به یاد دلشکسته ای دلم شکسته است (علیرضا قزوه) (دادگر:۲۶۹)

تو ای مسافر غریب شهر اعتماد

که مانده ای میان مردمان هر چه باد (ناصر گلستان فر) (پناهی، ج۲: ۱۴۹)

بگو که در دل زمین ، چه راز گفته‌ای

بگو که در بهارِ خونِ خود شکفته ای (حمید هنرجو) (پناهی، ج۲: ۱۴۹)

رسید پشتِ خاک‌ریزهای اضطراب

کنارِ لحظه‌های سرخ زخم خورده‌اش (مهدی ملکی) (پناهی، ج۲: ۱۴۹)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2

0x2ABF

مفتعْلن مفتعْلن مفاعلن مفاعلن

(10101010111111) (ای مهجان ای مهجان بتا بیا بتا بیا)

مهتابم کم کن ناز //شبی به خواب من درآ (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x2ACA

(10101011001010) مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعل – (بتی بتی مهِ جانی بتی بتی مهی)

کس این جمال که من دیده ام ندیده است

چنین نگار که من دیده ام که دیده است ؟ (وصال شیرازی ، درّه نجفی: ۲۷۱)

مرا دلی ست که دائم ستم کند به من

چه بودی ار ستمم از ستمگر آمدی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۰)

- عضو بحر دودویی « مفاعلن فعلاتن» 0xCA/8

0x2AD5

(فاعلاتُ فاعلاتْ) //۲ (فاعلن مفاعلن) * ۲ –

(2//1010101) (دلبری چه دلبری)//۲- (ماهتاب ماهتاب)//۲

صبحدم به طرف باغ// ای صبا چو بگذری

بگذر از دیار دل// سوی زلفِ آن پری (الهی قمشه‌ای ، ماهیار: ۲۰۳)

این سوار آمده//سوگوار آمده

سوگوار آمده//این سوار آمده (عباس صادقی پدرام) (پاییز ۵۸) (نجفی* : ۳۱۸)

تیک تاک تیک تاک ♫// لحظه آه می رود

ناگزیر سر به زیر //پا به راه می رود (سیمین بهبهانی) (اسفند ۵۹) (نجفی* :۳۱۸)

خط به آخر آمده‌ست// همچنان نشسته ای

پا فرا نمی نهی //بس که خرد و خسته ای (سیمین بهبهانی) (اسفند ۶۵) (نجفی* :۳۱۸)

زیر آسمان کسی // ایمن از بلا نماند

وایِ ما بر این زمین//زیر آسمانه‌ها (اخوان ثالث) (نجفی‌* :۱۷۶)

سنگ ناله می‌کند//رود رودِ بی‌قرار

کوه گریه می‌کند//آبشار آبشار (قیصر امین‌پور) (نجفی* : ۳۱۸)

- . عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2

0x2B2A

مفاعلن فَعَل فعلاتن مفاعلن

(10101100101010) (بیا بیا بیا شکرینا بیا بیا)

نگاهبان جان و جهان خنده های تو ست

بخند تا که زنده شود فصل خامشی (ابوالحسنی)

0x2B2B

مستفعلن مفاعلُ مستفعلن مفا- مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن

لاتن مفاعلن فعلاتن مفاعلن

(10101100101011) (جانی بتی بتی مهِ جانی بتی بتی)

یارم سپند اگر چه بر آتش همی فکند ▶

از بهر چشم ، تا نرسد مر او را گزند (حنظله بادغیسی) (نیمه‌ی اول قرن ۳) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۵)

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب

با صد هزار نزهت و آرایش عجیب ▶ (رودکی) (نجفی* :۲۹۳)

ای کار تو ز کار زمانه نمونه‌تر

او باشگونه و تو از او باشگونه‌تر (شهید بلخی در وحیدیان‌کامیار:۴۱) (طبیب‌زاده* :۳۹۰)

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد

هم رونق زمان شما نیز بگذرد (سیف فرغانی)

(دیوان سیف الدین محمد فرغانی، به تصحیح ذبیح‌الله صفا، ج ۱ ، ص۲۱۷)

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست

بگشای لب که قند فراوانم آرزوست (مولانا) (نجفی* :۲۹۲)

از هر چه می‌رود سخن دوست خوشتر است

پیغام آشنا نفس روح پرورست.(سعدی ، غزل ۶۳ چاپ فروغی)

دیدی که یار، جز سَرِ جور و ستم نداشت
بشکست عهد، وز غمِ ما هیچ غم نداشت (حافظ ، غزل ۷۸ قزوینی)
من می‌گریزم از تو و از عشق گرم تو
با آنکه آفتاب فروزنده‌ی منی (سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۱۰۴)

ای زلف سرکشت همه چین چین شکن شکن (علی اکبر شیدا ، تصنیف زلف سرکج) (نصیری‌فر:۹۷)

ای بارگه صاحب عادل خود این منم
کز قربت تو لاف زمین بوس می زنم (المعجم) (شمیسا* : ۱۴۰)
ای یار دلربای یکی با رهی بساز (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۷)
یاران من جوان و رفیقان من جوان
اندوه تو بکرد مرا ای نگار پیر (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۶)

ای مشتری شمایل و خورشید کوکبه
حُسن روخ تو رشک مه چارده شبه
مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن
بحر مضارع این بود ای ماه مرتبه (ابو نصر فراهی:۳۴)

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)
- «این وزن سنگین ، باوقار و متمکن بی گمان یکی از پرکاربردترین و فخیم ترین اوزان شعر فارسی است . سعدی و حافظ در محذوف و مقصور این وزن مجموعا هر کدام ۷۴ غزل ، عطار ۴۸ غزل و انوری ۲۶ قصیده دارد . » (مدرسی*: ۲۴۱)
  «استاد عماد خراسانی این وزن را برای سرودن مثنوی به کار برده است:
  ای دل به راه عشق غم هست و نیست ، نیست/هستی و نیستی ، به بر عاشقان یکی ست » (مدرسی*:۲۴۶)
- «هیچ شاعر مهمی در شعر عربی به این وزن شعر نسروده است (به نقل از (معیار الاشعار ، جلیل تجلیل ، ص ۱۰۶-۱۱۱)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)

- این وزن « جزو اوزان نرم و سنگین است که در معانیی مانند مرثیه ، هجران ، درد و حسرت و گله به کار رفته است . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۲)
- این وزن به این صورت می‌تواند دوری شود : (10101100//101011)

مطرب بزن دوتار//شده مجلس عبوس و سرد

ساقی بیار جام//که شدم تشنه‌ی لبش (ابوالحسنی)

- مادر یک خانواده وزن ۲ عضوی:

خانواده وزن (10-1011-0010-1011)- مستفعلن مفاعلُ مستفعلن فعل		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x2B2B	(10-1011-0010-1011)
2	0x15EB	(10-1011-110-1011)

0x2B55

(10101//101010101) فاعلاتُ فاعلاتُ فا// فاعلاتُ فا

در دل آتشِ غمِ رُخت//تا که لانه کرد

دیده سیل خون به دامنم//بس روانه کرد

(تصینفی از سالک اصفهانی به شکل مستزاد که در سال ۱۳۲۰ سروده شده و تاج اصفهانی آن را خوانده است (نجفی* : ۱۷۳)

0x2B56

(2//1010110) (فعولن مفاعلن) //۲ – (بیارا بیا بیا)//۲

جوان شد حکیم ما //جوانمرد و دل فراخ

یکی پیرزن خرید //به یک مشت سیم ماه (عسجدی مروزی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۰

بدین خرمی جهان // بدین تازگی بهار

بدین روشنی شراب // بدین نیکویی نگار (فرخی سیستانی) (نجفی* :۲۲۵)

مگر باز برفروخت //گل از هر کنار نار

که هر دم ز سوز دل بگرید هزار زار (قاآنی) (نجفی* :۲۸۷)

شبی همرهت گذر //به طرف چمن کنم
ز تن جامه برکنم // ز گل پیرهن کنم (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۲۸۷)
به سودای آسمان//پر و بال می زنی
ولی کو گشایشی //از این راه روزنی (منزوی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۳)

بیامد به حجره مست// نگارین و در بزد
لطافت نمود دوش// سمن بر برون زحد (المعجم ، شمیسا: ۱۷۱)

- عضو بحر دودویی 0x56/7 («فعولن مفاعلن»)

0x2B5A

مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلا

(10101101011010) (سبو سبو می سبو سبو می سبو سبو)

مخوان ز دیرم به کعبه زاهد که عاشقان
بود سه تار و شراب و دلبر خدای‌شان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۲۹۸)
- مصرع اول ساخته شده از روی :

مخوان ز دیرم //به کعبه زاهد//که برده از کف//دل من آنجا (مشتاق اصفهانی) (نجفی* :۲۱۱)

0x2B72

مفاعلتن فعلن مفاعیلتن فعل

(1010110-1110010) (بتی مهِ تابانی بتی ماهِ آسمان)

سحر گل سرخ آمد به دیدار بلبلش (ابوالحسنی)
لَقَد سَعدَ الدُنیا بهِ دامَ سَعدُهُ ►
وَ أیّدَهُ الْمَولی بِألوِیَةِ النّصْرِ (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۵۷)

0x2B76

فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن

(10101101110110) (پری‌رو پری‌رویی پری‌رو پری پری) (بیارا بیاران می بیارا بیا بیا)

شب است و نمی‌یابم ز صبحش نشانه‌ای

نه ایچش میان بینم نه ایچش کرانه‌ای (سلمک کاشی) (طبیب‌زاده* :۱۵۶)

سَرَی طَیْفُ مَنْ یَجْلُو بِطَلْعَتِهِ الدُّجی

شگفت آمد از بختم که این دولت از کجا ◀ (سعدی ، گلستان خطیب رهبر،ص ۳۴۷)

دگر ره شب آمد تا جهانی سیا کند

جهانی سیاهی با دلم تا چه ها کند (اخوان ثالث در پناهی ، ج۱: ۲۲۸) (طبیب‌زاده* :۱۵۶)

به کویت نمی‌دانم چه خاکی به سر کنم

ز اشک دو چشم خود زمین بس که تر کنم (فرصت) (نجفی* :۴۶)

به درد دل ما آشنایی نمی رسد

صدایی هم از یاری ز جایی نمی رسد (حسین آهی ، درّه نجفی: ۲۳۴)

بدین عاشقی هر کو دهد پند مر مرا

همی گوز بر گنبد فشاند به ابلهی (المعجم ، شمیسا: ۱۰۸)

0x2BAC

فعلاتن مفاعلن//فعِلن مفاعلن

(10101110101100) (مهِ جانی بیا بیا//مهجان بیا بیا)

شده مجلس عبوس و سرد// مطرب بزن دوتار

چو شدم تشنه‌ی لبش// ساقی بیار جام (ابوالحسنی)

0x2BCB

مستفعلن فعلاتن مستفعلن فعل

(10101111001011) (جانی بتی مهِ جانی جانی بتی مهی)

دلدار جامه‌دران شد سرمستِ جامِ می

مطرب بزن دف و بربط چنگ و سه تار و نی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xCB/8 («مستفعلن فعلاتن»)

0x2BCF

مفعولن مفتعلن مفعولن مفاعلن

(10101111001111) (ای مهجان ای مهِ جان ای مهجان بیا بیا)

خندان شو عشوه نما رقصان شو بیا بتا (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x2BD6

فعولن مفاعلن مفعولن مفاعلن

(10101111010110) (ز جانی بیا بیا مهجانی بیا بیا)

الا تا همی بتابد بر چرخ کوکبی

الا تا همی‌بماند بر خاک پیکری (عنصری) (نجفی* :۲۸۲)

- « با تبدیل دو کوتاه به یک بلند (بنا بر اختیار تسکین) ، { در وزن مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (1010110-01010110) } وزن شعر ذیل {الا تا همی} به دست می‌آید».(نجفی* :۲۸۱)

0x2BD7

(2//1010111) (مفتعِلن مفاعلن)* ۲ – (ای مهجان بیا بیا)//۲

گوید گل که بزم بهْ // گوید ابر گریه بهْ ▶

هیچ یکی ز یکدگر//پند نکرده باوری (مولانا، غزل ۲۴۶۴)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x2BF9

مفتعلن مفتعْلن مفتعْلن مفاعلن

(10101111111001) (ای مهِ جان ای مهجان ای مهجان بیا بیا)

عشوه کنان خندان شو رقصان شو بیا بتا (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x2BFA

مفاعلن مفتعِلن مفتعِلن مفاعلن

(10101111111010) (بیا بیا ای مهجان ای مهجان بیا بیا)

شبی بیا بربط زن رقصان شو شراب نوش (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن۴*

0x2CAC

فعلاتن مفاعلن فعلاتن مفا

(10110010101100) (مهِ جانی بتی بتی مهِ جانی بتی)

تو ندانی بدون تو دل من چون تپد

همه شب‌ها ز عشق تو ز دلم خون چکد (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن مفاعلن » 0xAC/8
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۷۹)

0x2CCC

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعل –

(10110011001100) (مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهی)

بت من گر به سزا حرمت من داندی

نه مرا گه کُنَدی خوار و گهی راندی (المعجم ، شمیسا: ۱۶۰)

خردش باید از این بیش که بس بی خرد است

نکشد عاشق اگر هیچ خرد داردی ▶ (المعجم) (شمیسا* : ۶۴)

ندهد نیز به تو دل شَمَنی تا زید ▶

چون یکی را بکشی بی گنهی ای نگار (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۲)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4

- در مورد شعر المعجم « خردش باید....» (« تقابل فعلان و فعل در شعر فارسی غلط است . مصراع دوم یک هجا کم دارد اگر به جای «داردی» ، «داردیا» بود صحیح است ») (شمیسا* : ۲۰۰)

0x2CCD

(10110011001101)　　فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعل (دل‌ستانا شکرینا شکرینا شکر)

ندهد نیز به تو دل شمنی تا زید

چون یکی را بکشی بی گنهی ای نگار ◄ (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۲)

- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعل»

0x2CD9

(2//1011001)　　(مفتعلن مفتعل) //۲ - (یارِ تو ام یارِ تو)//۲

گفتم نایَمْتْ نیز// هرگز پیرامنا

بیهده گفتم من این // بیهده گویا منا ◄ (ابولحسن اورمزدی) (نجفی،۱۳۹۴،الف :۱۵۷)

دی به دریغ اندرون//ماه به میغ اندرون

رنگ به تیغ اندرون//شاخ زد و آرمید (کسایی مروزی) (نجفی* :۱۹۰)

آمده نوروز ماه //با گل سوری به هم

باده‌ی سوری بگیر// بر گل سوری بچم (منوچهری ، دیوان: ۵۹)

آه که دریای عشق// بار دگر موج زد

وز دل من هر طرف //چشمه خون برگشاد (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹: ۱۹۱)

سلسله‌ی موی دوست//حلقه‌ی دام بلاست

هر که در این حلقه نیست// فارغ از این ماجراست (سعدی) (وحیدیان‌کامیار*:۲۳۹)

زاهد خلوت نشین //دوش به میخانه شد

از سر پیمان برفت// بر سر پیمانه شد (حافظ) (نجفی* :۱۹۰)

دود گرفته‌ست افق//باز کجا سوخته

آتشِ آهِ کسی // باز که را سوخته (حسین منزوی) (فیروزیان:۱۰۵)

حیدر شرع و کرم// بازو و احسان توست

کاین در روزی گشاد// وان در خیبر شکست (انوری) (المعجم) (شمیسا* : ۱۵۸)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4
- «وزنی خوش ، رایج ترین در بحر منسرخ و در شمار اوزان پر کاربرد شعر فارسی است . سعدی در مجموع در این وزن ۱۹ غزل، حافظ تنها یک و عطار ۲۰ غزل و دوقصیده دارد . » (مدرسی*: ۲۹۳)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- مادر یک خانواده وزن ۹ عضوی:

خانواده وزن (2//1011001) -(مفتعلن فاعلن) //۲		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x2CD9	101-1001//101-1001
2	0x17D9	101-111//101-1001
3	0x166F	101-1001//101-111
4	0xBEF	101-111//101-111

خانواده وزن (1011010//1011010) -(مفاعلن فاعلن// مفتعلن فاعلن)		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x2CDA	101-1001//101-1010
2	0x17DA	101-111//101-1010

خانواده وزن (1011010//1011001) -(مفتعلن فاعلن//مفاعلن فاعلن)		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x2D59	101-1010//101-1001
2	0x16AF	101-1010//101-111

خانواده وزن (1011010//1011010) -(مفاعلن فاعلن// مفاعلن فاعلن)		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x2D5A	101-1010//101-1010

0x2CDA

1011010)//(1011001 مفاعلن فاعلن//مفتعلن فاعلن

مرید خلوت نشین //دوش به میخانه شد

ز یاد سر پیمان برفت// بر سر پیمانه شد (ابوالحسنی)

- بر اساس بیت حافظ ساخته شد: (حافظ خلوت نشین...)
- عضو خانواده وزنی 0x2CD9. (« مفتعلن فاعلن»❋۲)

0x2D4D

فاعلن مفتعلن مفاعلن مفتعل

(10110101001101) (دل ستانی مهِ جانِ دل‌ستانی مها)

صبح دم بلبل خوش نوا ز گل می‌سرود

گل به او عشوه کنان نگاه سردی نمود (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x4D/8 (« فاعلاتن فعلاتُ» « فاعلن مفتعلن مَ »)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❋ : ۳۴۰)

0x2D59

مفتعلن فاعلن مفاعلن فاعلن

(1011010//1011001) (دلبرکا عشوه کن بیا بیا عشوه کن)

کیست که پیغام من// به شهر شروان برد ▶

یک سخن از من بدان //مرد سخن دان برد (جمال الدین عبدالرزاق) (المعجم ، شمیسا: ۱۶۳)

- عضو خانواده وزنی 0x2CD9. (« مفتعلن فاعلن»❋۲)

0x2D5A

(2//1011010) (مفاعلن فاعلن) //۲ -(چه دلبری دلبری)//۲

به حقّ آن خمّ زلف//بسان منقار باز

به حقّ آن روی خوب//کزو گرفتی به راز (رودکی) (نجفی❋ :۳۸۵)

مرا سحر چون گذر//به طرف بستان فتد
ز شوقِ آن گل‌عذار//ز دیده باران فتد (جامی) (نجفی* :۲۲۰)
جهان فرتوت ، باز// جوانی از سر گرفت
به سر ز یاقوت سرخ//شقایق افسر گرفت (قاآنی) (نجفی* :۳۸۶)
چو ابر بر کرد سر //ز کوه مازندران
سیاه کرد این جهان//همه کران تا کران (نیما ، توفان) (نیما یوشیج : ۳۷۲)

حمید ، آزاد شد //هویزه ،آزاد شد
نوشته ها جان گرفت//خطوط فریاد شد (سیمین بهبهانی ،۶۱/۲) (محمدی: ۱۳۲)

بشنو و نیک شنو// نغمت خنیاگران
به پهلوانی سماع //به خسروانی طریق (المعجم) (شمیسا* : ۱۵۸)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5
- عضو خانواده وزنی 0x2CD9، (« مفتعلن فاعلن»*۲)
- شعر سیمین بهبهانی (حمید آزاد شد ...) کاملا بر این وزن است .

0x2D99 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x2D99-0//14 حالت غیر دوری

(10110110011001) مفتعلن مفتعلن فاعلاتن فعل

سوز غمت جسم مرا شعله ور می کند
در دل من داغ تو را تازه تر می کند (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۱۲)

0x2D99-3//11 حالت دوری

مفتعلن مفتعلن فاعلن // فاعلن

(101//10110011001) (دلبرکا دلبرکا دلبرا//دلبرا)

گر گذری هست و نه در کوی توست//برخطاست

ور نظری هست و نه بر روی توست//نابجاست (وثوق الدوله) (مدرسی،۱۳۸۰ : ۱۶۳)

باد اگر از جانب مشکوی توست//مشک‌ساست

خاک گر از راه سر کوی توست//کیمیاست (رشید یاسمی) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۵۱۲)

هر که گدای در مشکوی توست //پادشاست

شه که به همسایگی کوی توست//چون گداست (اخوان ثالث) (ارغنون،ناشر مروارید ، ۱۳۷۰،ص ۲۴)

دل چه تمنا کند از کوی دوست// روی دوست

دیده چه بیند خم‌گیسوی دوست// روی دوست

تحفه‌ی جان می برم از شهر یار//بهر یار

تا نگرد در شکن موی دوست //روی دوست (الهی قمشه‌ای) (دیوان الهی قمشه‌ای ، نشر روزنه ، ۱۳۷۷، ص۶۹)

- قالب این شعرها مستزاد است .

0x2DB6

فعولن فعولن فعولن فعولن فعول

(10110110110110) (بزن دف بزن دف بزن دف بزن دف بزن)

تو پرواز صد کهکشان رها در شبی

تو بانوی باران بی انتها در شبی (یوسفعلی میرشکاک) (دادگر:۲۸۷)

شکفتی در آفاق نورانی خون خویش

مگر از درختان بپرسیم جای تو را (یوسفعلی میرشکاک) (پناهی، ج۲: ۱۶۳)

اگر با تنِ خاکی از عرش هم بگذرم

نصیبم همین یک وجب خاک غم می‌شود (غلام‌حسین اولاد) (پناهی، ج۲: ۱۶۳)

نمودار نقصان خود را به دیوار ذهن

هم از کاهش آرزوهای خود خوانده ام (پروین جزایری) (پناهی، ج۲: ۱۶۳)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3

0x2DDB

(مستفعلن فاعلن) //۲ -(مفعولُ مفعولُ مف)//۲-

(2//1011011) (دلدارِ دلدارِ دل)//۲ (نو دلبری دلبری)//۲

چون خار و خس روز و شب// افتاده ام در رهت

باشد که بر حال من //افتد نظر ناگهت (جامی) (نجفی* :۶۴)

شاها بمیرد ز غم // این خواهر مضطرت

ای میر صد پاره تن // ای شاه بی سر حسین (حیرانی اصفهانی ، دیوان: ۴۱۸) (پناهی، ج۱ : ۲۲۵)

گر عاشقی نقد جان// در راه جانان دهد

شاید که یک بوسه اش// آن لعل خندان دهد (الهی قمشه‌ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۱)

صورتگر چیره دست //نقشی پدیدار کرد

وین هر چه هستی که هست//وارونه انگار کرد (سیمین بهبهانی) (بهمن ۵۵) (نجفی* :۲۰۳)

ای جلوه‌ی آرزو// ای شمع شبهای من

ای منظر دلکشِ // دنیای رویای من (شفیعی کدکنی ، شاه‌حسینی:۸۸)

آن روشنایی که بود// گشته نهان در زمین

آنَک به مشرق رسید// از طرْف او بردمید (المعجم ، شمیسا: ۱۶۶)

از عشق آن بی وفا //افتاده ام در بلا

هرگز نگوید مرا //برخیز و یک دم بیا (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۲)

کردم ز روی صفا //منزل به کوی وفا

دیدم نگار مرا //جای شگرف و چه جا (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۲)

- عضو بحر دودویی «مفعولُ» 0x3/3

0x2DDD

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعل

(10110111011101) (ای پری‌رو ای پری‌رو ای پری‌رو پری)

تا کی از هجران ، نگارا چند باشم به درد

سنگ و آهن نیستم من چند باشم صبور (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۰)

با تو خوبی کرد خواهم گر تو خوبی کنی

ور تو زشتی کرد خواهی با تو زشتی کنم (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۰)

0x2DEB

مستفعلن فعولن مستفعلن فاعلن

(جانا بیا نگارا جانا بیا دلبرا) (10110111101011)

در دشت تشنگی ها مردیم و آبی نبود

حوض بلور باران غیر سرابی نبود (رضا عبداللهی) (دادگر:۱۷۷)

0x2E49

فاعلُ فاعلُ مفعولن فعل

(دلبرِ دلبرِ دلبرِ دل‌داران بیا) (نو شکری شکری شکری جانی پری) (10111001001001)

ای شده جان خراب به راهت پی سپر

وی شده بی رخ خوب تو روزم تیره تر (تحفه الهند : ۱۷۷)

0x2E5C

فعلاتن فاعلن//۲ – (مهِ جانی ماهِ جان)//۲ (2//1011100)

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

پس از این زاری مکن || هوس یاری مکن (پرویز وکیلی ، پناهی ، ج۴ ، ۱۱۸) (طبیب‌زاده❊ : ۳۰۶)

همه جا را سر زدم || دل من پروانه شد

شده ام مهمان گل || گل زیبا خانه شد (علوی‌فرد : ۷۸)

0x2E73

مستفعلتن مستفعلتن مستفعلت

(شیرین شکری شیرین شکری شیرین شکر) (10111001110011)

با من صنما دل یکدله کن آمد بهار

گر سر ننهم آن گه گله کن جامی بیار (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن» 0x13/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❊ : ۲۷۸)
- ساخته شده بر اساس شعر مولانا (با من صنما...)

0x2E79

متفعلن فعلن مفتعلن فعلن فعل

(10111001//111001) (دلبرکا جانا دلبرکا جانا بیا)

گیسویت شب تار // رویت ماه چارده

زلف کجت زنار // طره‌ی تو کافر نشان ◀ (تحفه الهند : ۱۵۲)

- «و ارکان تقطیعش به عربی چنین بود: مفعولن فعلان مفعولن مستفعلن یا چنین بود مفتعلن فعلان مفتعلن مستفعلان» (تحفه الهند : ۱۵۲)

0x2EDD دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x2EDD -0//14 حالت غیر دوری

(2*1011101) (فاعلاتن فاعلا) *۲

گر به بستان بی تو آیم خار شد گلزار ما

ور به زندان با تو آیم گل بروید خار ما (مولانا) (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۸۹)

- وزن غیر دوری فوق بنا به تعریف عضو بحر دودویی فاعلاتن نیست

0x2EDD -7//7 حالت دوری

(2//1011101) فاعلاتن فاعلا //۲ – (ماهِ جانی ماهِ جان)//۲

یار ما دلدار ما// عالم اسرار ما

یوسف دلدار ما// رونق بازار ما (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۵۸)

فاعلاتن فاعلات //فاعلاتن فاعلات

شمس تبریزی تویی // هم شه و هم ترجمان (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۵۸)

دل ز هجرت ای صنم //خون خود را می خورد

جان ز دستت ای صنم// جامه بر تن می درد (جامی) (نجفی* :۹۶)

در خمارم ساقیا//ساغری ده از می‌ام

دل‌فگارم مطربا//نغمه‌ای زن در نی‌ام (فرصت) (نجفی* : ۹۶)

باده برگیر ای صنم //رود بردار و بزن
چند خواهی خورد غم// دور کن از دل حزن (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۰)
مدتی شد بس مدید//کز رحت گل برنچید
به چو دزدان در خفا// نه چو مستان در علن (عروض حمیدی) (نجفی* :۹۶)

- عضو بحر دودویی «فاعلاتن» 0x D/4
- «جای شگفت است که چرا شاعران عرب به اصل این وزن که موزون می نماید ، شعر نسروده اند...مسعود فرزاد می نویسد { راجع به شعر «گر به بستان...» مولانا} این تنها شعری ست که در این وزن سراغ دارد . این وزن را باید یکی از اوزانی که مولوی ساخته است دانست . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۸۹)
- «این وزن مقایسه شود با اوزان دوری بحر مفتعلن (مفتعلن فاعلن ۲ بار: زاهد خلوت نشین...) . بعضی از اشعار را می‌توان بر این هر دو وزن خواند. (ذوبحرین) ، چنانکه در عروض همایون هم به این نکته اشاره شده (ص ۶۹) و بیت ذیل شاهد مثال آمده است :
چون دم طغیان زند قلزم ز خار شب
لُجه‌ی مَتر افکند زورق رز سوی لب (خواجه عصمت الله)» (نجفی* :۹۶)

0x2EED

فاعلن فاعلن مستفعلن مستفعلن
(دلبرا دلبرا جانا بیا جانا بیا) (10111011101101)

ماه من می روی آتش به جانم می زنی
ناوکی از ستم بر استخوانم می زنی (رضا عبداللهی) (دادگر:۳۱۱)

0x2EEE

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفا
(بیا جانا بیا جانا بیا جانا بیا) (10111011101110)

مغنی وقت آن آمد که بنوازی رباب
صبوح است ای بت ساقی بده جام شراب
اگر مُردم بشوئیدم به آب چشم جام
وگر دورم بخوانیدم به آواز رباب (خواجوی کرمانی) (پناهی، ج۲: ۱۹)

در این هنگام پیری نوجوانی کرده ام
دلم را وقف عشق جاودانی کرده ام (رسول زاده) (پناهی، ج۲: ۱۹)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4
- دکتر شمیسا این وزن را از ابداعات خواجوی کرمانی می داند . (شمیسا،۱۳۷۶: ۲)
- «وزن فوق که شگفتا از نظر همه عروضیان پنهان مانده است ، به سبب عدم استعمال ظاهرا به گوش نامطبوع و حتی ناموزن می‌نماید و حال آنکه تفرّع آن منطقی و مطابق قاعده است. با این همه در این بحر {مفاعیلن}هیچ وزن دیگری نیست که رکن پایانی آن بر فعول(U-U) یا فعل (U-) باشد. » (نجفی٭ :۷۹)

0x2F5E

(2//1011110) (مفاعیلن فاعلن) //۲ – (بیا جانانا بیا)//۲

اگر از اینجا رفته بود// اگر ، آنجا مانده بود
چو بارانی از بهار //چو خوابی در چشم من (شمیسا) (شمیسا٭ : ۱۵۵)

- عضو بحر دودویی 0x5E /7 (مفاعیلن فاعلن)

0x2FDF

(مفعولاتن فاعلن) //۲ – (جانا جانا دلبرا)//۲

(2//1011111) (جانا جانانا بیا)//۲

جانا چون با می کشان می پیمایی جام می
باری ما را نیز ده زان جامی ایام دی (تحفه الهند : ۲۲۹)

0x3249

مفتعلن فعلن فعلن فعلاتن – فاعلُ فاعلُ فاعلُ فاعلُ فاعل

(11001001001001) (شد مهِ من مهِ من مهِ من مه من شد) – (دلبرِ دلبرِ دلبرِ دلبرِ دلبر)

جامه دران سحری می صاف بیاور

بربط و نی ، دف و چنگ ، سه تار بیاور (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فاعلُ » 0x1/3

0x3264

فعلن فعلن فع //۲ - فعلا فعلاتن//۲ - (فعلات فعولن) //۲

(2//1100100) (مهِ جان مهِ جان مه)//۲

چه کم ار تو بگردد// که به هر سر راهی

بزنی تو به لطفم //به خدنگ نگاهی (ظهیر فاریابی) (نجفی* : ۷۳)

به ملاحت حسنت //دل من بربودی

به ملالت هجرت //غم من بفزودی (ادیب طوسی) (نجفی* : ۷۳)

به تکا... به تکاپو ♫ // ز ره سفر آمد

هی و های و هیاهو//که به خانه درآمد (سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۳ :۹۷) (طبیب‌زاده* :۱۸۵) ۶۳/۳

- عضو بحر دودویی « فعلن» 0x4/3

0x3294

متفاعلن متفاعلن مُتَفاعِلْ

(11001010010100) (مهِ جان بتا مهِ جان بتا مه جان بت)

چه کنم که ره ببرم به کوی حبیبم

به خدا که نیست ز قهر یار شکیبم (الهی قمشه‌ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۹)

همه ساله من ز فراق او به فغانم (المعجم) (نجفی* :۲۳۸)

چه کنم که جز به مراد خود نرود دل

چه کنم که جز به تو دل همی نگراید(معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۵)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5

0x32AC

فعلاتن مفاعلاتن فعل فعلاتن

(11001010101100) (نظری کن بیا بیا نظری کن)

ببین ببین

که چکارت کنم ببین

که چکارت کنم ز گریه جویم و دل را ▶ (تصنیفی از محسن نامجو، شاعر؟؟)

0x32B2

مفاعلتن فاعلن مفاعلتن فا- علن فعلاتن مفاعلن فعلاتن

(11001010110010) (بتی مهِ جانی بتی بتی مهِ جانی)

در این شبِ آرام هر ترانه تویی تو

تمامِ صداها ترانه ای ز تو باشد (سیروس شمیسا) (قطعه کامل) (نجفی❋ :۳۴۵)

تویی تو که در من خلود خاطره مانی

همان تو که هرگز به جز سکوت نبودی(سیروس شمیسا) (نجفی❋ :۳۴۵)

ز دوست نخواهم گرفت هیچ بهانه

به یاد تو ای روزگار عشق و جوانی (نجفی) (نجفی❋ :۳۴۵)

به گور توان برد خاطرات جوانی

ولی نتوانم نهفت درد جدایی (نجفی) (نجفی❋ :۳۴۵)

- عضو بحر دودویی « علن فعلاتن مفا» 0xB2/8

0x32E5

(فاعلن فعلاتن) //۲ -(مستفاعلُ مستف)//۲

(2//1100101) (تیک تیک شنیدی) //۲

خواهد از منِ رسوا //یارِ آینه رویم

کانچه خواهد و گوید// طوطیانه بگویم (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۵) (تیر ۵۷)

من کلاله‌ی مهرم//سر به سر همه گیتی

مرز و بوم و دیارم//شهر و خانه و کویم(سیمین بهبهانی) (پناهی ، ج۲: ۱۲۹)

دست کینه‌ی افلاک//بسته بال و پرم را

تا چمن که رساند // از قفس خبرم را (محمد قهرمان) (پناهی ، ج۲: ۱۲۹)

خیز و طرف چمن گیر//با حریف سمن روی
گاه سنبلِ تر چین//گاه شاخِ سمن‌بوی (بحورالالحان) (نجفی* :۳۴۳)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُ» 0x5/5

0x3333

لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

(11001100110011) (جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی)

ای از رخ تو تافته زیبایی و اورنگ
افروخته از طلعت تو مسند و اورنگ (شهید بلخی) (نجفی* : ۱۴۲)
بر بحر هزج گفتی و تقطیعش کردی
مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن (ناصر خسرو) (عیدگاه طرقبه‌ای: ۱۰۰)
خیزید و خز آرید که هنگام خزان است
باد خنک از جانب خوارزم وزان است (منوچهری) (نجفی* : ۱۴۳)
این است جواب غزل خواجه سنایی
بق بق بقو بق بقو بق بقَیقی ♫ (سوزنی سمرقندی) (اخوان ثالث ، ۱۳۷۴ :۳۶)
از وزن نپرسید که بیرون ز شمارست
مفعول مفاعیلُ مفاعیل (خواجو) (شمیسا،۱۳۷۶: ۱)
ای مژده که آن غمزه غماز مرا جست
وی بخت که آن طره طرار مرا یافت(مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۶۳)
گل در بر و می در کف و معشوق به کام است
سلطان جهانم به چنین روز غلام است (حافظ) (نجفی* : ۱۴۳)
سبحانَکَ سبحانَکَ سبحانَکَ یا حق ♫
تا چند سراسیمه بر این گوی معلق (خلیل الله خلیلی) (نجفی* : ۱۴۴)
از خون جوانان وطن لاله دمیده
از ماتم سرو قدشان سرو خمیده (عارف قزوینی)

ای خسرو خوبان جهان «حق حقَ قی قی»
وی نور تو بر کل جهان «مطلقَ قی قی»
آن دم که زند بانگ خروسان سحرگاه
«قو قا قوقوقا، قو قوقوقا ، قو قوقی قی» (منسوب به مولانا) (عبارات مشخص شده کوتاه و سریع تلفظ شود)

صد سال به اومید سلامی و پیامی
چون معتکفان بر در و بام تو توان زد (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۹)
غمّاز به مُطبِق به و بدخواه به دوزخ ◀
من با تو نشسته روی بر روی نهاده (المعجم ، شمیسا: ۱۴۹)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُ » 0x3/4

- یکی از قدیمی ترین شعرهای فارسی ، شعر زیر از یزید بن مفرغ است:

آب است و نبیذ است   عصارات زبیت است
و دنبه فربه و پی است   و سمیّه روسبی است

دقت کنید اگر در دو پاره اول «است» رابه شکل «استُ» بخوانیم و دو پاره را به هم بچسبانیم این وزن به وجود می آید . (نجفی، ۱۳۹۴، ب: ۵۹)

- «این وزن یکی از اوزان یونانی به نام sot adean است . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۳۷)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- وقار شیرازی قصیده ای درباره زلزله سروده است که «وزن این شعر شاد و طرب انگیز است و پیداست که نه تنها دل شاعر از این مصیبت به درد نیامده بلکه شاعر حتی اطلاعی از موسیقی و حالت خاص هر یک از اوزان نداشته است .

مطلع قصیده‌ی وی چنین است: { وزن مستفعل مستفعل مستفعل فعلن }
دل در هم و خاطر به غم و سینه به تاب است   شهری به خروش است و جهانی به عذاب است
در پایان همین قصیده به مدح شاه نیز پرداخته است . مقایسه وزن این قصیده با وزن قصیده‌ی قطران تبریزی که درباره‌ی مصائب زلزله‌ی تبریز سروده ، استادی قطران را در انتخاب وزن به خوبی نشان می دهد { وزن مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن }
بود محال ترا داشتن امید محال   به عالمی که نباشد همیشه بر یک حال ...
یکی نبود که گوید به دیگری که مموی   یکی نبود که گوید به دیگری که منال»
(وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۶۳)

- مادر یک خانواده وزن ۸ عضوی:

خانواده وزن (1100-1100-1100-11) – (مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فَعِلن)		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x3333	1100-1100-1100-11
2	0x1F33	111-1100-1100-11
3	0x19F3	1100-111-1100-11
4	0x199F	1100-1100-111-11
5	0xFF3	111-111-1100-11
6	0xF9F	111-1100-111-11
7	0xCFF	1100-111-111-11
8	0x7FF	111-111-111-11

0x333E

علاتن فع‌لاتن فعلاتن فعلاتن – (نگاری دلداری تو نگاری تو نگاری)

(11001100111110)   (ز جانی مهجانی مهِ جانی مهِ جانی)

تو آن تافته نجمی که تو را نیست غروبی

تو آن روشن ماهی که تو را نیست زوالی ► (محمد تقی بهار) (دیوان: ۱۰۵۲)

- عضو خانواده « علاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن »

0x333F

فع‌لاتن فع‌لاتن فعلاتن فعلاتن –

(1100-1100-111-111)   (مهجانی مهجانی مهِ جانی مهِ جانی)

دلدارا دلدارا //دل من رای تو دارد

جانانا جانانا // سر سودای تو دارد (ابوالحسنی)

- شاهد سروده شده بر اساس : دل من رای تو دارد... (مولانا)
- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ❊ ۴ »

0x3353

مستفعلُ فاعلاتُ مستفعلُ فاعل - لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن مف

(11001101010011) (جانی مهِ دل بتی ز جانی مهِ دل بت)

غمّاز به مُطْبِق به و بدخواه به دوزخ

من با تو نشسته روی بر روی نهاده ▶ (المعجم ، شمیسا: ۱۴۹)

آن سرو سهی که بار خورشید روان دارد

همواره ستاره از دو چشم من روان دارد (بی نام) (درّه نجفی: ۲۴۷)

- عضو بحر دودویی 0x53/8 («مستفعلُ فاعلاتُ» « لن مفتعلن مفاعِ »)
- { در مورد بیت المعجم} مصرع ۱ بر (مستفعلُ مستفعلُ فعلن) و مصرع دوم بر وزن هم آوا بر اساس عارض تبدیل مفاعلن و مفاعیل است بنگرید به (نجفی،۱۳۹۴،الف : ۴۳)

0x335F

مفعولن مستفعلن فعولن فعلاتن

(11001101011111) (جانانا جانا بتا نگارا شکرینا)

زلف درازت دام و دانه اش خال سیاهت

خطّ عنبرین شام و کوکبش روی چو ماهت

نرگس تو بیمار و نوش لعل تو مسیحا

رخسارت گلزار و قامتت سرو دلارا ▶ (تحفه الهند : ۱۵۴)

0x3366

(2//1100110) (مفاعیلُ مفاعیلْ) //۲ - (نگاری چه نگاری)//۲

الا وقت صبوح است // نه گرم است و نه سرد است

نه ابر است و نه خورشید// نه باد است و نه گرد است (منوچهری) (نجفی❊ :۱۳۴)

زهی روز زهی روز ♫// زهی روز دل افروز

از آن چشم کرشمه //وزان لب شکرافشان (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۶۶)

کجایی تو کجایی؟ ♫ //نه از حلقه‌ی مایی ▶

وگر خود به بهشتی//چه خوش باشد بی‌جان؟(مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۶۶)

بمیرید بمیرید ♫//در این عشق بمیرید
در این عشق چو مردید//همه روح پذیرید (مولانا) (نجفی❊ :۱۳۹)
به رخ ماهِ تمامی//به قد سرو روانی
به لب راحتِ روحی//به چشم آفت جانی (جامی) (نجفی❊ :۳۹۴)

بهار آمد و مصقول بر [ا] فکند حوالی
نسیم سمن آورد به من باد شمالی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۸)

- عضو بحر دودویی 0x6/4 (مفاعیلُ)

0x3393
مستفعلتن فعلن مستفعلتن فع – (جانا توبیا توبیا جانا تو بیا تو) (110011//10010011)

- گفتی چه بُود به لبت // گفتم که خدایی
- گفتی چه بُود به دلت //گفتم که بلایی (ابوالحسنی)

0x339C
فعلیاتن فعلیاتن فعلیا – (مهِ دلهایی مهِ دلهایی مهِ دلها) (11001110011100)

بزن ای مطرب دف و بربط ، در شبِ نوروز
که زمستان رفت و بهارآمد به گلستان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن» 0x1C/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در(طبیب‌زاده❊ : ۳۰۸)

0x33E6

علاتن فعلاتن فع‌لاتن فعلاتن

(ز جانی مهِ جانی مهجانی مهِ جانی)　　　(11001111100110)

مرا نیست ز هجرت جانی در تن خسته

مرا نیست به وصلت امّیدی به زمانه (ابوالحسنی)

- عضو خانواده « علاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن »

0x33E7

مفعولن فعلاتن//۲ – (مهجانی مهِ جانی)//۲　　　(2//1100111)

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

با تو در همه جایم //با من در همه جایی

داری قصه برایم//دارم شعر رهایی   (علوی‌فرد : ۵۲)

کو آن محفل مستی//کو آن باده پرستی

کو آن سوز دل من//کو آن پرتو روشن (بیژن ترقی در پناهی ، ج۵: ۱۷۷) (طبیب‌زاده* : ۲۴۰)

- عضو بحر دودویی 0x E7/8 (مفعولن فعلیاتن)
- این وزن هم می‌تواند مسقل باشد و هم عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن * ۴ » باشد.

0x33EB

مستفعلن مفاعیلن مستفعلُ فعلن

(11001111101011) (جانا بیا نگارینا جانا شکرینا)

زر خواهی و ترنج اینک از این دو رخ من

می خواهی و گل و نرگس، از آن دو رخ جوی (رودکی) (نجفی❊ : ۱۳۱)

آمد شبی به آغوشم رقصان و غزل خوان (ابوالحسنی)

- (این یک تک بیت از رودکی است و به نظر می‌رسد وزن مصرع اول 0x33EB و وزن مصرع دوم 0x1BCB باشد هر چند نجفی و طبیب زاده آن را زیر وزن (1001/1001/1001/11) طبقه‌بندی کرده‌اند . (طبیب‌زاده❊ : ۲۴۵) (نجفی❊ :۱۳۱))

۱	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱
زر	خوا	هـ	یُ	تُ	رن	جی	نک	از	این	دو	ر	خِ	من

۱	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱
می	خوا	هـ	یُ	گُ	لُ	نر	گس	از	آن	دو	رخ	جوی

0x33FC

فعلاتن مفعولن مفعولن فعلاتن –

(1100-111-111-1100) (مهِ جانی مهجانی مهجانی مهِ جانی)

ز جهان گر پنهانم ، بر دلدار عیانم (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ❊ ۴ »

0x33FD

فاعلاتن فعِلاتن فعِلاتن فعلاتن –

(ماهِ جانی مهجانی مهجانی مهِ جانی) (1100-111-111-1101)

از جهان گر پنهانم ، بر دلدار عیانم (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ❊ ۴ »

0x34A5

مستفاعلُ مستفاعلُ مستفاعلْ

(دلبرم شده دلبرم شده دلبرم شده) (11010010100101)

من کجا طلبم ز بهر خدا بگو دل (معیارالاشعار) (نجفی❊ :۲۵۳)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُ » 0x5/5
- «معیارالاشعار از این رکن با عنوان « فاعلاتَکَ» نام می‌برد و آن را «وزن مهمل» می‌شمارد» (نجفی❊ :۲۵۳)

0x34BB

مستفعلن مستفعلن فعلاتُ فعِلن –(جانا بیا جانا بیا توبیا بیاسا) (11010010111011)

در عاشقی از مدعی غم دل نهفتم

وز رنج هجرش با کسی سخنی نگفتم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۶۹۱)

0x34D4

تعلن مفاعلن مفتعلن مفاعل - فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُ فاعل

(مهِ جان شبی بتم شو مهِ جان شبی بت) (11010011010100)

چه کنم حدیث شکّرچو لبت گزیدم

چه کنم نبات مصری چو شکر مزیدم

بتو کی توان رسیدن چو ز خویش رفتم

ز تو چون توان بریدن چو ز خود بریدم (خواجوی کرمانی) (نجفی❊ :۳۶۶)

- عضو بحر دودویی 0xD4/8 (« تعلن مفاعلن مف» « فعلاتُ فاعلاتن »)
- دکتر شمیسا این وزن را از ابداعات خواجوی کرمانی می داند . (شمیسا،۱۳۷۶: ۲)

0x34E9

(2//1101001) (مفتعلن فعولن) //۲ - (دلبرکا نگارا)//۲ – (ناز بیا بیا ناز)//۲

کار تو دل‌فروزی// شغل تو دیده دوزی ▶

دین تو بنده سوزی// ای من غلام دینت (اوحدی) (نجفی❋ :۴۱۶)

ای شه جاودانی // وی مه آسمانی

چشمه‌ی زندگانی // گلشن لامکانی (مولانا) (نجفی❋ :۲۷۹)

زد به درونم آتش //تنگ قبا سواری

دست به خونم آلود //ماه لقا نگاری (محتشم کاشانی) (پناهی، ج۱ : ۱۷۶)

هم به روش ظریفی// هم به صفا تمامی

سروی اگر به باغی //ماهی اگر به بامی (آذر بیگدلی) (پناهی، ج۱ : ۱۷۶)

باز کشید دنیا //چادر برف بر سر

باز به اندرون شد// آتش سرخ پیکر (غلامحسین ضرابی) (پناهی، ج۱ : ۱۷۷)

دل چو به دوست بستم//از همگان گسستم

شادی جان گزیدم//در غم او نشستم (ادیب طوسی) (نجفی❋ :۴۱۶)

ای بت مه جبینم//چهره ز من مپوشان

دلبر نازنینم //چهره ز من مپوشان (عروض بابر:۱۵۲)

- عضو بحر دودویی 0x9/5 («مفتعلاتُ»)
- غزل مولانا با نوای (فاعلن فاعلاتن) //۲ است ولی در اینجا با تقطیعی دیگر از این بیت وزن می‌تواند (مفتعلن فعولن)//۲ شود : (بنگرید به نجفی❋ :۴۱۶)

ای شه جاودانی// وی مه آسمانی || چشمه‌ی زندگانی//گلشن لامکانی

ای شکر بنده‌ی تو//زان شکرخنده‌ی تو || ای جهان زنده‌ی تو//غرقه‌ی زندگانی (مولانا)

- در مورد بیت اوحدی هم وزن کل غزل «مستفعلن فعولن» ۲ بار است اما این مصرع می‌تواند به اسن شیوه تقطیع شود. (بنگرید به نجفی❋ :۴۱۶)

0x3555

فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فاعل –

(ماهتاب ماهتاب ماهتاب ماهی)

(نو بتا بیا بتا بیا بتا بیا نو) (11010101010101)

آن عزیز نغز گویِ خوش سخن کجا رفت ؟

نازنین رفیقِ کودکیِ من چرا رفت ؟ (ایرج کابلی) (کابلی:۱۴۲)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2

0x355A

مفاعلاتن مفاعلا مفاعلاتن – (بتا بیاسا بتا بیا بتا بیاسا) (11010101011010)

بهار دلکش رسید و دل به جا نباشد

از آن که دلبر دمی به فکر ما نباشد

در این بهار ای صنم بیا و آشتی کن

که جنگ و کین با من حزین روا نباشد (بهار ،تصنیف بهار دلکش) (نصیری‌فر:۷۷)

ز در درآمد نگار من //چو ماهتابی

غزل بخوان مطربا بزن //سه تار و بربط (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x15A/9 (مفاعلاتن مفاعلا)
- این وزن می‌تواند به شکل مستزاد هم باشد
- مصرع های دیگری از این تصنیف نیز بر این وزن است .

0x356A

(مفاعلن مفاعلْ) //۲ – (بیا بیا بیاسا)//۲ – (بتی بیت بتی بت)//۲ (2//1101010)

دلِ دلِ دلِ تو♫// دلِ مرا مرنجان

چرا چرا چه معنی// مرا کُنی پریشان (مولوی،غزل ۱۸۸۹)

مها تویی سلیمان // فراق و غم چو دیوان

چو دور شد سلیمان // نه دست یافت شیطان (مولوی) (نجفی❋ :۱۶۶)

زمان ، زمان خواب است// ز ربط و نظم ، عاری
نموده ها مشوّش// پدیده ها غباری (سیمین بهبهانی)   (نجفی* :۱۶۷)
سوار خواهد آمد //سرای ، رفت و رو کن
کلوچه بر سبد نه //شراب در سبو کن (سیمین بهبهانی)   (نجفی* :۳۷۳)
تو ای پری کجایی //که رخ نمی نمایی
از آن بهشت پنهان //دری نمی گشایی (ابتهاج ، تصنیف تو ای پری کجایی) (نصیری‌فر:۶۶۷)
نمی‌گذارم از من // بگیردت زمانه
به هر دلیلی این بار// و یا به هر بهانه(حسین منزوی) (فیروزیان:۱۰۵)

مرا غم تو ای دوست// زخان و مان برآورد
مرا فراقت ای ماه //ز مال و جان برآورد (المعجم ، شمیسا: ۱۳۶)
فروغ جام باده// دلت به نور داده
یلان شاهزاده// تو را چو پرده دارا (المعجم ، شمیسا: ۱۴۷)
همیشه شادمان باش// به کام دوستان باش
تو جاودان جوان باش //عدوت خاکسارا (المعجم ، شمیسا: ۱۴۸)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2
- عضو بحر دودویی 0x6A/7 («مفاعلن فعولن»)

0x356D
(11010101101101)   فاعلن فاعلن فاعلن مفاعلاتن – (دلبری دلبری دلبری که دلبری تو)

ترسم این تیره شب را سحر دگر نباشد
زین بیابان مرا ره دگر به در نباشد
همچو پروانه گرد تو من دگر نگردم
در خم گیسویت دل من دگر نباشد (عماد خراسانی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۸) (غزل کامل)

0x3595

تن مفاعلن فعلاتن مفاعلن فع

(11010110010101) (گلرخی بتی مهِ جان گلرخی بتی مه)

من در آن نفس که بمیرم در آرزویت

سر خوشم شوم نفسی خاک پاک کویت (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x95/8 («تن مفاعلن فعلا» «فاعلن مفاعلتن»)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❋ : ۳۹۷)
- مصرع اول از شعر سعدی : در آن نفس که بمیرم //در آرزوی تو باشم

0x35AC

(11010110101100) فعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن (تونگارا بیا نگارا بیا نگارا)

و قسم می خورم به بویت که عطر هستی ست

که نگیرم وطن جز آغوش گرمت ای گل (ابوالحسنی)

0x35EB

(مستفعلن فعولن) //۲ – (جانی نسیمِ جانی)//۲

(2//1101011) (مهجان بیا بیارا)//۲

اینک رهی به مژگان//راه تو پاک رُفته

نزدیک تو نه مایه//نه نیز هیچ سفته (جلاب بخارایی در وحیدیان‌کامیار:۴۷) (طبیب‌زاده❋ :۳۸۵)

سرو است و کوه سیمین//جز یک میانش سوزن

خسته است جان عاشق//وز غمزگانش بلکن (ابوالمثل بخارایی در وحیدیان‌کامیار:۵۲) (طبیب‌زاده❋ :۳۸۶)

خوبان همه سپاه اند //وشان خدایگان است

مر نیک بختی ام را// بر روی او نشان است (رودکی) (شمیسا❋: ۱۳۴)

ای توبه ام شکسته// از تو کجا گریزم

ای در دلم نشسته //از تو کجا گریزم (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹: ۱۷۴)

بگذار تا بگریم// چون ابر در بهاران

کز سنگ ناله خیزد// روز وداع یاران (سعدی) (نجفی❋ :۱۶۷)

گفتم غم تو دارم //گفتا غمت سرآید

گفتم که ماه من شو//گفتا اگر برآید (حافظ ، غزل ۲۳۱ قزوینی)

ای وای بر اسیری // کز یاد رفته باشد
در دام مانده باشد//صیاد رفته باشد (حزین) (نجفی* :۳۰۵)
ای آبیِ دو چشمت//هفت آسمان دیگر
خندیده در نگاهت// رنگین کمان دیگر(سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۱۰۳)

مستفعلن فعولن// مستفعلن فعولن
بحر مضارع است این //گر خوش همی‌نوازی (ادیب الممالک فراهانی) (نجفی* :۳۰۵)

ای رایت رفیعت// بنیاد نظم عالم
وی گوهر شریفت// مقصود نسل آدم (انوری) (المعجم ، شمیسا: ۱۷۱)
ای ماه خند خندان // ای سرو ناز نازان
با روی تندرستان // با چشم دردمندان (المعجم) (شمیسا* : ۱۴۰)

- عضو بحر دودویی 0x6B/7 («مستفعلن فعولن»)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- این وزن می‌تواند عضو خانواده وزنی 0xD4D4، (فعلاتُ فاعلاتن)*۲ باشد مثل :

صنما جفا رها کن// کرم این روا ندارد (مولوی)
از غم شبان هجران//از دیده خون فشانم (ابوالحسنی)

- این وزن می‌تواند فرزند(110101100101011) با کد وزنی 0x6B2B باشد مثل شعر زیر که مصرع اول بر وزن 0x6B2B و مصرع دوم بر وزن 0x35EB است . (تبدیل هجاهای کوتاه هفتم و هشتم به هجای بلند) :

آن لابه‌های گرم تو ز اول بسوخت جانم
زیرا که همچو آتش یک سر همه زبانی (خاقانی) (پناهی ، ج۲: ۷۲)

0x3656

علاتن مفاعلن فَعلاتن مفاعل -مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعل -

(11011001010110) (بتم شو بتم بتم تو بتم شو بتم بت)

تو گویی مرا از چه چنین مستمندی

ازیرا که بیخِ لهو، ز جانم بکندی ► (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۳)

درآمد شبی ز در مهِ دل مستِ ساغر

بهاران شدم ز او دف و بربط نوازید (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x56/8 («علاتن مفاعلن فَ» « مفاعیلُ فاعلاتُ»)
- شاهد نثر:«نخستین کسی که از درِ شهر اندر آید» (گلستان سعدی) (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴ : ۱۲۸)

0x366C

فعلاتن فعولن//۲ – (چه نگاری نگاری)//۲ (2//1101100)

اگر از اشتیاقت// بتوانم صبوری

من و ترک محبت//من و از عشق دوری (ادیب طوسی) (نجفی❊ :۲۷۹)

به جز این نیست راهی// به جز این نیست شاهی

به جز این نیست ماهی// به جز این نیست فانی (تغییر شعر مولوی) (نجفی❊ : ۲۸۰)

همه عمر مستِ مستم // که شرابم تو هستی

به خدا هم بگویم// که خدایم تو هستی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x EC/8 (فعلاتن مفاعیلن)
- نجفی شاهد (به جز این ...) را بر اساس بیت زیر از مولوی ساخته است :

  غیر این نیست راهی//غیر این نیست شاهی

  غیر این نیست ماهی// غیر این نیست فانی (مولوی) (نجفی❊ :۲۷۹)

0x3696

مفاعیلتن فعلن مفاعیلتن فع

(11011010010110) (بتم گشت آن مهِ دل بتم گشت آن مه)

به جز مهر طلعت او هوایی ندارم

به جز رنج دوریش آشنایی ندارم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۶۹۴)

- عضو بحر دودویی 0x96/8 («مفاعیلتن فعلن»)

0x3699

(110//11010011001) مفتعلن مفتعلن فعولن فعولن- (دلبرکا دلبرکا نگارا //نگارا)

لاله‌ی باغ دل من علی جان//علی جان

شمع دل محفل من علی جان //علی جان

طوطی‌ی من کز بر من پریدی//چه دیدی

غرقه به خون بسمل من علی جان //علی جان (کمپانی اصفهانی) (پناهی، ج۱: بخش ۸۱ تکمیلی)

0x36B5

مستفاعلُن مستفاعلُن مستفاعلْ

(11011010110101) (دل‌ربا بتی دل‌ربا بتی دل‌ربا بت)

هر سری که عشق و جنون و سودا ندارد

زان رخ نکو رخصت تماشا ندارد (الهی قمشه‌ای) (نجفی❊ :۲۲۸)

دیدی آن صنم رفت و با دل ما چه ها کرد

جان عاشقان را به درد و غم مبتلا کرد (الهی قمشه‌ای) (نجفی❊ :۲۲۸)

گر شبی به دست افتدت دلا زلف یاری

عاشقانه صد بوسه زن به لعل نگاری (الهی قمشه‌ای) (وحیدیان‌کامیار❊: ۶۸۶)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُن» 0x15/5
- «الهی قمشه‌ای در این وزن هشت غزل سروده است.» (مدرسی❊: ۱۷۶)

0x36CA

(11011011001010) مفاعلن فعلاتن فعولن فعولن - (بیا بیا تونگارا نگارا نگارا)

هنوز مثل تو دنیا ندیده کسی را

کمی شبیه تو حتی ندیده کسی را (ناصر ندیمی) (دادگر:۲۷۱)

در آستانه‌ی رفتن دلم را شکستی

کنار ساحل دریا چو زورق نشستی (شراره دادگر) (دادگر:۲۷۱)

0x36D6

(11011011010110) مفاعیلتن مفاعیلتن مفاعی

شتاب ای فلک شب تار ما را سحر کن (تصحیح فرزاد از الهی قمشه‌ای) (نجفی* :۲۲۳)

سپهر از وفا شبِ تارِ ما را سحر کرد (تصحیح فرزاد از الهی قمشه‌ای) (نجفی* :۲۲۳)

- عضو بحر دودویی 0x16/5 (مفاعیلتن)
- اصل ابیات به شکل زیر است :

شتاب ای فلک شب تار ما سحر کن

ز دل حسرتم ز سر حیرتم به در کن (الهی قمشه‌ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۲)

سپهر از وفا شبِ تارِ ما سحر کرد

رها مرغِ دل از این دام پر خطر کرد (الهی قمشه‌ای) (پناهی، ج۲: ۱۷۵)

- «ابیات فوق را {اصل ابیات} الهی قمشه‌ای را مسعود فرزاد «تصحیح» و به صورت دیگری تقطیع کرده است تا مطابق ضوابط عروضی خود او گردد (وزن ۱۷۲) » (نجفی* :۲۲۳)

0x36DB

مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولْ

عولن فعولن فعولن فعولن

(دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلدار)

(11011011011011) (جانی ز جانی ز جانی زجانی ز جانی)

این دشت سرسبز پر جلوه‌های نگارین

وین باغ سرشار از عطرِ گل‌برگ‌های بهارین (شفیعی کدکنی) (شمیسا*:۱۲۲)

این جا سراغ تو را از که باید بگیرم؟
این جا که بیگانگی عادت آشناهاست (حسین منزوی) (پناهی، ج۲: ۱۶۶)
در من کسی باز یادِ تو افتاد، امشب
بانگی تو را از درونم صلا داد، امشب (حسین منزوی) (فیروزیان: ۷۹)
آیا کسی پشت خواب تکامل مرا دید
یا جزیی از سایه بود آن که در کل مرا دید (غلامحسین عمرانی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۵)
ای در حریم تنت آرمیده بهاران
پیچیده بوی تو در ساغر میگساران (حسین آهی) (شمیسا*:۲۰۶)
باید بمانی برایم ، برایم ، برایم ♫
تا با تو شاید مگر جان بگیرد صدایم (حسین آهی) (آهی ، ۱۳۵۷: ۱۷۴)
انبوه ابر سیاهی به خاور نشسته
آن‌سان که آغشته با رنگ خون رنگ بازان (مهدی ستایشگر) (پناهی ، ج۲: ۱۶۵)

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3
- «در اصل عولن فعولن فعولن فعولن یعنی ۵ رکنی است در شعر کهن سابقه ندارد. » (شمیسا* : ۲۰۶)

0x36ED
(فاعلا فاعلاتن) //۲ (فاعلن فاعلن فا) //۲
(2//1101101) (نو بتی نو بتی نو) //۲

دوش می گفت جانم// کای سپهر معظم
بس معلق زنانی //شعله ها اندر اشکم (مولانا) (نجفی* :۵۴)
بَردِه آن جام جان را // ساقیا بار دیگر
نیست در دین و دنیا// همچو تو یار دیگر(مولوی) (نجفی* : ۲۷۹)
دلبری در کلیسا//برده دل از قرارم
کرده سودای زلفش//شهره‌ی هر دیارم (ادیب نیشابوری) (نجفی* :۵۴)
عشق آمد چنین سرخ //آه با آنکه دیر است
سرخ گل رسته در برف// راستی دلپذیر است (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۵۴) (اسفند ۵۹)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3
- خواجه نصیر: «برین وزن هم به تازی شعر نیافته اند . » (معیارالاشعار ، فشارکی: ۲۲)

0x376D

(11011101101101) فاعلن فاعلن فاعلاتن فاعلاتن – (دلبرم دلبرم دلبرم کو دلبرم کو)

پای در چشمه بر تخته سنگی//خسته واری

خلوتی بی تو دارد پر از تو//بی تو آری

کفش فرسوده اش خواند در گوش//ماجرایی

رنج بیهوده اش بسته بر دوش//کوله باری (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۱) (۶۱/۴)

- این یک مستزاد است

0x376E

(2//1101110) (مفاعیلن فعولن) //۲ - (نگارم شد نگارم)//۲

همی نالم به دردا //همی گریم به زارا

که ماندم دور و مهجور// من از یار و دیارا (بهار) (پناهی، ج۲: ۱۵۳)

نمی آیی ببینی چه// آمد بر سر من

و باران گشته جاری// درون بستر من (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۳۲)

ز شب هر چند تا صبح // دو منزل بیشتر نیست

شبی دادند ما را// که در فکر سفر نیست (محمد قهرمان) (پناهی، ج۲: ۱۵۳)

مران از درگه خود//گدای آشنا را

منور کن ز حسنت//شبی بزم صفا را (نواب صفا) (نجفی* :۸۳)

نگاری دلربایی //ربود از من دل من

من بی دل چگونه // از او بوسه ستانم (فرالاوی) (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۰)

من آن مدهوش عشم // که از خویشم خبر نیست

مرا تا شد دل از دست//دگر پروای سر نیست (رساله عروض جامی) (نجفی* :۸۳)

چه مکتوبش نویسم //که باشد خامه ام خام

مگر آن سرو گلرخ //برد در نامه ام نام (مختصر وحیدی) (نجفی* :۸۳)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلن» 0xE/4
- خواجه نصیر بعد از نقل شعر فرالاوی می گوید: « در عرب و عجم از کسی دیگر شعری بر این بحر معلوم نشده است ، چنانکه بهرامی می گوید به پارسی بر این وزن اندک شعر دیده ام . » (معیار الاشعار) (شمیسا* : ۱۷۱)
- «وزن مفاعیلن فعولن دو بار ... به قول شمس قیس از بحور مستحدثه‌ی عجم است و از نوشته‌ی خواجه نصیر می توان استنباط کرد که اولین بار بهرامی سرخسی عروضی معروف بدان توجه کرده و برای آن از اشعار فرالاوی شاهد جسته است . » (شمیسا* : ۲۱۷)

0x37BD

فاعلیاتن فاعلیاتن فاعلیا

(1101//11101//11101) (ماهِ تابانی ماهِ تابانی ماه تابان)

تا سحر ماندم//ژاله افشاندم//او نیامد

با نوای دل //نغمه‌ها خواندم//او نیامد (سوسن وکیلی در پناهی ، ج۵: ۴۲) (طبیب‌زاده* : ۲۱۷)

عمه جان آبی//از سفر اکنون//خیر مقدم

عمه جان گویا//در برت بینم//رخت ماتم (حسین علی صفایی در پناهی ، ج۵: ۴۲) (طبیب‌زاده* : ۲۱۷)

- عضو بحر دودویی 0x1D/5 (فاعلیاتن)

0x37EF

(2//1101111) مفعولن فاعلاتن//۲- (یاری یاری چه یاری)//۲

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

پاییز آمد کمی زود || بادی آمد صدا کرد

آمد از روی شاخه || هر برگی را جدا کرد (علوی‌فرد : ۵۰)

- عضو بحر دودویی « مستفعیلاتُ» 0xF/5

0x3959

مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فاعل - لن فعلاتن مفاعلن فعلاتن مف

(دلبرِ جان ماهتاب دلبرِ جان مهتاب)

(آن مهِ جان گشت یار آن مهِ جان گشته) (11100101011001)

بی تو شبم با ستاره شام غریبان است

با تو شبم بی ستاره نیز چراغان است (حسین منزوی) (پناهی، ج۲: ۸۶) (غزل کامل)

دیدم من تا نگاه چشم سیاهش را

تاب ندارم دوباره تاب نگاهش را (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی❋ : ۳۵۲)

نیّرِ اعظم عیان به ماهِ معظم شد

ماهِ معظم قرینِ نیّرِ اعظم شد (محمد حسن میرجهانی مشهور به حیران) (پناهی، ج۲: ۸۵)

- عضو بحر دودویی ۰x59/۸ («لن فعلاتن مفاعِ» «مفتعلن فاعلاتُ»)
- ضرب المثل: «زخم سنان بر تن است و زخم زبان بر جان» (پناهی، ج۲: ۸۶)

0x3972

مفاعلتن فعِلن//۲ - (بتی چه بتی هستی)//۲ (2//1110010)

لَقَد سَعدَ الدُنیا بهِ دامَ سَعدُهُ

وَ أیّدهُ الْمَولی بِألوِیَةِ النّصْرِ ► (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۵۷)

زمین کروی شکل است //شنیدی و می دانی

یمین و یسارش نیست //چنین که تو می خوانی (سیمین بهبهانی) ۶۰/۳ (پناهی ، ج۲: ۹۵)

به کاسه‌ی این خالی// چه بوده که دیگر نیست

تفکر و هشیاری// که نیست ، سرم سر نیست (سیمین بهبهانی) (پناهی ، ج۲: ۹۵) ۸۰/۳

- عضو بحر دودویی «مفاعلُ فعلن» 0x32/6

0x3976

فعولن مفاعیلن فعولُ مفاعیلن

(11100101110110) (بیا ماهِ تابانی بیا مهِ تابانی)

وَ قَطرٌ عَلی قَطرٍ اِذَا اتَّفَقَت نَهرٌ

وَ نَهرٌ عَلی نَهرٍ اِذَا اجتَمَعَت بَحرٌ (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۵۸)

نجویم قدح زیرا ز او شده ام سرمست (ابوالحسنی)

0x3999

مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتع

(11100110011001) (ای مهِ دل ای مهِ دل ای مهِ دل ای مه)

بی خبر از قافله در گوشه صحراها

گمشده در پیچ و خم شوق و تمناها (معینی کرمانشاهی در پناهی ، ج۴: ۱۴۰) (طبیب‌زاده* : ۲۳۷)

مژده که بگذشت دی و فصل بهار آمد

نغمه سرا بر سر هر شاخه هزار آمد (ادیب طوسی) (نجفی* :۱۸۰)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4

0x39F3

مستفعلتن مستف//۲ - « مستفعلُ مستفعلْ»*۲

(2//1110011) (زیبا رخِ زیبا رخ)//۲

تا کی کند او خوارم // تا کی زند او سنگم

فرسوده شدم آخر //گر آهن و گر سنگم (ابوشکور بلخی) (نجفی* :۱۵۶)

هان ای دل عبرت بین// از دیده نظر کن هان

ایوان مداین را //آیینه‌ی عبرت دان (خاقانی)

(دیوان خاقانی، چاپ خیام، تهران ، ۲۵۳۷، ص ۳۶۲)

من مست و تو دیوانه //ما را که برد خانه

صد بار تو را گفتم //کم خور دو سه پیمانه (مولانا) (نجفی* :۱۵۶)

ای مطرب خوش قاقا، تو قی قی و من قوقو

تو دق دق و من حق حق تو هی هی ومن هو هو (منسوب به مولانا)
وقتی دل سودایی //می‌رفت به بستان‌ها
بی خویشتنم کردی // بوی گل و ریحان ها (سعدی، غزل ۲۴ چاپ فروغی)
ای پادشه خوبان //داد از غم تنهایی
دل بی تو به جان آمد// وقت است که بازآیی (حافظ) (نجفی❋ :۱۵۶)
از زمزمه دلتنگیم//از همهمه بیزاریم
نه طاقتِ خاموشی// نه تابِ سخن داریم(حسین منزوی) (فیروزیان:۹۸)

گر یار نگارینم//در من نگرانستی
بار غم عشق او//بر من نه گرانستی (المعجم ، شمیسا: ۱۳۶)
ای من رهی آن دیدار //کز حسرت او هموار
کبک دری از کهسار//زی باختر آورده ست (المعجم) (شمیسا❋ : ۱۶۴)
ای کودک جادو وش // وی فتنه‌ی آهرمن ▶
شگّر لب و دیبا رخ و سنگین دل و سیمین تن (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۹)
گفتی بکشم یاری ، آن یار منم آری
گر کشته شوم باری ، در پای تو اولی تر (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۹)

- عضو بحر دودویی «مستفعلتن» 0x13/5
- « عطار در این وزن و مسبغ آن ۳۳ غزل ، حافظ ۵ و سعدی ۱۲ غزل سروده است . » (مدرسی❋: ۳۲۴)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)

- مادر یک خانواده وزن ۴ عضوی:

خانواده وزن (2//1110011)– « مستفعلُ مستفعلْ»❋۲		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x39F3	111-0011//111-0011
2	0x1FF3	111-111//111-0011
3	0x1CFF	111-0011//111-111
4	0xFFF	111-111//111-111

0x39F7

مفعولن مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن

(جانانا نگارینا جانانِ نگارینا) (11100111110111)

گر دانی که من بی تو تا چند بلا دیدم

سوی من گراییدی چون به تو گراییدم (المعجم ، شمیسا: ۱۴۹)

گر دانی که من بی تو تا چند بلا دیدم

می‌دانی که در عشقت ز اغیار چها دیدم (؟) (آهی ، ۱۳۵۷ :۶۵)

0x3A6A

مفاعلن مفاعیلُ مفاعلن فعلن (11101001101010)

درآمدی ز در جامه دران نگارینم

بده شراب ساقی دف و چنگ زن مطرب (ابوالحسنی)

- «این وزن هم منطقی و هم ظاهرا مطبوع است اما نمونه‌ای از آن نیز یافت نشده است. به عنوان مثال بیت زیر که باز به قیاس بیت المعجم ساخته شده است ، به این وزن است :

  همیشه شادمان باش و به کام یاران

  تو جاودان جوان باش [و] عدوت در خاک » (نجفی* :۳۷۰) {در شعر المعجم کلمات انتهای دو مصرع «به کام دوستان باش» و «عدوت خاکسارا» است.}

0x3A74

(فعلن فعولن فع) //۲ - متفاعلن فعلن//۲ -

(توبیا بیا یارا)//۲ (2//1110100)

چه دروغ می گویی //به شگفت می مانم

چه فریب می سازی// چه کنم نمی دانم (سیمین بهبهانی) (دادگر : ۱۳۳)

تو به گرگ می‌مانی//که به میش می‌ماند

منم آن که خواهد کشت//غم گوسفندانم (سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۴: ۲۷) (طبیب‌زاده* : ۳۱۱)

به خزانِ گلریزان سوی نینوا آمد

قد چون سهی سروَش ثمر بنی هاشم (شهریار) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۹)

- عضو بحر دودویی 0x34/6 (فعلن فعولن)

0x3A9A

مفاعلن مفتعلن مفاعلن مفتع

(بیا بیا ای مهِ دل بیا بیا ای مه) (11101010011010)

هزار شب را بدهم برای یک شامت

زمین شود شعله‌ور از ترشح جامت (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۳۸۲)

بیا که بی روی تو من به محنت افتادم

چه سان بگویم که به تو چگونه دل دادم (موحد محمدی) (نجفی، ۱۳۹۰ : ۱۲۰)

- عضو بحر دودویی «مفاعلن مفتعلن» 0x9A/8

0x3AA9

مفتعلن مفاعلن مفاعلن فعلن

(ای مهِ دل بتا بیا بتا بیا ای مه) (11101010101001)

دلبر خوش خرام من چو سوی بستان شد

سرو چمن به قدّ او چو دید حیران شد (عروض بابر:۱۱۳)

0x3AAA

مفاعلن مفاعلن مفاعلن فعلن

(بتا بیا بتا بیا بتا بیا جانا) (11101010101010)

خوش آن زمان که در دلم بهار رویا بود

دو چشم پر امید من به سوی فردا بود (لعبت والا در پناهی ، ج۵: ۱۰۰) (طبیب‌زاده* : ۲۶۶)

شب تا سحر به نام تو ترانه می‌خوانم

به شوق یک سلام تو همیشه می‌مانم (قیصر امین‌پور در پناهی ، ج۵: ۱۰۰) (طبیب‌زاده* : ۲۶۶)

برای شاعری که از خودش دلی دارد

هوای عشق نقطه‌ی مقابلی دارد (ناصر حامدی) (پناهی، ج۲: ۴۶)

0x3ACA

مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعِلن

(بتی بتی مهِ جانی بتی بتی مهجان) (11101011001010)

سرم خوش است و به بانگ بلند می‌گویم

که من نسیم حیات از پیاله می‌جویم (حافظ) (نجفی* :۳۲۳)

- عضو خانواده وزنی 0x4ACA ، (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن)

0x3AF5

(مستفاعلن مستف)//۲ – (فاعلاتُ مفعولن) //۲-

(یارِ یارِ یارانی)//۲

(شوقِ شوقِ آن مهِ دل)//۲ (2//1110101)

گر تو طالب عشقی//غم دمادم است این جا

ور نشانه می پرسی//رشته سرگسست این جا (اوحدی مراغه ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۸۶)

بی تو نیست آرامم //کز جهان تو را دارم

هرچه تو نه‌ای جانا //من ز جمله بیزارم (عطار) (نجفی* :۲۳۱)

وقت را غنیمت دان// آن قدر که بتْوانی

حاصل از حیات ای جان// این دم است تا دانی (حافظ ، غزل ۴۷۳ قزوینی)

کفر گیسوی جانان//چیره شد به ایمانم

تر شد ای مسلمانان//تر ز باده دامانم (اخوان ثالث) (نجفی* :۳۱۶)

یک دریچه آزادی//باز کن به زندانم

یک سبو پر از شادی//خرج کن که مهمانم (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۳۱۶)

گر دانی که من بی تو// تا چند بلا دیدم

سوی من گراییدی //چون به تو گراییدم ► (المعجم ، شمیسا: ۱۴۹)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلن» 0x15/5

- این وزن می‌تواند مستقل باشد یا فرزند (فاعلاتُ مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن) باشد مثل بیت زیر که مصرع اول بر وزن «فاعلاتُ مفتعلن» ۲ بار و مصرع دوم بر وزن «فاعلاتُ مفعولن» ۲ بار است.

غیرتم صلا زد و گفت //دامنی بزن به میان
تا به کی فرو مانده //در طلسم حرمانی (حزین لاهیجی) (شمیسا*: ۱۹۴)

0x3B6D
فاعلن فاعلن فاعلن فاعِل
(11101101101101) (دلبری دلبری دلبری دلبر)

روز سرشاری حوض را خواب می بیند
(سهراب سپهری ، اینجا پرنده بود) (سپهری:۴۳۰) (نیمایی)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0x4D9 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x3B76-0//14 حالت غیر دوری
(1110110-1110110) (فعولن مفاعیلن) *۲

به بحر طویل آمد // بسی شعرها تازی
بدینسان بود ارکان // چو تقطیعش آغازی
مفاعیل مفعولن// مفاعیل مفعولن
زهی دولتت را باد وام فلک بازی ▶ (رشید وطواط یا ادیب صابر ترمدی) (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۵۶۲)
بیامد که باز آن تیره مفرش بگسترد
همان گوهر آجین خیمه اش را به پا کند (اخوان ثالث) (آهی ، ۱۳۵۷ :۲۱۸)

به دست تو در این فصل دارم نظر که هیچ
پیامی به دستم زآشنایی نمی‌رسد (حسین آهی) (آهی ، ۱۳۵۷ :۲۱۸)

0x3B76-7//7 حالت دوری

(فعولن فعولن فع)//۲ - (فعولن مفاعیلن) //۲ -

(بتی شد بتی شد بت)//۲ (2//1110110)

من از مادری زادم// که پارم پدر بود او

شدم خاک آن پایی//کزین پیش سر بود او (اوحدی مراغه ای) (خانلری: ۲۴۰)

مرا هر دم از حسرت// دل خسته خون بندد

چو بوسد لب لعلت // به مستی لب ساغر (عصمت بخارایی) (پناهی، ج۱ : ۲۲۶)

به دور آور ای ساقی //شراب مُرَوّق را

بیفزای ازآن در بزم //ضیا را و رونق را (وقار) (آهی ، ۱۳۵۷ :۲۱۸)

ز دل ناله‌ی مرغی// شنیدم سحرگاهی

که بر یاد معشوقی // کشید از جگر آهی (الهی قمشه‌ای) (پناهی، ج۱ : ۲۲۶)

دگر ره شب آمد تا جهانی سیا کند

جهانی سیاهی با دلم تا چه ها کند (اخوان ثالث) (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۵۶۴)

من آن روز می گفتم //که از مار می ترسم

و تأکید می کردم //که بسیار می ترسم (سیمین بهبهانی) (۶۱/۱۰) (محمدی: ۱۳۴)

به کاری چرا کوشی //که زان کار مر تو را

همی عاقبت خواهد// رسیدن پشیمانی (المعجم ، شمیسا: ۱۰۸)

چه گویم نگارینا //که با من چه ها کردی

قرارم ز دل بردی// ز صبرم جدا کردی (المعجم) (شمیسا* : ۸۱)

برآمد ز رخسار// نگارین من ماهی

مگر یابم از نورش// سوی وصل او راهی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۴۸)

ببردی دل و جانم// به یک غمزه ناگهان

نبردی که من دادم //تو خود بی گناهی زآن (معیارالاشعار ، فشارکی: ۴۸)

- عضو بحر دودویی « فعولن» 0x6/3
- عضو بحر دودویی 0x76/7 (فعولن مفاعیلن)

- این وزن اصل بحر طویل عرب است و به عقیده‌ی بعضی از عروضیان مادر وزن های عرب است با این حال به گوش فارسی زبانان مطبوع نیست . (نجفی،۱۳۹۴،الف :۲۱)

0x3BB6

فعولن فعولن مفاعیلن مفاعیلن

(نگارم نگارم نگارم کو نگارم کو) (11101110110110)

اگر عاشقانه بله هرگز نمی گفتی

و من کنج خانه از این حسرت نمی بردم (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۹۱)

0x3BBB

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستف

(مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه‌رو) (11101110111011)

اکبر چو دید او بی‌کسیّ شاه بحر و بر

گشته غریب و بینوا آن وارث حیدر (شاکری) (نجفی* :۱۰۴)

امشب به یادت پرسه خواهم زد غریبانه

در کوچه های ذهنم اکنون از تو ویرانه (حسین منزوی) (نجفی* :۱۰۴)

جز تو زنی آغوش من را پر نخواهد کرد

تو می روی و تا ابد این آشیان خالی ست (حسین منزوی) (دادگر:۱۶۵)

وقتی که بر می گشتی از لبخند یادت هست

پر می شدیم از آبی پیوند یادت هست (خلیل عمرانی) (دادگر:۱۶۵)

در دیگران می‌جویی‌ام اما بدان ای دوست

این سان نمی‌یابی ز من حتی نشان ای دوست (محمد علی بهمنی) (نجفی* :۱۰۴)

روشن شدم مثل چراغی آن ورِ دیوار

سیگار با سیگار با سیگار با سیگار ♫ (سید مهدی موسوی) (در صفحات شبکه‌های اجتماعی نویسنده)

سیگار با مشروب با طعم همآغوشی

یعنی فراموشی فراموشی فراموشی ♫ (سید مهدی موسوی) (در صفحات شبکه‌های اجتماعی نویسنده)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4

0x3BDB

مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فاعل

(111011//11011011) (جانم بتم شد بتم شد جانم بتم شد بت)

ای کوه ای بندِ ضحاک // آیا به یادت هست

زان چیره دستان چالاک // چرمین علم در دست

کو آن جوان خوار تازی // کاو را به پادافره

خلقی به گردن فرازی //در دیو بندت بست ؟ (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۵۶) ۶۵/۵

- عضو بحر دودویی 0xDB/8 (مستفعلن فاعلاتن)
- قالب این وزن مستزاد است.

0x3BF3

مفعولُ مفاعیلن مفعولن مفاعیلن

(11101111110011) (دلدار بیا جانا جانانا بیا جانا)

دیم من و دیم دوست آن اشایه این اج درد

چونان گل دو دیمه نیمی سرخ و نیمی زرد (المعجم ، شمیسا: ۱۵۰)

0x3BF7

(2//1110111) (مفعولاتُ مفعولاتْ) //۲ - (دلداری چه دلداری)//۲

از گل ها چه می ماند ؟// الا ماندنی فانی

آن گه رفتنی آنی // از گل ها چه می دانی (شمیسا) (شمیسا *: ۲۱۷)

گر روزی نگارینم//در حالم نگه کردی (المعجم) (نجفی* :۱۱۹)

- عضو بحر دودویی 0x7/4 («فاعیلن مَ» «مفعولاتُ»)

0x3CCC

(11110011001100) فعلاتن ×۳ فعلن – (مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهجان)

بُوَد آیا که درِ میکده‌ها بگشایند

گره از کارِ فروبسته‌ی ما بگشایند (حافظ) (نجفی× :۱۲۲)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x3CCD

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن

(11110011001101) (ماهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهجان)

شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد

بنده‌ی طلعت آن باش که آنی دارد (حافظ ، غزل ۱۲۵ قزوینی)

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0x3CCF

مفتعْلن مفتعلن مفتعلن مفتعْلن

(11110011001111) (ای مهجان ای مهِ جان ای ای مهِ جان ای مهجان)

بربط زن مطربِ دل باده بده ای ساقی (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن×۴

0x3CD7

f 0x3CFA

(11110011010111) (ای مهجان بیا بیا ای مهِ جان ای مهجان)

رقصان شو بتا بیا عشوه کنان ساغر گیر(ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن×۴

0x3CF9

(2//1111001) (مفتعلن مفتعِلن) //۲ – (ای مهِ جان ای مهجان)//۲

ای صنم گلزاری// چند مرا آزاری

من چو کمین فلّاحم// تو دهیم سالاری (مولانا) (نجفی* :۱۸۹)

دلبرکی زیبایی//وز همه خوبان تایی

مهر جهان‌افروزی//ماه جهان‌آرایی (ادیب طوسی) (نجفی* :۱۸۹)

- عضو بحر دودویی 0x19/5 (مفتعلاتن)
- این وزن می‌تواند مستقل باشد و می‌تواند عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴ باشد.

0x3CFA

مفاعلن مفتعِلن مفتعلن مفتعِلن

(11110011111010) (بیا بیا ای مهجان ای مهِ جان ای مهجان)

دمی بیا رخ بنْما عشوه کنان بربط زن (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x3D4F

مفتعِلن مفتعلن مفاعلن مفتعِلن

(11110101001111) (ای مهجان ای مهِ جان بیا بیا ای مهجان)

بربط زن عشوه کنان بتا بیا ساغر گیر (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x3D53

مفعولُ مفاعلن مفاعلن مفعولن

جانی مهِ جان بیا بیا جانی مه) (11110101010011)

نه برق نگاه خادعانه ره می‌جوید (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۵۹)

0x3D57

مفتعْلن مفاعلن مفاعلن مفتعْلن

(ای مهجان بیا بیا بیا ای مهجان) (11110101010111)

ای جانان شبی بیا خرابِ می پر از عشق (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x3D79

مفتعلن مفتعْلن مفاعلن مفتعْلن

(ای مهِ جان ای مهجان بیا بیا ای مهجان) (11110101111001)

عشوه کنان ساغر گیر بتا بیا بربط زن (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x3D7A

(مفاعلن مفعولن) //۲- (بیا بیا ای مهجان)//۲

(بتی بتی مهجانی)//۲ (2//1111010)

ز غصه چون بَرِه نالم // که سوی میش گذاری

که بر نیارد شاخم // بَرِه نزاید میشم ◀ (خاقانی) (نجفی* :۳۲۲)

ایا بتِ جان افزا //نه وعده کردی ما را

که من بیایم فردا // زهی فریب و سودا (مولانا) (نجفی* : ۳۲۲)

به جان تو ای طایی //که سوی ما بازآیی

تو هر چه می فرمایی// همه شکر می خایی (مولانا) (نجفی٭ : ۳۳۵)

کویر بی برگی را //دو زن سیه پوشانند

که چون شبانگه ، آید// دعای باران خوانند (سیمین بهبهانی) (نجفی٭ : ۳۳۵)

- عضو بحر دودویی 0x7A /7 (مفاعلن مفعولن)
- این وزن می‌تواند مستقل باشد مثل شعر سیمین بهبهانی
- این وزن می‌تواند عضو خانواده وزنی 0xCACA ، («مفاعلن فعلاتن»٭۲) باشد مثل شعر خاقانی
- این وزن می‌تواند عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن٭۴ باشد مثل :

مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم (مولانا)

سیه بدم چون زلفت صبح شدم چون رویت (ابوالحسنی)

0x3DDD

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعل

(11110111011101) (از تو دورم از تو دورم از تو دورم از تو)

چند روزی ترک آن نامهربان خواهم کرد

طاقت خود را و او را امتحان خواهم کرد (محسن الهامی) (نجفی٭ :۸۸)

شب چو گردد چشم مستت گرم خواب نوشین

تازه گردد در دل من یاد عشق دیرین (یزدان‌بخش قهرمان در پناهی ، ج۵: ۲۴) (طبیب‌زاده٭ : ۲۲۲)

- عضو بحر دودویی «فاعلاتن» 0x D/4
- از اوزان ابداعی بهار است «هم وزن و هم زنجیره ی آن در شعر فارسی بی سابقه است و عروضیان نیز از آن ذکر نکرده اند» (نجفی،۱۳۸۴ : ۵۶۷) (شاهد بهار ذکر شود ؟؟)

0x3DEF

لاتن مستفعلاتن مستفعلاتن مستف

(11110111101111) (جانی جانی ز جانی جانی ز جانی جانی)

ما را در غمگساری ، یاری نباشد یاران

غیر از افغان و زاری ، کاری نباشد یاران (بهار) (نجفی،۱۳۸۴ : ۵۶۷)

- عضو بحر دودویی « مستفعیلاتُ» 0xF/5
- نواگذاری در (نجفی* :۲۶۵) به شکل «مستفعیلاتُ مستفعیلاتُ مستفعیلن» (نامگذاری از طبیب‌زاده)

0x3DFB دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x3DFB -0//14 حالت غیر دوری

(2*1111011) (مستفعلن مستفعل) * ۲

سود و زیان در قلبِ بازاریان جا کرده

پروای جان کی دارند این مردم سودایی ▶ (رضازاده شفق) (شمیسا* : ۱۳۶)

0x3DFB -7//7 حالت دوری

(2//1111011) (مستفعلن مستفعل) // ۲ – (جانی ز جانی جانی)//۲

آیا کدامین آبی//در من ز نو خواهد زاد ؟

آیا کدامین روشن//بر جان ، جلا خواهد داد ؟ (سیمین بهبهانی) (پناهی ، ج۲: ۱۵۷) ۶۲/۱۱

شب در سحر حل می‌شد//یک سینه اختر با او

مهر از کران سرمی‌زد//صد نیزه‌ی زر با او (سیمین بهبهانی) (پناهی ، ج۲: ۱۵۸)

پیری حجازی اسرار //ماهی نهان در ماهان

شیخی حقیقت رفتار// شاهی دو کیهان را جان (؟ گوهر دانش، ادیب نیشابوری ثانی) (نجفی* :۱۱۵)

یک دم بیا ای دلدار //بنما مرا آن رخسار

کز رشک ، گل در گلزار //در پیرهن دارد خار (زبده‌العروض) (نجفی* : ۱۱۵)

دل بی دهانت تنگ است//گل با رخت بی رنگ است

با دشمنانت صلح است// با دوستانت جنگ است

(جواهر البحور) (پناهی، ج۲: ۱۵۸)

- عضو بحر دودویی « مستفعلن » 0xB/4
- ضرب المثل: «تنها به قاضی رفته خوشحال بر می گردد» (پناهی، ج۲: ۱۵۸)

0x3E66

فعولن فعلاتن فعلاتن فع‌لاتن

(ز جانی مهِ جانی مهِ جانی مهجانی) (1111100-1100110)

مرا گر سخن وصل تو پیش آید روزی ▶

چنان است که پیش آید خوابی و خیالی (بهار) (بهار : ۱۰۵۲)

- عضو خانواده « فعولن فعلاتن فعلاتن فعلاتن» 0x6666

0x3E67

فع‌لاتن فعلاتن فعلاتن فع‌لاتن –

(مهجانی مهِ جانی مهِ جانی مهجانی)

(11111001100111)

از دلبر تو چه دوری ، و چه نزدیکی با او (ابوالحسنی)

- شاهد سروده شده بر اساس : تو چه دوری از من دریا || و چه نزدیکی با من (شمس لنگرودی)
- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ❋ ۴ »

0x3E7C

فعلاتن فع‌لاتن //۲- فعلن فعلن فعلن//۲ –

(مهِ جانی مهجانی)//۲ (2//1111100)

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

همه جا زیبا با گل || همه جا روشن با گل (علوی‌فرد : ۷۸)

- این وزن می‌تواند مستقل باشد و هم می‌تواند عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ❋ ۴ » باشد.

0x3E7D

فاعلاتن فعِلاتن فعلاتن فعِلاتن

(111-1100-111-1101) (ماهِ جانی مهجانی مهِ جانی مهجانی)

من چه دورم از دلبر ، و چه نزدیکم با او (ابوالحسنی)

- شاهد سروده شده بر اساس : تو چه دوری از من دریا || و چه نزدیکی با من (شمس لنگرودی)
- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ❊ ۴ »

0x3EFD

فاعلاتن فعِلاتن //۲ - فاعلن فعِلن فعِلن//۲

(2//1111101) (دلبری جانی جانی)//۲- (ماهِ جانی مهجانی)//۲

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

می رسی از دنیایی || چون چراغی در شب ها

تازه هستی چون گل ها || خنده داری بر لب ها (علوی‌فرد : ۵۹)

0x3F7E

(2//1111110) مفاعیلن مفعولن//۲- (چه دلداری دلداری)//۲

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

عروسک جان ، شادی کن || کنارت بهتر هستم

برایم دختر باشی || برایت مادر هستم (علوی‌فرد : ۷۰)

0x3F99

مفتعلن مفتعلن مفتعِْلن مفعولن

(11111110011001) (ای مهِ جان ای مهِ جان ای مهجان ای مهجان)

ای شب خوبی و بهی //جان بجهد گر بجهی

گر سه عدد بر سه نهی // گردد ، شش گردد، شش ▶ (مولانا، غزل ۱۲۱۸)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن❊۴

0x3F9A

مفاعلن مفتعلن مفتعِلْن مفتعِلْن

(بیا بیا ای مهِ جان ای مهجان ای مهجان) (11111110011010)

دمی بیا عشوه کنان رخ بنْما بربط زن (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x3FA9

مفتعلن مفاعلن مفتعِلْن مفتعِلْن

(ای مهِ جان بیا بیا   ای مهجان ای مهجان) (11111110101001)

سرو نخوانمت که او چون قدّت رعنا نیست

ماه نگویمت که او چون رویت تابان نیست (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴
- بیت سروده شده بر اساس :

سرو نخوانمت که او نیست بدین رعنایی

ماه نگویمت که او نیست بدین زیبایی (جامی) (نجفی* :۴۰۹)

0x3FAA

مفاعلن مفاعلن مفتعِلْن مفتعِلْن

(بیا بیا بیا بیا ای مهجان ای مهجان) (11111110101010)

شبی بیا خرابِ می رقصان شو بربط زن (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x3FCC

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن –

(مهِ جانی مهِ جانی مهجانی مهجانی) (111-111-1100-1100)

ز سحرگاه شکفتن، روییدن می‌آیم (ابوالحسنی)

- شاهد سروده شده بر اساس :

به سحرگاه شکفتن ها و رستن های ابدی خواهد برد (فروغ فرخزاد ، تولدی دیگر)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ❊ ۴ »

0x3FCD

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن –

(ماهِ جانی مهِ جانی مهجانی مهجانی) (111-111-1100-1101)

از سحرگاه شکفتن، روییدن می‌آیم (ابوالحسنی)

- شاهد سروده شده بر اساس :

به سحرگاه شکفتن ها و رستن های ابدی خواهد برد (فروغ فرخزاد ، تولدی دیگر)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ❊ ۴ »

0x3FF دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x3FFF-0//10 حالت غیر دوری

(2*10100)

آیا می‌آیی امشب جانا در رویاهایم

آخر می‌دانم می‌میرم من امشب بی تو (ابوالحسنی)

0x3FFF-7//7 حالت دوری

(2//1111111)

هی ها ... هی ها .. ره بگشا// رفتن را میدان باید

این محمل را پویایی// افزون از توفان باید

این محمل با خود دارد //خورشیدی در خون غلتان

زخمش را مرهم زیبد//دردش را درمان باید (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۱۸)

(۶۱/۲) (برای آمبولانس ها)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1
- سیمین بهبهانی: «به خاطر دارم که صاحب المعجم می گوید: بنای مصاریع بر اوتاد مفرده یا اسباب مفرده یا فواصل مفرده تاخوشایند است . مثلا اگر مصرعی بر وتدهای مفرد بنا شود مثل فع فع فع فع فع به نظر شمس قیس ناخوشایند است . من شعری دارم که گویا در «دشت ارژن » چاپ شده به نام «هی ها هی ها ..» که می شود فع فع فع فع فع فع فع من الهام آن را از زنگ و چراغ چرخان آمبولانس های زمان جنگ گرفته ام . محتای شعر نیز بر تفکر هذیان آلوده‌ی یک زخمی که در آمبولانس به بیمارستان می رود نهاده شده است اگر چه زنگ آمبولانس و چشمک چراغ خط رو گردش چراغ های گردان با این وزن هماهنگی دارد اما از یکنواختی آن نمی توان منصرف شد . » (سیمین بهبهانی ،) (الهی: ۱۲۷)

پانزده هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x4000	0x7FFF	۱۶۳۸۴

0x4924

(5*100) فعِلن ❊ ۵ – (مه جان)❊۵

صنما شکرا بگشا لب و خوش بسرا

به سرود خوشت نفسی بنواز مرا (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فَعِلن» 0x4/3
- ساخته شده بر اساس بیت زیر :

صنما بگشا لب و خوش بسرا

به سرود خوشت بنواز مرا (عروض جامی) (نجفی❊ :۶۷)

0x4A52

(3*10010) مفاعلتن ❊۳ - (بتی شکری)❊ ۳

اگر مَلِک ارسَلان مَلِکِ جهان نشدی

زمانه‌ی پیر گشته ز سر جوان نشدی (عثمان مختاری) (وحیدیان‌کامیار❊: ۶۹۸)

بتا غم تو بر این دل من بزد عَلَمی

چنان که از او به گرد جهان شدم علَمی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۳)

خوش آن سحری که آه شبم کند اثری

ز راه وفا به سوی منت فتد گذری (عروض همایون) (نجفی❊ :۲۴۹)

زهی به جفا دلت به جهان شده سمری

به کوی وفا نکرده دلت دمی گذری (عراضه) (نجفی❊ :۲۴۹)

بگو دل من کجا طلبم ز بهر خدا (معیار الاشعار ، چاپ قهرمانی) (نجفی❊ :۲۴۹)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/5
- تقطیع بیت «اگر ملک ...» به صورت زیر است:

0	1	0	0	1	0	1	0	0	1	0	1	0	0	1
ا	گر	م	ل	کر	س	لان	م	ل	ک	ج	هان	ن	ش	دی
ز	ما	نه	ی	پی	ر	گش	ته	ز	سر	ج	وان	ن	ش	دی

0x4AAA

مفاعلن مفاعلن مفاعلن فعلن

(100101010101010) (بیا بتا بیا بتا بیا بتا صنما)

نسیم خلد می وزد مگر ز جوی ، کنار

ویا چمن بشسته رویِ خود ز گرد و غبار؟ (ایرج کابلی) (کابلی:۱۴۵)

0x4ACA

مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلا

(100101011001010) (بتی بتی مهِ جانی بتی بتی مهِ جان)

مرا به جان تو سوگند و صعب سوگندی

که هرگز از تو نگردم نه بشنوم پندی (شهید بلخی) (نجفی❋ :۳۲۳)

چار چیز مر آزاده را ز غم بخرد

تن درست و خوی نیک و نام نیک و خرد (رودکی) (نجفی❋ : ۳۲۴)

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر

سخن نو آر که نو را حلاوتی‌ست دگر (فرخی سیستانی) (نجفی❋ :۳۲۳)

چنین نماید شمشیر خسروان آثار

چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار (عنصری) (نجفی❋ : ۳۲۴)

کجاست ساقی جان تا به هم زند ما را

بروبد از دل ما فکر دی و فردا را (مولانا، غزل ۲۳۳)

اگر تو برفکنی در میان شهر نقاب

هزار مؤمن مخلص درافکنی به عِقاب (سعدی ، غزل ۲۵ چاپ فروغی)

چه نسبت است به رندی صَلاح و تقوا را

سماعِ وَعظ کجا نغمه‌ی رَباب کجا (حافظ ، غزل ۲ قزوینی)

سرم خوش است و به بانگ بلند می‌گویم
که من نسیم حیات از پیاله می‌جویم (حافظ) (نجفی* :۳۲۳)
ستاره دیده فرو بست و آرمید بیا
شراب نور به رگ‌های شب دوید بیا (سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۸۸)

شبی گذاشته ام دوش در غم دلبر
بدان صفت که نه صبحش پدید بُد نه سحر (المعجم ، شمیسا: ۱۷۸)
زهی ز عدل تو خلق خدای آسوده
ز خسروان چو تویی در زمانه نابوده (المعجم) (شمیسا* : ۱۲۳)
تو آن کریمی کافراط اصطناع کَفَت
بدان کشید که کان همچو بحر ناله کند (المعجم ، شمیسا: ۱۷۸)
سپهر رفعت و کوه وقار و ابر سخا
علاء دین که سپهری ست از علا و سنا (المعجم) (شمیسا* : ۱۲۳)
اگر محوّل حال جهانیان نه قضاست
چرا مجاری احوال بر خلاف هواست (المعجم) (شمیسا* : ۱۲۴)
تو مرد آن نه که روزی نعوذ بالله اگر ▶
کسی ز پای درآید سری بجنبانی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۹)
منم ز یار بحسرت منم ز یاز بجور (معیار الاشعار)
اگر چه حیله فروشیّ و گر چه چرب زبانی
سپاس دار خدایم که تو به جمله مرایی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۹)
ز بهر چیست تو را با من ای گزیده نگار
به جای نرم درشت و به جای وصل فراق (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۹)
مرا دلی ست که دائم ستم کند بر من
چه بودی ار ستمم از ستمگر آمدیی (معیار الاشعار)
(این بیت را نجفی از شجره‌العروض ذکر می‌کند که آن را از معیارالاشعار نقل می‌کند . این بیت در شجره‌العروض با «آمدی» است ولی نجفی در پانویس می‌گوید که بنا به نظر دکتر حسین معصومی همدانی «آمدیی» تصحیح درست است.) (نجفی* :۳۲۵)

مفاعلن فعلاتن مفاعلان فعلان
بگوی مُجتثّ این بحر را و خوش برخوان (ابو نصر فراهی:۷)

بساز مطرب مجلس به نغمه ی بم و زیر
ز بحر محبت و تقطیع تازه ، این اشعار
بم و بم و بم و بمبمِ بم و بم و بمبم ♫

نُت است و کوک پیانو بدین ترانه بیار (وقارالسلطنه: ۲)

- عضو بحر دودویی « مفاعلن فعلاتن» 0xCA/8
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- اولین غزل زبان فارسی از شهید بلخی در این وزن مادر سروده شده است . (شمیسا، ۵۵:۱۳۷۰)

مرا به جان تو سوگند و صعب سوگندی   که هرگز از تو نگردم نه بشنوم پندی

- وقار شیرازی قصیده ای درباره زلزله سروده است که «وزن این شعر شاد و طرب انگیز است و پیداست که نه تنها دل شاعر از این مصیبت به درد نیامده بلکه شاعر حتی اطلاعی از موسیقی و حالت خاص هر یک از اوزان نداشته است . مطلع قصیده‌ی وی چنین است: { وزن مستفعل مستفعل مستفعل فعلن }

دل در هم و خاطر به غم و سینه به تاب است   شهری به خروش است و جهانی به عذاب است

در پایان همین قصیده به مدح شاه نیز پرداخته است . مقایسه وزن این قصیده با وزن قصیده‌ی قطران تبریزی که درباره‌ی مصائب زلزله‌ی تبریز سروده ، استادی قطران را در انتخاب وزن به خوبی نشان می دهد: { وزن مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن }

بود محال ترا داشتن امید محال   به المی که نباشد همیشه بر یک حال ...
یکی نبود که گوید به دیگری که مموی   یکی نبود که گوید به دیگری که منال»
(وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۶۳)

- این وزن «جزو اوزان نرم و سنگین است که در معانیی مانند مرثیه ، هجران ، درد و حسرت و گله به کار رفته است . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۲)
- «در این دو وزن { پایان فعلن و فعلان} سعدی ۸۸ غزل و حافظ ۶۷ غزل و عطار ۶ غزل و یک قصیده و انوری ۸ مدیحه دارد . » (مدرسی*)

- مادر یک خانواده وزن ۴ عضوی:

خانواده وزن (100-1010-1100-1010)– (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن)		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x4ACA	100-1010-11001-010
2	0x3ACA	11-1010-1100-1010
3	0x257A	100-1010-111-1010
4	0x1D7A	11-1010-111-1010

0x4ACB

مستفعلن فعلاتن مفاعلن فعلن

(100101011001011) (جانی بیا مهِ جانی بیا بیا مهِ جان)

خوش نعمتی که شبی در کنار هم باشیم

شادی کنیم و صمیمانه یار هم باشیم

گل‌خنده‌های صداقت به روی هم باریم

جویای مهر و محبت بهار هم باشیم (تقی محمدی فکورزاده در پناهی ، ج۳: ۱۴۹) (طبیب‌زاده* : ۳۵۹)

0x4AF5

فاعلاتُ مفتعْلن فاعلاتُ مفتعلن

(100101011110101) (شوقِ شوقِ آن مهدل شوقِ شوقِ آن مهِ دل)

رسم رهنوردان نیست // فکر زاد راه طلب

با درست پیمانی// بس بود شکسته دلی (تغییر یافته شعر حزین لاهیجی)

- با تغییر پاره‌های اول و دوم با هم و پاره‌های سوم و چهارم با هم از شعر حزین لاهیجی(شمیسا*: ۱۹۴) بیت بالا به دست آمد
- عضو خانواده «(فاعلاتُ مفتعلن)//۲ »

0x4B76

مفاعیلُ مفتعِلن مفاعیلُ مفتعلن

(دلارای آن مهدل دلارای آن مهِ دل) (100101101110110)

دلم برده ای ، صنما چرا ناله ها نکنم

پی این دُرِ غلطان به سر سنگ چون نزنم ◀ (سیفی) (شجره العروض: ۴۸)

- عضو خانواده «(مفاعیلُ مفتعلن)//۲ »

0x4BCB

مستفعلن فعلاتن //مستفعلن فعلا

(جانی بتی مهِ جانی// جانی بتی مهِ جان) (100101111001011)

با نخلهای سترون //با تاکهای عقیم

جز غمگنانه چه گوید// نجوای نور و نسیم (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۲) ۷۷/۲

با من بیا که بجوییم // نام و نشان گلی

تا بر سرای خیالش //آهسته در بزنیم (علیرضا پالیزدار در پناهی ، ج۳: ۱۴۸) (طبیب‌زاده※ :۳۵۵)

- عضو بحر دودویی 0xCB/8 («مستفعلن فعلاتن»)

0x4CCC

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلا

(مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جان) (100-1100-1100-1100)

آهوی کوهی در دشت چگونه دَوَدا

او ندارد یار ، بی یار چگونه بُوَدا (ابو حَفْص سُغدی) (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۸)

نوحه گر کرده زبان ، چنگِ حزین از غم گل

موی بگشاده و بر روی زنان ناخونا (فیروز مشرقی) (وحیدیان‌کامیار※: ۶۹۶)

از خضاب من و از موی سیه کردن من

گر همی خشم خوری بیش خور و رنج مبر (کسایی مروزی) (نجفی※ : ۱۲۲)

به سمرقند ، اگر بگذری ای باد سحر ◀

«نامه‌ی اهل خراسان» به بر خاقان بر (انوری)

(دیوان انوری به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی (قصاید) ج ۱ ، ص۲۰۱)
خنک آن دم که نشینیم به ایوان من و تو
به دو نقش و به دو صورت به یکی جان من و تو (مولانا) (نجفی* :۱۲۲)
گفت من نیز تو را بر دف و بربط بزنم
تنن تن تننن تن تننن تن تننن ♫ (مولانا) (غزل ۱۹۹۱)
برو ای زاهد و بر دُردکشان خرده مگیر
که ندادند جز این تُحفه به ما روزِ الست (حافظ ، غزل ۲۶ قزوینی)
کاش سیلی شود این اشک که ما را ببرد
که مرا با تو درآمیزد و زین‌جا ببرد ► (حسین منزوی) (فیروزیان:۹۶)

خردش باید از این بیش که بس بی خرد است ►
نکشد عاشق اگر هیچ خرد داردی (المعجم) (شمیسا* : ۶۴)
جرم خورشید چو از حوت درآید به حمل
اشهب روز کند ادهم شب را ارجل (المعجم ، شمیسا: ۷۴)
داد پیغام به سِر اندر عیار مرا
که مکن یاد به شعر اندر بسیار مرا (المعجم) (شمیسا*:۶۳)

منم از عشق بتی مانده به تیمار و به درد
که به رخ ماه تمام است و به دل سنگ رخام (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۲)
نکشم جور کسی کاو ز وفا دور بود
ندهم دل به کسی کاو نکند دلداری (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۲)
اگر ایمن شودی جان من از درد فراق
به همه جور ، من از عشق تو خشنودمی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۲)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4

- شعر سگزی در تاریخ سیستان به عنوان اولین شعر عروضی فارسی ذکر شده است .
- { در مورد شعر «خردش ...» } « تقابل فعلان و فعل در شعر فارسی غلط است ، مصراع دوم یک هجا کم دارد اگر به جای «داردی» ، «داردیا» بود صحیح است . » (شمیسا* : ۲۰۰)
- «این وزن ، وزن غالب دیوان حافظ است . » (پناهی، ج۱ : ۲۹)

- وزن این شعر کاملا ایرانی است . (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۸)
- در روایت دیگری بیت ابو حَفْص سُغدی به این صورت آمده است:

آهوی کوهی در دشت چگونه دَوَذا   یار ندارد ، بی یار چگونه روذا

که در مصرع دوم «نَـ» را طبق اختیارات شاعری قدیم باید بلند تلفظ کنیم (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۵۸)

- این وزن «جزو اوزان نرم و سنگین است که در معانیی مانند مرثیه ، هجران ، درد و حسرت و گله به کار رفته است اصل این وزن نسبتا نرم است اما امکان استفاده از اختیارات شاعری در آن زیاد است . با استفاده از این اختیارات ، وزن را می توان سنگین و مناسب معانی غم و حسرت و ... ساخت . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۲)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)

- مادر یک خانواده وزن ۲۴ عضوی:

خانواده وزن (1100-1100-1100-100) – فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلا (= فعلن)		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x4CCD	100-1100-1100-1101
2	0x4CCC	100-1100-1100-1100
3	0x3CCD	11-1100-1100-1101
4	0x3CCC	11-1100-1100-1100
5	0x27CD	100-111-1100-1101
6	0x27CC	100-111-1100-1100
7	0x267D	100-1100-111-1101
8	0x267C	100-1100-111-1100
9	0x2667	100-1100-1100-111
10	0x1FCD	11-111-1100-1101
11	0x1FCC	11-111-1100-1100
12	0x1E7D	11-1100-111-1101
13	0x1E7C	1111001111100
14	0x1E67	11-1100-1100-111
15	0x13FD	100-111-111-1101
16	0x13FC	100-111-111-1100
17	0x13E7	100-111-1100-111

18	0x133F	100-1100-111-111
19	0xFFD	11-111-111-1101
20	0xFFC	11-111-111-1100
21	0xFE7	11-111-1100-111
22	0xF3F	11-1100-111-111
23	0x9FF	100-111-111-111
24	0x7FF	11-111-111-111

0x4CCD

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن

(100110011001101) (ماهِ جانا مهِ جانا مهِ جانا مهِ جان)

زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست

پیرهن چاک و پریخوان و صراحی در دست (حافظ ، غزل ۲۶ قزوینی)

- تمام مصرع‌های شعر زیر از حافظ کلا بر این وزن سروده شده است:

گر من از باغ تو یک میوه بچینم چه شود پیش پایی به چراغ تو ببینم چه شود

- عضو خانواده وزنی 0x4CCC ، « فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن»

0x4CCF

مفتعْلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

(100110011001111) (ای مهدل ای مهِ دل ای مهِ دل ای مهِ دل)

چند صفت می‌کنیش چونک نگنجد به صفت

بس کن تا من بروم بر سر شور و شر خود ▶ (مولانا، غزل ۵۴۳)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x4CD7

مفتعِلْن مفاعلن مفتعلن مفتعلن

(100110011010111) (ای مهدل بیا بیا ای مهِ دل ای مهِ دل)

جان و دلم رفته ز من// مانده ز من همین بدن

کی ، کو ، کی ، کجا چه تن// بی دل و جان زیست بگو؟ ▶ (اسماعیل خویی) (پناهی، ج۱: ۹۵)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x4CF9

مفتعلن مفتعِلْن مفتعلن مفتعلن

(10011001//1111001) (ای مهِ جان ای مهجان ای مهِ جان ای مهِ جان)

آنکه از آن طرّاری // باز بر او بر شکنی ▶

افتد و سودش نکند // در دغلی هشیاری (مولانا، غزل ۳۰۲۸)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x4CFA

مفاعلن مفتعِلْن مفتعلن مفتعلن

(100110011111010) (بیا بیا ای مهجان ای مهِ جان ای مهِ جان)

دمی بیا رخ بنْما خنده‌زنان عشوه کنان (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x4D4D

فاعلن مفتعلن مفاعلن مفتعلن

(100110101001101) (دلبری دلبرکی چه دلبری دلبرکی)

آمدی وه که چه ناله‌ها به دل داشتمی

تا برفتی ز برم خیال خود کاشتمی (ابولحسن نجفی) (نجفی❋ :۳۸۸)

سال‌ها دل ز تو بوسه‌ای تمنّا می‌کرد

بار دیگر ز تو بوسه‌ای تمنّا نکنم (ابولحسن نجفی) (نجفی❋ :۳۸۸)

چون کنون جامه دران ز در درآمد مهِ جان

مطربا رقص کنان بزن سه تار و دف و نی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x4D/8 (« فاعلاتن فعلاتُ» « فاعلن مفتعلن مَ »)
- «وزن فوق در کتب عروضی و دواوین شعرا یافت نشد اما کاملا موزون است چنانکه در ابیات ذیل» (نجفی❋ :۳۸۸) {منظور دو بیت بالا از نجفی است}

0x4D4F

مفتعْلن مفتعلن مفاعلن مفتعلن

(10011010//1001111) (ای مهجان ای مهِ جان بیا بیا ای مهِ جان)

گفتم تو همچو فلان //تُرُش شدی گفت: بدان ▶

من تُرُشِ مصلحتم // نی تُرُشِ کینه و غل (مولانا، غزل ۱۳۳۵)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن ❋۴

0x4D57

مفتعْلن مفاعلن مفاعلن مفتعلن

(100110101010111) (ای مهجان بیا بیا بیا ای مهِ جان)

ای جانان شبی بیا خرابِ می جامه دران (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن❋۴

0x4D79

مفتعلن مفتعْلن مفاعلن مفتعلن

(100110101111001) (ای مهِ جان ای مهجان بیا بیا ای مهِ جان)

عشوه کنان ساغر گیر بتا بیا رقص نما (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن✻۴

0x4D7A

مفاعلن مفتعْلن مفاعلن مفتعلن

(100110101111010) (بیا بیا ای مهجان بیا بیا ای مهِ جان)

خرابِ می ای جانان شبی بیا جامه دران (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن✻۴

0x4DCC

فعلاتن فعلاتن فاعلاتن فعلا (= فعلن)

(100/1101/1100/1100) (مهِ جانی مهِ جانی ماهِ جانی مهِ جان)

کار شه به شود کار عدو به نشود

نشود خرما خار و خار خرما نشود ◄ (منوچهری) (نجفی✻ : ۱۳۰)

نوزتان سینه و پستان به دهن بر ننهاد

نوزتان روی نشست و نوزتان شیر بداد ◄ (منوچهری) (نجفی✻ : ۱۳۰)

- «در این بحر {فعلاتن} چنانکه می‌دانیم فعلاتن فقط در رکن اول به فاعلان تبدیل می شود . اما در قدیم – ظاهرا تا اواخر قرن ششم- این تبدیل گاهی در رکن سوم هم صورت می‌گرفته است.» (نجفی✻ : ۱۳۰)

0x4DCD

فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن فعلا

(ماهِ جانی مهِ جانی ماهِ جانی مهِ جان) (10011011100110 1)

من ندانستم هرگز که ز تو باید دید

هر زمان درد دلی و هر زمان دردسری ▶ (فرخی) (نجفی❋ : ۱۳۰)

- «در این بحر {فعلاتن} چنانکه می‌دانیم فعلاتن فقط در رکن اول به فاعلان تبدیل می شود . اما در قدیم – ظاهرا تا اواخر قرن ششم- این تبدیل گاهی در رکن سوم هم صورت می‌گرفته است.» (نجفی❋ : ۱۳۰)

0x4E73 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x4E73-0//15 حالت غیر دوری

مستفعلتن ❋۳

(شد او مهِ جان)❋۳ (3*10011)

آمد به گلستان مست ز ساغر جامه دران

مطرب دف و بربط زن بده ساقی جام شراب (ابوالحسنی)

0x4E73-5//5//5 حالت دوری

مستفعلتن //۳

(شد او مهِ جان)//۳ (3//10011)

شادم به خدا// جانم بشده // قربان حسین

دارم چه صفا // چشمم بشده // گریان حسین (احمد آرونی در پناهی ، ج۳: ۳۵) (طبیب‌زاده❋ : ۲۷۹)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن» 0x13/5

0x4F99

مفتعلن مفتعلن مفتعْلن مفتعلن

(1001111//10011001) (ای مهِ جان ای مهِ جان ای مهجان ای مهِ جان)

گاه براند به نی ام همچو کبوتر ز وطن

گاه به صدلابه مرا خوانَد تا محضر خود ▶ (مولانا، غزل ۵۴۳)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x4F9A

مفاعلن مفتعلن مفتعْلن مفتعلن

(100111110011010) (بیا بیا ای مهِ جان ای مهجان ای مهِ جان)

دمی بیا خنده‌زنان رخ بنْما عشوه کنان (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x4FA9

مفتعلن مفاعلن مفتعْلن مفتعلن

(100111110101001) (ای مهِ جان بیا بیا ای مهجان ای مهِ جان)

سرو نخوانمت که او رعنا چون قدّ تو نیست

ماه نگویمت که او تابان چون روی تو نیست (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴
- بیت سروده شده بر اساس :

سرو نخوانمت که او نیست بدین رعنایی

ماه نگویمت که او نیست بدین زیبایی (جامی) (نجفی* :۴۰۹)

0x4FAA

مفاعلن مفاعلن مفتعِلن مفتعلن

(100111110101010) (بیا بیا بیا بیا ای مهجان ای مهِ جان)

شبی بیا خرابِ می چون گلها جامه دران (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x5294

(3*10100) متفاعلن * ۳ – (تو بیا بیا)*۳

منم آن که گلشن عشق را چمنم ببین
گذری کن و گل و سوسن و سمنم ببین
چو پس از منت هوس تفرج دل کند
برِ خاک من رو و باز کن کفنم ببین (اوحدی مراغه ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۶)
چو به بحرِ کاملت اوفتد طرفی سخُن
همه رکن او به گه عروض چنین بکن
متفاعلن متفاعلن متفاعلن
که شواد دولت تازه و نوِ تو کهُن (صابر ترمذی) (نجفی* :۲۳۷)

چه کند شمن چو جدا شود شمن از صنم
به جز آنک روز و شبان نشسته بُوَد به غم (المعجم ، شمیسا: ۱۱۱)
صنمی که فرقت او بکشد مرا
همه ساله من ز فراق او به فغانم (المعجم ، شمیسا: ۱۱۱)
نکنم به یار کسان طمع که جفا بود
نه روا بود که چنین کنم نه روا بود (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۵)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5

0x535E

فعولن مستفعلن فعولن متفاعلن

(101001101011110) (نگارم شد ساقیم نگارم شده ساقیم)

تویی ترک پری وشم //زهجر تو درآتشم

بدین سوزش ، دل خوشم //گر این است رضای تو ▶ (خانلری) (خانلری:۲۳۸)

0x54CF

مفتعِْلن مفتعلن مفتعلن مفاعلن

(101010011001111) (ای مهجان ای مهِ جان ای مهِ جان بیا بیا)

رقصان شو عشوه کنان خنده زنان بیا بتا (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x54D4

تعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن -فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُ فاعلا-

(101010011010100) (نظری کن ای پری رو نظری کن ای پری)

ز دلت چه داد خواهم که نه داورِ منی

ز غمت چه شاد باشم که نه غمخورِ منی..

نفسی دریغ داری ، ز من ای دریغ من

ز تو قانعم به بوئی که سمنبر منی (خاقانی)

(دیوان خاقانی شروانی به اهتمام دکتر میر جلال‌الدین کزازی ـ ج ۲ ، نشر مرکز، ۱۳۷۵،ص۱۰۶۸)

- عضو بحر دودویی 0xD4/8 (« تعلن مفاعلن مف» « فعلاتُ فاعلاتن »)

0x54D7

مفتعِلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن

(101010011010111) (ای مهجان بیا بیا ای مهِ جان بیا بیا)

از تبریز شمس دین ، می رسدم چو ماه نو ▶

چشم سوی چراغ کن ، سوی چراغدان مکن (مولانا) (شمیسا ، ۱۳۹۰: ۹۲)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x54F9

مفتعلن مفتعِلن مفتعلن مفاعلن

(101010011111001) (ای مهِ جان ای مهجان ای مهِ جان بیا بیا)

عشوه کنان رقصان شو خنده زنان بیا بتا (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x54FA

مفاعلن مفتعِلن مفتعلن مفاعلن

(101010011111010) (بیا بیا ای مهجان ای مهِ جان بیا بیا)

شبی بیا رقصان شو جامه دران قدح کشان (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x554F

مفتعِلن مفتعلن مفاعلن مفاعلن

(101010101001111) (ای مهجان ای مهِ جان بتا بیا بتا بیا)

مهتابم ناز مکن //شبی به خواب من درآ (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x5555

فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتْ

(101010101010101) (ماهتاب ماهتاب ماهتاب ماهتاب)

شب بر آسمان چو غنچه‌ی ستارگان شکفت

شد خیال یار من شکفته از نهفت (بی نام) (خانلری:۱۹۲)

تا همیشه از برایم ای صدای من بمان

ای صدای مهربان بمان برای من بمان (حسین منزوی) (نجفی* :۱۶۹)

دل به ناگهان ، شبی دچار شد نیامدی

چشم ماه و آفتاب ، تار شد نیامدی (عبدالجبار کاکایی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۶)

باز مانده روبروی من دهانِ گورها

گم شدم در ازدحام دستِ مرده‌شورها (محمد شریف سعیدی) (نجفی* : ۱۶۹)

داد زن چرا کسی به دادمان نمی‌رسد

دست‌های عاشقانه تا دهان نمی‌رسد (علیرضا قزوه) (پناهی ، ج۲: ۱۸۷)

ساقیا گهی به ما ز روی شوق جامکی

باقی شراب ده به رندِ نیک نامکی (تحفه الهند : ۱۸۹)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2
- استاد نجفی در مقاله‌ی « معیار الاشعار ، این اثر ناشناخته » می گوید پس از آنکه ابتهاج بر وزن فاعلات فاعلات فاعلن شعر ترانه را سرود ، خانلری این بیت را سروده و در کتاب خود به عنوان شاعری بی نام آورده است . (نجفی ، ۱۳۸۱ :۱۷۰)

0x5557

مفتعِلُن مفاعلن مفاعلن مفاعلن

(101010101010111) (ای مهجان بتا بیا بتا بیا بتا بیا)

ای دلبر ز عاشقان به بوسه‌ای دلی ببر (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x5579

مفتعلن مفتعِلْن مفاعلن مفاعلن

(ای مهِ جان ای مهجان بتا بیا بتا بیا)   (101010101111001)

ناز مکن ای مهتاب//شبی به خواب من درآ (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x557A

مفاعلن مفتعِلْن مفاعلن مفاعلن

(بتا بیا ای مهجان بتا بیا بتا بیا)   (101010101111010)

ز عاشقان ای دلبر به بوسه‌ای دلی ببر (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x5595

تن مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلا - فاعلن مفاعلتن فاعلن مفاعلت

(گلرخی بتی مهِ جان گلرخی بتی مهی)   (101010110010101)

می رود پی هوسی دل به بوی دلبری

سر خوشم شود نفسی خاک کوی دلبری(ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x95/8 («تن مفاعلن فعلا» «فاعلن مفاعلتن»)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۹۷)

0x5656

مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن – علاتن مفاعلن فعلاتن مفاعلن

(بتم شو بتم بتم تو بتم شو بتم بتم)   (101011001010110)

بدین خرمی جهان و بدین تازگی بهار

بدین روشنی شراب ، بدین نیکویی نگار (فرخی سیستانی) (نجفی* :۲۲۵)

به جایی رسید ، عشق ، که بر جای جان نشست
سلامت میانه کرد و خرد بر کران نشست (خاقانی) (نجفی* :۲۸۱)

صبا دوش آورید به من بوی زلف یار
جهان گشت مشکبوی ز زلفین آن نگار (المعجم) (نجفی* :۲۸۱)
بیامد به حجره مست نگارین و در بزد
لطافت نمود دوش سمن بر برون زحد (المعجم ، شمیسا: ۱۷۱)
ز من دل ربود یار ز من رخ نهفت باز
ز من جان بخواست باز دل از من برفت باز (المعجم ، شمیسا: ۲۱۵)
نگار آفتاب روی و شراب آفتاب بخت
دلت مگسل از نگار و دهن مگسل از شراب ► (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۳)

- عضو بحر دودویی 0x56/8 («علاتن مفاعلن فَ» « مفاعیلُ فاعلاتُ»)
- این ابیات وزن را به خوبی نشان نمی‌دهند زیرا بهتر است در رکن سوم (فعلاتن) با یک کلمه جدید شروع شود. بیت زیر به نظر بهتر است:

  نگارم چو مست شد ، شب مهتاب طرف جوی
  ز ساغر شنید او ، که به جز عشق ره مپوی (ابوالحسنی)

0x56B5
(3*10101) مستفاعلن *۳ – (جانِ جانِ جان)*۳

بر فلک شد از شور عشق تو های و هوی من
نالد از فراق تو هر سر تار موی من (الهی قمشه‌ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۶)
شد بر آسمان ناله ها ز قلب فگار من
زد به خرمن مهر و مه شرر آه زار من (الهی قمشه‌ای) (نجفی* :۲۲۸)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُن» 0x15/5

0x56D6

علاتن مفاعلاتن علاتن مفاعلا

(101011011010110) (خدایا خدا خدایا خدایا خدا خدا)

درآمد ز در نگارم// ز می مستِ مستِ مست

بزن چنگ و تار مطرب//بده ساقیا قدح (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xD6/8 (علاتن مفاعلاتن)

0x5799

مفتعلن مفتعلن مفتعْلن مفاعلن

(101011110011001) (ای مهِ جان ای مهِ جان ای مهجان بیا بیا)

عشوه کنان خنده زنان رقصان شو بیا بتا (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x579A

مفاعلن مفتعلن مفتعْلن مفاعلن

(101011110011010) (بیا بیا ای مهِ جان ای مهجان بیا بیا)

شبی بیا جامه دران رقصان شو قدح کشان (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x57A9

مفتعلن مفاعلن// مفتعْلن مفاعلن

(1010111//10101001) (ای مهِ جان بیا بیا ای مهجان بیا بیا)

می‌روم از جهانتان //جز تنی از مهانتان

جز غم در نهانتان//بر من بگریست بگو (اسمعیل خویی در پناهی ، ج۱: ۹۵) (طبیب‌زاده* : ۲۳۸)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x57AA

مفاعلن مفاعلن مفتعِْلن مفاعلن

(بتا بیا بتا بیا ای مهجان بتا بیا) (101011110101010)

به بوسه‌ای دلی ببر ای دلبر ز عاشقان (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x5959

مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فاعلا -لن فعلاتن مفاعلن فعلاتن مفا

(عاشقِ آن دلبرم که عاشقِ آن دلبرم)

(شد مهِ دل با وفا بشد مه دل با وفا) (101100101011001)

زهد و ورع پیشه گیر و زور و شجاعت مبر

گرتو کنی کارزار بر تو شود کار زار (قوامی رازی) (نجفی،۱۳۹۴،الف : ۴۸)

یار زمن دل ربود{و} یار ز من رخ نهفت

یار ز من جان بخواست باز دل از من برفت (المعجم ، شمیسا: ۲۱۵)

ترک من آن خوبرویِ سیم بر و مهرجوی

قامتش آزاده سرو و روی چو ماه تمام (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۹)

- عضو بحر دودویی 0x59/8 («لنِ فعلاتن مفاعِ» «مفتعلن فاعلاتُ»)
- «مصادیق این وزن در شعر فارسی نادر بلکه معدوم است و اگر هم در کتب عروض شاهدی داشته باشد به ظن قوی ساخته عروضیان است » (نجفی،۱۳۹۴،الف : ۴۹)
- به راحتی ممکن است با وزن (1011001//۲) اشتباه گرفته شود.

0x5999

مفتعلن مفتعلن مفتعلن فاعلن

(شد مه جان شد مهِ جان شد مهِ جان ماهِ جان) (101100110011001)

گر نرسد لطف تو ای دوست به دامان من

کس نتواند که ز جور تو دهد داد من (ادیب طوسی) (نجفی* : ۱۸۰)

آن که به سامان نرسد کار خرابش منم
آن که نزد غیر محبت ره خوابش منم (یداله قرایی) (پناهی، ج۲: ۶۹)
جور مکن ماهْوَشا ز آهِ دلم کن حذر
زان که بود آه دلِ سوختگان کارگر (؟) (نجفی* :۱۸۰)
چیره بران چیره بران صبحدمان در رسید
گام دگر، گام دگر پهنه به آخر رسید (حمید سبزواری) (پناهی، ج۲: ۶۹)
خطه و خاک تو بود بستر من ای وطن
دور مبادا ز تو خاکستر من ای وطن (کریم جلالی) (نجفی* :۱۸۰)

گر چه بتا نیست تو را ز آهِ دلم احتراز
لیک بود آهِ دلِ سوختگان جانگداز (عروض بابر:۱۱۰)
روی خوشت ، موی خوشت عنبر و مه ، چارده
نوش لبت عیسی‌ی دل ، کاکل مشکین سیه
خال زنخ گوی مشک ، کاکل کج صولجان
سیب ذقن ، تنگ دهن ، ساده و خوش ای جوان (تحفه الهند : ۱۸۲)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4

0x5A5A

مفاعلن فاعلاتُ مفاعلن فاعلا

(101101001011010) (بیا بیارا بیا توبیا بیارا بیا)

مرا از آن رویِ لعل و از آن دو زلف سیاه
ز روز گه شب کنی و ز شب گهی باز روز (معیارالاشعار ، فشارکی : ۴۴)

- عضو بحر دودویی 0x5A /8 (مفاعلن فاعلاتُ)

0x5A9A

مفاعلن مفتعلن مفاعلن مفتعل (=فاعلن)

(101101010011010) (بتی بتی تازه بتی بتی تازه بت)

مکن فزون عشوه گری به کار من ای صنم

که شد ز غم خون دل بی قرار من ای صنم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۹)

اگر دلم تازه شود به باده‌ی کهنه ای

صلای وصلت شنوم ز ناله‌ی هر نی ای (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۳۸۱)

- عضو بحر دودویی «مفاعلن مفتعلن» 0x9A/8

0x5B5B

مستفعلن فاعلاتُ مستفعلن فاعلا

(101101101011011) (جانا بیارا بیا توجانا بیارا بیا) (جانا نگارا بتا نگارا نگارا بتا)

بر یار من بی گناه و بی جرم بگرفت راه

آن حاسد عیب جوی و آن دشمن زشت خو (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۰)

- عضو بحر دودویی 0x5B /8 (مستفعلن فاعلاتُ)

0x5B6D

(5*101) فاعلن *۵ – (دلبری)*۵

روزگاری که انسان از اقوام یک شاخه بود

(سهراب سپهری ، اینجا پرنده بود) (سپهری:۴۳۱) (نیمایی)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0x5BAB

مستفعلن مفاعلن مستفعلن فاعلن

(101101110101011) (جانا بیا بیا بیا جانا بیاسا بیا)

باشد که یار من کند از مرحمت یاد من

خرم شود به لطف او این قلب ناشاد من (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۸)

0x5CC9

مفتعلن فعلن مفتعلن مستفعلن

(101110011001001) (ای مهِ دل مهِ دل ای مه دل ای مه بیا)

مژده که باد صبا می‌دهدم پیغام دوست

می‌گذرد غم ایّام به برکت نام دوست (ابوالحسنی)

- بیت ساخته شده بر اساس : مژده که باد صبا//می دهدم خبری (محسن حکیم معانی) (خورشیدی نیا:۱۱۰)

0x5D2E

مفاعیلن مفاعلتن مفاعیلن مفا

(101110100101110) (بیا مهجان بیا مهِ جان بیا مهجان بیا)

دل بی‌تاب من چه کند به هجرانت حسین

جدا شد دست خسته چرا ز دامانت حسین (جعفر رسول‌زاده در پناهی ، ج۵: ۱۷۳) (طبیب‌زاده* : ۲۲۷)

- عضو بحر دودویی 0x12E/9 (مفاعیلن مفاعلتن)

0x5DDD

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلا

(101110111011101) (دلبرم شد دلبرم شد دلبرم شد دلبرم)

بر مرادت چون نگردد تا قیامت دور چرخ

کز تو در سیرند دایم ، مهر و ماه و دزد و مه (ابوسلیک گرگانی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۶)

دعوت من بر تو آن شد کایزدت عاشق کناد

بر یکی سنگین دل نامهربان چون خویشتن (رابعه قزداری) (نجفی* :۸۷)

در میان پرده خون عشق را گلزارها
عاشقان را با جمال عشق بی‌چون کارها (مولوی) (فرزاد،۱۳۴۹ : ۱۵۵)
مطربا بهر خدا تو غیر شمس الدین مگو
بر تن چون جان او بنواز تن تن تن تنن (مولوی ، غزل ۱۹۸۱)
دیده از دیدار خوبان برگرفتن مشکل‌ست
هر که ما را این نصیحت می‌کند بی‌حاصل‌ست (سعدی) (جلالی:۱۸۴)
واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند
چون به خلوت می‌روند آن کارِ دیگر می‌کنند (حافظ ، غزل ۱۹۹ قزوینی)
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلات
خیز در بحرِ رمل برکش به صوت گیلکی (میرزا حبیب الله نظام) (اخوان ثالث ، ۱۳۷۴ :۱۸۹)
تشنه می‌میرم که در این دشت ، آبی نیست نیست
وین همه موج بلورین ، جز سرابی نیست ، نیست (سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۵۸)

حبذا بزمی کزو هر دم دگرگون زیوری
آسمان بر عالمی بندد زمین بر کشوری (المعجم، مدرس رضوی ، ص۱۲۶)
ای به استحقاق شاه شرع را قایم مقام
وز قدیم الدهر دنیا پیشوای خاص و عام (المعجم ، شمیسا: ۱۵۶)
مر مرا از جان و دل چیزی گرامی تر نبود
دل بدادم روز وصلت جان دهم روز فراق (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۹)

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
خیز و در بحر رمل این قطعه را برخوان ز بر (ابو نصر فراهی:۸)
احمقاتٌ احمقاتٌ احمقاتٌ احمقاتْ
سالک از بحر رمل این قطعه را برخوان ز بر (وقارالسلطنه:۶)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

- «یکی از اوزان نسبتا پر کاربرد شعر فارسی است . سعدی در مجموع مقصور و محذوف این وزن ۴۶ غزل ، حافظ ۳۳ غزل و عطار ۴۲ غزل و ۵ قصیده دارد . » (مدرسی☸: ۷۷)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)

0x5ECB

مستفعلن فعلاتن مفاعیلن فاعلن

(101111011001011) (جانا بیا لبِ جانا بیا جانانا بیا)

زخمی که حک شده بر دامنم ، لعنت بر تو باد

فریاد می چکد از کفنم ، لعنت بر تو باد (شراره دادگر) (دادگر:۱۱۳)

0x5FBF

مفعولاتن مستفعلن مفعولاتن فاعلن

(101111110111111) (یارا یارا یارا بیا یارا یارا ساقیا)

هان ای جانا با ما بسی بی باکی ها می کنی

با زینسان صید لاغری چالاکی ها می کنی (تحفه الهند : ۱۵۷)

0x6565

فاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن

(110010101100101) (مهرخی مهِ جانی تو مهرخی مهِ جانی)

خیز و طرف چمن گیر با حریف سمن روی

گاه سنبل تر چین و گاه شاخ سمن بوی (جامی ، عروض بابر:۱۸۸)

کار جان ز غم عشقت ای نگار ، بسامان

هست چون سر زلفین دلربات پریشان (المعجم ، شمیسا: ۱۹۳)

- عضو بحر دودویی « فاعلن فعلاتن مَ» 0x65/8

0x657A

مفاعلن مفعولن مفاعلن فعلاتن

(بتی بتی مهجانی// بتی بتی مهِ جانی) (11001010111010)

چه نقش ها که ببازد چه حیله ها که بسازد

به نقش ، حاضر باشد ز راه جان بگریزد ▶ (مولانا ، غزل ۹۰۰)

- عضو خانواده وزنی 0xCACA ، («مفاعلن فعلاتن»❊۲)

0x6666

مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ مَفاعیلْ -

(دلارامِ دلارامِ دلارامِ دلارام) (ز جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی) (110011001100110)

شدم پیر بدین سان و تو هم خود نه جوانی

مرا سینه پر انجوخ و تو خود چفته کمانی (رودکی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۷۰۰)

الا وقت صبوح است نه گرم است و نه سرد است

نه ابر است و نه خورشید نه باد است و نه گرد است (منوچهری) (نجفی❊ :۱۳۴)

زهی حسن و زهی عشق و زهی نور و زهی نار

زهی خط و زهی زلف و زهی مور و زهی مار (سنایی)

(دیوان سنایی غزنوی، ناشر: نگاه، ۱۳۷۵، ص ۴۰۴)

بیایید بیایید که گلزار دمیده ست

بیایید بیایید که دلدار رسیده ست (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۶۱)

حکیمیم طبیبیم ز بغداد رسیدیم

بسی علّتیان را ز محن باز خریدیم (مولانا) (نجفی❊ :۱۳۴)

تو را لعل شکر ریز و مرا چشم گهر بار

تو را خنده بود خوی و مرا گریه برد کار (جامی) (نجفی❊ :۱۳۴)

بیایید بیایید که جان دل ما رفت

بگریید بگریید که آن خنده گشا رفت (ابتهاج) (دادگر:۲۳۶)

مرا عشق دو تا کرد به هنگام جوانی

چرا باز نپرسی تو زحالم چو بدانی (المعجم ، شمیسا: ۱۳۶)

دل آزاد کن از درد و تن آزاد کن از رنج
و جام آور و رود آور و نرد آور و شطرنج ▶ (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۸)

- عضو بحر دودویی « مَفاعیلُ» 0x6/4

0x6667

مفعولن فعلاتن فعلاتن فعلاتن
(110011001100111) مهجانی مه جانی مهِ جانی مهِ جانی

دلدارا مهِ دلها//دل من رای تو دارد
جانانا رخ زدرم // غم صفرای تو دارد (ابوالحسنی)

- شاهد سروده شده بر اساس : دل من رای تو دارد... (مولانا)
- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ＊ ۴ »

0x667C

فعلاتن فعِلاتن فعلاتن فعلاتن
(110011001111100) (مهِ جانی مهجانی مهِ جانی مهِ جانی)

به مَثَل گفتم این را و اگر نه کَرَمِ او ▶
نکشد هیچ کسی را و زکشتن برهاند (مولانا ، غزل ۷۶۵)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ＊ ۴ »

0x667D

فاعلاتن فعِلاتن فعلاتن فعلاتن
(110011001111101) (ماهِ جانی مهجانی مهِ جانی مهِ جانی)

در مَثَل گفتم این را و اگر نه کَرَمِ او (ابوالحسنی)

- شاهد ساخته شده بر اساس: به مَثَل گفتم این را و اگر نه کَرَمِ او (مولانا)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ＊ ۴ »

0x66A6

علن مفتعلن مفاعلن مفتعلنِ مف - فعولن متفاعلن فعولن متفاعل

(110011010100110) (بیا ناز مکن بتا بیا ناز مکن بت)

دمی گر به تو افتدم نظر چهره به چهره

به دل شرح دهم غم تو را نکته به نکته (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xA6/8 («فعولن متفاعلن» « علن مفتعلن مفا »)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۴۳)
- بیت ساخته شده بر اساس شعر طاهره قره‌العین (گر به تو افتدم نظر...)

0x66B5

مستفاعلن مستفاعلن مفتعلاتن

(110011010110101) (جانِ جانِ جان جانِ جانِ جان جانِ نگارا)

زلف درازت دام و دانه اش خال سیاهت

خطّ عنبرین شام و کوکبش روی چو ماهت ►

نرگس تو بیمار و نوش لعل تو مسیحا

رخسارت گلزار و قامتت سرو دلارا (تحفه الهند : ۱۵۴)

0x66B9

مفتعلاتن مستفاعلن مفتعلاتن

(110011010111001) (عاشقِ اویم ماهِ ماهِ دل عاشقِ اویم)

زلف درازت دام و دانه اش خال سیاهت ►

خطّ عنبرین شام و کوکبش روی چو ماهت

نرگس تو بیمار و نوش لعل تو مسیحا

رخسارت گلزار و قامتت سرو دلارا (تحفه الهند : ۱۵۴)

0x6739 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x6739-0//15 حالت غیر دوری

(3*11001) مفتعلاتن ۳*-(آن مهِ جان کو)*۳

جامه دران آمد سحری سرمست ز باده

صومعه شد از نرگس چشمش میکده‌ای مست (ابوالحسنی)

0x6739-5//5//5 حالت دوری

(3//11001) مفتعلاتن //۳-(آن مهِ جان کو)//۳

خانه به دوشم// مثل نسیمی// تا سر کویت

تا که بنوشم// آبِ بقا را// بل ز سبویت (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۲۰۳)

- عضو بحر دودویی « مفتعلاتن» 0x16/5

0x67CC

(110011111001100) فعلاتن فعلاتن فع‌لاتن فعلاتن (مهِ جانی مهِ جانی مهجانی مهِ جانی)

هله ای باغ نگویی به چه لب باده کشیدی

مگر اشکوفه بگوید پنهان با گل و نسرین ▶ (مولانا ، غزل ۱۹۸۴)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن * ۴ »

0x67CD

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

(ماهِ جانی مهِ جانی مهجانی مهِ جانی) (110011111001101)

{شاید} اشکوفه بگوید پنهان با گل و نسرین (ابوالحسنی)

- شاخته شده بر اساس : مگر اشکوفه بگوید پنهان با گل و نسرین (مولانا)
- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن * ۴ »

0x69A9

مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعل

(دلبرِ جان بیا بیا دلبرِ جان بیا بت) (110100110101001)

باغ امید من تویی باغ امیدهایم

بر دل من نهاده‌ای داغ امیدهایم (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۴۰۹)

خیز و بیا که تازه شد روی چمن ز باران

عطر بنفشه خیزد از دامن سبزه‌زاران (بیژن ترقی در پناهی ، ج۵: ۹۲) (طبیب‌زاده* : ۳۲۰)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن مفاعلن» 0xA9/8

0x6A6A

مفاعلن مفاعیلُ مفاعلن مفاعیل

علن مفاعلن مفتَعلن مفاعلن مف

(مکن بتا بتا ناز مکن بتا بتا ناز) (110101001101010)

همیشه شادمان باش و به کام دوستان باش

تو جاودان جوان باش و عدوت خاکسارا (المعجم ، شمیسا: ۱۴۸)

مرا غم تو ای دوست زخان و مان برآورد

مرا فراقت ای ماه زمال و جان برآورد (المعجم ، شمیسا: ۱۳۶) (خوانش غیر دوری از این بیت)

- عضو بحر دودویی 0x6A/8 («مفاعلن مفاعیلُ » « علن مفاعلن مفتَ»)

0x6A6B

فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن

(11010100//1101011) (مهجان بیا بیارا مهِ جان بیا بیارا)

چو رسول آفتابم// به طریق ترجمانی

پنهان از و بپرسم// به شما جواب گویم ◀ (مولانا) (شمیسا*:۱۹۶)

پشه نیز باده خورده// سر و ریش یاوه کرده

نمرود را به دشنه//ز وجود کرده خالی ◀ (مولانا) (شمیسا*:۱۹۶)

- «ندرتا نمونه هایی در دست است که در رکن اول تسکین شده است . » (شمیسا* : ۱۹۶)
- عضو خانواده وزنی 0xD4D4، (فعلاتُ فاعلاتن)*۲

0x6AAA

مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفاعل

(110101010101010) (بیا بتا بیا بتا بیا بتا بیا بت)

چو آن پری ز دلبران به دلبری ندیدم

ز دلبران به دلبری چو آن پری ندیدم (ادیب طوسی) (نجفی* :۱۶۰)

شهید راه ذوالمنن قاسم نوجوانم

زینت دامن حسن قاسم نوجوانم (محمد علی مردانی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۹)

عبور می کنم من از فراز کهکشان ها

ستاره ها به زیر پای من در آسمان ها (ثابت محمودی سهیل) (پناهی، ج۲: ۴۶)

شکسته می‌شود دلم اگر دلم نجویی

و خسته می‌شود دلم اگر سخن نگویی (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۱۶۱)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2

0x6AB9

مفتعلن مستفعلن مفاعلن فعولن

(110101010111001) دلبرکی جانی بتا بیا بتا بیا بت)

زلف درازت دام و دانه اش خال سیاهت

خطّ عنبرین شام و کوکبش روی چو ماهت

نرگس تو بیمار و نوش لعل تو مسیحا ▶

رخسارت گلزار و قامتت سرو دلارا (تحفه الهند : ۱۵۴)

0x6B2B

مستفعلن مفاعلُ مستفعلن مفاعلْ

لاتن مفاعلن فَعَلاتن مفاعلن فَع

(110101100101011) (جانی بتی بتی مهِ جانی بتی بتی مه)

دیدی که پای از خط فرمان ، برون نهادی

دیدی که دست جور و جفا باز برگشادی (انوری) (نجفی* :۲۸۸)

ای مقبل ار سعادتِ دنیاتْ رو نماید

وآن زشت رو به چشمِ بد تو نکو نماید (سیف فرغانی) (پناهی ، ج۲: ۷۱)

دل بی رخ تو صورت جان را نمی شناسد

جان بی لب تو گوهر کان را نمی شناسد (امیر خسرو دهلوی) (پناهی ، ج۲: ۷۱)

ای زلف، عزم سرکشی از زلف یار داری

مانا ز هم‌نشینی خورشید عار داری (قاآنی) (نجفی* :۲۸۹)

ای جاودانه آتش زردشت جاودانی

خنیاگر نجیب مزامیر باستانی (ناصر گلستانی فر) (نجفی* :۲۸۹)

ای خنجر مظفر تو پشت ملک عالم

وی گوهر مطهر تو روی نسل آدم (انوری) (المعجم ، شمیسا: ۱۷۱)

فریاد من ز عشق پری چهره‌ی سمن بر

کز عشوه عمر برد و نیامد شبی به بر در (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۶)

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)

- «قدیم ترین نمونه های شعر به این وزن را در دیوان انوری دیده ام ، پس عجالتا این وزن را ، که چندان مطلوب هم نیست ، از ابتکارات عروضی انوری دانست . انوری شش غزل به این وزن دارد بعد از او فقط در دیوان خاقانی و قاآنی به اشعاری با این وزن برخورده ام . » (فرزاد: ۴۳)
- «در دوره‌ی بازگشت قاآنی و وقار به این بحر قصیده گفته اند . » (شمیسا* : ۲۱۰)
- اگر دو هجای کوتاه این وزن را به یک هجای بلند تبدیل کنیم وزن به شکل مفعولُ فاعلاتن //۲ در می‌آید که یک وزن دوری است مثل بیت زیر که مصرع اول بر همین وزن است و دومی دوری است:

او زلف را به رغم دل من شکسته دارد

من دل شکسته زانم کاندر شکست اویم (خاقانی) (نجفی* : ۲۹۰)

نمونه دیگر :

در اژدهای رایت تو بادِ حمله‌ی تو

روح‌اللّه است گویی در آستین مریم (انوری) (شمیسا*:۲۰۸)

«نمونه کامل این در آمیختگی این قصیده ی خاقانی (ص ۲۸۰ دیوان) است :

ای باغ جان که به ز لبت نوبری ندارم ...» (شمیسا*:۲۰۹)

«امروز اجتماع این دو وزن را در یک بیت یا در یک قطعه شعر جایز نمی‌دانند ... با این حال اجتماع این دو وزن در قدیم بسیار رایج بوده ولی چون در زمان شمس قیس احتراز از آن را اولی می‌دانسته‌اند... ظاهرا از اواخر ششم به بعد منسوخ شده است.» (نجفی* :۲۸۹) .برای اطلاعات بیشتر بنگرید به (نجفی* :۲۸۹-۲۹۱)

0x6B5A دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x6B5A -0//15 حالت غیر دوری

(3*11010) مفاعلاتن *۳ – (بیا نگارا)*۳

ز دور گردون نصیب ما نیست سربلندی

مگر نسیمی غبار ما را برد به بالا (؟) (نجفی* : ۲۱۳)

ندارد این درد بی دوا مرهمی برایم

چگونه غمگین برای شادی غزل سرایم (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۲۱۳)

0x6B5A -5//5//5 حالت دوری

مفاعلاتن //۳ – (بیا نگارا)//۳ (3//11010)

نگاه سبزی// برای درکِ //هر آیه ام ده

دو چشم دارم// دو چشم دیگر //کرایه ام ده (محمد عباسیه) (دادگر:۲۲۴)

چه شد جوانی// که من به پیری// ز ناتوانی

فتادم از پا //چنان که افتد// به زندگانی (محمد قهرمان) (پناهی ، ج۲: ۶۱)

زمان چه تشنه // زمین بیابان // در آن سپیده

و مرد تنها // به سوی باران // در آن سپیده (سید علی میرباذل) (پناهی ، ج۲: ۶۲)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5
- {شعر «ز دور گردون ....»} «فرزاد گویید که این شعر یگانه شعر بر این وزن است که متاسفانه گوینده‌اش معلوم نیست ... اما بیت فوق در واقع تصحیف بیت ذیل از بیدل است:

  به هیچ صورت ز دور گردون نصیب ما نیست سربلندی

  ز بعد مردن مگر نسیمی غبار ما را برد به بالا » (نجفی* :۲۱۳)

0x6BBB

مستفعلن مستفعلن مستفعلن فعولن

(جانا بیا جانا بیا جانا بیا بیارا) (110101110111011)

تا کی ز خار ستم در قلب خود شکستن

از موی او آشفته تر شب تا سحر نشستن (بیژن ترقی در پناهی ، ج۵: ۱۴۴) (طبیب‌زاده* : ۲۱۵)

0x6BD4

فعلن مفاعلاتن فعلن مفاعلاتن

(مهِ جان بیا بیارا مهجان بیا بیارا) (11010-11-11010-100)

ز دو دیده خون فشانم //از غم شب جدایی

که من از لبت جدایی //هرگز نمی توانم (ابوالحسنی)

- بیت ترکیبی از ابیات عراقی و سیمین بهبهانی است.
- عضو خانواده وزنی 0x D4D4، (فعلاتُ فاعلاتن)※۲

0x6CAC

فعلاتن مفاعلن فعلاتن مفاعل

(110110010101100) (مهِ جانی بتی بتی مهِ جانی بتی بت)

به خدا این بهانه ها همه را من شنیده ام

چه کنم کز تو یک نفس گل عشقی نچیده ام (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن مفاعلن » 0xAC/8
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده※ :۳۷۹)

0x6CEC

فعلاتن مفاعیلن فعلاتن مفاعیل

(110110011101100) (شکرینا پری‌جانا شکرینا پری جان)

شب میلادت ای مولا شب عشق و سرور است

به هوای خراسانت همه جا غرق نور است (جعفر رسول زاده در پناهی ، ج۵: ۱۶۰) (طبیب‌زاده※ :۳۷۹)

- عضو بحر دودویی 0x EC/8 (فعلاتن مفاعیلن)

0x6CEF

مفتعْلن فاعلاتن مفتعلن فاعلاتن

(110110011101111) (جانانا دل‌ربایا نوصنما دل‌ربایا)

ساقی ساقی کجایی در پی جامی شرابم

مطرب مطرب کجایی در پی چنگ و ربابم (ابوالحسنی)

- عضو خانواده «(مفتعلن فاعلاتن)//۲ »

0x6DB6

(5*110) فعولن ❊ ۵ - ({بزن دف} ❊۵)

نگاه ار کنی جان ستانی تغافل کن ای دل

ز وصلت جگر خستگان را ، مه من چه حاصل (فیض کاشانی ، ماهیار: ۲۱۰)

من آن مایه‌ی ناز را می شناسم تو بودی

بس آن شوخ طناز را می شناسم تو بودی (پژمان بختیاری ، ماهیار: ۲۱۰)

الا بی وفا یار کز یاریم می گریزی

به خوابم می آیی ز بیداریم می گریزی (حسین منزوی) (نجفی❊ :۴۰)

صدای تو سبزینه‌ی آن گیاه عجیبی ست

که در انتهای صمیمیت حزن روید (سهراب سپهری) (سپهری:۳۹۵) (نیمایی)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3

0x6EEE

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلْ

(110111011101110) (پری رویی پری رویی پری رویی پری رو)

نمی بستی چو بر فتراک استغنا سر ما

چرا در خون کشیدی ای جفا جو پیکر ما (عاشق اصفهانی ، ماهیار: ۱۷۶)

چه نیرویی مرا این سو و آن سو می‌کشاند

چه رویایی مرا از خواب شیرین می‌پراند (گلچین گیلانی) (نجفی❊ :۷۸)

من و تو هر دو تاراج خزان را می شناسیم

صدای پای بی رحم زمان را می شناسیم (پروین جزایری) (پناهی، ج۲: ۱۱۶)

دلم از زهرِ کین صد پاره شد ای نور چشمان

به جز مردن ندارد درد من دیگر دوایی (اسماعیل حیران اصفهانی) (پناهی، ج۲: ۱۱۵)

نگارینا اگر با من نداری در دل آزار

به قول دشمنان از من چه گردی خیره بیزار (المعجم ، شمیسا: ۱۳۱)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلن» 0xE/4

0x6F7B

(3//11011) مستفعلاتن//۳ – (جانی ز جانی)//۳

عمر منی تو// بی آنکه دانم// رفتی ز دستم

آب بقا بود //در ساغر من //وآنگه شکستم (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی‌* :۲۵۸)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلن» 0x15/5

0x7333

مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مستفعل

(111/0011/0011/0011) (جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مه)

0x7333 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x7333-0//15 حالت غیر دوری

مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مستفعلْ

(جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مه)

(111/0011/0011/0011) (زیبا رخِ زیبا رخِ زیبا رخِ زیبا رخ)

هر گه که ترک جان آسان نتوان گفت

پس عاشق آن دلبر خونخوار نباید شد ◀ (سنایی) (نجفی‌* :۱۴۱)

حاشا که مرا جز تو در آفاق کسی باشد

یا جز غم عشق تو به عالم هوسی باشد (خاقانی) (نجفی‌* :۱۴۰)

گویی رگ جان می‌گسلد نغمه‌ی ناسازش

ناخوش‌تر از آوازه‌ی مرگ پدر آوازش(سعدی) (نجفی‌* :۱۴۰)

دردا که علاج دل بیمار نفرمودی

یک بار بر این جان گرفتار نبخشودی (جامی) (نجفی‌* :۱۴۰)

انگشتر را یک جا با انگشتان می‌برد

با هر نفسی مژده‌ی دیدار تو می‌آورد (ابتهاج در پناهی ، ج۳: ۱۲۲) (طبیب‌زاده‌* :۲۵۵)

گویی که چنان کودک من کس به جهان بیند

هم چابک و هم زیرک و هم نیکو و هم بخرد(المعجم ، شمیسا: ۱۳۶)

ای کودک جادو وش ، وی فتنه‌ی آهرمن
شکّر لب و دیبا رخ و سنگین دل و سیمین تن ► (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۸)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُ » 0x3/4

- اگر دو هجای کوتاه این وزن را به یک هجای بلند تبدیل کنیم ، وزن به شکل (مفعول مفاعیلن) //۲ در می آید که یک وزن دوری است:

فتنه کنیم بر خود و پنهان شوی از چشمم
چون فتنه تو انگیزی از فتنه چه پرهیزی (خاقانی) (شمیسا*:۲۱۰)
{برای دیدن نمونه‌های بیشتر مراجعه کنید به (شمیسا*:۲۱۱) }

- با تبدیل دو هجای کوتاه متوالی رکن دوم به یک هجای بلند، وزنی دوری به شکل (مفعول مفاعیلن // مفعول مفاعیلن) حاصل می‌شود.«اجتماع این دو وزن در یک بیت یا در یک قطعه شعر، به علت آنکه یکی دوری است و دیگری نیست، از اواسط قرن ششم به بعد منسوخ شده اما قبل از آن جایز بوده است... دو مصراع بیت زیر هر کدام بر یکی از این دو وزن است:
هر گه که ترک جان آسان نتوان گفت || پس عاشق آن دلبر خونخوار نباید شد (سنایی)» (نجفی* :۱۴۱)

مصرع اول: (111/0011/0011/0011)
مصرع دوم : (111/0011/111/0011)

0x7333-2//13 حالت دوری

لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن//مفتعْ

(11//1001100110011) (جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جان//مهجان)

ای آنک دل از تو بر نگیرم هرگز// میدان ▶

زان یاد همی دار که با من بستی//پیمان ▶

دریاب که جان رسیده‌ست به لب// بشتاب ▶

لب بر لب من نه ایصنم تا بینند//اصحاب ▶

وه وه که دلم ز آتش عشق تو بسوخت// آری و الله

ای آب روان بلطف مانند میی// بی اکراه

(ابن یمین) (دیوان ابن یمین ،به تصحیح حسینعلی باستانی راد ، ناشر سنایی ، ۱۳۶۳، ص ۵۶۴)

- نمونه خاصی از مستزاد است.

0x7349

مفتعلن متفاعلن مفتعلن فعِلن

(111001//101001001) (عاشقِ عاشقِ عاشقان //عاشقِ عاشقِ‌ها)

لعل لبت می سرختر ، چشم خوشت بد مست

از لب و از نرگس دلکشت رفته دلم از دست (تحفه الهند : ۱۴۹)

- مصنف خود آن را به شکل (مفعتلعن متفعلن مفتعلن فعلان) تقطیع کرده است (تحفه الهند : ۱۴۹)

0x7353

لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفتع

(111001101010011) (جان شد مهِ جان بتی بتی شد مهِ جان شد مه)

ای هوش ربا گروه خوبان پری پیکر (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۶۰)

آن سرو سهی که بارِ خورشید روان دارد ▶

همواره ستاره از دو چشم من روان دارد (المعجم ، شمیسا: ۱۴۸)

0x7399

مفتعلاتن فعلیاتن فعلیاتن

(111001110011001) (جان مه‌ِ جانا مه‌ِ جانانا مه‌ِ جانانا)

ای دل من بسته در آن زنجیر سمن سا دل

کرده مرا در غم عشقت بی سر و بی پا دل

مطرب دل سوختگان گو تا بزند بر چنگ

وای دل ای وای دل و دین وادل من وادل (خواجوی کرمانی در پناهی ، ج۳: ۱۶۸) (طبیب‌زاده‌* :۲۳۸)

- دکتر شمیسا این وزن را از ابداعات خواجوی کرمانی می داند (شمیسا،۱۳۷۶: ۲)

0x739C

(3*11100) فعلیاتن*۳ – (مه‌ِ دل آمد)*۳

بزن ای مطرب دف و بربط ، در شبِ نوروزی

که زمستان رفت و بهارآمد به گلستانها (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن» 0x1C/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در(طبیب‌زاده* : ۳۰۸)

0x7535

فاعلاتُ مستفعلُ فاعلاتُ مستفعلْ

(نو بتی بتی نو شکری بتی بتی نو)

(111010100110101) (ماهِ ماهِ دل ماهِ دلی بتی بتی جانی)

یار دلربا جامه دران و مستِ می آمد

مطربا بزن بربط و چنگ و تار و دف تا صبح (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x35/8 (فاعلاتُ مستفعلُ)
- «نمونه ای از این وزن یافت نشد ،مگر یکی از اوزان دوری ذیل (بی تو نیست آرامم...) که پس از تبدیل دو کوتاه به یک بلند حاصل شده است.» (نجفی* :۳۷۵) {منظور وزن (111/0101) ۲ بار است.}

0x7553

مفعولُ مفاعلن مفاعلن مفاعیلن

(دلدار بیا بتا بیا بتا بیا دلدار) (111010101010011)

آن سرو سهی که بارِ خورشید روان دارد

همواره ستاره از دو چشم من روان دارد ▶ (المعجم ، شمیسا: ۱۴۸)

0x7595

فاعلاتُ مفتعلن فاعلاتُ مفعولن

(شوقِ شوقِ آن مهِ دل شوقِ شوقِ آن مهدل) (1110101//10010101)

فکر زاد راه طلب رسم رهنوردان نیست

بس بود شکسته دلی با درست پیمانی (حزین لاهیجی) (شمیسا*: ۱۹۴)

0x7696

مفاعیلُ مفتعلن مفاعیلُ مفعولن

(دلارامِ تازه بتی دلارامِ جانانی) (111011010010110)

چو دل داده ام به غمش تمنای او دارم

به هر جا که می گذرم از او گفتگو دارم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۹)

0x76DB

مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُن

عولن فعولن فعولن مفاعیلن

(دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلداران) (111011011011011)

آمد شبی ماهتابم به آغوش من سر مست

گویی که فردوس دیدم به دیدار او آن شب (ابوالحسنی)

ای کوه ای بندِ ضحاک آیا به یادت هست

زان چیره دستان چالاکِ چرمین علم در دست (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۵۶) ۶۵/۵

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3

- برای یافتن شاهدی به این وزن ، نجفی شعر سیمین را مطابق این وزن تقطیع‌کرده است (نجفی❋ :۵۶) ، ولی اصل این شعر به وزن 0x3BDB با تقطیع به روش زیر است:

ای کوه ای بندِ ضحاک // آیا به یادت هست
زان چیره دستان چالاک // چرمین علم در دست

0x7775

فاعلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

(111011101110101) (نو بتا نگارینا نگارینا نگارینا)

چرا همی نگارینم همیشه نزد من ناید
تا مرا نباید زار نالیدن به درد دل ▶ (المعجم ، شمیسا: ۱۴۷)

0x7777

فاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

(111011101110111) (جانانم ز جانانم ز جانانم ز جانانم)

بر فردوس رضوان ، گر نه رخسارت دلیلستی
مردم را سوی نادیده دیدن کی دلیلستی
(المعجم ، شمیسا: ۱۴۸) («سوی» باید با مصوت بلند سریع خوانده شود)
مر ما را نگارا دادخواهی درد و بیماری ▶
هم اکنون کردمان باید ز کار عشق بیزاری (المعجم ، شمیسا: ۱۴۷)

- عضو بحر دودویی 0x7/4 («فاعیلن مَ» «مفعولاتُ»)

0x77BD

(111011110111101) فاعلن فاعل//۳- فاعلیاتن//۳ -(دلبرا یارا)//۳

هر دمی چون نی //از دل نالان//شکوه ها دارم
روی دل هر شب //تا سحرگاهان//با خدا دارم (جواد آذر در پناهی ، ج۴: ۱۵۶) (طبیب‌زاده❋ : ۱۹۱)
ای دل غمگین//غم نمی‌پاید//یار می‌آید
یار می‌آید//ای دل غمگین//غم نمی‌پاید (بهاء الدین خرمشاهی) (طبیب‌زاده❋ : ۹۹)

- عضو بحر دودویی 0x1D/5 (فاعلیاتن)

0x77F7

مفعولاتُ مفعولاتن مفعولاتُ مفعولا

(111011111110111) (بارانا بیارانا بارانا بباران)

بر فردوس رضوان ، گر نه رخسارت دلیلَستی

مردم را سوی نادیده دیدن کی سبیلَستی (المعجم ، شمیسا: ۱۴۸) (کشیده تلفظ کردن «نه»)

0x7999

مفتعلن مفتعلن// مفتعلن مفعولن

(1111001//10011001) (ای مهِ جان ای مهِ جان // ای مهِ جان ای مهجان)

آنکه از آن طرّاری // باز بر او بر شکنی

افتد و سودش نکند // در دغلی هشیاری ▶ (مولانا، غزل ۳۰۲۸)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x799A

مفاعلن مفتعلن مفتعلن مفعولن

(111100110011010) (بیا بیا ای مهِ جان ای مهِ جان ای مهجان)

دمی بیا خنده‌زنان عشوه کنان رخ بنْما (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x79A9

مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفتعْلن

(111100110101001) (ای مهِ جان بیا بیا ای مهِ جان ای مهجان)

سرو نخوانمت که او //نیست بدین رعنایی

ماه نگویمت که او// نیست بدین زیبایی (جامی) (نجفی* :۴۰۹)

پس چو تویی نگار من // وز دو جهان بیزارم ▶

به کار من کن نظری// و گرنه دل بردارم (المعجم ، شمیسا: ۱۵۲)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x79AA

مفاعلن مفاعلن مفتعلن مفتعْلن

(111100110101010) (بیا بیا بیا بیا ای مهِ جان ای مهجان)

شبی بیا خرابِ می جامه دران چون غنچه (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x79F3

مستفعلتن مستف//مستفعلتن مستفعل

(111100111110011) (جانی مهِ جانانی// جانی مهِ جانی جانی)

گیرم که پریدم من //ای شاخه‌ی شمشاد از تو

تو سروی و من سایه//مشکل شوم آزاد از تو

در گوش تو سنگین است//فریاد که فریاد از من

سنگین‌تر از آن لیکن//گوش تو که فریاد از تو (شهریار در پناهی ، ج۴ :۱۹) (طبیب‌زاده* :۲۷۷)

0x7A99

مفتعلن مفتعلن مفاعلن مفتعْلن

(111101010011001) (ای مهِ جان ای مهِ جان بیا بیا ای مهجان)

عشوه کنان خنده زنان بتا بیا ساغر گیر (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x7A9A

مفاعلن مفتعلن مفاعلن مفتعْلن

(111101010011010) (بیا بیا ای مهِ جان بیا بیا ای مهجان)

گر از وفا بی خبری منت خبر خواهم کرد

که با وفایت صنما عمر به سر خواهم کرد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۹)

پس چو تویی نگار من وز دو جهان بیزارم

به کار من کن نظری و گرنه دل بردارم ◀ (المعجم ، شمیسا: ۱۵۲)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x7AA9

مفتعلن مفاعلن مفاعلن مفتعْلن

(ای مهِ جان بیا بیا بیا بیا ای مهجان) (111101010101001)

ناز مکن شبی بیا خرابِ می پر از عشق (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x7AAA

مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفتعْلن

(بتا بیا بتا بیا بتا بیا ای مهجان) (111101010101010)

به بوسه‌ای دلی ببر ز عاشقان ای دلبر (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x7ACA

مفاعلن فعلاتن مفاعلن مفتعْلن

(بتی بتی مهِ جانی// بتی بتی مهِجانی) (111101011001010)

کنار خاک ز اشکم چو لعل و گوهر پر شد ▶

اگر به وصل گشاید دمی کنار چه باشد (مولانا، غزل ۹۰۱)

دلم که در شب هجران ز انتظارت خون شد

ز بس گریستم آخر ز چشم من بیرون شد (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۹)

- عضو خانواده وزنی 0xCACA ، («مفاعلن فعلاتن»*۲)

0x7AFA

مفاعلاتن مفعولن مفاعلاتن مفعول

(1111010-1111-1010) (بیا نگارم جانانم بیا نگارم جانان)

چه چشم هایی داری تو چه چشم هایی داری

زلال مستی می جوشد ، درونشان پنداری

تو با شکرخندی شیرین در آن لباس آبی

طلوع صبح دریا را به یاد من می آری (حسین منزوی) (فیروزیان: ۸۴)

- عضو بحر دودویی 0xFA /8 (مفاعلاتن مفعولن)
- «منزوی اظهار کرده که در این کار {سرودن به این وزن} از غزل شهریار به مطلعِ

گیرم که پریدم من ای شاخه شمشاد از تو   تو سروی و من سایه مشکل شوم آزاد از تو

(شهریار، ج۱،ص۱۸۷) الگو گرفته است. این غزل در وزن «مفعول مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن فع» سروده شده و شهریار در پایان پاره‌ی دوم مصراع یک هجا افزوده است و کار او با کار منزوی ... فرق دارد. در شعر شهریار ، هجای افزوده شده درست در دنباله زنجیره هجایی جای گرفته اما هجای افزوده در نمونه اول یاد شده از منزوی ، نظم ریاضی را در زنجیره‌ی عروضی بر هم زده است» (فیروزیان: ۸۴)

0x7BBB

مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلْ

(111101110111011) (مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه‌رو بت)

من عاشقم من عاشقم درد و بلا می‌خواهم

ای بی دلان اهل دلی دردآشنا می‌خواهم (نواب صفا در پناهی ، ج۳: ۲۱۹) (طبیب‌زاده❊ : ۲۱۵)

تا کی کنی ماها ستم بر عاشق بیچاره

روزی بود کز جور تو گردد ز شهر آواره (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۵)

آگه شوم از بوی خوش بی آنکه گوید کس مرا

گر بگذرد دلخواه من پیش درم شبگیران ▶ (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۵)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4
- { درمورد شعر «آگه ...» } «مصراع دوم نسبت به مصراع اول یک هجای کوتاه کم دارد و این در شعر فارسی غلط است . » (شمیسا❊ : ۱۹۸)

0x7BDE

(3*11110) مفاعیلاتن*۳ – (نگارا بازآ)*۳

به سر شوری تلخ و شیرین از دوری‌ات دارم

ز جان اشکی تلخ و خونین از دوری‌ات دارم (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی*: ۲۶۳)

در این گلشن روز من تاری شام او روشن

فرشته باشم اگر بازم داند اهریمن (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی*: ۲۶۳)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلاتن» 0x1E/5

0x7CAC

فعلاتن مفاعلن فعلاتن مفعولن

(111110010101100) (همه جانا بیا بیا همه جانا جانانا)

بت دیر آشنای من که نجوید پیوندم

ز چه جوید جفای من ز چه دارد در بندم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۹۶)

0x7CCC

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع‌لاتن

(111110011001100) (مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهجانی)

چه کند مرده و زنده چو ازو یابد چیزی ►

که اگر کوه ببیند بجهد پیشتر آید (مولانا، غزل ۷۶۲)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن * ۴ »

0x7CCD

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فع‌لاتن

(111110011001101)   (ماهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهجانی)

{من} جز آن حیله ندانم که ز عشقت بگریزم (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ❋ ۴ »
- بیت ساخته شده بر اساس : به جز آن حیله ندانم که ز عشقت بگریزم (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۲)

0x7E73

مستفعلتن مستفعلتن مستفعلْتن مس

(111111001110011)   (جانی مهِ جانی جانی مهِ جانی جانی مهجانی جان)

در باغ جهان نشکفته گل امیدم بودی

یاد از تو کنم ای تو که به شب ناهیدم بودی (حمید مصدق) (نجفی❋ :۲۰۷)

0x7E7C

فعلاتن فع‌لاتن فعلاتن فع‌لاتن فع

(111111001111100)   (مهِ جانی مهجانی مهِ جانی مهجانی مه)

ارغوان

این چه رازیست که هر بار بهار

با عزای دل ما می آید ؟

که زمین هر سال از خون پرستوها رنگین است ؟ ▶ (ابتهاج ، ارغوان) (ابتهاج، ۱۳۷۵ :۲۱۱)

- عضو بحر دودویی 0x7C/7 (فعلاتن فع‌لاتن)
- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع »

0x7FFF

(111111111111111) ؟

فروردین است اینک با فرشی بر صحرا زمْردوار

با این کثرت ، آیا دیگر ماند گوهر را بازار؟ (ایرج کابلی) (کابلی:۱۴۸)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1
- این وزن می‌تواند دوری به اشکال مختلف یا غیر دوری بیاید.

شانزده هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x8000	0xFFFF	۳۲۷۶۸

0x8000

فَعِلَتَتُ فَعِلَتَتُ فَعِلَتَتُ فَعِلَتَتُن

(1000000000000000) مه شبِ مه شبِ مه شبِ مه شبِ من

پسر تو ز چه نشده ز پی هنر تو
که هنر تو بُده ز برکتِ پدر تو (معیارالاشعار ، فشارکی: ۱۷)

- عضو بحر دودویی «فَ» 0x0/1
- پانزده هجای کوتاه متوالی در شعرفارسی بی‌نظیر است.
- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x9292

(2//10010010) فعولُ فعولُ فعول//۲ - علن فعلن فعلن//۲ - (غزالِ غزالِ غزل)//۲

چو چهره‌ی او نبود// به هیچ زمانه گلی
چو طرّه ی او نبود// به هیچ کرانه شبی (ابوالحسنی)

- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❊ : ۱۸۷)

0x9349

مفتعلن متفاعلن مفتعلن فعلن

(1001001//101001001) (نو صنما صنما بتا//نو صنما صنما)

لعل لبت میِ عاشقان// نوشم از آن همه روز
دشت تنت پُرِ سبزه ها //شادم از آن همه شب (ابوالحسنی)

0x9393

(فعِلن فعلن فعلن //۲) –

(مستفعلتن علتن) //۲- (جانا شکرا شکرا)//۲

(مهجان مهِ جان مهِ جان)//۲ (2//10010011)

چون سایهٔ زلف سیاه// بنشسته برابر من

صد حلقه نشان سؤال// بر صفحه‌ی دفتر من

اهریمن وسوسه باز// افکنده ز مکمن راز

سنگی به سیاهی شک// در چشمه‌ی باور من (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۷۲) (آبان ۵۴)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن علتن » 0x93/8

0x9494

متفاعلن متفا//۲

(شکرا بیا شکرا)//۲ (2//10010100)

چو بدین صفت گذری//به کرشمه از بر من

به بلا و غم سپری//دل غصه‌پرور من (ادیب طوسی در پناهی ، ج۳: ۲۲۲) (طبیب‌زاده* : ۳۱۱)

دو هزار بوسه به تو//که هزار بار بگشت

نگهم به سوی تو //چو گل آفتاب پرست (عاطفه طیّه) (طبیب‌زاده* : ۹۸)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5

0x9595 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x9595-0//16 حالت غیر دوری

تن مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلا

(1001010110010101) (گلرخی بتی مهِ جان گلرخی بتی مهِ جان)

گویمت چگونه زنده شود کو هلاک شود

آب بازِ آب شود و خاک بازِ خاک شود ► (ناصر خسرو) (وحیدیان‌کامیار*: ۷۰۱)

ای نشسته غافل و بر کف نهاده رطل زری

هیچ انده و غم آن روز بازپس نخوری (المعجم ، شمیسا: ۱۷۶)

آمدی به جام شرابی تو دوش جامه دران

دل ز شوق دیدنِ رویت به رقص آمده بود (ابوالحسنی)

0x9595-D//D حالت دوری

(تن مفاعلن فعلا) //۲- (فاعلن مفاعلتن) //۲

(2//10010101) (شوقِ شوقِ شوقِ بتی)//۲ – (گلرخی بتی مهِ جان)//۲

بحر خوب مقتضب است//وزن نیک بوالعجب است

فاعلاتُ مفتعلن//از بحور منتخب است (ترمذی) (نجفی* :۳۱۵)

غیرتم صلا زد و گفت //دامنی بزن به میان ►

تا به کی فرو مانده //در طلسم حرمانی (حزین لاهیجی) (شمیسا*: ۱۹۴)

بس که شام صبح شود// بس که صبح شام شود

رفته رفته چون نگری //عمر ما تمام شود (وقار شیرازی) (ماهیار : ۱۰۸)

عشق حسرتی ست کنون // بوسه حسرت دگری

سینه با سکوت و سکون //بر خزان گشوده دری (سیمین بهبهانی) (وحیدیان‌کامیار*:۵۸۶)

بر پل شکسته ممان //کاین نه خالی از خطر است

رودْ اژدهای دمان// زیرِ پات در گذر است (حسین منزوی) (فیروزیان:۱۰۳)

دل ربود یار ز من // رخ نهفت باز ز من ►

جان بخواست باز دل از من برفت باز ز من (المعجم ، شمیسا: ۲۱۶)

- عضو بحر دودویی 0x95/8 («تن مفاعلن فعلا» «فاعلن مفاعلتن»)

0x9696

(2//10010110) (مفاعیلتن فعلن) //۲- (بتم گشت آن مهِ دل)//۲

دلم برده ای ، صنما //چرا ناله ها نکنم ▶

پی این دُرِ غلطان //به سر سنگ چون نزنم (سیفی ، شجره العروض: ۴۸)

- عضو بحر دودویی 0x96/8 («مفاعیلتن فعلن»)

0x9999 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x9999-0//16 حالت غیر دوری

(4*1001)

جامه دران آمده دلدار و قدح بر کف وی

مطرب دل خوش بنوازد همه شب بربط و نی (ابوالحسنی)

0x9999-8//8 حالت دوری

مفتعلن مفتعلن //۲ -

(2//10011001) (شد مهِ جان شد مهِ جان)//۲

دل ببری ، تن بزنی // اینْت بلایی که تویی

شوخ رگی ، سخت دلی // سست وفایی که تویی (اخسیکتی) (وحیدیان‌کامیار*: ۷۰۶)

عشق تو بربود ز من //مایه‌ی مایی و منی

خود نبود عشق ترا //چاره ز بی‌خویشتنی (سنایی) (نجفی* : ۱۷۸)

مرده بدم زنده شدم// گریه بدم خنده شدم

دولت عشق آمد و من// دولت پاینده شدم (مولانا) (نجفی* : ۱۷۸)

قصد جفاها نکنی //ور بکنی با دل من

وا دل من وا دل من// وا دل من وا دل من ♫ (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۸۰)

رستم از این بیت و غزل ای شه و سلطان ازل

مفتعلن مفتعلن مفتعلن کشت مرا (مولانا ، غزل ۳۸)

مژده بده مژده بده// یار پسندید مرا

سایه‌ی او گشتم و او //برد به خورشید مرا (ابتهاج) (ابتهاج: ۱۲۵)

بی تو به سامان نرسم // ای سر و سامان همه تو
ای به تو زنده همه من//ای به تنم جان همه تو(حسین منزوی) (فیروزیان:۱۰۱)

پیام کرده ست به من// بلهوسی طنطننی
که تو به مدح ملکان// نه از قیاس چو منی (المعجم ، شمیسا: ۱۵۲)
تا سفری// شد بت من // جان و دلم //شد سفری
روز و شب از //فرقت او // پیشه‌ی من// نوحه گری (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۷)
ز نیکوان لطف و کرم // سزاتر از جور و کرم
مدار زین پیش نعم //دل مرا ماه رخا (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۷)
کیسه هنوز فربه است از تو از آن قوی دلم
چاره چه خاقانی اگر کیسه رسد به لاغری
گرچه به موضع لبت مفتعلن دوباره شد
بحر ز قاعده نشد تا تو بهانه ناوری ◀ (خاقانی) (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۷)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4
- شاهد معیار الاشعار بر وزن (۱۰۰۱//۴) است. مثال دیگر:
  مژده دهید//مژده دهید//مرده بدیم //زنده شدیم
  شهر به شهر//بانگ زنید// گریه بدیم// خنده شدیم (ابوالحسنی)
- «شگفت است سعدی و حافظ و عطار هیچ غزلی در این وزن ندارند . » (مدرسی❋:۴۵)
- «خواجه نصیر در مورد وزن فوق چنین گوید:«بعضی از متاخران مخبون و مطوی[یعنی مفاعلن و مفتعلن] با یکدیگر تالیف کنند و بیتی از مفاعلن مفتعلن چهار بار به کار دارند یا برعکس و خوش باشد.» (نجفی❋ :۳۷۹-۳۸۰)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵) {البته وزن «مفتعلن مفاعلن» ۲ بار}
- «جزو اوزان ضربی و تند که معانی شور انگیز و پر جذبه و حال را القا می کند . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۳)

- ابر مادر یک خانواده وزنی ۸۱ عضوی:

فهرست خانواده ها بر اساس کد وزنی مادر و به شکل صعودی مرتب شده است.

هر خانواده به شکل نزولی مرتب شده است.

خانواده وزن (1001-1001-1001-1001) – مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x9999	1001-1001-1001-1001
2	0x7999	111-1001-1001-1001
3	0x4F99	1001-111-1001-1001
4	0x4CF9	10011001111-1001
5	0x4CCF	1001-1001-1001-111
6	0x3F99	111-111-1001-1001
7	0x3CF9	111-1001-111-1001
8	0x3CCF	111-1001-1001-111
9	0x27F9	1001-111-111-1001
10	0x27CF	1001-111-1001-111
11	0x267F	1001-1001-111-111
12	0x1FF9	111-111-111-1001
13	0x1FCF	111-111-1001-111
14	0x1E7F	111-1001-111-111
15	0x13FF	1001-111-111-111
16	0xFFF	111-111-111-111

خانواده وزن (1001-1001-1001-1010) – مفاعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x999A	1001100110011010
2	0x799A	111100110011010
3	0x4F9A	100111110011010
4	0x4CFA	100110011111010
5	0x3F9A	11111110011010
6	0x3CFA	11110011111010
7	0x27FA	10011111111010
8	0x1FFA	1111111111010

خانواده وزن (1001-1010-1001-1001) –مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفتعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x99A9	1001100110101001
2	0x79A9	111100110101001
3	0x4FA9	100111110101001
4	0x4CD7	100110011010111
5	0x3FA9	11111110101001
6	0x3CD7	11110011010111
7	0x27D7	10011111010111
8	0x1FD7	1111111010111

خانواده وزن (1010-1001-1001-1010) – مفاعلن مفتعلن مفتعلن مفاعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x99AA	1001100110101010
2	0x79AA	111100110101010
3	0x4FAA	100111110101010
4	0x3FAA	11111110101010

خانواده وزن (1001-1001-1010-1001) –مفتعلن مفتعلن مفاعلن مفتعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x9A99	1001101010011001
2	0x7A99	111101010011001
3	0x4D79	100110101111001
4	0x4D4F	100110101001111
5	0x3D79	11110101111001
6	0x3D4F	11110101001111
7	0x26BF	10011010111111
8	0x1EBF	1111010111111

فرهنگِ دودوییِ جامعِ وزن‌هایِ شعرِ پارسی

خانواده وزن (1001-1010-1001-1010) – مفاعلن مفتعلن مفاعلن مفتعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x9A9A	1001101010011010
2	0x7A9A	111101010011010
3	0x4D7A	100110101111010
4	0x3D7A	11110101111010

خانواده وزن (1010-1001-1010-1001) –مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x9AA9	1001101010101001
2	0x7AA9	111101010101001
3	0x4D57	100110101010111
4	0x3D57	11110101010111

خانواده وزن (1001-1010-1010-1010) – مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفتعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0x9AAA	1001101010101010
2	0x7AAA	111101010101010

خانواده وزن (1010-1001-1001-1001) –مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفاعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0xA999	1010100110011001
2	0x5799	101011110011001
3	0x54F9	101010011111001
4	0x54CF	101010011001111
5	0x2BF9	10101111111001
6	0x2BCF	10101111001111
7	0x2A7F	10101001111111
8	0x15FF	1010111111111

خانواده وزن (1010-1001-1001-1010) – مفاعلن مفتعلن مفتعلن مفاعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0xA99A	1010100110011010
2	0x579A	101011110011010
3	0x54FA	101010011111010
4	0x2BFA	10101111111010

خانواده وزن (1001-1010-1001-1010) –مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0xA9A9	1010100110101001
2	0x57A9	101011110101001
3	0x54D7	101010011010111
4	0x2BD7	10101111010111

خانواده وزن (1010-1010-1001-1010) – مفاعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0xA9AA	1010100110101010
2	0x57AA	101011110101010

خانواده وزن (1001-1001-1010-1010) –مفتعلن مفتعلن مفاعلن مفاعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0xAA99	1010101010011001
2	0x5579	101010101111001
3	0x554F	101010101001111
4	0x2ABF	10101010111111

خانواده وزن (1010-1001-1010-1010) – مفاعلن مفتعلن مفاعلن مفاعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0xAA9A	1010101010011010
2	0x557A	101010101111010

خانواده وزن (1001-1010-1010-1010) –مفتعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0xAAA9	1010101010101001
2	0x5557	101010101010111

خانواده وزن (1010-1010-1010-1010) – مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0xAAAA	1010101010101010

0x999A وزن فرعی

مفاعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

(1001100110011010) (بیا بیا ای مهِ جان ای مهِ جان ای مهِ جان)

پیام کرده ست به من بلهوسی طنطننی ▶

که تو به مدح ملکان نه از قیاس چو منی (المعجم ، شمیسا: ۱۵۲)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x99A9 وزن فرعی

مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفتعلن

(1001100110101001) (ای مهِ جان بیا بیا ای مهِ جان ای مهِ جان)

هر چه کنی آن لب تو باشد غماز شکر

هر حرکت که تو کنی هست در آن لطف دفین ▶ (مولانا، غزل ۱۸۲۰)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x99AA وزن فرعی

مفاعلن مفاعلن مفتعلن مفتعلن

(1001100110101010) (بیا بیا بیا بیا ای مهِ جان ای مهِ جان)

شبی بیا خرابِ می عشوه کنان جامه دران (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x9A99 وزن فرعی

مفتعلن مفتعلن مفاعلن مفتعلن

(1001101010011001) (ای مهِ جان ای مهِ جان بیا بیا ای مهِ جان)

درد مرا چاره مکن که من به درد تو خوشم ▶

گر بکَشی ور بکُشی، ز حُکم تو سرنکشم ▶ (جامی) (نجفی* :۱۷۹)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x9A9A دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x//9A9A حالت غیر دوری

(1001101010011010) (مفاعلن مفتعلن) *۲ - (بیا بیا ای مهِ جان) *۲

بیا شبی جامه دران و مست در خانه‌ی ما

برای من باده بیار و چنگ و بربط دف و نی (ابوالحسنی)

8//8- 0x9A9A حالت دوری وزن فرعی

(2//10011010) (مفاعلن مفتعلن) //۲ - (بیا بیا ای مهِ جان) //۲

اگر به آزردن من //خوشی و خون خوردن من

ز خون طلب کردن من //به هر دو عالم بحلی (نظامی گنجوی) (پناهی، ج۲: ۱۸۰)

فغان کنان هر سحری //به کوی تو می گذرم

چو نیست ره سوی توام //به کوی و در می نگرم (جامی) (نجفی* :۳۷۹)

دوازده چشمه‌ی خون// دویده بر پیرهنش

فتاده در خاک جنون //دو بافه ی یاسمنش (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۳۷۹) (۶۴/۳)

- عضو بحر دودویی «مفاعلن مفتعلن» 0x9A/8
- با تغیر در شعر نظامی به شکل زیر می‌توانید وزن لمس در حالت دوری را لمس کنید:

  اگر به آزردن دوست// خوشی و خون خوردن دوست

  ز خون طلب کردن دوست// به هر دو عالم بحلی
- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x9AA9 وزن فرعی

مفتعلن مفاعلن مفاعلن مفتعلن

(1001101010101001) (ای مهِ جان بیا بیا بیا ای مهِ جان)

ناز مکن شبی بیا خرابِ می جامه دران (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x9AAA وزن فرعی

مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفتعلن

(1001101010101010) (بیا بتا بیا بتا بیا بتا ای مهِ جان)

مگر برای مصلحت نگه ندارم برود

وگرنه ناله می کنم نمی گذارم برود (شهریار، ماهیار:۱۸۴)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0x9B9B

(2//10011011) (مستفعلن مفتعلن) //۲ – (جانا بیا ای مهِ دل)//۲

یک متر و هفتاد صدم// افراشت قامت سخنم

یک متر و هفتاد صدم// از شعر این خانه منم

یک متر و هفتاد صدم// پاکیزگی ساده دلی

جان دلارای پری// جسم شکیبای زنم (سیمین بهبهانی) (نجفی*: ۳۸۹) ۷۶/۱۱

- عضو بحر دودویی « مستفعلن مفتعلن » 0x9B/8

0x9C9C

(2//10011100) فعلیاتن فعلی//۲ – (مهِ دل آمد مه دل)//۲

به سکوت سرد زمان//به خزان زرد زمان

نه زمان را درد کسی//نه کسی را درد زمان

نه امیدی در دل من//که گشاید مشکل من

نه فروغ روی مهی//که فروزد محفل من (جواد آذر در پناهی ، ج۴: ۱۱۷) (طبیب‌زاده* : ۳۰۶)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن» 0x1C/5

0xA4A4

فعلن فعلن فعل//۲ – (مهِ جان مهِ جان مها)//۲

(2//10100100) (تو بیا توبیا بیا)//۲

گرم از نظر افکنی //صنما به که بنگرم

دل خود بدهم که را //غم خود به کجا برم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۷۰۱)

- عضو بحر دودویی « فعلن» 0x4/3

0xA5A5

(2//10100101) (مستفاعلُ مستفا) //۲ - (آسمان مهِ آسمان)//۲

ای ز روی نکوی تو// گشته ماه فلک خجل

وی ز زلف شکسته ات// دل شکسته ز عاشقان (؟) (خانلری: ۲۴۹)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُ» 0x5/5

0xA6A6

(2//10100110) (فعولن متفاعلن) // ۲ –(بیا ناز مکن بیا)//۲

تویی ترک پری‌وشم //زهجرتو در آتشم ▶

بدین سوزش، دل خوشم //گر این است رضای تو (خانلری) (خانلری:۲۳۸)

- عضو بحر دودویی 0xA6/8 («فعولن متفاعلن» « علن مفتعلن مفا »)

0xA999

وزن فرعی

مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفاعلن

(1010100110011001) (ای مهِ دل ای مهِ دل ای مهِ دل بیا بیا)

چند بگفتم که خوشم هیچ سفر نمی روم ▶

این سفر صعب نگیر ره ز عُلی تا به ثری (مولانا ، غزل ۲۴۵۸)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0xA99A

وزن فرعی

مفاعلن مفتعلن مفتعلن مفاعلن

(بیا بیا ای مهِ جان ای مهِ جان بیا بیا)

(1010100110011010) (بیا بیا ناز بیا ناز بیا بیا بیا)

کشد گهی دلبر من بر رخ خود نقاب را

چو مهر و مه کو بکشند بر رخ خود سحاب را (عروض بابر:۱۱۳)

جامه دران شبی بیامد مه من ز باده مست
مطرب دل بزن برایم دف و چنگ و تار و نی (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0xA9A9 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xA9A9-0//16 حالت غیر دوری

(مفتعلن مفاعلن)*۲ – (ای مهِ جان بیا بیا)*۲

(2*10101001)

جامه دران شبی بیامد مه من ز باده مست
مطرب دل بزن برایم دف و چنگ و تار و نی (ابوالحسنی)

0xA9A9-8//8 حالت دوری

(2//10101001)

وزن فرعی

(مفتعلن مفاعلن) //۲ – (ای مهِ جان بیا بیا)//۲

(ناز بیا بیا بیا)//۲ – (کوچه به کوچه کو به کو)//۲

بی همگان به سر شود// بی تو به سر نمی شود
داغ تو دارد این دلم //جای دگر نمی شود (مولانا) (نجفی* :۴۰۶)
مطرب جان بیا بزن// تنتن تن تنن تنن ♫
کاین دل مست از به گه// یاد نگار می‌کند (مولانا) (غزل ۱۹۹۱)
آن که هلاک من همی// خواهد و من سلامتش
هر چه کند ز شاهدی // کس نکند ملامتش (سعدی ، غزل ۳۲۱ چاپ فروغی)
سرو چمان من چرا//میل چمن نمی‌کند
همدم گل نمی‌شود//یاد سمن نمی‌کند (حافظ) (نجفی* :۴۰۶)
گر به تو افتدم نظر//چهره به چهره روبرو
شرح دهم غم تو را //نکته به نکته مو به مو

از پی دیدن رخت// همچو صبا فتاده‌ام
خانه به خانه، در به در// کوچه به کوچه، کو به کو (طاهره قره العین) (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰ :۶۱۳)
خرمن زلف من کجا؟//شاخه‌ی یاسمن کجا؟
قهر ز من چه می‌کنی//بهر تو همچو من کجا؟ (سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۱۲۱)

برشوم از نشاط دل// وقت سحر به منظره
پشت به سوی در کنم// روی به سوی پنجره (المعجم ، شمیسا: ۱۵۲)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن مفاعلن» 0xA9/8
- هم مستقل و هم عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن۴*

0xA9AA
مفاعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن
(1010100110101010) (بتا بیا بتا بیا ای مهِ جان بتا بیا)

به هر چمن رسیده ام از تو نشان ندیده ام
تو در کجا شکفته‌ای ای گل بی‌نظیر من (حسین منزوی) (نجفی* : ۳۸۰)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0xAA99
مفتعلن مفتعلن مفاعلن مفاعلن
(1010101010011001) (ناز بیا ناز بیا بتا بیا بتا بیا)

یا به زوال می روم یا به کمال می رسم
یکسره کن کار مرا بگو که عاشقم بگو ▶
(محمد علی بهمنی) (فولادی،۱۳۸۲ : ۷۰)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0xAA9A
وزن فرعی
مفاعلن مفتعلن مفاعلن مفاعلن
(1010101010011010) (بتا بیا ای مهِ جان بتا بیا بتا بیا)

ز عاشقان غمزه کنان به بوسه‌ای دلی ببر (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0xAAA9
وزن فرعی
مفتعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن
(1010101010101001) (ای مهِ جان بتا بیا بتا بیا بتا بیا)

عشوه کنان ز عاشقان به بوسه‌ای دلی ببر (ابوالحسنی)

- عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن*۴

0xAAAA دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x AAAA -0//16 حالت غیر دوری
(4*1010) مفاعلن*۴

دو دیده دارم از سرشک غرقه گشته ای صنم
ولیک از آتش دلم بماند خشک هر دو لب (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۷)
دو دیده دارم از سرشک غرقه گشته ای صنم
و لیکن از شراب دل بمانده خشک هر دو لب (نفائس الفنون) (نجفی* : ۱۶۰)
ز چشم و دل نوازشی که من به شوق سازشی
به بوسه‌ی تو وان نگاه جاودانه ساختم (رعدی آذرخشی) (نجفی* : ۱۶۰)

0x AAAA -8//8 حالت دوری

(2//10101010) مفاعلن مفاعلن //۲ - (بتا بیا) ❋ ۲

چه کرده ام به جای تو //که نیستم سزای تو

نه از هوای دلبران// بری شدم برای تو (خاقانی) (نجفی❋ : ۱۵۹)

بنفشه رسته از زمین// ز طرف جویبارها

و یا گسسته حور عین// ز زلف خویش تارها (قاآنی) (نجفی❋ : ۱۵۹)

دراین سرای بی کسی //کسی به در نمی زند

به دشت پر ملال ما// پرنده پر نمی زند (ابتهاج ، در کوچه سار شب) (ابتهاج :۱۱۱)

نه از جهان گریختم//نه با زمانه ساختم

نه بی فسانه زیستم//نه با فسانه ساختم (رعدی آذرخشی) (نجفی❋ : ۱۵۹)

قدم قدم قدم قدم ♫ //از پی قطار جای پا

روند بانگ زیر و بم// به گام گام لحظه ها (سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۷۱)

غزل غزل ترانه تو // ترانه ی بهار تو

چمن چمن بهار تو // بهار ماندگار تو (حسین منزوی) (فیروزیان:۹۸)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ» 0x2/2
- دوری بودن را در بیت زیر لمس کنید

  دراین سرای بی نگار //کسی به در نمی زند

  به دشت پر ملال عمر// پرنده پر نمی زند
- می‌تواند یک وزن اصلی هم باشد و می تواند عضو خانواده وزنی 0x9999، مفتعلن❋۴ هم باشد.

0xABAB

(2//10101011) (مستفعلن مفاعلن) //۲ -(جانا بیا بیا بیا)//۲

تندیس پر دروغ من// بر خاک ره فتاده ای

ناخفته دیده بسته ای // خامش دهان گشاده ای (سیمین بهبهانی) (نجفی❋ :۳۰۳) ۷۳/۵

تا شد ز من بتم جدا از هجر او بود مرا

جانی غمین دلی دژم رویی ز غم چون ضیمران (؟) (خانلری:۲۴۶)

دلدار من اگر مرا در هجر خود رها کند (المعجم ، شمیسا: ۱۱۴)

- عضو بحر دودویی 0xAB/8 («مستفعلن مفاعلن»)
- عروض سنتی این وزن را نامطبوع می داند اما گوش این وزن را قبول می کند در المعجم ص ۸۵ در مورد این می گوید « چون اجزای آن مختلف است البته ذوق شعر ندهد و طبع قبول نکند » (نجفی،۱۳۹۴الف :۲۲)

0xACAC دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xACAC -0//16 حالت غیر دوری

(2*10101100) (فعلاتن مفاعلن) ❊۲- (مهِ جانی بتـی بتی)❊۲

منم آن کس که تا به فرق همی سوزم از قدم

ز غم عشق آن صنم که نبینی چنو دگر (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۲)

0xACAC -8//8 حالت دوری

(2//10101100) (فعلاتن مفاعلن) //۲- (مهِ جانی بتـی بتی)//۲

پسرا هست روز آن// که تو روی در وفا کنی

زمن ار پند بشنوی // ره وحشت رها کنی (اخسیکتی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۷۰۲)

گر کند یاریی مرا //به غم عشق ، آن صنم

بتواند زدود ، زین// دل غمخواره زنگ غم ► (رودکی) (نجفی❊ : ۲۷۱)

قلم از عشق بشکند// چو نویسد نشان تو

خردم راه گم کند// ز فراق گران تو (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۷۰)

نرسیدی به فهم خود// ره عزم دگر گشا

به جهانی که نیستی // مژه بر بند و درگشا (بیدل دهلوی ،ماهیار:۲۱)

نه پناهی به درگهی// نه امیدی به یاوری

نه به سر شور جنبشی // نه به دل نقش باوری (فریدون توللی) (پناهی، ج۱ : ۱۲۱)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن مفاعلن » ۰xAC/۸
- دکتر محجوب این وزن را یکی از وزن های غریب و نامانوس دوره‌ی سامانی می داند . (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰: ۹۴)
- «زین العابدین موتمن این وزن را جزو اوزان ضربی و مقطع و مناسب رقص و سماع می داند. عجیب این که مسعود فرزاد این وزن را بسیار شیرین می داند . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۶۳)
- «مسعود فرزاد گوید(۶۲۶): «نمی‌دانم این وزن بسیار شیرین چرا بعد از مولوی در فارسی متروک شده است» . ضمنا این گفته را المعجم نقل می‌کند:«رودکی قطعه‌ای مثمن گفته است . هیچ ذوق ندارد.» (المعجم، ۱۷۱)» (نجفی❊: ۲۷۲)

0xACAD وزن فرعی

فاعلاتن مفاعلن فعلاتن مفاعلن

(1010110010101101) (ماهِ جانی بیا بیا مهِ جانی بیا بیا)

سایه بر بندگان فکن، که تو مهتاب هر شبی ◀

سخنی گو، خمش مکن، که به غایت شکر لبی (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۷۰)

- عضو خانواده « (فعلاتن مفاعلن) //۲»

0xADAC

فعلاتن مفاعلن فاعلاتن مفاعلن

(1010110110101100) (مهِ جانی بیا بیا ماهِ جانی بیا بیا)

او اگر نان نمی‌خورد//قِسمِ ننهاده چون خورد

من اگر باده می‌خورم // قِسمِ بنهاده می‌خورم ◀ (سیمین بهبهانی) (پناهی، ج۲: ۸۰)

(مصرع۲ با تلفظ «من اگر» به شکل«مَ/نَ/گر»)

- عضو خانواده « (فعلاتن مفاعلن) //۲»

0xADAD وزن فرعی

(2//10101101) (فاعلاتن مفاعلن) //۲ – (ماهِ جانی بیا بیا)//۲

نوجوان مرا فلک //خون دلْ ریخت در اياغ

نونهال مرا سپهر// کَند از بُن به طَرْف باغ (ادیب الممالک) (نجفی❊ :۲۷۸)

نه هر آن کس که باده خورد// من بدو باده می خورم

من اگر باده می خورم //با بتِ ساده می خورم (داوری شیرازی) (پناهی، ج۲: ۷۹)

کولی آواز غربتت//جز غم روزگار نیست

باز اما بخوان بخوان//که جز این غم‌گسار نیست (سیمین بهبهانی) (نجفی❊ :۲۷۹)

دربهاری که هر دیار //دارد از لاله رنگ و بو

چشمه در چشمه درد باش// شعله در شعله آرزو (مرتضی نوربخش) (وحیدیان‌کامیار❊: ۷۰۱)

بگذری گر به خاک من// بنگری بر مغاک من

بینی آن خاک غرق خون از دل چاک چاک من (بی نام در کتاب خانلری) (نجفی❊ :۲۷۸)

چون قدت نارون بود// اگرش رخ بود قمر

چون عذارت قمر بود// اگرش لب بود شکر (وحید تبریزی ،قوائم العروض: برگ ۸)

- عضو بحر دودویی فاعلیاتُ (0xD/5)
- این وزن تا زمان ادیب الممالک نمونه ای نداشته است . (نجفی،۱۳۹۴،الف :۱۵۰)
- این وزن می‌تواند مستقل باشد و هم عضو خانواده « (فعلاتن مفاعلن) //۲» باشد.

0xAF2B

لاتن مفاعلن فعلاتن لاتن مفاعلن

(101011-1100101011) (جانی بتی بتی مهِ جانی جانی بتی بتی)

این ناسپاس عهد شکن را ،بد مهر و بی وفا (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۳۵)

ای بید سبز رنگ رنگون سر،محبوب عاشقان (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۳۶)

0xAFAF

(2//10101111) (مفعولن مستفاعلن) //۲- (جانا جانا بیا بیا)//۲

اول سرباز هاشمی// نسل یاسین منم منم

آن کو باید فدا شود// در راه دین منم منم (جعفر رسول زاده در پناهی ، ج۵ :۱۶۵) (طبیب‌زاده❊ :۳۴۷)

- عضو بحر دودویی 0x2F/7 (مفعولن فاعلاتُ)

0xB2B2

(2//10110010) مفاعلتن فاعلن//۲ – (بتی مهِ جانی بتی)//۲

به یاد تنش خوش برقص //به یاد لبش می بنوش

به یاد رُخش کن طلوع//به یاد دو زلفش غروب (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0xB2/8 («مفاعلُ مستفعلن» « علن فعلاتن مَفا»)
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❊ : ۳۶۴)

0xB333

مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُن

(1011001100110011) (دورم ز تو دورم ز تو دورم ز تو دورم ز تو)

گل در بر و می در کف و معشوق به کامم شود

سلطان جهانم به چنین روز غلامم شود (ابوالحسنی بر اساس شعر حافظ)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُ » 0x3/4

0xB3B3

(2//10110011) مستفعلتن فاعلن//۲- (جانی مهِ جانی بیا)//۲

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

داداش عزیزم تویی
داداش بلایت منم
قلبم همه جا پیش توست
گنجشک هوایت منم (علوی‌فرد : ۵۶)
بر دیده نشاندم تو را
رفتی و نماندی چرا
افسانه هجران بگو
زین شمع سوزان بگو (بی نام در پناهی ، ج۴: ۱۸۶) (طبیب‌زاده‌❊ :۲۵۲)

0xB4B4

(2//10110100) (متفاعلن فاعلن) //۲ - (مهِ دلبری دلبری)//۲

صنما به سودای خود// دل من چرا خون کنی
به وفا سرشتی چو من// ستم ای صنم چون کنی (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۷۰۲)
گنه ار به غایت رسید// مشو از خدا ناامید
دهدت به قرآن نوید//و هو الرحیم الغفور (اخوان ثالث در پناهی ، ج۳ :۱۱۲) (طبیب‌زاده❊ :۳۲۳)

- عضو بحر دودویی 0x34/6 (فعلن فعولن)
- عضو بحر دودویی 0xB8/8 («متفاعلن فاعلن»)

0xB5B5

(مستفاعلُن مستفا) ❊ ۲ –(گشته دلبرم دلبرم)//۲
(2//10110101) (دلبرا بیا دلبرا)//۲

در کبود بی انتها //شب چو نقره کاری کند
زیر کهکشان آب ها //زیرکانه جاری کند (سیمین بهبهانی) (نجفی❊ :۳۷۶) (بهمن ۵۵)
دست بازدار از دلم//ورنه جان ز تن بگسلم
ای که از هوایت نشد//غیر درد و غم حاصلم؟ (بی نام) (خانلری: ۲۴۸) (نجفی❊ :۲۳۱)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلن» 0x15/5
- طبیب‌زاده: «مصراع نخست این بیت {خانلری} در واقع خود بیت مستقلی از المعجم (۱۵۵) است...احتمالا خانلری آن دو بیت را تبدیل به یک مصراع کرده و خود مصراع دومی (ای که از هوایت...) را سروده و بدان افزوده است تا شاهدی مستقل برای این وزن داشته باشد.»(نجفی❋ :۳۷۶) بیت المعجم:
  دست باز دار ز دلم   ورنه جان ز تن بگسلم (المعجم ، شمیسا: ۱۷۶)

0xB5B6

فعولن فعولن فعولن فعل// فعولن فعل

(1011010110110110)   (بزن دف بزن دف بزن دف بزن // بزن دف بزن)

به گل گفت پروانه‌ای در چمن// که با من بگوی

که داده تو را و نداده به من// چنین رنگ و بوی

ز بویت مرا هوش و سر خیره گشت// ندانم چرا

سوی تو کشانیدم از طرف دشت // چو آهن ربا

(رشید یاسمی، قطعه پروانه و گل) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۴۸۸)

0xB6B6

(2//10110110)   (فعولن فعولن فعول) //۲ -(شدی گل شدی گل شدی)//۲

سفر مرد را آگهی //دهد از بدیّ و بهی

ببخشد ورا فرّهی //چه خسرو بود چه رهی(خانلری) (خانلری:۲۴۸)

ز شب خستگان یاد کن // شبی آرمیدی اگر

سلامی هم از ما رسان //به صبحی رسیدی اگر (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۸) (مرداد ۵۵)

- عضو بحر دودویی « فعولن» 0x6/3

0xB6DB

مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ مف

عولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعول

(دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلدارِ دل)

(1011011011011011) (جانی، ز جانی ز جانی ز جانی ز جانی ز جان)

تقدیر تقویم خود را تماما به خون می کشید

وقتی که رستم تهیگاه سهراب را می درید (حسین منزوی) (وحیدیان‌کامیار*: ۷۰۷)

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3

0xB7B7

(2//10110111) (مفعولن مفاعیلتن) //۲ – (جانا دلبرا دلبرا)//۲

در هر حال ای جان من دل بردار از ما و من

سر برتاب از اهرمن تا دلدار آید تو را (ادیب نیشابوری: ۱۵۵)

می سوزم ز داغ جگر// می نالم ز درد دلم

می غلطم ز شب تا سحر //خون گریم ز اندوه و غم (شجره العروض: ۴۸) (به نقل از مدرسی در نجفی* :۴۵)

ای بی دردِ بی رحم ِ من چندین جور بر من مکن

چون اغیار بدخواه مرا هر دم قصد کشتن مکن (عروض بابر:۱۶۳)

0xB9B9

(2//10111001) مفتعلن مستفعلن//۲ – (ناز بیا جانا بیا)//۲

مست و غزل خوان دلبرا //جامه دران از در درآ

رقص کنان بربط زنان// ناز کنان از در درآ (ابوالحسنی)

0xBABA

(2//10111010) (مفاعلن مستفعلن) //۲ - (بیا بیا جانا بیا)//۲

کنون که خوش گردد هوا //تو خیز و زی بستان بیا

بگیر جامی از بتی //که یابی از لعلش شفا (بی نام) (خانلری:۲۴۵)

- عضو بحر دودویی 0xBA/8 (مفاعلن مستفعلن)

0xBAEA

مفاعلن مفاعیلن مفاعلن مستفعلن

(1011101011101010) (بیا بیا بیا جانا بیا بیا جانا بیا)

چه گرم دوست می دارم نوازش نگاهش را

گریز شرمگینش را گذار گاه گاهش را (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۰)

(کتاب مرمر شعرهای ۱۳۳۶ - ۱۳۴۱) (شعر بدون تاریخ)

0xBBBB دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xBBBB -0//16 حالت غیر دوری

(4*1011) مستفعلن ❊۴ - (مه‌رو بتی)❊۴

گر بنگرد در خویشتن مردم به چشم خاطرش

وین دشمنان را بسته بیند یک یک اندر پیکرش (ناصر خسرو) (نجفی❊: ۱۰۰)

با این بزرگی هر ضعیفی راه یابد سوی تو

خوبی گزین کردی چناچون رادمردان گزین (فرخی) (نجفی❊: ۱۰۰)

تا سر برآرد از گریبان آن نگار سنگ‌دل

هر لحظه از بیداد او سر در گریبان می‌برم (سعدی) (نجفی❊: ۱۰۱)

بر چینیان آشفته هندوی تو از شوریدگی

در جادوان پیوسته ابروی تو از ناراستی (خواجو) (نجفی❊: ۱۰۱)

0x BBBB -8//8 حالت دوری

(2//10111011) مستفعلن مستفعلن //۲ - (مه‌رو بتی مه‌رو بتی)//۲

خوش، آن نبیذ غارچی// با دوستان یک دله

گیتی به آرام اندرون //مجلس به بانگ و ولوله (ابوسلیک گرگانی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۷۰۴)

در کعبه مردان بوده‌اند//کز دل وفا افزوده‌اند

در کوی صدق آسوده‌اند//محرم تویی اندر حرم (سنایی) (نجفی❊: ۱۰۱)

باید که جمله جان شوی// تا لایق جانان شوی
گر سوی مستان می‌روی// مستانه شو مستانه شو (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۷۳)
ای ساربان آهسته ران// کآرام جانم می‌رود
آن دل که با خود داشتم//با دلستانم می‌رود (سعدی) (نجفی❋ :۹۹)
آن کیست کز رویِ کرم// با ما وفاداری کند
بر جایِ بدکاری چو من// یک دَم نکوکاری کند (حافظ ، غزل ۱۹۱ قزوینی)
زان باده پر کن ساغرم// کز وی سحر سر می‌زند
خورشید در خم‌خانه اش// هر صبح ساغر می‌زند(حسین منزوی) (فیروزیان:۱۰۰)

یا رب مرا یاری بده //تا خوب آزارش کنم
هجرش دهم زجرش دهم//خوارش کنم زارش کنم(سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۱۱۷)

ای ساربان منزل مکن //جز در دیار یار من
تا یک زمان زاری کنم //بر ربع و بر اطلال من (امیر معزی) (المعجم)
آگه شوم از بوی خوش //بی آنکه گوید کس مرا ▶
گر بگذرد دلخواه من //پیش درم شبگیران (معیار الاشعار)
ای دولت تو سود ما //وی خشم تو ما را زیان
سودت همیشه با بها// لکن زیانت را گران (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۵)

حالت دوری 0x BBBB -4//4//4//4
مستفعلن //۴ - (مهرو بتی)//۲ (4//1011)

حیلت رها //کن عاشقا// دیوانه شو// دیوانه شو
و اندر دل// آتش درآ// پروانه شو// پروانه شو (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۱۷۳)
بر شمع یار//ما والهایم// پروانه ایم// پروانه ایم
ای عاقلان//ما عاشقیم//دیوانه‌ایم//دیوانه‌ایم (ابوالحسنی)

مستقبحن مستقبحن مستقبحن مستقبحن
بحر رجز شد بی سخن گاه رجز خوانی بخوان (وقارالسلطنه:۹)

ای ماه‌روی مکتبی وی دلبر شیرین دهان
خورشید رویان را شده ذکر لبت ورد زبان
مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
این است تقطیع رجز برخوان چو بلبل هر زمان (ابو نصر فراهی:۴۹)

- عضو بحر دودویی « مستفعلن » 0xB/4
- «حافظ در این وزن تنها دو غزل ، سعدی ۱۲ ، عطار یک غزل و یک قصیده دارد . » (مدرسی*:۳۶)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- برای دیدن شاهدهایی بیشتر از دوری بودن این وزن۸//۸ بنگرید به (نجفی* :-۱۰۱-۱۰۲)

0xBEBE

(2//10111110) مفاعیلن مستفعلن//۲- (بیا جانا جانا بیا)//۲

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

شدم غمگینت خواهرم
صدایت را نشنیده ام
به یادت غمگین بوده ام
فقط گاهی خندیده ام (علوی‌فرد : ۶۹)

0xC9C9

(2//11001001) (مفتعلن فعلاتن) //۲ - (نو صنمی صنمی نو)//۲

آه چگونه بگویم // آه چگونه بگویم
با تو که باده‌ی من شو // من که شکسته سبویم (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۷۶) (اردیبهشت ۶۱)

- عضو بحر دودویی 0x49/7 (مفتعلن فعلن)

0xCA52

مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن مَف

(1-10010-10010-10010) (بتی شکری بتی شکری بتی شکری بت)

ز راه وفا شبی به برم بیا قمرم شو

ز روی کرم به بوسه‌ی سرخ خود شکرم شو (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❋ : ۳۰۵)

0xCACA دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xCACA -0//16 حالت غیر دوری

(2*11001010) (مفاعلن فعلاتن) ❋۲ – (بتی بتی مهِ جانی)❋۲

چو آفتاب می از مشرق پیاله سرآید ▶

ز باغ عارض ساقی// هزار لاله برآید (حافظ) (نجفی❋ : ۳۲۱)

پرنده نرم‌تر از روحِ یک ترانه می‌آمد

پرنده نه که پری بود و از فسانه می‌آمد(حسین منزوی) (فیروزیان:۹۷)

بیا بیا که به سر باز هم هوای تو دارم

به سر هوای تو دارم//به دل وفای تو دارم (سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۸۷)

0xCACA -8//8 حالت دوری

(2//11001010) (مفاعلن فعلاتن) //۲ – (بتی بتی مهِ جانی)//۲

زهی جانب تو والا// مکان نعمت والا

ز روی همت عالی //فلک نشیب و تو بالا ▶ (اخسیکتی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۷۰۴)

همه نیوشه‌ی خواجه //به نیکویی و به صلح است

همه نیوشه‌ی نادان// به جنگ و فتنه و غوغاست (رودکی) (نجفی❋ : ۳۲۱)

اگر مرا تو ندانی// بپرس از شب تاری

شب است محرم عاشق// گواه ناله و زاری (مولانا، غزل ۳۰۴۱)

در آن نفس که بمیرم// در آرزوی تو باشم
بدان امید دهم جان// که خاک کوی تو باشم (سعدی) (نجفی❊ :۳۲۱)
چو آفتاب مِی از مشرقِ پیاله برآید
ز باغِ عارضِ ساقی// هزار لاله برآید ▶ (حافظ ، غزل ۲۳۴ قزوینی)
نگاه دار که عمری //به راه چون تو سواری
فشانده چشم سرشکی// نشانده اشک غباری (سیمین بهبهانی) (نجفی❊ :۳۲۲)

سوار من به سفر شد نگار من به سفر شد
دلم که فتنه‌ی او بود باز زیر و زبر شد (المعجم ، شمیسا: ۱۷۸)

- عضو بحر دودویی « مفاعلن فعلاتن» 0xCA/8

- «حافظ بر این وزن ۴ و سعدی ۱۳ غزل دارد . » (مدرسی❊: ۲۰۰)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)

- مادر یک خانواده وزن ۴ عضوی:

خانواده وزن (2//11001010)– (مفاعلن فعلاتن) //۲		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0xCACA	1100-1010-1100-1010
2	0x7ACA	111-1010-1100-1010
3	0x657A	1100-1010-111-1010
4	0x3D7A	111-1010-111-1010

0xCBCA

مفاعلن فعلاتن میفاعلن(=مستفعلن) فعلاتن

(11001011//11001010) (مها بیا به کنارم ماها بیا به کنارم)

اذا رَأَیْتَ اَثیماً ، کُنْ ساتِراً وَ حَلیماً ▶
یا مَنْ تُقَبِّحُ اَمْرِی ، لِمْ لا تَمُرُّ کَرِیماً؟ (سعدی) (جلالی:۱۸۶)
نگارِ دل شب عشاق//کن روشن از مهِ رویت (ابوالحسنی)

0xCBCB

(2//11001011) (مستفعلن فعلاتن) //۲ - (جانا بیا شکرینا)//۲

بر تختگاه تجرد //سلطان نامورم من

با سیرت ملکوتی //در صورت بشرم من (بهار) (نجفی* :۲۴۳) (۱۲۸۴)

سر در نشیب حضیضم // شاهین اوج خیالم

سربی دویده به قلبم // سرخی چکیده ز بالم (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۲۴۳) (شهریور ۵۵)

در من نشسته به نرمی// تخدیر سبز بهاری

تکرار آبیِ باران // تسلیم زرد قناری (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۲۴۳) (شهریور ۵۶)

اِذا رَأَیْتَ اَثِیماً کُنْ ساتِراً وَ حَلیماً

یا مَنْ تُقَبِّحُ اَمْرِی لِمْ لا تَمَرُّ کَرِیماً؟ ◀ (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۶۳)

- عضو بحر دودویی 0xCB/8 («مستفعلن فعلاتن»)
- عضو بحر دودویی 0x4B/8 («مستفعلن فعلاتُ»)

- از ابداعات وزنی بهار است .« تاریخ سرودن قصیده‌ی بهار در سال ۱۲۸۴ است ، بهار هنوز بیست ساله نشده است . » (نجفی،۱۳۸۴ : ۵۶۵)

0xCCCC دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xCCCC -0//16 حالت غیر دوری

(4*1100) فعلاتن *۴ – (مهِ جانی)*۴

جز که هشیار حکیمان خبر از کار ندارند

که فلک بازِ شکار است و همه خلق شکارند (ناصر خسرو) (نجفی* :۱۲۰)

شمع را باید از این خانه برون بردن و کشتن

تا به همسایه نگوید که تو در خانه مایی (سعدی) (جلالی:۱۸۵)

نتوانم به تو پیوستن و نی از تو گسستن

نه ز بند تو رهایی نه کنار تو نشستن (شفیعی کدکنی) (نجفی* :۱۲۰)

بی تو مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم

همه سر چشم شدم خیره به دنبال تو گشتم ◀ (فریدون مشیری ، شعر کوچه)

ای که گمنام رسیدی تو و گمنام گذشتی
تو که بودی که شتابان و بی آرام گذشتی ؟ ► (حسین منزوی) (فیروزیان:۱۰۳)

8//8- 0xCCCC حالت دوری
(2//11001100) فعلاتن فعلاتن //۲ – (مهِ جانی مهِ جانی)//۲

ملکا ذکر تو گویم // که تو پاکی و خدایی
نروم جز به همان ره //که توام راهنمایی (سنایی) (نجفی* :۱۲۰)
دل من رای تو دارد// سر سودای تو دارد
رخ فرسوده‌ی زردم // غم صفرای تو دارد (مولوی) (فرزاد،۱۳۴۹ : ۱۶۱)
هله خاموش که بی گفت از این می همگان را
بچشاند بچشاند بچشاند ♫ (مولوی) (فرزاد،۱۳۴۹ : ۱۶۱)

خُنُک آن کس که به پای تو سر خود، اندازد
خجل آن کس که به ناز غم عشقت نگدازد (المعجم) (شمیسا*: ۶۴)
چه کنم هر چه کنم با تو نمی دارد سودم
به جز آن حیله ندانم که ز عشقت بگریزم (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۲)
به دو رخ ماه تمامی به دو زلفک چو عبیری
به دو لب شکّر و قندی به دو چشمک بادامی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۱۸)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4
- «در این وزن سعدی ۱۲ غزل دارد . » (مدرسی*: ۸۱)
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)

- مادر یک خانواده وزن ۲۴ عضوی:

خانواده وزن (1100*4) – فعلاتن*۴		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0xCCCD	1100-1100-1100-1101
2	0xCCCC	1100-1100-1100-1100
3	0x7CCD	111-1100-1100-1101
4	0x7CCC	111-1100-1100-1100
5	0x67CD	1100-111-1100-1101
6	0x67CC	1100-111-1100-1100
7	0x667D	1100-1100-111-1101
8	0x667C	1100-1100-111-1100
9	0x6667	1100-1100-1100-111
10	0x3FCD	111-111-1100-1101
11	0x3FCC	111-111-1100-1100
12	0x3E7D	111-1100-111-1101
13	0x3E7C	111-1100-111-1100
14	0x3E67	111-1100-1100-111
15	0x33FD	1100-111-111-1101
16	0x33FC	1100-111-111-1100
17	0x33E7	1100-111-1100-111
18	0x333F	1100-1100-111-111
19	0x1FFD	111-111-111-1101
20	0x1FFC	111-111-111-1100
21	0x1FE7	111-111-1100-111
22	0x1F3F	111-1100-111-111
23	0x19FF	1100-111-111-111
24	0xFFF	111-111-111-111

0x CCCD دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x CCCD -0//16 حالت غیر دوری

(1100/1100/1100/1101) فاعلاتن + فعلاتن✻۳ - (ماهِ جانی)+(مهِ جانی)✻۳

شمع را باید از این خانه برون بردن و کشتن

تا به همسایه نگوید که تو در خانه مایی (سعدی) (جلالی:۱۸۵)

0x CCCD -8//8 حالت دوری

(1100/1100//1100/1101) فاعلاتن فعلاتن//۲ - (ماهِ جانی مهِ جانی)//۲

من ندانستم از اول //که تو بی مهر و وفایی

عهد نابستن از آن به// که ببندی و نپایی (سعدی ، غزل ۵۰۹ چاپ فروغی)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ✻ ۴ »

0xCDCD وزن فرعی

(2//11001101) فاعلاتن فعلاتن//۲ – (ماهِ جانی مهِ جانی) //۲

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

جاده هایی همه شاداب|| جاده هایی همه روشن

توی صحرای کویری || یا که کوهی همه گلشن (علوی‌فرد : ۶۱)

- عضو خانواده وزنی 0xCCCC ، «فعلاتن ✻ ۴ »

0xCE73

مستفعلتن مستفعلتن مستفعلتن مُسْ

(1100111001110011) (شد او مهِ جان شد او مهِ جان شد او مهِ جان شد)

در کرب و بلا شاهنشه دین بنهاده قدم را

بنهاده یزید از راه جفا بنیاد ستم را (قانع در پناهی ، ج۳: ۸۱) (طبیب‌زاده❊ : ۲۷۹)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن» 0x13/5

0xCECE

(2//11001110) مفاعیلن فعلاتن//۲- (نگاری تازه نگاری)//۲

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

به هر مویی زده ام گل || به مویت گل نزدم من

به هر جا شد بزنم پل || به قلبت پل نزدم من (علوی‌فرد : ۷۱)

0xCFCF

(2//11001111) مفعولاتن فعلاتن//۲- (جانی جانی مهِ جانی)//۲

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

من گفتم: مادرِ خوبم || امروز اینجا ننه آمد

می ماند او همه پیشم || از شهرش یک تنه آمد (علوی‌فرد : ۵۰)

0xD294

متفاعلن متفاعلن متفاعلن مُتْ

(1101001010010100) (تو بیا بیا تو بیا بیا تو بیا بیا تو)

زده‌ای به هم تو به دست غم مگر آشیانم

به وفای تو که به پای تو دل و جان فشانم (رحیم معینی کرمانشاهی در پناهی ، ج۴: ۲۰۸) (طبیب‌زاده❊ : ۳۱۴)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5

0xD2D2

مفاعلتن مفاعل//۲ – (بیا تو پری بیا تو) //۲ -(بیا پریا بیارا)//۲ (2//11010010)

تو را دل من نگارا //به هیچ نمی گراید

ازان جهت است یارا //که درد دلم فزاید (المعجم ، شمیسا: ۱۸۱)

بدان ملک الملوکی //که هر دو جهان به امرش

شدند ز هیچ چیزی //به گفتن کاف و نونی (معیارالاشعار ، فشارکی: ۹۱)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/4

0xD3D3

مستفعلتن فعولن//۲ – مستفعلُ فاعلاتُن //۲

(جانی غزلی ز جانی)//۲ (2//11010011)

آتش زده در وجودم//افروخته تا بُنم خَد

برخاسته فتنه هر سو//افراخت تا مَهَم خَد (شارق یزدی در پناهی ، ج۴ :۱۷۱) (طبیب‌زاده* :۳۴۶)

- عضو بحر دودویی 0x53/8 («مستفعلُ فاعلاتُ» « لن مفتعلن مفاعِ »)

0xD4CC

فعلاتن فعلاتن فعلن مفاعلاتن

(شکرینا شکرینا شکری پری پریسا) (1101010011001100)

نظری به سوی من کن صنما که دلفکارم

به جمالت که دراین شهر به جز تو کس ندیدم ► (عروض بابر:۱۲۷)

0x D4D4 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xD4D4-0//16 حالت غیر دوری

تعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن مف - فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن

1101010011010100 (شده شب بیا بیا مه شده شب بیا بیا مه)

سر زلف تو نه مشک است و به مشک ناب ماند

رخ روشن تو ای دوست به آفتاب ماند (فرخی سیستانی وفات ۴۲۹)

(دیوان حکیم فرخی سیستانی ، ناشر: چاپخانه وزارت اطلاعات و جهانگردی، ۲۵۳۵ ، تهران، ص۴۱۴)

ز رهم میفکن ای شیخ به دانه‌های تسبیح ◀

که چو مرغ زیرک افتد نفتد به هیچ دامی (حافظ) (نجفی* :۳۶۴)

سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی

چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی ◀ (سعدی) (نجفی* :۳۶۴)

نفسم گرفت از این شب در این حصار بشکن

در این حصار جادویی روزگار بشکن ◀ (شفیعی کدکنی)

(محمدرضا شفیعی کدکنی ، آیینه ای برای صداها ، ناشر: سخن ، ۱۳۷۶ ، ص۴۳۴)

0xD4D4-8//8 حالت دوری

(تعلن مفاعلن مف) //۲ - (فعلاتُ فاعلاتن)//۲

(2//11010100) (مهِ جان شبی بتم شو)//۲

ز دلت چه داد خواهم// که نه داور منی

ز غمت چه شاد باشم //که نه غم‌خور منی (خاقانی) (نجفی* :۳۶۵)

همه عمر برندارم //سر از این خمار مستی

که هنوز من نبودم// که تو در دلم نشستی (سعدی) (کلیات،ص۶۰۶، غزل ۵۲۳)

بروید ای حریفان// بِکِشید یار ما را

به من آورید آخر// صنم گریزپا را (مولانا) (فرزاد،۱۳۴۹ :۲۰۲)

ز تو با تو راز گویم// به زبان بی‌زبانی

به تو از تو راه جویم// به نشان بی‌نشانی (خواجوی کرمانی) (دیوان، ص۴۳۷ ، غزل ۳۵۸)

ز دو دیده خون فشانم //ز غمت شب جدایی

چه کنم که هست این ها //گل باغ آشنایی (عراقی) (دیوان، ص۲۹۹)

شبِ ظلمت و بیابان، به کجا توان رسیدن؟
مگر آن که شمعِ روی‌ات به رَهَم چراغ دارد (حافظ ، غزل ۱۱۷ قزوینی)
شبِ دیرپای سردم//تو بگوی تا سرآیم
سحری چو آفتابی// ز درونِ خود برآیم (حسین منزوی) (فیروزیان:۹۸)

دل من ببرد ترکی //که دلی چو سنگ دارد
ز غمش چو نای نالم //چو به چنگ ، چنگ دارد (المعجم) (معیار الاشعار، ص ۶۴) (نجفی٭ :۱۷۶)
به چمن بر آی ، روزی// سپه بهار بشکن
سر غمزه را بجنبان//صف روزگار بشکن (معیارالاشعار ، فشارکی: ۷۳)

- عضو بحر دودویی 0xD4/8 (« تعلن مفاعلن مف» « فعلاتُ فاعلاتن »)

- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- «جزو اوزان ضربی و تند که معانی شور انگیز و پر جذبه و حال را القا می کند . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۳)
- «تعداد هجاهای کوتاه و بلند این وزن یکی هستند . » (ماهیار : ۶۰)

- مادر یک خانواده وزن ۴ عضوی:

خانواده وزن (11010-100-11010-100)– (فعلاتُ فاعلاتن)٭۲		
ردیف	کد وزن	وزن
1	0xD4D4	1101-0100-1101-0100
2	0x6BD4	1101-011-1101-0100
3	0x6A6B	1101-0100-1101-011
4	0x35EB	1101-011-1101-011

0xD555

فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ

(1101010101010101) (ماهتاب ماهتاب ماهتاب ماهتاب)

فصل های بی شمار رفت و بوته بارور نشد

بوته بود و بوته ماند و بوته رفت و بیشتر نشد (محمود لشکری) (دادگر:۳۱۰)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2

0xD5D5

(مستفاعلن فعولن) ⁕ ۲ - (فاعلاتُ فاعلاتن) ⁕۲

(2//11010101) (یارِ غارِ یارِ یارا)⁕۲ – (دلبرم چو دلبرم شد)⁕۲

ای شکسته بال بلبل کن// چو من فغان و غلغل

تو الم کشیده هستی //من ستم کشیده هستم (فرخی یزدی) (نجفی⁕ : ۱۷۵)

نیست کس به عهد ما // یارِ یارِ خویش را

دوست خصم جان بود// دوستدار خویش را (مشتاق اصفهانی) (پناهی، ج۱ : ۸۳)

فصل گل چو غنچه لب را //از غم زمانه بستم

از سرشک لاله رنگم //در چمن به خون نشستم (فرخی یزدی ، ماهیار: ۱۷۳)

دل ز من ببرد ترکی //کو دلی چو سنگ دارد

از غمش چو نای نالم //چون به چنگ چنگ دارد (؟) (خانلری: ۲۴۵)

میوه های خارپشتی //روی شاخه‌ی چناران

عقده های سرگشوده // از نوازش بهاران (سیمین بهبهانی) (نجفی⁕ : ۱۷۵)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2
- شاهد خانلری مشابه بیت زیر است :

دل من ببرد ترکی //که دلی چو سنگ دارد

ز غمش چو نای نالم //چو به چنگ ، چنگ دارد (المعجم) (نجفی⁕ :۱۷۶)

0xD6B5

مستفاعلُن مستفاعلُن مستفاعلُن مُسْ

(1101011010110101) (مه‌رخا بیا مه‌رخا بیا مه‌رخا بیا مه)

از غمت شبی گریه را به مستی بهانه کردم

تا دم سحر شکوه ها ز دست زمانه کردم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُن» 0x15/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده٭ : ۲۸۶)
- بیت ساخته شده بر اساس :

گریه را به مستی بهانه کردم || شکوه ها ز دست زمانه کردم (عارف قزوینی) (نجفی٭ :۲۲۹)

0xD6D6

مفاعیلتن مفاعیل //۲ – (فعولن مفاعلن فع)//۲

(نگارا بیا نگارا)//۲

(2//11010110) (بیارا بیا بیارا)//۲

دل از من چرا ربایی//غم من چرا فزایی

به مهر از چه عهد بندی//چو بندی چرا نیایی (خانلری) (نجفی٭ : ۲۸۶)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلتن» 0x16/5

0xD9D9

(مفتعلن فاعلاتن) //۲

(2//11011001) (دلبرکی دلربایی)//۲

عـمر که بـی او گذشــت// ذوق ندیدیم ازو

دل ، بــرِ شـادی نـخــورد// تــا ببریدیم ازو (اوحدی مراغه ای)

(دیوان اوحدی ، به تصحیح امیر احمد اشرفی ، نشر پیشرو ، ص۳۳۷)

داغ جگر گوشه با تو// آه چه گویم چه ها کرد

اشک تو را رنگ خون داد// نای تو را ناله زا کرد (سیمین بهبهانی) (نجفی٭ :۳۶۰)

کولیِ آواره تنهاست // با مه و زنگار بی تو
خسته ز ابهام و اندوه // مانده به ناچار بی تو (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۲)

- عضو بحر دودویی 0x59/7 (مفتعلن مفتعل)

0xDADA

(2//11011010) (مفاعلن فاعلاتن)// ۲ - (بیا بیا دل‌ستانا)//۲

نمی توانم ببینم //جنازه ای بر زمین است
که بر خطوط مهیبش //گلوله ها نقطه چین است (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۲۱۸) (اسفند ۵۷)
سیاه پر خشم کوفی//خطوط قهر شما ، آه
کبودِ آرامِ کاشی// نمود تسلیم ما ، آه (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۲۱۸) ۶۰/۲

به چشمت ای روشنایی// که بی تو بس بی قرارم
به جانت ای زندگانی// که بی تو جان می سپارم
(شرف الدین شروه اصفهانی ، در حاشیه نسخه آمده است حمید کازرونی) (المعجم ، شمیسا: ۱۷۵)

- عضو بحر دودویی 0xDA/8 (مفاعلن فاعلاتن)

0xDB6D

فاعلن *۵ فا

(1101101101101101) (شد بتم شد بتم شد بتم شد بتم شد بتم شد)

خنده های مرا مثل رویا به همراه بردند
لحظه هایی که تنهایی ام را به همراه بردند (عبدالجبار کاکایی) (وحیدیان‌کامیار*: ۷۰۲)
ای قدیمی ترین عکس نرگس در آیینه حزن
(سهراب سپهری ، متن قدیم شب) (سپهری:۴۳۵) (نیمایی)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0xDBDB

(مستفعلن فاعلاتن) //۲ – (مفعولُ مفعولُ مفعولْ)//۲

(آرامِ آرامِ دلها)//۲ – (جانی ز جانی ز جانی)//۲ (2//11011011)

می گفت شاه شهیدان// با زینب ای خواهر من

چون شمر با تیغ بُرّان //بُرّد سر از پیکر من (اختر طوسی) (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰ :۹۶)

دل بردی از من به یغما // ای ترک غارتگر من

دیدی چه آوردی ای دوست // از دست دل بر سر من (صفای اصفهانی) (آهی ، ۱۳۵۷ :۱۶۵)

تا دامن از من کشیدی //ای سرو سیمین تن من

هر شب ز خونابه‌ی دل //پرگل بود دامن من (رهی معیری) (نجفی‌* :۶۲)

هر شب خیال تو آید //ای ماه در منزل من

آتش زند یاد رویت // چون برق بر حاصل من (الهی قمشه‌ای) (وحیدیان‌کامیار*: ۷۰۲)

تردید ، تردید ، تردید ♫// در گرگ و میش سحرگاه

چون پرتوی زرد و بیمار// لغزیده بر خاک درگاه (سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۸۴)

بنویس، بنویس ،بنویس ♫//اسطوره‌ی پایداری

تاریخ ای فصل روشن //زین روزگاران تاری(سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۸۵)

گفتند یا با خموشی//خوگر شود یا بمیرد

اما به خواندن قناری//محشر کند تا بمیرد (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۳۱)

در عشق تو ای پری‌رو//دیوانه خواهم شدم من

نی نی غلط گفتم این را//فرزانه خواهم شدم من (زبده العروض، شجره العروض) (نجفی* :۶۱)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3
- «از استاد محمد تقی ادیب نیشابوری شنیدم که می فرمودند صفا خود می گفته وزن غزل را از اختر طوسی گرفته ام . » (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰ :۳۵۲)
- «امروز یکی از اوزان معروف و دلپذیر شعر فارسی است . » (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰ :۳۵۲)

0xDCCC

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فاعلاتن

(مهِ جانا مهِ جانا مهِ جانا ماهِ جانا) (1101110011001100)

نه به اشتر بَر، سوارم نه چو اشتر زیر بارم

نه خداوندِ رعیّت نه غلامِ شهریارم

غمِ موجود و پریشانیِ مَعدوم ندارم

نفسی می‌زنم آسوده و عمری می‌گذارم ▶ (سعدی) (جلالی:۱۹۲)

- وزن بیت اول «فعلاتن فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن » و وزن مصرع سوم « فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن » است.
- «کاربرد این گشتار { تبدیل فعلاتن به فاعلاتن } در ارکان دیگر { به جز رکن اول} نیز سابقه دارد اما این امر موجب خلل در وزن می باشد و از این رو امروزه آن را {موزون }نمی یابیم . » (فولادی،۱۳۸۲ : ۶۴)

0xDCCD

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فاعلاتن

(ماهِ جانا مهِ جانا مهِ جانا ماهِ جانا) (1101110011001101)

«ما به سختی بِنَمردیم و تو بر بُختی بمُردی» (نثر گلستان سعدی) (جلالی:۱۹۳)

0xDCDC

فعلاتن فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن

(مهِ جانا ماهِ جانا مهِ جانا ماهِ جانا) (1101110011011100)

نه به اشتر بَر، سوارم// نه چو اشتر زیر بارم ▶

نه خداوندِ رعیّت //نه غلامِ شهریارم ▶

غمِ موجود و پریشانیِ مَعدوم ندارم

نفسی می‌زنم آسوده و عمری می‌گذارم (سعدی) (جلالی:۱۹۲)

- وزن مصرع سوم «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن» و وزن مصرع چهارم « فعلاتن فعلاتن فعلاتن فاعلاتن » است.

0xDDDD دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x DDDD -0//16 حالت غیر دوری

(4*1101) فاعلاتن ❋۴ –(دلبرم شد) ❋۴

هر که حق دسترنج فکر من کمتر شناسد

زین دو مانع هم یکی دان یا نخواند یا نداند (اثیر اخسیتکی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۷۰۱)

هر که صید او شود با دیگری کارش نباشد

وآنکه داغ او گرفت از بندگی عارش نباشد (اوحدی مراغه ای) (ماهیار : ۵۰)

عشق جانان عالمی آمد که مویی در نگنجد

تا طلاق خود نگویی ، مرد آن عالم نباشی (عطار ، دیوان: ۶۴۲)

آفتابا! از در میخانه مگذر! کاین حریفان

یا بنوشندت که جامی، یا ببوسندت که یاری (عباسقلی مظهر خویی متخلص به مظهر) (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ : ۱۳۰)

روزگار است آن که گه عزت دهد گه خوار دارد

چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد (قائم مقام فراهانی) (نجفی❋ : ۸۵)

دیشب ای بهتر ز گل // در عالم خوابم شکفتی

شاخ نیلوفر شدی در چشم پر آبم شکفتی (سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۵۴)

چند گریم چند باشم جفت انده

نیست گویی ماه رویا مر مرا زین غم رهایی ► (معیارالاشعار ، فشارکی: ۶۷)

0x DDDD -8//8 حالت دوری

(2//11011101) فاعلاتن فاعلاتن //۲ – (دل‌ستانا دل‌ستانا) // ۲

هر که چیزی دوست دارد//جان و دل بر وی گمارد

هر که محرابش تو باشی//سر ز خلوت بر نیارد (سعدی) (نجفی❋ :۸۵)

در من ادراکی است از تو // عاشقانه،عاشقانه ►

از تو تصویری است در من// جاودانه،جاودانه ► (حسین منزوی) (فیروزیان:۹۸)

باز در پوشید گیتی تازه و رنگین قبایی
عالمی را کرد مشکین بوی زلف آشنایی (المعجم ، شمیسا: ۷۴)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4
- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- ابیاتی از غزل مذکور منزوی دوری و ابیاتی غیر دوری است مثل :
  فصل،فصل توست دیگر// فصل فصل ما -من و تو-
  فصل عطر و فصل سبزه// فصل گل، فصل جوانه
  فصل رفتن در خیابان های شوخ مهربانی
  فصل ماندن در تماشای قشنگ شاعرانه

0xDEDE

(مفاعیلن فاعلاتن) //۲ –(مفاعیلاتن مفاعیل)//۲

(نگارا جانا نگارا)//۲ (2//11011110)

ز خود بگذر ای دل ای دل//گذر خواهی گر به منزل
به بی‌خویشی رو به ساحل//که بنیوشی گفتِ حق را (ادیب نیشابوری ثانی) (نجفی❋ :۲۶۴)
نه می پایی عهد خود را نه می مانی یک دو روزی
در افتادم از پی تو به افغان و آه و سوزی (حسین آهی ، درّه نجفی : ۲۵۰)

به سنبل چون مر سمن را // بپوشیدی تو نکویی
بیفزودی ای مُشَعْوِذ// ز که آمختی نگویی؟ (المعجم ، شمیسا: ۱۷۵)
ز مخموری رنج دارم بیا ساقی ساغرم ده
وگر نقلی خواهم از تو ز کنج لب شکّرم ده (زبده العروض) (نجفی❋ :۲۶۴)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلاتن » 0x1E/5
- عضو بحر دودویی 0x DE/8 (مفاعیلن فاعلاتن)

0xDFDF

(2//11011111) مفعولاتن فاعلاتن//۲- (جانا جانا ماهِ جانا)//۲

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

در باغی زیبای زیبا

بابا جانم خانه دارد

در باغش هم میوه دارد

هم گل هم پروانه دارد (علوی‌فرد : ۴۹)

0xE4E4

(2//11100100) فعلن فعلن فعِلن//۲ – (مهِ جان مهِ جان مهجان)//۲

دل من دل من دیدی//که نگار تو ناگه رفت (ابوالحسنی)

0xE5E5

(2//11100101) (فاعلن فعلیاتن) // ۲ – (دلبرا شکرا جانا) //۲

سرو سبز شکیب آموز// غمگسار تو خواهد شد

برگ سبزی اگر دارد// هم نثار تو خواهد شد (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۳۴۲) (دی ۵۴)

این صدای چه مرغی بود// در سکوت شبانگاهی

برکه‌ی شب بی جنبش// نقره‌ی گذر ماهی (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۳۴۲)

این صدای شکفتن را //از بهار تنم بشنو

هر جوانه به آوازی // گویدت که «منم» بشنو (سیمین بهبهانی) (پناهی ، ج۲: ۱۶۱)

می‌هراسم و این گفتن//خود مخاطره می‌خواهد

روح خفته‌ی آتش را //پاک و یک‌سره می‌خواهد (سپیده سامانی) (پناهی ، ج۲: ۱۶۲)

- عضو بحر دودویی 0x65/8 (« فاعلن فعلاتن مَ » «فاعلاتُ مفاعیلُ»)
- از اکتشافات سیمین بهبهانی است . (نجفی،۱۳۹۴،الف : ۱۵۱)

0xE6E6

(11100110//11100110) (فعولن فعلیاتن) ❋ ۲ - (مفاعیلُ مفاعیلن) //۲

شکیب از که طلب داری// مگر شیشه ی آب است این
به رقص آمده ذراتم// شراب است و شراب است این
سراسر همه آوازم // سراپا همه دستانم
نه رگ هست ، و نه پی با من// که رگ های رباب است این
(سیمین بهبهانی) (نجفی❋ :۱۳۹) (اسفند ۵۶)

- عضو بحر دودویی 0x6/4 (مفاعیلُ)

- « شعر دیگری دارم به نام «شکیب از که طلب داری» شعری ست که حالت مستی را تجسم می دهد: شکیب از که طلب داری ، با این که مرکب از وتد و سبب و فاصله است ، با این همه خیلی بیش از حد رقصان به نظر می‌رسد این جا هم بشکن زدن وزن توی ذوقم می زند . » (سیمین بهبهانی) (الهی: ۱۲۷)

0xE739

مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْ

(1110011100111001) (شد مه زیبا شد مهِ زیبا شد مهِ زیبا شد)

سروی و بیدی بر لب جویی گرم سخن بودند
بی‌خبر از خود هر چه تو گویی چون دل من بودند
(معینی کرمانشاهی در پناهی ، ج۴: ۲۰۴) (طبیب‌زاده❋ : ۲۹۰)

- عضو بحر دودویی « مفتعلاتن» 0x16/5

0xE7E7

(2//11100111) مفعولن فعلیاتن//۲- (جانانا لبِ جانانا)//۲

مستم از نگهی دلجو //ساغر را فکنم یک سو (؟ در پناهی ، ج۵ :۱۵۱) (طبیب‌زاده❋ :۲۴۱)

- مصرع شاهد داریم نه بیت شاهد

0xE9E9

(2//11101001) مفتعلن مفاعیلن//۲ – (دلبرکا نگارینا)//۲ - (یار مرا مرا یارا)//۲

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

جامه دران نگارینم || آمده مست از باده

رقص کنان غزل‌خوانان || شعله زده در این خانه (ابوالحسنی)

0xEAEA

(مفاعلن مفاعیلن) //۲ - (مفاعلن فعولن مف)//۲

(2//11101010) (بیا بتا بیا جانا)//۲

سری چو قرص مه بینم// به دیر خود عیان امشب

نسیم خلد بنمودی // به دیر من وزان امشب (خاتمی نوری ، وفات ۱۳۵۱) (پناهی، ج۲: ۲۵)

غبار خشک خون بر نخل//نثارِ خونِ تر بر خاک

جز این چه طُرفه دیگر ؟ نخل // جز این چه تازه دیگر خاک (سیمین بهبهانی) (نجفی٭ :۳۷۲) (آذر ۵۹)

بخوان که در دل تنگم//نثار خون تر بر خاک

درخت خشک بی‌جان را //به برگ و بار بنشانی (سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۲: ۲۵) (طبیب‌زاده٭ :۳۲۷)

چرا همی نگارینم //همیشه نزد من ناید ▶

تا مرا نباید زار نالیدن به درد دل (المعجم ، شمیسا: ۱۴۷)

نگار من اگر با من //بسازدی نکو بودی (المعجم ، شمیسا: ۱۱۴)

- عضو بحر دودویی 0x6A/7 («مفاعلن فعولن»)
- عضو بحر دودویی 0x6A/8 («مفاعلن مفاعیلُ » « علن مفاعلن مفتَ»)

- «بسیاری از نمونه ها که نویسنده کتاب المعجم برای پاره ای از اوزان ارائه کرده است ، بسیار خنک و تصنعی هستند و آنچه معلوم است این است که برای ساختن نمونه ای مطابق با افاعیل تعبیه شده اند ، مثلا این مصرع « نگار من اگر با من بسازدی نکو بودی» به خاطر دارم دوستم علی محمد حق شناس

به شوخی می گفت کسی که به این بدی شعر می گوید حقش آن است که نگارش با او نسازد . »
(سیمین بهبهانی ،) (الهی: ۱۲۶)

- «خانلری مصراع دوم آن را {بیت المعجم} به گونه‌ای دیگر ضبط کرده است ...که در این صورت مصراع دوم هم مطابق وزن مورد نظر است :

چرا همی نگارینم //همیشه نزد من ناید || مرا ز درد هجرانش//همیشه مویه می‌آید » (نجفی❋ :۳۷۲)

0xEB5A

مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مَفْ

(1110101101011010) (بتم بتم شو بتم بتم شو بتم بتم شو بت)

که چون تو دلبر چرا کنی سر به ذلّت و خواری

خدا نماید ز دیده‌ی بد تو را نگهداری (بهار) (نجفی❋ :۲۱۳)

بیا به بستان ببین گلستان شکوفه باران شد

چو لاله بگشا ز خنده لب‌ها چو لاله خندان شد (؟ در پناهی ، ج۴: ۲۰۶) (طبیب‌زاده❋ :۲۹۹)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5

0xEBEB

(2//11101011) (مستفعلن مفاعیلن) //۲ – (جانا بیا بیا جانا)//۲

کولی میان انگشتر //زهری نهفته ای دیری

تا وارهی به تأثیرش //روزی که نیست تدبیری (سیمین بهبهانی) (فیروزیان: ۸۳) (کتاب دشت ارژن ۱۳۶۰-۱۳۶۲)

آیا بهار جاویدم//کز دشت بارور خیزم؟

یا خود عروس خورشیدم//کز بستر سحر خیزم؟ (سیمین بهبهانی) (پناهی ، ج۲: ۱۰۷)

در خود خروش ها دارم چون چاه گر چه خاموشم

می جوشم از درون هر چند با هیچ کس نمی جوشم (حسین منزوی) (پناهی ، ج۲: ۱۰۷)

گیرم به طعنه ام خوانند //ساز شکسته ام دانند

هر چند خامشم اما //آتشفشان خاموشم (حسین منزوی) (دادگر:۱۶۹)

- عضو بحر دودویی 0x6B/8 («مستفعلن مفاعیلُ»)
- هر دو شعر سیمین بهبهانی در یک کتابند اما تاریخ سرودن آنها نامعلوم است .

0xEDB6

(فعولن ×۵) +فع

(تو ماهی)×۵ +تو) (1110/1101/1011/0110)

بیایی اگر در سرایم چراغان شود جانم

زمستان تلخم سرآید بهاران شود جانم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3

0xEDED

(فاعلاتن مفاعیلن) //۲ - (نو بهاری بهاری نو)//۲

(دلبرا دلبرا دلبر)//۲ (2//11101101)

ایلخان ! تحفه آوردند // زیر زربفت دیداری.

خادمان خوانچه بر دستند // چندشان خسته می داری؟ (سیمین بهبهانی) (نجفی× :۵۳) ۶۳/۱۱

گفتِ «پروردگار است این»// مهر تا از افق سر زد

چون فرو شد به تاریکی //حکمتش رای دیگر زد (سیمین بهبهانی) (پناهی ، ج۲: ۱۹۹)

۶۴/۷

خیز تا رو به دشت آریم//با حریفی سمن‌رویی

زیر موی شب افشانیم//بوسه بر موی شب‌بویی (عروض حمیدی) (نجفی× :۵۳)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0xEEBB

مستفعلن مستفعلن مفاعیلن مفاعیلن

(1110111010111011) (جانا بیا جانا بیا جانا بیا جانا)

یادش به خیر آن روزها فراموشم نمی کردی

در ماتم دیدار خود سیه پوشم نمی کردی (رضا عبداللهی) (دادگر:۱۶۷)

0xEEEE دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xEEEE -0//16 حالت غیر دوری

(4*1110) مفاعیلن ❋۴ – (نگارینا)❋۴

تو با این حُسن نتوانی که روی از خلقْ درپوشی

که همچون آفتاب از جام و حور از جامه پیدایی ▶ (سعدی) (جلالی:۱۸۷)

شود تا ظلمتم از بازیِ چشمت چراغانی

مرا دریاب ای خورشید در چشمِ تو زندانی(حسین منزوی) (فیروزیان:۹۷)

سخن دیگر نگفتی ای سخن پرداز خاموشم

فراموشت نمی‌کردم ، چرا کردی فراموشم (سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۶۹)

0xEEEE -8//8 حالت دوری

(2//11101110) مفاعیلن مفاعیلن //۲ – (نگارینا)//۲

به تیراز چشم نابینا// سپیدی نقطه بردارد

که نه دیده بیازارد //نه نابینا خبر دارد (شهید بلخی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۷۰۶)

الا ای باد شبگیری// پیام من به دلبر بر

بگو آن ماه خوبان را //که جان با دل برابر بر (رابعه بنت کعب در وحیدیان‌کامیار :۵۴) (طبیب‌زاده❋ : ۲۲۸)

چو چنگم لیک اگر خواهی// که دانی وقت ساز من

غنیمت دار آن دم را// که در تن تن تنن باشم ♫ (مولانا) (غزل ۱۴۳۳)

بهار آمد بهار آمد سلام آورد مستان را

از آن پیغامبر خوبان پیام آورد مستان را(مولانا) (غزل ۶۲)

به مژگان سیه کردی // هزاران رخنه در دینم
بیا کز چشم بیمارت// هزاران درد برچینم (حافظ ، غزل ۳۵۴ قزوینی)
اَلا یا اَیُّهَا السّاقی// اَدِرْ کَأساً و ناوِلْها
که عشق آسان نُمود اوّل// ولی افتاد مشکل‌ها (حافظ ، غزل ۱ قزوینی)
زمین نیزار زوبین‌ها// فضا خونین چرا باید؟
زمین و آسمان من// بدین آیین چرا باید؟ (سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۶۹)

مر ما را نگارا دادخواهی درد و بیماری
هم اکنون کردمان باید// ز کار عشق بیزاری ◀ (المعجم ، شمیسا: ۱۴۷)
تو را دنیا همی گوید که دل در من نبندی به
تو خود می پند ننیوشش از این گویای ناگویا (معیارالاشعار ، فشارکی: ۵۷)

صبا چون از گل رویت نقاب ابر بگشاید
نهان گردد مه و مهر از خجالت روی ننماید
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
چو تقطیع این چنین کردی عروضی گویمت شاید (ابو نصر فراهی:۳۸)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

- یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)
- «این وزن یکی از اوزان مشهور است . سعدی در سالم و مسبغ آن ۲۸ غزل، حافظ ۲۴ غزل و عطار ۱۴ غزل و یک قصیده دارد . » (مدرسی※: ۳۴۷)
- جزو «اوزان شیرین و دلنشین و آرام که مناسب مضامین آرام بخش یا عاشقانه است . » (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۷۴)
- «برخی از فقرات اشعار پهلوی کاملا وزن عروضی دارند ...که بعد ها به تدریج فهلویات با مختصر تغییری تبدیل به شعر عروضی شد . در شعر اندر آمدن شاه بهرام ورجاوند چنین مصرعی است:
نه پد هونر نه پد مردیه به پد افسوس و ری باریه
یعنی نه به هنر و مردی بل با سخره و ریشخند [پادشاهی از خسروان بستاندند] که وزن آن چهار مفاعیلن است . » (شمیسا،۱۳۸۷ : ۳۲۱)

0xF333

لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعِلن

(1111001100110011) (جان شد مه جان شد مهِ جان شد مهِ جان شد مهجان)

بشکسته فروریخته بر کُنج لبان شیرین (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۶۰)

0xF39C

(1111001110011100) فعلیاتن ❊ ۳ فع- (مهِ دل آمد مهِ دل آمد مهِ دل آمد مه)

منم آن ساحل که به امّیدِ تو گشایم آغوش

ز چه بازآیی تو که برگیری ز کنارم دامن (؟ در پناهی ، ج۴: ۱۱۸) (طبیب‌زاده❊ : ۳۰۸)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن» 0x1C/5

0xF3F3

(2//11110011) (مستفعلتن مفعولن)//۲ – (جانی همه جانی جانی)//۲

ای قبله‌ی جان ابرویت//درگاه الهی کویت

وی چشم جهانی سویت //مه طرّه نواز مویت (انسی اصفهانی) (پناهی، ج۱ : ۲۱۲)

بر سفره‌ی چرمین امشب // یک نامه و یک دفتر کو

یک سطر به تنهایی ، نه // یک واژه‌ی تنهاتر کو ؟ (سیمین بهبهانی) (نجفی❊ :۱۵۵) (یک مهر ۵۷)

در لجّه ی سرگردانی //چون گوی شناور بودم

با آن همه نافرمانی //محکوم مقدر بودم (سیمین بهبهانی) (نجفی❊ :۲۱۰) (تیر ۱۳۵۶)

در من به جهان می خندد //زخمی که دهان واکرده ست

انگار که آدم ها را //وارونه تماشا کرده ست (عبدالجبار کاکایی) (پناهی، ج۱ : ۲۱۲)

از دست غمت محزونم//دیوانه‌تر از مجنونم

گر جان ببرم زین سودا//در عرفِ خرد مغبونم (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی❊ : ۱۵۵)

- عضو بحر دودویی 0x6B/7 («مستفعلن فعولن»)
- از اکتشافات سیمین بهبهانی است . (نجفی،۱۳۹۴،الف :۱۵۱)
- «از مقدمه‌ی دیوان انسی که در سال ۱۳۵۱ نوشته شده به این نتیجه می رسیم که اشعار دیوان قبل از سال ۱۳۵۱ سروده شده است . » (پناهی، ج۱ : ۲۱۴)

0xF3FC

فعلاتن فع‌لاتن فع‌لاتن فعلاتن فع‌لن

(1111001111111100) (شکرینا جانانا جانانا شکرینا جانا)

سخن از پیوند سست دو نام

و هم آغوشی در اوراق کهنه‌ی یک دفتر نیست ▶ (فروغ فرخزاد، فتح باغ ، ۱۳۳۹)

(فرخزاد ، ۱۳۴۲ ، ص ۱۲۰)

- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلا»

0xFAFA

(2//11111010) (مفاعلاتن مفعولن) // ۲ - (بیا بیا جانا جانا)//۲

اگر شبم بی پایان است // کویر وحشت سوزان است

زدن به دریا آسان است //کجاست آبی آتش زاد (مهدی ملکی) (پناهی، ج۱: ۱۸۶)

- عضو بحر دودویی 0x7A /7 (مفاعلن مفعولن)

0xFCCD

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فع‌لاتن فع

(1-111-1100-1100-1101) (ماهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهجانی مه)

وز هر آن کس که بر آن شهر سفر دارد می‌پرسم (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ : ۱۰۲)

- عضو خانواده وزنی 0x1CCCC ، (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع)

0xFF33

لن مفتعلن مفتعلن مفتعِلن // لن مفتعِلن

(1111//111100110011) (جان شد مه جان شد مهِ جان شد مهجان//جان شد مهجان)

یک ذرّه‌ی ناچیز شود چون پهنا// صحرا صحرا ▶

یک قطره‌ی بی‌مایه چو گردد یک جا// دریا دریا ▶

دیدیم و شنیدیم بسی سرّ جهان// حیران حیران
ماییم و غم هزار دنیا دنیا // تنها تنها (دوست محمد عارف جلالی) (عبدالهی – مهدوی : ۱۹)

- قالب این وزن ، مستزاد رباعی است .

عضو خانواده « لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن // لن مفتعلن» 0x27333

0xFF53

لن مفتعلن مفاعلن مفتعِلن // لن مفتعِلن

(1111//111101010011) (جان شد مهِ جان دلا دلا شد مهجان//جان شد مهجان)

عید آمد و کارها نکو خواهد کرد//چون روی عروس
ساقی می لعل در سبو خواهد کرد//چون چشم خروس
افسار نماز و پوزه بند روزه //یک بار دگر
عید از سر این خران فرو خواهد کرد//افسوس افسوس ◀ (خیام؟) (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۱۹۵)

- قالب این وزن ، مستزاد رباعی است .
- عضو خانواده « لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن // لن مفتعلن» 0x27333

0xFFFF

(1111111111111111) ؟

امشب یارم آمد از در ، رویش دیدم ، حیران گشتم
قربان کردم دل بر دلبر ، چون جان آمد بی جان گشتم (سید مظفر علی اسیر ، شجره العروض: ۳۳)

ای جانان رویی داری چون مه ، گیسو داری چون شامی
دندانی چون دانه‌ی لوء لوء ، موی پیچانی چون دامی
تا کی ما را داری زینسان خوار و زار و مهجور ای جان
ما را شادان کی می خواهی ، تو باش ای مه ، شاد و خندان (تحفه الهند : ۱۸۳)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1

هفده هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x10000	0x1FFFF	۶۵۵۳۵

0x12B2B

مستفعلن مفاعلُ مستفعلن مفاعلُ مس
لاتن مفاعلن فَعَلاتن مفاعلن فَعَلا
(10010101100101011) (جانی بتی بتی مهِ جانی بتی بتی مهِ جان)

در بامداد عمر نبودش اگر وفای به عهد
در این پسین چگونه تواند کند وفا به کسی (بی نام) (وحیدیان‌کامیار*:۷۰۷)

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)

0x12CB2

مفاعلُ فعلن مفاعلُ فعلن مفاعلُ فع
(10010110010110010) (بتا مهِ جانی بتا مهِ جانی بتا مهِ جان)

چو لاله پرپر // خزان شده دیگر//جوانی من
چو غنچه خموشم//که بر لبم از غم//شکسته سخن (بهادر یگانه در پناهی ، ج۵: ۲۰) (طبیب‌زاده* : ۳۰۱)
کجا بگریزم//که غم نشناسد//نشان مرا
چه چاره کنم تا//زمانه بفهمد//زبان مرا (معینی کرمانشاهی در پناهی ، ج۵: ۲۰) (طبیب‌زاده* : ۳۰۱)

- عضو بحر دودویی 0x32/6 («مفاعلُ فعلن»)

0x13333

مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُسْ

(10011001100110011) (جانی مه جانی مهِ جانی مهِ جانی مه جانی مهِ جان)

گل در بر و می در کف و معشوقه‌ی سرمست به کام است

سلطان جهان رند شما را به چنین روز غلام است (ابوالحسنی بر اساس شعر حافظ)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُ » 0x3/4

0x13353

لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفتعلن

(10011001101010011) جان شد مهِ جان بیا بیا شد مه جان شد مهِ جان شد مه جان

او با نظر دگر در این کهنه جهان می‌نگرد (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۶۰)

0x13E7D

وزن فرعی

فاعلاتن فعِلاتن فعلاتن فعِلاتن فعلا

(10011111001111101) (ماهِ جانا جانانا مهِ جانا جانانا مهِ جان)

همه می دانند

همه می دانند

ما به خواب سرد و ساکت سیمرغان ره یافته ایم ▶ (فروغ فرخزاد، فتح باغ ، ۱۳۳۹)

(مجموعه اشعار فروغ فرخزاد ، نشر نگاه ، چاپ اول ، ۱۳۸۲ ، ص ۲۷۵)

- عضو خانواده « فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلا»

0x13F33 وزن فرعی

لن مفتعلن مفتعلن مفتعِلن // لن مفتعلن

(10011//111100110011) (جان شد مهِ جان شد مهِ جان شد مهجان//جان شد مهِ جان)

دوشینه پی گلاب می گردیدم// در صحن چمن

پژمرده گلی میان گلها دیدم//افسرده چو من

گفتم تو چه کردی که چو من می سوزی//ای یار عزیز ◀

گفتا که دمی درین چمن خندیدم//پس وای به من ◀ (؟)

(به نقل از فرهنگ ادبیات فارسی ، دکتر زهرای خانلری- کیا ، ص۴۶۲) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۵۳)

- قالب این وزن ، مستزاد رباعی است
- عضو خانواده « لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن // لن مفتعلن»

0x13F53 وزن فرعی

لن مفتعلن مفاعلن مفتعِلن // لن مفتعلن

(10011//111101010011) (جان شد مهِ جان دلا دلا شد مهِ جان//جان شد مهِ جان)

عید آمد و کارها نکو خواهد کرد//چون روی عروس ◀

ساقی می لعل در سبو خواهد کرد//چون چشم خروس ◀

افسار نماز و پوزه بند روزه //یک بار دگر ◀

عید از سر این خران فرو خواهد کرد//افسوس افسوس(خیام؟) (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ :۱۹۵)

آیینه به بزم دلگشای تو رسد//ای جان نگاه

هم شانه به زلف مشکسای تو رسد//ما را چه گناه؟!

ما خال شویم و سرمه منظور افتد//مردیم ز رشک ◀

دل خون شود و حنا به پای تو رسد// سبحان الله؟

(محتشم علی‌خان حشمت بدخشانی) (شمیسا،۱۳۸۷ : ۲۱۲)

- قالب این وزن ، مستزاد رباعی است
- عضو خانواده « لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن // لن مفتعلن»

0x14A52

مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن مَفا

(10100101001010010) (بتی شکری بتی شکری بتی شکری بتی)

ز راه وفا شبی به برم بیا قمرم بشو

ز روی کرم به بوسه‌ی سرخ خود شکرم بشو (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۰۵)

0x15294

متفاعلن متفاعلن متفاعلن مُتَفْ

(10-10100-10100-10100) (مهِ جان بیا مهِ جان بیا مهِ جان بیا مها)

صنما بتا به حریم خلوت خود شبانه‌ای

ز ره کرم چه شود نهفته دمی بخوانیم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۱۴)

ساخته شده بر اساس

به حریم خلوت خود شبی// چه شود نهفته بخوانیم (هاتف اصفهانی) (نجفی* :۲۳۶)

0x154AA

مفاعلن مفاعلن متفاعلن مفاعلن

(10101010010101010) (بتا بیا بتا بیا شکرا بیا بتا بیا)

نگار آفتاب روی و شراب آفتاب بخت ▶

دلت مگسل از نگار و دهن مگسل از شراب (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۳)

0x15555

فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فا

(ماهتاب ماهتاب ماهتاب ماهتاب ماه)

(10101010101010101) (نوبتا بیا بتا بیا بتا بیا بتا بیا بتا بیا)

سر کشیدم از میان خون دوان که آمدی

پر گشودم از درون گشوده بازوان که آمدی (حسین منزوی) (نجفی* :۱۶۹)

گر اسارتت نشد دراز ، از کرامتت نبود

واین مصیبتِ پسین نشانِ استقامتت نبود (ایرج کابلی) (کابلی:۱۴۲)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2

0x159AF

مفعولن مستفاعلن مفتعلن مستفاعلن

(101011001//10101111) (جانم جانم بیا بیا دلبرکم شو بیا بیا)

از عدم آمد که پر کند// هستی جاری به ساغری

{شد جریان مصوّری // لحظه ی پویا سکون گرفت}

(تغییر یافته) (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۳۷۱) (مصرع دوم با جابجایی پاره‌های مصرع دوم در شعر اصلی به دست آمده است)

0x15F2B

مستفعلن مفاعلِ مستفعل // مستفعلن مفا

(101011//11100101011) (جانا بتانِ دلبرِ جانا بت//جانا بتانِ دل)

این شاخه های خشک زمستانی //این دستهای سرد

ای دوست جز تجسم عریانی//سویت چه هدیه کرد

این چشم های خامش بارانی//چونان دو لکّه ابر

بارید در هوای تو پنهانی//دُر دانه های درد (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۳) ۶۵/۷

- این یک مستزاد است .

0x15F59

مفتعلن مستفاعلن مفعولن مستفاعلن

(10101111101011001) (دلبرکا دلبرا بیا جانانا دلبرا بیا)

از عدم آمد که پر کند//هستی جاری به ساغری

لحظه‌ی پویا سکون گرفت//شد جریان مصوری ▶ (سیمین بهبهانی) (نجفی❊ : ۳۷۱)

0x16B5A

مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مَفا

(10110101101011010) (بیا نگارا بیا نگارا بیا نگارا بیا)

اگر شبی آمدی نیاور شرابم ای مهربان

که با لبت مستِ مست گردم شراب من هست لب (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5

0x16DB6

فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن فَعولْ

(10110110110110110) ({بزن دف}❊۵ + بزن)

شبی مست دستم به ابعاد پنهان گلها رسید

نسیمی وزید و یکی قطره شبنم ز برگی چکید (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3

0x17349

مفتعلن متفاعلن مفتعلن مستفعلن

(10111001101001001) (دلبرکا شکرا بیا دلبرکا جانا بیا)

از می لعل لبت چه خوش ، چشم خوشت سر مست شد

وز لب و نرگس دل کشت ، رفته دلم از دست خود (تحفه الهند : ۲۲۹)

0x1739C

فعلیاتن*۳ فعل

(10-11100-11100-11100) (مهِ دلهایی مهِ دلهایی مهِ دلهایی مهی)

بده ای ساقی به همه جامی بزن ای مطرب بزن سه تار

که زمستان فصل کلاغان رفت و بیامد خوش بهار (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن» 0x1C/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۰۸)
- بیت ساخته شده بر اساس :

بزن ای مطرب بزن ای مطرب// که زمستان رفت و بهارآمد (مهدی حمیدی شیرازی) (نجفی* :۲۰۰)

0x194CB

مستفعلن فعلاتن متفاعلن فعلاتن

(110010100//11001011) (دلها بیا مهِ دلها مهِ دل بیا مهِ دلها)

اِذا رَأَیْتَ اَثیماً ، کُنْ ساتراً وَ حَلیماً

یا مَنْ تُقَبِّحُ اَمْری ، لِمْ لا تَمُرُّ کَریماً؟ ◄ (سعدی) (جلالی:۱۸۶)

آیی شبی به گلستان//به حریم خلوت رندان

ساقی دهد به تو جامی//دف و نی ترانه بخوانند (ابوالحسنی)

- عضو خانواده « متفاعلن فعلاتن //۲»

0x1AAAA

مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلاتن

(11010101010101010) (بتا بیا بتا بیا بتا بیا بتا بیا بت)

شقایق است و لاله رسته باز هم به جوکناران

که می زداید از دلم غبار غم به نقش و الوان (ایرج کابلی) (کابلی:۱۳۷)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2

0x1B333

فع‌لن فعلاتن فعلاتن فعولن

(110//11001100110011)   (جانی که ز جانی که ز جانی// زجانی)

آن کو به ره دین پیمبر سر و جان داد // حسین است

هم اکبر و هم اصغر خود را به عیان داد // حسین است

(یغمای جندقی ، نوحه) (مدرسی،۱۳۸۰ : ۱۵۹)

0x1B6DB

(مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ)

(عولن فعولن فعولن فَعولن فعولن)

(دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلدار)

(11011011011011011)   (جانی ز جانی ز جانی ز جانی ز جانی)

ای عشق ما با تو از وادی جادوان هم گذشتیم

از شیر غرّان و از اژدهای دمان هم گذشتیم (حسین منزوی ، «از کهربا و کافور» ، نشر زمان ، ۱۳۷۷، ص۱۳۰)

ای گیسوانِ رهایِ تو از آبشاران رهاتر

چشمانت از چشمه‌سارانِ صافِ سحر باصفاتر(حسین منزوی) (فیروزیان: ۷۸)

بوی تو در لحظه‌های نه پروا نه آزرمی از هیچ(اخوان ثالث ، سال ۱۳۴۵) (فیروزیان: ۷۸) (شعر نیمایی)

با سایه‌ی خود در اطراف شهر مه آلود گشتم (اخوان ثالث ، ناگه غروب کدامین ستاره) (شعر نیمایی)

(سر کوه بلند ، برگزیده اشعار اخوان ثالث ، انتشارات زمستان ، چاپ اول، بهار ۱۳۷۵ ، ص۱۵۱)

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3

0x1BBBB

مستفعلن ۴* مس

(11011101110111011)   (مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه)

ای هم نفس با من بمان امشب هوای گریه دارم

این لحظه های غربت و غم را برای گریه دارم (مهدی سهیلی) (پناهی، ج۲: ۷۶)

ای باغبان بنشان نهالِ علم و حکمت در ضمیرم
تا بدروم از کشتِ تو در زندگانی حاصلم را (احمد آذری دهکردی) (پناهی ، ج۲: ۷۵)
دردی است در تنهایی زندان تن تنها نشستن
در شهر خاموشان به کام درد بی پروا نشستن (سعید نیاز کرمانی) (پناهی ، ج۲: ۷۵)
در خانه ای پیراهنی تبدار و مشتی استخوان کرد
چون سایه ای در پنجه های آهنین مرگ می‌شد (محمد سعید میرزایی) (نجفی* :۱۰۳)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4

0x1CE73

مستفعلتن مستفعلتن مستفعلتن مُسْتَفْ

(11100111001110011) (شد او مه جان شد او مهِ جان شد او مهِ جان شد او)

آمد شب هجران، مست ز ساغر جامه دران آن یار
بر لب غزلی می گفت که آتش زد همه عالم را (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن» 0x13/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۲۷۹)

0x1D6B5

مستفاعلُن مستفاعلُن مستفاعلُن مُسْتَفْ

(11101011010110101) (دلبرا بیا دلبرا بیا دلبرا بیا دلبر)

کاروان حق، عاشقان حق ، وعده‌ی خدا اینجاست
بهر حفظ دین، اندر این زمین، عرصه‌ی بلا اینجاست
(جعفر رسول‌زاده (آشفته) در پناهی ، ج۵: ۱۴۰) (طبیب‌زاده* : ۲۸۶)
از غمت شبی گریه را به مستی بهانه کردم یار
تا دم سحر شکوه ها ز دست زمانه کردم یار (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُن» 0x15/5
- بیت ساخته شده بر اساس :

گریه را به مستی بهانه کردم || شکوه ها ز دست زمانه کردم (عارف قزوینی) (نجفی* :۲۲۹)

0x1DB6D

(11101101101101101) فاعلن ‎*‎۵ فعلن – (دلبری‎*‎۵ دلبر)

با تکان لطیف غریزه

ارث تاریک اشکال از بالهای تو می ریزد ▶

(سهراب سپهری اینجا پرنده بود) (سپهری:۴۳۰)   (نیمایی)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0x1DDDB

مستفعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلیاتن

(جانا بیا دل‌ستانا دل‌ستانا دل‌ستانا دل)

(11101110111011011) (جانی ز جانی ز جانانی ز جانانی ز جانانی)

فهمیده بودم دروغت را به روی خود نیاوردم

شعری سرودم برای آنکه می آیی به دیدارم (رضا عبداللهی) (دادگر:۱۹۷)

0x1DDDD

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فا

(11101110111011101) (شد نگارم شد نگارم شد نگارم شد نگارم شد)

گر خدا بودم ملائک را شبی فریاد می کردم

سکه‌ی خورشید را در کوره‌ی ظلمت رها سازند (فروغ فرخزاد ، کتاب عصیان ، شعر عصیان خدا)

زندگی در چشم من شب های بی مهتاب را ماند

شعر من نیلوفر پژمرده در مرداب را ماند (فریدون مشیری، پرواز با خورشید، ص ۸۸)

نا امید از درگهت چون آهِ بی تأثیر می آیم

رفته بودم شادمان، آزرده و دلگیر می آیم (محمد قهرمان) (نجفی‎*‎ :۸۶)

دست و رو در آب جو تر کردنم گیرم ز ناچاری‌ست

من بخواهم یا نخواهم جویبار زندگی جاری‌ست (حسین منزوی) (نجفی‎*‎ : ۸۶)

روزها و هفته هایم بی‌تو با تقویم چرخیدند

با اگرهای فراوان در امید و بیم چرخیدند (حسین منزوی) (فیروزیان: ۷۷)

زان دگر سو شعله برخیزد به گردش دود
تا سحرگاهان که می‌داند که بودِ من شود نابود ▶
(اخوان ثالث، سروده شده در ۱۳۳۳) (نیمایی) (فیروزیان: ۷۷)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

0x1E67C

وزن فرعی

فعلاتن فعِلاتن فعلاتن فعِلا

(11110011001111100) (مه جانی مهجانی مهِ جانی مهِ جانی مهجان)

و صدایم کن از پشت نفس های گل ابریشم(فروغ فرخزاد ، فتح باغ) (شعر نیمایی)
(فرخزاد ، ۱۳۴۲ ، ص ۱۲۰)

- عضو خانواده 0x4CCCC « (فعلاتن) ٭۴ + فعلن »

0x1E67D

فاعلاتن فعِلاتن فعلاتن فعِلاتن فعلا

(11110011001111101) (ماهِ جانی مهجانی مهِ جانی مهجانی مهجان)

بند هر خشتش از مایه ی زخم بچه نام ،آنکه برادرْشان بود (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۲)

- عضو خانواده 0x4CCCC « (فعلاتن) ٭۴ + فعلن »

0x1E739

مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْتَعْ

(11-11001-11001-11001) (ای مهِ زیبا ای مهِ زیبا ای مهِ زیبا ای مه)

جامه دران آمد سحری سرمست شراب آن جانان
صومعه شد از نرگس چشمش میکده‌ای ، ای رندان (ابوالحسنی)
ای بت سرکش خرم و دلکش جامه دران رقصان شو

ای بت رعنا آینه رویا شاد و غزل‌گویان شو (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفتعلاتن» 0x16/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۲۹۰)

0x1EEEE

(11110111011101110) مفاعیلن*۴ مف – ({تو جانانی}*۴ تو)

به مژگان سیه کردی هزاران رخنه اندر دینم

بیا کز چشم بیمارت هزاران درد من برچینم (ابوالحسنی) (تغییر در شعر حافظ)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

0x1F333

لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن // لن مفتعِلن

(1111//1001100110011) (جان شد مهِ جان شد مهِ جان شد مهِ جان//جان شد مهجان)

یک ذرّه‌ی ناچیز شود چون پهنا// صحرا صحرا

یک قطره‌ی بی‌مایه چو گردد یک جا// دریا دریا

دیدیم و شنیدیم بسی سرّ جهان// حیران حیران ▶

ماییم و غم هزار دنیا دنیا // تنها تنها (دوست محمد عارف جلالی) (عبدالهی – مهدوی : ۱۹)

- قالب این وزن ، مستزاد رباعی است .
- عضو خانواده « لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن // لن مفتعلن»0x27333

0x1F353

لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن// لن مفتع‌لن

(1111//1001101010011) (جان شد مهِ جان دلا دلا شد مهِ جان//جان شد مهجان)

آیینه به بزم دلگشای تو رسد//ای جان نگاه

هم شانه به زلف مشکسای تو رسد//ما را چه گناه؟!

ما خال شویم و سرمه منظور افتد//مردیم ز رشک

دل خون شود و حنا به پای تو رسد// سبحان الله؟ ▶

(محتشم علی‌خان حشمت بدخشانی) (شمیسا،۱۳۸۷ : ۲۱۲)

- قالب این وزن ، مستزاد رباعی است
- عضو خانواده « لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن // لن مفتعلن»

0x1FFFF

(11111111111111111) ؟

گر خود می دانی کاین مردک ، دلقک واری بیش از ، آن یک نیست

پس برگو این مبهم گویی هایت را در ، این جا مقصد چیست ؟ (ایرج کابلی) (کابلی:۱۴۹)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1

هجده هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x20000	0x3FFFF	۱۳۱،۰۷۱

0x25294

متفاعلن متفاعلن متفاعلن مُتَفا

(100101001010010100) (صنما بیا صنما بیا صنما بیا صنما)

صنما قد تو صنوبر و رخ تو چو ماه منیر

دهن و لبان تو شکّرین ، سر کاکل تو عبیر

همه عاشقان ز فراق تو شده ناتوان و زار

بنما گهی رخ ماه سان ، برُبا ز ما شب تار (تحفه الهند : ۱۹۷)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5

0x25329

(مفتعلن مفاعلتن) //۲ – (مفتعلاتُ مفتعلا)//۲

(2//100101001) (دلبرکی چه دلبرکی) //۲

شعله نگفته با تو اگر //سرکشیِ نهانِ مرا

فاش نگر به مجمرِ تن //رقص جنون جان مرا

(سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۹) (خرداد ۵۶)

- عضو بحر دودویی 0x9/5 («مفتعلاتُ»)

0x2552A

(2//100101010) (مفاعلن مفاعلتن) //۲ – (بیا بتا بیا شکرا)//۲

تنی سیاه را زده اند //محافظان به بوم و بری

ستم فتاده است و کسان // شنیده اند از آن خبری

(سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۳: ۱۹۸) (طبیب‌زاده* : ۲۶۱) ۷۱/۲

قلم به کف عطارد من// که ظلم را رقم نزدی

چه شد که نابجا همه را// به جا گرفته دم نزدی

(سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۹) ۷۴/۸

- عضو بحر دودویی « مفاعلن مفاعلتن » 0x12A /9

0x2572B

(2//100101011) (مستفعلن مفاعلتن) //۲ – (جانی بتی بتی مهِ جان)//۲

ای پرده برگرفته ز رخ // می بینمت به پرده دری

دیوی سیه که جسته برون // از جامه ی سپیدپری (سیمین بهبهانی) (مهر ۵۴) (نجفی* :۳۰۲)

بالا گرفته کار جنون//کولی دوباره زار بزن

بغض فشرده می‌کشدت//فریاد کن هوار بزن(سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۱۴۳)

ای رهنورد شب که هنوز // در انتظار صبح‌دمی

آن به که خو کنی به ملال // داری اگر به سینه غمی (فریدون توللی در پناهی ، ج۳: ۴۳) (طبیب‌زاده* : ۳۸۷)

شب می‌شود به دیده من // با وحشتی دراز سپری

سر برکش از حجاب افق // آه ای ستاره‌ی سحری (بهمن صالحی در پناهی ، ج۳: ۴۳) (طبیب‌زاده* : ۳۸۷)

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)

0x25965

(3//100101) فاعلن فعلن//۳ – (دلبری شکری)//۳

ای ز نور رُخت//هر زمان لب من // پر ترانه شده

ماهتاب منی//کز تو قصه من // جاودانه شده (ابوالحسنی)

- ساخته شده از بیت زیر :

ای ز تو لب من // پر ترانه شده
وز تو قصه من // جاودانه شده (عبدالله الفت در پناهی ، ج۴: ۲۲۶) (طبیب‌زاده* : ۳۵۹)

0x25B2D

(2//100101101) (فاعلاتن مفاعلتن) //۲ – (دلبرا دلبرا شکرا)//۲

با گلوگاه سرخ بخوان// ای کبوتر که شعر منی
وقت پرواز می رسدت // ای که پر بسته ی رسنی (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۸) ۷۶/۸

- عضو بحر دودویی « فاعلاتن مفاعلتن » 0x12D/9

0x25DD2

مفاعلتن مفاعیلن مفاعیلن مفاعلتن
(100101110111010010) (بیا شکرا بیا جانا بیا جانا بیا شکرا)

اگر گذرت فتد ناگه به کوی ما عجب نبود
وگر نظرت فتد ناگه به سوی ما عجب نبود (عروض بابر:۱۳۶)

0x26733

(مستفعلُ مستفعلُ مس) //۲ –
(2//100110011) (جانی مهِ جانی مهِ جان)//۲

بر صفحه ی ژرفای کبود// خطِّ گذری باید و نیست
پرواز مگو آه مگو //ما را که پری باید و نیست (سیمین بهبهانی) (فروردین ۶۰) (نجفی* :۲۵۳)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُ » 0x3/4

0x26934

(فعلن فعولن فعلن)//۲ - (شکری نگارا شکری)// ۲

(2//100110100)

به وجودِ پاکت شهِ من//ز بدان گزندی نرسد

به تو دودِ آهی مه من//ز نیازمندی نرسد (محتشم کاشانی در پناهی ، ج۳: ۲۰۹) (طبیب‌زاده⁕ :۱۸۶)

- عضو بحر دودویی 0x34/6 (فعلن فعولن)

0x269A6

فعولن فعلن//۳ – (نگاری شکری)//۳

(3//100110)

تمنای لبی//از آن غنچه دهان//بُود در دل من

کزو جز غمِ دل//به شب‌های سیاه//نشد حاصل من (ابوالحسنی)

- ساخته شده بر اساس :

تمنای بتی//بود در دل من

کزو جز غمِ دل//نشد حاصل من (ادیب طوسی) (نجفی⁕ :۱۳۹)

0x26B35

مستفاعلن مفتعلن//۲ – (جانِ جانِ جان جانِ منی)//۲

(2//100110101)

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

تا رها کند دست بلا

این دل بلادیده‌ی ما

وای از او دل خوش‌شده‌ام

وای از او غمِ بیهده‌ام

(رهی معیری در پناهی ، ج۴ :۳۶) (طبیب‌زاده⁕ :۳۳۲)

0x27333

لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن // لن مفتعلن

(10011//1001100110011) (جان شد مهِ جان شد مهِ جان شد مهِ جان//جان شد مهِ جان)

بر آینه سرمه سیه ریخته بین// زان سنبل تر

طوطی روان بحلق آویخته بین//زآن شاخ شکر

چون نرگس مست را برانگیخت ز خواب// میگفت دلم

سبحان الله فتنه‌ی انگیخته بین//در دور قمر

(ابن یمین) (دیوان ابن یمین ،به تصحیح حسینعلی باستانی راد ، ناشر سنایی ، ۱۳۶۳، ص ۵۶۴)

پروانه و شمع و گل شبی آشفتند//در طرف چمن

وز جور و جفای دهر با هم گفتند//بسیار سخن

شد صبح، نه پروانه به جا بود و نه شمع //ناگاه صبا ▶

برگل بوزید و هر دو با هم رفتند//من ماندم و من (بهار) (بهار :۱۱۲۷)

گر نرد فسون بمن نبازی چه شود//ای شعبده‌باز

با بلبل خویش اگر بسازی چه شود//ای گلبن ناز

تو خواجه‌ی من منم کمین بنده تو//یک بار ز لطف

گر بنده خویش را نوازی چه شود//ای بنده‌نواز

(مشتاق اصفهانی) (دیوان غزلیات و قصائد و رباعیات مشتاق به کوشش حسین مکی ، ص۱۷۸)

- وزن اصلی مستزاد رباعی است .

0x27339

(2//100111001) (مفتعلاتن مفتعلا) //۲ - (جلوه گری کن جلوه گری) ❊ ۲

ای شب زلفت غالیه سا// وی مه رویت غالیه پوش

نرگس مستت باده پرست// لعل خموشت باده فروش...

پیرمغان در میکده دوش//گفت چو خواجو رفت ز هوش

گو می نوشین بیش منوش//تا نبرندش به دوش (خواجوی کرمانی) (نجفی❊ : ۲۰۶)

- عضو بحر دودویی 0x19/5 (مفتعلاتن)
- دکتر شمیسا این وزن را از ابداعات خواجوی کرمانی می داند . (شمیسا،۱۳۷۶: ۳)

0x27353

لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن// لن مفتعلن

(10011//1001101010011) (جان شد مهِ جان دلا دلا شد مهِ جان//جان شد مهِ جان)

این مغبچگان به ما ملامت چه کنند//بی جرم و خطا

ما را به در از کوی سلامت چه کنند//از راه جفا

امروز اگر کشند ما را به ستم//وز پیش برند

فردا که بود روز قیامت چه کنند //ماییم و شما (اهلی شیرازی) (شمیسا،۱۳۸۷ : ۲۱۲)

آیینه به بزم دلگشای تو رسد//ای جان نگاه ▶

هم شانه به زلف مشکسای تو رسد//ما را چه گناه؟! ▶

ما خال شویم و سرمه منظور افتد//مردیم ز رشک

دل خون شود و حنا به پای تو رسد// سبحان الله؟

(محتشم علی‌خان حشمت بدخشانی) (شمیسا،۱۳۸۷ : ۲۱۲)

- قالب این وزن ، مستزاد رباعی است
- عضو خانواده « لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن // لن مفتعلن»

0x2739C

فعلیاتن*۳ فعلی

(100111001110011100) (مه دل آمد مهِ دل آمد مهِ دل آمد مه دل)

بده ای ساقی به همه جامی بزن ای مطرب دف و تار

که زمستان فصل کلاغان رفت و بیامد فصل بهار (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن» 0x1C/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۰۸)

0x2753A

(2//100111010) مفاعلاتن مفتعلن//۲ – (بیا بیا جانا شکرا)//۲

به چشم تو بیگانه منم//چو قصه و افسانه منم

به دلبری افسانه تویی//از عاشقی دیوانه منم (بیژن ترقی و بهادر یگانه در پناهی ، ج۵ :۱۸) (طبیب‌زاده٭ :۲۸۹)

- عضو بحر دودویی 0x33A/10 («مفاعلاتن مفتعلاتن »)

0x279E7

(3//100111) مفعولن فعلن//۳– (دلدارا شکری)//۳

یارا شاه جهان //فارغ، از همگان //از غوغای زمان

بویم زلف و رخت// بوسم غنچه‌ی تو //نوشم شهد جهان (ابوالحسنی)

0x27CCC وزن فرعی

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع‌لاتن فعلا

(100111110011001101) (مه‌ِ جانی مه جانی مهِ جانی مهجانی مهِ جان)

فکر خود را ، که عنود است و زیان آور ، معیوب کنیم (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۲)

- عضو خانواده 0x4CCCC « (فعلاتن) ٭۴ + فعلن »

0x27CCD وزن فرعی

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فع‌لاتن فعلا

(100111110011001101) (ماهِ جانی مهِ جانی مه جانی مهجانی مهِ جان)

فکر خود را ، که عنود است و زیان آور ، معیوب کنیم (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۲)

- عضو خانواده 0x4CCCC « (فعلاتن) ٭۴ + فعلن »

0x27F3F
وزن فرعی
(مستف علْتن مستفعلتن) ❊ ۲
(2//100111111) (جانا جانا جانا شکرا)❊۲

الّه الّه از دور زمان// الّه الّه از جور خسان ▶
ای پادشه پیدا و نهان// هو حق مددی مولا نظری (موافق اصفهانی) (۱۳۵۲-۱۲۸۸ ق) (پناهی، ج۲: ۲۰۲)

- عضو خانواده « مستفعلتن مستفعلتن »

0x2954A
(2//101001010) (مفاعلاتُ مفاعلا)// ۲ – (بتی بتی چه بتی بتی)//۲

نشسته‌ام چو غبارکی//بر آینه‌ی لب خاطرت
به ذرّه ذرّه‌ی آفتاب//شکسته‌ام شب خاطرت (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی❊ :۲۵۵)

- عضو بحر دودویی 0xA/5 (مفاعلاتُ)

0x2974B
وزن فرعی
مستفعلن متفاعلن مستفعلن متفاعلن
(101001011-101001011) (مهدل بیا مهِ دل بیا مهدل بیا مهِ دل بیا)

یا لَیْتَ قَبْلَ مَنِیَّتی یَوْماً اَفوزُ بِمُنْیَتی
نَهْراً تُلاطِمُ رُکْبَتی وَ اَظَلُّ اَمْلاءُ قِرْبَتی (گلستان سعدی) (حسنی ، ۱۳۸۳ :۱۵۸)
ساقی بیا به پیاله‌ای// از دل ببر غم این جهان
دلبر بیا به کرشمه ای// از کار من گرهی گشا (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x4B/8 (مستفعلن فعلاتُ)

0x29A69

(3//101001) مفتعلن علن//۳ – (دلبرکا بیا)//۳ – (تازه بتی بتی)//۳

ای که مرا کسی//در همه‌ی جهان//نیست به جای تو

کافرم ار کشم//در همه عمر خود // سر ز رضای تو (ابوالحسنی)

- ساخته شده بر اساس بیت زیر

ای که مرا کسی//نیست به جای تو

کافرم ار کشم//سر ز رضای تو (عماد کرمانی در پناهی ، ج۳ :۹۳) (طبیب‌زاده* :۳۱۶)

0x2A552

مفاعلتن مفاعلت//۲

(2//101010010) (شبی نظری شبی نظر)//۲

سرود گلان نشانه ام// که بلبل این زمانه ام (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی 0x12/5 (مفاعلتن)
- «برای وزن فوق شاهدی یافت نشده است.» (نجفی* :۴۳۲)

0x2A753

(مستفعلتن مفاعلن) // ۲ -(مستفعلُ فاعلاتُ مس) // ۲

(لن مفتعلن مفاعلن) // ۲ -(دلدار بیا بیا بیا) // ۲

(2//101010011) (یارا بده آن شراب یار) // ۲

با قهر چه می کُشی مرا// من کشته ی مهربانیم

یک خنده و یک نگاه بس// تا کشته ی خود بدانیم (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۴۰۴) ۸۱/۳

من تار توام، تو پود من//این بافته را نظیر نه

خوش‌رنگ تر و لطیف‌تر//کس دیده از این حریر نه

(سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۳: ۲۸) (طبیب‌زاده* : ۳۴۷)

- عضو بحر دودویی 0x53/8 («مستفعلُ فاعلاتُ» « لن مفتعلن مفاعِ »)

0x2AAAA

مفاعلن ❋۴ مفا

(1010101010101010) (بیا بتا بیا بتا بیا بتا بیا بتا بیا)

شقایق است و لاله رسته باز هم به سبزه زارها

و یا نموده نقش بر چمن نگارگر نگارها ؟ (ایرج کابلی) (کابلی:۱۳۷)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2

0x2AB55

(لن مفاعلن مفاعلن) ❋ ۲ – (فاعلاتُ فاعلاتُ فا) //۲

(2//101010101) (ماهتاب ماهتاب ماه)❋۲

تن کشیده زیر بال شب//بی‌کرانه ی ملال ما

بادبان کهنه زورقی است این کبود خال ، خال ما

(سیمین بهبهانی، دشت ارژن: ۷۰۹) (آذر ۶۰) (نجفی❋ : ۱۷۵)

نقش های کهنه ام چقدر//تلخ و خسته و خزانی‌اند

نقش غربت جوانه ها//رنگ حسرت جوانی‌اند (حسین منزوی) (نجفی❋ : ۱۷۵)

تقّ و تق عصای آهنی//می‌خورَد به گُرده‌ی زمین

می‌شود تنِ پیاده‌رو//نقطه نقطه نقطه چین ♫ (اسماعیل اراضی) (فیروزیان: ۸۲)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2

0x2B359

(مفتعلن مستفاعلن)//۲

(2//101011001) (سبزه بیارا بیا بیا)//۲

ما فقرا فیض اقدسیم// جلوه‌ی ذات مقدسیم ▶

دارای آفاق و انفسیم// سلطان گردون اطلسیم (ادیب نیشابوری)

(زندگی و اشعار ادیب نیشابوری، به کوشش یدالله جلالی پندری ، ناشر: بنیاد ، ۱۳۶۷ ، تهران، ص۱۷۰)

از عدم آمد که پر کند// هستی جاری به ساغری

لحظه ی پویا سکون گرفت// شد جریان مصوری (سیمین بهبهانی) (۶۴/۸) (نجفی❋ : ۳۷۱)

(مصرع ۱ بر این وزن است، در مصرع ۲ اگر «جریان » را «جرَیان » بخوانیم بر این وزن می شود .)

- عضو بحر دودویی 0x19/6 (مفتعلن فعلُ)

0x2B55A

(2//101011010) (مفاعلاتن مفاعلا) //۲

دوباره می سازمت وطن// اگرچه با خشت جان خویش

ستون به سقف تو میزنم// اگرچه با استخوان خویش (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۲۱۷) (اسفند ۶۰)

به زنده ماندن در این دیار//چه پای سختی فشرده‌ام

چه مرگ‌ها آزموده‌ام//ولی شگفتا نمرده ام(سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۲۱۷)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5

0x2B75B

(مستفعلاتن مفاعلن) //۲ - (مفعولُ مفعولُ فاعلن) //۲

(2//101011011) (جانی ز جانی بیا بیا)//۲

حالی است حالم نگفتنی// امروز سیمین دیگرم

گویی که خورشید پیش از این //هرگز نتابیده بر سرم (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۲۱۷) ۷۱/۱

- عضو بحر دودویی 0x5B /8 (مستفعلن فاعلاتُ)

0x2CB2C

(3//101100) فعلات فعل//۳ – (شکرینا بیا)//۳ –(شکری دلبری)//۳

گل باغ بهشت//شب من روشن است//ز شکر خند تو

به لبانت قسم //بچشم عاقبت//من از آن قند تو (ابوالحسنی)

0x2CB65

(فاعلن فعلن فاعلن) //۲ – (فاعلن فعلاتن مَفا)//۲

(2//101100101) (دلبرا شکرا دلبرا)//۲

می نویسم و خط می زنم // کآن چه گم شده پیدا کنم

وآن تخیل آشفته را //واژه بخشم و گویا کنم

عاج نازک انگشت من // پشت جمجمه می خاردم

تا کلاف گره خورده را// رشته رشته ز هم وا کنم (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۳۴۲) ۷۰/۵

- عضو بحر دودویی 0x65/8 (« فاعلن فعلاتن مَ » «فاعلاتُ مفاعیلُ»)

0x2D6B5

مستفاعلُن مستفاعلُن مستفاعلُن مستفا

(101101011010110101) (دل‌ربا بیا دل‌ربا بیا دل‌ربا بیا دل‌ربا)

بلبلم شبی بشکنم قفس را و پر زنم سوی گل

مست عطر گل بوسه‌ها زنم عاشقانه بر روی گل (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُن» 0x15/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۲۸۶)
- بیت ساخته شده بر اساس :

بشکنم قفس را و پر زنم سوی دوست

بوسه‌ها زنم عاشقانه بر روی دوست (مهدی الهی قمشه‌ای در پناهی ، ج۴ :۲۹) (طبیب‌زاده* :۲۸۵)

0x2DB6D دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x2DB6D -0//18 حالت غیر دوری

(6*101)

یک نفر باید این حجم کم را بفهمد

دست او را برای تپش های اطراف معنی کند ◄

(سهراب سپهری ، بی روزها عروسک) (سپهری:۴۴۱) (نیمایی)

9//9- 0x2DB6D حالت دوری

(فاعلن فاعلن فاعلن)//۲

(2//۱۰۱۱۰۱۱۰۱) (دلبری دلبری دلبری)//۲

آه ای امن دلخواه من//بام و ایوان و درگاه من

با تو سرگرم اوهام خویش//در تو از هر بلا ایمنم (سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۴: ۱۳۴) (طبیب‌زاده* : ۱۹۳)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3
- این وزن می‌تواند به شکل (3//101101) نیز دوری شود مثل :

آمدی با شراب // با دو تار و رباب//ای بهارین نفس (ابوالحسنی)

0x2DDBB

مستفعلن مستفعلن فاعلن//مستفعلن فاعلن

(1011011//10110111011) (جانا گلا جانا گلا نوگلا// جانا گلا نوگلا)

اهلا و سهلا ای نسیم بهار// ای قاصد زلف یار

از زلف یار آیی چه داری بیار//ای کاروان تتار (بهار) (بهار:۱۱۱)

- قالب این وزن مستزاد است .
- استاد نجفی این وزن را از ابتکارات بهار می داند. (نجفی،۱۳۸۴ : ۵۶۳)

0x2E739

مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلْ

(101110011100111001) (شد مهِ تابان شد مهِ تابان شد مهِ تابان شد مهی)

جامه دران آمد سحری سرمست ز ساغر دلبرم

صومعه شد از نرگس چشمش میکده‌ای شادان و مست (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفتعلاتن» 0x16/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۲۹۱)

0x2E73C

فعلیاتن فع فعلیاتن فعلیاتن فعل

(101110011100111100) (شکرا جانانا شکرا جانا شکرا جانا شکر)

ای شده از جان روی تو را مه مشتری

بر رخ تو دیوانه گشته حور و پری

جام وصالی بخش به مخموران خود

پِرهان هان ، جو ، جور مکن زین بیش به میخواران خود (تحفه الهند : ۱۸۱) (مصرع یک و سه کد 0x1739 ، مصرع دو کد ۰x۱۲B۹ و مصرع چهار کد 0x2E73C است.)

0x2E974

(2//101110100) (متفاعلن مستفعلن) ❊ ۲ – (مهِ دل بیا مهدل بیا)❊۲

من بینوا را ناصحا// به خدا که ترک پند کن

به گمانت ار دیوانه ام //به یقین مرا در بند کن (فرصت شیرازی) (شمیسا❊ : ۱۱۴) (نجفی❊ : ۲۴۲)

صنما خیالت را چه شد //که به ما ندارد ، الفتی

خجلم ز داغت کز وفا//به سرم گذارَد منتی (زبده العروض) (نجفی❊ : ۲۴۲)

چه شود بتا گر سوی ما // فکنی نظر در رهگذر

نبود عجب گر اوفتد// به گدای کو شه را نظر (عروض بابر:۱۴۰)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن مستفعلن» 0x174/9

0x2EBAE

(3//101110) علن مستفعلن//۳ - مفاعیلن فعل//۳ – (بیا یارا بیا)//۲۳

از آن روزی که تو // به جامی از لبت//به عشق افکندیم

رها از رنگ خود//شدم همرنگ عشق // به گیسویت قسم (ابوالحسنی)

0x2EEEE

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعل

(101110111011101110) (بیا جانا بیا جانا بیا جانا بیا جانا بیا)

به جز آغوش پر مهرت ندارم من پناهی گل تنم

بشو پر از جسارت ها سویم پرواز کن

من آن سازم که کس نشنیده آواز پر از راز دلم

بیا با دست هایت با نفس هایت مرا آغاز کن (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

0x2F5EB

مستفعلن فعولن // مستفعلن فعولن // مستفعلن

(1011//1101011//1101011) (جانا بیا بیارا// جانا بیا بیارا //جانا بیا)

ای کامکار سلطان // انصاف تو به جهان // گشته عیان

مسعود شهریاری // خورشید نامداری // اندر جهان

ای اوج چرخ جایت // گیتی ز روی و رایت // چون بوستان

چون تیغ آسمان گون // گردد به خوردن خون // هم داستان

(مسعود سعد سلمان ، قصیده مستزاد مدحیه) (مدرسی،۱۳۸۰ : ۱۶۳)

- قالب این وزن مستزاد است

0x2FBEF

(3//101111) (مفعولن فاعلن) //۳ - (جانا جانا بیا)//۳- (دلداری دلبری)//۳

قمری، در گلستان //سرمست از بوی گل//هر سو کوکو کند

صوفی در خلوتی//بی نور مهر و ماه// هر سو هوهو کند (ابوالحسنی)

- ساخته شده بر اساس مصرع : « قمری، در بوستان //هر سو کوکو کند » (مولوی؟؟)

0x32592

(2//110010010) (مفاعلتن فعلاتن) //۲ - (پری نظری نظری کن)//۲

برای خدا کمکم کن//که من رهِ چاره ندانم

نه با تو امانِ حضورم// نه بی تو حضور امانم (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۸) ۶۸/۹

ترانه‌ی زنگ دبستان //ز کوچه به گوش من آمد

«عروسک زیور و کشور»// به صد گله در سخن آمد (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۷۴) (اول مهر ۶۸)

شاهد: فعولُ – (۰x۲/۳)

0x32994

(2//110010100) (متفاعلن فعلاتن)//۲- (متفاعلن متفاعِـل) * ۲

(نظری بتا نظری بت)//۲

چه سکوت سرد سیاهی// چه سکوت سرد سیاهی

نه فراغ ریزش اشکی// نه فروغ شعله ی آهی (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۵) (۱۷ شهریور ۵۷)

دو ردیف برگ اقاقی// چه تقابلی چه نظامی

چه گروه بستن نرمی// چه به صف نشستن رامی (سیمین بهبهانی) (پناهی ، ج۲: ۱۷۸)
۶۸/۳

چه شود بتا که زمانی//ز رقیب خویش نهانی

گذری دمی به سوی من// دل من ز غم برهانی (عروض بابر:۱۴۰)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن » 0x14/5

0x32B95

(2//110010101) (مستفاعلن فعلاتن) * ۲ - (تن مفاعلن فعلاتن) //۲

(گلرخی بتی مهِ جانی)*۲

می روم دگر ز دیارت// خیز و توشه‌ی سفرم کن

دل که شد لبالب دردت// خون به ساغر جگرم کن (اخوان ثالث) (پناهی ، ج۲: ۶۳)

دانه دانه سرخی و سبزی //پر ستاره کرده فضا را

شعله شعله گرد سرم بین //رقص تند دایره ها را (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۳۱۳) ۵۶/۶

ترکه نیستم که شوم خم//کاج استوار بلندم

با من است ذات صلابت//گرچه قطعه قطعه کنندم (سیمین بهبهانی) (پناهی ، ج۲: ۶۴)

- عضو بحر دودویی 0x95/8 («تن مفاعلن فعلا» «فاعلن مفاعلتن»)
- این وزن را ابتدا اخوان به کار برده است . (نجفی،۱۳۹۴،الف : ۱۵۱)

0x32CB2

(3//110010) مفاعلتن مف//۳ – مفاعلُ فعِلن//۳ - (بتا مهِ جانی)//۳

اگر که نگیری//تو دست دلم را//دگر که بگیرد

اگر نپذیری//شکسته دلم را //دگر که پذیرد (قیصر امین پور در پناهی ، ج۵: ۶۰)

- عضو بحر دودویی 0x32/6 («مفاعلُ فعِلن»)

0x32D96

(مفاعیلتن فعلاتن) ❋ ۲ - (مفاعیلُ مفتعلاتن) //۲

(2//110010110) (بیارا بیا شکرینا)//۲

تو آن ماه زهره جبینی // و آن سرو لاله عذاری

که بر لاله غالیه سایی // و از طرّه غالیه باری (خواجوی کرمانی) (پناهی ، ج ۲ :۵۶)

سلامی ز عقده ی عشقی //پر از بید مشک بهاری

فرستم به سوی دیارت //به سودای عقده گساری (سیمین بهبهانی) (پناهی ، ج ۲ :۵۶) ۶۹/۱۲

- عضو بحر دودویی 0x96/8 («مفاعیلتن فعلن»)
- شمیسا این وزن را از ابداعات خواجوی کرمانی می داند . (شمیسا،۱۳۷۶: ۴)

0x33333

مستفعلُ ❋ ۴ مستف

(1100110011001100110011) (جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی)

در کوی تو گر سر برود ، محو شود باک ندارم

من عاشقم از دادن جان در رهت امساک ندارم (هاشم طباطبایی) (وحیدیان‌کامیار،۱۳۸۰ : ۳۶)

گفتند که «دزد آمده بر قافله‌ها راه گرفته»

گفتیم «نترسید خسوف است ،کمی ماه گرفته» (ضیاالدین شفیعی در پناهی ، ج۳: ۲۱) (طبیب‌زاده❋ : ۱۲۱)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُ » 0x3/4

0x33399

(مفتعلن مفتعلاتن) //۲- (مفتعلن مفتعلن مف) ❋ ۲

(2//110011001) (کن نظری کن نظری کن)//۲

وقت درو کردن گل شد// کار به فردا مگذارید

داس بجویید و بیایید// لاله به صحرا مگذارید (سیمین بهبهانی) (نجفی❋ : ۱۸۹) (۶۲/۱)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4

0x3359A

(مفاعلن مفتعلن مف)//۲ – (مفاعلن مفتعلاتن)//۲

(2//110011010) (بیا بیارا شکرینا)//۲

به راهم افتاد و به سویش//برای نظّاره رویش

که نیست جز بر سر کویش//مرا نه رویی و نه راهی (لطف الله نیشابوری در پناهی ، ج۵: ۱۸۱) (طبیب‌زاده❋ : ۳۳۵)

- عضو بحر دودویی « مفاعلن مفتعلن » 0x9A /8

0x3399C

(2//110011100) فعلیاتن فعلیا ٭۲ – (مهِ دلهایی مهِ دلهایی مهِ دلها)٭۲

بدهد کامم به نگاهی//ببرد جانم به اشارت

غم اگر آید به سراغم//کِشَمش در بندِ حقارت (غلامرضا سازگار در پناهی ، ج۵: ۱۴۲) (طبیب‌زاده٭ : ۳۰۷)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن » 0x1C /5

0x33CF3

(3//110011) مستفعلُ مستف//۳ – لاتن فعلاتن//۳ - (جانی همه جانی) //۳

چون رقص کنان شد// صد پیر جوان شد// سر خیل بتان شد

غوغا به جهان شد// صد فتنه عیان شد // دل برد و نهان شد (ابوالحسنی)

- بر اساس غزل مستزاد زیر از شاه نعمت‌الله ولی ساخته شد:

  تا از سر زلف تو یکی تار برآمد//صد فتنه عیان شد

0x33F9F

لاتن فع‌لاتن فعلاتن فع‌لاتن //لاتن فعلاتن

(110011//111110011111) (جانی مهجانی مهِ جانی مهجانی// جانی مهِ جانی)

از دوست پیام آمد کاراسته کن کار// این است شریعت

مهر دل پیش آر و فضول از ره بردار//این است طریقت ►

«سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر به کوشش سعید نفیسی،۱۳۳۴، ص۱۱۱ »

- قالب ادبی این وزن مستزاد است
- عضو خانواده « لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن //لاتن فعلاتن»   0xCF333

0x34A52

مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن مَفاعِلْ

(110-10010-10010-10010) (بیا مهِ جان بیا مهِ جان بیا مهِ جان بیا مه)

تو ای گل من ز بلبل اگر همی طلبی نوایی

چرا ندهی ز عطر خوشت به باد صبا سحرگاه (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۰۵)

0x34BA5

(2//110100101)

مستفاعلُ مستفاعلْ //۲ – (دلبرم شده دلبرم شد)//۲

با دو دیده ی نیمه چرخان// ساعتم پسری جوان است

این همیشه جوان شگفتا// شاخص گذر زمان است...

لیک لحظه اگر بمیرد// جاش لحظه نو بگیرد

من ز پویه اگر بمانم //نسل نو ز پیم دوان است (سیمین بهبهانی) (پناهی ، ج۲ :۶۵) ۷۳/۲

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُ » 0x5/5

0x34D34

(3//110100) فعلن فعولن//۳ – (نظری پریسا)//۳ – (تو بتی بتی نو)//۳

به شبان تاریک//چه کنم فنا را //به تو گر نباشد

و به روز روشن//چه کنم بقا را //ز تو گر نباشد (ابوالحسنی)

0x353A9

(2//110101001) (مفتعلن مفاعلاتن)//۲ – (عشوه بیا بیا بیارا)//۲

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

بی رخت ای نگار زیبا

کی دل من شود شکیبا (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۶۴۲)

خاطره ات فسانه ای شد

وه که چه عاشقانه ای شد (سیروس شمیسا) (نجفی❊ : ۴۱۴)

0x35555

فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلْ

(110101010101010101) (ماهتاب ماهتاب ماهتاب ماهی)

روزگار بر گرفت از رخت بسی نقابِ بد رنگ

تا که بازآوری هزار گونه دیگرش فرا چنگ (ایرج کابلی) (کابلی:۱۴۳)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2

0x355AA

(مفاعلن مفاعلاتن) //۲ – (مفاعلن مفاعلن مف)//۲

(2//110101010) (گلا بیا گلا بیا گل)//۲

رها مکن که پر زدن را//کبوترم نمی شناسد

شکسته بال و پر ، حریمی//جز این حرم نمی شناسد (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۱۸) (اردیبهشت ۶۲)

به جامه، غنچه غنچه منشان// نگاره‌ی گلابتون را

نگار کن به عطف دامن// نشانِ قطره قطره خون را (سیمین بهبهانی) (نجفی❊ : ۱۶۶) (اردیبهشت ۶۲)

ز من چو بی‌خبر فتادی//ز حال خود خبر ندارم

نشسته ای اگر چه در دل//ز خاطرت گذر ندارم (محمد قهرمان در پناهی ، ج۳: ۶۸) (طبیب‌زاده❊ : ۲۵۹)

- عضو بحر دودویی «فعل» 0x2/2

0x357AB

(مستفعلن مفاعلاتن)//۲- (مستفعلن مفاعلن مس)//۲

(2//110101011) (جانا بیا بیا بیارا)//۲

باور نمی کنید اما//در مشت ها ستاره دارم

طرحی ز نور می تراود// انگشت ها چو می فشارم (سیمین بهبهانی) (نجفی❊ :۱۶۶) (۶۴/۸)

انگار گربه ی ملوسی//خوابیده روی دامن من

خودکام و راضی و تن آسان //گرمی دوانده در تن من (سیمین بهبهانی) (محمدی:۱۱۸) ۷۳/۹

- عضو بحر دودویی 0xAB/8 («مستفعلن مفاعلن»)

0x359AC

(فعلاتن مفاعلاتن) //۲ – (فعلاتن مفاعلن مف) //۲

(2//110101100) (تو نگارم شدی نگارم)//۲ – (مهِ جانی بتی بتی مه)//۲

مه مطرب بزن ربابی//بت ساقی بده شرابی

که ندارم به هیچ بابی//سر و سرّ هوای بستان (خواجوی کرمانی) (نجفی❊ : ۲۷۷)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن مفاعلن » 0xAC/8

- شمیسا این وزن را از ابداعات خواجوی کرمانی می داند (شمیسا،۱۳۷۶: ۴)
- «هیچ یک از کتب عروض متعرض این وزن نشده‌اند.» (نجفی❊ :۲۷۸)

0x359AD وزن فرعی

فاعلاتن مفاعلاتن// فعلاتن مفاعلاتن

(110101100//110101101) (ماهِ جانی بتی نگاری// مهِ جانی بتی نگاری)

وی به رخ رشک ماه و پروین// به شکر خنده جان شیرین ▶

روی خوب تو یا مه است این// چین زلف تو یا شب است آن (خواجوی کرمانی) (شمیسا،۱۳۷۶: ۴)

- عضو خانواده « (فعلاتن مفاعلاتن) //۲» 0x359AC

0x35BAC وزن فرعی

فعلاتن مفاعلاتن فاعلاتن مفاعلاتن

(110101101//110101100) (مهِ جانی بتی نگاری// ماهِ جانی بتی نگاری)

شکرت شور دلنوازان// مارت آشوب مهره بازان ▶

سنبلت دام سرفرازان// دهنت کام تنگ دستان (خواجوی کرمانی) (شمیسا،۱۳۷۶: ۴)

- عضو خانواده « (فعلاتن مفاعلاتن) //۲» 0x359AC

0x35BAD وزن فرعی

(2//110101101) (فاعلاتن مفاعلاتن) //۲- (دل‌ستانی چه دل‌ستانی)//۲

ای رخت شمع بت پرستان //شمع بیرون بر از شبستان

بر لب جوی طرف بستان//داد مستان ز باده بستان (خواجوی کرمانی) (نجفی* : ۲۷۷)

- عضو خانواده « (فعلاتن مفاعلاتن) //۲»

0x35D75

(فاعلن فعولن)//۳ – (شد پری پریرو)//۳

(3//110101) (جانِ جانِ جانی)//۳

فتنه زمانی//شهره جهانی//شمع جمع مایی

ماه مجلس آرا//زیبِ محفل ما//یک جهان صفایی (بی نام در پناهی ، ج۵: ۶۰) (طبیب‌زاده* : ۳۹۳)

- عضو بحر دودویی «فَعلُ» 0x1/2

0x36B5A

مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مَفاعِلْ

(110110101101011010) (شدی بتی نو شدی بتی نو شدی بتی نو شدی بت)

چو شد بهاران غزال من مست شد، غزل خوان چو بلبل

کجاست ساقی دهد مرا می کجاست مطرب زند نی (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۲۹۹)

0x36DB6 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x36DB6-0//10 حالت غیر دوری

(6*110) فَعولن *۶ - (بزن دف) *۶

شبی مست می سوی ابعاد پنهان گلها دویدم

چو بلبل غزلها سرودم چو در برگ گلها رسیدم (ابوالحسنی)

0x36DB6-9//9 حالت دوری

فعولن فعولن فعولن //۲

(2//110110110) (بزن دف بزن دف بزن دف)//۲

به اندازه‌ی عشق جا داشت//اتاق تو و خانه‌ی تو

پذیرای تنهایی‌ام بود//تن مهربانانه‌ی تو (منزوی) (وحیدیان‌کامیار*: ۷۰۹)

به جز سایه‌های ابوالهول//در این اوج وحشت عیان نیست

نه هم‌بندی روبهان بود//سزاوار شیران خدایا (منزوی) (نجفی* : ۴۰)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3
- این وزن می‌تواند حالت غیر دوری (6*110) یا وزن‌های دوری (6//110) یا (3//110110) نیز داشته باشد.

0x375BA

(2//110111010) (مفاعلن مستفعلاتن) //۲ - (چه دل‌ستانی دل‌ستانی) // ۲

چراغ را خاموش کردم// کتاب را ناخوانده بستم

پتو چه سنگین و زبر است// چقدر امشب خسته هستم (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۱۱۴) ۷۸/۱

هزار و یک عاشق که از عشق//به آسمانم می‌نشاندند

هزار و یک پیمان که از ناز//چو ریسمانش گسستم (سیمین بهبهانی) (طبیب‌زاده* : ۲۱۱)

- عضو بحر دودویی 0xBA/8 (مفاعلن مستفعلن)

0x376EE

مفاعیلن مفاعیلن فعولن //مفاعیلن فعولن

(1101110//11011101110) (پریسانی پریسانی پریسان//پریسانی پریسان)

زهی گیتی به دیدارت گلستان // گلستانم گلستان

گلستانی پر از هفتاد بستان //گلستانم گلستان

شقایق چهر و مشکین طرّه سنبل// دهان غنچه ،رخان گل

هزارش مرغک دل ناله دستان // گلستانم گلستان

(یغمای جندقی) (کلیات یغمای جندقی، چاپ افست ، تهران ، ۱۳۳۹،ص ۲۷۶)

- قالب این وزن مستزاد است .

0x377BB

(مستفعلن مستفعلاتن) //۲- (مستفعلن مستفعلن مس)//۲

(2//110111011) (جانا بیا جانا بیارا)//۲

ای رویت از فردوس بابی// وز سنبلت بر گل نقابی

هر لحظه ای زان پیچ تابی// در حلق جان من طنابی (خواجوی کرمانی) (نجفی* :۱۱۴)

من دیده ام رنگین کمان را // خندیده در ذرات باران

من خوانده ام رازی نهان را //در دفتر سبز بهاران (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۱۱۴)

تندیس آهویت مبارک// ای شهر رنگ و روشنایی
از من سلامی شاد بر تو// خوش تر ز بوی آشنایی (سیمین بهبهانی) (آبان ۷۰)
می آیم و دلتنگ دلتنگ// ای شنگ نازک تن برایت
می آیم و سوغاتی من// از بوسه پیراهن برایت (حسین منزوی) (دادگر:۱۶۸)

- عضو بحر دودویی « مستفعلن » 0xB/4
- دکتر شمیسا این وزن را از ابداعات خواجوی کرمانی می داند . (شمیسا،۱۳۷۶: ۴)

0x37DF7

(3//110111) مفعولن فعولن//۳- (جانانی نگاری)//۳

زلفت را کشیدم //زلفت شد سیه مار // زهرش را چشیدم
رویت را کشیدم//رویت شد گلی سرخ //شهدش را چشیدم (ابوالحسنی)

0x395CA

(مفاعلن فعلیاتن) //۲ – (مفاعلن فعلاتن مف)//۲

(2//111001010) (بیا بیا مهِ دل مهدل)//۲ -(تو ای پری مهِ جانی تو)//۲

کجاست آن که به آگاهی //برون ز من نِگَرَد من را
نگاره سازد و تندیسی// فرا وجود و فراتن را (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۲) ۶۲/۵
ببین به هیئت نیلوفر// فرا نشستن بودا را
نگشته دامن پاکش تر// گذشته آب ز سر ما را (سیمین بهبهانی) (فیروزیان: ۸۰) ۶۲/۵
زنی که صاعقه وار آنک //ردای شعله به سر دارد
فرو نیامده خود پیداست// که قصد خرمن من دارد (حسین منزوی) (نجفی٭ : ۳۳۳)
من آن درخت زمستانی// بر آستان بهارانم
که جز به طعنه نخندد// شکوفه بر تن عریانم (نادر نادرپور) (نجفی٭ : ۳۳۴)
غمی که در سخنت داری//همان غم است که من دارم
همان غمی که تفسیرش//به هر بهانه سخن دارم (محمد علی بهمنی) (نجفی٭ : ۳۳۴)
چنین که آتشِ دامانم شرر زند ز گریبانم
به هر کجا که نشینم من عیان شود غمِ پنهانم (عشرت قهرمان (نکیسا)) (فیروزیان: ۸۰)

- عضو بحر دودویی « مفاعلن فعلاتن» 0xCA/8

0x397CB

(مستفعلن فعلیاتن)//۲ –(مستفعلن فعلاتن مس)//۲

(2//111001011) (جانی بتی مهِ تابانی)//۲ – (جانی بتی مهِ جانی جان)//۲

خطّی ز سرعت و از آتش//در آبگینه سرا بشکن

بانگِ بنفشِ یکی تندر// در خوابِ آبیِ ما بشکن (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۱) (خرداد ۶۰)

من با صدای تو می خوانم// در اوجِ آبیِ باورها

دارد ترانه‌ی پروازم// تحریر بال کبوترها (سیمین بهبهانی) (نجفی* : ۳۳۴) (بهمن ۶۶)

- عضو بحر دودویی 0xCB/8 («مستفعلن فعلاتن»)

0x399CC

(فعلاتن فعلیاتن) //۲- (فعلاتن فعلاتن فع)//۲

(2//111001100) (مهِ جانی مهِ جانی مه)//۲

هر چه کردم نتوانستم//آه ، ای دوست ز من بگذر

جان ز ابرام به لب دارم//بگذر از صحبت تن بگذر...

زن بدان دیده‌ی اشک افشان درمن آویخته می گوید

که از آن راه زدن بس کن که از این عهد شکن بگذر ▶

(سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۴: ۹۴) (طبیب‌زاده* : ۲۴۱) ۶۸/۱۱

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4

0x399CD

فاعلاتن فعلیاتن// فعلاتن فعلیاتن

(111001100//111001101) (ماهِ جانی مهِ جانی ماه// مه جانی مهِ جانی مه)

بانگی از گور چنین توفد که هوادار تو من بودم ▶

چه کست گفت جوانی کن وز هوادار کهن بگذر (سیمین بهبهانی) ۶۸/۱۱

(سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۴: ۹۴) (طبیب‌زاده* : ۲۴۱) ۶۸/۱۱

- عضو خانواده « (فعلاتن فعلیاتن) //۲»

0x39BCC

فعلاتن فعلیاتن فاعلاتن فعلیاتن

(111001101111001100) (مهِ جانی مهِ جانی مه// ماهِ جانی مهِ جانی ماه)

شب به کابوس گرفتارم// دخترک تب زده می آید

که سرِ سرورِ من داری// از سرِ سرورِ من بگذر ▶ (سیمین بهبهانی)

(سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۴: ۹۴) (طبیب‌زاده❋ : ۲۴۱) ۶۸/۱۱

- عضو خانواده « (فعلاتن فعلیاتن) //۲»

0x39BCD

(2//111001101) (فاعلاتن فعلیاتن) ❋ ۲ – (ماهِ جانی مهِ جانی ماه)//۲

هر چه کردم نتوانستم//آه ، ای دوست ز من بگذر

جان ز ابرام به لب دارم//بگذر از صحبت تن بگذر...

دفترم شکوه کنان گوید// جز منت هیچ نمی باید

ترک اوهام پریشان کن //ورنه از شعر و سخن بگذر

(سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۴: ۹۴) (طبیب‌زاده❋ : ۲۴۱) ۶۸/۱۱

- عضو خانواده « (فعلاتن فعلیاتن) //۲»

0x39E79

(مفتعلن مفتع)//۳

(3//111001) (دلبرکی دلبر)//۳

از سر دیواری//شاخه تاکی را//سر به برون دیدم

خوشه انگوری//با همه زیبایی//گشته نگون دیدم (معینی کرمانشاهی در پناهی ، ج۵: ۵۹) (طبیب‌زاده❋ : ۲۳۰)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4

0x3A5D2

(2//111010010) (مفاعلتن مفاعیلن)//۲ - (بتا شکرا نگارینا)//۲

به قله رسیده‌ام تنها//گروه رفیق راهم کو

شب است و اسیر کولاکم//چراغ پناهگاهم کو (سیمین بهبهانی) (طبیب‌زاده* : ۳۰۳)

چرا نشوم من بی دل// علم به جهان رسوایی

گهی سوی ما نمی آیی // دمی برِ ما نمی پایی (عروض بابر:۱۳۶)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن مفاعیلن » 0x1D2/9

0x3A7D3

(2//111010011) (مستفعلتن مفاعیلن)//۲- (جانا شکرا نگارینا)//۲

یک خمره برای من کافی است// تا دختر دیوجان باشم

اما به تو راست می گویم //من نیستم این که آن باشم

من جام بلور می خواهم //من جامه‌ی تور می خواهم

من شادی و شور می خواهم// تا مست و ترانه خوان باشم (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۷) ۷۳/۱۲

0x3A9D4

(2//111010100) (فعلاتُ فاعلاتن فع) //۲ – (تعلن مفاعلن مفتع)//۲ - (مهِ جان شبی بتم شو مه) //۲

به رجز ندا ز خان آمد //که چه کردم و چه ها کردم

ز دو زلف زهره با تیری// گره آنچه بود وا کردم (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۱) ۶۳/۹

نفسی برون نمی آید// چه فضای وحشت آلودی

همه جا تنوره کش دیوی// پی هر تنوره‌ای دودی (سیمین بهبهانی) (نجفی* :۳۶۷) ۷۶/۲

چو خجسته باد نوروزی// گذر آورد به گلشن ها

کشد از بنفشه گیسوها // بَرَد از شکوفه دامن ها (فریدون توللی) (پناهی ، ج۲: ۵۸)

- عضو بحر دودویی 0xD4/8 (« تعلن مفاعلن مف» « فعلاتُ فاعلاتن »)

0x3AEBA

(3//111010) (مفاعلن فعِلن) // ۳ - (بیا بیا جانا)//۳

شبی زمستانی//ز عمق ظلمت‌ها //تو را صدا کردم

بسی سفر کردم//بتان نو دیدم//تو را خدا کردم (ابوالحسنی)

- بر اساس : میان تاریکی || تو را صدا کردم (فروغ)

0x3B6DB

(مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُن

عولن فعولن فعولن فَعولن مفاعیلن

عولن فعولن فعولن فَعولن فعولن فع

(111011011011011011) (دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلداران)

آمد نگارم ز میخانه ای دوش خندان و رقصنده

آشفته گیسو غزل خوان و بربط زنان روی پر خنده (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3

0x3B7DB

(لن فاعلن فاعلن فاعل)//۲ –(مفعولُ مفعولُ مفعولُن)//۲

(2//111011011) (مهتاب مهتاب مهتاب) // ۲

زان نوبهاران که بگذشتند//ویرانه باغی به جا مانده است؟

با برگ بر باد بی‌برگی//چرکابِ داغی به جا مانده است؟ (مشفق کاشانی در پناهی ، ج۳: ۱۳۹) (طبیب‌زاده* : ۲۰۴)

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3

0x3BBBB

مستفعلن ❋ ۴ مستف-

(111011101110111011) (مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه‌رو)

رنج گرانم را به صحرا می‌دهم صحرا نمی‌گیرد

اشک روانم را به دریا می‌دهم دریا نمی‌گیرد (حسین منزوی) (پناهی ، ج۲: ۸۱)

در گوشه ای از آسمان ابری شبیه سایه‌ی من بود

ابری که شاید مثل من آماده‌ی فریاد کردن بود (محمد علی بهمنی) (پناهی ، ج۲: ۸۲)

می‌پرسد از من کیستی می‌گویمش اما نمی‌داند

این چهره گم‌گشته در آیینه خود این را نمی‌داند (محمد علی بهمنی) (نجفی❋ :۱۰۳)

طومار درد کهنه ای از روز اول روبرویم بود

شعری نگفتم هر چه گفتم بغض پنهان گلویم بود (غلام حسین عمرانی) (دادگر:۱۶۲)

شب‌های بارانِ تو از تردید و از اندوه لبریز است (شفیعی کدکنی) (فیروزیان:۷۷) (نیمایی)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4

0x3BBDD

(2//111011101) (فاعلاتن فاعلاتن فا) //۲ – (شد نگارم شد نگارم شد)//۲

اسب می نالید می لرزید// سرفه ها اسفنج و خون می شد

هر نفس بر لب چو می آمد// از جگر لختی برون می شد(سیمین بهبهانی) (نجفی❋ : ۹۵) (۶۱/۱۰)

ای دلت آیینه‌ی روشن// دشمنِ جان سیاهی باش

خانمان سوز شب تاریک //چون فروغ صبحگاهی باش (محمد قهرمان) (نجفی❋ : ۹۵)

- عضو بحر دودویی « فاعلاتن» 0xD/4

0x3BBEE

مفاعیلن مفاعیلن فعلن مفاعیلن مفاعیلن

(111011101111101110) (بیا جانا بیا جانا جانا بیا جانا بیا جانا)

ببین در شعرِ من دست اندازی نباشد تا تو را دستت

بیندازم ، هجا ها را انگشت به انگشت تر بینم (آسیه خویی) (دادگر:۲۳۱)

0x3BDDE

مفاعیلاتن مفاعیلا ﷼ ۲

(111011110111011110) (بیا جانانا بیا جانا)﷼۲

ز سر تا پا نوحه‌ام امروز//ز سر تا پا ماتمم امشب

برو شادی از دلم بیرون//که من مهمان غمم امشب

شرار غم در جگر دارم //نفس‌های شعله‌ور دارم

به دل دارم آتش سوزان//شرر ریزد از دمم امشب (علی مظاهری در پناهی ، ج۳: ۱۸۵) (طبیب‌زاده﷼ : ۲۹۵)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلاتن » 0x1E/5

0x3BEFB

(3//111011) (مستفعلن مستف) //۳ – (جانا بیا جانا)//۳

دیروز طوفانی// این روزها سربی// فردایمان آتش

شاید که این جنگل// روزی برویاند//تا آسمان آتش...

روزی به سنگرها//در آتش و ترکش//شوق شهادت بود

آن روزها رفتند//اما نخواهد رفت//از یادمان آتش (عبدالحسین رحمتی) (دادگر:۱۵۵)

آیینه بگذارم//عطر و گلاب آرم//تا شانه تر سازم

آب از کجا آرم//از دیدگان بارم//اشکی چو دردانه (امیر حسین غلامی در پناهی ، ج۳: ۸۳) (طبیب‌زاده﷼ : ۲۰۸)

- عضو بحر دودویی « مستفعلن » 0xB/4

0x3C9E4

(2//111100100) (فعلن فعلن مفعولن)//۲ – (شکرا شکرا جانانا)//۲

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

صنما به خدا دل بردی

دل من به جفا بسپردی (حمید شیرانی) (نجفی* : ۷۱)

0x3CACA

مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن فعلن

(111100101011001010) (بتا بتا همه جانی بتا بتا همه جانی جانی)

و قطره ها جَرَیان را به آبشار جسارت بردند

هبوط پشت هبوطی پس از صعود اشارت کردند (آسیه خویی) (دادگر:۲۶۸)

0x3CCCC وزن فرعی

فعلاتن *۴ فعلن

(111100110011001100) (مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهجان)

آن کلاغی که پرید

از فراز سر ما

و فرو رفت در اندیشه‌ی آشفته‌ی ابری ولگرد ▶ (فروغ فرخزاد)

(مجموعه اشعار فروغ فرخزاد ، نشر نگاه ، چاپ اول ، ۱۳۸۲ ، ص ۲۷۶)

- عضو خانواده 0x4CCCC « (فعلاتن) *۴ + فعلن »

0x3CCCD وزن فرعی

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن

(111100110011001101) (ماهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهجان)

آسمان! روی زمین سایه نینداخته ای ، یعنی که

بره هایت به چراگاه در انداخته ای ، یعنی که (آسیه خویی) (دادگر:۱۰۶)

من که متروک تر از خلوت خوف آور یک دهلیزم
آرزوم است که از پله‌ی تنهایی خود بگریزم (کوروس احمدی) (دادگر:۱۰۶)

- عضو خانواده 0x4CCCC « (فعلاتن) ۴* + فعلن »

0x3CE73

مستفعلتن مستفعلتن مستفعلتن مُسْتَفْعِلْ

(111100111001110011) (شد او مه جان شد او مهِ جان شد او مهِ جان شد او مه)

چون حر به صفا، در کرب و بلا ، از کرده پشیمان گردید
با یاد خدا ، آهسته جدا ، از لشکر عدوان گردید (امیر حسین غلامی در پناهی ، ج۳: ۸۰) (طبیب‌زاده* : ۲۸۰)
در دشت بلا ، شاه شهدا ، چون جانب میدان آمد
با فرقه کین، آن خسرو دین، در حجت و برهان آمد (علی حسینی(قانع) در پناهی ، ج۳: ۷۸) (طبیب‌زاده* : ۲۸۰)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن» 0x13/5

0x3CF3C

(3//111100) فعلاتن لاتن//۳ – (مهِ جانی جانی)//۳

به خدای عشّاق//مه روی او را //همه شب می‌بینم
به گلستان عشق //گل سرخ او را //همه شب می‌چینم (ابوالحسنی)

0x3DDDD

فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِل

(111101110111011101) (از تو دورم از تو دورم از تو دورم از تو)

آفتابی نیمه شب آمد به خوابم با شرابی جان سوز
گفت با من عاشقا شب‌های هجران طی شد و آمد روز (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

0x3DDEE

(2//111101110)

(مفاعیلن مفاعیلن مف)// ۲ –

(بتی جانی بتی جانی بت)//۲

به لطف قامت انسانی// نه شکل مادر و زن دیدم

ز جسم خسته و بیمارش //هر آنچه مانده و من دیدم (غلامرضا مرادی) (دادگر:۲۲۸)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلن » 0xE/4

0x3DF7D

(3//111101)

فاعلاتن لاتن//۳ - (ماهِ جانی جانی) //۳

می‌رود آن جانان//در بهاران شادان// سوی بستان تنها

می دوم من سویش// تا ببوسم رویش// بر گل و سوسن‌ها (ابوالحسنی)

0x3E7F3

(2//111110011)

(فعِلن فعلاتن مفعولن)//۲ – (جانا شکرا جانا جانا)//۲

ای سرو سخنگو با من گو //گر زمزمه‌ای پنهان داری

چشم دل توفان‌خواهم را //با گریه و شوقی ، تر گردان (یوسفعلی میرشکاک) (دادگر:۲۴۴)

0x3EFBE

(111110111110111110)

فعولن مفعولن//۳- (گلستان گل بستان)//۳- (بیا جانا جانا)//۳

نگارم شادان است // پریرو خورشیدی است //چو بادی رقصان است

خدای مستان است // غزل‌خوان چون بلبل //چو گل‌ها خندان است (ابوالحسنی)

0x3FFFF

(18*1)

؟

گر خود همچون بازیگرها بازی کردن داند بازی گردان

بازی بگرفتن از بازیگرها بر ویْ خواهد شد بس آسان (ایرج کابلی) (کابلی:۱۴۹)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1

نوزده هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x40000	0x7FFFF	۱۳۱،۰۷۱

0x4CCCC وزن اصلی

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن

(1001100110011001101) (ماهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جان)

خنک آن لحظه‌ی دیدار که آیی به برم مست و خراب

رخ خود را بنمایی زلبت جام شرابم بدهی (ابوالحسنی)

0x4CCCD وزن فرعی

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن

(1001100110011001101) (ماهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جان)

باز آن شیون زار

باز آن بانگ ستوه

بانگ آن زخمی گم گشته به پا خاست ز گودال سیاه ◀ (فریدون توللی) (ماهیار : ۲۴۰)

- عضو خانواده 0x4CCCC « (فعلاتن) ❋۴+ فعلن »

0x4E739

مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْتَعِلا

(1001110011100111001) (جلوه‌گری کن جلوه‌گری کن جلوه‌گری کن جلوه‌گری)

جامه دران شد مست قدح شد فتنه‌ی دل شد دلبر من

مطرب رقصان بربط و دف زن ساقی رندان جام بیار (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفتعلاتن» 0x16/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❋ : ۲۹۱)

0x4E73F

وزن فرعی

مفعولاتن مستفعلتن مستفعلتن مستفعلتن

(1001110011100111111) (جانا جانا جانا شکرا جانا شکرا جانا شکرا)

الّه الّه ز افسرده دلی از شرک خفی وز کفر جلی ▶

ای نور نبی ای سرّ ولی هو حق مددی مولا نظری (موافق اصفهانی) (۱۲۸۸-۱۳۵۲ ق)

(پناهی، ج۲: ۲۰۲)

- عضو خانواده « مستفعلتن ❋۴»

0x5294B

وزن فرعی

مستفعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن

(10100-10100-10100-1011) (مهدل بیا مهِ دل بیا مهِ دل بیا مهِ دل بیا)

بَلَغَ العُلی بِکَمالِهِ کَشَفَ الدّجی بِجَمالِهِ

صَلّوا عَلَیهِ وَ آلِهِ حَسُنَت جَمیعُ خِصالِهِ (سعدی) (نجفی❋ :۲۴۱) (مصرع دوم پاره ها جابجا شده اند)

ساقی بیا به پیاله‌ای ز دلم ببر غم این جهان

دلبر بیا به کرشمه ای تو زکار من گرهی گشا (ابوالحسنی)

- وزن مصرع اول (متفاعلن❋۴) می‌باشد. در بیت دوم ، طبق قاعده اضمار عرب رکن اولین متفاعلن (10100) به مستفعلن (1011) تبدیل شده است . بنگرید به (نجفی❋ :۲۴۱)
- عضو خانواده « متفاعلن ❋۴»

0x52974

وزن فرعی

متفاعلن مستفعلن متفاعلن متفاعلن

(10100-10100-1011-10100) (مهِ دل بیا مهدل بیا مهِ دل بیا مهِ دل بیا)

به حریم خود زیبا بتا // چه شود نهفته بخوانیم

که نوازیم از لطف خود// به یکی نگاه نهانیم (ابوالحسنی بر اساس شعر هاتف)

- عضو خانواده « متفاعلن ❋۴» . طبق قاعده اضمار عرب که رکن متفاعلن (10100) به مستفعلن (1011) تبدیل می‌شود . بنگرید به (نجفی❋ :۲۴۱)

0x52E94

وزن فرعی

متفاعلن متفاعلن مستفعلن متفاعلن

(10100-1011-10100-10100) (مهِ دل بیا مهِ دل بیا مهدل بیا مهِ دل بیا)

بَلَغَ العُلی بِکَمالهِ کَشَفَ الدُّجی بِجَمالهِ

حَسُنَت جَمیعُ خِصالهِ صَلّوا عَلَیهِ وَ آلهِ ▶ (سعدی) (نجفی❊ :۲۴۱)

ز دلم ببر غم این جهان ساقی دمی به پیاله‌ای

تو زکار من گرهی گشا ای دل ربا به کرشمه ای (ابوالحسنی)

- عضو خانواده « متفاعلن ❊۴» . طبق قاعده اضمار عرب که رکن متفاعلن (10100) به مستفعلن (1011) تبدیل می‌شود . بنگرید به (نجفی❊ :۲۴۱)

0x54A52

مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن مفاعلت

(1010100101001010010) (شدی مهِ جان شدی مهِ جان شدی مهِ جان شدی مهی)

درآمده یار ، جامه دران و مست شراب و دف زنان

ستاره ببین شبم شده روشن از مهِ رویِ دلبرم(ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❊ : ۳۰۵)

0x55555

فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتْ

(1010101010101010101) (ماهتاب ماهتاب ماهتاب ماهتاب)

نقش های کهنه ام چه قدر تلخ و خسته و خزانی اند

نقش غربت جوانه ها رنگ حسرت جوانی اند (منزوی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۷۱۲)

بالشم ستاره ، ماه تختم است و باد هم ملافه ام

من به عشق چشم های تو هنوز زنده ام ، ترانه ام (هادی خوانساری) (دادگر:۳۰۹)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2

0x56B5A

مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلا

(1010110101101011010) (سبو سبو می سبو سبو می سبو سبو می سبو سبو)

الا که داری به فیض باری توان و قدرت به جسم و جان (بی نام، مدرسی*: ۴۳)

به نوبهاران که می‌درخشد فروغ شبنم به روی گل

خوشا چمیدن به سبزه‌زاران خوشا شکفتن به روی گل

(حمید سبزواری در پناهی ، ج۴: ۱۹۶) (طبیب‌زاده* : ۲۹۹)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5

0x5B6DB

مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ مف

عولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعول

(1011011011011011011) (دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلدارِ دل)

آمد نگارم ز میخانه ای دوش خندان و رقصان و مست

آشفته گیسو غزل خوان و بربط زنان عالمی محو او (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3

0x5B76E

مفاعیلن فعولن مفاعیلن فعولن فعولن فَعَل

(1011011011101101110) (دلارایی دلارا دلارایی دلارا دلارا دلا)

از آن روزی که رفتی فراموشت نمودم بلافاصله

و با اندوه و گریه هم آغوشت نمودم بلافاصله (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۲۹)

0x5CE73

مستفعلتن مستفعلتن مستفعلتن مستفعلت

(1011100111001110011) (شیرین شکری شیرین شکری شیرین شکری شیرین شکر)

آمد به گلستان مست ز ساغر جامه دران دلدار من

مطرب دف و بربط زن بده ساقی رطل گرانم تا سحر (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن» 0x13/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❋ : ۲۸۰)

0x5D294

وزن فرعی

متفاعلن متفاعلن متفاعلن مستفعلن

(1011-10100-10100-10100) (مهِ دل بیا مهِ دل بیا مهِ دل بیا مهدل بیا)

به حریم خلوت تو شبی//چه شود زنم من ساغری

به کنار تو بنشینم و// چه لبی بگیرم، ای پری (ابوالحسنی بر اساس شعر هاتف)

- عضو خانواده « متفاعلن ❋۴» . طبق قاعده اضمار عرب که رکن متفاعلن (10100) به مستفعلن (1011) تبدیل می‌شود . بنگرید به (نجفی❋ :۲۴۱)

0x5DDDD

فاعلاتن ❋ ۴ فاعلن

(1011101110111011101) (دلبرم شد دلبرم شد دلبرم شد دلبرم شد دلبرم)

رفتی امشب آسمان چشم من از گریه دریا می شود

در نگاهم بی تو دریای خزر از دور پیدا می شود (رضا عبداللهی) (دادگر:۱۰۴)

از شمال مشرقی ، نه از جنوب مغربی می سوخت برف

شعله تا سرگرم کار خویش شد نیزار، از آشوب چید (آسیه خویی) (دادگر:۹۷)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

0x65294

متفاعلن متفاعلن متفاعلن مُتَفاعِلْ

(110010100101001010100) (مهِ جان بتا مهِ جان بتا مهِ جان بتا مهِ جان بت)

سحری صبا به پیام او نکند دلم نفسی شاد

چه کنم خدا که به دلبران تو نداده ای دل پر مهر (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده* : ۳۱۴)

0x6739C

فعلیاتن *۳ فعلیا

(1100111001110011100) (مهِ دلهایی مهِ دلهایی مهِ دلهایی مهِ دلها)

گل من چندین منشین غمگین شام محنت به سرآمد

سر و دست افشان غم دل بنشان غمخوارت از سفر آمد (بیژن ترقی در پناهی ، ج۵ :۱۷۱) (طبیب‌زاده* : ۳۰۹)

گل زهرایی به شکوفایی زده امشب خیمه به گلشن

به صفا آمد به خدا آمد قدمش بر دیده‌ی روشن (جعفر رسول‌زاده در پناهی ، ج۵: ۱۶۹) (طبیب‌زاده* : ۳۰۸)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن» 0x1C/5
- «در این وزن شعری یافت نشد ، اما می‌توان آن را کاملا طبیعی دانست . چنانکه بیت زیر که از روی بیت توللی ساخته شده به همین وزن است :

چو ز سرمستی نگه آویزد // به دلم از سایه‌ی مژگان

چمنی گردم که سحرگاهان// شکفد از ریزش باران » (نجفی* :۳۰۱) {اصل شعر توللی یک «ها» در انتهای هر بیت اضافه داشت.}

0x679F3

لاتن فعلاتن فع‌لاتن فعلاتن //لاتن فعلاتن

(110011//1100111110011) (جانی مهِ جانی مهجانی مهِ جانی// جانی مهِ جانی)

از دوست پیام آمد کاراسته کن کار// این است شریعت ◀

مهر دل پیش آر و فضول از ره بردار//این است طریقت

«سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر به کوشش سعید نفیسی،۱۳۳۴، ص۱۱۱ »

- قالب ادبی این وزن مستزاد است
- عضو خانواده « لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن //لاتن فعلاتن» 0xCF333

0x67F39

مفتعلاتن مفتعلاتن مفتع‌لاتن مفتعلاتن

(11001111111100111001) (دلبرِ زیبا دلبرِ زیبا دلبر، زیبا دلبرِ زیبا)

سلسله جنبان ، سلسله جنبان ، گشت برادر این دل مجنون

چون بِنَشورد چون بِنَشورد آن مجنون کش شد سرِ ماهش ◀ (مولانا) (پناهی ، ج۲: ۱۰۲)

0x6AAAA

مفاعلن ٭۴ مفاعل

(1101010101010101010) (بیا بتا بیا بتا بیا بتا بیا بتا بیا بت)

بنفشه ها و لاله چیده اند جمله کودکان به زنبیل

که تا کنند عرضه بر مسافرانِ روزهای تعطیل (ایرج کابلی) (کابلی:۱۳۷)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2

0x6D6B5

مستفاعلُن مستفاعلُن مستفاعلُن مستفاعلْ

(1101101011010110101)   (دل‌ربا بتی دل‌ربا بتی دل‌ربا بتی دل‌ربا بت)

بلبلم شبی بشکنم قفس را و پر زنم سوی جانان

مست او شوم بوسه‌ها زنم عاشقانه بر روی جانان (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُن» 0x15/5
- وزن ذکر شده بدون شاهد در (طبیب‌زاده❊ : ۲۸۶)
- بیت ساخته شده بر اساس :

بشکنم قفس را و پر زنم سوی دوست

بوسه‌ها زنم عاشقانه بر روی دوست (مهدی الهی قمشه‌ای در پناهی ، ج۴ :۲۹) (طبیب‌زاده❊ :۲۸۵)

- می‌توان به شکل دوری از این وزن استفاده کرد : {بر اساس شعر قاآنی سروده شده است (یارکی مراست...)}

یارکی مراست //رند و بذله گو// طره‌اش عبیر //تن حریر

خوب و خوش سرشت //طلعتش بهشت// شوخ و دلربا//رخ بهار (ابوالحسنی)

0x6DB6D

(1101101101101101101)   فاعلن ❊۵+ فا – ({شد بتم}❊۵ + شد)

هجرت سنگ را از جوار کف پای خود می شنیدم

(سهراب سپهری، متن قدیم شب) (سپهری:۴۳۶)   (شعر نیمایی)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0x6DEDB

مستفعلن فاعلاتن فعولن //مستفعلن فاعلاتن

(مهتاب مهتاب مهتاب//مهتاب مهتاب)

(11011011//11011011011) (یارا بیارا بیارا بیارا// یارا بیارا بیارا)

یک روز اگر ریختم همچو باران // هر سوی باغ بهاران

امروز باید بسوزم چنان برق // در اشتیاق بهاران (سیروس شمیسا) (دادگر:۱۵۹)

0x6EEEE

(1101110111011101110) مفاعیلن ❊۴ مفاعیلْ- ({پریسایی}❊۴ پریسا)

تو را من چشم در راهم شباهنگام

که می گیرند در شاخ تلاجن سایه ها رنگ سیاهی ▶

(نیما یوشیج ،تو را من چشم در راهم، ۱۳۳۶) (نیما یوشیج :۶۳۳)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

0x739FC

فعلیاتن فع‌لیاتن فعلیاتن فعلیاتن

(11100-11100-1111-11100) (مهِ دل آمد مهدل آمد مهِ دل آمد مهِ دل آمد)

همه شب با یاد مه رویی[1]/به دل و جان تاب و تبی دارم ▶

چه خبر آن سلسله گیسو را//که پریشان روز و شبی دارم (مهرداد اوستا) (نجفی❊ :۲۰۰)

- عضو خانواده « فعلیاتن ❊ ۴»

---

۱ «در این مصراع شاعر در یک موضع واحد (یعنی در هجای دوم در گروه واژبست«یادِ») به طور هم‌زمان هم از ضرورت شعری و هم از اختیار تسکین بهره برده است» (طبیب‌زاده* : ۳۰۹)

0x75AD6

مفاعیلتن ۳* مفاعیلت

(1110101101011010110) (نگارا بتا نگارا بتا نگارا بتا نگارا بت)

ز کوی بلاکشان آمدم بگو رفته‌ای کجا ساقی

در میکده چرا بسته ای که غم می‌کشد مرا ساقی

(بیژن ترقی در پناهی ، ج۵: ۱۰۹) (طبیب‌زاده* : ۳۰۶)

- عضو بحر دودویی « مَفاعیلَتُن » 0x16/5

0x76DB6

(فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن فَ)

فعولن ۶* + فع

(1110110110110110110) ({تو ماهی}۶* + تو)

شبی مست می سوی ابعاد پنهان گلها دویدم من

چو بلبل غزلها سرودم چو در برگ گلها رسیدم من (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3

0x77BDE

مَفاعیلاتُن ۳* مفاعیلا

(1110-11110-11110-11110) (نگارینم شد نگارینم شد نگارینم شد نگارینم)

چرا امشب مسجد کوفه ساکت و آرام است و خاموش است

چرا امشب زینب کبرا در غم و آلام است و خاموش است (محمد علی مردانی) (وحیدیان‌کامیار*: ۷۱۳)

بیا مادر از حرم بیرون سرو بستانت می‌رود میدان

کفن بنما بر تن قاسم مونس جانت می‌رود میدان (خاشع در پناهی ، ج۵: ۲۵) (طبیب‌زاده* : ۲۹۹)

- عضو بحر دودویی « مفاعیلاتن» 0x1E/5

0x7AF2B

فعلن مفاعلن فعلاتن فعلن مفاعلن فعلاتن

(111101011-1100101011) (جانی بیا بیا مهِ جانی جانی بیا بیا مهجانی)

اما کسی که در سحر خون//از ریز ریز باران آمد

امشب چرا گرفته‌تر از ماه//با گیسوی پریشان آمد (سیروس شمیسا) (نجفی❋ :۳۰۲)

- فرزند (فعلن مفاعلن فعلاتن //فعلن مفاعلن فعلاتن)

0x7BBBB

مستفعلُن مستفعلُن مستفعلُن مُسْتَفْعِلْ

(1111011101110111011) (مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه‌رو بتی مه‌رو بت)

آمد نگارینم شبی در خانه ام ساغر به کف رقصنده

از رنگ او از عطر بی مانند او هر بوستان پر خنده (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4

0x7FFFF

(19//1) ؟

گر می پرسیدم هر روزت زآن ننگین نیرنگی کاو را در کاراست

بی شک بس راحت تر بودم اکنون که م دیگر فرصت رفته‌ست از دست (ایرج کابلی) (کابلی:۱۴۹)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1

بیست هجایی

کمترین کد	بیشترین کد	تعداد کد ممکن
0x80000	0xFFFFF	۵۲۴۲۸۸

- «شعر بیست هجایی بلند ترین مصراع شعر سنتی فارسی است . » (مدرسی❊:۴۱)

0x84210

فَعِلَتَتُن ❊۴ - (مهِ شبِ من)❊۴

(4//10000) (بنگذرم)❊۴

شکرک از آن// دو لبک تو //بچنم اگر// تو یله کنی

به سرک تو //که بزنمت// به پدر اگر// تو گله کنی (عنصری) (المعجم ، شمیسا: ۱۱۳)

- عضو بحر دودویی «فَ» 0x0/1
- «این یگانه نمونه بر این وزن است و به قول فرزاد:«نمونه تصنع مفرط در عروض فارسی است» (ص۶۴۶). به قول المعجم :«متکلفی خاطر را رنجانیده است و قریحت را تراشیده» و این بیت را گفته است .(المعجم،ص۲)» (نجفی❊ : ۲۶۶)
- وزن نامتعارف (بیش از دو هجای کوتاه متوالی)

0x94A52 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x94A52-0//20 حالت غیر دوری

(4*10100) مفاعلتن ❊۴ – (بتی شکری)❊۴

درآمده یار ، جامه دران و مست شراب و چنگ زنان

ستاره ببین شبم شده روشن از مهِ رویِ زهره‌ی جان(ابوالحسنی)

0x94A52-5//5//5//5 حالت دوری

(4//10010) مفاعلتن //۴ – (بتی شکری)//۴

سحر اثری// ز طلعت او// شبم نفسی// ز عنبر او

مرا غم او// چو زنده کند// چگونه شوم //ز منظر او (مولانا) (نجفی❋ :۲۴۸)

تن و دل ما//مسخّر او// که می‌نپرد//به جز بر او

عجب خبری// که می‌دهدم//دم و غم او//کر و فر او (مولانا) (نجفی❋ :۲۴۸)

یکی طلبم که جان مرا ز خود برهاند او ز کرم

ز روی صفا برای خدا به تیغ جفا زند به سرم (ادیب نیشابوری) (نجفی❋ :۲۴۸)

بیا بشنو کلام خدا ، ز کلام علی ، به نام علی

زبان علی زبان خدا ، کلام خدا کلام علی (جلال الدین همایی ، شاه‌حسینی: ۶۴)

چه شد صنما که سوی کسی به چشم رضا نمی نگری

ز رسم جفا نمی گذری طریق وفا نمی سپری

(عروض سیفی، شجره‌العروض، رساله عروض جامی) (نجفی❋ :۲۴۸)

تو مهر و مهی تو حور و پری و یا ملکی و یا بشری

که خیره شود ز نور رخت به گاه نظر بتا بصرم (وحید تبریزی ، قوائم العروض: برگ ۱۰)

- عضو بحر دودویی « مفاعلتن» 0x12/5
- بیت شاهد از مولانا (تن و دل ما...) در اصل از غزلی ملمع برگرفته شده است ومصرع‌های دوم از این غزل است. بنگرید به : (نجفی❋ :۴۳۱)

0x94E53

(2//1001010011) (مستفعلتن مفاعلتن) //۲ – (او دلبرکم تو دلبرکم)//۲

من جرم زمین شکافته ام// زان سوی سپهر سر زده ام

مرغی شده ام عظیم و عجب // بر اوج کبود پر زده ام

با پیکر بی نهایت خود// با فرّ و شکوه و هیبت خود

تا دور شود ستاره زِ رَه // فریادِ «حذر حذر» زده ام (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۷) ۶۲/۱۱

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن مفاعلتن» 0x253/10

0x95254

(متفاعلن مفاعلتن) // ۲- (صنما بیا بیا صنما)//۲

(2//1001010100) (چه بتی بتی بتی چه بتی)//۲

نه که تشنۀ شراب توئیم// نه که خستۀ خراب توئیم

چه شود به ما نظری کنی// سوی خاک ما گذری کنی (فیض کاشانی)

(کلیات اشعار فیض کاشانی ، ناشر: کتابخانه سنائی ، ۱۳۵۴ ، ص ۴۱۰)

ز ملال شب اگر چه بسی//دل عاشق است چون قفسی

سر چاه آسمان چو رسی//سختی بدین بهانه مگو (بهمن صالحی در پناهی ، ج۵: ۱۹۶) (طبیب‌زاده* : ۳۰۴)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن مفاعلتن» 0x254/10
- این وزن می‌تواند عضو خانواده «متفاعلن*۴» باشد مثل مطلع شاهد فیض کاشانی :

به خرامشی چه شود اگر سوی عاشقان گذری کنی

به نوازشی چه زیان دهد بمنتظران نظری کنی

0x9CE73 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x9CE73-0//20 حالت غیر دوری

(4*10011) مستفعلتن * ۴ – (شد او مهِ جان)*۴

آمد به گلستان مست ز ساغر جامه دران آن دلبرک

مطرب دف و بربط زن بده ساقی رطل گرانم تا به سحر (ابوالحسنی)

0x9CE73-5//5//5//5 حالت دوری

(4//10011) مستفعلتن // ۴ – (شد او مهِ جان)//۴

تا چند کشم// آزار جهان// ای جان جهان// بر من نظری

در من بنگر//گر می نگری// بر من بگذر // گر می گذری (امیری فیروزکوهی) (وحیدیان‌کامیار*: ۷۱۴)

ای عشق بیا// کارام دلی // ای عقل برو// اینجا خجلی

ای شور جنون //شیرین عسلی// چون بلبل باغ// این نغمه سرا (الهی قمشه‌ای)

(دیوان الهی قمشه‌ای ، نشر روزنه ، ۱۳۷۷، ص ۵۱۸)

ای مونس جان // ای قبله‌ی عشق// ای آیت لطف// ای دلبر من
آرام دلم// گنج گهرم //نور بصرم// تاج سرمن (رعدی آذرخشی) (پناهی، ج۲: ۲۰۲) (غزل کامل)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن» 0x13/5

0xA4A94
متفاعلن متفاعلن //مفاعلتن متفاعلن
(1010010010101001010100) (صنما بیا صنما بیا //بیا صنما صنما بیا)

به خرامشی //چه شود اگر// سُوی عاشقان //گذری کنی
به نوازشی //چه زیان دهد// به منتظران// نظری کنی ◀
(کلیات اشعار مولانا فیض کاشانی ، با تصحیح محمد پیمان ، چاپخانه احمدی ، چاپ ۲، ۱۳۶۶، ص ۴۱۰)

0xA5294 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xA5294-0//20 حالت غیر دوری
(10100-10100-10100-10100) متفاعلن ۴❊ - (صنما بیا)۴❊

خجل از لباس غرور شو به تجرد از همه عور شو
که نشد هوس به هزار جامه کفیل پوشش سوزنی (بیدل)
(دیوان بیدل دهلوی به تصحیح اکبر بهداروند، انتشارات نگاه ،۱۳۸۰، ص ۱۳۶۳)

0xA5294-10//10 حالت دوری
(2//10100-10100) متفاعلن متفاعلن //۲- (صنما بیا صنما بیا)۲❊

به کرشمه‌ای چه شود که در//من بی‌نوا نظر کنی
به نوازشی به دو ساعدم//مه در قبا کمری کنی(برهان سمرقندی، عراضه) (نجفی❊ :۲۳۵)
دل و جـان فـدای نگاه او// چـو بـرای کـشــتــن چـون منی
نگرد به سوی من و سخن// به کرشمه با دگری کند (امیر خسرو دهلوی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۷۱۴)

ز کمند زلف تو هر شکن //گرهی فکَنَد به کار من
به گره گشایی زلف خود // که زکار من گرهی گشا (جامی) (شمیسا❋ : ۱۱۳)
به حریم خلوت خود شبی// چه شود نهفته بخوانیم
به کنار من بنشینی و //به کنار خود بنشانیم (هاتف اصفهانی) (نجفی❋ :۲۳۶)
چه شود به چهره ی زرد من// نظری برای خدا کنی
که اگر کنی همه درد من //به یکی نظاره دوا کنی(هاتف اصفهانی) (نجفی❋ :۲۳۶)
به تو ای شکوفه ی آتشین// لب یار عشوه فروش من
می تلخ من به عتاب شو //نشوی به بوسه چو نوش من (اسماعیل خویی) (نجفی❋ :۲۳۶)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن» 0x14/5
- «بیدل بر این وزن ۵۶ غزل دارد (مهدی کمالی، ص۱۲۱)» (نجفی❋ :۲۳۷)

0xA6A9A

(2//1010011010) (مفاعلتن متفاعلن)❋۲ –(گلم گلم من که گلم گلم)❋۲

- اگر هر بیت اشعار زیر را یک مصراع در نظر بگیریم، این وزن به دست می‌آید:

مگر تو باران نوازشی
که خواب در پنجره می‌کنی
کنار هر خاطره‌ای مرا
ترانه در حنجره می‌کنی (سیروس شمیسا) (نجفی❋ : ۳۸۳)

0xAAAAA

(10*10) مفاعلن ❋ ۵- (بیا بتا)❋۵

بنفشه ها و پامچال را به دست کودکان سپرده اند
و جمله را برای عرضه پیش راهیان جمعه برده اند (ایرج کابلی) (کابلی:۱۳۸)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2

0xACAB2

(2//1010110010) (مفاعلتن مستفاعلن) //۲- (بیا شکرینا بیا بیا)//۲

برآمده از آبنوس و شب// توهم بودا نشان من

گشوده دو بازو به دعوتم //ربوده مرا از جهان من (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۷) ۶۲/۵

تمام دلم دوست داردت//تمام تنم خواستار توست

بیا و به چشمم قدم گذار// که این همه در انتظار توست (سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۱۴۹)

- عضو بحر دودویی 0x32/6 («مفاعلُ فعلن»)
- عضو بحر دودویی 0xB2/8 («مفاعلتن فاعلن» « علن فعلاتن مَفا»)
- «شاهدی برای چنین وزنی یافت نشده است» (نجفی* :۳۴۹)

0xACEB3

(2//1010110011) مستفعلتن مستفاعلن //۲ –(جانی همه جانی بیا بیا)//۲

ای چشم مرا روشنی ز تو//مانند نگه در نظر بیا

تا چند بمانم در انتظار//همچون خبر خوش ز در بیا (محمد قهرمان) (نجفی* :۳۵۰)

با آن‌که پس از سال‌ها فراق//بنشاند قضا در برِ منش

بخشید به من جان و پس گرفت//دیر آمدن و زود رفتنش (محمد قهرمان در پناهی ، ج۴: ۸۶) (طبیب‌زاده* : ۳۶۵)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن مستفاعلن» 0x2B3/10

0xAD6B5 دارای دو حالت وزن دوری و غیر دوری

0xAD6B5-0//20 حالت غیر دوری

(4*10101) مستفاعلن * ۴

بلبلم شبی بشکنم قفس را و پر زنم سوی سرخِ گل

مست او شوم بوسه‌ها زنم عاشقانه بر روی سرخِ گل (ابوالحسنی)

- بیت ساخته شده بر اساس :

بشکنم قفس را و پر زنم سوی دوست
بوسه‌ها زنم عاشقانه بر روی دوست (مهدی الهی قمشه‌ای در پناهی ، ج۴ :۲۹) (طبیب‌زاده‌* :۲۸۵)

0xAD6B5-5//5//5//5حالت دوری

(4//10101) مستفاعلن // ۴- (جانِ جانِ جان)//۴

بر در تو من// رو به خاک عجز// ناله می کنم //کای اله من
جرم کرده ام// ظلم کرده ام //پرده ای بپوش// بر گناه من (فیض کاشانی) (نجفی* : ۲۲۶)
همچو آینه‌ست//چهره‌یِ جهان//ننگری در آن // جز لقای او
یا بود جهان//همچو یک دهان//نشنوی از آن//جز ثنای او (ابولقاسم حالت) (پناهی ، ج۲: ۱۰۶)

0xAD6B5-10//10حالت دوری

(2//1010110101) فاعلن فعولن مفاعلن//۲ – مستفاعلُن مستفاعلُن//۲

هر که را که بخت دیده می دهد// در رخ تو بیننده می کند
وان که می کند سیر صورتت وصف آفریننده می کند (فروغی بسطامی) (پناهی ، ج۲: ۱۰۵)
آن پری چو از بهر دلبری //زلف عنبرین شانه می‌کند
در جهان هر آن دل که بنگری //بی‌قرار و دیوانه می‌کند (فرخی یزدی) (نجفی* :۲۲۶)
باز می رود بر زبان من// قصه‌های جانسوز عاشقان
گریه های مستانه می کند //دل ز داغ جانسوز عاشقان (عباس باقری) (دادگر:۳۰۸)

- عضو بحر دودویی « مستفاعلُن» 0x15/5

0xAEB2B

لاتن مفاعلن فعلاتن مفاعلن// لاتن مفاعلن

(10101110101100101011) — (جانی بیا بیا مهِ جانی بیا بیا // جانی بیا بیا)

خواهم به سینما روم و از پی بلیط // وقتم شود تلف

زیرا کشیده‌اند گروهی به پشت هم // در پیش باجه صف

(ابولقاسم حالت ، شعر صف) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۴۸۹)

0xB2ACA

مفاعلن فعلاتن مفا//۲

(2//1011001010) (بیا بیا شکرینا بیا)//۲

شبی که پشت غزل‌های من//چراغ صاعقه روشن شود

دوباره وهم خزان دیده‌ام//دچار وهم شکفتن شود (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی* :۳۳۳)

نگاه گرم حقایق فسرد//بهار را به شقایق سپرد

سکوت ابر به حسرت گذشت//صدای پای خزان را شنود

(سپیده سامانی در پناهی ، ج۳: ۱۵) (طبیب‌زاده* : ۳۵۷)

- عضو بحر دودویی « مفاعلن فعلاتن» 0xCA/8

0xB2B2B

مستفعلن مفاعلُ مستفعلن مفاعلُ مستفعلن

لاتن مفاعلن فَعَلاتن مفاعلن فَعَلاتن مفا

(1011-00101011-00101011) (جانا بتانِ دلبرِ جانا بتانِ دلبرِ جانا بتا)

تا کی بُوَم به اندُهُ تیمارِ عشقِ آن بتِ نامهربان (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۷)

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)

0xB52D4

فعلاتُ فاعلاتن فعل//۲

تعلن مفاعلن مفتعل//۲

(1011/0101/0010/1101/0100) (مهِ جان شبی بتم شو مها//۲)

دل من ربوده ای ، ای صنم

غم من فزوده ای ، ای صنم (ادیب طوسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۶۴۵)

- اگر هر مصرع را یک پاره در نظر بگیریم وزن فوق حاصل می‌شود

0xB6B6B

مستفعلن مفاعیلُ مستفعلن مفاعیلُ مستفعلن

(1011-01101011-01101011) (جانا بتانِ دلدارِ جانا بتانِ دلدارِ جانا بتا)

سرو سهی به بالا و رخ سیب و سیم دندان { و } لب ناردان (معیارالاشعار ، فشارکی: ۸۷)

- عضو بحر دودویی 0x6B/8 («مستفعلن مفاعیلُ»)

0xB6DB6

(101101101101101110) فعولن * ۶ فَعَل – ({بزن دف}*۶ + بزن)

دل آبیم را شکستی تو در آخرین روز سرد خزان

به دنبال تو من به گریه دویدم مرو در کنارم بمان (رضا عبدللهی) (دادگر:۴۴)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3

0xBBBBB

(5*1011) مستفعلن*۵ – (مه‌رو بتی)*۵

جاری شدی بی زمزمه چون خواهشی بی وسوسه در متن من

پیدا شدی بی دغدغه چون تابشی بی شعشعه در بطن من (آسیه خویی) (مرجع ؟؟)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4

0xC9CE4

فعلن فعلاتن مفتعلن فعلن فعلن فعلاتن

(11001001110011100100) (شکرا شکرا جانا شکرا جانا شکرا شکرا جان)

بر و روی تو کوکب ، کاکل تو شب ، خط سیاه تو شامی ▶

دل ما شده صید تو ، خال تو دانه و موی دراز تو دامی (تحفه الهند : ۱۹۵)

0xCAF2B

(لاتن مفاعلن فعلاتن) // ۲ - (مستفعلن مفاعلُ مستف) //۲

(2//1100101011) (جانی بتی بتی مهِ جانی)//۲

می رقصد از نشاط ِ بهاری//سبزینه در بلورِ نگاهم

می جوشد از طراوت جاری//خون در رگان سرخ و سیاهم (سیمین بهبهانی) (نجفی☸ :۳۰۱) ۶۶/۱۲

الماس قطره قطره شمردم در دکه‌ی کتاب فروشی

پرداختم بهای کتابی مشحون ز آیه‌های خموشی(سیمین بهبهانی) (آقاجانی :۱۴۴)

باغ خزانی توام ای یار//که بی‌تو برگ و بار ندارد

وقتی تو نیستی گل سرخم//تقویم من بهار ندارد (حسین منزوی) (نجفی☸ : ۳۰۱)

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)

0xCCF33

(مستفعلُ مستفعلُ مستف)//۲

(2//110011001) (جانی مهِ جانی مهِ جانی)//۲

هر چند که در فاصله‌ای دور // وامانده و دل‌خسته‌ترینم

همواره تو را چشم به راهم // یا ضامن آهو نظری کن

(علی اصغر موسوی در پناهی ، ج۵: ۱۲۶) (طبیب‌زاده☸ : ۲۵۳)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُ » 0x3/4

0xCE739 دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xCE739-0//20 حالت غیر دوری

(4*11001) مفتعلاتن ❋۴ – (آن مهِ جان کو)❋۴

جامه دران آمد سحری سرمست ز می دلدار هوسناک

صومعه شد از نرگس چشمش میکده‌ای پر، از دف و بربط (ابوالحسنی)

0xCE739-5//5//5//5 حالت دوری

(4//11001) مفتعلاتن //۴ – (آن مهِ جان کو)//۴

آینه‌ام من// آینه‌ام من //تا که بدیدم // روی چو ماهش

چشم جهانم // چشم جهانم // تا که بدیدم //چشم سیاهش (مولانا) (پناهی ، ج۲: ۱۰۱)

آتش آهم//زآتشِ رویت//سیلِ سرشکم//بی مهِ رویت

این ز درون زد//شعله به گردون//وآن ز برون شد// تا به ثریا (محتشم کاشانی) (پناهی ، ج۲: ۱۰۱)

دوریِ بَزمَت // در غم و شادی//گر کند این می //قسمت جانم

صبح نخندد//بر رخِ روزم//شمع نگرید//بر سر شامم (بیدل) (نجفی❋ :۲۰۳)

باز چو مستان //از سر دستان //رفته به بستان// بلبل محرم

نغمه سرایان //رقص نمایان //خرم و خندان //خوش‌دل و بی‌غم (ابن حسام) (نجفی❋ :۲۰۳)

تا که چو طاووس// از درم آمد // یکسره گل کرد // باغ امیدم

زلف سیاهش // شام وصالم // روی چو ماهش // بخت سپیدم (مهدی سهیلی) (وحیدیان‌کامیار❋: ۶۲۳)

نوش لبانت// مایه‌ی جانم// خال سیاهت// نافه و عنبر

چین جبینت// موجه‌ی کوثر// طره و خطت// سنبل و کافر (تحفه الهند : ۱۷۳)

0xCE739-10//10 حالت دوری

(2//1100111001) مفتعلاتن مفتعلاتن //۲ – (آن مهِ جان کو آن مهِ جان کو)//۲

بی رخ خوبت زار و نزارم //بهر خدا بنما رخِ مهوش

خوار و خرابم با تب و تابم// جام شرابم ده بت می‌کش (تحفه الهند : ۱۷۳)

- عضو بحر دودویی « مفتعلاتن» 0x16/5

0xCEB3A

(2//1100111010) مفاعلاتن مفتعلاتن//۲ - (بیا نگارا جامه‌دران شو)//۲

بیا که ما را تاب صبوری//نماند بی روی تو نگارا

ز وصل خود خوش دار زمانی//چو می‌توانی خاطر ما را

دلی پر از خون بی گل رویی//تو سبزه خطّا غنچه مثالم

ز دست غم سر بر سر زانو//بنفشه وارم لاله عذارا (لطف الله نیشابوری در پناهی ، ج۵ :۱۸۳) (طبیب‌زاده* :۲۹۰)

- عضو بحر دودویی 0x33A/10 («مفاعلاتن مفتعلاتن »)

0xCF333

لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن //لاتن فعلاتن

(110011//11001100110011) (جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی// جانی مهِ جانی)

از دوست پیام آمد کاراسته کن کار// این است شریعت ▶

مهر دل پیش آر و فضول از ره بردار//این است طریقت

«سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر به کوشش سعید نفیسی،۱۳۳۴، ص۱۱۱ »

قد قدم از مخزن اسرار برآمد// چون گنج عیان شد

خود بود که خود بر سر بازار برآمد // بر خود نگران شد (عطار)

(دیوان عطار ، به کوشش بدیع الزمان فروزانفر ، ناشر: نخستین ، ۱۳۷۶ ، ص۳۰۱)

ای ریخته سودای تو خون دل ما را// بی هیچ گناهی

بنواز دمی خسته شمشیر جفا را// گاهی به نگاهی (کمال خجندی)

(دیوان کمال خجندی به کوشش احمد کرمی ، ص۱۰)

هر لحظه به شکلی بت عیار برآمد// دل برد و نهان شد

هر دم، به لباسی دگر آن یار برآمد// گه پیر و جوان شد (منسوب به مولانا)

(غزلیات شمس تبریزی ، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی ، نشر سحن ، ۱۳۸۷، غزل ۱۰۶۶)

این مجلس چارم به خدا ننگِ بشر بود// دیدی چه خبر بود؟!

هر کار که کردند، ضرر رویِ ضرر بود// دیدی چه خبر بود؟! (میرزاده عشقی) (مرجع ؟؟)

(دیوان عشقی و شرح حال شاعر به قلم علی اکبر سلیمی ، ص ۱۷۹)

این دود سیه فام که از بام وطن خاست// از ماست که بر ماست

وین شعله سوزان که برآمد ز چپ و راست// از ماست که بر ماست (بهار) (بهار: ۲۱۲)

- قالب ادبی این وزن مستزاد است .

0xD4F53

لن مفتعلن مفاعلن مف //۲ – مستفعل فاعلاتُ مستف//۲

(2//1101010011) (جانا شکرا بیا بیارا)//۲ ـ (ساقی بده آن شراب ساقی)//۲

از عشق تو آن‌چنان که دانی// دارم به دل آتش نهانی

پیرانه‌سرم فکنده در سر// سودای تو شور نوجوانی

(مظفر شیرازی در پناهی ، ج۴: ۱۷) (طبیب‌زاده* : ۳۴۸)

افسوس که نامه‌ام به خواری// افکند و درید و سوخت باری

شرمنده شدم ز قاصد آری// مکتوب مرا همین جواب است

(صحبت لاری در پناهی ، ج۴: ۱۸) (طبیب‌زاده* : ۳۴۸)

- عضو بحر دودویی 0x53/8 («مستفعلُ فاعلاتُ» « لن مفتعلن مفاعِ »)

0xD5555

فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ

(1101010101010101) (ماهتاب ماهتاب ماهتاب ماهتابا)

لش خوری اگر طبیعت است بهر کرکسان و نیز کفتار

نیست آنچه می خورند بعضِ اهلِ روزگار کم ز مردار (ایرج کابلی) (کابلی:۱۴۳)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2

0xD6B5A دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xD6B5A -0//20 حالت غیر دوری

(4*11010) مفاعلاتن *۴ – (بیا نگارا)*۴

درآمدی مستِ مست دلدارِ ماهرو در برم شبانه

به بوسه‌ای از لَبان سرخِ بسان گلهای او شدم مست (ابوالحسنی)

0xD6B5A -5//5//5//5 حالت دوری

(4//11010) مفاعلاتن //۴ – (بیا نگارا)//۴

زهی دو چشمت //به خون مردم //گشاده تیر و //کشیده خنجر

رخ چو ماهت //صباح دولت //خط سیاهت// شب معنبر (عصمت بخارایی)

(سال وفات ۸۴۰)(وحیدیان‌کامیار*: ۷۱۵)

ز سر عشقِ //تو بود الکن// زبان ارباب// شوق لیکن

ز بی زبانی // غم نهانی //چنان که دانی // شد آشکارا (جامی) (نجفی* :۲۱۱)

مخوان ز دیرم //به کعبه زاهد//که برده از کف//دل من آنجا

به ناله مطرب//به عشوه ساقی//به خنده ساغر//به گریه مینا (مشتاق اصفهانی) (نجفی* :۲۱۱)

صبا پیامی //ز مهربانی //رسان تو از من// بدان که دانی

که تا دهم جان// به مژدگانی // گَرَم از آن مه// خبر رسانی (فرصت شیرازی ، ماهیار:۱۷۹)

بگو به جمشید//بنال با درد//که گلشنت را //فلک خزان کرد

بگو به دار//از مصر برگرد//که نیل همت//سراب گردید(ادیب الممالک فراهانی) (نجفی* :۲۱۲)

کهن دیارا //دیار یارا //دل از تو کندم// ولی ندانم

که گر گریزم //کجا گریزم// وگر بمانم //کجا بمانم (نادرپور)

(مجموعه اشعار، انتشارات نگاه ، ۱۳۸۲ ، ص ۷۲۱)

- عضو بحر دودویی « مفاعلاتن» 0x1A/5

- «خالص در ضمن قصیده خود ، که ابیاتی از آن به نام صفای اصفهانی معروف شده است ، تصریح می کند که این وزن در ق ۶ رواج داشته است:

درین قصیده دعات گویم چنان که گوید ادیب صابر «کسی که بندد کمر به کینت میان مردان کمر نبندد»

«این وزن از عصر صفوی رواج داشته است چنان که در دیوان بیدل غزلی بدین وزن می توان یافت:

زهی چمن سازِ صبح فطرت ، تبیسم لعلِ مهرجویت ز بوی گل تا نوای بلبل فدای تمهید گفتگویت »

(شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰ :۹۷)

- حزین لاهیجی شعری بر این وزن دارد :

اگر چه صد سال// ز بی‌خودی‌ها// به خاک راهت //فتاده باشم

چو بازپرسی//حدیث منزل// ز شوق گویم//لَبِثتُ یوما

«خان آرزو» با بافتن دو رکن مفاعلاتن برای حذف سکته عروضی مصرع اول را به شکل زیر در می آورد:

اگر چه صد سال در ره خود// ز بی‌خودی‌ها// فتاده باشم (شمیسا ، ۱۳۹۰ :۹۹)

0xDAF6B

(2//1101101011) (مستفعلن فعولن فعولن) //۲ –(یارا بیا بیارا بیارا)//۲

منظومه‌ی بلند حیاتی ای عشق ای قصیده‌ی زیبا

شیواترین سروده‌ی دهری گویاترین حکایت دریا (فاطمه راکعی) (دادگر:۱۵۷)

حرفی نمانده تا که بگویم شعری نمانده تا که بخوانم

خواندم تمام قصه‌ی دل را گفتم حدیث سوز نهانم (هوروش نوایی) (دادگر:۱۵۷)

0xDB6DB

(مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولْ)

عولن فعولن فعولن فَعولن فعولن فعولن

(110110110110110110110) (دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلدارِ دلدار)

لعنت به دستی که آن پاره‌ی دیگرم را ز جانم جدا کرد

لعنت به آن کو دلم را به هجران او مبتلا کرد (گرمارودی) (نجفی❊ :۵۵)

- عضو بحر دودویی « مفعولُ » 0x3/3

0xDB76D

(2//1101101101) (فاعلن فاعلن فاعلن فا) //۲ - (گل بیا گل بیا گل بیا گل)//۲

این همه جام خامم منوشان // خون من در تن من مجوشان

روی زیبایت از من نپوشان // تا ببینم سوی ما سوی را (ادیب نیشابوری) (وحیدیان‌کامیار❊: ۷۱۴)

شهر منهای وقتی که هستی//حاصلش برزخ خشک و خالی

جمع آیینه‌ها ضرب در تو//بی عدد صفر بعد از زلالی(حسین منزوی) (نجفی❊ :۵۳)

گُر گرفت و به تدریج خم شد//پشت کبریت شعله‌ور ما

روسیاهی به جا ماند و افتاد//فتنه شور وشر از سر ما (حسن قریبی) (نجفی❊ :۵۳)

در شب و اشک و شیون رهانید باغ های مه آلود متروک

جنگل آهوان رمیده مانده در سلطه‌ی وحشی خوک (محمد شریف سعیدی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۷۱۳)

نی‌لبک می‌زند مثلِ هر شب//گوشه‌ای رویِ پل گاه و بی‌گاه
زیرِ سقفِ هلالِ دهانه//مردِ آواره همسایه‌ی ماه (اسماعیلی اراضی) (فیروزیان: ۸۱)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0xDDDDD

(5*1101) فاعلاتن ❊ ۵ – (دلبرم شد) ❊۵

عاقبت آری به دریاهای بی پایاب می آیی تن عریان
تا مگر همچون صدف قادر شوی خود را بپوشانی به دریا ▶
(آسیه خویی) (دادگر:۱۰۳)
مرغ آمین را بدان نامی که او را هست می خوانند مردم
(نیما ، مرغ آمین) (نیما یوشیج : ۶۰۷) (شعر نیمایی)
با دم پاییز عمرِ من، کنایت از بهار روی من زردی (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۹۰)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

0xDEF7B

(4//11011) مستفعلاتن//۴ – (جانی ز جانی) // ۴

دیشب رسیدی// از گرد غربت// با کوله‌باری// از مهربانی
رنجم بیفزود// جانم بکاهید// از بیم و امید دیده بانی (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی❊ :۲۵۸)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4
- عضو بحر دودویی « مستفعلاتن » 0x1B/5
- وزن مصرع اول دوری 5//5//5//5 و وزن مصرع دوم دوری 10//5//5 است.

0xE5394

(2//1110010100) (متفاعلن فعلیاتن) //۲ - (شکرا مها شکرا ماها) ❊۲

و نگاه کن به شتر آری //که چگونه ساخته شد باری

نه ز آب و گل که سرشتندش// ز سراب و حوصله پنداری

و سراب را همه می‌دانی// که چگونه دیده فریب آمد

و سراب هیچ نمی داند// که چگونه حوصله می آری

(سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۵) ۶۴/۲

0xE5795

(مستفاعلن فعلیاتن)// ۲ –(تن مفاعلن فعلاتن مف)//۲

(2//1110010101) (ماهِ ماه ماهِ چراغانی)//۲-(گلرخی بتی مهِ جان گلرخ)//۲

در سیاهی شب نومیدان //یک چراغ ساده نمی بینم

ماه ایستاده به بامی نه //شمع اوفتاده نمی بینم (سیمین بهبهانی) (محمدی: ۱۲۸)۶۲/۱۱

رفته ز عمر منی اما//رفته‌ها نگشته فراموشم

در سکوت این همه فریادم//چون نگاه نرم تو خاموشم (بهاء الدین خرمشاهی) (نجفی❊ :۳۱۳)

- عضو بحر دودویی 0x95/8 («تن مفاعلن فعلا» «فاعلن مفاعلتن»)

0xE6799

(2//1110011001) (مفتعلن مفتعلن مفتع)//۲ –(دلبرکا دلبرکا دلبر)//۲

باز نوشتم گل تنهایی// در سبد خاطره‌هایم رست

جلوه پرواز کبوتر را // از حرم سبز امیدم شست

(سوسن وکیلی(جزایری) در پناهی ، ج۴: ۴۹) (طبیب‌زاده❊ :۲۳۴)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4

0xE7333

لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن // لن مفتعلن مفتع

(جان شد مهِ جان شد مهِ جان شد مهِ جان//جان شد مهِ جان شد مه)

(1110011//1001100110011)

افسوس که عمر رفت بر بوک و مگر// توفیق خدا باشد

از رفته دگر چه سود امبار دگر // یابیم مراد دل

گرهست دلم شاد غمم نیست ازین// بر حکم قضا باشد ▶

کاصحاب خرد را بهمه حال نظر// در غی و رشاد دل ▶

(ابن یمین) (دیوان ابن یمین ، به تصحیح حسینعلی باستانی راد ، ناشر سنایی ، ۱۳۶۳، ص ۵۶۳)

- نوعی مستزاد رباعی است .

0xE7353

لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن // لن مفتعلن مفتع

(جان شد مهِ جان دلا دلا شد مهِ جان//جان شد مهِ جان شد مه)

(1110011//1001101010011)

افسوس که عمر رفت بر بوک و مگر// توفیق خدا باشد ▶

از رفته دگر چه سود امبار دگر // یابیم مراد دل ▶

گرهست دلم شاد غمم نیست ازین// بر حکم قضا باشد

کاصحاب خرد را بهمه حال نظر// در غی و رشاد دل

(ابن یمین) (دیوان ابن یمین ، به تصحیح حسینعلی باستانی راد ، ناشر سنایی ، ۱۳۶۳، ص ۵۶۳)

- نوعی مستزاد رباعی است .
- عضو خانواده « لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن // لن مفتعلن مفتع»

0xE739C دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xE739C -0//20 حالت غیر دوری

(4*11100) فعلیاتن ٭۴ - (مهِ دلهایی)٭۴

به دلم از جنبش فروردینِ پر از شادی و غزلخوانی

هوس دیدارِ رخِ آن طرفه نگارینِ چو پری آمد (ابوالحسنی)

0xE739C -10//10 حالت دوری

(4//11100) فعلیاتن //۴ - (مهِ دلهایی)//۴

نه بهار آمد// نه به سر شد دی// به فراق شه //شده عمرم طی

ز غمش گریم// فلکا تا کی// به کجا گردم// به که رو آرم (حیران) (پناهی، ج۲: ۱۹۲)

0xE739C -10//10 حالت دوری

(2//1110011100) فعلیاتن فعلیاتن //۲ - (مهِ دلهایی مهِ دلهایی)//۲

به دلم از جنبش فروردین// هوس آن طرفه نگار آمد

بزن ای مطرب بزن ای مطرب// که زمستان رفت و بهارآمد (مهدی حمیدی شیرازی) (نجفی٭ :۲۰۰)

چو ز سرمستی نگه آویزد // به دلم از سایه‌ی مژگان ها

چمنی گردم که سحرگاهان// شکفد از ریزش باران ها (فریدون توللی) (پناهی، ج۲: ۱۹۱)

همه شب با یاد مهِ رویی//به دل و جان تاب و تبی دارم

چه خبر آن سلسله گیسو را//که پریشان روز و شبی دارم (مهرداد اوستا) (نجفی٭ :۲۰۱)

چو به دام عشق تو افتادم //ز قیود و سلسله آزادم

نکنم خود را به جهان پابند //که به آزادی ز جهان زادم (عبدالحسین آیتی) (شمیسا٭ : ۹۷)

- عضو بحر دودویی « فعلیاتن» 0x1C/5

0xEAFAB

(2//1110101011) (مستفعلن مفاعلن مستف) //۲ - (جانی بتی بتی بتی جانی)//۲

در کوله بار غربتم یک دل // از روزهای واپسین مانده است

عباس های تشنه لب رفتند // لب تشنه مشکی بر زمین مانده است (علیرضا قزوه) (وحیدیان‌کامیار٭:۶۲۰)

- عضو بحر دودویی 0xAB/8 («مستفعلن مفاعلن»)

0xEB7AD

(2//1110101101) (فاعلاتن مفاعلن فعِلن) //۲ -(ای پریرو پری پریرویی)//۲

رنگ سال گذشته را دارد // همه‌ی لحظه های امسالم

سیصد و شصت و پنج حسرت را // همچنان می کشم به دنبالم (محمد علی بهمنی) (دادگر:۱۰۲)

گاهگاهی که بانوی شعرم // می شود کودک پری آباد

با عروسک ، و کیف خرگوشی // می رود مهد کودک شمشاد (زهرا باقری) (وحیدیان‌کامیار*: ۷۱۴)

(«بانوی » را به شکل مصوت بلند سریع بخوانید)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن مفاعلن » 0xAC/8

0xEDB6D

(111011011011011101) فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن فاعِل

فاعلن*۶ +فاعل

({دلبری}*۶+ دلبر)

مست می گر بیایی شبی در سرایم چراغان شود جانم

گر نیایی تو دانی که چون معبدی بی خدایان شود جانم (ابوالحسنی)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0xEEEEE

(5*1110) مفاعیلن * ۵ - (نگارینا)*۵

بهار گلشن امید سبزی نوخطی سرو سمنبر عنبرین مویی

که گم کرده ست جنت خویش را از نسبت گلزار کوی او ▶

(واله داغستانی ، شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۹ : ۵۵۳)

غزل از انتهای آسمان خواندیم و پاها تا کمر در خاک

به پا بودیم و سر کردیم ما چون درختی بی ثمر در خاک (حسن قریبی) (نجفی* :۷۸)

منم شاعر ، منم شاعر ، دلم روییده امشب در برت جنگل

که می خواهد بماند عاشقانه با دل خوش باورت جنگل (محمود لشکری) (دادگر:۴۴)

سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت ، سرها در گریبان است
کسی سر برنیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را (اخوان ثالث،زمستان)
(سر کوه بلند ، برگزیده اشعار اخوان ثالث ، انتشارات زمستان ، چاپ اول، بهار ۱۳۷۵ ، ص ۱۹)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

0xEEFBB
(مستفعلن مستفعلن مستف) //۲ -
(2//1110111011) (جانا بیا جانا بیا جانا)//۲

باور نمی کردم که آن زیبا// یک روز چون من پیر خواهد شد
نقش جوانی رنگ خواهد باخت // نقشی دگر تصویر خواهد شد (محمد قهرمان) (نجفی* :۱۱۳)
دورت به پایان تا رسد ای دوست//پیمانه عمرم تهی‌تر شد
چون شیشه عمرت به سنگ آمد//خون در دل مینا و ساغر شد (محمد قهرمان در پناهی ، ج۴:۹۹)
(طبیب‌زاده* : ۲۱۲)
دیگر برای دم زدن از عشق // باید زبانی دیگر اندیشید
باید کلام دیگری پرداخت //باید بیانی دیگر اندیشید (حسین منزوی) (نجفی* :۱۱۳)
با واژه‌ی «تو» می‌توان پر کرد//تصویرهای خشک و خالی را
با چشم‌هایت می‌توان آشفت//خوابِ عمیقِ بی‌خیالی را (اسماعیلی اراضی) (فیروزیان: ۸۲)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4

0xF3FCC وزن فرعی
فعلاتن فعلاتن فعِلاتن فعِلاتن فعلاتن فعِلن
(11110011111111001100) (مهِ جانی مهِ جانی مهجانی مهجانی مهِ جانی مهجان)

همه‌ی هستی من
آیه‌ی تاریکی‌ست
که ترا در خود تکرار کنان
به سحرگاه شکفتن ها و رستن های ابدی خواهد برد ▶
(فروغ فرخزاد ، تولدی دیگر) (مجموعه اشعار فروغ فرخزاد ، نشر نگاه ، چاپ اول ، ۱۳۸۲ ، ص ۱۹۱)

- عضو خانواده (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن)

0xFFFFF

(20*1)

نجاران افرا آوردند از جنگل تا تختی سازندش بس راحت

کاو شاید هم بتواند رویش تنها خوابد هر روزی چندین ساعت (ایرج کابلی) (کابلی:۱۴۹)

- عضو بحر دودویی «فَع» 0x1/1

بیست و یک هجایی

0x12B7AD وزن فرعی

فاعلاتن مفاعلن فعِلن - فاعلاتن مفاعلن فعلن

(10010101101//1110101101) (ماهِ جانی بیا بیا مهجان// ماهِ جانی بیا بیا مهِ جان)

کاش چشمت نظر به این قلبِ// در غم از پای اوفتاده کند ▶

رحمی از روی مهربانی خود//بر من مات صاف ساده کند (حسن باقری) (وحیدیان‌کامیار※:۶۲۴)

- عضو خانواده «(فعلاتن مفاعلن فعلا) // ۲ » با کد وزنی (0x2564AC)

0x13667C وزن فرعی

فعلاتن فعِلاتن فعلاتن فعلن // فاعلاتن فعلن

(10011011001100111100) (مهِ جانی مهجانی مهِ جانی مهِ جان// ماهِ جانی مهِ جان)

دل من خون شد درآرزوی فهم درست// ای جگر نوبت توست ▶

جان به لب آمد و نشنید کسم جان کلام//داد از دست عوام (بهار) (بهار: ۲۱۰)

- قالب ادبی این وزن یک مستزاد است .
- عضو خانواده (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن// فعلاتن فعلن) با کد وزنی (0x264CCC)

0x1366CD

(3//1001101) فاعلن مفتعلن//۳ – (دلبرم شد مهِ جان)//۳

ای جوانان وطن//نونهالان وطن//می‌رود جان وطن

دشمن از چار طرف//گرد ایران زده صف//ای پسرهای خلف

(اشرف الدین گیلانی در پناهی ، ج۵: ۱۲۸) (طبیب‌زاده※ : ۳۳۹)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4

0x139CE4

وزن فرعی

فعلن فعلن فعِلن فعلن فعِلن فعلن فعِلن فعلن

(مهِ جان مهِ جان مهجان مهِ جان مهجان مهِ جان مهجان مهِ جان)

(100111001110011100100)

منم آن که جدا شده بی سر و پا ، شده کوی به کوی ، ز جور شما

نه قرار و توانم مانده به جانم ، رو بنما ز برای خدا

بر روی تو چون گل ، موی تو سنبل ، خط تو آفت ،خال بلا

ز غم تو حزینم ، بی دل و دینم ، لاله رخا ،منْمای جفا (تحفه الهند : ۱۹۳)

(مصرع اول کد 0x924924 ، مصرع دو کد0x249CE4 ، مصرع سه و چهار 0x139CE4)

- عضو بحر دودویی « فعلن» 0x4/3
- عضو خانواده « فعلن ۸*»

0x155555

فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فا

(ماهتاب ماهتاب ماهتاب ماهتاب ماه)

(1)+10*(01)

نیش عقرب است برملا ، بترس و دورمان که نیش اگر زند

خاصِ طبعِ اوست این که غافلانِ بی خیال را بتر زند (ایرج کابلی) (کابلی:۱۴۳)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2

0x16DB6D

فاعلن ۷* – (دلبرا) ۷*

(7*101)

بعد ها در تب حصبه دستم به ابعاد پنهان گل ها رسید

(سهراب سپهری ،چشمان یک عبور) (سپهری:۴۴۵) (شعر نیمایی)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0x195959

مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فا

لن فعلاتن مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن

(11001)+2*(01011001) (آن مهِ جان گشت یار آن مهِ جان گشت یار آن مهِ جان گشت)

در ریه‌هایم وضوح بال تمام پرنده های جهان بود

(سهراب سپهری ،ای شور ای قدیم) (سپهری:۴۱۲) (شعر نیمایی)

- عضو بحر دودویی 0x59/8 («لن فعلاتن مفاعِ» «مفتعلن فاعلاتُ»)

0x1AAAAA

(1)+10*(10) مفاعلن ×۵ مف – (بتا بیا)×۵ بت

ز دشتِ گیل چیده اند پامچال های تازه را به زنبیل

که کودکان کنند عرضه بر مسافرانِ روزهای تعطیل (ایرج کابلی) (کابلی:۱۴۸)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2

0x1AF5EB

(3//1101011) (مستفعلن فعولن) ×۳ – (جانی نگارِ جانی)×۳

من گور آفتابم//من سایه حبابم//من نای بی‌صفیرم

من حرف بی‌جوابم//من چیستان خوابم//من شعله نفیرم

(حسین منزوی در پناهی ، ج۴: ۷۱) (طبیب‌زاده× :۳۸۶)

من آمدم که باشم //پیدا شدم که تنها //دنبال من نگردید

با گونیا و پرگار //در یک حساب بی جا// دنبال من نگردید (نغمه رضایی) (دادگر:۱۵۶)

آن کودک سه ساله //با روی همچو لاله//گفتا به آه و ناله

عمه بیا که امشب//مهمان برایم آمد //مهمان برایم آمد (محمد علی مردانی) (وحیدیان‌کامیار×:۶۲۴)

- عضو بحر دودویی 0x6B/7 («مستفعلن فعولن»)

0x1B6DB6

(7//110) فعولن ＊ ۷ – (بزن دف)＊۷

دل من گرفته بیا با دلم همسفر شو در این آشیانه

بخوان با نگاه قشنگت دل مهربان مرا عاشقانه (رضا عبداللهی) (دادگر:۲۸۵)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3

0x1B76ED

(3//1101101) فاعلن فاعلن فا＊۳ – (گل بیا گل بیا گل)＊۳

خواستم بار دیگر//در زمستان عمرم//آتشی برفروزم

غافل از آنکه باید//شمع صد آرزو را //پای تا سر بسوزم

تا نرنجد دل او//عقده را خون بنوشم//شکوه را لب بدوزم

وای کان صبح روشن//از دو صد شام تاریک//تیره‌تر کرد روزم (عماد خراسانی در پناهی ، ج۵: ۱۵۹)

(طبیب‌زاده＊ : ۱۹۲)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0x1BB6EE

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل//مفاعیل//مفاعیلن مفاعیل

(1101110//110//11011101110) پریرویی پریرویی پریرو//پریرو//پریرویی پریرو

چه نازی آمد آن یار یگانه//شبانه// شراری زد به خانه

گرفتم باده با چنگ و چغانه//مغانه//شدم رند زمانه (ابوالحسنی)

- پاره اول مصرع دوم از حافظ می‌باشد.
- نوحه زیر عروضی نیست ولی بسیار شبیه این وزن است :

چرا چون چنگ نخروشم کز ایام//واویلا// ترا در حجله کام

سرود ناله شد صوت اغانی//واویلا// واویلا صد واویلا (کلیات یغمای جندقی، چاپ افست ۱۳۳۲ ص ۳۰۲)

- با جابجایی های مختلف این سه پاره می‌توان وزن‌های جدیدی ساخت.

0x1BB76E

(3//1101110) مفاعیلن مفاعیل//۳ – (پریسایی پریسا)//۳

جهان ماتم گرفته//فضا را غم گرفته//دل عالم گرفته

بتاب ای مه که امشب//سیه پوشیده زینب//نه عون دارد نه جعفر (بی نام در پناهی ، ج۴: ۳۴) (طبیب‌زاده* : ۲۲۴)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

0x1DDDDD

(1)+5*(1101) فاعلاتن* ۵ فا – ({شد نگارم}*۵ شد)

آخـر فصـل زمسـتان بود و یکسـر هـر کجـا در زیر باران بود (نیما یوشیج، یاد ،۱۳۲۰) (نیمایی)

(نیما یوشیج : ۴۰۰)

ای که در خلوت سرای دردبار شاعری سرگشته داری جا (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۹۰)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

0x1FCCCD

(111111100110011001101)

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعِلاتن فعِلا

ماهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهجانی مهجان

قصّه کم می‌کند از رمز نهانی که از او خواهد شد شوریده (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۲)

بیست و دو هجایی

0x249CE4

فعلن فعلن فعِلن فعلن فعِلن فعلن فعلن فعلن

(مهِ جان مهِ جان مهجان مهِ جان مهجان مهِ جان مهِ جان مهِ جان) (1001001001110011100100)

منم آن که جدا شده بی سر و پا ، شده کوی به کوی ، زجور شما

نه قرار و توانم مانده به جانم ، رو بنما ز برای خدا

بر روی تو چون گل ، موی تو سنبل ، خط تو آفت ،خال بلا

ز غم تو حزینم ، بی دل و دینم ، لاله رخا ،منْمای جفا

(تحفه الهند : ۱۹۳) (مصرع اول کد 0x924924 ، مصرع دو کد0x249CE4 ، مصرع سه و چهار 0x139CE4)

- عضو خانواده « فعلن ۸*»

0x2564AC

(فعلاتن مفاعلن فعلا) // ۲ - (مه جانی بیا بیا مهِ جان) ۲* (2//10010101100)

رنگ سال گذشته را دارد //همه لحظه‌های امسالم

سیصد و شصت و پنج حسرت را//همچنان می‌کشم به دنبالم (محمد علی بهمنی در پناهی ، ج۴: ۶۱)

(طبیب‌زاده* : ۳۷۸)

کاش چشمت نظر به این قلبِ// در غم از پای اوفتاده کند

رحمی از روی مهربانی خود//بر من مات صاف ساده کند (حسن باقری) (وحیدیان‌کامیار*:۶۲۴)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن مفاعلن » 0xAC/8

0x264CCC

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن// فعلاتن فعلن

(1001100//100110011001100) (مه جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جان// مهِ جانی مهِ جان)

شکوه از چرخ ستمگر چه کنم گر نکنم//چه کنم گر نکنم

گله از گردش اختر چه کنم گر نکنم//چه کنم گر نکنم (یغمای جندقی)

(کلیات یغمای جندقی، چاپ افست ، تهران ، ۱۳۳۹،ص ۲۸۵)

کسوت عمر تو تا این خُم فیروزه نمون//العلی آورد به خون

گیتی از نیل عزا ساخت سیه معجر من//نوجوان اکبر من (یغمای جندقی)

(کلیات یغمای جندقی، چاپ افست ، تهران ، ۱۳۳۹،ص ۲۸۵)

از عوام است هرآن بد که رود بر اسلام//داد از دست عوام

کار اسلام ز غوغای عوام است تمام//داد از دست عوام...

غم دل با که بگویم که دلم خون نکند//غمم افزون نکند ◀

سر فرو برد به چاه و غم دل گفت، امام//داد از دست عوام (بهار) (بهار: ۲۱۰)

از خواص است هر آن بد که رود بر اشخاص//داد از دست خواص

کیست آن کس که ز بیداد خواص است خلاص//داد از دست خواص (بهار) (بهار: ۲۱۱)

- قالب ادبی این وزن ، مستزاد است .

0x264CCD وزن فرعی

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن// فعلاتن فعلن

(10011001001100110011001101) (ماهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جان// مهِ جانی مهِ جان)

شکوه از چرخ ستمگر چه کنم گر نکنم//چه کنم گر نکنم ◀

گله از گردش اختر چه کنم گر نکنم//چه کنم گر نکنم (یغمای جندقی)

(کلیات یغمای جندقی، چاپ افست ، تهران ، ۱۳۳۹: ۲۸۵)

- عضو خانواده (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن// فعلاتن فعلن) با کد وزنی (0x264CCC)

0x2664CC

(2//10011001100) (فعلاتن فعلاتن فعلا)//۲ – (مه جانی مهِ جانی مه جان)//۲

ای بر اوراق فنا میم ممات//غضبت را گره بر پیشانی
بانی عدلت اگر پوشاند//بر جهان خلعت آبادانی
(ولی دشت بیاض در پناهی ، ج۴: ۲۱) (طبیب‌زاده* : ۲۴۲)

باز تصمیم گرفتم بروم//بروم آخر پیدا نشدن
تو بمانی و همین پنجره‌ها//تو بمانی و همین وا نشدن ▶
(مهدی فرجی در پناهی ، ج۴: ۲۱) (طبیب‌زاده* : ۲۴۲)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4

0x26CCCC

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن // فاعلاتن فعلن

(1001101//100110011001100) (مه جانی مهِ جانی مه جانی مهِ جانی مه جان// ماه جانی مه جان)

می رسد خشک لب از شطّ فرات اکبر من//نوجوان اکبر من
سیلانی بکن ای چشمه‌ی چشمِ ترِ من//نوجوان اکبر من (یغمای جندقی) (مدرسی،۱۳۸۰ : ۱۶۳)

- قالب ادبی این وزن یک مستزاد است .
- عضو خانواده (فعلاتن فعلاتن فعلن// فعلاتن فعلن) با کد وزنی (0x264CCC)

0x26CCCD

وزن فرعی
فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن // فاعلاتن فعلن

(1001101//100110011001101) (ماهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مه جان// ماهِ جانی مهِ جان)

کسوت عمر تو تا این خُم فیروزه نمون//العلی آورد به خون
گیتی از نیل عزا ساخت سیه معجر من//نوجوان اکبر من (یغمای جندقی)
(کلیات یغمای جندقی، چاپ افست ، تهران ، ۲۸۵:۱۳۳۹)

- قالب ادبی این وزن ، مستزاد است .
- عضو خانواده (فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن// فعلاتن فعلن) با کد وزنی (0x264CCC)

0x2AAD55

(فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلن)//۲ –

(2//10101010101) (ماهتاب ماهتاب ماهتاب) // ۲

گیج روی صندلی لمیده ام//مثل این که قرنها پریده ام

در فضای پر مهی رسیده ام// نیست غیر از ابر و دود منظرم (سیروس شمیسا) (دادگر:۹۸)

همچنان که روی تو به چشم دل//در میانِ دلبران یگانه است

نام دل‌نشین تو به گوش جان//خوش‌ترین ترنم ترانه است

(محمد قهرمان در پناهی ، ج۴: ۷۳) (طبیب‌زاده* : ۲۷۲)

ابتدای کربلا مدینه نیست//ابتدای کربلا غدیر بود

ابرهای خون‌فشان نینوا//اشک‌های حضرت امیر بود (علیرضا قزوه) (نجفی* :۱۷۴)

- عضو بحر دودویی «فَعلُ» 0x1/2

0x2AD555

فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلن// فاعلاتُ فاعلن –

(1010101//101010101010101) (ماهتاب ماهتاب ماهتاب// ماهتاب ماهتاب)

روزهای آتشین و انتظار و انفجار //یادمان نرفته است

سینه های داغدار، نخلهای سربدار// یادمان نرفته است (آزاد عباسی) (وحیدیان‌کامیار*: ۷۱۷)

- با این تقطیع این وزن یک مستزاد است ، اما اگر آن را پیوسته بخوانیم و سکوت کشیده بعد از «انفجار» و «سربدار» نداشته باشیم کد 0x555555 تولید می شود .

0x2B2B2B

مستفعلن مفاعلُ مستفعلن مفاعلُ مستفعلن مفا

(لاتن مفاعلن فَعَلاتن مفاعلن فَعَلاتن مفاعلن)

(جانا بتانِ دلبرِ جانا بتانِ دلبرِ جانا بتانِ دل) (101011)+2*(00101011)

ای صوفیان سرخوش میخانه‌ی الست

ای لولیان مست به ایام کرده پشت ، به خیام کرده رو ▶ (اخوان ثالث) (کتاب زمستان ، شعر سرود پناهنده)

او ، در خیال ، خود را بیند

پنهان گریخته ست و رسیده به خانقاه ، ولی بسته است در ▶ (اخوان ثالث) (کتاب زمستان ، شعر سرود پناهنده)

جز جِنگ جِنگ لُختِ رکابش بر آهن سَگَک تَنگِ اسبِ او (احمد شاملو ، دشنه در دیس ، ص ۲۸) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۳۶)

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)

0x2CCD99

مفتعلن مفتعلن مفتعل//۲ —

(ای همه جان ای همه جان ای همه)//۲ (2//10110011001)

ای رمق جان رسول خدا//ای به دل خسته عالم سرور

ژرف‌ترین باور اندیشه‌ها//وصف مقام تو ز اندیشه دور

(ابراهیم حقی بستان آباد در پناهی ، ج۴: ۴۵) (طبیب‌زاده* : ۲۳۵)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4

0x2D55AA

وزن فرعی

(مفاعلن مفاعلن فاعلن) //۲ —

(چه دلبری چه دلبری دلبری)//۲

(بتا بیا بتا بیا نوبتا)//۲ (2//10110101010)

نه بر دلم که این نظر کاو نمود//به سنگ خاره هم اثر می‌کند

رهی ز نو بنا نهد هر نفس//چو این نشد ره دگر می‌کند (وقار شیرازی) (طبیب‌زاده* :۲۶۵)

قسم به روی ماهت ای نازنین//قسم به چشم مستت ای بی قرین
قسم به سرو قدت ای مه جبین//که دل به عشقت از ازل مبتلاست (الهی قمشه‌ای)
(دیوان الهی قمشه‌ای ، نشر روزنه ، ۱۳۷۷، ص۷۹)

- عضو خانواده « مفتعلن مفتعلن مفتعل//۲ » با کد وزنی (0x2CCD99)

0x2DB5B6

(فعولن فعولن فعولن فعول)//۲

(2//10110110110) (بزن دف بزن دف بزن دف بزن)//۲

چه می‌شد اگر می‌توانستم//جهان را به نیکی بیارایم
زمین را پر از دوستی سازم//زمان را ز دشمن بپیرایم (سیمین بهبهانی در پناهی ، ج۴: ۹۶) (طبیب‌زاده* : ۱۹۸)
دلم را به خورشید مهمان کنید//که در ظلمت بی‌خودی مرده است
به اندیشه‌ی خسته‌ام بنگرید//که از درد بی‌دردی افسرده است (پروین غلامی در پناهی ، ج۴: ۱۱۴) (طبیب‌زاده* : ۱۹۹)

- عضو بحر دودویی « فعولن» 0x6/3

0x2EDDDD

فاعلاتن فاعلاتن فاعلا// فاعلاتن فاعلا

(1011101//101110111011101) (ماهِ جانی ماهِ جانی ماهِ جان// ماهِ جانی ماهِ جان)

با شه ایران ز آزادی سخن گفتن خطاست//کار ایران با خداست
مذهب شاهنشه ایران ز مذهبها جداست//کار ایران با خداست(بهار) (بهار: ۲۱۴)
دوش می‌گفت این سخن دیوانه‌ای بی بازخواست// درد ایران بی‌دواست
عاقلی گفتا که از دیوانه بشنو حرف راست // درد ایران بی‌دواست (اشرف الدین نسیم شمال) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۴۹۱)
شد به کوه اندر گوزنی چون ز صیادان ستوه//سوی دشت آمد ز کوه
یافت تاکی گشن و زیر شاخ و برگش شد نهان // از خطرها در امان
باز پس خواندند صیادان سگان را سوی خویش//دل ز ناکامی پریش
چون گوزن آگاهی از برگشتن دشمن گرفت//تاک را خوردن گرفت (رشید یاسمی، قطعه گوزن و تاک) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۴۸۷)

- در قالب مستزاد

0x2EEDDD

فاعلاتن فاعلاتن فاعلا// ۲

(ماهِ جانی ماهِ جانی ماهِ جان)//۲ (2//10111011101)

آن زمان اندر زمین کربلا//می‌نمودی سر به سوی کبریا

هر زمان گفتی به زاری ای خدا//اکبر زارم به میدان می‌رود

(هجران در پناهی ، ج۴: ۱۱۲) (طبیب‌زاده* : ۲۲۰)

روی بوم زندگی تقدیر من//گاه‌گاهی نقش رویا می‌کشد

چشمه‌ای در پهنه‌گرم کویر//نقش یک درنای تنها می‌کشد

(سوسن وکیلی در پناهی ، ج۴: ۱۱۲) (طبیب‌زاده* : ۲۲۰)

- عضو بحر دودویی « فاعلاتُن» 0xC/4

0x324924

فعلن *۷ فَع – ({مهِ جان} *۷ مه) (1)+7*(100)

بر و روی تو کوکب و کاکل تو شب و خط سیاه تو شامی

دل ما شده صید تو خال تو دانه و موی دراز تو دامی (تحفه الهند : ۱۹۵)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0x36DB6D

فاعلن *۷ فا - ({شد بتم} *۷ شد) (1)+7*(101)

موی تو عنبرین روی تو یاسمین خوی تو آتشین ای پریرو

قامت تو سهی روی تو نوگلی دام تو سنبلی ای سمن بو

خط تو عنبری خال تو نافه ای روی صحرای چین ای جفاجو

قد تو آفتی کاکل تو بلا ساعد تو صفا ای بلا خو (تحفه الهند : ۱۸۸)

- عضو بحر دودویی « فاعلن» 0x5/3

0x3776EE

(مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل)//۲

(پریسایی پریسایی پریسا)//۲ (2//11011101110)

دلم می‌خواست چیزی گفته باشم//به لبخندی گرفت از من توان را

نه تنها من که لبخند ملیحش//به لکنت می‌کشاند هر زبان را (مسلم محبی در پناهی ، ج۴: ۷۱) (طبیب‌زاده* : ۲۲۵)

ز سودای جمالت بی‌قرارم //بکن رحمی دلارای مدینه

به یاد وصل تو جان می‌سپارم//نما رخ مهر و بیضای مدینه (دستان شاه کابلی در پناهی ، ج۴: ۷۱) (طبیب‌زاده* : ۲۲۶)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

0x395F2B

(لاتن مفاعلن فَعَلاتن مف)//۲- (مستفعلن مفاعلُ مستفعل)//۲

(جانا بیا بیا صنما جانا)//۲ - (جانی بتی بتی مهِ جانی بت)//۲ (2//11100101011)

از چشم‌های عشق چه می‌خواهید//ای ابرهای بغضی بارانی

بر گونه‌های دوست چه می‌بارید//ای اشک‌های طاغی طوفانی (حسین منزوی) (نجفی* :۳۰۱)

در چشم های شعله ورت آن روز//چیزی فرونشسته و سرکش بود

چیزی هم از قبیله‌ی خاکستر//چیزی هم از سلاله‌ی آتش بود (حسین منزوی) (فیروزیان: ۸۸)

خورشید سر برهنه برون آمد چون گوی آتشین و سراسر سوخت

آیینه‌های عرش ترک برداشت قلب هزار پاره‌ی حیدر سوخت (یدالله گودرزی ، وحیدیان‌کامیار*: ۷۱۷)

درمی‌گرفت گستره‌ی شب را //گیسوی دخترانِ سکوت و باد

لبریزِ عشق بود عروسِ ماه//در بازوانِ گرمِ شبِ خرداد (محمد سعید میرزایی) (فیروزیان: ۸۱)

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)

0x3BBBBB

(11)+(5*1011) مستفعلن * ۵ مستف – ({مه‌رو بتی} *۵، مه‌رو)

آنگاه زالی جغد و جادو می رسد از راه

قه‌قاه می خندد

وان بسته درها را نشانم می دهد با مهر و موم پنجه ی خونین ▶

(اخوان ثالث ، آنگاه پس از تندر) (از این اوستا ، نشر مروارید ، ۱۳۷۰، ص ۴۱)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4

0x3CCCCC وزن فرعی

(11)+(5//1100) فعلاتن * ۵ فعلن – ({مهِ جانی} *۵ ، مهجان)

و نسیمی خنک از حاشیه‌ی سبز پتو خواب مرا می روبد.

(سهراب سپهری ، ندای آغاز) (سپهری:۳۹۱) (نیمایی)

- عضو خانواده « فعلاتن * ۵ فعلن » با کد وزنی 0x4CCCCC

بیست و سه هجایی

0x4B2CB2
(10010//110010//110010//110010)
مفاعلُ فعِلن// مفاعلُ فعِلن// مفاعلُ فعِلن// مفاعلُ فع
بتا مهِ جانی// بتا مهِ جانی// بتا مهِ جانی// بتا مهِ جان

اگر تو ندانی //خدای تو داند//که از غمت آمد//چه بر سر من

اگر تو نبودی//برابر چشمم//خیال تو بوده//برابر من (بیژن ترقی در پناهی ، ج۵: ۱۱۴) (طبیب‌زاده* : ۳۶۴)

- عضو بحر دودویی 0x32/6 («مفاعلُ فعِلن»)

0x4CCCCC دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0x4CCCCC -0//23 حالت غیر دوری

فعلاتن *۵ فعلا

(100-1100-1100-1100-1100-1101) ({مهِ جانی}*۵ ، مهِ جان}

و فسونی که به گنده شده‌ی لاشه‌ی یک زندگی مرده چو گور (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۲)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4

0x4CCCCC -8//15 حالت دوری

فعلاتن فعلاتن فعلن// مفتعلن مفتعلن

(10011001//100110011001100) (مهِ جانی مهِ جانی مهِ جان// بیا بتا بیا بتا)

خنک آن دم که نشینیم به ایوان من و تو// با دف و نی ساغر می

به دو نقش و به دو صورت به یکی جان من و تو// با دف و نی ساغر می

(مصراع از مولانا مصراعک مستزاد از ابوالحسنی)

- قالب ادبی این وزن ، مستزاد است .
- مرتضی احمدی آهنگی را خوانده که عروضی نیست اما بسیار شبیه این وزن است (مصراعک شبیه «مفاعلن مفاعلن» است) :

در گاراژ دلو وا بکنم یا نکنم//می‌خوای بکن می‌خوای نکن
ماشین عشقمو توش جا بکنم یا نکنم//می‌خوای بکن می‌خوای نکن

0x4CCCCD وزن فرعی
فاعلاتن +(فعلاتن) ٭۴+ فعلن
(100-1100-1100-1100-1100-1101) (ماهِ جانی ، {مهِ جانی}٭۴ ، مهِ جان}

صبح می خواهد از من
کز مبارک دم او، آورم این قوم به جان باخته را بلکه خبر ▶ (نیما ، مهتاب) (نیما یوشیج : ۵۵۵)

- عضو خانواده « فعلاتن ٭۵ فعلن» با کد وزنی (0x4CCCCC)

0x4F9999 وزن فرعی
(1001111//1001100110011001)
مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن// مفعولن مفتعلن
(شد مهِ دل شد مهِ دل شد مهِ دل شد مهِ دل// شد مهدل شد مهِ دل)

«ممدلی» تکیه به قول و غزل روس نمود//ترک ناموس نمود
(سید اشرف الدین گیلانی الدین) (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰ :۶۲۹)

- عضو خانواده « مفتعلن مفتعلن مفتعلن// مفتعلن مفتعلن» با کد وزنی (0x999999)
- قالب این وزن مستزاد است

0x555555

(1)+11*(01)   فاعلاتُ ❊۵ فاعلاتْ - ({ماهتاب}❊۵ ، ماهتاب)

روزهای آتشین و انتظار و انفجار یادمان نرفته است

سینه های داغدار، نخلهای سربدار یادمان نرفته است (آزاد عباسی) (وحیدیان‌کامیار❊: ۷۱۷)

- عضو بحر دودویی «فَعِلُ» 0x1/2
- با تقطیعی دیگر کد 0x2AD555 به دست می آید .

0x5DDDDD

(101)+5*(1101)   فاعلاتن //۵ + فاعلا - ({دلبرم شد}❊۵ ، دلبرم)

خانه‌ی ابری من در سرزمین آبی‌ی چشمان شور انگیز توست

کس نمی داند دل شوریده‌ی من آسمان در آسمان لبریز توست (رضا عبداللهی) (دادگر:۹۷)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

0x649C92   وزن فرعی

فعل فعلن فعلن فعِلن فعلن فعلن فعلن فع

(بیا مهِ جان مهِ جان مهِ جان مهجان مهِ جان مهِ جان مه جان مه)

(1100100100111001001001‌0)

چو جان به رخ خوش و خوب تو دادم روی مپوش تو ای بت مهوش

فراق تو جانم سوخته و من با دل خون شده جور و جفا کش

چو گیسو و کاکل تو دل و دینم داده به باد ، یکی بنوازم

خمار تو دارم ، زار و نزارم ، بی رخ تو در سوز و گدازم (تحفه الهند : ۲۰۱)

0x6EEEEE

مفاعیلن ❊ ۵ + مفاعیلْ

(110111011101110111011101110) ((پریرویی)❊۵+ پریرو)

به مانند دلِ من که هنوز از حوصله وز صبر من باقی‌ست در او (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۵۸)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

بیست و چهار هجایی

0x924924-12//12

(فعلن فعلن فعلن فعلن) // ۲ –

(2//100100100100) (مهِ جان مهِ جان مهِ جان مهِ جان) //۲

می و نغمه مسلم حوصله‌ای //که قدح‌کش گردش سر نشود

بحل است سبکسری آن قدرت //که دماغ جنون‌زده‌تر نشود (بیدل دهلوی) (وحیدیان‌کامیار*: ۷۱۷)

منم آنکه به‌جرأت وصف لبت// رسدم خم و پیم عنان ادب

ز تأَمل موج گهر زده‌ام //در حسن ادا به زبان ادب (بیدل دهلوی) (نجفی* :۶۸)

چه بُوَد سر و کار غلط سبقان // در علم و عمل به فسانه زدن

ز غرور دلایل بی خبری //همه تیر خطا به نشانه زدن (بیدل شیرازی) (نجفی* :۶۹)

چه شود که [ز] اهل جهان به کسی// ز تف غم او شرری نرسد

که به سوز دل پر از آتش ما// رسد او [و] جز او دگری نرسد (مشتاق) (این بیت به تصحیح وحیدیان‌کامیاراست) (نجفی* :۶۹)

منم آن که جدا شده بی سر و پا // شده کوی به کوی ، زجور شما

نه قرار و توانم مانده به جانم ، رو بنما ز برای خدا

بر روی تو چون گل ، موی تو سنبل ، خط تو آفت ،خال بلا

ز غم تو حزینم ، بی دل و دینم ، لاله رخا ،منْمای جفا (تحفه الهند : ۱۹۳)

(مصرع اول کد 0x924924 ، مصرع دو کد0x249CE4 ، مصرع سه و چهار 0x139CE4)

- عضو بحر دودویی « فعلن» 0x4/3

0xAAAAAA دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xAAAAAA-0//24 حالت غیر دوری

(12*10) مفاعلن ❋ ۶ – (بیا بتا)❋۶

و چون خاموش می افتاد بر هم پلک های داغ و سنگینم

گیاهی سبز می رویید در مرداب رویاهای شیرینم

(فروغ فرخ زاد ، دفتر:عصیان، شعر: رهگذر) (شعر نیمایی)

0xAAAAAA -6//6//6//6 حالت دوری

(4//101010) مفاعلن مفا//۴ – (بتم شود سوار)❋۴

جنیبه‌ی بهار // رسید در چمن//طلایه پیش پیش//شکوفه و سمن

کشید فوج فوج//به ربع و بر دمن//ز سبزه درع‌پوش//ز لاله تیغزن (داوری شیرازی) (نجفی❋ :۱۶۸)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2
- این وزن می‌تواند به حالات دیگری نیز دوری شود.
- این وزن هم می‌تواند یک وزن اصلی باشد و هم عضو خانواده « مفتعلن❋۶» با کد وزنی (0x999999) باشد.

0xACACAC

(3//10101100) فعلاتن مفاعلن //۳ – (شکرینا بیا بیا)//۳

تو که عزلت گزیده‌ای//غم دنیا کشیده‌ای//ز طبیعت چه دیده‌ای

تو که غمگین نشسته‌ای//ز جها دل گسسته‌ای//به چه مقصد رسیده‌ای

(معینی کرمانشاهی در پناهی ، ج۵: ۵۹) (طبیب‌زاده❋ : ۳۷۶)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن مفاعلن » 0xAC/8

0xBBABBA

(مفاعلن مستفعلن مستفعلن) //۲

(بیا بیا جانا بیا جانا بیا)//۲ (2//101110111010)

بیا بیا دلدار من دلدار من درآ درآ در کار من در کار من

تویی تویی گلزار من گلزار من بگو بگو اسرار من اسرار من

بیا بیا درویش من درویش من مرو مرو از پیش من از پیش من

تویی تویی هم کیش من هم کیش من تویی تویی هم خویش من هم خویش من (مولانا، غزل ۱۷۸۵)

0xBBBBBB دارای دو حالت دوری

0xBBBBBB-4//4//4//4//4//4

مستفعلن //۶ –(مهرو بتی)//۶ (6//1011)

ای فخر من //سلطان من// سلطان من // فرمان ده و// خاقان من //خاقان من

چون سوی من// میلی کنی //میلی کنی// روشن شود //چشمان من //چشمان من (مولانا، غزل ۱۷۸۵)

0xBBBBBB-12//12

مستفعلن مستفعلن مستفعلن //۲ –

(مهرو بتی مهرو بتی مهرو بتی)//۲ (2//101110111011)

تا دل به عشقت شد گرفتار ای صنم// دارم همه شب ناله‌ی زار ای صنم

چون در قفس ، مرغان گلزار ای صنم//نالم که رحم آری و آزادم کنی

تا کی بسوزی زآتش هجران مرا//کی می‌نوازد مهرت ای جانان مرا

ای عشق تو درد من و درمان مرا//روزی شود کز وصل دلشادم کنی

(دیوان الهی قمشه‌ای ، نشر روزنه ، ۱۳۷۷، ص ۵۱۸)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4

0xCACCAC

فعلاتن مفاعلن فعلاتن//۲

(مهِ جانا بیا بیا مهِ جانا)//۲ (2//110010101100)

ای ز من بی‌خبر خیال تو از دل//روز تا شب هزار بار گذشته

خواب در چشم من نگشته به شب‌ها//روزهایم به انتظار گذشته

(محمد قهرمان در پناهی ، ج۴: ۸۴) (طبیب‌زاده* : ۳۷۹)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن مفاعلن » 0xAC/8

0xCADCAD

فاعلاتن مفاعلن فعلاتن//۲ (2//110010101101

(ماهِ جانا بیا بیا مهِ جانا)//۲

ای ز من بی‌خبر خیال تو از دل//روز تا شب هزار بار گذشته

خواب در چشم من نگشته به شب‌ها//روزهایم به انتظار گذشته

(محمد قهرمان در پناهی ، ج۴: ۸۴) (طبیب‌زاده* : ۳۷۹)

0xCF3CF3

(مستفعلُ مستف)//۴ – (جانی مهِ جانی)//۴ (4//110011)

دخت شه لولاک//کر خلقت افلاک//وز آب و گل و خاک//مقصود خدا اوست

زاسرار نهانش//وآیات عیانش//وقتِ جریانش//منشور قضا اوست

(یحیی مدرس اصفهانی در پناهی ، ج۴: ۴۷) (طبیب‌زاده* : ۲۵۱)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُ » 0x3/4

0xDB6DB6

فعولن * ۸ – (بزن دف)*۸ (8*110)

برای تب ریخته در شب زندگی آسمان ! هان تو هم گریه کردی

چگونه به چشمان من جا گرفتی و مثل بهاران تو هم گریه کردی (آسیه خویی) (دادگر:۴۵)

- عضو بحر دودویی « فَعولن» 0x6/3

0xDDDDDD دارای دو حالت دوری و غیر دوری

0xDDDDDD -0//24 حالت غیر دوری

(6*1101) فاعلاتن ❊ ۶ – (دلبرم شد)❊۶

آن سه تکه ابر را پیچیده بر خود روی دوش چار زندان بان می آید

در غروبی سخت محزون سخت ابری آخرین سردار از میدان می آید

(علیرضا قزوه) (حسن‌لی: ۴۶۸)

تابناک من بشد دوش از بر من ، آه ! دیگر در جهان،

می برم آن رشته ها که بود، بافیده ز پهنای امید مانده روشن ▶

(نیما ، تابناک من) (نیما یوشیج :۴۰۳) (نیمایی)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

0xDDDDDD -8//16 حالت دوری

(11011101)//(4*1101) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن// فاعلاتن فاعلاتن

ای دریغا در جوانی کرد پیر این چرخ پیرم // زار و نالان و ضریرم

شد عصا جای قلم در کف ز دست جور تیرم //جز عصا کو دستگیرم ؟

(قصیده مستزاد از فرصت الدوله شیرازی) (مدرسی،۱۳۸۰ : ۱۶۳)

در ضمیرم مانده یادی دلکش از روز جوانی//روز عیش و شادمانی

جز خیالاتی ندارم بهر پیری ارمغانی//زآن همه عیش نهانی

(میراز سید محمد خراسانی) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۵۱۵)

0x999999

(10011001//1001100110011001)

مفتعلن مفتعلن مفتعلن// مفتعلن مفتعلن

(شد مهِ دل شد مهِ دل شد مهِ دل// شد مهِ دل شد مهِ دل)

«ممدلی» تکیه به قول و غزل روس نمود//ترک ناموس نمود

(سید اشرف الدین گیلانی الدین) (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰ :۶۲۹)

0xEEEEEE

(6*1110) مفاعیلن ※ ۶ – (نگارینا)※۶

بهار گلشن امید سبزی نوخطی سرو سمنبر عنبرین مویی ▶

که گم کرده ست جنت خویش را از نسبت گلزار کوی او

(واله داغستانی ، شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۹ : ۵۵۳)

حریفا! میزبانا! میهمان سال و ماهت پشت در چون موج می لرزد...

حریفا! گوش سرما برده است این، یادگار سیلی سرد زمستان است (اخوان ثالث ، شعر زمستان)

(سر کوه بلند ، برگزیده اشعار اخوان ثالث ، انتشارات زمستان ، چاپ اول، بهار ۱۳۷۵ ، ص ۲۰)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

0xF3F3F3

(3//11110011) مستفعلتن مستفعلْ//۳ – (جانی همه جانی جانی)//۳

ساغر می‌شکند می‌ریزد//شمع از برمن برخیزد//مهرت ز دلم نگریزد

خواهم که تو یارم باشی//شمع شب تارم باشی//هر دم به کنارم باشی

(بی‌نام در پناهی ، ج۵: ۶۰) (طبیب‌زاده※ : ۲۷۸)

- عضو بحر دودویی « مستفعلتن » 0x13/5

0xFE7CCD

(111111100111110011001101)

فاعلاتن فعلاتن فعِلاتن فعلاتن فعِلاتن فعِلا

ماهِ جانی مهِ جانی مه جانی مهجانی مهِ جانی مهجانی مهجان

بر سر ساحلِ وامانده نمی سوزد، دل‌مرده چراغی هم اکنون از دور (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۳)

- عضو خانواده (فعلاتن※۶ + فعلا)

بیست و پنج هجایی

0x176DDDD
(1011101//101//1011101111011101)
فاعلاتن فاعلاتن فاعلن // فاعلن// فاعلاتن فاعلن
(ماه جانی ماه جانی ماهِ جان// ماهِ جان// ماه جانی ماهِ جان)

آفتاب چرخ دین را لشکری زاختر فزون// آبگون//تیغ‌ها در قصد خون
برمکش هان از نیام صبح، خنجر آفتاب//آفتاب//بازکش سر آفتاب
برق حسرت کشت این غم حاصلان را برگ و بر//خشک و تر//سوخت اندر یکدگر
خود تو دیگرشان مزن در خرمن آذر، آفتاب//آفتاب//باز کش سر آفتاب
(یغمای جندقی ، نوحه) (اخوان ثالث ، ۱۳۶۹ : ۲۰۴-۲۰۵)

شهسوار ملک دین از زین فتاد ای آسمان//آسمان // از تو داد ای آسمان
تا زمین ساکن نکردی بر مراد ای آسمان// آسمان // از تو داد ای آسمان
(یغمای جندقی ، نوحه) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۴۹۰)

- یک ساختار بی نظیر وزنی با موسیقی عالی و یک نمونه‌ی سه وزنی که قالب کاملا جدیدی است .

0x1ABBBBB
(11010+6//1011) مستفعلن ⁕۵ مفاعلاتن - ({یارا بیا}⁕۵ ، بیا بیارا)

چرخیدنت بر دور خود ایراد را باطل کند چون دور او نهایتِ کار
می چرخی و می گردی و این چرخ ها بر دور خود یا دور او یکی ست همین (آسیه خویی) (دادگر:۱۵۳)

0x1DDDDDD
(1+6*1101) فاعلاتن ⁕۶ فا – ({شد نگارم } ⁕۶+ شد)

وز فرازِ بُرجِ باراندازِ خلوت مرغِ باران می‌کشد فریادِ خشم‌آمیز ◀ (احمد شاملو ، کتاب هوای تازه ، شعرمرغ باران)

و همان لحظه که می آید بهار سبز و زیبا، با نگارانش به تن رعنا (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۹۰)
با لقای کاروان ما، چنان کارایش پاکیزه ای هر لحظه می آراست(نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۹۰)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

بیست و شش هجایی

0x32B3959

(مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فا)//۲

(لن فعلاتن مفاعلن فعلاتن)//۲

(آن شهِ دل ماهتاب آن شهِ دل ماه)//۲ (2//1100101011001)

غفلت پیری گرفت چون رگِ خوابم//گفت که دل خوش مکن بهار گذشته

از که بپرسم که چند بار بهاران//آمده یا آن که چند بار گذشته

در شب تاریک چون ز خانه برآیی//ماه تمامی که پیش پا به تو بینم

بی تو که چون آفتاب نور فشانی//روز به من همچو شام تار گذشته

(محمد قهرمان در پناهی ، ج۴: ۸۸) (طبیب‌زاده* : ۳۷۳)

پنجره‌هایی بزرگ بال زنان خیس//بر تن دیوارهای شهر نشستند

چند گل سرخ و چند دست مه‌آلود//پنجره‌ها را گره زدند، و بستند (محمد سعید میرزایی)

(وحیدیان‌کامیار*:۶۲۵)

- عضو بحر دودویی 0x59/8 («لن فعلاتن مفاعِ» «مفتعلن فاعلاتُ»)

0x3BBBBBB

مستفعلن *۶ مستف – ({مهرو بتی } *۶ مهرو) (11+6//1011)

اینجا همان جا است

آنجا که بر دیوار آن آویخته تصویر

آیینه اش را روی پوشیده غبار روزگار پیر

در بسترش بوی تن لولی وشان مست مانده در شبان تیره بی تدبیر ▶

(محمد زهری ، با سایه ای دیگر) (ماهیار : ۲۴۷)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4

0x3CCCCCC
(111100110011001100110011001100)
فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعِلا
مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهجان

و شب و روز من اندر دل این باز حصاری که به ظاهر نه چنان زندانی‌ست(نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۳)

0x3CCCCCD
(111100110011001100110011001101)
فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعِلا
ماه جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهجان

با نگاهش که به هر نقطه‌ی مسحور به تاریکی و منکوب از آن، می‌ساید (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۳)

بیست و هفت هجایی

0x4CCCCCC

(100+6//1100) فعلاتن ❊۶ فعلا – ({مهِ جانی} ❊۶ مهِ جان)

گنبد خامش و مخروط کدامین مدفون

به سر نوک یکی تپه سیاهی زده ز انبوه درختان بگرفته‌ست قرار ▶

(نیما ، پی دار و چوپان) (نیما یوشیج : ۵۰۶)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4

0x4CCCCCD

(100110011001100110011001101)

فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلا

ماه جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جان

لیک در کومه در اندوده‌ی تاریکی بی ریخت در آن بس که بیفسُرده امید (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۱۰۳)

0x55AB56A

(مفاعلن فعولن)//۳ مفاعلن مفا

(101010)+3//(1101010) ({دلا دلا دلارا}//۳، دلا دلا دلا)

هزار شکر و منّت//که در خدایی او//نبوده اختلافی//به قول انبیا

ز معنی خداییت//فنا شدیم و دیدیم//نه انتهاست او را// نه بوده ابتدا

به زینت الکواکب//به سقف لاجوردی//به چشم و دل فزاید//به هر نظر جلا

هر آن که شرک،آرد//بدو زهی خجالت//که بسته خلقتی را//به خالق افترا

(مطبوع قهفرخی در پناهی ، ج۵: ۶۴) (طبیب‌زاده❊ : ۳۲۷)

- عضو بحر دودویی 0x6A/7 («مفاعلن فعولن»)

0x6532994

متفاعلن متفاعل//۳- (نظری بتا نظری بت)//۳

(3//110010100)

نه چو مرده‌ها که به تن‌ها//تن برف روی کفن‌ها//بکشیده‌اند و دگر هیچ

نه چو زنده‌ها که به شب‌ها//لبِ تلخوارِ تعب‌ها//بکشیده‌اند و دگر هیچ

(صهبا مقدادی [بهرام صادقی] ،۱۳۴۰/۱۱/۱) (نجفی* : ۲۳۹)

- عضو بحر دودویی « متفاعلن » 0x14/5

بیست و هشت هجایی

0xACAEB2B
(2//10101100101011)
(مستفعلن مفاعلُ مستفعلن مفا)//۲

می‌خواهم از تو بگذرم و مثل حادثه//در ژرفنای تیره تکرار گم شوم
آن گاه مثل سوختن لحظه‌های خیس//در دودهای حلقه سیگار گم شوم (فاطمه خنیا) (وحیدیان‌کامیار*:۶۲۵)

- عضو بحر دودویی 0x2B/8 («لاتن مفاعلن فَعَ» « مستفعلن مفاعلُ»)

0xAD5AB56
(4//1010110) فعولن مفاعلن//۴ – (بیارا بیا بیا)//۴

سخن سازم ابتدا//به نام یکی خدا//که او ساخت خلق را//طفیل دو مقتدا
یکی ختم انبیا//یکی شاه اولیا//یکی هست مصطفی//دگر مرتضی علی
که را ایزد ودود//پس از مصطفی ستود؟//که کفر از جهان زدود//به اسلام ره نمود؟
درِ شهر دین گشود//که حق گفت و حق شنود//امام به حق که بود//به حق خدا علی
(سلیمی تونی در پناهی ، ج۵: ۱۹۰) (طبیب‌زاده* : ۳۸۱)

- عضو بحر دودویی 0x56/7 («فعولن مفاعلن»)

0xDDDDDDD
(7*1101) فاعلاتن * ۷ – (دلبرم شد)*۷

من از آهنگش که گویی داشت با لطف صبا پیوند و در من هر شعف را تازه می کرد ◀
آنچنان پنداشتم
کز بهشتی در حریم آسمان در می گشایند (نیما یوشیج ، منظومه به شهریار) (نیما یوشیج :۴۱۲)
می‌ستاند ، می دواند، می تپد اورا به دل تصویر از رویای توفان چه وقتش (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۹۰)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

0xEEEEEEE

(7//1110) مفاعیلن ❊ ۷ – (نگارینا)❊۷

در این‌جا چار زندان است

به هر زندان دوچندان نقب، در هر نقب چندین حجره، در هر حجره چندین مرد در زنجیر ►...

از این زنجیریان، یک تن، زنش را در تبِ تاریکِ بهتانی به ضربِ دشنه‌یی کشته است ►

(شاملو ، کتاب باغ آینه، شعر چار زندان)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

بیست و نه هجایی

0x132664CC
(10011001)+2//(1001100110)

(فعلاتن فعلاتن فعلن)//۲ + فعلاتن فعلن

(مهِ جانی مهِ جانی مهِ جان)//۲ + (مهِ جانی مهِ جان)

در سر زلفِ پریشانِ تو بست // هر که رخسار دل افروزِ تو دید //دل دیوانه به وجه احسن
فتنه باشد که درآیی روزی//نیم مست از درِ کاشانه من//قدحی باده به دست
(شاعر نامعلوم به نقل از کتاب حدائق الحقایق) (مقصودی ، ۱۳۵۵ الف: ۳۰۱)

0x176EEDDD
(1011101)+2//(10111011101)
فاعلاتن فاعلاتن فاعلن// فاعلاتن فاعلاتن فاعلن// فاعلاتن فاعلن
(دل‌ستانا دل‌ستانا دل‌ستان// دل‌ستانا دل‌ستانا دل‌ستان// دل‌ستانا دل‌ستان)

گوش کن ای بلبل شیرین سخن//ای گل خوش نکهت باغ وطن//ماجرای خویشتن
روزگار باستان خویش را// باستانی داستان خویش را // سر بسر بشنو ز من
(بهار) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب : ۴۹۲)

- قالب ادبی این وزن مستزاد است .

0x1DDDDDDD
(1)+7*(1101)   فاعلاتن * ۷ فا – ({شد نگارم }*۷ ، شد)

آه ! آیا زادگان و پرورش یابیدگان در زندگی های شبانی آنچنان ناچیز ▶
...روزی این سان نزلشان خواهند دادن؟
(نیما یوشیج ، منظومه به شهریار) (نیما یوشیج :۴۱۴)
ممکن است آیا که در پنهان بماند پاره‌ی الماس در پیش نگینی چند از شیشه؟ (نیما) (حسنی ، ۱۳۷۱ :۹۰)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

سی هجایی

0x2CCCD999

(2//101100110011001)

(مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعل)//۲

رنگ سلام تو غریبانه ترین شعر را //گرم به یک شعر صمیمانه بدل می‌کند

بوی نگاه عسلی رنگ تو این بیت را//باز چه رندانه مبدل به غزل می‌کند (ایمان کرخی) (وحیدیان‌کامیار*:۶۲۵)

- عضو بحر دودویی « مفتعلن» 0x9/4

سی و یک هجایی

0x4E667333
(1001110011001100111001100110011)
(100111)+2//(1001100110011)
(لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن)//۲ + (لن مفتعلن)
(جان شد مهِ جان شد مهِ جان شد مهِ جان)//۲+ (جان شد مهِ جان)

ای چشم سیاه تو بلای دل من//مشتاق تو شد دلم برای دل من//برخیز و بیا
گر خواجه ترا روزها رها می نکند//آخر شبکی بهر رضای دل من//بگریز و بیا
(ابن یمین) (دیوان ابن یمین ،به تصحیح حسینعلی باستانی راد ، ناشر سنایی ، ۱۳۶۳، ص ۵۶۴)
تا هجر تو با منش وصالی باشد//گر دست رها کند خیالی باشد//از دامن من
از ساعد سیمین کمری ساز مرا//ور زانک ترا ازین وبالی باشد//در گردن من
(خواجوی کرمانی) (دیوان خواجوی کرمانی ، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری ، ۵۳۴)
دی صبحدم آن غیرت سرو چمنی//با من به سر کرشمه از کبر و منی//می‌گفت به خشم
کای مردم دیده‌ی تو سقّای رهم//باز آی که تا خاک رهم آب زنی//گفتم که به چشم
(خواجوی کرمانی) (دیوان خواجوی کرمانی ، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری ، ۵۵۴)

- قالب ادبی این وزن مستزاد است .

0x7FFFFFFF
(31*1)   فع *۳۱

« ساقی رندان را جامی ده // ناکامان را کامی ده //میخواران را پیغامی ده // گه گاهی رحمی باری//
عینی داری چون بادامی // گیسویی داری چون شامی // موی پیچانی چون دامی // دندانی دانه‌ی اناری//»
«تا کی خون ما می ریزی // بهر کین ما می خیزی // بیدادی ها می انگیزی// رحمی تا کی آزاری//
جانان پیچان مویی داری // مانند مه رویی داری // خالی چون هندویی داری //گیسویی چون زنّاری//»
(تحفه الهند : ۱۶۹)

- عضو بحر دودویی « فع» 0x1/1
- با قرائت‌های گوناگون وزن هر مصرع عوض می‌شود و می‌توان درنگ دوری را در جاهای مختلفی گذاشت.

سی و دو هجایی

0xAAAAAAAA

(16*10) مفاعلن❋ ۸ – (بیا بتا)❋۸

بیا بتا به جان ما // شبی به میهمان ما // یکی غم نهان ما // به گوش جان شنو دمی

ببین به حال زار ما // به جان بی قرار ما // به سینه‌ی فگار ما//ز روی ما بچین نمی (تحفه الهند : ۱۶۹)

- عضو بحر دودویی «فَعَلْ » 0x2/2

0xCCCCCCCC

(8*1100) فعلاتن ❋ ۸ – (مهِ جانی)❋۸

رنگ رخسار و دَرِ گوش و خط و خدّ و قد و عارض و خال لبت ای سرو پری رویِ سمن بر

شفق و کوکب و شام و سحر و طوبی و گلزار بهشت است و بلال و طَرَفِ چشمه‌ی کوثر ◀

(عصمت الله بخارایی ، شجره العروض) (نجفی❋ :۱۲۱)

دی گذشتم به سرِ کویِ نگاری چو بهاری به رخی ماه درخشان ، به قدی سرو خرامان

طره اش مشک تتاری و خطش عود قماریّ و لبش حقّه‌ی مرجان و گهر رشته‌ی دندان

(بحورالالحان) (نجفی❋ :۱۲۱)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4

- «برخی از فضلا اشعاری از این دست را از انواع بحر طویل فارسی دانسته اند . » مدرسی❋: ۱۰۵

0xCCCCCCCD وزن فرعی

(7*1100)+(1101) فاعلاتن + فعلاتن ❋ ۷ – (ماهِ جانی، {مهِ جانی} ❋۷)

رنگ رخسار و دَرِ گوش و خط و خدّ و قد و عارض و خال لبت ای سرو پری رویِ سمن بر

(عصمت الله بخارایی ، شجره العروض) (نجفی❋ :۱۲۱)

- عضو خانواده « فعلاتن ❋ ۸»

0xDDDDDDDD

(8*1101) فاعلاتن ❋ ۸- (شد نگارم)❋۸

آسمان یکریز می بارد،...

همچنین برروی بالاخانه‌ی همسایه‌ی من مرد ماهیگیر مسکینی که او را می شناسی ►

(نیما یوشیج ، روی بندرگاه) (ماهیار : ۲۳۸)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

سی و سه هجایی

0x1DDDDDDDD

(1)+8*(11101) فاعلاتن ❋ ۸ فا – ({شد نگارم } ❋۸+ شد)

صحن دلباز سرایش بود پُراز سرو کوهی و زعشقه های بالا رفته بر دیوار و بام او

(نیما یوشیج ، خانه سر یویلی) (ماهیار : ۲۳۸)

- عضو بحر دودویی « فاعِلاتُن» 0xD/4

سی و چهار هجایی

0x33CCCF333
(110011)+2//(11001100110011)
لاتن فعلاتن فعلاتن// لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن// لاتن فعلاتن
(جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی// جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی// جانی مهِ جانی)

یک ذره‌ی بی مایه متاع نفس اندوخت//شوق این قدرش سوخت که پروانگی آموخت//پهنای شب افروخت
وامانده شعاعی که گره خورد و شرر شد// از سوز حیاتست که کارش همه زر شد// دارای نظر شد
(اقبال لاهوری) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۴۹۳)

- قالب ادبی این وزن مستزاد است .

سی و شش هجایی

0xCCCCCCCCC

(9*1100) فعلاتن ❊ ۹ – (مهِ جانی)❊۹

می کشد ترکِ کماندارِ مسلمان کُشِ جادویِ تو چون کافر مست از مژه بر هر جگری تیر بلا را

تا کند زار و به هم برزده و مست و سنان خورده و مجروح و دل آزرده و افگار و جگر سوخته ما را

(عصمت الله بخارایی ، دیوان خطی بریتیش میوزیوم) (مدرسی❊: ۱۰۵)

- عضو بحر دودویی « فعلاتن» 0xC/4
- «برخی از فضلا اشعاری از این دست را از انواع بحر طویل فارسی دانسته اند . »

(مدرسی❊: ۱۰۵)

0xCCCCCCCCD

(8*1100)+(1101) فاعلاتن + فعلاتن ❊ ۸ – (ماهِ جانی + (مهِ جانی)❊۸)

می کشد ترکِ کماندارِ مسلمان کُشِ جادویِ تو چون کافر مست از مژه بر هر جگری تیر بلا را ►

(عصمت الله بخارایی ، دیوان خطی بریتیش میوزیوم) (مدرسی❊: ۱۰۵)

سی و هفت هجایی

0x1326664CCC
(1001100)+2//(100110011001100)
(فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلا)//۲ +(فعلاتن فعلا)
(مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جان)//۲ +(مهِ جانی مهِ جان)

تو مپندار که بر طرف چمن//چون رخ و قامتت ای سیمین تن//گل و شمشادی هست
در دهان تو نگنجد سخنی//گرچه شیرین دهنت گاه سخن//نرخ شکّر بشکست
(خواجوی کرمانی) (دیوان خواجوی کرمانی ، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری ، ص۳۵۳)
یا رب از من که برد سوی خراسان خبری//ای صبا گر بودت هیچ مجال گذری//به سوی حضرت دستور ز من
عمده الملک یمین دول و دین که بود// اتفاق همه کور است خصال و سیری// همچو نامش به همه حال حسن
(ابن یمین) (دیوان ابن یمین ،به تصحیح حسینعلی باستانی راد ، ناشر سنایی ، ۱۳۶۳، ص ۵۶۲)

دل من بود به هر لحظه اسیر هوسی // همچو آن مرغ که افتاده به کنج قفسی // رنج می‌دید بسی
بود هر روز دل من ز پی یار دگر // تا که بر دوش کشم بار دگر بار دگر // بینم آزار دگر
(ابولقاسم حالت) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۴۹۴)

- قالب ادبی این وزن مستزاد است .

0x176EEEDDDD
(1011101)+2//(101110111011101)
(فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن// ۲)+ فاعلاتن فاعلن
(دل‌ستانا دل‌ستانا دل‌ستانا دل‌ستان// دل‌ستانا دل‌ستانا دل‌ستانا دل‌ستان// دل‌ستانا دل‌ستان)

یا مسلمان را مده فرمان که جان بر کف بنه//یا درین فرسوده پیکر تازه جانی آفرین//یا چنان کن یا چنین
یا برهمن را بفرما نو خداوندی تراش//یا خود اندر سینه زناریان خلوت گزین//یا چنان کن یا چنین
(اقبال لاهوری) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۴۹۲)

- قالب ادبی این وزن مستزاد است .

چهل و یک هجایی

0x1776EEEDDDD

(10111011101)+2//(101110111011101)

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن// ۲ + فاعلاتن فاعلاتن فاعلن

(دل‌ستانا دل‌ستانا دل‌ستان// دل‌ستانا دل‌ستانا دل‌ستان// دل‌ستانا دل‌ستانا دل‌ستان)

ای خدای عشق یک‌سر مست و شیدا کن مرا// دوست‌دار بانگ ساز و بوی گلها کن مرا// عاشق آثار زیبا کن مرا

ای خدای عشق از درگاه تو دورم کنون//مانده در گورِ جهان پر شر و شورم کنون//زنده اما زنده در گورم کنون

(ابولقاسم حالت) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۴۹۵)

- قالب ادبی این وزن مستزاد است .

چهل و چهار هجایی

0x9CCCE667333

لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن //۳ + لن مفتعلن

(جان شد مهِ جان شد مهِ جان شد مهِ جان)//۳ +

(جان شد مهِ جان) (10011)+3//(1001100110011)

کفتم ز سر لطف که ای طرفه پسر//زان پیش که مور صف کشد گرد شکر//خواهم نفسی ز صحبتت آسودن//دانم که رضا داری

از شام شراب دادنت تا به سحر//وانگه که فرو شد از سر مستی سر//گویم که میان ما چه خواهد بودن//آئین وفا داری

(ابن یمین) (دیوان ابن یمین ،به تصحیح حسینعلی باستانی راد ، ناشر سنایی ، ۱۳۶۳، ص ۵۶۴)

0xEEEEEEEEEEE

مفاعیلن ٭ ۱۱ – (نگارینا)٭۱۱ (11*1110)

از این مردان، یکی، در ظهرِ تابستانِ سوزان، نانِ فرزندانِ خود را، بر سرِ برزن، به خونِ نان‌فروشِ سختِ دندان‌گرد آغشته‌ست

(شاملو ، کتاب باغ آینه، شعر چار زندان)

- عضو بحر دودویی «مفاعیلن» 0xE/4

چهل و نه هجایی

0x16B6D6DADB5B6

(فعولن فعولن فعولن فعل)//۴+ (فعولن فعل)

(10110110110)//4+(10110) (بزن دف بزن دف بزن دف بزن)//۴ + (بزن دف بزن)

شب آمد مرا وقت غریدن است//

گه کار و هنگام گردیدن است//

به من تنگ کرده جهان جای را//

از این بیشه بیرون کشم پای را// حرام است خواب

بر آرم تن زردگون زین مغاک//

بغرم بغریدنی هولناک//

که ریزد ز هم کوهساران همه//

بلرزد تن جویباران همه// نگردند شاد

(نیما) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۵۰۱)

پنجاه و یک هجایی

0x5DBBB776EEDDD
(10111011101)+4//(10111011101)
(فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)//۴+(فاعلاتن فاعلن)
(دل‌ستانا دل‌ستانا دل‌ستان)//۴+(دل‌ستانا دل‌ستان)

بود با اهریمنان دانش‌فزون//
پختن و معماری و رمی و فسون//
خط و رسم وپوشش و بافندگی//
پای کوبی، می کشی، خوانندگی//با دگر علم و فنون
چهر آنان سر بسر بی‌موی بود//
نسل زیبا روی ناخوش خوی بود//
مرد و زن زیبا رخ و سیمینه‌تن//
زن چو مردان‌ساده‌ومردان چو زن//جمله با مکر و فسون
(بهار) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۵۰۰)

- قالب ادبی این وزن مستزاد است .

پنجاه و پنج هجایی

#77BDEF7BDEF7BD

فاعلیاتن// ۱۱

ساقیا جامی//۱۱ 11//(11101)

شمع می سوزد// بردم پرده//

تا کنون این زن// خواب نا کرده//

تکیه داده ست او// روی گهواره//

آه! بیچاره!// آه! بیچاره! //

وصله چندی ست// پرده ی خانه ش//حافظ لانه ش

مونس این زن// هست آه او//

دخمه ی تنگی ست// خوابگاه او//

در حقیقت لیک// چار دیواری//

محبسی تیره// بهر بد کاری//

ریخته از هم //چون تن کهسار//پیکر دیوار

(نیما) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۵۰۳)

شصت و دو هجایی

0x33CCCF333CCCF333

لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن //۴ + لن مفتعلن

(جان شد مهِ جان شد مهِ جان شد مهِ جان)//۴ +

(جان شد مهِ جان) (10011)+4//(1001100110011)

در انزلی امروز عجب معرکه برپاست//

در رشت به هر گوشه عیان شیون و غوغاست//

بیگانه در این معرکه مشغول تماشاست//

این خانه خرابی همه در زیر سر ماست// از ماست که بر ماست

دلها همه در وحشت و جانها متزلزل//

سرها همه در رعشه ، زبان‌ها متزلزل//

پیران همه در خوف و جوانها متزلزل//

از سطح زمین غلغله تا گنبد میناست//از ماست که بر ماست

(نسیم شمال) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۴۹۶)

شصت و چهار هجایی

0xBBBBBBBBBBBBBBBB

(8//10111011) مستفعلن مستفعلن //۸- (مهرو بتی مهرو بتی)//۸

«یا صاحب الشی ء الحذر // زان سرو قدّ سیمبر// کز عشق او گشتم سمر // با کام خشک و چشم تر
لب تشنه و خسته جگر // برکنده جان افکنده سر //کرده ز غم زیر و زبر // دنیا و دین و جان و تن»
«آید به چشمم هر نفس // عالم ز عشقش چون قفس // بی او مرا فریاد رس // شب ها خیال اوست بس
تا چند باشم چون جرس // بی او خروشان از هوس // هرگز مباد احوال کس // در عشق چون احوال من»
(عبدالواسع جبلی ، شجره العروض ، ۳۷) (مدرسی*:۳۵)

- عضو بحر دودویی « مستفعلُن » 0xB/4
- «در رساله‌ی شجره العروض متعلق به سید مظفر علی اسیر ، در مبحث اوزان رجز ، وزنی آمده است با شعری از عبدالواسع جبلی که هر نیم بند آن با شانزده رکن سالم تقطیع می شود» (مدرسی*:۳۵)

شصت و هفت هجایی

0x5DBBBB7776EEEDDDD
(10111011101)+4//(101110111011101)
(فاعلاتن فاعلاتن فاعلن)//۴+(فاعلاتن فاعلن)
(دل‌ستانا دل‌ستانا دل‌ستان)//۴+(دل‌ستانا دل‌ستان)

رودکارون ست این یا پر گهـر دریاستی//
پر گهـر دریاستی یا بحر گوهـرزاستی//
ای عجب کاین بحر گوهرزا چمن پیراستی//
نی چمن پیـرا خطا گفتم جهان آراستی//نغز و روح افزاستی
با تن سیمین هویـدا از دل خـارا شود//
روشنی بخش روان چون فکرت دانا شود//
چهره‌ی وادی ز فرش سینـه سینـا شود//
پاو دستش نی ولی بی دست و پا پویا شود// بی زبان گویا شود
(پژمان بختیاری) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۴۹۹)

- قالب ادبی این وزن مستزاد است .

هشتاد هجایی

0x33CF333CF333CF333CF333
2//(1101110)+2//(11011101110)+2*(//1101110//110111011101110)
(مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلْ// مفاعیلن مفاعیلْ)⁕۲ + (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلْ)⁕۲ + (مفاعیلن مفاعیلْ)⁕۲

به گردش بر کنار بسفر اندر مرغزاری//رهم افتاد دیروز//
چه نیکو مرغزاری طرف دریا در کناری//نگاهش دیده افروز//
درختان را حریر سبز بر سر//زمین را از زمرد جامه در بر//
به هر سو با گلی راز//نموده مرغی آغاز
افق ناگه چه بادی زد ، بر بخت درختان//قد جمله دو تا کرد//
چه ترس آورد لرزش، برهمه رخت درختان// از آن جمله جدا کرد//
ز شاخی برگی و ورد از چمن برد//به هر سویش کشانید و بیازرد//
دلش پردرد گرداند//رخش بس زرد گرداند
(میرزاده عشقی) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۵۰۵)

- قالب ادبی این وزن مستزاد است .

هشتاد و شش هجایی

0x33CF333CF333CF333CF333
(110011)+5//(110011//11001100110011)
(لاتن فعلاتن فعلاتن// لاتن فعلاتن)//۵+(لاتن فعلاتن)
(جانی مهِ جانی مهِ جانی مهِ جانی// جانی مهِ جانی)//۵+(جانی مهِ جانی)

رویی خوش و بویی خوش و مویی خوش و دلکش//خندان و غزلخوان//
از آمدنش در بدن مرده دمد جان//فتّان و پریوش//
مو عنبر و لب شکّر و رو مجمر آتش//یا مهر فروزان//
این چیست به این قامت چون سرو خرامان //
این کیست کجایی‌ست//این آلهِ شادی‌ست
(لاهوتی) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۵۰۴)

- قالب ادبی این وزن مستزاد است .

هشتاد و هشت هجایی

0xEEEEEEEEEEEEEEEEEEEEEE
(11101110)+5//(1110111011101110)
(مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن)//۵+(مفاعیلن مفاعیلن)
(پریسایی پریسایی پریسایی پریسایی)//۵+(پریسایی پریسایی)

جهان جنبید و شب جنبید و تاریکی هویدا شد//
سیاهی آمد و خورشید رفت و ماه پیدا شد//
پرستو خفت و گیتی خفت و چشم شب گهرزا شد//
دو چشم من به ناگه خیره در چشم ثریا شد//
مرا این اختر تابنده زد آتش به خرمن‌ها//بر آتش‌هام دامن‌ها
ز شاخی دور دور آنجا برآمد نغزآهنگی//
میان تیرگی برداشت آوایی شباهنگی//
ز آهنگی به چشم آمد مرا افسون و نیرنگی//
به آهنگ شباهنگی بتی سر داد شیون‌ها // به زیر چشم روشن‌ها
(حمیدی شیرازی) (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب :۵۰۲)

- قالب ادبی این وزن مستزاد است .

پیوست‌ها

پیوست ۱. فهرست ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی

در (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵) جدولی متشکل از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی آورده شده است. «با شناخت این وزن‌ها بیش از ۹۸ درصد وزن‌های رایج شعر فارسی را شناخته‌ایم.» (قهرمانی۱۴۰۲: ۱۸۵- ۱۸۷) که این جدول مطابق با کد وزنی دودویی در زیر آورده شده است. (نواگذاری مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵) می‌باشد.)
یکی از ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی مطابق فهرست (قهرمانی،۱۴۰۲ : ۴۵۵)

جدول ۲۷ وزن پرکاربرد شعر فارسی

ردیف	کد وزنی	کد پیرو	نوای وزن
۱	0xDB6	0x6/3/12	«فعولن» ۴ بار
۲	0x5B6	0x6/3/11	فعولن فعولن فعولن فَعَل
۳	0xEEEE	0xE/4/16	«مفاعیلن» ۴ بار
۴	0x6EE	0xE/4/11	مفاعیلن مفاعیلن مفاعی (=فعولن)
۵	0xBBBB	0x9/4/16	«مستفعلن» ۴ بار
۶	0xDDDD	0xD/4/16	«فاعلاتن» ۴ بار
۷	0x5DDD	0xD/4/15	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۸	0x5DD	0xD/4/11	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
۹	0xCCCC	0xC/4/16	«فعلاتن » ۴ بار
۱۰	0x4CCC	0xC/4/15	فعلاتن فعلاتن فعلاتن فَعلن
۱۱	0x4CC	0xC/4/11	فعلاتن فعلاتن فَعلن
۱۲	0x3333	0x3/4/14	مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فَعلن
۱۳	0x39F3	0x73/7/14	« مستفعلُ مستفعلْ» ۲ بار
۱۴	0x2CD9	0x59/7/14	«مفتعلن مفتعلْ» ۲ بار
۱۵	0x599	0x9/4/11	مفتعلن مفتعلن مفتعلْ
۱۶	0x4AC	0xAC/8/11	فعلاتن مفاعلن فَعلن
۱۷	0x2B2B	0x2B/8/14	مستفعلن مفاعلُ مستفعلن فعل
۱۸	0x35EB	0x6B/7/14	«مستفعلن مفاعلْ» ۲ بار
۱۹	0x72B	0x12B/9/11	مستفعلن مفاعلُ مستفعلْ
۲۰	0xCACA	0xCA/8/16	«مفاعلن فعلاتن» ۲ بار

۲۱	0x4ACA	0xCA/8/15	مفاعلن فعلاتن مفاعلن فَعلن
۲۲	0x1959	0x59/8/13	مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فَع
۲۳	0xD4D4	0xD8/8/16	«فعلاتُ فاعلاتن» ۲ بار
۲۴	0x753	0x53/8/11	مستفعلُ فاعلاتُ مستفعلْ
۲۵	0x353	0x53/8/10	مستفعلُ فاعلاتُ فع لن
۲۶	0xA9A9	0xA9/8/16	«مفتعلن مفاعلن» ۲ بار
۲۷	0x1333	0x3/4/13	مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فَع

پیوست ۲ : جدول کامل ارکان افاعیلی

لیست تمام ارکان از یک تا چهار هجایی در جدول زیر آورده شده است .دلیل این که تمام هجاها را آوردیم ، این است که در بعضی از برش زنی ها ممکن است این رشته ها تولید شوند و به عبارت دیگر در هر حالتی بتوانیم هر رشته ای را نام گذاری کنیم . مثلا در زبان فارسی هیچ گاه رشته ی (0000) تولید نمی شود اما ما این رشته را در این جا آورده ایم و نام گذاری کرده ایم . دقت کنید کد هر رکن دقیقا عدد معادل دهدهی رشته دودویی است و به صورت قراردادی انتخاب نشده است، مثلا کد رشته (1101) با نوای «فاعلاتن» از نظر ریاضی دودویی برابر با عدد ۱۳ است.

نمونه های پیش نهادی دکتر فولادی از کتاب « مبانی عروض» اخذ شده است.

یک هجایی

کد	تقطیع	افاعیل سنتی	افاعیل فولادی
۰	0	ندارد	(فَ) (م َ)
۱	1	فَع	(فا) (مُس)

دو هجایی

کد	تقطیع	افاعیل سنتی	افاعیل فولادی
۰	00	ندارد	(فَعِ)
۱	01	فَعْ لُ	(فاعِ)
۲	10	فَعَلْ	(مَفا)
۳	11	فَع لُن	(مُسْتَفْ)

سه هجایی

کد	تقطیع	افاعیل سنتی	افاعیل فولادی
۰	000	ندارد	(فَعِلُ)
۱	001	ندارد	(فاعِلُ)
۲	010	فَعولُ	(مَفاعِ)
۳	011	مَفعولُ	(مُسْتَفْعِ)
۴	100	فَعِلُن	(فَعِلُن)
۵	101	فاعِلُن	(فاعِلُن)
۶	110	فَعولُن	(مَفاعِ)
۷	111	مَفعولُن	(مُستَفعِلْ)

چهار هجایی

کد	تقطیع	افاعیل سنتی	افاعیل فولادی
۰	0000	ندارد	(فَعِلَتُ)
۱	0001	ندارد	(فاعِلَتُ)
۲	0010	مَفاعِلُ	مَفاعِلُ
۳	0011	مُستَفعِلُ	مُستَفعِلُ
۴	0100	فَعِلاتُ	فَعِلاتُ
۵	0101	فاعِلاتُ	فاعِلاتُ
۶	0110	مَفاعیلُ	مَفاعیلُ
۷	0111	مَفعولاتُ	مُستَفعالُ
۸	1000	فَعِلَتُن	فَعِلَتُن
۹	1001	مفتعلن	فاعِلَتُن
۱۰	1010	مَفاعِلُن	مَفاعِلُن
۱۱	1011	مُستَفعِلُن	مُستَفعِلُن
۱۲	1100	فَعِلاتُن	فَعِلاتُن
۱۳	1101	فاعِلاتُن	فاعِلاتُن
۱۴	1110	مَفاعیلُن	مَفاعیلُن
۱۵	1111	مَفعولاتُن	مُستَفعالُن

پنج هجایی

کد	تقطیع	افاعیل سنتی	افاعیل فولادی
۰	00000	ندارد	(فعِلَتَتُ)
۱	00001	ندارد	(فاعِلَتَتُ)
۲	00010	ندارد	(مَفاعِلَتُ)
۳	00011	ندارد	(مُستَفعِلَتُ)
۴	00100	ندارد	(فعِلاتَتُ)
۵	00101	ندارد	(فاعِلاتَتُ)
۶	00110	ندارد	(مَفاعیلَتُ)
۷	00111	ندارد	(مُستَفعالَتُ)
۸	01000	ندارد	(فعِلَتاتُ)
۹	01001	ندارد	(فاعِلَتاتُ)
۱۰	01010	ندارد	(مَفاعِلاتُ)
۱۱	01011	ندارد	(مُستَفعِلاتُ)
۱۲	01100	ندارد	(فعِلاتاتُ)
۱۳	01101	ندارد	(فاعِلاتاتُ)
۱۴	01110	ندارد	(مَفاعیلاتُ)
۱۵	01111	ندارد	(مستفعالاتُ)
۱۶	10000	ندارد	(فعِلَتَتُن)
۱۷	10001	ندارد	(فاعِلَتَتُن)
۱۸	10010	مَفاعِلَتُن	مَفاعِلَتُن
۱۹	10011	ندارد	(مُستَفعِلَتُن)
۲۰	10100	مُتَفاعِلُن	(فعِلاتَتُن)
۲۱	10101	ندارد	(فاعِلاتَتُن)
۲۲	10110	ندارد	(مَفاعیلَتُن)
۲۳	10111	ندارد	(مُستَفعالَتُن)
۲۴	11000	ندارد	(فعِلَتاتُن)
۲۵	11001	مُفتَعِلاتُن	(فاعِلَتاتُن)
۲۶	11010	مَفاعِلاتُن	مَفاعِلاتُن
۲۷	11011	مُستَفعِلاتُن	مُستَفعِلاتُن

۲۸	11100	فعلییاتن	(فَعِلاتاتُن)
۲۹	11101	فاعلییاتن	(فاعِلاتاتُن)
۳۰	11110	ندارد	(مَفاعیلاتُن)
۳۱	11111	ندارد	(مستفعالاتن)

پیوست ۳ : فهرست وزن‌ها

هجا	کد وزنی	نوا
1	0x1	فَع
2	0x2	فَعَل
2	0x3	فع لن
3	0x4	فَعَلن
3	0x5	فاعلن
3	0x6	فعولن
4	0x8	فعلتن
4	0x9	مفتعلن
4	0xA	مفاعلن
4	0xB	مستفعلن
4	0xC	فعلاتن
4	0xD	فاعلاتن
4	0xE	مفاعیلن
4	0xF	مفعولاتن
5	0x10	مُتَفَعِلن
5	0x11	فاعِلَتُ فا
5	0x12	مفاعلتن
5	0x13	مستفعِلَتن
5	0x14	فعلاتتن
5	0x15	فاعلاتتن
5	0x16	مفاعیلتن
5	0x17	مفعولاتتن
5	0x18	فَعِلَتُن فع
5	0x19	مفتعلاتن
5	0x1A	مفاعلاتن
5	0x1B	مستفعلاتن
5	0x1C	فعلاتاتن

فاعلاتاتُن	0x1D	5
مفاعیلاتاتن	0x1E	5
مفعولاتاتن	0x1F	5
فَعِلَتُ فعل	0x20	6
فاعِلَتُ فعل	0x21	6
مَفاعِلُفعل	0x22	6
فَعَلن فَعَلن	0x24	6
فاعلن فَعَلن	0x25	6
فعولن فعلن	0x26	6
مفعولن فَعَلن	0x27	6
فَعِلَتُن فعل	0x28	6
مفتعلن فعل	0x29	6
مفاعلن فَعَل	0x2A	6
مستفعلن فعل	0x2B	6
فعلاتن فَعَل	0x2C	6
فاعلن ❊۲	0x2D	6
مفاعیلن فَعَل	0x2E	6
مفعولن فاعلن	0x2F	6
فَعِلَتُ فعِلن	0x30	6
فاعِلَتُ فعِلن	0x31	6
فعل فعلاتن	0x32	6
فع لن فعلاتن	0x33	6
فَعَلن فعولن	0x34	6
فاعلن فعولن	0x35	6
فعولن ❊۲	0x36	6
مفعولن فعولن	0x37	6
فَعِلَتُن فعِلن	0x38	6
مفتعلن فع لن	0x39	6
مفاعلن فع لن	0x3A	6
مستفعلن فع لن	0x3B	6

فعلاتن فع لن	0x3C	6
فاعلاتن فع لن	0x3D	6
فعولن مفعولن	0x3E	6
مفعولن مفعولن	0x3F	6
مستفعلُ فعلن	0x43	7
فاعلاتُ فعلن	0x45	7
مفعولن فَعِلَتُن	0x47	7
فَعِلَتُن فعلن	0x48	7
مفتعلن فَعَلن	0x49	7
مفاعلن فَعَلن	0x4A	7
مستفعلن فعلن	0x4B	7
فعلاتن فعلن	0x4C	7
فاعلاتن فعلن	0x4D	7
مفاعیلن فَعِلن	0x4E	7
مفعولن مفتعلن	0x4F	7
فَعِلَتُ فاعلن	0x50	7
فاعِلَتَتُن فعل	0x51	7
مفاعلتن فعل	0x52	7
مستفعلتن فعل	0x53	7
فعلن مفاعلن	0x54	7
فاعلن مفاعلن	0x55	7
فعولن مفاعلن	0x56	7
مفعولن مفاعلن	0x57	7
مفتعلن فاعلن	0x59	7
مفاعلن فاعلن	0x5A	7
مستفعلن فاعلن	0x5B	7
فعلاتن فاعلن	0x5C	7
فاعلاتن فاعلن	0x5D	7
مفاعیلن فاعلن	0x5E	7
مفعولن مستفعل	0x5F	7

فَعِلَتُ فعولن	0x60	7
فاعِلَتَتُ فاعل	0x61	7
مستفعلُ فعولن	0x63	7
فَعِلن فَعَلاتن	0x64	7
فاعلن فعلاتن	0x65	7
فعولن فعلاتن	0x66	7
مفعولن فعلاتن	0x67	7
مفتعلن فعولن	0x69	7
مفاعلن فعولن	0x6A	7
مستفعلن فعولن	0x6B	7
فعلاتن فعولن	0x6C	7
فاعلاتن فعولن	0x6D	7
مفاعیلن فعولن	0x6E	7
مفعولن فاعلاتن	0x6F	7
فَعِلَتُ مفعولن	0x70	7
فاعِلَتَتُن فاعل	0x71	7
مفاعلتن فع لن	0x72	7
مستفعلتن فع لن	0x73	7
فعلاتتن فع لن	0x74	7
فاعلاتتن فع لن	0x75	7
فعولن مفاعیلن	0x76	7
مفعولن مفاعیلن	0x77	7
مفتعلن مفعولن	0x79	7
مفاعلن مفعولن	0x7A	7
مستفعلن مفعولن	0x7B	7
فعلاتن مفعولن	0x7C	7
فاعلاتن مفعولن	0x7D	7
مفاعیلن مفعولن	0x7E	7
مفعولاتن مفعولن	0x7F	7
فاعِلَتَتُ فعلن	0x81	8

مستفعلُ فَعِلَتَتُن	0x83	8
فاعلاتُ فَعِلَتَتُن	0x85	8
مفعولن فَعِلَتَتُن	0x87	8
مفتعلن فَعِلَتُن	0x89	8
مستفعلن فَعِلَتُن	0x8B	8
فاعلاتن فَعِلَتُن	0x8D	8
مفاعیلن فَعِلَتُن	0x8E	8
فع لن فع لن فَعِلَتُن	0x8F	8
فاعِلَتَتُن فعلن	0x91	8
علن فعلن فعلن	0x92	8
مستفعلتن فعل	0x93	8
فعلاتتن فعلن	0x94	8
فاعلاتتن فعلن	0x95	8
مفاعیلتن فعلن	0x96	8
مفعولن مفاعلتن	0x97	8
مفتعلن ❊۲	0x99	8
مفاعلن مفتعلن	0x9A	8
مستفعلن مفتعلن	0x9B	8
فعلاتن مفتعلن	0x9C	8
فاعلاتن مفتعلن	0x9D	8
مفاعیلن مفتعلن	0x9E	8
مفعولن مستفعلتن	0x9F	8
فَعِلَتُ فاعلن	0xA0	8
فاعِلَتَتُ فاعلن	0xA1	8
مستفعلُ مفاعلن	0xA3	8
فعلن مفاعلتن	0xA4	8
فاعلن فعلاتتن	0xA5	8
فعولن فعلاتتن	0xA6	8
مفعولن فعلاتتن	0xA7	8
مفتعلن مفاعلن	0xA9	8

8	0xAA	مفاعلن*۲
8	0xAB	مستفعلن مفاعلن
8	0xAC	فعلاتن مفاعلن
8	0xAD	فاعلاتن مفاعلن
8	0xAE	مفاعیلن مفاعلن
8	0xAF	مفعولاتن مفاعلن
8	0xB0	فَعِلَتُ مستفعلن
8	0xB1	فاعِلَتَتُن فاعلن
8	0xB2	مفاعلتن فاعلن
8	0xB3	مستفعلتن فاعلن
8	0xB4	فعلاتتن فاعلن
8	0xB5	فاعلاتتن فاعلن
8	0xB6	فعولن فعولن فعل
8	0xB7	مفعولن مفاعیلتن
8	0xB9	مفتعلن مستفعلن
8	0xBA	مفاعلن مستفعلن
8	0xBB	مستفعلن *۲
8	0xBD	فاعلاتن مستفعلن
8	0xBE	مفاعیلن مستفعلن
8	0xBF	مفعولاتن مستفعلن
8	0xC3	مستفعلُ فعلاتن
8	0xC5	فاعلاتُ فعلاتن
8	0xC7	مفعولن فَعِلَتُن فع
8	0xC9	مفتعلن فعلاتن
8	0xCA	مفاعلن فعلاتن
8	0xCB	مستفعلن فعلاتن
8	0xCC	فعلاتن *۲
8	0xCD	فاعلاتن فعلاتن
8	0xCE	مفاعیلن فعلاتن
8	0xCF	مفعولاتن فعلاتن

فاعِلَتَتُن فعولن	0xD1	8
مفاعلتن فعولن	0xD2	8
مستفعلتن فعولن	0xD3	8
فعلاتتن فعولن	0xD4	8
فاعلاتتن فعولن	0xD5	8
مفاعیلتن فعولن	0xD6	8
مفعولن مفاعلتن	0xD7	8
مفتعلن فاعلاتن	0xD9	8
مفاعلن فاعلاتن	0xDA	8
مستفعلن فاعلاتن	0xDB	8
فعلاتن فاعلاتن	0xDC	8
فاعلاتن ❊۲	0xDD	8
مفاعیلن فاعلاتن	0xDE	8
مفعولاتن فاعلاتن	0xDF	8
فاعِلَتَتُ مفعولن	0xE1	8
مستفعلُ مفاعیلن	0xE3	8
فعلن فعلن فعِلن	0xE4	8
فاعلن فعلاتاتن	0xE5	8
فعولن فعلاتاتن	0xE6	8
مفعولن فعلاتاتن	0xE7	8
مفتعلن مفاعیلن	0xE9	8
مفاعلن مفاعیلن	0xEA	8
مستفعلن مفاعیلن	0xEB	8
فعلاتن مفاعیلن	0xEC	8
فاعلاتن مفاعیلن	0xED	8
مفاعیلن ❊۲	0xEE	8
مفعولاتن مفاعیلن	0xEF	8
فاعلتتن مفعولن	0xF1	8
مستفعلتن مفعولن	0xF3	8
فاعلاتتن مفعولن	0xF5	8

8	0xF6	مفاعیلتن مفعولن
8	0xF7	مفعولن مفاعیلاتن
8	0xF9	مفتعلن مفعولاتن
8	0xFA	مفاعلن مفعولاتن
8	0xFB	مستفعلن مفعولاتن
8	0xFC	فعلاتن فعِلاتن فع
8	0xFD	فاعلاتن مفعولاتن
8	0xFE	مفاعیلن مفعولاتن
8	0xFF	فع لن ❊۴
9	0x124	فعلن ❊ ۳
9	0x125	فاعلن فعلن فعلن
9	0x129	مفتعلن مفاعلتن
9	0x12A	مفاعلن مفاعلتن
9	0x12B	مستفعلن مفاعلتن
9	0x12C	فعلاتن مفاعلتن
9	0x12D	فاعلاتن مفاعلتن
9	0x12E	مفاعیلن مفاعلتن
9	0x133	مستفعلتن مفتعلن
9	0x135	مستفاعلن مفتعلن
9	0x139	مفتعلاتن مفتعلن
9	0x13A	مفاعلاتن مفتعلن
9	0x13F	مفعولن مفعولن فَعِلن
9	0x149	مفتعلن فعلاتتن
9	0x14A	مفاعلن فعلاتتن
9	0x14B	مستفعلن فعلاتتن
9	0x14D	فاعلاتن فعلاتتن
9	0x152	مفاعلتن مفاعلن
9	0x153	مستفعلتن مفاعلن
9	0x154	فعلاتتن مفاعلن
9	0x155	فاعلاتتن مفاعلن

9	0x156	مفاعیلتن مفاعلن
9	0x159	مفتعلن فاعلاتتن
9	0x15A	مفاعلن فاعلاتتن
9	0x15B	مستفعلن فاعلاتتن
9	0x15F	مفعولاتن فاعلاتتن
9	0x165	فاعلن فعلن فاعلن
9	0x166	مَفاعیلُ مَفاعیلُ مَف
9	0x16A	مفاعلن فعولن مفا
9	0x16B	مستفعلن مفاعیلتن
9	0x16D	فاعلن *۳
9	0x173	مستفعلتن مستفعلن
9	0x174	فعلاتتن مستفعلن
9	0x176	فعولن فعولن فاعلن
9	0x177	فاعیلن مفاعیلن مفا
9	0x17A	مفاعلن مفعولاتتن
9	0x17B	مستفعلاتُن مستفعلا
9	0x17F	مفعولن مفعولن فاعلن
9	0x192	مفاعلتن فعلاتن
9	0x193	مستفعلتن مفاعیلن
9	0x194	فعلاتتن فعلاتن
9	0x195	فاعلاتتن فعلاتن
9	0x196	مفاعیلتن فعلاتن
9	0x199	مفتعلنمفتعلاتن
9	0x19A	مفاعلن مفتعلاتن
9	0x19C	فعلاتن مفتعلاتن
9	0x19D	فاعلاتن مفتعلاتن
9	0x19F	مفعولاتن مفتعلاتن
9	0x1A5	مستفاعلُ مستفاعلْ
9	0x1A6	فعولن متفاعلن فع
9	0x1A9	مفتعلن مفاعلاتن

مفاعلن مفاعلاتن	0x1AA	9
مستفعلنمفاعلاتن	0x1AB	9
فعلاتن مفاعلاتن	0x1AC	9
فاعلاتن مفاعلاتن	0x1AD	9
مفعولاتن مفاعلاتن	0x1AF	9
فعولُ فعولن فعولن	0x1B2	9
فعِلن فعلاتن فعولن	0x1B3	9
فعلاتتن فاعلاتن	0x1B4	9
فاعلاتتن فاعلاتن	0x1B5	9
فعولن *۳	0x1B6	9
مفاعلن مستفعلاتن	0x1BA	9
مستفعلن مستفعلاتن	0x1BB	9
فاعلاتن مستفعلاتن	0x1BD	9
مفتعلن فعلاتاتن	0x1C9	9
مفاعلن فعلاتاتن	0x1CA	9
مستفعلن فعلاتاتن	0x1CB	9
فعلاتن فعلاتاتن	0x1CC	9
فاعلاتن فعلاتاتن	0x1CD	9
مفعولن مفتعلن فع لن	0x1CF	9
مفاعلتن مفاعیلن	0x1D2	9
مستفعلتن مفاعیلن	0x1D3	9
فعلاتتن مفاعیلن	0x1D4	9
مستفاعلن مفاعیلن	0x1D5	9
مفاعیلتن مفاعیلن	0x1D6	9
فعِلاتن مفاعلن فعِلا	0x1D7	9
مفتعلن فاعلاتاتن	0x1D9	9
مستفعلن فاعلاتاتن	0x1DB	9
فاعلاتن فاعلاتاتُن	0x1DD	9
مفاعیلاتن مفاعیلا	0x1DE	9
فعلن فعلن مفعولن	0x1E4	9

فع‌لاتن فعلاتن فعلن	0x1E7	9
مفاعلن مفاعیلاتن	0x1EA	9
مستفعلن مفاعیلاتن	0x1EB	9
مفاعیلن مفاعیلاتن	0x1EE	9
مستفعلتن مفعولاتن	0x1F3	9
مفتعلاتن مفتع‌لاتن	0x1F9	9
فعلاتاتنمفعولاتن	0x1FC	9
فاعلاتاتنمفعولاتن	0x1FD	9
مفعولن ❊۳	0x1FF	9
مفتعلن فعلن فعلن	0x249	10
مستفعلن فعلن فعلن	0x24B	10
مفاعلتن ❊۲	0x252	10
مستفعلتن مفاعلتن	0x253	10
فعلاتتنمفاعلتن	0x254	10
فاعلاتتن مفاعلتن	0x255	10
مفاعیلتن مفاعلتن	0x256	10
فع‌لاتن مفاعلن فعلن	0x257	10
مفتعلاتن مفاعلتن	0x259	10
فعلن مستفعلن فعلن	0x25C	10
فاعلیاتن مفاعلتن	0x25D	10
مفاعیلُ مفاعیلُ مفا	0x266	10
فع‌لاتن فعلاتن فعلن	0x267	10
مفاعلن مفاعیلُ مفا	0x26A	10
مستفعِلَتن❊۲	0x273	10
فعلاتن مفعولن فَعَلن	0x27C	10
فاعلاتن مفعولن فَعَلن	0x27D	10
فعولُ فعولُ فعولُ فَع	0x292	10
فعلاتتن❊۲	0x294	10
فاعلاتتن فعلاتتن	0x295	10
مفاعیلتن فعلاتتن	0x296	10

مفاعلتن فعلاتتن	0x29A	10
علن مفتعلن مفاعلن	0x2A6	10
مفتعلن مفاعلن فعل	0x2A9	10
مفاعلن مفاعلن فَعَل	0x2AA	10
مستفعلن مفاعلن فعل	0x2AB	10
فعلاتن مفاعلن فعل	0x2AC	10
فاعلن فاعلن مفاعلن	0x2AD	10
مفاعلتن فاعلاتتن	0x2B2	10
مستفلعتن فاعلاتتن	0x2B3	10
فعلاتتن فاعلاتتن	0x2B4	10
فاعلاتتن*۲	0x2B5	10
مفاعیلتن فاعلاتتن	0x2B6	10
مستفعلن مستفعلن علن	0x2BB	10
مفاعیلاتن فاعلاتتن	0x2BE	10
مفتعلن فعلاتن فعل	0x2C9	10
مفاعلن فعلاتن فَعَل	0x2CA	10
فعلاتن فعلاتن فعل	0x2CC	10
فاعلاتن فعلاتن فعل	0x2CD	10
مفعولن مفتعلن فاعلن	0x2CF	10
فعلاتتن مفاعیلتن	0x2D4	10
مفاعیلتن * ۲	0x2D6	10
مفعولن مفاعلن فاعلن	0x2D7	10
مفتعلن فاعلن فاعلن	0x2D9	10
مفاعلن فاعلن فاعلن	0x2DA	10
مستفعلن فاعلن فاعلن	0x2DB	10
فاعلاتن فاعلاتن فعل	0x2DD	10
مستفعلن فعولن فاعلن	0x2EB	10
مفاعیلن مفاعیلن فعل	0x2EE	10
فعلن فاعلن //۲	0x2F7	10
مفتعلن مفعولن فاعلن	0x2F9	10

مفاعلن مفعولن فاعلن	0x2FA	10
فعلن فعلن فعلاتن	0x324	10
فع لن مفاعلن فعلاتن	0x32B	10
فاعلاتن فعل فعلاتن	0x32D	10
فع لن فعلاتن فعلاتن	0x333	10
مفتعلاتن*۲	0x339	10
مفاعلاتنمفتعلاتن	0x33A	10
مفاعلن فعلن فعولن	0x34A	10
مستفعلن فعلن فعولن	0x34B	10
فاعلن مفتعلن مفاعل	0x34D	10
مستفعلتن مفاعلاتن	0x353	10
فاعلات فاعلات فع لن	0x355	10
فعولن مفاعلن فعولن	0x356	10
مفتعلاتن مفاعلاتن	0x359	10
مفاعلاتن*۲	0x35A	10
مستفعلاتن مفاعلاتن	0x35B	10
فاعلاتن فاعلن فعولن	0x35D	10
مفعولن مستفعلن فعولن	0x35F	10
فاعلن فعلاتن فعولن	0x365	10
مستفعلن فعولن فعولن	0x36B	10
فاعلن فاعلن فاعلاتن	0x36D	10
مفاعیلتن مستفعلاتن	0x376	10
مستفعلاتن*۲	0x37B	10
فاعلاتن فاعلْ فاعلاتن	0x37D	10
فعل فعلن فعلن فعِلن	0x392	10
مستفعلتن فعلاتاتن	0x393	10
فعلاتاتن* ۲	0x394	10
فاعلاتتن فعلاتاتن	0x395	10
مفاعیلتن فعلاتاتن	0x396	10
مفتعلن مفتعلن فع لن	0x399	10

مفاعلن مفتعلن فع لن	0x39A	10
فعلاتاتُن ۲*	0x39C	10
مفعولاتاتن فعلاتاتن	0x39F	10
فاعلن فعلن مفاعیلن	0x3A5	10
مفتعلن مفاعلن فع لن	0x3A9	10
مفاعلن مفاعلن فعِلن	0x3AA	10
مستفعلن مفاعلن فع لن	0x3AB	10
فعلاتن مفاعلن فع لن	0x3AC	10
فاعلاتن مفاعلن فع لن	0x3AD	10
مفعولن فاعلن مفاعیلن	0x3AF	10
فعلاتتن فاعلاتاتن	0x3B4	10
فاعلاتتن فاعلاتاتن	0x3B5	10
فعولن فعولن مفاعیلن	0x3B6	10
مستفعلن مستفعلن فع لن	0x3BB	10
فاعلاتاتُن۲*	0x3BD	10
مفتعلن فعلاتن فع لن	0x3C9	10
مفاعلن فعلاتن فع لن	0x3CA	10
مستفعلن فعلاتن مستف	0x3CB	10
فعلاتن فعلاتن فع لن	0x3CC	10
فاعلاتن فعلاتن فع لن	0x3CD	10
فعلاتتن مفاعیلاتن	0x3D4	10
فاعلاتتن مفاعیلاتن	0x3D5	10
مفاعیلتن مفاعیلاتن	0x3D6	10
فاعلاتن فاعلاتن فاعل	0x3DD	10
مفاعیلاتن //۲	0x3DE	10
مستفعلن مفاعیلن فع لن	0x3EB	10
مستفعلتن مفعولاتاتن	0x3F3	10
فعلاتن فعِلاتن فعِلاتن	0x3FC	10
فاعلاتن فعِلاتن فعِلاتن	0x3FD	10
مفعولاتن مفعولن مفعولن	0x3FF	10

مفاعلتن فعلن فعلن	0x492	11
مستفعلتن فعلن فعلن	0x493	11
فعلاتتن فعلن فعلن	0x494	11
مفاعیتن فعلن فعلن	0x496	11
مفتعلن مفتعلن فَعَلن	0x499	11
مفاعلن مفتعلن فَعَلن	0x49A	11
مفتعلن مفاعلن فَعَلن	0x4A9	11
مستفعلن مفاعلن فَعَلن	0x4AB	11
فعلاتن مفاعلن فَعَلن	0x4AC	11
فاعلن فاعلن مفاعل فع	0x4AD	11
مفعولن فاعلاتُ مفتعلن	0x4AF	11
مفاعلتن مف مفاعلتن	0x4B2	11
فعلاتتن فاعلن فعلن	0x4B4	11
فعولن فعولن مفاعلتن	0x4B6	11
مستفعلن مستفعلن فَعَلن	0x4BB	11
مفتعلن فعلن مفتعلن	0x4C9	11
فعلاتن فعلاتن فَعَلن	0x4CC	11
فاعلاتن فعلاتن فعلن	0x4CD	11
فعلاتتن فعولن فعلن	0x4D4	11
مفتعلن فاعلن مفتعلن	0x4D9	11
فعلن فعلن مستفعلتن	0x4E4	11
فاعلن فعلاتن مفتعلن	0x4E5	11
مفعولاتن مفعولن مفتعلن	0x4FF	11
فعلن فعلن فعلن فعل	0x524	11
فاعلن فعلن فعلاتتن	0x525	11
مفتعلاتُ مفتعلاتُ مُفْ	0x529	11
فعلن فعولن فعلن فعو	0x534	11
مفاعلن فعلن مفاعلن	0x54A	11
مستفعلن فعلن مفاعلن	0x54B	11
فاعلاتن فعلن مفاعلن	0x54D	11

فعلن مفاعلن مفاعلن	0x554	11
فاعلن مفاعلن مفاعلن	0x555	11
فعولن مفاعلن مفاعلن	0x556	11
مفتعلاتن مفاعلن فعل	0x559	11
فعلاتاتن مفاعلن فعل	0x55C	11
فاعلن فعلاتن مفاعلن	0x565	11
فعولن فعلن فاعلاتتن	0x566	11
مفاعلن فعولن مفاعلن	0x56A	11
فعولن فعولن فاعلاتتن	0x576	11
مفاعلن مفعولن مفاعلن	0x57A	11
فعلتن فعلتن فاعلن	0x588	11
فاعلاتتن فعلاتن فعل	0x595	11
مفاعیلتن فعلاتن فعل	0x596	11
مفتعلن مفتعلن فاعلن	0x599	11
مفاعلن مفتعلن فاعلن	0x59A	11
مستفعلن فاعلُ مستفعلن	0x59B	11
مفتعلن مفاعلن فاعلن	0x5A9	11
مفاعلن مفاعلن فاعلن	0x5AA	11
مستفعلن مفاعلن فاعلن	0x5AB	11
فاعلاتن مفاعلن فاعلن	0x5AD	11
فعلاتتن فاعلن فاعلن	0x5B4	11
فاعلاتتن فاعلن فاعلن	0x5B5	11
فعولن فعولن فعولن فعل	0x5B6	11
مستفعلن مستفعلن فاعلن	0x5BB	11
فاعلاتن مستفعلن فاعلن	0x5BD	11
فعلاتن فعلاتن فاعلن	0x5CC	11
مستفعلتن فعولن فاعلن	0x5D3	11
مستفعلن فاعلاتن فاعلن	0x5DB	11
فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	0x5DD	11
مستفعلن مفاعیلن فاعلن	0x5EB	11

مستفعلتن مفعولن مستفعلن	0x5F3	11
مفتعلن فعلن فعلاتن	0x649	11
مستفعلن فعلن فعلاتن	0x64B	11
فاعلاتن فعلن فعلاتن	0x64D	11
مفاعلتن مفاعلتن مف	0x652	11
فاعلاتتن فعل فعلاتن	0x655	11
مفاعیلتن فعل فعلاتن	0x656	11
فاعلن فعلاتن فعلاتن	0x665	11
فعولن فعلاتن فعلاتن	0x666	11
مفاعلن فعولن فعلاتن	0x66A	11
فاعلن فاعلن مفتعلاتن	0x66D	11
تن مفتعلاتن مفتعلاتن	0x673	11
فعلاتتن * ۲	0x694	11
فاعلاتتن فعلن فعولن	0x695	11
مفاعیلتن فعلن فعولن	0x696	11
مفتعلن مفتعلن فعولن	0x699	11
مفاعلن مفتعلن فعولن	0x69A	11
فعلن فعولن فعلن فعولن	0x69B	11
فاعلن فعلاتتن فعولن	0x6A5	11
فعولن فعلاتتن فعولن	0x6A6	11
فعلن مفتعلن مفاعلاتن	0x6A7	11
مفتعلن مفاعلن فعولن	0x6A9	11
مفاعلن مفاعلن فعولن	0x6AA	11
مستفعلن مفاعلن فعولن	0x6AB	11
فاعلاتن مفاعلن فعولن	0x6AD	11
علن فعلاتن مفاعلن فع	0x6B2	11
مستفعلتن فاعلن فعولن	0x6B3	11
فعلاتتن فاعلن فعولن	0x6B4	11
فاعلاتتن فاعلن فعولن	0x6B5	11
فعولن فعولن مفاعلاتن	0x6B6	11

مستفعلن مستفعلن فعولن	0x6BB	11
مفتعلن فعلاتن فعولن	0x6C9	11
مفاعلن فعلاتن فعولن	0x6CA	11
مستفعلن فعلاتن فعولن	0x6CB	11
علاتن مفاعلاتن علاتن	0x6D6	11
مفتعلن فاعلاتن فعولن	0x6D9	11
مستفعلن فاعلاتن فعولن	0x6DB	11
فاعلاتن فاعلن فاعلاتن	0x6DD	11
مستفعلن مفاعیلن فعولن	0x6EB	11
فاعلن فاعلاتن فاعلاتن	0x6ED	11
مفاعیلن مفاعیلن فعولن	0x6EE	11
مفعولاتن مفاعیلن فعولن	0x6EF	11
مستفعلاتن مس//مستفعلاتن	0x6FB	11
فعلن فعلن فعلاتاتن	0x724	11
فاعلن فعلن فعلاتاتن	0x725	11
مفعول فاعلات مفاعیلن	0x72B	11
فع لن فعلاتن فعلاتاتن	0x733	11
فاعلاتتن مفتعلن فع لن	0x735	11
مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْ	0x739	11
مفعولن مفعولن فعلاتاتن	0x73F	11
مفاعلن فعلاتُ مفعولن	0x74A	11
مستفعلن فعلن مفاعیلن	0x74B	11
فع لن فعلاتتن مفاعیلن	0x753	11
مفاعیلتن مفاعلن فع لن	0x756	11
مفتعلن فاعلن مفاعیلن	0x759	11
مفاعلاتن مفاعلاتن مَفْ	0x75A	11
مستفعلن فاعلن مفاعیلن	0x75B	11
مفاعیلن فاعلن مفاعیلن	0x75E	11
فاعلن فعلن مفاعیلن	0x765	11
مستفعلن فعولن مفاعیلن	0x76B	11

11	0x76D	فاعلن فاعلن فاعلن فع لن
11	0x776	فعولن مفاعیلن مفاعیلن
11	0x77B	مستفعلاتن مستفعلاتن مس
11	0x77D	فاعلاتن مفعولن مفاعیلن
11	0x799	مفتعلن مفتعلن مفعولن
11	0x79A	مفاعلن مفتعلن مفتعْلن
11	0x79C	فعلیاتن فعلیاتن فع
11	0x79F	مفعولاتن مفتعلن مفعولن
11	0x7A9	مفتعلن مفاعلن مفعولن
11	0x7AB	مستفعلن مفاعلن مفعولن
11	0x7AC	فعلاتن مفاعلن مفعولن
11	0x7AD	فاعلاتن مفاعلن مفعولن
11	0x7AF	مفعولاتن مفاعلن مفعولن
11	0x7B6	فعولن فعولن مفاعیلاتن
11	0x7BB	مستفعلن مستفعلن مفعولن
11	0x7BD	فاعلاتن مستفعلن مفعولن
11	0x7CB	مستفعلن فعلاتن مستفعل
11	0x7CC	فعلاتن فعلاتن مفعولن
11	0x7CD	فاعلاتن فعلاتن فعِلاتن
11	0x7DD	فاعلاتن فاعلاتن مفعولن
11	0x7F3	مستفعلتن مفعولن مفعولن
11	0x7FD	فاعلاتن مفعولن مفعولن فَع
11	0x7FF	مفعولن مفعولن مفعولن فع لن
12	0x888	فعلتن * ۳
12	0x924	فعلن * ۴
12	0x93A	مفاعلاتن مفتعلن فعلن
12	0x94B	مستفعلن فعلن مفاعلتن
12	0x953	مستفعلُ فاعلاتُ مفتعلن
12	0x955	فاعلاتتن مفاعلن فعلن
12	0x959	مفتعلن فاعلاتتن فعلن

12	0x95A	مفاعلن فاعلاتتن فعلن
12	0x965	فاعلن فعلن//۲
12	0x976	فعولن فعولن فاعلن فعلن
12	0x999	مفتعلن * ۳
12	0x99A	مفاعلن مفتعلن مفتعلن
12	0x99F	مفعولاتن مفتعلن مفتعلن
12	0x9A6	فعولن فعلن//۲
12	0x9A9	مفتعلن مفاعلن مفتعلن
12	0x9AA	مفاعلن مفاعلن مفتعلن
12	0x9AF	مفعولاتن مفاعلن مفتعلن
12	0x9BB	مستفعلن مستفعلن مفتعلن
12	0x9CE	مَفاعیلاتُ مَفاعیلاتُ مَفا
12	0x9E7	مفعولن فعلن//۲
12	0x9F3	مستفعلتن مفعولن مفتعلن
12	0x9FF	فع‌لاتن فع‌لاتن فع‌لاتن فعلن
12	0xA49	لن فعلن فعلن فعلن فعل
12	0xA52	مفاعلتن مفاعلتن مفا
12	0xA5A	مفاعلن فاعلاتُ مفاعلن
12	0xA66	فعولن فعلاتن فعلاتتن
12	0xA69	مفتعلن فعل//۲
12	0xA6A	مفاعلن فعولن فعلاتتن
12	0xA94	متفاعلن متفاعلن مُتَفْ
12	0xA99	مفتعلن مفتعلن مفاعلن
12	0xA9A	مفاعلن مفتعلن مفاعلن
12	0xA9B	مستفعلن مفتعلن مفاعلن
12	0xAA9	مفتعلن مفاعلن مفاعلن
12	0xAAA	مفاعلن *۳- مفاعلن فعل *۲
12	0xAAB	مستفعلن مفاعلن مفاعلن
12	0xAAC	فعلاتن مفاعلن مفاعلن
12	0xAB2	علن فعلاتن مفاعلن فعل

مستفعلن مستفعلن مفاعلن	0xABB	12
مفاعلن فعلاتن مفاعلن	0xACA	12
مستفعلن فعلاتن مفاعلن	0xACB	12
فعلاتن فعلاتن مفاعلن	0xACC	12
مفاعلن فاعلاتن مفاعلن	0xADA	12
فاعلاتن فاعلاتن مفاعلن	0xADD	12
مستفعلن فعل ❊۲	0xAEB	12
مفاعلاتن مفعولن مفاعلا	0xAFA	12
مستفعلن مفاعلتن فاعلن	0xB2B	12
فعلاتن فعل//۲	0xB2C	12
مستفعلتن مفتعلن فاعلن	0xB33	12
مستفعلن فعلاتتن فاعلن	0xB4B	12
فعلاتن فعلاتتن فاعلن	0xB4C	12
لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن	0xB53	12
مفاعلاتن مفاعلاتن فعل	0xB5A	12
مستفعلن فاعلاتتن فاعلن	0xB5B	12
فاعلاتن فاعلاتتن فاعلن	0xB5D	12
فعولن فعلاتن مفاعیلتن	0xB66	12
مستفعلن مفاعیلتن فاعلن	0xB6B	12
فاعلن ❊ ۴	0xB6D	12
فعلیاتن فعلیاتن فعل	0xB9C	12
مستفعلن مفاعلن مستفعلن	0xBAB	12
علن مستفعلن//۲	0xBAE	12
فعولن فعولن فعولن فاعلن	0xBB6	12
مفتعلن مستفعلن مستفعلن	0xBB9	12
مفاعلن مستفعلن مستفعلن	0xBBA	12
مستفعلن ❊۳	0xBBB	12
فاعلاتن مستفعلن مستفعلن	0xBBD	12
مستفعلن فعلاتن مستفعلن	0xBCB	12
مستفعلن فاعلاتن مستفعلن	0xBDB	12

فاعلاتن فاعلاتن مستفعلن	0xBDD	12
مفعولن فاعلن ❊۲	0xBEF	12
مفتعلن مفتعلن فعلاتن	0xC99	12
مفاعلن مفتعلن فعلاتن	0xC9A	12
مفاعلن مفاعلن فعلاتن	0xCAA	12
مستفعلن مفاعلن فعلاتن	0xCAB	12
فعلاتن مفاعلن فعلاتن	0xCAC	12
فاعلاتن مفاعلن فعلاتن	0xCAD	12
مفعولاتن مفاعلن فعلاتن	0xCAF	12
فعل فعلاتن ❊۲	0xCB2	12
فعلاتتن فاعلن فعلاتن	0xCB4	12
مستفعلن مستفعلن فعلاتن	0xCBB	12
مفتعلن فعلاتن فعلاتن	0xCC9	12
مفاعلن فعلاتن فعلاتن	0xCCA	12
فعلاتن ❊ ۳	0xCCC	12
فاعلاتن فعلاتن فعلاتن	0xCCD	12
مفعولاتن فعلاتن فعلاتن	0xCCF	12
فعلاتتن فعولن فعلاتن	0xCD4	12
مفتعلن فاعلن مفتعلاتن	0xCD9	12
فع لن فعلاتن ❊۲	0xCF3	12
مفعولن مفعولن فع لن فعلاتن	0xCFF	12
مفاعلن مفاعلتن فعولن	0xD2A	12
مفاعیلن مفاعلتن فعولن	0xD2E	12
فعلن فعولن ❊ ۲	0xD34	12
فعلاتن فعلاتتن فعولن	0xD4C	12
فاعلاتن فعلاتتن فعولن	0xD4D	12
فاعلاتتن مفاعلن فعولن	0xD55	12
مفتعلن فاعلاتتن فعولن	0xD59	12
مستفعلاتن مفاعلن فعولن	0xD5B	12
فاعلن فعلاتن مفاعلاتن	0xD65	12

فعولن فعلاتن مفاعلاتن	0xD66	12
فاعلن فعولن ❋۲	0xD75	12
فعولن فعولن فاعلن فعولن	0xD76	12
مفاعلن مفعولن مفاعلاتن	0xD7A	12
فاعلاتتن فعلاتن فعولن	0xD95	12
مفتعلن مفتعلن فاعلاتن	0xD99	12
مفاعلن مفاعلن فاعلاتن	0xDAA	12
فاعلاتن مفاعلن فاعلاتن	0xDAD	12
فاعلاتُ مستفعلن فاعلاتن	0xDB5	12
فعولن ❋۴	0xDB6	12
مستفعلن مستفعلن فاعلاتن	0xDBB	12
فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن	0xDBD	12
مستفعلن فعلن//مستفعلن فع	0xDCB	12
مفاعلتن مفاعيلن فعولن	0xDD2	12
مفتعلن فاعلاتن فاعلاتن	0xDD9	12
مفاعلن فاعلاتن فاعلاتن	0xDDA	12
مستفعلن فاعلاتن فاعلاتن	0xDDB	12
فاعلاتن ❋ ۳	0xDDD	12
مستفعلن فعولن مستفعلاتن	0xDEB	12
مفاعيلن مفاعيلن فاعلاتن	0xDEE	12
مفعولن فعولن//۲	0xDF7	12
فاعلاتُ فاعلاتُ مفاعيلن	0xE55	12
فاعلن مفاعلن فعلياتن	0xE56	12
مفتعلن فاعلن فعلاتاتن	0xE59	12
مفاعيلُ مفاعيلُ مفاعيلن	0xE66	12
فع‌لاتن فعلاتن فعلاتن فع	0xE67	12
مفعولن فاعلن مفتعلن فع لن	0xE6F	12
مستفعلتن مستفعلتن مستف	0xE73	12
مفتعلن فع لن ❋۲	0xE79	12
فعلاتن مفعولن فعلاتاتن	0xE7C	12

فاعلاتن مفعولن فعلاتاتن	0xE7D	12
مفاعیلتن فعلن مفاعیلن	0xE96	12
مفتعلن مفتعلن مفاعیلن	0xE99	12
فعولن متفاعلن فعولن مت	0xEA6	12
فعولُ فعولن فعولُ مفعولن	0xEB2	12
مستفعلتن فاعلن مفاعیلن	0xEB3	12
مستفاعلُن مستفاعلُن مُسْتَفْ	0xEB5	12
فعولن فعولن فعو فعولن فع	0xEB6	12
مفاعلن فع لن ❊ ۲	0xEBA	12
عولن فعولن فعولن فعولن فَع	0xEDB	12
فاعلاتن فاعلاتن مفاعیلن	0xEDD	12
مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن	0xEDE	12
فاعلاتن مفاعیلن مفاعیلن	0xEED	12
مفاعیلن❊۳	0xEEE	12
مستفعلن فع لن ❊۲	0xEFB	12
فاعلاتن مفاعلتن مفعولن	0xF2B	12
مستفعلتن مفتعلن مفعولن	0xF33	12
مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْتَعْ	0xF39	12
فعلاتن فع‌لا//۲	0xF3C	12
فاعلاتن فع‌لن فعلاتن فع‌لن	0xF3D	12
فع‌لاتن فع‌لاتن فعلاتن فع‌لن	0xF3F	12
مستفعلن متفاعلن مستفعل	0xF4B	12
مستفعلتن مفاعلن مفعولن	0xF53	12
فاعلاتتن مفاعلن مفعولن	0xF55	12
مفتعلاتن مفاعلن مفعولن	0xF59	12
مفاعیلن فاعلاتتن مفعولن	0xF5E	12
فعلاتن فعلن فاعلاتن فعلن	0xF7C	12
فاعلاتن فع لن ❊۲	0xF7D	12
مفتعلن مفتعلن مفعولن فَع	0xF99	12
فعلیاتن فعلیاتن فعلی	0xF9C	12

لاتن فع‌لاتن فعلاتن فع‌لاتن	0xF9F	12
فعولن مفعولن//۲	0xFBE	12
فعلاتن فعلاتن مفعولاتن	0xFCC	12
فاعلاتن فعلاتن مفعولاتن	0xFCD	12
مفعولاتن فاعلاتن مفعولاتن	0xFDF	12
فع‌لاتن فعلاتن فع‌لاتن فعلن	0xFE7	12
فع لن فعلاتن مفعولن مفعولن	0xFF3	12
فعلاتن فع‌لاتن فع‌لاتن فع‌لا	0xFFC	12
فاعلاتن مفعولن مفعولن فع لن	0xFFD	12
مفعولن*۴	0xFFF	12
مفتعلن فعلن فعلن فعلن	0x1249	13
مفاعلن علن مفتعلن مفتعلن	0x126A	13
متفاعلن متفاعلن مُتَفا	0x1294	13
فعلاتن مفاعلن مفاعلتن	0x12AC	13
مفاعلتن فاعلاتتن فعلن	0x12B2	13
فع لن فعلاتن مفاعلن فعلن	0x12B3	13
مفتعلاتن فاعلاتُ مفتعلا	0x12B9	13
مفاعلن فعلاتن مفاعلتن	0x12CA	13
مستفعلتن مفتعلن مفتعلن	0x1333	13
فاعلاتن فع لن فعلاتن فَعَلن	0x133D	13
فع‌لاتن فع‌لاتن فعلاتن فعلن	0x133F	13
مستفعلتن مفاعلن مفتعلن	0x1353	13
مفاعیل فعولن//مفاعیل فعل	0x1366	13
فاعلاتن فع لن فاعلاتن فَعَلن	0x137D	13
فعلیاتن فعلیاتن فعلی	0x139C	13
مفعولن فعلاتن مفعولن فعلا	0x13E7	13
فعلاتن مفعولن مفعولن فَعَلن	0x13FC	13
فاعلاتن مفعولن مفعولن فَعِلن	0x13FD	13
مفتعْلن مفتعْلن مفتعْلن مفتعلن	0x13FF	13
فاعلن فَعِلن فَعَل فَعِلن فَعَل	0x14A5	13

13	0x14AB	مستفعلن مفاعلن فعلاتتن
13	0x14B4	فعلاتتن فاعلن فعلاتتن
13	0x14BB	مستفعلن مستفعلن فعلاتتن
13	0x14D4	فعلاتُ فاعلاتن فعلاتُ فا
13	0x1533	مستفعلتن مفتعلن مفاعلن
13	0x1553	مستفعلتن مفاعلن مفاعلن
13	0x1555	فاعلاتتن مفاعلن مفاعلن
13	0x155A	مفاعلاتن مفاعلا// مفاعلا
13	0x1565	فاعلن فعلاتن مفاعلن فعل
13	0x1566	فعولن فعلاتن مفاعلن فعل
13	0x1595	فاعلاتُ مفتعلن فاعلاتُ فَع
13	0x1599	مفتعلن مفتعلن فاعلاتتن
13	0x159B	مستفعلن مفتعلن مستفاعلن
13	0x15AA	مفاعلن مفاعلن فاعلاتتن
13	0x15AC	فعلاتن مفاعلن فاعلاتتن
13	0x15B5	فاعلاتتن فاعلن فاعلاتتن
13	0x15EB	مستفعلن فعولن مستفعلن فَعَل
13	0x15FF	مفتعْلن مفتعْلن مفتعْلن مفاعلن
13	0x1656	علاتن مفاعلن فعلاتن مفا
13	0x1666	مَفاعیلُ مَفاعیلُ مَفاعیلُ مَف
13	0x166F	مفعولن فاعلن مفتعلن فاعلن
13	0x1696	مفاعیلتن فعلن مفاعیلتن
13	0x16A6	فعل مفتعلن مفاعلن فاعلن
13	0x16AF	مفعولن فاعلن مفاعلن فاعلن
13	0x16B5	مستفاعلن مستفاعلن مستفا
13	0x16B6	مفاعیلتن فاعلن مفاعیلتن
13	0x16BB	مستفعلن مستفعلن مفاعیلتن
13	0x16DB	مستفعلن مستفعلن مفاعیلتن
13	0x1739	مفتعلاتن مفتعلاتن فاعلن
13	0x174B	مستفعلن فعلاتتن مستفعلن

فعلاتن مستفعلن مستفعلن	0x1774	13
فعولن فعولن فعولن مستفعلن	0x17B6	13
مفتعلن فاعلن مفعولن فاعلن	0x17D9	13
مفاعلن فاعلن مفعولن فاعلن	0x17DA	13
مفعولاتن فاعلاتن مفعولاتن	0x17DF	13
مفعولن فَعَلن مفعولن مستفعلن	0x17E7	13
فَعَلن فَعَلن فَعَلن فَعَلاتن	0x1924	13
مستفعلن متفاعلن فعلاتن	0x194B	13
فاعلاتُ فاعلاتُ مفتعلن فَع	0x1955	13
مفتعلن فاعلات مفتعلاتن	0x1959	13
مفاعلن فاعلاتن فعلاتن	0x195A	13
مفاعلتن فعِلن مفاعلتن فع	0x1972	13
متفاعلن مستفعلن متفاعلْ	0x1974	13
فاعلاتُ مفتعلن مفتعلن فَع	0x1995	13
مفتعلن مفتعلن مفتعلاتن	0x1999	13
مفاعلاتن فعلاتن فعلاتن	0x199A	13
فع لن مفعولن فعلاتن فعلاتن	0x199F	13
مفتعلن مفاعلن مفتعلاتن	0x19A9	13
مفاعلن مفاعلن مفتعلاتن	0x19AA	13
مفتعلن فعلاتن مفتعلاتن	0x19C9	13
فع لن فعلاتاتن فعلن فعلاتن	0x19F3	13
مفعولن مفعولن مفعولن فعلاتن	0x19FF	13
مفاعلتن مفاعلتن فعولن	0x1A52	13
علن مفاعلن مفتَعلن مفاعل	0x1A6A	13
مفتعلن مفتعلن مفاعلاتن	0x1A99	13
مفاعلن مفتعلن مفاعلاتن	0x1A9A	13
مفتعلن مفاعلن مفاعلاتن	0x1AA9	13
مفاعلن مفاعلن مفاعلاتن	0x1AAA	13
مستفعلن مفاعلن مفاعلاتن	0x1AAB	13
فعلاتن مفاعلن مفاعلاتن	0x1AAC	13

مستفعلن مستفعلن مفاعلاتن	0x1ABB	13
مفاعلن فعلاتن مفاعلاتن	0x1ACA	13
فعلاتن فعلاتن مفاعلاتن	0x1ACC	13
مفاعیلتن مفاعیلتن فعولن	0x1AD6	13
فاعلاتن فاعلاتن مفاعلاتن	0x1ADD	13
مفاعلاتن مفعولن مفاعلاتن	0x1AFA	13
مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فع لن	0x1B2B	13
مفعولُ مفاعلن فعولن فعولن	0x1B53	13
مفاعلاتن مفاعلاتن مَفاعِلْ	0x1B5A	13
مستفعلن فاعلاتُ مستفعلن فا	0x1B5B	13
فاعلن فاعلن فاعلن فاعلاتن	0x1B6D	13
فعولن مفاعیلن فعولن فعولن	0x1B76	13
مستفعلن مفاعلن مستفعلاتن	0x1BAB	13
فعولن فعولن فعولن فاعلاتن	0x1BB6	13
مفتعلن مستفعلن مستفعلاتن	0x1BB9	13
مستفعلن مستفعلن مستفعلاتن	0x1BBB	13
مستفعلن فعلاتن مستفعلن فع	0x1BCB	13
مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فا	0x1BDB	13
مفاعیلاتن مفاعیلاتن مفاعیل	0x1BDE	13
مفاعلن مفاعلن فعلاتاتن	0x1CAA	13
فعلاتن مفاعلن فعلاتاتن	0x1CAC	13
فعلاتن فعلاتن فعلاتاتن	0x1CCC	13
فاعلاتن فعلاتن فعلاتاتن	0x1CCD	13
فعلاتُ فاعلاتن فعلاتاتن	0x1CD4	13
مفتعلن فاعلن مفتعلن فع لن	0x1CD9	13
مفتعلن مفتعِلن مفتعلن مفتع	0x1CF9	13
مفعولن مفعولن مفعولُ مفاعیلن	0x1CFF	13
فعلاتن فَعِلن فَعَل مفاعیلن	0x1D4C	13
فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن فَع	0x1D4D	13
مفتعلن فاعلن مفاعلن فع لن	0x1D59	13

مفاعلن فاعلن مفاعلن فع لن	0x1D5A	13
فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلاتن فَع	0x1D65	13
مفاعلن مفعولن مفاعلن فع لن	0x1D7A	13
فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن فَ	0x1DB6	13
مستفعلن فعلن مستفعلن فعلن	0x1DCB	13
فعلاتن فعلاتن فاعلاتن فع	0x1DCC	13
فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن فع	0x1DCD	13
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتاتن	0x1DDD	13
فعِلاتن فعلاتن فعلاتن فعِلن	0x1E67	13
مستفعلتن مستفعلتن مُسْتَفْعِل	0x1E73	13
فعلاتن مفعولن فعلاتن فع لن	0x1E7C	13
فاعلاتن مفعولن فعلاتن فع لن	0x1E7D	13
مفعولن مفعولن مفتعلن مفعولن	0x1E7F	13
مفعولن مفعولن مفاعلن مفعولن	0x1EBF	13
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مف	0x1EEE	13
مستفعلُ مستفعلُ مفعولن فع لن	0x1F33	13
مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْتَعِلا	0x1F39	13
فعولن مفعولن فعلاتن مفعولن	0x1F3E	13
مفعولن مفعولن فعلاتن مفعولن	0x1F3F	13
مفتعلن فاعلاتُ مفعولن فع لن	0x1F59	13
فعولن فعلاتن فعولن مفعولن	0x1F66	13
فعلاتن فعلاتن مفعولن فع لن	0x1FCC	13
فاعلاتن فعلاتن فعِلاتن فعِلا	0x1FCD	13
مفعولن مفتعلن مفعولن مفعولن	0x1FCF	13
مفعولن مفاعلن مفعولن مفعولن	0x1FD7	13
فعولن فعلاتن مفعولن مفعولن	0x1FE6	13
فعِلاتن فعلاتن فعِلاتن فعِلاتن	0x1FE7	13
مستفعلُ مفعولن مفعولن مفعولن	0x1FF3	13
مفتعلن مفعولن مفعولن مفعولن	0x1FF9	13
مفاعلن مفعولن مفعولن مفعولن	0x1FFA	13

فعلاتن مفعولن مفعولن مفعولن	0x1FFC	13
فاعلاتن مفعولن مفعولن مفعولن	0x1FFD	13
مفعولن مفعولن مفعولن مفعولن فَع	0x1FFF	13
فعلتن فعلن ❊۲	0x2448	14
فعلتن فاعلن فعلتن فعلن	0x2458	14
مفتعلن فعلن ❊۲	0x24C9	14
مفاعلتن، مفاعلتن	0x252B	14
مفاعلن فعلن ❊۲	0x254A	14
مستفعلن فعلن مفاعلن فعلن	0x254B	14
فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلاتُ فَعَل	0x2565	14
مفاعلن مفعولن مفاعلن فعلن	0x257A	14
مفاعلن فعلن مستفعلن فعلن	0x25CA	14
مستفعلن فَعِلن ❊۲	0x25CB	14
مستفعلن فاعلن مستفعلن فعلن	0x25DB	14
فعلاتن فعلن ❊۲	0x264C	14
فاعلاتن فَعَلن فعلاتن فَعَلن	0x264D	14
فعلا فعلاتن فعلاتن فعلا	0x2664	14
مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعَل	0x2666	14
فع‌لاتن فعلاتن فعلاتن فعلن	0x2667	14
فعلاتن مفعولن فعلاتن فَعَلن	0x267C	14
فاعلاتن مفعولن فعلاتن فَعَلن	0x267D	14
مفعولن مفعولن مفتعلن مفتعلن	0x267F	14
علن مفتعلن مفاعلن مفتعلن	0x26A6	14
مفعولن مفعولن مفاعلن مفتعلن	0x26BF	14
فعلاتن فَعَلن فاعلاتن فَعَلن	0x26CC	14
فاعلاتن فَعِلن ❊۲	0x26CD	14
فعلاتن فع‌لاتن فاعلاتن فعلا	0x26FC	14
فاعلاتن فع‌لاتن فاعلاتن فعلا	0x26FD	14
مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْتَعِلا	0x2739	14
فعلاتن فعِلن فعلاتن مفتعلن	0x273C	14

14	0x274E	مفاعیلن فعلن//۲
14	0x27CC	فعلاتن فعلاتن مفعولن فَعَلن
14	0x27CD	فاعلاتن فعلاتن مفعولن فَعَلن
14	0x27CF	مفعولن مفتعلن ❊۲
14	0x27D7	مفعولن مفاعلن مفعولن مفتعلن
14	0x27F9	مفتعلن مفتعْلن مفتعْلن مفتعلن
14	0x27FA	مفاعلن مفتعْلن مفتعْلن مفتعلن
14	0x2924	فعِلن فعِلن فعِلن فعِلن فعل
14	0x2952	مفاعلتن فعل ❊ ۲
14	0x2956	فعولن مفاعلن فعولُ مفاعلن
14	0x2974	فعلاتتن مستفعلن فعلاتتن
14	0x2976	فعولن مفاعیلن فعولُ مفاعلن
14	0x29A9	مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفا
14	0x29D3	مستفعل فاعلن ❊۲
14	0x2A52	مفاعلتن مفاعلتن مفاعلن
14	0x2A54	متفاعلن فعل//۲
14	0x2A6A	علن مفاعلن مفتعلن مفاعلن
14	0x2A7F	مفعولن مفعولن مفتعلن مفاعلن
14	0x2AAA	مفاعلن مفاعلن مفاعلن فَعَل
14	0x2ABF	مفتعْلن مفتعْلن مفاعلن مفاعلن
14	0x2ACA	مفاعلن فعلاتن مفاعلن فَعَل
14	0x2AD5	فاعلاتُ فاعلن ❊۲
14	0x2B2A	مفاعلن فَعَل فعلاتن مفاعلن
14	0x2B2B	مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
14	0x2B55	فاعلاتُ فاعلاتُ فا// فاعلاتُ فا
14	0x2B56	مفاعیل فاعلن ❊۲
14	0x2B5A	مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلا
14	0x2B72	مفاعلتن فعِلن مفاعیلتن فعل
14	0x2B76	مفاعیل مفعولن مفاعیل فاعلن
14	0x2BAC	فعلاتن مفاعلن//فعِلن مفاعلن

مستفعلن فعلاتن مستفعلن فعل	0x2BCB	14
مفعولن مفتعلن مفعولن مفاعلن	0x2BCF	14
فعولن مفاعلن مفعولن مفاعلن	0x2BD6	14
مفعولن مفاعلن ❊ ۲	0x2BD7	14
مفتعلن مفتعْلن مفتعْلن مفاعلن	0x2BF9	14
مفاعلن مفتعْلن مفتعْلن مفاعلن	0x2BFA	14
فعلاتن مفاعلن فعلاتن مفا	0x2CAC	14
فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعل	0x2CCC	14
فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فَعَل	0x2CCD	14
مفتعلن فاعلن ❊۲	0x2CD9	14
مفاعلن فاعلن//مفتعلن فاعلن	0x2CDA	14
فاعلن مفتعلن مفاعلن مفتعل	0x2D4D	14
مفتعلن فاعلن مفاعلن فاعلن	0x2D59	14
مفاعلن فاعلن ❊۲	0x2D5A	14
مفتعلن مفتعلن فاعلن فاعلن	0x2D99	14
فعولنفعولنفعولنفعولنفَعل	0x2DB6	14
مستفعلن فاعلن ❊۲	0x2DDB	14
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعل	0x2DDD	14
مستفعلن فعولن مستفعلن فاعلن	0x2DEB	14
مفتعلن فعلاتُ فعولن فاعلن	0x2E49	14
فعلاتن فاعلن//۲	0x2E5C	14
مستفعلتن مستفعلتن مستفعلت	0x2E73	14
متفعلن فعِلن مفتعلن فعِلن فعل	0x2E79	14
فاعلاتن فاعلن ❊۲	0x2EDD	14
فاعلن فاعلن مستفعلن مستفعلن	0x2EED	14
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعل	0x2EEE	14
مفاعیلن فاعلن ❊۲	0x2F5E	14
مفعولاتن فاعلن ❊۲	0x2FDF	14
مفتعلن فعلن فعلن فعلاتن	0x3249	14
فعلات فعولن ❊۲	0x3264	14

فعلاتتن فعلاتتن فعلاتن	0x3294	14
فعلاتن مفاعلاتن فعل فعلاتن	0x32AC	14
مفاعلتن فاعلن مفاعلتن فع	0x32B2	14
فاعلاتُ فعولن ❊۲	0x32E5	14
مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن	0x3333	14
فعولن مفعولن فعلاتن فعلاتن	0x333E	14
فع‌لاتن فع‌لاتن فعلاتن فعلاتن	0x333F	14
مفعولُ مفاعلن مفاعیلُ فعولن	0x3353	14
مفعولن مستفعلن فعولن فعلاتن	0x335F	14
مفاعیل فعولن ❊۲	0x3366	14
مستفعلُ مفتعلن مستفعلُ فع لن	0x3393	14
فعلیاتن فعلیاتن فعلیا	0x339C	14
فعولن فعلاتن مفعولن فعلاتن	0x33E6	14
مفعولن فعلاتن//۲	0x33E7	14
مستفعلن مفاعیلن مستفعلُ فع‌لن	0x33EB	14
فعلاتن مفعولن مفعولن فعلاتن	0x33FC	14
فاعلاتن فع‌لاتن فع‌لاتن فعلاتن	0x33FD	14
مستفاعلُ مستفاعلُ مستفاعلْ	0x34A5	14
مستفعلن مستفعلن فعلاتُ فع لن	0x34BB	14
فعلات فاعلاتن فعلات فع لن	0x34D4	14
مفتعلن فعولن ❊۲	0x34E9	14
فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فع لن	0x3555	14
مفاعلاتن مفاعلن مفاعلاتن	0x355A	14
مفاعلن فعولن ❊۲	0x356A	14
فاعلاتن فعولن مفاعلن فعولن	0x356D	14
تن مفاعلن فعلاتن مفاعلن فع	0x3595	14
فعلاتن مفاعلن فَع مفاعلن فَع	0x35AC	14
مستفعلن فعولن ❊۲	0x35EB	14
مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فع لن	0x3656	14
فعلاتن فعولن//۲	0x366C	14

مفاعیلُ مفتعلن مفاعیلُ فع لن	0x3696	14
مفتعلن مفتعلن فعولن فعولن	0x3699	14
فاعلاتتن فاعلاتتن فاعلاتن	0x36B5	14
مفاعلن فعلاتن فعولن فعولن	0x36CA	14
مفاعیلُ فاعلاتن مفاعیلُ فع لن	0x36D6	14
مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ فع لن	0x36DB	14
فاعلاتن فعولن ❊۲	0x36ED	14
فاعلن فاعلن فاعلاتن فاعلاتن	0x376D	14
مفاعیلن فعولن ❊۲	0x376E	14
فاعلیاتن فاعلیاتن فاعلیا	0x37BD	14
مفعولن فاعلاتن//۲	0x37EF	14
مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع لن	0x3959	14
مفاعلُ مفعولن ❊۲	0x3972	14
فعولن مفاعیلن فعولُ مفاعیلن	0x3976	14
مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتع	0x3999	14
مستفعلُ مفعولن ❊۲	0x39F3	14
مفعولن مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن	0x39F7	14
مفاعلن مفاعیلُ مفاعلن فعِلن	0x3A6A	14
فعلاتُ مفعولن ❊۲	0x3A74	14
مفاعلن مفتعلن مفاعلن فع لن	0x3A9A	14
مفتعلن مفاعلن مفاعلن فع لن	0x3AA9	14
مفاعلن مفاعلن مفاعلن فعِلن	0x3AAA	14
مفاعلن فعلاتن مفاعلن فع لن	0x3ACA	14
فاعلاتُ مفعولن ❊۲	0x3AF5	14
فاعلن ❊۴ فع لن	0x3B6D	14
مفاعیل مفعولن ❊۲	0x3B76	14
فعولن فعولنمفاعیلن مفاعیلن	0x3BB6	14
مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع لن	0x3BBB	14
مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فع لن	0x3BDB	14
مفعولُ مفاعیلن مفعولن مفاعیلن	0x3BF3	14

14	0x3BF7	مفعولات مفعولن ❋۲
14	0x3CCC	فعلاتن ❋۳ فع لن
14	0x3CCD	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فع لن
14	0x3CCF	مفتعِلْن مفتعلن مفتعلن مفتعِلْن
14	0x3CD7	مفتعِلْن مفاعلن مفتعلن مفتعِلْن
14	0x3CF9	مفتعلن مفعولن ❋۲
14	0x3CFA	مفاعلن مفتعِلْن مفتعلن مفتعِلْن
14	0x3D4F	مفتعِلْن مفتعلن مفاعلن مفتعِلْن
14	0x3D53	مفعولُ مفاعلن مفاعلن مفعولن
14	0x3D57	مفتعِلْن مفاعلن مفاعلن مفتعِلْن
14	0x3D79	مفتعلن مفتعِلْن مفاعلن مفتعِلْن
14	0x3D7A	مفاعلن مفعولن ❋۲
14	0x3DDD	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعل
14	0x3DEF	مفعولن فاعلاتن مستفعلن مفعولن
14	0x3DFB	مستفعلن مفعولن ❋۲
14	0x3E66	فعولن فعلاتن فعلاتن مفعولن
14	0x3E67	فعِلاتن فعلاتن فعلاتن فعِلاتن
14	0x3E7C	فعلاتن فعِلاتن //۲
14	0x3E7D	فاعلاتن فعِلاتن فعلاتن فعِلاتن
14	0x3EFD	فاعلاتن فعِلاتن //۲
14	0x3F7E	مفاعیلن مفعولن//۲
14	0x3F99	مفتعلن مفتعلن مفعولن مفعولن
14	0x3F9A	مفاعلن مفتعلن مفتعِلْن مفتعِلْن
14	0x3FA9	مفتعلن مفاعلن مفتعِلْن مفتعِلْن
14	0x3FAA	مفاعلن مفاعلن مفتعِلْن مفتعِلْن
14	0x3FCC	فعلاتن فعلاتن فعِلاتن فعِلاتن
14	0x3FCD	فاعلاتن فعلاتن فعِلاتن فعِلاتن
14	0x3FFF	مفعولاتن مفعولن ❋۲
15	0x4924	فعِلن ❋ ۵
15	0x4A52	مفاعلتن ❋۳

مفاعلن مفاعلن مفاعلن فَعِلن	0x4AAA	15
مفاعلن فعلاتن مفاعلن فَعَلن	0x4ACA	15
مستفعلن فعلاتن مفاعلن فعلن	0x4ACB	15
فاعلاتُ مفتعْلن فاعلاتُ مفتعلن	0x4AF5	15
مفاعیلُ مفعولن مفاعیلُ مفتعلن	0x4B76	15
مستفعلن فعلاتن مستفعلن فَعَلن	0x4BCB	15
فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن	0x4CCC	15
فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فَعَلن	0x4CCD	15
مفعولن مفتعلن مفتعلن مفتعلن	0x4CCF	15
مفعولن مفاعلن مفتعلن مفتعلن	0x4CD7	15
مفتعلن مفعولن مفتعلن مفتعلن	0x4CF9	15
مفاعلن مفتعْلن مفتعلن مفتعلن	0x4CFA	15
فاعلن مفتعلن مفاعلن مفتعلن	0x4D4D	15
مفعولن مفتعلن مفاعلن مفتعلن	0x4D4F	15
مفتعْلن مفاعلن مفاعلن مفتعلن	0x4D57	15
مفتعلن مفتعْلن مفاعلن مفتعلن	0x4D79	15
مفاعلن مفتعْلن مفاعلن مفتعلن	0x4D7A	15
فعلاتن فعلاتن فاعلاتن فعلا	0x4DCC	15
فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن فعلا	0x4DCD	15
مستفعلتن ۞۳	0x4E73	15
مفتعلن مفتعلن مفعولن مفتعلن	0x4F99	15
مفاعلن مفتعلن مفتعْلن مفتعلن	0x4F9A	15
مفتعلن مفاعلن مفتعْلن مفتعلن	0x4FA9	15
مفاعلن مفاعلن مفتعْلن مفتعلن	0x4FAA	15
فعلاتتن۞ ۳	0x5294	15
مفاعیلن فاعلن مفاعیلُ مفاعلن	0x535E	15
مفتعْلن مفتعلن مفتعلن مفاعلن	0x54CF	15
فعلات فاعلاتن فعلات فاعلن	0x54D4	15
مفعولن مفاعلن مفتعلن مفاعلن	0x54D7	15
مفتعلن مفتعْلن مفتعلن مفاعلن	0x54F9	15

15	0x54FA	مفاعلن مفتعْلن مفتعلن مفاعلن
15	0x554F	مفتعْلن مفتعلن مفاعلن مفاعلن
15	0x5555	فاعلات فاعلات فاعلات فاعلن
15	0x5557	مفتعْلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن
15	0x5579	مفتعلن مفتعْلن مفاعلن مفاعلن
15	0x557A	مفاعلن مفتعْلن مفاعلن مفاعلن
15	0x5595	فاعلن مفاعلتن فاعلن مفاعلت
15	0x5656	مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن
15	0x56B5	فاعلاتتن*۳
15	0x56D6	مفاعیلُ فاعلاتن مفاعیلُ فاعلن
15	0x5799	مفتعلن مفتعلن مفتعْلن مفاعلن
15	0x579A	مفاعلن مفتعلن مفتعْلن مفاعلن
15	0x57A9	مفتعلن مفاعلن مفعولن مفاعلن
15	0x57AA	مفاعلن مفاعلن مفتعْلن مفاعلن
15	0x5959	مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فاعلن
15	0x5999	مفتعلن مفتعلن مفتعلن فاعلن
15	0x5A5A	مفاعلن فاعلاتُ مفاعلن فاعلن
15	0x5A9A	مفاعلن مفتعلن مفاعلنفاعلن
15	0x5B5B	مستفعلن فاعلاتُ مستفعلن فاعلن
15	0x5B6D	فاعلن*۵
15	0x5BAB	مستفعلن مفاعلن مستفعلن فاعلن
15	0x5CC9	مفتعلن فَعَلن مفتعلن مستفعلن
15	0x5D2E	مفاعیلن مفاعلتن مفاعیلن مفا
15	0x5DDD	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
15	0x5ECB	مستفعلن فعلاتن مفاعیلن فاعلن
15	0x5FBF	مفعولاتن مستفعلن مفعولاتن فاعلن
15	0x6565	فاعلات مفاعیل فاعلات فعولن
15	0x657A	مفاعلن مفعولن مفاعلن فعلاتن
15	0x6666	مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولن
15	0x6667	مفعولن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

فعلاتن مفعولن فعلاتن فعلاتن	0x667C	15
فاعلاتن فعِلاتن فعلاتن فعلاتن	0x667D	15
فعولن متفاعلن فعولن متفاعل	0x66A6	15
مستفاعلن مستفاعلن مفتعلاتن	0x66B5	15
مفتعلاتن فاعلاتتن مفتعلاتن	0x66B9	15
مفتعلاتن //۳	0x6739	15
فعلاتن فعلاتن مفعولن فعلاتن	0x67CC	15
فاعلاتن فعلاتن فعِلاتن فعلاتن	0x67CD	15
مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعل	0x69A9	15
مفاعلن مفاعیلُ مفاعلن فعولن	0x6A6A	15
مفاعلن مفاعیلُ مفاعلن فعولن	0x6A6A	15
مفعولُ فاعلاتن فعلاتُ فاعلاتن	0x6A6B	15
مفاعلن مفاعلن مفاعلن فعولن	0x6AAA	15
مفتعلن مستفعلن مفاعلن فعولن	0x6AB9	15
مفعول فاعلات مفاعیل فاعلاتن	0x6B2B	15
مفاعلاتن*۳	0x6B5A	15
مستفعلن مستفعلن مستفعلن فعولن	0x6BBB	15
فعلن مفاعلاتن فعِلن مفاعلاتن	0x6BD4	15
فعلاتن مفاعلن فعلاتن مفاعل	0x6CAC	15
فعلاتن مفاعیلن فعلاتن مفاعیل	0x6CEC	15
مفعولن فاعلاتن مفتعلن فاعلاتن	0x6CEF	15
فعولن * ۵	0x6DB6	15
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن	0x6EEE	15
مستفعلاتن//۳	0x6F7B	15
مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُمفعولن	0x7333	15
مفتعلن فعلاتتن مفتعلن فع لن	0x7349	15
مفعولُ مفاعلن مفاعیلُ مفاعیلن	0x7353	15
مفتعلن مفتعلن مستفعل مفعولن	0x7399	15
فعلیاتن*۳	0x739C	15
فاعلاتُ مستفعلُ فاعلاتُ مستفعلْ	0x7535	15

مفعولُ مفاعلن مفاعلن مفاعیلن	0x7553	15
فاعلاتُ مفتعلن فاعلاتُ مفعولن	0x7595	15
مفاعیلُ مفتعلن مفاعیلُ مفعولن	0x7696	15
مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُ مفعولُن	0x76DB	15
فاعلن مفاعیلن ❊۳	0x7775	15
مفعولن مفاعیلن❊ ۳	0x7777	15
فاعلیاتن//۳	0x77BD	15
مفعولات مفعولاتن مفعولات مفعولن	0x77F7	15
مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفعولن	0x7999	15
مفاعلن مفتعلن مفتعلن مفعولن	0x799A	15
مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفعولن	0x79A9	15
مفاعلن مفاعلن مفتعلن مفتعْلن	0x79AA	15
مستفعلتن مستف//مستفعلتن مستفعل	0x79F3	15
مفتعلن مفتعلن مفاعلن مفتعْلن	0x7A99	15
مفاعلن مفتعلن مفاعلن مفعولن	0x7A9A	15
مفاعلن مفتعلن مفاعلن مفتعْلن	0x7AA9	15
مفتعلن مفاعلن مفاعلن مفتعْلن	0x7AAA	15
مفاعلن فعلاتن مفاعلن مفعولن	0x7ACA	15
مفاعلن مفعولاتن مفاعلن مفعولن	0x7AFA	15
مستفعلن ❊۳ مفعولن	0x7BBB	15
مفاعیلاتن❊۳	0x7BDE	15
فعلاتن مفاعلن فعلاتن مفعولن	0x7CAC	15
فعلاتن ❊۳ مفعولن	0x7CCC	15
فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعِلاتن	0x7ccd	15
مستفعلتن مستفعلتن مستفعلْتن مس	0x7E73	15
فعلاتن مفعولن فعلاتن مفعولاتن	0x7E7C	15
مفعولن مفعولن مفعولن مفعولن مفعولن	0x7FFF	15
فَعِلَتَتُ فَعِلَتَتُ فَعِلَتَتُ فَعِلَتَتُن	0x8000	16
علن فعلن فعلن//۲	0x9292	16
مفتعلن فعلاتن مفتعلن فعلن	0x9349	16

فعلن فعلن فعلن //۲	0x9393	16
متفاعلن متفا//۲	0x9494	16
فاعلات مفتعلن ❊۲	0x9595	16
مفاعیل مفتعلن ❊۲	0x9696	16
مفتعلن ❊ ۴	0x9999	16
مفاعلن مفتعلن ❊ ۳	0x999A	16
مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفتعلن	0x99A9	16
مفاعلن مفاعلن مفتعلن مفتعلن	0x99AA	16
مفتعلن مفتعلن مفاعلن مفتعلن	0x9A99	16
مفاعلن مفتعلن ❊۲	0x9A9A	16
مفاعلن مفاعلن مفتعلن مفتعلن	0x9AA9	16
مفاعلن ❊۳ مفتعلن	0x9AAA	16
مستفعلن مفتعلن ❊۲	0x9B9B	16
فعلیاتن فعلی//۲	0x9C9C	16
فعلاتُ مفاعلن ❊۲	0xA4A4	16
فاعلاتُ مفاعلن ❊۲	0xA5A5	16
مفاعیل مفاعلن ❊۲	0xA6A6	16
مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفاعلن	0xA999	16
مفاعلن مفتعلن مفتعلن مفاعلن	0xA99A	16
مفتعلن مفاعلن ❊۲	0xA9A9	16
مفاعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن	0xA9AA	16
مفتعلن مفتعلن مفاعلن مفاعلن	0xAA99	16
مفاعلن مفتعلن مفاعلن مفاعلن	0xAA9A	16
مفتعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن	0xAAA9	16
مفاعلن ❊ ۴	0xAAAA	16
مستفعلن مفاعلن ❊۲	0xABAB	16
فعلاتن مفاعلن ❊۲	0xACAC	16
فاعلاتن مفاعلن فعلاتن مفاعلن	0xACAD	16
فعلاتن مفاعلن فاعلاتن مفاعلن	0xADAC	16
فاعلاتن مفاعلن ❊۲	0xADAD	16

لاتن مفاعلن فعلاتن لاتن مفاعلن	0xAF2B	16
مفعولن فاعلاتتن ❊۲	0xAFAF	16
مفاعلتن فاعلن//۲	0xB2B2	16
مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُن	0xB333	16
مستفعلتن فاعلن//۲	0xB3B3	16
فعلاتُ مستفعلن ❊۲	0xB4B4	16
فاعلات مستفعلن ❊۲	0xB5B5	16
فعولن فعولن فعولن فَعَل فعولن فَعَل	0xB5B6	16
فعولن فعولن فعل ❊۲	0xB6B6	16
مستفعلن فاعلاتن مفاعیلُ مستفعلن	0xB6DB	16
مفعولن مفاعیلتن ❊۲	0xB7B7	16
مفتعلن مستفعلن//۲	0xB9B9	16
مفاعلن مستفعلن ❊۲	0xBABA	16
مفاعلن مفاعیلن مفاعلن مستفعلن	0xBAEA	16
مستفعلن ❊ ۴	0xBBBB	16
مفاعیلن مستفعلن//۲	0xBEBE	16
مفتعلن فعلاتن ❊۲	0xC9C9	16
مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن مَف	0xCA52	16
مفاعلن فعلاتن ❊۲	0xCACA	16
مفاعلن فعلاتن مستفعلن فعلاتن	0xCBCA	16
مستفعلن فعلاتن ❊۲	0xCBCB	16
فعلاتن ❊ ۴	0xCCCC	16
فاعلاتن فعلاتن ❊ ۳	0xCCCD	16
فاعلاتن فعلاتن//۲	0xCDCD	16
مستفعلتن مستفعلتن مستفعلتن مُسْ	0xCE73	16
مفاعیلن فعلاتن//۲	0xCECE	16
مفعولاتن فعلاتن//۲	0xCFCF	16
متفاعلن متفاعلن متفاعلن مُتْ	0xD294	16
مفاعلُ فاعلاتن ❊۲	0xD2D2	16
مستفعلتن فعولن//۲	0xD3D3	16

16	0xD4CC	فعلاتن فعلاتن فعلن مفاعلاتن
16	0xD4D4	فعلن مفاعلاتن ❊۲
16	0xD555	فاعلاتُ ❊۳فاعلاتن
16	0xD5D5	فاعلات فاعلاتن ❊۲
16	0xD6B5	مستفاعلُن مستفاعلُن مستفاعلُن مُسْ
16	0xD6D6	فعولن مفاعلاتن ❊۲
16	0xD9D9	مفتعلن فاعلاتن ❊۲
16	0xDADA	مفاعلن فاعلاتن ❊۲
16	0xDB6D	فاعلن❊ ۵ فَع
16	0xDBDB	مستفعلن فاعلاتن ❊۲
16	0xDCCC	فعلاتن فعلاتن فعلاتن فاعلاتن
16	0xDCCD	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فاعلاتن
16	0xDCDC	فعلاتن فاعلاتن فعلاتن فاعلاتن
16	0xDDDD	فاعلاتن ❊ ۴
16	0xDEDE	مفاعیلن فاعلاتن ❊۲
16	0xDFDF	مفعولاتن فاعلاتن//
16	0xE4E4	فعلن فعلن فعلن//۲
16	0xE5E5	فاعلات مفاعیلن ❊۲
16	0xE6E6	مفاعیلُ مفاعیلن ❊۲
16	0xE739	مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْ
16	0xE7E7	مفعولن فعلیاتن//۲
16	0xE9E9	مفتعلن مفاعیلن//۲
16	0xEAEA	مفاعلن مفاعیلن ❊۲
16	0xEB5A	مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مَفْ
16	0xEBEB	مستفعلن مفاعیلن ❊۲
16	0xEDB6	فعولن ❊۵ +فع
16	0xEDED	فاعلاتن مفاعیلن ❊۲
16	0xEEBB	مستفعلن مستفعلن مفاعیلن مفاعیلن
16	0xEEEE	مفاعیلن❊۴
16	0xF333	لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن

فعلیاتن ❊ ۳ فع	0xF39C	16
مستفعلتن مفعولن ❊۲	0xF3F3	16
فعلاتن مفعولن مفعولن فعلاتن فع لن	0xF3FC	16
مفاعلن مفعولاتن ❊ ۲	0xFAFA	16
فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعِلاتن فع	0xFCCD	16
لن مفتعلن مفتعلن مفتعِلن // لن مفتعِلن	0xFF33	16
مستفعلتن مفاعلن مفعولن ، مفعولاتن	0xFF53	16
فع لن ❊۸	0xFFFF	16
مستفعلن مفاعلُ مستفعلن مفاعلُفع	0x12B2B	17
مفاعلُ فعِلن مفاعلُ فعِلن مفاعلُ فع	0x12CB2	17
مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مُسْ	0x13333	17
لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفتعلن	0x13353	17
فاعلاتن مفعولن فعلاتن مفعولن فَعَلن	0x13E7D	17
مستفعلتن مفتعلن مفعولن ، مستفعلتن	0x13F33	17
مستفعلتن مفاعلن مفعولن ، مستفعلتن	0x13F53	17
مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن مَفا	0x14A52	17
متفاعلن متفاعلن متفاعلن مُتَفْ	0x15294	17
مفاعلن مفاعلن فعلاتتن مفاعلن	0x154AA	17
فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فَع	0x15555	17
مفعولن فاعلاتتن مفتعلن فاعلاتتن	0x159AF	17
مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلن ، مفعولُ فاعلن	0x15F2B	17
مفتعلن فاعلاتتن مفعولن فاعلاتتن	0x15F59	17
مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مَفا	0x16B5A	17
فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن فَعولن فَعولْ	0x16DB6	17
مفتعلن فعلاتتن مفتعلن مستفعلن	0x17349	17
فعلیاتن❊۳ فعل	0x1739C	17
مستفعلن فعلاتن متفاعلن فعلاتن	0x194CB	17
مفاعلن ❊۴	0x1AAAA	17
فع لن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعولن	0x1B333	17
فع لن فعولن ❊ ۵	0x1B6DB	17

17	0x1BBBB	مستفعلن❋۳ مستفعلاتن
17	0x1CE73	مستفعلتن مستفعلتن مستفعلتن مُسْتَفْ
17	0x1D6B5	مستفاعلُن مستفاعلُن مستفاعلُن مُسْتَفْ
17	0x1DB6D	فاعلن❋۵ فع لن
17	0x1DDDB	مستفعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتاتن
17	0x1DDDD	فاعلاتن ❋ ۳ فاعلاتاتن
17	0x1E67C	فعلاتن فع‌لاتن فعلاتن فعلاتن فع‌لا
17	0x1E67D	فاعلاتن فع‌لاتن فعلاتن فع‌لاتن فعلا
17	0x1E739	مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْتَعْ
17	0x1EEEE	مفاعیلن❋۳ مفاعیلاتن
17	0x1F333	لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن // لن مفتع‌لن
17	0x1F353	لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن// لن مفتع‌لن
17	0x1FFFF	مفعولن مفعولن مفعولن مفعولن مفعولن فع لن
18	0x25294	فَعِلاتَتُن ❋ ۳ فعل
18	0x25329	مفتعلن مفاعلتن ❋۲
18	0x2552A	مفاعلن مفاعلتن ❋۲
18	0x2572B	مستفعلن مفاعلتن ❋۲
18	0x25965	فاعلن فعلن//۳
18	0x25B2D	فاعلاتن مفاعلتن ❋۲
18	0x25DD2	مفاعلتن مفاعیلن مفاعیلن مفاعلتن
18	0x26733	مفعولُ مفاعیلُ فَعِل ❋۲
18	0x26934	فعلن فعولن فعلن //۲
18	0x269A6	فعولن فعلن//۳
18	0x26B35	مستفاعلن مفتعلن//۲
18	0x27333	مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فَع مستفعلُ فَع
18	0x27339	مفتعلاتن مفتعلن ❋۲
18	0x27353	مستفعلُ فاعلاتُ مستفعلُ فَع ، مستفعلُ فَع
18	0x2739C	فعلیاتن❋۳ فعلی
18	0x2753A	مفاعلاتن مفتعلن//۲
18	0x279E7	مفعولن فعلن//۲

فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع‌لاتن فعلا	0x27CCC	18
فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فع‌لاتن فعلا	0x27CCD	18
مفعولاتن مُستَفعِلَتُن ❊ ۲	0x27F3F	18
مفاعلاتُ مفاعلا // ۲	0x2954A	18
مستفعلن متفاعلن مستفعلن متفاعلن	0x2974B	18
مفتعلن علن//۳	0x29A69	18
مفاعلتن مفاعلت//۲	0x2A552	18
مفعولُ مفاعلن فَعِل ❊۲	0x2A753	18
مفاعلن ❊۴ فَعَل	0x2AAAA	18
فاعلاتن مفاعلن ❊ ۲	0x2AB55	18
مفتعلن فاعِلاتَتُن ❊۲	0x2B359	18
مفاعلاتن مفاعلن ❊۲	0x2B55A	18
مستفعلاتن مفاعلن ❊۲	0x2B75B	18
فعلاتن فعل//۳	0x2CB2C	18
فاعلن فعلن فاعلن ❊۲	0x2CB65	18
مستفاعلُن مستفاعلُن مستفاعلُن مستفا	0x2D6B5	18
فاعلن❊۶	0x2DB6D	18
مستفعلن مستفعلن فاعلن مستفعلن فاعلن	0x2DDBB	18
مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلْ	0x2E739	18
فعلاتن فَع مفتعلن مفعولُ فعولن فاعلن	0x2E73C	18
فعلاتن مستفعلن ❊ ۲	0x2E974	18
علن مستفعلن//۳	0x2EBAE	18
مفاعیلن ❊ ۴فَعِل	0x2EEEE	18
مستفعلن فعولن ❊ ۲مستفعلن	0x2F5EB	18
مفعولن فاعلن //۳	0x2FBEF	18
مفاعلتن فعلاتن ❊۲	0x32592	18
فعلاتن فعلاتن ❊۲	0x32994	18
فاعلاتن فعلاتن ❊ ۲	0x32B95	18
مفاعلتن مف//۳	0x32CB2	18
مفاعیلتن فعلاتن ❊ ۲	0x32D96	18

فع لن فعلاتن ❊ ۴	0x33333	18
مفتعلن مفتعلاتن ❊۲-	0x33399	18
مفاعلن مفتعلاتن //۲	0x3359A	18
فعلیاتن فعلیا ❊۲	0x3399C	18
لاتن فعلاتن//۳	0x33CF3	18
لاتن فع‌لاتن فعلاتن فع‌لاتن// لاتن فعلاتن	0x33F9F	18
مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن مَفاعِلْ	0x34A52	18
فاعلات مفاعلاتن ❊۲	0x34BA5	18
فعلن فعولن//۳	0x34D34	18
مفتعلن مفاعلاتن //۲	0x353A9	18
فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فع لن	0x35555	18
مفاعلن مفاعلاتن ❊۲	0x355AA	18
مستفعلن مفاعلاتن ❊۲	0x357AB	18
فعلاتن مفاعلاتن ❊۲	0x359AC	18
فاعلاتن مفاعلاتن فعلاتن مفاعلاتن	0x359AD	18
فعلاتن مفاعلاتنفاعلاتن مفاعلاتن	0x35BAC	18
فاعلاتن مفاعلاتن ❊۲	0x35BAD	18
فاعلن فعولن //۳	0x35D75	18
مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مَفاعِلْ	0x36B5A	18
فعولن ❊ ۶	0x36DB6	18
مفاعلن مستفعلاتن ❊۲	0x375BA	18
مفاعیلن مفاعیلن فعولن مفاعیلن فعولن	0x376EE	18
مستفعلن مستفعلاتن ❊۲	0x377BB	18
مفعولن فعولن//۳	0x37DF7	18
مفاعلن فعلاتاتن ❊۲	0x395CA	18
مستفعلن فعلاتاتن ❊۲	0x397CB	18
فعلاتن فعلاتاتُن ❊۲	0x399CC	18
فاعلاتن فعلاتاتُن فعلاتن فعلاتاتُن	0x399CD	18
فعلاتن فعلاتاتُن فاعلاتن فعلاتاتُن	0x39BCC	18
فاعلاتن فعلاتاتُن ❊ ۲	0x39BCD	18

مفتعلن مفتع //۳	0x39E79	18
مفاعلتن مفاعیلن ❊۲	0x3A5D2	18
مستفعلُ فاعلاتن فع ❊۲	0x3A7D3	18
فعلاتتن مفاعیلن ❊۲	0x3A9D4	18
مفاعلن فعِلن // ۳	0x3AEBA	18
عولن فعولن فعولن فَعولن فعولن فع	0x3B6DB	18
مستفعلن فاعلاتاتن ❊۲	0x3B7DB	18
مستفعلن ❊ ۴ فع لن	0x3BBBB	18
فاعلاتن فاعلاتاتن ❊۲	0x3BBDD	18
مفاعیلن مفاعیلن فع لن مفاعیلن مفاعیلن	0x3BBEE	18
مفاعیلاتن مفاعیلا ❊ ۲	0x3BDDE	18
مستفعلن فع لن ❊۳	0x3BEFB	18
فعلن فعلن مفعولن //۲	0x3C9E4	18
مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن فع لن	0x3CACA	18
فعلاتن ❊۴ فع لن	0x3CCCC	18
فاعلاتن فعلاتن❊۳ فع لن	0x3CCCD	18
مستفعلتن مستفعلتن مستفعلتن مُسْتَفْعِلْ	0x3CE73	18
فعلاتن لاتن//۳	0x3CF3C	18
فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِلاتُن فاعِل	0x3DDDD	18
مفاعیلن مفاعیلاتن ❊ ۲	0x3DDEE	18
فاعلاتن لاتن//۳	0x3DF7D	18
فع لن فعلاتن مفعولن ❊۲	0x3E7F3	18
فعولن مفعولن//۳	0x3EFBE	18
مفعولن ❊ ۶	0x3FFFF	18
فعلاتن ❊۳ + فَعَلن	0x4CCCC	19
فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فَعَلن	0x4CCCD	19
مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن مُفْتَعِلا	0x4E739	19
مفعولاتن مُستَفعِلَتُن مُستَفعِلَتُن مُستَفعِلَتُن	0x4E73F	19
مستفعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن	0x5294B	19
متفاعلن مستفعلن متفاعلن متفاعلن	0x52974	19

19	0x52E94	متفاعلن متفاعلن مستفعلن متفاعلن
19	0x54A52	مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن مفاعلت
19	0x55555	فاعلاتُ ٭۴ فاعلن
19	0x56B5A	مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلن
19	0x5B6DB	عولن فعولن فعولن فعولن فعولن فعول
19	0x5B76E	مفاعیلن فعولن مفاعیلن فعولن فعولن فَعَل
19	0x5CE73	مستفعلتن مستفعلتن مستفعلتن مستفعلت
19	0x5D294	متفاعلن متفاعلن متفاعلن مستفعلن
19	0x5DDDD	فاعلاتن ٭ ۴ فاعلن
19	0x65294	متفاعلن متفاعلن متفاعلن مُتَفاعِلْ
19	0x6739C	فعلیاتن ٭۳ فعلیا
19	0x679F3	لاتن فعلاتن فع‌لاتن فعلاتن// لاتن فعلاتن
19	0x67F39	مفتعلن فَع مفتعلن فَع مفعولن فَع مفتعلن فَع
19	0x6AAAA	مفاعلن ٭۴ فعولن
19	0x6D6B5	مستفاعلُن مستفاعلُن مستفاعلُن مستفاعلْ
19	0x6DB6D	فاعلن ٭۵ فَع
19	0x6DEDB	مستفعلن فاعلاتن فعولن مستفعلن فاعلاتن
19	0x6EEEE	مفاعیلن ٭۴فعولن
19	0x739FC	فعلیاتن فع‌لیاتن فعلیاتن فعلیاتن
19	0x75AD6	مفاعیلتن ٭۳ مفاعیلت
19	0x76DB6	فعولن ٭۶ + فع
19	0x77BDE	مَفاعیلاتُن ٭۳مفاعیلن
19	0x7AF2B	فعِلن مفاعلن فعلاتن فعِلن مفاعلن فع‌لاتن
19	0x7BBBB	مستفعلُن مستفعلُن مستفعلُن مستفعلُن مُسْتَفْعِلْ
19	0x7FFFF	مفعولن مفعولن مفعولن مفعولن مفعولن فَع
20	0x84210	فَعِلَتَتُن٭۴
20	0x94A52	مفاعلتن٭۴
20	0x94E53	مستفعلتن مفاعلتن ٭۲
20	0x95254	فعلاتتنمفاعلتن ٭ ۲
20	0x9CE73	مُستَفعِلَتُن ٭ ۴

فعلاتتن فعلاتتن مفاعلتن فعلاتتن	0xA4A94	20
فعلاتتن❊۴	0xA5294	20
مفاعلتن متفاعلن ❊۲	0xA6A9A	20
مفاعلن ❊ ۵	0xAAAAA	20
مفاعلتن فاعلاتتن ❊۲	0xACAB2	20
مستفعلتن مستفاعلن //۲	0xACEB3	20
فاعِلاتَتُن ❊ ۴	0xAD6B5	20
لاتن مفاعلن فعلاتن مفاعلن //لاتن مفاعلن	0xAEB2B	20
مفاعلن فعلاتن مفا//۲	0xB2ACA	20
مستفعلن مفاعلُ مستفعلن مفاعلُ مستفعلن	0xB2B2B	20
تعلن مفاعلن مفتعل//۲	0xB52D4	20
مستفعلن مفاعیلُ مستفعلن مفاعیلُ مستفعلن	0xB6B6B	20
فعولن ❊ ۶فَعَل	0xB6DB6	20
مستفعلن❊۵	0xBBBBB	20
فَعَلن فَعَلن فع لن فَعَلن فع لن فَعَلن فَعَلن فَع	0xC9CE4	20
مفعول فاعلات فعولن ❊۲	0xCAF2B	20
مستفعلُ مستفعلُ مستف //۲	0xCCF33	20
مفتعلاتن❊۴	0xCE739	20
مفاعلاتن مفتعلاتن//۲	0xCEB3A	20
لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن// لاتن فعلاتن	0xCF333	20
مستفعل فاعلاتُ مستف//۲	0xD4F53	20
فاعلاتُ ❊۴ فاعلاتن	0xD5555	20
مفاعلاتن❊۴	0xD6B5A	20
مستفعلن فعولن فعولن ❊۲	0xDAF6B	20
عولن فعولن فعولن فَعولن فعولن فعولن	0xDB6DB	20
فاعلن فاعلن فاعلاتن ❊۲	0xDB76D	20
فاعلاتن ❊ ۵	0xDDDDD	20
مستفعلاتن//۴	0xDEF7B	20
فعلاتتن فعلاتاتن ❊۲	0xE5394	20
فاعلاتتن فعلاتاتن ❊ ۲	0xE5795	20

مفتعلن مفتعلن مفتع //۲	0xE6799	20
لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن // لن مفتعلن مفتع	0xE7333	20
لن مفتعلن مفاعلن مفتعلن // لن مفتعلن مفتع	0xE7353	20
فعلاتاتُن*۴	0xE739C	20
مستفعلن مفاعلن فع لن *۲	0xEAFAB	20
فاعلاتن مفاعلن فع لن *۲	0xEB7AD	20
فاعلن*۶ +فاعل	0xEDB6D	20
مفاعیلن*۵	0xEEEEE	20
مستفعلن مستفعلن فعْ لن *۲	0xEEFBB	20
فعلاتن فعلاتن مفعولن مفعولن فعلاتن فع لن	0xF3FCC	20
مفعولاتاتن * ۴	0xFFFFF	20

هجا	کد وزنی	نوا
21	0x12B7AD	فاعلاتن مفاعلن فعلن – فاعلاتن مفاعلن فعلن
21	0x13667C	فعلاتن فعِ لاتن فعلاتن فعلن // فاعلاتن فعلن
21	0x1366CD	فاعلن مفتعلن//۳
21	0x139CE4	فَعَلن فَعَلن فع لن فَعَلن فع لن فَعَلن فع لن فَعَلن
21	0x155555	فاعلاتُ * ۴ فاعلاتتن
21	0x16DB6D	فاعلن❄۷
21	0x195959	مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فَع
21	0x1AAAAA	مفاعلن ❄ ۴ مفاعلاتن
21	0x1AF5EB	مستفعلن فعولن ❄۳
21	0x1B6DB6	فعولن❄۷
21	0x1b76ed	فاعلن فاعلن فا❄۳
21	0x1BB6EE	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل//مفاعیل//مفاعیلن مفاعیل
21	0x1BB76E	مفاعیلن مفاعیل//۳
21	0x1DDDDD	فاعلاتن ❄ ۵ فَع
21	0x1FCCCD	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعِلاتن فعِلا
22	0x249CE4	فَعَلن فَعَلن فع لن فَعَلن فع لن فَعَلن فَعَلن فَعَلن
22	0x2564AC	فعلاتن مفاعلن فَعِلن ❄ ۲
22	0x264CCC	فعلاتن فعلاتن فَعَلن فعلاتن فَعَلن
22	0x264CCD	فاعلاتن فعلاتن فعلن// فعلاتن فعلن
22	0x2664CC	فعلاتن فعلاتن فعلا //۲
22	0x26CCCC	فعلاتن فعلاتن فَعَلن فاعلاتن فَعَلن
22	0x26CCCD	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فَعَلن فاعلاتن فَعَلن
22	0x2AAD55	فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلن ❄۲
22	0x2AD555	فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلاتُ فاعلن فاعلاتُ فاعلن
22	0x2B2B2B	مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن
22	0x2CCD99	مفتعلن مفتعلن مفتعل//۲
22	0x2D55AA	مفاعلن مفاعلن فاعلن ❄۲
22	0x2DB5B6	فعولن فعولن فعولن فعول //۲
22	0x2EDDDD	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلن
22	0x2EEDDD	فاعلاتن فاعلاتن فاعلا// ۲
22	0x324924	فَعَلن ❄ ۷ فَع
22	0x36DB6D	فاعلن❄۷فع

22	0x3776EE	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل //۲
22	0x395F2B	مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلن ❋۲
22	0x3BBBBB	مستفعلن* ۵ فع لن
22	0x3CCCCC	فعلاتن* ۵ فع لن
23	0x4B2CB2	مفاعلُ فعلن// مفاعلُ فعلن// مفاعلُ فعلن// مفاعلُ فع
23	0x4CCCCC	فعلاتن* ۵ فعلا
23	0x4CCCCD	فاعلاتن + فعلاتن ❋۴+ فعلن
23	0x4F9999	مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن// مفعولن مفتعلن
23	0x555555	فاعلاتن فعلاتن ❋۴ فَعَلن
23	0x5DDDDD	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن ❋ ۲
23	0x649C92	مفاعلتن فَعَلن فعلاتن مفتعلن فَعَلن فعلاتن
23	0x6EEEEE	مفاعیلن ❋۵ + مفاعیلْ
24	0x924924	فعلن ❋ ۸
24	0x999999	مفتعلن ❋ ۶
24	0xAAAAAA	مفاعلن ❋ ۶
24	0xACACAC	فعلاتن مفاعلن //۳
24	0xBBABBA	مفاعلن مستفعلن مستفعلن ❋۲
24	0xBBBBBB	مستفعلن ❋ ۶
24	0xCACCAC	فعلاتن مفاعلن فعلاتن//۲
24	0xCADCAD	فاعلاتن مفاعلن فعلاتن//۲
24	0xCF3CF3	مستفعلُ مستف //۴
24	0xDB6DB6	فعولن❋۸
24	0xDDDDDD	فاعلاتن❋۶
24	0xEEEEEE	مفاعیلن ❋ ۶
24	0xF3F3F3	مستفعلتن مستفعلْ//۳
24	0xFE7CCD	فاعلاتن فعلاتن فع‌لاتن فعلاتن فع‌لاتن فع‌لا
25	0x176DDDD	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلن فاعلاتن فاعلن
25	0x176DDDD	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلن فاعلاتن فاعلن
25	0x1ABBBBB	مستفعلن ❋ ۵ مفاعلاتن
25	0x1DDDDDD	فاعلاتن ❋ ۶ فَع

26	0x32B3959	مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فا //۲
26	0x3BBBBBB	مستفعلن ❊ ۶ فَع لن
26	0x3CCCCCC	فعلاتن ❊ ۶ فَع لن
26	0x3CCCCCD	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فع‌لا
27	0x4CCCCCC	فعلاتن ❊ ۶ فَعَلن
27	0x4CCCCCD	فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلا
27	0x55AB56A	مفاعلن فعولن //۳ مفاعلن مفا
27	0x6532994	متفاعلن متفاعلن//۳
28	0xACAEB2B	مستفعلن مفاعلُ مستفعلن مفا //۲
28	0xAD5AB56	فعولن مفاعلن//۴
28	0xDDDDDDD	فاعلاتن ❊ ۷
28	0xEEEEEEE	مفاعیلن ❊ ۷
29	0x132664CC	فعلاتن فعلاتن فعلن //۲ + فعلاتن فعلن
29	0x176EEDDD	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن// فاعلاتن فاعلاتن فاعلن// فاعلاتن فاعلن
29	0x1DDDDDDD	فاعلاتن ❊ ۷ فع
30	0x2CCCD999	مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعل //۲
31	0x4E667333	لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن //۲ + لن مفتعلن
31	0x7FFFFFFF	فع ❊ ۳۱
32	0xAAAAAAAA	مفاعلن❊۸
32	0xCCCCCCCC	فعلاتن❊۸
32	0xCCCCCCCD	فاعلاتن + فعلاتن ❊ ۷
32	0xDDDDDDDD	فاعلاتن * ۸
33	0x1DDDDDDDD	فاعلاتن * ۸ فع
34	0x33CCCF333	لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن// لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن// لاتن فعلاتن
36	0xCCCCCCCCC	فعلاتن❊۹
37	0x1326664CCC	فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلا //۲ + فعلاتن فعلا
37	0x176EEEDDDD	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن// ۲ + فاعلاتن فاعلن
41	0x1776EEEDDDD	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن// ۲ +

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن		
لن مفتعلن مفتعلن مفتعلن //۳ + لن مفتعلن	0x9CCCE667333	44
مفاعیلن ❊ ۱۱	0xEEEEEEEEEEE	44
فعولن فعولن فعولن فعل //۴+ فعولن فعل	0x16B6D6DADB5B6	49
فاعلاتن فاعلاتن فاعلن //۴+ فاعلاتن فاعلن	0x5DBBB776EEDDD	51
فاعلیاتن //فاعلیاتن //۵+ فاعلیاتن	0x16B6D6DADB5B6	55
لن مفتعلن مفتعلن //۴ + لن مفتعلن	0x33CCCF333CCCF333	62
مستفعلن مستفعلن //۸	0xBBBBBBBBBBBBBBBB	64
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن //۴+ فاعلاتن فاعلن	0x5DBBBB7776EEEDDDD	67
(مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلْ// مفاعیلن مفاعیلْ//) ❊۲ +مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلْ ❊۲ + مفاعیلن مفاعیلْ ❊۲	0xDDBB776EEDDBBBB76EEE	80
لاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن// لاتن فعلاتن //۵ + لاتن فعلاتن	0x33CF333CF333CF333CF333	86
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن //۵+ مفاعیلن مفاعیلن	0xEEEEEEEEEEEEEEEEEEEEEE	88

منابع

ادیب نیشابوری، محمد تقی : گوهر دانش ، شرکت چاپخانه خراسان ، مشهد ، چاپ؟
ابو نصر فراهی سجستانی: نصاب الصبیان ، انتشارات اسلامیه ، ۱۳۷۴
آقاجانی ، نسرین : وزنهای نوین فارسی در اشعار سیمین بهبهانی : نشر کینون ، چاپ اول ، ۱۳۹۱
آقا سردار ، نجفقلی میرزا: دره نجفی ، با تصحیح و تعلیقات و حواشی حسین آهی ، چ ۱ ، کتاب فروشی فروغی ، تهران ۱۳۶۲
آهی ، حسین : بررسی جامعی در بحور شعر فارسی ، ناشر موسسه مطبوعاتی خزر ، ۱۳۵۷
ابتهاج ، هوشنگ : آینه در آینه (برگزیده شعر) : چاپ ششم ، ۱۳۷۵ ، نشر چشمه
ابوالحسنی، سید نقی: عروض دودویی، ناشر مؤلف، چاپ اول، تهران ۱۳۹۷
ابوالحسنی، سید نقی: عروض دودویی- نام‌گذاری و طبقه‌بندی ریاضی کلیهٔ وزن‌های کمی ممکن ، مجله زبان و زبان‌شناسی ، شماره ۴۰ ، پاییز و زمستان ۱۴۰۳ ، ۲۴۹-۲۷۶
اسیر ، سید مظفر علی: شجره العروض مع روضه القوافی (چاپ سنگی) ، نول کشور ، ۱۹۱۵ (کل ارجاعات به این کتاب در این متن از (مدرسی*) است)
اخوان ثالث ، مهدی: بدعتها و بدایع نیما یوشیج ، انتشارات بزرگمهر ، چ ۲ ، ۱۳۶۹
اخوان ثالث ، مهدی: نقیضه و نقیضه سازان ، انتشارات زمستان ، چاپ اول ، ۱۳۷۴
الهی ، صدرالدین: ابداع اوزان تازه در شعر فارسی مصاحبه کتبی با سیمین بهبهانی ، مجله ایران شناسی ، سال نهم
بهار ، ملک‌الشعرا : دیوان ملک الشعرا بهار ، انتشارات نگاه ، ۱۳۸۷
بهبهانی ، سیمین : گزیده اشعار ، نشر مروارید ، چ ۲ ، ۱۳۶۹
بهبهانی ، سیمین : مجموعه اشعار ، نشر نگاه ، چ ۱ ، ۱۳۸۲
پرهیزی ، عبدالخالق ، بررسی جامع وزن شعر فارسی ، انتشارات فردوس ، چ ۱ ، ۱۳۹۶
پناهی ، غلامرضا: آشنایی با اوزان عروضی جلد دو ، انتشارات پیام ، چ ۱ ، ۱۳۹۶
پناهی ، غلامرضا: آشنایی با اوزان عروضی جلد یک ، انتشارات پیام ، چ ۱ ، ۱۳۹۵
جلالی، محمد امیر : سعدی در زنجیره شاعران عروضی ، مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی ، سال ۱۰ ، شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۹۸
حسن لی ، کاووس: گونه های نوآوری در شعر معاصر ایران ، نشر ثالث ، چ ۳ ،۱۳۹۳
خرمشاهی، بهاء الدین : با ده زبان خموش ، نشر قطره ، چ۲، ۱۳۹۷ ، مقاله «وزنهای تازه یا زحافات بی‌سابقه با همکاری ابولحسن نجفی)
حسنی ،حمید: موسیقی شعر نیما : کتاب زمان ، چاپ اول ، ۱۳۷۱
حسنی ،حمید: سنجش عروضی اشعار عربی گلستان سعدی ، گوهران ، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۶

خورشیدی نیا ، ابولفضل: ضرباهنگ کلام ، ناشر کتاب خورشید ، ۱۳۸۷
دادگر ، شراره: وزن شعر معاصر ، نشر نغمه زندگی ، چ ۱ ، ۱۳۸۲
سپهری ، سهراب: هشت کتاب ، نشر طهوری ، چاپ ۲۲ ، ۱۳۷۸
شاه‌حسینی ، ناصرالدین: شناخت شعر:عروض و قافیه ، شرکت نشر هما ، چ۶ ، ۱۳۹۰
شریف ، عبدالقهار بن اسحاق: عروض همایون ، با تصحیح محمد حسن ادیب هروی خراسانی ، شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکا ، تهران ، ۱۳۳۷ (کل ارجاعات به این کتاب در این متن از (مدرسی*) است)
شفیعی کدکنی ، محمد رضا: «با چراغ و آینه» ، انتشارات سخن ، چ ۳ ، ۱۳۹۰ (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۹۰)
شفیعی کدکنی ، محمد رضا: موسیقی شعر ، انتشارات آگه ، چ ۱۱ ، ۱۳۸۹(شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۹)
شمس الدین محمد بن قیس رازی ، المعجم فی معاییر اشعار العجم ، به تصحیح علامه قزوینی و تصحیح مجدد دکتر رضوی و تصحیح مجدد دکتر شمیسا ، نشر علم ، ۱۳۸۸
شمیسا ، سیروس ، سیر غزل در شعر فارسی ، نشر علم ، چ۳ ، ۱۳۷۰
شمیسا ، سیروس ، مقاله‌ی اوزان تازه و نادر در دیوان خواجو ، فصلنامه ادب و زبان ، مقاله ۱، دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۶، صفحه ۱-۱۱ (شمیسا ، ۱۳۷۶)
شمیسا ، سیروس ، سیر رباعی ، ویرایش سوم ، نشر علم ، چ ۳ ، ۱۳۸۷ (شمیسا،۱۳۸۷)
شمیسا ، سیروس ، فرهنگ عروضی ، نشر علم ، چ۵ ، ۱۳۹۰ (مخفف شمیسا*)
شمیسا ، سیروس: مقاله‌ی سکته عروضی در کتاب « وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز» ، به کوشش امید طبیب زاده ، نشر آثار ، چ ۱ ، ۱۳۹۰ (مجموعه سخن رانیهای نخستین هم اندیشی وزن شعر فارسی در اردیبهشت ۸۹) (شمیسا ، ۱۳۹۰)
صفا، ذبیح الله : تاریخ ادبیات ایران ، ج ۱ ، نشر فردوس ، چ ۱۰ ، ۱۳۶۹
طبیب زاده ، امید : وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز ، به کوشش ، نشر آثار ، چ ۱ ، ۱۳۹۰
(مجموعه سخن رانیهای نخستین هم اندیشی وزن شعر فارسی در اردیبهشت ۸۹) (مخفف : طبیب‌زاده، ۱۳۹۰)
طبیب‌زاده، امید : وزن شعر عروضی فارسی، تحلیل و طبقه‌بندی بر اساس تقطیع اتانینی و نظریه واج‌شناسی بنیادی، نشر کتاب بهار، چاپ اول، تهران ۱۴۰۱ (طبیب‌زاده*)
طوسی ، خواجه نصیر الدین: معیار الاشعار ، به اهتمام محمد فشارکی و جمشید مظاهری ، چاپ اول ، انتشارات سهروردی ، اصفهان ۱۳۶۳
عبدالهی مجتبی, مهدوی محمدجواد : رباعی- مستزاد؛ پیدایش و سرایندگان ، ارائه شده در نهمین همایش بین المللی انجمن ترویج زبان وادب فارسی ،
https://profdoc.umac.ir/paper-abstract-۱۰۴۶۱۹۷.html
عیدگاه طرقبه‌ای ، وحید: «آشنایی زدایی وزنی در قصیده‌های ناصر خسرو» ،دوفصل‌نامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۱۸× شماره ۶۹ ، پاییز۱۳۸۹،

علوی‌فرد ، یحیی: وزن ارزشی در شعر کودک ، ناشر عمو علوی ، چ ۱ ، ۱۳۹۴

فرخزاد، فروغ : تولدی دیگر ، نشر مروارید ، ۱۳۴۲

فرزاد، مسعود : عروض مولوی، خرد و کوشش اردیبهشت ۱۳۴۹ شماره ۵

فولادی ، علیرضا : مبانی عروض فارسی ، نشر فراگفت ، چ ۱ ، ۱۳۸۲

فیروزیان، مهدی: بررسی عروضی غزل‌های منزوی، نامه فرهنگستان دوره سیزدهم پاییز ۱۳۹۲ شماره ۱ (پیاپی ۴۹)

قهرمانی مقبل، علی اصغر: عروض و قافیه فارسی با رویکرد جدید، نشر نی، چاپ اول، تهران ۱۴۰۲

کابلی ، ایرج: وزن شناسی و عروض ، نشر آگه ، چ ۱ ، ۱۳۷۶

مازندرانی ، محمد بن علی محمد (متخلص به بیدل کرمانشاهی): قوائم العروض ، نسخه خطی موجود در کتابخانه‌ی آیت الله مرعشی نجفی قم به شماره ۵۰۱۳ (کل ارجاعات به این کتاب در این متن از (مدرسی*) است)

ماهیار ، عباس: عروض فارسی: چاپ اول ، نشر قطره ، تهران ۱۳۷۳

محجوب ، محمد جعفر: سبک خراسانی در شعر فارسی ، انتشارات دانشسرای عالی ، شماره‌ی ۴۴ ، ۱۳۵۰

محمدی ،داود: معرفی اوزان تازه و نادر در اشعار سیمین بهبهانی ، مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی ، سال ۲ ، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۰

مدرسی ، حسین: فرهنگ توصیفی اصطلاحات عروض ، ناشر سمت ، چاپ اول ۱۳۸۰ (مدرسی،۱۳۸۰)

مدرسی ، حسین: فرهنگ کاربردی اوزان شعر فارسی ، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی ، چ ۱ ، ۱۳۸۴ (مدرسی*)

مقصودی ، نورالدین : مقاله مستزاد ، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد ، ،تابستان ۱۳۵۵ شماره ۴۶ (مقصودی ، ۱۳۵۵ الف:)

مقصودی ، نورالدین : مقاله تحول و تکامل مستزاد، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد ، سال دوازدهم پاییز ۱۳۵۵ شماره ۴۷ (مقصودی ، ۱۳۵۵ ب:)

میرزا خان ابن فخر الدین محمد ، تحفه الهند ، تصحیح و تحشیه دکتر نورالحسن انصاری ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، جلد اول ، ۱۳۵۴

ناتل خانلری ، پرویز: وزن شعر فارسی ، انتشارات توس ، چ ۲ ، ۱۳۶۷

نجفی ، ابولحسن – سمیعی گیلانی، احمد: پاره های موزون گلستان سعدی ، نامه‌ی فرهنگستان ، شماره ۳ ، ۱۳۷۴ (نجفی و سمیعی،۱۳۷۴)

نجفی ، ابولحسن : معیار الاشعار ، این اثر ناشناخته ، مجله فرهنگ ، شماره ۴۴ و ۴۵ ، زمستان ۸۱ و بهار ۸۲ (نجفی ، ۱۳۸۱)

نجفی ، ابولحسن: کتاب جشن نامه استاد دکتر محمد خوانساری (مقاله‌ی وزنهای تازه در شعر بهار نوشته‌ی ابولحسن نجفی) ، نشر آثار ، تهران ۱۳۸۴ (نجفی،۱۳۸۴)

نجفی ، ابولحسن: وزن شعر فارسی (درس نامه) ، انتشارات نیلوفر ، چاپ اول ، ۱۳۹۰
نجفی ، ابولحسن: مقاله ی دایره ای با ۱۸۰ وزن در کتاب « وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز» ، به کوشش امید طبیب زاده ، نشر آثار ، چ ۱ ، ۱۳۹۰ (مجموعه سخن رانیهای نخستین هم اندیشی وزن شعر فارسی در اردیبهشت ۸۹) (نجفی، ۱۳۹۰)
نجفی ، ابولحسن ، درباره طبقه بندی وزن های شعر فارسی ، چ ۱ ، ۱۳۹۴ ، انتشارات نیلوفر (نجفی،۱۳۹۴،الف)
نجفی ، ابولحسن : اختیارات شاعری و مقاله های دیگر در عروض فارسی ، انتشارات نیلوفر ، چ۱ ، ۱۳۹۴ (نجفی، ۱۳۹۴،ب)
نجفی، ابوالحسن: *طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی به همت امید طبیب زاده*، انتشارات نیلوفر، چاپ اول، تهران ۱۳۹۷ (نجفی*)
نصیری فر ، حبیب الله: ترانه ها و آهنگ های جاودانه ، نشر ثالث ، چ ۵ ، ۱۳۸۸
واله‌ی داغستانی ، علیقلی: ریاض الشعرا (نسخه‌ی خطی موجود در کتابخانه ملی ملک به شماره ۴۳۰۱ تهران)
(کل ارجاعات به این کتاب در این متن از (مدرسی*) است)

وحیدیان‌کامیار ، تقی: بررسی منشا وزن شعر فارسی ، ناشر آستان قدس ، چ ۱ ، ۱۳۷۰ (وحیدیان‌کامیار،۱۳۷۰)
وحیدیان‌کامیار ، تقی: فرهنگ اوزان شعر فارسی ، ناشر دانشگاه فردوسی ، چ ۱ ، ۱۳۸۹ (وحیدیان‌کامیار*)
وحیدیان‌کامیار ، تقی: وزن و قافیه‌ی شعر فارسی ، مرکز نشر دانشگاهی ، چ ۵ ، ۱۳۸۰
وقارالسلطنه (نواده وصال شیرازی متخلص به اورنگ) : نصاب الرجال ، چاپ علی اکبر جهرمی و شرکا جی جی هپتال ، بمبئی (سال چاپ ؟)
یوشیج ، نیما : مجموعه آثار نیما یوشیج ، دفتر اول شعر ، نشر ناشر ، چاپ اول ، ۱۳۶۴

فرهنگِ دودوییِ جامعِ وزن‌هایِ شعرِ پارسی



فرهنگ دودویی جامع وزن‌های شعر پارسی

نویسنده و مولف : سید نقی ابوالحسنی